



دیدگاهها

جلد دوم

پیامها، نظریه‌ها و مصاحبه‌های

فقیه عالیقدر

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

دیدگاهها «جلد دوم»

(پیامها، نظریه‌ها و مصاحبه‌های فقیه عالیقدر)

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۵

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

﴿ دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری ﴾

قم، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۱۲

تلفن: ۱۴-۷۷۴۰۰۱۱ * فاکس: ۷۷۴۰۰۱۵

سایت اینترنتی: WWW . AMONTAZERI . COM

انسانها به هر اندازه بزرگتر و کمال یافته‌تر
باشند، در جامعه تنهاتر می‌شوند؛ بر همین اساس
می‌توان غربت علی عليه السلام را چه در دوران حیاتش و
چه در میان شیفتگان آینده‌اش گمانه زد، و البته
هرچه این غربت بیشتر، بار مسئولیت آنان نسبت
به جامعه سنگین‌تر می‌گردد، مسئولیتی که از
تنهایی برمی‌خیزد.

﴿ فهرست مطالب ﴾

۲۳	مقدمه
۲۵	۱- متن نامه حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور و پاسخ معظم له
۲۶	آیا حکومت و ریاست بر مردم بدون رضایت ایشان مردود است؟
۲۹	۲- متن سؤالات حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور و پاسخ معظم له
۳۱	فقه و فقیه و ولایت فقیه و عبارت «تعیین مصداق شأن فقیه نیست»
۳۳	۳- پاسخ به سؤالی در رابطه با احتمال حمله نظامی آمریکا به عراق
۳۵	۴- پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون شبیه‌سازی انسان، و شرایط لغو یا تبدیل احکام اولیه اسلام
۳۷	۵- گفتگوی تاریخی با رادیو بی بی سی (ساعاتی قبل از رفع حصر)
۴۳	۶- گزارش رفع حصر (۱)
۴۴	لزوم توجه به شعارها و اهداف اولیه انقلاب
۴۵	رد نظارت استصوابی
۴۵	انتقاد از برخی ارگانهای غیرقانونی
۴۵	اهمیت شوراها
۴۷	۷- گزارش رفع حصر (۲)
۴۷	اعتباری بودن و بی‌ارزش بودن مناصب دنیوی
۴۷	اهمیت خدمت به خلق خدا
۴۹	۸- گزارش رفع حصر (۳)
۴۹	مبحث تقیه
۵۱	۹- گزارش رفع حصر (۴)
۵۳	۱۰- گزارش رفع حصر (۵) - دیدار شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی
۵۴	امربه معروف و نهی از منکر و بی‌تفاوت نبودن نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی
۵۵	لزوم تحزب سیاسی

- استقبال از انتقادات سازنده ۵۷
- اعتقاد به ولایت فقیه ۵۷
- وظایف شورای نگهبان ۵۹
- ۱۱- گزارش رفع حصر (۶) - دیدار جمعی از روحانیون و افرادی که به دلیل
فعالیت‌های سیاسی زندانی شده بودند ۶۲
- مقام صابران ۶۲
- مبحث تقیه ۶۲
- اهمیت تحصیل و علم‌اندوزی ۶۳
- رعایت تقوای الهی در فعالیت‌های سیاسی ۶۴
- ۱۲- دیدار اعضای کمیسیون حقوق بشر اسلامی ۶۵
- سفارش به استقامت و پشتکار در دفاع از حقوق شهروندان ۶۵
- اظهار نگرانی از محاکمات سیاسی ۶۶
- حق اظهار نظر برای همه ۶۶
- تأکید بر شعارهای اولیه انقلاب ۶۷
- انتقاد از نهادهای فراقانونی ۶۷
- دنیای امروز دنیای رسانه‌هاست ۶۸
- لزوم هم‌اندیشی علمای دین با نهادهای مربوط به حقوق بشر ۶۸
- ۱۳- پاسخ به سؤال یک خبرنگار، هنگام شرکت در انتخابات دوّمین دوره
شوراهای اسلامی شهر و روستا ۷۰
- ۱۴- گزارش رفع حصر (۷) ۷۲
- ۱۵- پاسخ به برخی پرسش‌های اعتقادی و سیاسی ۷۴
- حق اظهار نظر برای همه ۷۷
- محارب و برانداز کیست؟ ۷۷
- آیا اسلام با قدرت شمشیر وارد ایران شد؟ ۷۷
- آیا حجاب در اسلام اجباری است؟ ۷۸
- آیا فروع دین اجباری است؟ ۷۸
- معنای عصمت ۷۹

۷۹ چه کسانی وارد بهشت می شوند؟
۸۰ ازدواج با اهل کتاب و حکم ذبیحۀ آنان
۸۰ معنای تقلید
۸۱ حق طلاق
۸۱ مشروعیت رهبر
۸۱ ملاک بلوغ دختر
۸۲ ازدواج غیر دائم
۸۳ اعتقاد به چشم زخم
۸۳ زندان و زندانی سیاسی از دید اسلام
۸۴ سنگسار در اسلام
۸۵ آیا در اسلام شکنجه مفهومی دارد؟
۸۵ موسیقی در اسلام
۸۵ آیا در اسلام ترور داریم؟
۸۶ حکم ارتداد
۸۶ اجرای حدّ در بلاد غیر مسلمان
۸۷ ۱۶- پیام در مورد تهاجم آمریکا و انگلستان به عراق
۹۳ ۱۷- دیدار انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران
۹۳ جراید و رسانه‌ها ارگان مردم هستند نه ارگان حکومت‌ها
۹۴ سانسور و خودسانسوری عامل اصلی در عدم استقلال جراید است
۹۵ انتقاد شاهیت آزادی مطبوعات است
۹۶ در مسأله انتقاد افراد خطوط قرمز محسوب نمی شوند
۹۷ سفارش روزنامه‌نگاران به صبر و استقامت
۹۷ لزوم مطالعه و بررسی جراید برای همه
۹۸ طرح اشکالات به آموزه‌های دینی
۹۸ اختناق و سانسور موجب عقب ماندگی کشور و جامعه می شود
۹۹ بنای اسلام بر دموکراسی و حکومت مردمی است
۱۰۰ ۱۸- تشکر از پزشکان بیمارستان مرکز قلب تهران

- ۱۹- دیدار آقایان دکتر سیدهاشم آقاجری، احمد قابل، عمادالدین باقی و علی مزروعی نماینده مجلس و رئیس انجمن صنفی مطبوعات ۱۰۱
- ۱۰۲ اظهار تأسف از انحصارطلبی ها..... ۱۰۲
- ۱۰۲ عفو و گذشت نسبت به مخالفین و مشورت با آنان زمینه ساز وفاق ملی ۱۰۲
- ۱۰۳ ملاک ارتداد قصد انهدام اصل اسلام است ۱۰۳
- ۱۰۴ نارضایتی مردم باعث بهانه و طمع دول خارجی می شود..... ۱۰۴
- ۲۰- دیدار شاخه جوانان جبهه مشارکت شرق تهران ۱۰۵
- لزوم علم اندوزی جوانان و دانشجویان در عین دخالت در امور سیاسی ۱۰۵
- تقسیم بندی علوم اسلامی..... ۱۰۵
- پاسخ به سؤالی در مورد جریان مکفارلین..... ۱۰۷
- عدم نیاز به رفراندوم در مورد رابطه ایران و آمریکا..... ۱۰۷
- موضع ایشان پس از فتح خرمشهر ۱۰۸
- توبه سیاسی ۱۰۹
- رابطه ایران با انگلیس و اسرائیل..... ۱۰۹
- ۲۱- دیدار جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاههای: تربیت مدرس، تهران، علوم پزشکی تهران و امام حسین علیه السلام ۱۱۱
- تسلیم سالروز شهادت آیت الله مطهری..... ۱۱۲
- ارزش علم و معلم و تعلیم ۱۱۲
- بهادادن به اساتید و سختگیری نکردن نسبت به آنها ۱۱۴
- مقام صابران ۱۱۶
- لزوم تقویت مجلس نه تضعیف آن..... ۱۱۷
- آزادی مشروع مانع فرار مغزها..... ۱۱۸
- لزوم تشکل مردم عراق ۱۲۰
- ۲۲- دیدار اعضای شورای عالی، فراکسیون و دبیران استانهای حزب همبستگی ۱۲۱
- تحزب و تشکل وظیفه شرعی است..... ۱۲۲
- حق انتقاد برای همه ۱۲۲
- لزوم تمکین به رأی و نظر مردم و نمایندگان آنان ۱۲۳
- ۲۳- پاسخ به پرسش های مجمع نمایندگان اهل سنت ۱۲۵

- ۲۴- دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۲۸
- مقصود از اصلاحات ۱۲۸
- حق انتقاد برای همه ۱۲۹
- تحمل نظرات مردم مانع طمع دشمنان ۱۳۰
- بازداشت‌های سیاسی از نظر اسلام معنا ندارد ۱۳۱
- معنای سیاسی بودن دانشگاهها ۱۳۱
- ۲۵- پاسخ به سؤال دانشجویان پیرامون هجوم به خوابگاههای دانشجویی ۱۳۳
- ۲۶- دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تبریز ۱۳۵
- حق اظهارنظر آزادانه برای همه ۱۳۵
- معنای جمهوری اسلامی ۱۳۶
- در اسلام زندانی سیاسی نداریم ۱۳۷
- پشتوانه قوی مردمی مانع از تجاوز بیگانگان ۱۳۷
- مفسران دین محدود در چند نفر خاص نیستند ۱۳۷
- ۲۷- دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید رجایی تهران و جمعی از فعالان
سیاسی صومعه سرا و فومنات استان گیلان ۱۳۹
- تفسیر سوره عصر ۱۳۹
- مسئولیت انسانها در قبال مسائل اجتماعی ۱۴۱
- پاسخ به سؤالی مبنی بر علت اصلی برکناری ایشان از قائم مقامی رهبری ۱۴۱
- نظریه ولایت مطلقه فقیه ۱۴۲
- دخالت شورای نگهبان در انتخابات ۱۴۲
- راهکار جهت فعالیت‌های سیاسی ۱۴۳
- سفارش به علم‌اندوزی ۱۴۳
- ۲۸- دیدار خانواده دانشجویان زندانی و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه
علامه طباطبایی ۱۴۴
- حق اظهارنظر برای همه ۱۴۴
- بازداشت‌های سیاسی مطابق با سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست ۱۴۵
- گلایه از تشعب و اختلاف در دفتر تحکیم وحدت ۱۴۶
- احساس آرامش زندانیان سیاسی از عمل به وظیفه خویش ۱۴۶

- ۲۹- پیام تسلیت به مناسبت شهادت آیت‌الله سید محمد باقر حکیم ۱۴۸
- ۳۰- مشروح بیانات در سیزدهم رجب ۱۴۲۴ ق سالروز ولادت با سعادت
مولا امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام ۱۵۱
- سخنرانی سیزدهم رجب سال ۱۴۱۸ ق و پیامدهای آن ۱۵۱
- با زور و چماق نمی‌توان از دین خدا محافظت کرد ۱۵۲
- سکوت در مقابل ظلم و ظالمین ۱۵۲
- ۳۱- پاسخ به نامه شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی ۱۵۴
- سفارش به علم‌اندوزی و تعهد داشتن ۱۵۵
- حق و حقیقت را معیار قرار دهید نه خواسته‌های گروهی را ۱۵۵
- ۳۲- مصاحبه نشریه ژاپنی «یومیوری» ۱۵۶
- حوزه علمیه قم و نجف ۱۵۶
- استقلال حوزه‌های علمیه ۱۵۸
- نوع حکومت آینده عراق ۱۵۹
- اصلاحات مطلوب ۱۶۰
- قانون اساسی و ولایت فقیه ۱۶۰
- آینده روابط ایران و عراق ۱۶۱
- انتقاد حق مردم است ۱۶۱
- راه برون‌رفت از بن‌بست سیاسی و رابطه با آمریکا ۱۶۲
- ۳۳- مشروح بیانات در شروع مجدد درس خارج فقه ۱۶۴
- سفارش به استقلال حوزه‌های علمیه ۱۶۵
- رعایت امور اخلاقی ۱۶۷
- ۳۴- گفتگو با نشریه اسپانیایی «ال‌پایس» و خبرگزاری «رویترز» ۱۷۱
- وضعیت فعلی و آینده ایران ۱۷۱
- راه برون‌رفت از وضعیت فعلی ۱۷۲
- حمایت مردمی از حاکمیت ۱۷۲
- حکومت دینی ۱۷۳
- نظارت استصوابی ۱۷۴
- فعالیت‌های هسته‌ای ایران ۱۷۴

- ۱۷۵ وضعیت آینده عراق
- ۱۷۶ احساس ایشان نسبت به آزادی و شروع مجدد تدریس
- ۳۵- مصاحبه خبرنگار کانادایی ۱۷۷
- ۱۷۷ آرمانهای اولیه انقلاب
- ۱۷۸ فعالیتهای هسته‌ای ایران
- ۱۷۹ حکومت فردی و سلب آزادی افراد
- ۱۷۹ رابطه ایران با دنیای غرب
- ۱۸۰ سازش فلسطینی‌ها با اسرائیل
- ۱۸۰ ولایت فقیه
- ۱۸۱ آیا اصل انقلاب ایران صحیح بود؟
- ۳۶- مصاحبه سردبیر و خبرنگار روزنامه «واشنگتن پست» ۱۸۲
- ۱۸۲ بازداشت یک روزه فرزندان و اعضای دفتر ایشان
- ۱۸۳ فعالیتهای هسته‌ای ایران
- ۱۸۴ آرمانهای اولیه انقلاب
- ۱۸۵ روابط ایران با غرب و آمریکا
- ۱۸۶ تصویر ایرانیان از عراق
- ۱۸۷ پیاده‌شدن اهداف اساسی انقلاب
- ۱۸۷ پیام برای ملت آمریکا
- ۳۷- مصاحبه نشریه استرالیایی «سیدنی مورنینگ هرالده» ۱۸۹
- ۱۸۹ مشکل اساسی در ایران دولت در دولت است
- ۱۹۰ هدف از تأسیس جمهوری اسلامی
- ۱۹۱ نظارت استصوابی
- ۱۹۱ بازداشت‌ها و محاکمات سیاسی
- ۱۹۲ شورای استفتاء
- ۱۹۲ مراکز تصمیم‌گیری در ایران متعدد است
- ۳۸- پاسخ به سؤالات جمعی از فعالان سیاسی در مورد زندان و زندانی سیاسی ۱۹۴
- ۱۹۵ صلاحیت شرعی قضات

- ۱۹۵ اعمال فشار به زندانی و با خانواده‌اش
- ۱۹۶ حق دفاع
- ۳۹- دیدار جمعی از اعضای سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم و وحدت) . ۱۹۷
- ۱۹۸ بازنگری قانون اساسی
- ۱۹۸ ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی
- ۴۰- پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مورد مشکلات ساختاری ایران ۲۰۰
- ۴۱- مصاحبه روزنامه انگلیسی «گاردین» ۲۰۲
- ۲۰۲ اهمیت احراز جایزه توسط خانم شیرین عبادی
- ۲۰۲ یک لحظه تاریخی از حوادث انقلاب
- ۲۰۳ آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها
- ۲۰۴ بازنگری قانون اساسی
- ۲۰۵ نقش ایران در رابطه با آینده عراق
- ۲۰۶ همیشه صریح‌اللهجه بوده‌ام
- ۲۰۶ حکومت فردی و انحصاری ثبات ندارد
- ۴۲- پیام تسلیت به مناسبت زلزله غمبار شهرستان بم ۲۰۸
- ۴۳- پاسخ به پرسش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در مورد وظیفه مسلمانان و دولتمردان در قبال ممانعت از رعایت حجاب بانوان مسلمان ۲۰۹
- ۴۴- دیدار و مصاحبه هیئت تحریریه ماهنامه «نامه» ۲۱۰
- ۲۱۰ اهداف اصلی انقلاب
- ۲۱۳ انحراف در مسیر انقلاب
- ۲۱۶ از دست دادن فرصت‌ها
- ۲۱۷ ولایت فقیه
- ۲۱۸ سازگاری جمهوریت و اسلامیت
- ۲۱۹ حقوق بشر از دیدگاه اسلام
- ۲۲۰ نقاط مثبت تحولات
- ۲۲۰ نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان
- ۴۵- در مورد رد صلاحیت کاندیداهای مجلس شورای اسلامی ۲۲۲

- ۲۲۵ ۴۶- مصاحبه خبرگزاری ژاپنی «کیودو»
- ۲۲۵ اصلاحات بازگشت به آرمانهای اولیه انقلاب است
- ۲۲۵ دستاوردهای انقلاب
- ۲۲۶ تغییر در آینده سیاسی-اجتماعی ایران
- ۲۲۶ روابط ایران و آمریکا
- ۲۲۷ رابطه دین و حکومت
- ۲۲۸ مثبت‌ترین و منفی‌ترین اثر پیروزی انقلاب
- ۲۲۸ رفع حصر
- ۲۳۰ ۴۷- مصاحبه هفته‌نامه خبری اتریشی «ورلاگزگروپ»
- ۲۳۰ هدف از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی
- ۲۳۱ آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها
- ۲۳۴ ۴۸- مصاحبه روزنامه ژاپنی «یومیوری»
- ۲۳۴ شعارها و آرمانهای اولیه انقلاب
- ۲۳۶ ولایت مطلقه فقیه
- ۲۳۷ تضاد در ساختار نظام
- ۲۳۷ رابطه دین و حکومت
- ۲۳۸ ولایت فقیه و حکومت مردمی
- ۲۳۹ تحصن نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ۲۳۹ فعالیت‌های هسته‌ای ایران
- ۲۴۰ دهکده جهانی و جامعه دینی
- ۲۴۱ حکومت آینده عراق
- ۲۴۲ برکناری از مسئولیت
- ۲۴۳ ۴۹- نامه به فقها و حقوقدانان محترم شورای نگهبان
- ۲۴۶ ۵۰- گزارش دیدار سفیر کشور آلمان در ایران
- ۲۴۶ لزوم حمایت آلمان و دیگر کشورها از تشکیل کشور مستقل فلسطینی
- ۲۴۸ وحدت جهان اسلام و رابطه با دیگر کشورها
- ۲۴۹ موقعیت علمی نجف و قم

- ۲۴۹ تشکیل حکومت در عراق.
- ۲۵۰ ولایت مطلقه فقیه.
- ۲۵۱ ۵۱- مصاحبه خبرنگار روزنامه ایتالیایی «گریه دلایسرا».
- ۲۵۱ هدف از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی.
- ۲۵۲ نهادهای غیر قانونی.
- ۲۵۲ وضعیت مطبوعات در ایران.
- ۲۵۳ اصلاحات همان آرمانهای اولیه انقلاب است.
- ۲۵۳ ولایت مطلقه فقیه.
- ۲۵۴ اعمال خشونت به نام اسلام.
- ۲۵۵ ۵۲- مصاحبه نشریه دانمارکی «پلیتیکن».
- ۲۵۵ مشروعیت رهبر از مردم است یا از دین؟
- ۲۵۵ نقش عالمان دینی.
- ۲۵۸ ۵۳- پاسخ به سؤال خبرگزاری «ایلنا» درباره فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات.
- ۲۶۰ ۵۴- پاسخ به پرسش های ارسال شده.
- ۲۶۰ آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها.
- ۲۶۱ مردم باید سخن آخر را بگویند.
- ۲۶۲ رابطه دین و حکومت.
- ۲۶۳ ۵۵- دیدار نمایندگان متحصن و مستعفی مجلس ششم.
- ۲۶۴ قانونی نبودن نظارت استصوابی.
- ۲۶۴ سفارش بر استقامت.
- ۲۶۶ ۵۶- مصاحبه خبرنگار روزنامه آلمانی «اشترن».
- ۲۶۶ هدف اصلی از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی.
- ۲۶۷ جمهوریت و ولایت فقیه.
- ۲۶۸ برکناری از مسئولیت.
- ۲۶۸ حکومت آینده عراق.
- ۲۶۹ کیفیت تدریس پس از رفع حصر.
- ۲۶۹ تشکر از دولت آلمان به دلیل میانجیگری برای تبادل اسرای فلسطینی و اسرائیلی.

- ۵۷- پاسخ به پرسش‌های مجله «فلوشیپ» چاپ نیویورک ۲۷۱
- ولایت فقیه ۲۷۱
- حقوق بشر از دیدگاه اسلام ۲۷۲
- اعمال خشونت به نام دین ۲۷۳
- احقاق حقوق ملت‌های مسلمان ۲۷۴
- رشد و تعالی ادیان ۲۷۵
- سازش فلسطینی‌ها با اسرائیل ۲۷۶
- گفتگوی بین ادیان ۲۷۷
- پیام برای مردم آمریکا ۲۷۸
- ۵۸- مصاحبه تلویزیونی شبکه جهانی بی بی سی (BBC WORLD) ۲۸۰
- آیا احساسات ضد آمریکایی در به وجود آمدن انقلاب دخیل بود؟ ۲۸۰
- تسخیر سفارت آمریکا ۲۸۲
- انقلاب یعنی تحوّل در روشهای گذشته ۲۸۲
- کشور متعلق به همه مردم است ۲۸۳
- چرا اتحاد تبدیل به افتراق شد؟ ۲۸۴
- جنگ ایران و عراق ۲۸۴
- صدور انقلاب به سایر کشورها ۲۸۵
- ردّ صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان مصداق سلب آزادی است ۲۸۶
- ۵۹- مصاحبه خبرنگار نشریه «شیکاگو تریبون» ۲۸۷
- ولایت فقیه ۲۸۷
- فلسفه ایجاد شورای نگهبان ۲۸۸
- مسئولیت پس از پیروزی انقلاب ۲۸۸
- برکناری از مسئولیت ۲۹۰
- احساس ایشان در زمان تهاجم نیروهای حزب‌الله و نیز دوران حصر ۲۹۰
- بزرگترین اشتباه در موضع‌گیری ۲۹۱
- ۶۰- پیام به مناسبت شهادت مظلومانة عزاداران حسینی در روز عاشورا ۲۹۳
- ۶۱- پاسخ به تسلیت شهادت شیخ احمد یاسین رهبر حماس ۲۹۵

- ۶۲- پاسخ به پرسش های خبرنگار مجله «تایم» چاپ آمریکا ۲۹۷
- حکومت آینده عراق ۲۹۷
- گروه مقتدی صدر و جیش المهدی ۲۹۸
- ۶۳- پاسخ به تسلیت شهادت عبدالعزیز رنتیسی رهبر حماس ۲۹۹
- ۶۴- دیدار اعضای انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ۳۰۱
- دفاع از حقوق مردم ۳۰۱
- لزوم آزادی فکر، عقیده و بیان ۳۰۲
- مخالفان عقیدتی ۳۰۳
- لزوم وجود رسانه های آزاد و مستقل از دولت ها ۳۰۳
- تضاد در قانون اساسی ۳۰۳
- شورای نگهبان و رد صلاحیت ها ۳۰۴
- ۶۵- مصاحبه دکتر «وُدگ» خبرنگار آلمانی بخش غربی صدای آلمان و خانم «گارین»
خبرنگار نشریه دو یچه آلمان ۳۰۶
- عواقب رد صلاحیت ها توسط شورای نگهبان ۳۰۶
- ولایت فقیه ۳۰۸
- اسلام دین رحمت و عطف است ۳۰۹
- رابطه دین و حکومت ۳۱۰
- تطبیق اسلام با جامعه ۳۱۱
- ۶۶- پاسخ به پرسش هایی پیرامون مجازات های اسلامی ۳۱۴
- معیار ثابت یا متغیر بودن احکام شرع ۳۱۴
- اجرای حدی که در شرایط خاص موجب وهن اسلام است ۳۱۷
- آیا اجرای مجازات ها باید علنی باشد؟ ۳۱۸
- عدم جواز استفاده از مجازات شدیدتر ۳۲۲
- تعزیر نایستی موجب هتک کرامت انسانی شود ۳۲۳
- ۶۷- مصاحبه خبرنگار روابط بین الملل تلویزیون اتریش (ORF) ۳۲۵
- ارتباط علمی حوزه قم با مراکز علمی دیگر کشورها ۳۲۵
- حوزه علمیه قم و حوزه علمیه نجف ۳۲۵
- آیا اسلامی که در ایران هست می تواند الگو واقع شود؟ ۳۲۷

- تنظیم قانون اساسی ۳۲۸
- دموکراسی در اسلام و دموکراسی در کشورهای غربی ۳۲۹
- روگردانی نسل آینده از اسلام ۳۳۰
- ۶۸- مصاحبه هفته نامه «پیک روز» چاپ کانادا ۳۳۲
- رابطه اسلام و خشونت ۳۳۲
- فلسفه حدود اسلامی ۳۳۳
- تکلیف شرعی در مسائل سیاسی ۳۳۴
- انتقاد و تذکر مخصوص طبقه خاص نیست ۳۳۴
- فلسفه تشریح احکام ۳۳۵
- ۶۹- پاسخ به پرسشی پیرامون مطلب مندرج در کتاب «تتمة الأعلام» ۳۳۸
- ۷۰- پاسخ به پرسشی پیرامون مطلبی در روزنامه کیهان ۳۳۹
- ۷۱- پاسخ به نامه حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی رئیس جمهور
تحت عنوان «نامه ای برای فردا» ۳۴۱
- ۷۲- پاسخ به پرسش های خبرنگار صدای آمریکا ۳۴۶
- آیت الله سیستانی ۳۴۶
- مقتدی صدر ۳۴۷
- نقش ایران در سیاست عراق ۳۴۷
- برقراری رابطه ایران با آمریکا ۳۴۷
- ۷۳- پیام تسلیت به مناسبت شهادت آقای حاج داود کریمی ۳۴۹
- ۷۴- مصاحبه خبرنگار ایتالیایی ۳۵۰
- رابطه اسلام با دیگر ادیان ۳۵۰
- جایگاه خشونت در اسلام ۳۵۱
- ارتباط سیاست با مذهب و عقل با شرع ۳۵۲
- جایگاه زنان در اسلام و اشاره به مسأله ارث ۳۵۳
- ۷۵- مصاحبه خبرگزاری «آسوشیتد پرس» ۳۵۶
- مسائل و مشکلات عراق ۳۵۶
- برخوردهای غیرانسانی و غیر منطقی گروه های فشار ۳۵۷

- ۳۵۹ ۷۶- مصاحبه خبرنگار نشریه مصری «الوطن العربی»
- ۳۵۹ آرمانها و دستاوردهای انقلاب
- ۳۶۰ رعایت موازین اسلام و قانون اساسی
- ۳۶۱ صدور انقلاب
- ۳۶۱ اسلام و تروریسم
- ۳۶۱ سوء مدیریت
- ۷۷- دیدار دبیرکل، اعضای شورای مرکزی، دبیران استانها و مسئولین شاخه‌های حزب مردم‌سالاری ۳۶۳
- ۳۶۶ ۷۸- پاسخ به سؤالات «رادیو فردا» پیرامون تشیع و مرجعیت دینی
- ۳۶۸ اساسی‌ترین مشکل در راه حاکم‌شدن اسلام واقعی
- ۳۶۹ ولایت فقیه و مرجعیت شیعه
- ۳۷۲ ۷۹- پیام به مناسبت درگذشت برادر مجاهد آقای ابوعمار یاسر عرفات
- ۳۷۶ ۸۰- پاسخ به پرسش بخش فارسی رادیو بی بی سی در مورد حجاب بانوان و اشتغال آنها
- ۳۷۸ ۸۱- پاسخ به پرسش دانشجویان دانشگاه کلن آلمان در مورد برگزاری فراندوم
- ۳۷۹ ۸۲- پیام به حضرات آیات عظام و علمای اعلام نجف و کربلا
- ۳۸۱ ۸۳- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مرحوم حاج آقا مجتبی آیت
- ۳۸۴ ۸۴- پاسخ به پرسش بخش فارسی رادیو بی بی سی در مورد برگزاری فراندوم و نظارت نهادهای بین‌المللی
- ۳۸۴ ۸۵- پاسخ به سؤال خبرگزاری کارایران (ایلنا) در خصوص تعیین سقف مهریه زنان
- ۳۸۷ ۸۶- پاسخ به سؤالات خبرگزاری «رویترز» در مورد انتخابات آینده عراق
- ۳۸۸ روابط ایران و عراق
- ۳۸۸ نقش روحانیون در حکومت عراق
- ۳۸۹ حقوق شیعیان و سنی‌ها
- ۳۸۹ حوزه علمیة نجف و قم
- ۳۹۰ ۸۷- دیدار دبیرکل و اعضای نهضت آزادی ایران در دهمین سالگرد بزرگداشت مرحوم مهندس مهدی بازرگان
- ۳۹۳ ۸۸- پاسخ به پرسشی پیرامون حکم ارتداد

- ۸۹- پاسخ به پرسش یکی از ایرانیان خارج از کشور پیرامون تفکیک رهبری دینی از رهبری سیاسی ۳۹۴
- ۹۰- پیام تسلیت به مناسبت حادثه ناگوار زلزله زرنند کرمان ۳۹۵
- ۹۱- پاسخ به پرسش‌های آقای دکتر نعمت احمدی ۳۹۶
- اختلاف نظر در مباحث فقهی ۳۹۸
- شناسایی موضوعات احکام ثانوی ۳۹۹
- لزوم بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی ۴۰۰
- ۹۲- پاسخ به پرسش بخش اینترنتی فارسی بی بی سی پیرامون مصادیق «قتل نفس» ۴۰۲
- ۹۳- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت پاپ «ژان پل دوم» رهبر مسیحیان کاتولیک .. ۴۰۴
- ۹۴- پاسخ به پرسش‌های انجمن اسلامی دانشجویان فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان پیرامون اهمیت شورا از نظر اسلام و قانون اساسی ۴۰۶
- ۹۵- پاسخ به پرسش‌های سایت امروز پیرامون دو رخداد سیاسی ۴۰۹
- ۹۶- پیام تسلیت به مناسبت چهلمین روز درگذشت مرحوم آیت‌الله آشتیانی رحمته‌الله ۴۱۱
- ۹۷- پیام به مناسبت حمله و حشیانه حکومت یمن به شیعیان ۴۱۳
- ۹۸- مصاحبه دبیر خبرگزاری «رویترز» ۴۱۵
- انتخابات ریاست جمهوری ۴۱۵
- اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی ۴۱۶
- دخالت‌های آمریکا در کشورهای اسلامی و عراق ۴۱۷
- تقسیم قدرت در عراق ۴۱۹
- رابطه ایران با آمریکا ۴۱۹
- ۹۹- پاسخ به پرسشی پیرامون جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر و انتخابات ... ۴۲۰
- ۱۰۰- پیام به مناسبت پایان نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۴۲۲
- ۱۰۱- پیام در رابطه با انفجارات لندن ۴۳۳
- ۱۰۲- نامه به آقای اکبر گنجی جهت پایان دادن به اعتصاب غذا در زندان ۴۳۶
- ۱۰۳- اظهار تأسف نسبت به برخورد با بیت مرحوم آیت‌الله العظمی شیرازی .. ۴۳۷
- ۱۰۴- پیام به مناسبت حادثه دلخراش کاظمین ۴۳۹
- ۱۰۵- نامه خطاب به همسر آقای اکبر گنجی ۴۴۱

- ۱۰۶ - پاسخ به سؤالات سایت روز ۴۴۲
- اصول انقلاب ۴۴۲
- نیروهای طرفدار انقلاب ۴۴۳
- اولین انحراف در اصول انقلاب ۴۴۴
- دستاوردهای انقلاب ۴۴۵
- جریان واپس‌گرا و تحجر ۴۴۶
- پرونده هسته‌ای ایران ۴۴۶
- حقوق بشر در ایران ۴۴۷
- وظایف مسلمانان ۴۴۷
- اصلاح قانون اساسی لازمترین کار اصلاحی ۴۴۷
- رابطه ملت و مذهب ۴۴۸
- ۱۰۷ - پیام به ملت عراق به مناسبت انتخابات پارلمان ملی آن کشور ۴۴۹
- ۱۰۸ - مصاحبه خبرنگار هفته‌نامه «نیوزویک» ۴۵۱
- شعارها و آرمانهای اولیه انقلاب ۴۵۱
- بحران مشروعیت ۴۵۴
- آیا حکومت اسلام و ولایت فقیه با جمهوریت قابل جمع است؟ ۴۵۵
- اشتباهات مسئولین و لزوم تجدیدنظر ۴۵۷
- اعدام مجاهدین خلق و کمونیست‌ها ۴۵۸
- بحران انرژی هسته‌ای ۴۵۹
- رابطه ایران با آمریکا ۴۶۰
- کشتار یهودی‌ها ۴۶۱
- سفارش بر خبررسانی صحیح ۴۶۲
- ۱۰۹ - مصاحبه خبرنگار کانال سه تلویزیون ایتالیا ۴۶۳
- لزوم توجه به شعارها و اهداف اولیه انقلاب ۴۶۳
- آیا مسئولین انتقادپذیرند؟ ۴۶۴
- همیشه طالب حق باشید و منعکس‌کننده واقعیت‌ها ۴۶۷
- ۱۱۰ - دیدار اعضای نهضت آزادی ایران و جمعی از دوستان مرحوم مهندس مهدی بازرگان ۴۶۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

همواره و در هر عصر و زمانی شماری از نام‌آوران تاریخ در حجابِ شهرتشان پنهان بوده و شخصیت ممتاز و صفات کم‌بدیلشان محبوب و ناشناخته باقی مانده است؛ و اما شماری دیگر در هیاهوی سیاست و آشفته بازارِ قدرت، هدف تیرهای زهرآلودِ تحریف و تزویر قرار گرفته، شیفتگان قدرتِ حقگویی و عدالت‌خواهی آنان را برنتابیده و در حذف یا مخدوش ساختن چهرهٔ آنان تلاش کرده‌اند.

مرجع آزادی‌خواه و مظلوم‌شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی منتظری را می‌توان در زمرهٔ هر دو گروه فوق دانست. عده‌ای به شناختِ فی‌الجمله و آشنایی با نام او اکتفا می‌کنند و گمان دارند بالجمله به او دست یافته‌اند؛ و برخی در گردبادِ سهمگینِ تهمت و فریب و آسمان تیرهٔ تحریف، بیراهه را راه تصوّر کرده یا دچار سرگردانی و حیرت شده و توقف کرده‌اند. آری؛ شخصیت، احوال، افکار و آثار منتظری در غبار تحریف و در پردهٔ شهرتش مستور گشته است و به راستی می‌توان او را «آشنای غریب» نام نهاد.

مجموعهٔ حاضر تلاشی است ناچیز در معرفی و عرضهٔ اندیشهٔ او، تا روزه‌ای باشد برای آنان که در میان لایه‌های تاریک تحریف و تسویل در جستجوی حقیقت‌اند.

جلد نخست این کتاب به پیامها و نظریات منتشرهٔ معظم‌له در زمان حصر غیرقانونی و ناجوانمردانه اختصاص داشته است، و این مجلد به سه سال زمان

پس از حصر مربوط می‌شود؛ هرچند پنج عنوان نخست جلد دوم نیز در زمان حصر صادر و به آن تاریخ مرتبط می‌گردد.

همان‌گونه که در عنوان هر دو جلد تصریح شده، مجموعه گردآمده به پیامها و نظریات و مصاحبه‌های منتشره فقیه عالیقدر اختصاص دارد و از آنچه انتشار نیافته صرف نظر شده است؛ و لازم به ذکر است که برخی مطالب هم با توجه به اقتضائات زمان و دیگر علل به صورت خلاصه آمده و بعضاً تلطیف گردیده است. تکرار برخی از نقطه‌نظرات - چنان‌که در مقدمه جلد اول نیز اشاره شده است - بیانگر اهمیت آن موارد و تأکید آیت‌الله العظمی منتظری بر آنهاست، و یا از تکرار پرسش‌های مشابه توسط افراد مختلف نشأت گرفته است. مطالب مندرج در کتاب چنان‌که قبلاً به صورت موردی انتشار یافته‌اند بی‌کمی و فزونی آورده شده و فقط در مواردی تیتراهایی برای تسهیل بهره‌برداری خوانندگان عزیز افزوده شده، که آنها را داخل کروش [] نهاده‌ایم.

همچنین برخی از دیدارها و نقطه‌نظرات ارائه شده پس از رفع حصر که در قالب «گزارش رفع حصر» از سوی دفتر معظم‌له انتشار یافته، در همان شکل و محتوای انتشار یافته ارائه گردیده است؛ اگرچه آگاهان به خوبی واقف‌اند که رفع حصر فقیه عالیقدر علی‌رغم گذشت سه سال از آن به شکلی ناقص تحقق پذیرفته و هنوز هم برخی از تضییقات نسبت به ایشان ادامه دارد و حسینیه و برخی مراکز وابسته به ایشان در توقیف به سر می‌برند.

امید آن که روزی عدالت، آزادی و امنیت جهان را فراگیرد و عدالت‌گستر حقیقی با ظهور خود، بشریت را به هدایت و سعادت دنیا و آخرت رهنمون گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

بهار ۱۳۸۵

متن نامه حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور و پاسخ معظم له

۱۳۸۱/۸/۲۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک شیخنا الاستاد فقیه مجاهد حضرت آیت الله العظمی منتظری دام ظلّه سلام علیکم، خبرکسالت آن عالم ربانی باعث نگرانی شد. سلامتی عاجل، توفیق روزافزون و مزید عزت آن وجود شریف را از خدای بزرگ خواستارم. میلاد مسعود مهدی موعود (عج) را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. ظلمی که در این دو دهه بویژه در پنج سال حصر خلاف شرع (که متأسفانه هنوز ادامه دارد) آن هم از سوی مدعیان نیابت ولی عصر (عج) بر آن ناصح مشفق روا شده است نیاز به آن منجی نهایی و عدالت‌گستر آخرین را بیشتر عیان می‌کند. بی‌شک اگر حاکمیتی رویه ظالمانه با مردم خود بویژه عالمان منتقد در پیش گیرد قبل از هر چیز سند عدم مشروعیت خود را امضاء کرده است.

ضمن تشکر از دست نوشته کریمانه مبعث، موقع را مغتنم شمرده نظر شریفتان را درباره سند، ابعاد، لوازم و فروع قاعده فقهی «من تأمر الناس بغير رضاهم» که جناب ابن فهد حلی رحمته الله در اواخر کتاب الرسائل العشر قاطعانه به آن تمسک کرده و حکومت و ریاست بر مردم را بدون رضایت ایشان مردود شمرده است جو یا می‌شوم. بی‌شک آرای آن فقیه فرزانه به عنوان یکی از پیشگامان مردم‌سالاری دینی در تشریح بیشتر این نظریه همچون گذشته راهگشا خواهد بود. امیدوارم در این ایام پربرکت شاگرد کوچکتان را از دعای خیر فراموش نفرمایید. عزت عالی مستدام باد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۲۸ مهر ۱۳۸۱ - شعبان ۱۴۲۳

کمبریج - محسن کدیور

﴿ بسمه تعالی ﴾

[آیا حکومت و ریاست بر مردم بدون رضایت ایشان مردود است؟]

السلام علیکم، از این که در اثر کسالت شدید و وجود استفتائات فوری در پاسخ به پرسش جنابعالی تأخیر رخ داد معذرت می‌خواهم. همان‌گونه که اشاره کرده‌اید مرحوم ابن فهد حلّی رحمته الله در مسأله ۹ از رساله ۹ کتاب الرسائل العشر فرموده‌اند: «الاولی: لا يجوز التأمّر علی جماعه بغير رضاهم، إلا أن یولیّه المعصوم، و مع عدم ذلك لا يجوز قطعاً. الثانية: إذا رأى الانسان أن التأمّر علیهم فيه مصلحة لهم، لكنّه يحتاج مع ذلك إلى الضرب والشتم و أخذ بعض الأموال و فيه ترفیه علیهم أكثر مما يأخذ منهم، والضرر العائد إلیهم بترك هذه التولية أكثر من الضرب و مما يأخذ منهم لا يجوز اعتماد ذلك... و ترك ذلك أولى.»

اما مسأله اولی پس ظاهراً اشکالی در آن نیست؛ زیرا مشروعیت امارت و حکومت یا به جعل معصوم است و یا به قرارداد بین والی و رعیت، که از آن به بیعت تعبیر شده است؛ و صحت قرارداد تابع رضایت طرفین عقد است. و ادله و جوب وفای به عقود و عهود بر لزوم عمل به آن بر حسب خصوصیات مذکوره در عقد و از جمله مدت و حدود اختیارات دلالت دارند. و از اخبار کثیره استفاده می‌شود که تعیین والی و بیعت با او بر عهده مردم است. در این رابطه می‌توان به فصل ۴ از باب ۵ دراسات فی ولایة الفقیه، ص ۴۹۳ جلد اول مراجعه نمود.

از جمله طبری از محمد بن حنفیه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «فإن بیعتی لا تكون خفیة و لا تكون إلا عن رضی المسلمین» (ص ۵۰۴) و بر حسب نقل کامل ابن اثیر، آن حضرت در روز بیعت با ایشان در بالای منبر فرمودند: «أیّها الناس - عن ملاً و اذن - إنّ هذا أمرکم لیس لأحد فیہ حق إلا من أمرتم...» (ص ۵۰۵)

و از صحیح زراره استفاده می‌شود که تعیین والی واجد شرایط از وظایف مسلمین است و از احکام تکلیفی آنان می‌باشد. در جلد اول وسائل الشیعة اولین

حدیث کتاب: عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: «بني الإسلام على خمسة اشياء: على الصلاة والزكاة والحج والصوم والولاية» قال زرارة: فقلت: وأي شيء من ذلك أفضل؟ فقال: «الولاية أفضل، لأنّها مفتاحهن والوالي هو الدليل عليهن...». پیداست که این حدیث در مقام بیان امور اعتقادی اسلام نیست وگرنه متعرض توحید و نبوت و معاد می شد، مقصود بیان احکام اجرایی و عملی اسلام است.

و مقصود از ولایت تعیین حاکمیتی است که کلید سایر احکام است، و کلمه «والی» بر این امر دلالت دارد. منتها با وجود معصومین تعیین و اطاعت از آنان متعین است، چون آنان واجد شرایط لازمه می باشند.

و در اخبار مستفیضه از امامی که «أمّ قوماً و هم له کارهون» مذمت شده است؛ و هرچند در برخی از آنها به امام جماعت تصریح شده است (وسائل، باب ۲۷ جماعت) ولی اولاً در برخی از آنها مطلق است، و ثانیاً هنگامی که در امام جماعت به رضایت قوم اهمیت داده شده طبعاً در امام مطلق که در همه شئون می خواهند از او پیروی کنند بیشتر اهمیت دارد. و بالاخره فرموده مرحوم ابن فهد در قسمت اولی صحیح است ولی در قسمت ثانیه قابل خدشه است.

اگر فرض کردیم مردم به وظیفه خویش در تعیین حاکم واجد شرایط عمل نکردند و بی تفاوت شدند و جامعه مسلمین گرفتار هرج و مرج شد و جان و مال و ناموس و کیان مسلمین مورد هجوم یا در معرض خطر کلی قرار گرفت و کسانی باشند که توان ایجاد نظم و حکومت عادلانه را داشته باشند، در این صورت نمی توانیم بگوییم «ترکه اولی»؛ بلکه به حکم عقل مستفاد از مذاق شرع واجب است که به مقدار لزوم و ضرورت به حسب شرایط زمانی و مکانی کسانی که قادرند، متصدی امر حاکمیت گردند. آقایان در مثل امور صغار و مجانین و غیاب، تصدی من به الکفایة را لازم می دانند و می گویند می دانیم شرع به ترک آنها راضی نیست، آیا این گونه امور جزئی را شرع به اهمال آنها راضی نیست ولی در امور مهمه ضروریه ترک تصدی آنها اولی است؟!!

پس در درجهٔ اول بر فقهای توانمند و در درجهٔ بعد عدول مؤمنین و در درجهٔ سوم فسّاق مؤمنین واجب است متصدی حاکمیت گردند؛ هرچند مردم راضی نباشند و به سقوط خود راضی باشند؛ و این امر یک تکلیف است، البته به مقدار لزوم و ضرورت. ضمناً شتم هیچ‌گاه در حکومت محتاج‌الیه نمی‌باشد؛ و در موارد تزاحم ملاکات و احکام به حکم عقل اهم بر مهم مقدم است. می‌دانید که تفصیل این قبیل مسائل در نامه نمی‌گنجد و برای جنابعالی یک اشاره کافی است.

إن شاء الله سالم و موفق باشید و بتوانید در هر حال به اسلام و مسلمین و مظلومین خدمت کنید، و در این ماه رحمت و برکت از جنابعالی ملتمس دعای خیر می‌باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۵ رمضان المبارک ۱۴۲۳ - ۱۳۸۱/۸/۲۰

قم المقدسة - محصوراً فی الدار - حسینعلی منتظری

متن سؤالات حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور و پاسخ معظم له

۱۳۸۱/۸/۲۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک شیخنا الاستاد آیت الله العظمی منتظری دام ظلّه العالی

سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار. در این ماه پر برکت از خدای بزرگ سلامت، توفیق و مزید عزت آن وجود شریف را مسألت دارم. بی شک آغاز ششمین سال حصر ظالمانه آن عالم ربانی سند دیگری بر سوء تدبیر حکام عدالت ستیز است. با این که هنوز توفیق رؤیت پاسخ سؤالات قبلی نصیب نشده است با مشاهده پاسخ اخیر حضرت استاد به یکی از استفتائات مناسب دیدم سؤالاتی که از مدتها قبل در ذهنم جوانه زده مطرح کنم تا اگر مصلحت دانستید ارائه طریق بفرمایید. به نظر می رسد سؤالات ذیل سؤال بسیاری از علاقه مندان و مقلدان حضرت تعالی باشد. پیشاپیش از تصدیع عذر می خواهم. والامر الیکم.

پرسیده اند آیا رژیم کنونی ولایت فقیه را از مصادیق حکومت جائز می دانید؟ پاسخ فرموده اید:

«تعیین مصداق شأن فقیه نیست. ۸۱/۸/۲۰»

۱- آیا قواعد فقهی از قبیل «تعیین مصداق شأن فقیه نیست» یا «تطبیق کبریات بر صغریات خارج از وظایف مجتهد است» یا «تقلید در موضوعات غیر مستنبطه شرعی مجاز نیست» عموم و اطلاق دارند یا احیاناً قابل تخصیص و تقیید هستند؟

۲- با توجه به این که ولایت فقیه در حوزه عمومی (اعم از انتصابی یا انتخابی و اعم از مطلقه و مقیده) متوقف بر تعیین مصداق و تطبیق کبری بر صغری در سیاست است، چگونه می توان هم به قواعد فوق و هم به ولایت فقیه معتقد بود؟ و هل هذا الا التناقض؟

۳- از آنجاکه در قضاوت (همانند ولایت) که منحصرأ شأن فقیه دانسته شده انشای حکم دقیقاً

مبتنی بر تطبیق حکم بر موضوع و تعیین مصداق است، چگونه قضاوت فقیه با قواعد فوق جمع می شود؟

۴- اگر تعیین مصداق شأن فقیه نیست لذا سیاست ورزی فقیه (که شامل تطبیق احکام کلی بر مصادیق مشخص است) نیز ناشی از فقاہت او نیست. فقه معرفت الاحکام است و بخش معظم سیاست معرفت الموضوعات والمصادیق. و آیا این معنایش لزوم جدایی فقه از سیاست نیست؟

۵- با توجه به این که پیش از انقلاب فقهای عظام از جمله حضرتعالی شاه را به عنوان مصداق ولایت جائر تعیین می فرمودید، آیا در آن زمان قاعده فوق قابل تمسک نبود؟

۶- آیا اگر در جامعه ای اعمال جور شد و تجاوز به حقوق مردم به رویه حکومت تبدیل گشت، آیا مقدمه نهی از منکر تعیین مصداق ولایت جائر نیست؟ و آیا وظیفه عالمان دین از جمله فقهای عظام در فریضه امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت به ائمه مسلمین سنگین تر از دیگر مکلفان نیست؟ آیا می توان به بهانه این که تعیین مصداق شأن فقیه نیست از زیر بار تکلیف (ولو به عنوان یک مکلف و نه از باب فقاہت) شانه خالی کرد؟

۷- راستی حضرت استاد (اعلی الله کلمته) در سخنرانی ۱۳ رجب سال ۷۶ کاری جز این کردند؟ آیا نظر مبارک ایشان تبدل یافته است؟

محرومیت اجباری خیل شاگردان از جلسه پربار درس حضرتعالی مرا بر آن می دارد که برای رفع اشکالات علمی این گونه مصدع اوقات شریف شوم. امیدوارم این جسارت را بر من ببخشایید و با پاسخ های مستدل خویش همچون گذشته عطش علمی علاقه مندان را سیراب فرمایید.
عزت عالی مستدام باد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳ رمضان ۱۳۸۱/۸/۲۷

کمبریج - شاکرد کوچکتان: محسن کدیور

﴿ بسمه تعالی ﴾

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محسن کدیور دامت افاضاته پس از سلام و دعا برای قبولی عبادات جنابعالی در این ماه رحمت و سلامت، و توفیق بیشتر شما برای خدمت به اسلام و مسلمین.

پاسخ پرسش های جنابعالی را نوعاً خود شما بهتر از من یا مانند من می دانید و نیاز به پاسخ من نیست، و شرایط فعلی اینجانب متناسب با رسیدگی و بررسی این قبیل مسائل نیست، من خیلی هنر کنم می توانم روزه ها را بگیرم و جواب فروع فقهی مورد سؤال اشخاص را بدهم، لذا از شما و برادران و خواهران دیگری که این قبیل مسائل را می پرسند معذرت می خواهم، حصر و تنهایی و سن بالا لوازم و مقتضیاتی دارند.

[فقه و فقیه و ولایت فقیه و عبارت «تعیین مصداق شأن فقیه نیست»]

«تعیین مصداق شأن فقیه نیست» پاسخ به سؤال خاصی از نویسنده ناشناخته ای بود که مصلحت ندیدم پاسخ تفصیلی به او بدهم، و ایمیل شخصی بود و گمان نمی رفت در اینترنت گذاشته شود.

و در پاسخ به سؤال اول از سؤالهای شش گانه سابق جنابعالی یادآور می شوم که حاکمیت و نظام و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج برای بشر ضرورت دارد، و می دانیم که خدا هیچ گاه راضی به اهمال آن نمی باشد.

در درجه اول هم وظیفه و هم حق مردم است که نسبت به آن بی تفاوت نباشند و به تناسب شرایط زمانی و مکانی و امکانات، مقدمات تشکیل حاکمیت عادلانه و جلوگیری از فساد و ناامنی ها را فراهم نمایند. و در زمان ما تشکیل احزاب سیاسی و تجمعات مردمی آزاد در آن نقش اساسی دارد. ولی اگر از باب فرض مردم به هیچ نحو حاضر نشدند از این حق خدایی استفاده کنند و به این تکلیف الهی عمل نمایند، به حکم عقل و شرع باید کسانی هر چند فساق مؤمنین در این راه قدم بردارند، و این

امر منافات با ثبوت حق برای مردم ندارد. هر واجبی که مشتمل بر مصالح مهمه ملزمه برای دیگران باشد حکم آن چنین است، مانند حفظ و حضانت بچه ناتوان که هر چند در درجه اول حق پدر و مادر است ولی اگر فرضاً آنان اقدام نکردند و اجبار آنان نیز میسر نشد، برای دیگران به نحو واجب کفایی واجب است متصدی این امر ضروری گردند؛ و از این قبیل امور تعبیر می شود به «امور حسبیه» که می دانیم شرع به اهمال آنها راضی نیست.

اشکال من به قسمت دوم از کلام ابن فهد این بود که در این قبیل امور در صورت تعیین «ترکه اولی» غلط است. نوشتن این نامه مختصر برای این بود که شما را از حالت انتظار پاسخ بیرون آورم. إن شاء الله سالم و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۱/۸/۲۹

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به سؤالی در رابطه با احتمال حمله نظامی آمریکا به عراق

۱۳۸۱/۹/۱۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

پس از سلام و تحیت و دعا برای قبولی طاعات و عبادات برادران و خواهران مسلمان در این ماه رحمت و برکت، و با آرزوی توفیق برای آنان در دفاع از حق و حقیقت و مقاومت در برابر قدرتهای باطل و حق‌ستیز.

یکی از علمای اعلام در خارج از کشور در رابطه با حمله احتمالی آمریکا به عراق و همکاری برخی از دولت‌ها و از جمله دولت‌های اسلامی با آمریکا سؤالی نموده‌اند، که هرچند به دلیل واضح بودن قبح عقلی و حرمت شرعی تجاوز به کشورهای دیگر و کشتار مردم بی‌گناه نیازی به جواب نمی‌دیدم، ولی برای بی‌پاسخ نماندن سؤال به طور اجمال مطالبی را یادآور می‌شوم:

دولت آمریکا در اثر روحیه استکباری و قدرت‌طلبی ناشی از توان نظامی و اتمی خویش و بویژه پس از فروپاشی دولت جماهیر شوروی و بی‌تدبیری کشورهای جهان و بخصوص کشورهای اسلامی، یکه‌تاز جهان شده و به بهانه اشاعه دموکراسی و مبارزه با تروریسم حقوق و ارزشهای انسانی و اخلاقی و آزادی همه ملل را زیر پا می‌گذارد. با این‌که آمریکا خود سازنده سلاحهای مرگبار شیمیایی و اتمی است و زرادخانه‌های آن مملو از آنها می‌باشد و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران او و هم‌پیمانانش این‌گونه سلاحها را در اختیار عراق گذاشتند و او رژیم غاصب اسرائیل را نیز به آنها مجهز نموده است و در حملات ناجوانمردانه این رژیم سفاک به مردم مظلوم فلسطین به اسرائیل کمک می‌کند، اکنون به بهانه احتمال مجهز بودن دولت

عراق به این قبیل سلاحها، زمزمه حمله به آن کشور را سر داده و پیر استعمار - دولت انگلستان - را نیز با خود همراه نموده است.

اگر داشتن سلاحهای مرگبار کشنده جمعی برخلاف عقل و منطق و عدالت اجتماعی است چرا برای آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر جایز و رواست؟! مردم ایران بیش از دیگران از دولت عراق متنفر و منزجر می باشند، زیرا دولت عراق بود که با پشتیبانی قدرتهای بزرگ به ایران اسلامی تجاوز نمود و موجب کشتار بیرحمانه صدها هزار تن از مردم ایران و عراق و تخریب بلاد اسلامی گردید؛ ولی تجاوز آمریکا به عراق و هر کشور دیگری موجب ویرانی و کشتار مردم بی گناه و بی پناه خواهد بود، لذا باید با فشار سازمان ملل و همت خود مردم عراق یک حکومت عادل مردمی در عراق روی کار آید.

هدف دولت آمریکا دستیابی به ذخایر و معادن و ثروتهای بلاد اسلامی است، و با اسلام و همه کشورهای اسلامی سر جنگ و ستیز داشته و در این جهت تحت تأثیر القادات و تحریکات لابی یهود و صهیونیست های آمریکا قرار دارد. جای تعجب است که چگونه ملت بزرگ آمریکا ساکت نشسته اند در صورتی که ناظرند چگونه دولیشان آبروی آنها را حراج می کند و آنان را در جهان زورگو و جنگ طلب معرفی نموده و جوانانشان فدای قدرت طلبی های حاکمان می شوند؟!

آیا مردم آمریکا جنگ خانمانسوز ویتنام و کشته و ناپدید شدن هزاران نفر از هموطنانشان را فراموش کرده اند؟!

انتظار می رود ملت آمریکا و سایر مردم آزاده جهان در این مرحله حساس به وظایف انسانی و اخلاقی خویش عمل نموده و با هر نحو تجاوز به حقوق انسانها مبارزه نمایند.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۲۵ رمضان المبارک ۱۴۲۳ - ۱۳۸۱/۹/۱۰

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

**پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون شبیه‌سازی انسان،
و شرایط لغو یا تبدیل احکام اولیه اسلام**

۱۳۸۱/۱۰/۱۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با سلام، احترام و تشکر از پاسخگویی حضرت‌تعالی به سؤالات متعدد و خسته‌کننده اینجانب؛
سالگرد شهادت امام صادق علیه السلام را تسلیت عرض نموده و پیشاپیش ولادت حضرت معصومه علیها السلام
را تبریک می‌گویم.

سؤالاتی داشتم و امیدوارم با پاسخگویی به آنها ما را راهنمایی نمایید. ضمناً مطابق معمول از
حضرت‌تعالی التماس دعا داریم.

۱- اسلام با پیشرفتهای علمی به هیچ‌وجه مخالف نیست. حال حکم شرعی شبیه‌سازی انسان،
با عنایت به این مطلب که متخصصین این امر عناد و دشمنی با خداوند ندارند و هدف اکثر آنان خلق
انسان به عنوان پیش‌آزمایش و نمونه در مطالعات علمی است، چیست؟

۲- اصولاً در شرایط کنونی جهان که به سرعت به سمت تبدیل به دهکده جهانی پیش می‌رود،
آیا امکان دارد که بعضی احکام اولیه اسلام با توجه به مصلحت جامعه اسلامی لغو یا تبدیل شود،
و نیز شرایط این تبدیل چیست؟

۳- با توجه به سؤال بالا، نظر حضرت‌تعالی در مورد مجازاتهای سنگسار، حد، برابری دینه زن و
مرد و حدود روابط دختر و پسر با توجه به عرف غالب شهرهای کشور در حال حاضر چیست؟
مجدداً از شما سپاسگزاری می‌کنم و آرزوی طول عمر با عزت و سلامت برای شما را دارم.

خدا نگهدار - مهدی یزدان‌پناه

﴿ بسمه تعالی ﴾

- پس از سلام و تسلیت و تبریک متقابل به نحو اجمال یادآور می‌شوم:
- ۱- اگر در مقدمات عمل شبیه‌سازی کار حرامی انجام نشود دلیلی بر حرمت آن نداریم، و هیچ‌گاه دخالت در کار خدا محسوب نیست، کارشناسان و متخصصین مانند والدین زمینه‌ساز هستند و خالق و مصوّر خداست. ﴿هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾. لوله آزمایش نیز پس از تهیه مقدمات مانند رحم مادر است؛ نظیر ماشین جوجه‌کشی. و خلقت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بدون پدر، خود یک مرتبه از شبیه‌سازی خدایی است. و اگر مخلوق تام‌الخلقة به صورت انسان عاقل شود مانند سایر انسانها دارای تکلیف الهی خواهد بود.
 - ۲- «حلال محمد حلال‌إلی یوم القیامة، و حرامه حرام‌إلی یوم القیامة» مگر این‌که در اثر تغییر شرایط زمانی و مکانی موضوع عوض شود، و تفصیل در نامه نمی‌گنجد.
 - ۳- به جواب دوم مراجعه شود.
- إن شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۱/۱۰/۱۵

حسینعلی منتظری

« ۵ »

گفتگوی تاریخی با رادیو بی بی سی
(ساعاتی قبل از رفع حصر)

۱۳۸۱/۱۱/۹

* حال کلی شما چطور است؟

بہترم؛ حال خوب نبود، چند تا کسالت داشتم، ولی خوابم کمی زیاد است. اما آن طور که شایعه کرده بودند آلزایمر و فراموشی و غیره... نه آن طور نیست. الحمد للہ حافظہ ام پابرجاست و چیزهایی کہ می دانستم را می دانم. منتہا یک مدت خیلی وضع بد بود، حتی مثلاً دو سه قدم نمی توانستم راه بروم و تعادلم را از دست می دادم.

* دکترها در مورد شما چه می گویند؟

اول احتمال می دادند کہ کثرت خواب من در اثر هیپاتیت C باشد. خون گرفتند، رفتند آزمایش کردند گفتند نہ ہیپاتیت نیست. فقط من می دانم بعد از ماه رمضان چون روزه گرفته بودم آنفولانزای شدیدی گرفتم و مقاومت کردم، آنتی بیوتیک نخوردم، خودم حدس می زدم کہ سرما خوردگی همچنان عمیق مانده است؛ لذا بہ دکترها گفتم، آنها آنتی بیوتیک دادند حالا یک خرده بہتر هستم، اما این کثرت خواب را هنوز آقایان تشخیص نداده اند از چه جهت است. نوعاً همین طور خمیازه و خوابم می آید. حوصله سابق را برای مطالعه و صحبت ندارم.

* در حال حاضر شما می توانید کار و فعالیت کنید، یعنی آیا خواب زیاد مانع از زندگی

معمولی تان می شود یا نہ؟

مطالعه زیاد نمی شود کرد. فعالیت علمی یک حواس جمع می خواهد. کمی

می توانم، اما آن طور که مثل سابق پشتکار داشتم نه. مثل سابق نمی توانم به سؤالات مفصل جواب بدهم ولی به مسائل مختصر می توانم جواب بدهم.

*** زندگی معمولی تان چطور؟ زندگی جاری، خورد و خوراک؟**

بد نیست، متعارف است. مثل سابق؛ ما زندگی مان خیلی اشرافی و تشریفاتی که نیست، یک زندگی طلبگی است؛ بالاخره یک غذایی، یک نان و پنیری می خوریم. الحمد لله بد نیست.

*** شما با اعضای خانواده تان در تماس هستید؟**

خانواده که پیش من است و دو نفری در خانه هستیم. دخترها، پسرها و نوه هایم روزها می آیند سر می زنند، اما دیگران نه هنوز نمی توانند. صحبت هست که می خواهند رفع حصر کنند اما هنوز عملی نشده است.

*** دیروز خبرگزاری ایرنا از قول یک مقام مسئول در وزارت کشور خبر داد که رفع حصر امروز**

اعلام می شود، در این مورد به حضرتعالی چیزی گفته شده است؟

به ما هم گفتند که اعلام می شود ولی هنوز اعلام نشده، عملی هم انجام نشده، کیوسک هست، حصر هم هست.

*** شما خودتان مشکل را در چه می بینید؟**

من نمی دانم. گفتند باید مقدماتش را فراهم کنیم، حالا مقدماتش چیست من نمی دانم.

*** چه کسی به شما گفته که مقدماتش را فراهم می کنند؟**

مسئولین با داماد من و پسر من صحبت کرده اند و گفته اند که می خواهند مقدماتش را فراهم کنند. و گفتند که در سایت ها هم بوده که فرزندان من تقاضای عفو کرده اند، اینها دروغ است، فرزندان من از کسی تقاضا نکرده اند و تقاضا هم نخواهند کرد. خود آنها چنانچه صلاح می دانند رفع حصر کنند، نمی دانند که خوب ما هستیم، الحمد لله صابر و بردبار هم هستیم.

* بله در خبرها بود که فرزندان حضرت تعالی به مقامات مسئول مراجعه کرده‌اند و بویژه به دادگاه روحانیت، و گفته‌اند در صورتی که رفع حصر بشود شما تا حدی از فعالیت‌های سیاسی به دور خواهید ماند، آیا این صحت دارد یا نه؟

اینها دروغ است. شما از طرف ما تکذیب کنید، من خودم حسینعلی منتظری هستم، تکذیب کنید. فرزندان من هم گفتند دروغ است، چرا نسبت داده‌اند؟! احمد ما گفت که من مصاحبه هم کرده‌ام و گفته‌ام دروغ است. حالا نمی‌دانم با کدام رسانه مصاحبه کرده است. نه خیر هیچ تقاضایی نبوده است.

* در عین حال گفته شد که حضرت تعالی و فرزندان تقاضا کرده‌اید در صورتی که رفع حصر بشود به شما اجازه داده شود کلاسهایتان را برقرار کنید و تدریس بفرمایید، آیا این صحت دارد؟
چنین چیزی هم صحبت نشده، الآن من حالم حال درس گرفتن نیست. نه چنین تقاضایی نشده. خوب من اگر حالم مساعد باشد مانعی هم نباشد، طلبه‌ام و درس را می‌دهم، اگر نتوانم نه، ولی تا حالا چنین تقاضایی نشده است.

* حضرت تعالی چندین سال است که در حصر به سر می‌برید و رسانه‌ها با شما به طور مستقیم دسترسی نداشتند. طی این مدت تغییری در مواضع شما بخصوص در ارتباط با حکومت اسلامی ایجاد شده است؟

افکاری که داشتم در کتابهای من هست و در نوشته‌هایم هم منتشر شده، افکارم هیچ عوض نشده، همان افکار سابق است. هم در کتابهایم هست، عربی و فارسی، و هم در خاطراتم هست، هم در مصاحبه‌های کتبی‌ای که داشتم نظریاتم را گفته‌ام. من بالاخره چیزی که عقیده‌ام بوده همان است، نه پشیمانم نه اشتباه کرده‌ام. اینها حرف است. انسان اگر چنانچه تشخیص داد مطلبی حق است باید پای حرفهایش بایستد. در قرآن کریم خداوند به پیغمبر اکرم می‌فرماید: «ای پیغمبر! استقامت داشته باش همان طور که مأموری.» و مولا امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: «مردم! در راه هدایت وحشت نکنید.» یعنی اگر راه هدایت را دیدی برو، وحشت نکن؛ دنبال حق برو.

من آن چیزی که تشخیص می‌دادم حق است دنبالش می‌رفتم. هیچ وقت هم با کسی درگیری نداشتم که بخوام رهبر بشوم یا مرجع تقلید باشم. این مقامات دنیا را من خیلی اعتباری می‌دانم، سراغش هم هیچ وقت نبوده‌ام و نخواهم بود. اما وظیفه الهی‌ام هرچه بوده تشخیص می‌دهم و عمل می‌کنم.

* شما طی این چند سال که در حبس بودید نظرات بسیار متفاوتی در مورد ولایت فقیه بیان شده و بحث ولایت فقیه یکی از محورهای اساسی جدلهای بین جناحهای مختلف در حکومت داخل ایران بوده است، در این چند سال شما که در تدوین و شکل اجرایی دادن به ولایت فقیه سهم عمده‌ای داشتید آیا در این زمینه تغییر عقیده‌ای داده‌اید؟

عرض کردم من نظریاتم را هم به عربی نوشتم و هم در مصاحبه‌ها نوشتم، با یک کلمه نمی‌شود مسأله را حل کرد.

* شما راجع به وضعیت کنونی ایران چه فکر می‌کنید؟ تا چه حد امیدوار هستید؟

مردم اگر چنانچه دنبال حق و حقیقت باشند و استقامت داشته باشند و آزادی‌هایی که اول انقلاب گفتند: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» اگر چنانچه مسئولین به همان وعده‌های اولیه که دادند عمل کنند، مردم استقامت دارند. و این هم که اشخاص این اواخر می‌گویند اصلاحات، اصلاحات چیز تازه‌ای نیست. اصلاحات یعنی همان وعده‌های اولیه انجام بشود. مردم چیز تازه‌ای نخواستند، مردم آزادی داشته باشند، طبقات بتوانند حرفهایشان را بزنند، بدون این که به کسی اهانت کنند، فحش بدهند، تشنج ایجاد کنند. مردم باید بتوانند حرف حقشان را بزنند.

* فکر می‌کنید دولت آقای خاتمی به این شعارهایی که از آن صحبت کردیم بتواند برسد؟

نمی‌تواند، آقای خاتمی اول که آمد مردم خیلی امیدوار بودند. اگر همین طور پیش بروند مردم مأیوس می‌شوند، مگر این که ایشان در رفتارشان تجدیدنظر کنند.

* در چه زمینه‌ای باید تجدید نظر کنند؟

عرض کردم باید به وعده‌هایی که به مردم داده شده عمل بشود.

* سؤال دیگر من در مورد دو لایحه ریاست جمهوری است که حتماً از آن اطلاع دارید. فکر می‌کنید این دو لایحه یکی در مورد تبیین اختیارات ریاست جمهوری است و دیگری در مورد نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، تا چه حد برای پیشبرد اصلاحات مهم هستند؟

اصلاً این نظارت استصوابی یک چیز من درآوردی است. من خودم از خبرگان قانون اساسی بودم. اصل ۹۹ که تصویب شد منظور این بود که چون در زمان شاه دولت دخالت می‌کرد و برای مردم وکیل تحمیل می‌کرد، برای این که جلوگیری بشود از این معنا که مجریان و دولت بخواهند نماینده به مردم تحمیل کنند و جلوی آزادی را بگیرند این اصل را تصویب کردند که شورای نگهبان نظارت کند که مجریان نماینده به مردم تحمیل نکنند. حالا آقایان آمدند به عکس معنا کردند، که شورای نگهبان بیاید جلوی آزادی مردم را بگیرد و هر کسی را پسندید مردم به او رأی بدهند، که انتخابات را دو مرحله‌ای بکنند. این برخلاف هدفی است که اصل ۹۹ برای آن تصویب شد.

* تا چه حد فکر می‌کنید تصویب این دو لایحه بتواند کمک کند به اصلاحات؟
خوب البته مفید است اما آیا تأیید می‌کنند یا نه، نمی‌دانم.

* تا چه حد امیدوارید تصویب کنند؟

نمی‌دانم، شاید شورای نگهبان تصویب نکنند. من وارد نیستم. به قول یک آقای می‌گفت سیاستش در تهران است. من در تهران نیستم. بالاخره عرض کردم من با نظارت استصوابی مخالفم و مردم آزادی باید داشته باشند. قطعاً اگر مردم آزادی داشته باشند آدمهای عوضی را انتخاب نمی‌کنند. فوکش از ۳۷۰ نماینده دو یا سه نماینده عوضی بروند داخل مجلس، کاری نمی‌توانند انجام دهند. بنابراین بی‌خود این مسأله را آنقدر دنگ و فنگش می‌دهند و برای انتخابات جلوی آزادیها گرفته می‌شود.

* در مورد تبیین اختیارات رئیس جمهوری چه فکر می‌کنید؟

من خیلی روی آن مطالعه ندارم، نمی‌دانم.

* در مورد رفراندوم چه؟

رفراندوم در قانون اساسی هست. در صورتی که از راههای دیگر حل نشد.

* تا چه حد فکر می‌کنید ضرورت دارد؟

در صورتی که مشکلات حل نشد شاید به رفراندوم برسد.

* این چند سال که شما در حصر بودید چگونه به شما گذشت؟

من از بابتی که اهل کتاب و مطالعه بودم و مانوس بودم با کتاب، خیلی سخت نگذشته است. این که می‌گویند فلانی افسردگی دارد درست نیست. البته از نظر مزاجی طبیعتاً وقتی انسان آزاد باشد روح و جسم در هم تأثیر و تأثر دارند. طبعاً انسان آزاد باشد مسئولیتش هم بیشتر می‌شود، گرفتاری‌اش هم بیشتر می‌شود. من به مطالعه و درس و این جور کارها می‌رسیدم، مسئولیت زیادی هم نداشتم. من خیلی نگران نبودم، ولی آیا به نفع نظام و اجتماع بود نمی‌دانم، این را باید از آقایان پرسید.

* در هفته گذشته تقاضاهایی برای رفع حصر شما مطرح شده، آیت‌الله طاهری نامه نوشتند،

در حال حاضر تقاضای حضرت‌عالی چیست؟

بله ایشان نامه نوشتند، من هیچ تقاضایی نکردم. من هیچ تقاضایی از هیچ کس نکرده‌ام، از غیر از خدا من هیچ چیز نمی‌خواهم.

گزارش رفع حصر (۱)

۱۳۸۱/۱۱/۱۳

﴿ بسمه تعالی ﴾

آیت‌الله العظمی منتظری پس از ۵ سال و ۲ ماه و ۱۲ روز حصر و بازداشت در منزل مسکونی خود که در پی ایراد سخنانی ۲۳ آبان سال ۱۳۷۶ (۱۳ رجب) ایجاد شده بود، در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۰ در ساعت ۱/۵ باامداد با برداشته شدن کیوسک آهنی‌ای که در جلوی درب ورودی منزل ایشان قرار داده بودند رسماً آزاد گردیدند.

معظم‌له در سحرگاه همان روز به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و پس از زیارت و حضور بر مزار بزرگان، علما و شهدای مدفون در حرم مطهر و همچنین فرزند شهیدش محمد منتظری به منزل بازگشتند.

از همان ساعات اولیه صبح دیدارهای ایشان با علما، مراجع، اقشار مختلف مردم و خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌ها آغاز شد.

آیات عظام و علمای اعلام آقایان موسوی اردبیلی، صانعی، شبیری زنجانی، محقق داماد، گرامی، خلخالی، صادقی‌تهرانی، فیض‌گیلانی، بیات، موسوی تبریزی و بیت مرحوم آیت‌الله وحیدی و جمع کثیری از فضلا و محققین حوزه علمیه با ایشان دیدار و گفتگو کردند.

بجز شخصیت‌های حوزوی، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی آقایان دکتر محمدرضا خاتمی (نایب رئیس مجلس)، محسن میردامادی (رئیس کمیسیون امنیت ملی)، انصاری‌راد (رئیس کمیسیون اصل نود مجلس)، اسماعیلی مقدم،

تاجرنیا، طاهری، احمدی، موسوی خوئینی، جلالی زاده، پیران، لقمانیان و خانم حقیقت‌جو با ایشان ملاقات داشته و به تبادل نظر پرداختند.

همچنین آقایان دکتر هادی (معاون وزیر خارجه)، سراج‌الدین موسوی (سفیر ایران در پاکستان)، عبدالله نوری، محسن کدیور، صالح‌آبادی (معاون وزیر تعاون)، خانم اعظم طالقانی به اتفاق دیگر اعضای بیت مرحوم آیت‌الله طالقانی با ایشان دیدار و گفتگو نمودند.

دیدار آیت‌الله طاهری اصفهانی همراه با شور و شعفی وصف‌ناپذیر و در حضور جمعیت انبوهی برگزار گردید. در این دیدار آیت‌الله طاهری اظهار داشت: «با وجود کسالت شدید دیگر هجران برایم غیر قابل تحمل بود».

همچنین گروه‌های سیاسی مختلف خصوصاً دانشجویان و اعضای شورای دفتر تحکیم وحدت با آیت‌الله منتظری دیدار کردند.

طی چند روز گذشته خبرنگاران بسیاری از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های کثیرالانتشار جهان با حضور در بیت معظم‌له به انعکاس اخبار مربوط به ملاقاتها و سخنرانی‌های ایشان پرداختند. خبرگزاری‌های ایرنا، ایسنا، الجزیره، رویترز، آسوشیتدپرس، ابوظبی، آلمان، ترکیه؛ و نشریات گاردین، فاینشال تایمز، نیوزویک، نیویورک تایمز و... از جمله این رسانه‌های گروهی‌اند.

[لزوم توجه به شعارها و اهداف اولیه انقلاب]

آیت‌الله منتظری در جواب سؤال خبرنگاران مبنی بر این‌که با توجه به تحولات اخیر در کشور، جنابعالی چه توصیه‌ای برای حاکمیت دارید فرمودند:

باید دید شعارها و اهداف اولیه انقلاب چه بوده است. شعار اول انقلاب: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود، که استقلال یعنی این‌که دیگران برای ما تصمیم نگیرند و ما خود سرنوشتمان را به دست گیریم، و آزادی هم یعنی این‌که مردم و حتی اقلیت‌ها آزاد باشند تا در سرنوشت خویش تصمیم‌گیرنده باشند.

ایشان آزادی را آزادی تمام اقشار مردم دانسته و این که آزادی تنها مخصوص طیف و قشر خاصی باشد را کاملاً مردود شمردند.

آیت‌الله منتظری وجود برخی انحصارطلبی‌ها را مخالف اصول اولیه انقلاب دانستند و اصلاحات را عمل به همان شعارهای اولیه انقلاب ارزیابی کردند.

[ردّ نظارت استصوابی]

معظم‌له ضمن ردّ نظارت استصوابی با اشاره به این که اینجانب خود در مجلس خیرگان اول حضور داشتم ضمن بیان هدف اولیه تشکیل شورای نگهبان فرمودند: اگر بناست جمهوری اسلامی واقعی برقرار باشد باید دخالت‌های بی‌مورد برطرف گردد، چرا که وجود نظارت استصوابی در حقیقت به این معناست که انتخابات کانالیزه و طی دو مرحله انجام شود، و این خلاف جمهوریت نظام است.

[انتقاد از برخی ارگانهای غیرقانونی]

ایشان همچنین در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از برخی ارگانهای غیرقانونی که در قانون اساسی نامی از آنها برده نشده است فرمودند: نمایندگان امین مردم هستند و بودجه بیت‌المال که از آن مردم است نباید برای چنین نهادهایی که مربوط به شرایط و وضعیت دوران اول انقلاب بوده است مصرف شود.

[اهمیت شوراها]

آیت‌الله منتظری طی دیدار با خانواده مرحوم آیت‌الله طالقانی ضمن یادآوری خاطرات آن مرحوم و تأکید بر دلسوزی و افرايشان برای مردم، ضمن اشاره به اهمیت شوراها به عنوان پایه و مبنا برای تحقق جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری، بر حضور مردم در انتخابات شوراها تأکید کردند.

ایشان فرمودند:

مردم نباید از دخالت در سرنوشت خود مأیوس شوند، مخصوصاً آن که نظارت استصوابی هم در این انتخابات وجود ندارد؛ البته من بارها گفته‌ام نظارت شورای نگهبان به این معنی بود که دولت و مجریان انتخابات نباید حق کسی را ضایع کرده و با اعمال نفوذ، حق حاکمیت مردم را پایمال نمایند؛ نه این که برخی خود و دیگر همفکرانشان را خودی و بقیه مردم که اکثریت را دارند غیرخودی محسوب کرده و با اعمال حاکمیت انحصارگرایانه، آزادیهای مشروع و قانونی را سلب نمایند.

در دیدارهای معظم‌له با اقشار مختلف مردم در طی روزهای گذشته، ایشان ضمن تشکر از اظهار محبت مردم از آنها خواستند که نسبت به احکام و معارف دینی خویش آگاه شده و به واسطه عملکرد بد برخی از روحانیون از دین و اسلام فاصله نگیرند. ایشان ضمن تأکید بر آزادی تمامی انسانها و مسلمین جهان، بخصوص برای آزادی مسلمانان گرفتار فلسطین، کشمیر و چین دعا کردند.

۱۳۸۱/۱۱/۱۳

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۷ »

گزارش رفع حصر (۲)

۱۳۸۱/۱۱/۱۴

﴿ بسمه تعالی ﴾

آقای مهندس طهایی استاندار قم و آقای حقیقی معاونت سیاسی - امنیتی استانداری و آقای محمودی فرماندار شهرستان قم با آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

[اعتباری بودن و بی ارزش بودن مناصب دنیوی]

معظم له ضمن خوشامدگویی و تشکر، با اشاره به برخی از آموزه های دینی مبنی بر اعتباری بودن و بی ارزش بودن مناصب دنیوی فرمودند:
پذیرفتن مسئولیت که همراه با گرفتاری نیز هست مستلزم خدمت خالصانه به مردم است، و تا زمانی که پستی یا مقامی بر دوش انسان سنگینی می کند باید مقاوم بود و مسئولیت را به طور کامل انجام داد، که این نزد خدا ارزش است و اجر دارد.

[اهمیت خدمت به خلق خدا]

ایشان با اشاره به وضعیت مادی نامناسب برخی اقشار جامعه افزودند:
بایستی به وضعیت افراد ضعیف و فقیر رسیدگی شده و برای جلوگیری از مهاجرت بی رویه از روستاها راهکارهای عملی ارائه گردد که انجام امور عام المنفعة در این راستا تا اندازه ای می تواند کارساز باشد.

ایشان در پایان ضمن دعای خیر برای آقایان، خدمت به خلق را از بالاترین عبادات دانسته و یادآور شدند که:

عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلّی نیست

و اضافه کردند البته تسبیح و سجاده مراتبی از عبودیت است ولی نباید برخی مستحبات مانع انجام خدمت به مردم شوند، و با خدمت به خلق می توان به کارها رنگ عبادت زد.

لازم به ذکر است دیدارهای عمومی آیت الله العظمی منتظری با اقشار مختلف مردم که از نقاط مختلف کشور برای دیدار با ایشان به قم آمده‌اند ادامه دارد، که گزارش آن در اطلاعیه‌های بعدی خواهد آمد.

۱۳۸۱/۱۱/۱۴

دفتر آیت الله العظمی منتظری

« ۸ »

گزارش رفع حصر (۳)

۱۳۸۱/۱۱/۱۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

* آیت‌الله العظمی منتظری: رضایت خداوند را بر همه چیز مقدم می‌دارم.

* * *

آیت‌الله امینی (امام جمعه قم و نائب رئیس مجلس خبرگان)، آیت‌الله محمد مؤمن (عضو شورای نگهبان و مجلس خبرگان)، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی (عضو مجلس خبرگان و امام جمعه موقت تهران)، حجج اسلام امام جمارانی و آشتیانی (از اعضای بیت امام علیه السلام)، آقایان دکتر فضل‌الله صلواتی و دکتر محسن رهامی (حقوقدان و رئیس دانشگاه پردیس قم)، حجة الاسلام یحیی کبیر (رئیس گروه فلسفه دانشگاه قم)، حسین مجاهد (رئیس جبهه مشارکت استان همدان) به همراه جمعی از فعالان سیاسی همدان، اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت (آقایان رضوی فقیه، مؤمنی، امین زاده، نظری، عامری نسب، ظاهرپور، اوحدی) و جمعی از بانوان با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو داشتند.

[مبحث تقیه]

آیت‌الله العظمی منتظری در ادامه دیدارهای روزانه با اقشار مختلف مردم طی دیداری که در روز ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ صورت گرفت ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت امام جواد علیه السلام و اشاره به چگونگی شهادت آن امام فرمودند: امامان شیعه چون در مقابل ظالمان و ستمگران سکوت را روا نداشتند و در بیان حق کوتاهی نکردند یا با شمشیر کشته یا با سم مسموم شده‌اند.

ایشان در همین زمینه ادامه دادند:

تقیه مخصوص امور جزئی است و انسان برای حفظ جان خویش می تواند در امور جزئی و غیر اساسی بهانه به دست دیگران ندهد، اما در اصول کلی و اساسی و اولیه و حساس نمی توان سکوت اختیار کرد و سکوت در قبال آنها گناهی نابخشودنی است. بر همین اساس است که امامان ما با مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند و حاکمان زورگو آنها را چون بیان حق و افشای ظلم می نمودند از میان برداشتند.

ایشان با اشاره به بحث تقیه ادامه دادند:

در آموزه های دینی ما گفته شده تقیه سپر مؤمنان است و استفاده از سپر در جنگ است، از اینجا می توان نتیجه گرفت تقیه به معنی انزوا و سکوت در مقابل ظلم نیست بلکه به معنی آن است که انسان باید حرف حق را بیان کند و در ضمن خود و جانش را نیز حفظ نماید. وظیفه اصلی انبیا و امامان مشخص نمودن مرز میان حق و باطل است و سکوت در بسیاری موارد امضاء و تأیید باطل است.

ایشان لازمه بیان حق را استفاده از استدلال، پرهیز از شعار و خشونت برشمردند و با اشاره به برخی اظهارنظرها مبنی بر این که علما و مراجع دینی در عمر خویش حتی یک خطا نکرده اند فرمودند:

چنین ادعایی سخن درستی نیست، این یعنی مقام عصمت برای آنان قائل شدن، و این خود پایین آوردن مقام معصومین است نه بالا بردن مقام علما.

لازم به ذکر است که در پی ناراحتی قلبی عارض شده برای حضرت آیت الله العظمی منتظری، معظم له ساعت ۱۰/۵ صبح امروز (۱۵ بهمن ماه) برای بررسی های پزشکی به بیمارستان کامکار قم رفتند و پس از گرفتن نوار قلب و معاینات پزشکی دیگر بنا بر توصیه پزشکان، ایشان به بخش CCU منتقل گردیدند، و برای اطمینان بیشتر و تحت نظر بودن در بیمارستان بستری شدند.

۱۳۸۱/۱۱/۱۵

دفتر آیت الله العظمی منتظری

گزارش رفع حصر (۴)

۱۳۸۱/۱۱/۲۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

* آیت‌الله سید صادق شیرازی، آیت‌الله ملکوتی، حجة الاسلام والمسلمین توسلی (از اعضای بیت امام علیه السلام)، حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد مجتهد شبستری، دکتر سید کاظم موسوی بجنوردی (رئیس کتابخانه ملی و دائرة المعارف بزرگ اسلامی) با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

* طلال بن عبدالعزیز (امیر مکه مکرمه) با آیت‌الله العظمی منتظری تلفنی گفتگو کرد.

آیت‌الله منتظری ضمن آرزوی سلامتی حجاج فرمودند: «خدمت به حجاج بیت‌الله الحرام امری با ارزش می‌باشد».

* * *

علی‌رغم درخواست مؤکد دفتر آیت‌الله العظمی منتظری مبنی بر کاهش ملاقاتهای فقیه عالیقدر که در پی عارضه قلبی و بنا بر توصیه اطبای محترم صورت گرفت، علاقه‌مندان و مقلدین معظم‌له که از راههای دور و نزدیک جهت دیدار با ایشان راهی قم شده بودند طی روزهای گذشته با ایشان ملاقات کردند.

لازم به ذکر است که در ملاقاتهای روزانه معظم‌له افرادی از شهرهای مشهد، اصفهان، ساوه، همدان، طبس و کرمانشاه شرکت داشتند.

همچنین طلال بن عبدالعزیز در هفته گذشته طی تماس تلفنی ضمن آرزوی سلامتی برای فقیه عالیقدر گفت: «إن شاء الله طی سفری که به ایران خواهم داشت از نزدیک با شما ملاقات خواهم کرد».

مهندس لطف‌الله میثمی و آقای عمادالدین باقی نیز با معظم‌له دیدار و تبادل نظر کردند. باقی پس از دیدار با آیت‌الله العظمی منتظری گفت: «شیرینی دیدار با ایشان بر شیرینی آزادی از زندان ترجیح داشته و دارد».

فقیه عالیقدر در دیدار شاخه جوانان حزب مشارکت ایران اسلامی به سؤالات مختلف آنان پاسخ گفتند، که مشروح این دیدار در اطلاعیه بعدی به اطلاع خواهد رسید. خانواده مهندس عباس عبدی از دیگر دیدارکنندگان بودند که معظم‌له ضمن تفقد و دلجویی از آنان، آرزوی آزادی ایشان و تمامی زندانیان سیاسی را نمودند.

آیت‌الله العظمی منتظری همچنین برای بازدید به بیوت حضرات آیات: شبیری زنجانی، موسوی اردبیلی، صانعی، گرامی و امینی رفتند، و نیز در حسینیه آیت‌الله حاج سید محمد و حیدری حاضر شدند و ضمن گرامیداشت یاد آن مرحوم با منسوبین ایشان دیدار کردند.

۱۳۸۱/۱۱/۲۷

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

گزارش رفع حصر (۵)
(دیدار شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی)

۱۳۸۱/۱۱/۲۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

همان‌گونه که در اطلاعیه قبلی به اطلاع رسید در دیداری که شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی با آیت‌الله العظمی منتظری داشتند سؤالاتی مطرح شد که اهم آنها و سخنان فقیه عالیقدر به شرح زیر می‌باشد:

۱- جنابعالی از جهات مختلفی از چهره‌های شاخص برای نسل جوان هستید، یکی از آن جهات این است که حضرتعالی میان دموکراسی و رأی مردم از سویی و دینداری و حکومت دینی از سوی دیگر آشتی ایجاد کرده و در مقام ایجاد تطبیق این دو هستید، بر همین اساس سؤال این است که به نظر شما چگونه می‌توان میان حکومت دینی و رأی مردم آشتی داد؟

۲- قرائتی از دین می‌شود و رایج است که موجب ناکارآمدی دین در ایجاد حکومتی مردم‌سالار می‌باشد. آنان به‌گونه‌ای دین را تفسیر کرده و می‌کنند که گویی آنان با لائیک‌ها به توافق رسیده‌اند که دین ناتوان از ایجاد بستری است برای حکومتی دموکراتیک که همگام با آموزه‌های دینی باشد، با این معضل چه باید کرد؟

۳- معضل مهمی که جوانان با آن روبرو هستند و موجب فرار آنان از دین و اخلاق شده است این است که متولیان رسمی دین عملکردهای خوبی در برخی جاها از خود نشان نمی‌دهند، در این رابطه باید چه کرد؟

۴- تشکیل احزاب سیاسی تا چه حدی می‌تواند با مبانی و آموزه‌های دینی سازگار باشد، و هدف اصلی از تشکیل احزاب چه می‌تواند باشد؟

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

مسائلی را که جنابعالی مطرح فرمودید اگر بخواهیم به طور تفصیل در اطراف آنها صحبت کنیم ساعتها طول می کشد، بلکه شاید برای جواب به آنها نیاز به تألیف کتابی باشد.

[امر به معروف و نهی از منکر و بی تفاوت نبودن نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی]

من فرازی از وصیتنامه مولا امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سایر فرزندان ایشان و هر کس که نامه آن حضرت به او برسد - که طبعاً من و شما نیز مشمول آن می باشیم - را نقل می کنم: «أوصیکما و جمیع وکدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی اللّٰه و نظم أمرکم... لا تشرکوا الأمر بالمعروف و النّہی عن المنکر فیؤلّی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم» (نهج البلاغه - نامه ۴۷) «سفارش می کنم شما و همه اولاد و اهل خود و هر که را که نامه من به او برسد به حفظ حریم خدا و نظم امورتان و...، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما بر شما حاکم می شوند پس هر چه دعا کنید مستجاب نمی شود».

ظاهراً حضرت نمی خواهند بفرمایند اگر این دو فریضه الهی را ترک کنید خدا بر شما غضب می کند و به عنوان عقوبت و جزای عمل، بدان شما را بر شما مسلط می کند؛ بلکه منظور این است: اگر این دو فریضه الهی را در سطح وسیع ترک کنید نتیجه طبیعی و قهری آن حکومت ناهلان و زورگویان است.

افراد جامعه به یکدیگر وابسته و پیوسته اند و حکومت و قانون برای جامعه ضرورت دارد و خواه ناخواه تحقق می یابد.

اگر افراد نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی و آنچه در جامعه می گذرد بی تفاوت بوده و هرکس تنها به فکر مسائل شخصی خویش باشد، طبعاً افراد سودجو و قدرت طلب فرصت را غنیمت شمرده و حاکمیت جامعه را تصاحب می کنند، و با

سکوت و بی تفاوتی افراد جامعه، بی قانونی و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران رواج می‌یابد؛ ولی اگر افراد و نخبگان جامعه احساس وظیفه نموده و در برابر ظلم‌ها، تجاوزها و اعمال خلاف قانون اعتراض و مقاومت نمایند طبعاً حاکمیت سیر طبیعی خود را طی کرده و در اختیار افراد صالح قرار می‌گیرد.

نهی از منکر منحصر در امور جزئی از قبیل کنار رفتن روسری یک دختر نیست، بلکه بیشتر در مسائل اصولی و بنیادی جامعه است. همه مردم باید در برابر ظلم و تجاوز به حقوق اجتماعی افراد، حاکمیت روابط بر ضوابط، سلب آزادیهای مشروع، تقسیم افراد جامعه به خودی و غیر خودی، انجام بازداشت‌های غیرقانونی و محاکمات خودسرانه و اسراف در بیت‌المال عمومی و تضييع آن اعتراض کنند.

[لزوم تحزب سیاسی]

این قبیل امر به معروف و نهی از منکر در سطح وسیع و عمومی بر تحزب و تشکّل‌های سیاسی توقف دارد تا بتوانند هم دولت صالح و قادر تشکیل دهند و هم در مراحل مختلف بر کارهای دولت و مسئولین نظارت داشته باشند، و به اصطلاح اهل مدرسه «مقدمه واجب، واجب است».

اگر همه افراد جامعه احساس مسئولیت کرده و بر کار مجریان و متصدیان امور نظارت شود حکومت و جامعه سالم و صالح می‌شود، اما اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید نتیجه‌اش این است که آدمهای خودسر و قدرت طلب بر شما مسلط می‌شوند و سپس شما هرچه دعا کنید مستجاب نمی‌شود. درست است دعا به جای خود باید باشد و نفس دعا عبادت خداست و در شرائطی مستجاب می‌شود، ولی عالم طبیعت عالم اسباب و مسببات است و حکومت نیز بر اساس یک اسباب خاصی تشکیل می‌شود؛ پس افراد جامعه نباید نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی بی تفاوت باشند و همگان باید نسبت به آن احساس مسئولیت کنند.

در زمان پیغمبر ﷺ مسأله قبیله و عشیره رایج بوده و وقتی که رؤسای قبایل

تصمیم می‌گرفتند در واقع تمام جامعه تصمیم گرفته بود، برای این‌که رؤسای قبایل متبوع و همه افراد جامعه تابع آنان بودند، ولی در جامعه ما مسأله قبیله و عشیره مطرح نیست؛ بنابراین تحزب سیاسی که اکنون در دنیا آن را پذیرفته‌اند و مطابق عقل و شرع است باید در جامعه ما جایفتند. من به آقایان که تحت لوای یک حزب هستند توصیه می‌کنم قبل از این‌که بخواهید حزب خاصی را در جامعه جا بیندازید اول سعی کنید اصل پذیرش حزب را در جامعه جا بیندازید. مردم ما هنوز باورشان نیامده که پذیرش تحزب و تشکل وظیفه شرعی است و صددرصد مفید است. این‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید حکومت بدان تشکیل می‌شود و بدان بر شما مسلط می‌شوند، برای جلوگیری از چنین حکومتی راهی نیست جز این‌که تحزب در جامعه جا بیفتد و افراد نخبه و خوب متشکل بشوند و حکومت را به وسیله حزب سالم و مقتدر در دست بگیرند؛ این وظیفه‌ای است الهی. اینجانب سابقاً در رابطه با تحزب سیاسی و این‌که این مسأله از مقدمات امر به معروف و نهی از منکر است مطلبی نوشته‌ام که در کتاب خاطرات (صفحه ۱۰۳۱) آمده است و می‌توانید مراجعه فرمائید.

وقتی که امر به معروف و نهی از منکر را توسعه دهیم و نخواهیم آن را فقط به مسائل جزئی منحصر کنیم قهراً مسأله تحزب در جایی که مسأله عشیره و قبیله منتفی است از باب مقدمه واجب، واجب می‌گردد؛ و برای همه مردم واجب است برای اصلاح جامعه اصل تحزب را بپذیرند. شما هم سعی کنید مردم فرهنگ و اصل گرایش حزبی را بپذیرند؛ نه این‌که در یک انتخابات چهار نفر جمع شوند و سر و صدایی راه بیندازند، یک وکیلی درست کنند بعد هم بروند سرکار و زندگی خودشان و تا چهارسال دیگر ساکت بمانند و کجی‌ها را تحمل کنند. در جوامع امروز یک حزب تشکیلات مستمر و پایدار دارد، برنامه مشخص و مدونی دارد، نخست‌وزیر و نماینده مجلس انتخاب می‌کند، حتی اینقدر مجهز هستند که وقتی حزب پیروز می‌شود نخست‌وزیر آماده و وزیر آماده دارند، نماینده آماده دارند. این چیزی است

که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده و وظیفه اسلامی است، منتها آنان عمل می‌کنند و ما عمل نمی‌کنیم.

در همین وصیتنامه امیرالمؤمنین علیه السلام (نامه ۴۷) می‌فرماید: «اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِغَيْرِكُمْ» مواظب باشید که در عمل به قرآن، دیگران از شما سبقت نگیرند.

اگر قرار باشد امر به معروف و نهی از منکر به نحو وسیع در رأس فرائض باشد چنانکه از برخی احادیث استفاده می‌شود و مسائل کلی و اصولی اجتماع را شامل شود، و اگر بنا باشد این وصیت به نحو وسیع و صحیحی انجام شود، این امر بر تحزب سیاسی توقف دارد. بنابراین تحزب سیاسی یک واجب شرعی خواهد بود که باید فرهنگ آن در جامعه جا بیفتد. باید برای مردم جا بیفتد که اصل تحزب، هم واجب شرعی و هم واجب عقلی است.

[استقبال از انتقادات سازنده]

اگر می‌خواهید جامعه اصلاح شود و از استبداد نجات پیدا کنید، باید جامعه بپذیرد که بدون سر و صدا و بدون این که به یکدیگر توهین کنند از متصدیان امور انتقاد نمایند. معنای انتقاد این نیست که به یکدیگر اهانت کنند. معنایش این است که حقایق و واقعیات را بگویند و بنویسند و مردم را آگاه نمایند و با رقابت‌های سالم و عاقلانه وارد صحنه شوند. ما همه انسانیم و کرامت انسانی نسبت به همه باید حفظ شود.

[اعتقاد به ولایت فقیه]

این که آقایان شورای نگهبان شرایطی را برای کاندیدها ذکر کرده و در این رابطه بسیاری را رد می‌کنند، به آقایان باید گفت: این که شما می‌گوئید مثلاً شرط نمایندگی مجلس اعتقاد به ولایت فقیه است، این غلط است. باید گفت که اگر راست می‌گوئید

باید کاری کنید که جامعه معتقد به اسلام شود و باور کند که فقیه در جامعه منشأ اثر است. اگر قرار باشد که جامعه ولایت فقیه را قبول نداشته باشد و به زور بنویسد من ولایت فقیه را قبول دارم، این نفاق است. کسی هم که ولایت فقیه را قبول ندارد جزو افراد جامعه بوده و دارای حقوق شهروندی است. من و شما اگر عرضه داریم باید رفتارمان طوری باشد که جامعه، اسلام را بپذیرد، واقعیات اسلام را بپذیرد، فقیه را بپذیرد و برای او شأنی قبول کند، نه این که رفتار ما و انحصارطلبی های ما موجب گریز نسل جوان از اسلام و ارزشهای اسلامی گردد.

این که شما ولی فقیه را یک انسان ماورائی و فراقانونی می شمارید اشتباه است. ولی فقیه باید مجتهد و عادل باشد و در مسائل فقهی تخصص داشته باشد که نظر او در این گونه مسائل مطاع و قبول است، ولی در مسائل سیاسی و اقتصادی و سایر امور که تخصص ندارد باید مسائل را به متخصصین ارجاع دهد.

مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی رحمته الله علیه در این رابطه می فرماید: «این گونه امور باید به کسانی که در این قبیل امور بصیرت دارند ارجاع شود، و فقیه به عنوان فقیه در استنباط احکام خداوند اهل نظر است؛ پس وجهی نیست برای ارجاع این قبیل امور به فقیه».

فقیه از باب این که در فقه تخصص دارد و می گوید حکم فلان مسأله اقتصادی به طور کلی چنین می باشد، فتوای او برای مقلدین او مورد قبول است؛ اما سیستم اقتصادی مناسب با اوضاع کشور چیست؟ باید بگویند این در تخصص من نیست و باید متخصص امور اقتصادی نظر بدهد. سیاست در مسائل خارجی چگونه است؟ با آمریکا مثلاً روابط حسنه داشته باشیم یا نه؟ بایستی سیاسیون کشور نظر بدهند، من تخصص ندارم. مگر کسی که در فقه و اصول تخصص پیدا کرد باید در سیاست خارجه نیز تخصص داشته باشد یا بدون تخصص نظر بدهد؟! ولایت فقیه این نیست که کسی که ولی فقیه شد عقل کل است و دیگران همه ضعیف و محجورند. این حرف برخلاف عقل و شرع است.

[وظایف شورای نگهبان]

و یا مثلاً چهار نفر در شورای نگهبان بگویند در فلان شهر و منطقه باید فلانی نماینده مردم باشد. این حکم زور است و ظلم به مردم آن منطقه می‌باشد. مردم خودشان افراد را خوب می‌شناسند. خود من در تصویب قانون شورای نگهبان بودم و اصل ۹۹ را تصویب کردیم. در آنجا مطرح شد که در انتخابات رژیم سابق، شاه و دولت او تصمیم می‌گرفتند که نماینده نجف‌آباد مثلاً حسن باشد و مردم نجف‌آباد حسن را نمی‌شناختند و به آنان تحمیل می‌شد. چه کار کنیم که جلوی این تحمیل‌ها را بگیریم که به مردم ظلم نشود و آزادی انتخابات تأمین شود؟ گفتیم مقدس‌ترین نهاد شورای نگهبان است، آنان نظارت کنند تا جلوی ظلم و تحمیل مجریان را بگیرند.

تصویب اصل ۹۹ برای این بود که مجریان انتخابات در انتخابات دخالت نکنند و بگذارند مردم در انتخاب نماینده خود آزاد باشند، نه این‌که آنان انتخابات را دو مرحله‌ای کنند. اول خودشان برای هر منطقه افرادی را مشخص و معین نمایند و سپس مردم آن منطقه ناچار باشند یکی از منتخبین آنان را انتخاب نمایند.

این امر برخلاف قانون اساسی و آزادی ملت است، مردم هر منطقه‌ای افراد صالح شهر خود را بهتر از چند نفر - هر چند فقیه - در شورای نگهبان می‌شناسند. این چه زوری است که به مردم گفته می‌شود و هنوز می‌گویند و نسل جوان را از اسلام و روحانیت بیزار کرده و می‌کنند. چنین نیست که مردم بی‌دین یا سفیه باشند و آنان مجسمه اسلام یا قیم جامعه باشند. البته اصل شورای نگهبان نهاد مقدسی است و باید قداست آن حفظ شود ولی در حد وظایف قانونی خود، نه این‌که همه کاره کشور و قیم مردم باشد و مردم هیچ‌کاره باشند.

آنچه بر عهده شورای نگهبان است:

- ۱- لحاظ عدم مغایرت مصوبات مجلس شورا با موازین اسلامی و قانون اساسی.
- ۲- نظارت بر انتخاباتها جهت تأمین آزادی انتخابات و عدم تحمیل افراد خاصی

بر مردم، نه نظارت بر کاندیداها و قبول و رد آنها؛ و این که اخیراً برای انجام این امر خلاف در همه استانها نمایندگی‌هایی ثابت تعیین نموده و هزینه‌هایی را بر بیت‌المال تحمیل کرده‌اند بر خلاف قانون است و نمایندگان مجلس نیز در تصویب این بودجه مسئولیت سنگین دارند و باید پاسخگو باشند.

آزادی از اهداف اصلی و شعارهای آغاز انقلاب اسلامی بود، شورای نگهبان حق ندارد عقاید و سلیقه‌های خود را نسبت به شناخت اشخاص به دیگران تحمیل نماید، کشور ملک طلق قشر خاصی نیست، ملک همه مردم است. انقلاب و حاکمیت نیز متعلق به همه طبقات مردم بوده و همه باید در آن نقش داشته باشند؛ حاکمیت اگر بر خلاف نظر اکثریت ملت باشد ثبات و دوام نخواهد داشت.

سیاست جزو دین ماست و با دین توأم می‌باشد و همه حق دارند در مسائل سیاسی اظهار نظر نمایند، و کسی نمی‌تواند و حق ندارد دیگران را از دخالت در سیاست منع نماید. هیچ کس حق ندارد دیگری را متهم یا به او توهین نماید یا با آبروی او بازی کند. همه افراد غیر از معصومین قابل انتقاد می‌باشند، بلکه مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با وجود مقام علم لدنی و عصمت کبری در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه از انتقاد استقبال می‌نمایند. ایشان فرموده‌اند: «فلا تكفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل فاني لست في نفسي ب فوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله من نفسي ما هو أملك به مني...».

متأسفانه در جمهوری اسلامی بعضاً این گونه ارزشها و موازین شرعی نادیده گرفته می‌شود. و بالاخره بر حسب فرموده مولا امیرالمؤمنین علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر به معنای وسیعش اگر بخواهد در زمان ما اجرا شود برای آن راهی جز تشکیل و تقویت احزاب سیاسی مردمی مستقل و آگاه نیست؛ و وقتی تقویت شد اینها زمام امور را در دست می‌گیرند، آن وقت افراد فاسد و ظالم و فرصت طلب کنار زده می‌شوند. حضرت می‌فرمایند اگر این کار را نکنید بدان بر شما مسلط می‌شوند، حالا شما هرچه می‌خواهید دعا کنید، جواب این است که عالم طبیعت عالم اسباب و مسببات است و بنا نیست با معجزه اداره شود، خودتان کوتاهی کردید.

پس خلاصه کلام این که لازم است اصل تحزب را در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها جا ببندازید قبل از این که بخواهید حزب خودتان را جا ببندازید، تا مردم باورشان بیاید که این یک وظیفه شرعی است. من این را وظیفه شرعی می‌دانم که به شما بگویم تا شما در جامعه به مردم برسانید، و فقط یک مسأله سیاسی نیست بلکه وظیفه شرعی و خدایی است، امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین واجبات است که همه واجبات و فرائض به آن وابسته و قائم است.

إن شاء الله همه سالم و موفق باشید.

والسلام علیکم جميعاً ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۱/۱۱/۲۹

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

گزارش رفع حصر (۶)

دیدار جمعی از روحانیون و افرادی که به دلیل فعالیت‌های سیاسی زندانی شده بودند.

۱۳۸۱/۱۲/۲

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

در ابتدا از تمامی عزیزان، از اقشار مختلف مردم، برادران، خواهران، شاگردان و بستگان که به واسطهٔ من حقیر دچار زحمات، صدمات و مشکلاتی شده‌اند، ضمن عذرخواهی تشکر می‌کنم، و لابد شاید در این رابطه وظیفه تشخیص داده‌اند اما اینجانب راضی به زحمت شما نبودم و همیشه دعاگوی شما بوده و هستم. در همین جا لازم می‌دانم مطالبی را ذکر کنم:

[مقام صابران]

همان‌گونه که از آیات قرآن استفاده می‌شود قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ آنها که صابرند و بردبار اجر و مزد آنها بدون حساب پرداخت می‌شود. در هیچ عملی این‌گونه مزد و اجر وعده داده نشده که بدون حساب و کتاب باشد. تنها مقام صابران است، که این نشان از اهمیت صبر و تحمل در شداید و مشکلات دارد. صبر هم طبق برخی روایات به صبر در طاعت، صبر در معاصی و صبر در مصیبت تقسیم شده است، که انبیا و اوصیای الهی الگوهای ما در تمامی مراتب صبرند، و آنها به واسطهٔ همین صبر و تحمل بود که دین خدا را حفظ کردند.

[مبحث تقیه]

مطلب دیگر این است که گرچه در روایات اقسامی برای تقیه ذکر شده و ما را به

رعایت آن سفارش کرده‌اند اما تقیه در اصول کلی، ارزشها، آرمانها و مسائل حساس اصلی مصداق ندارد. در فروع و جزئیات انسان باید تقیه نماید که به واسطه مسائل جزئی خطری متوجهش نشود، اما این ربطی به اصول اسلام و انقلاب ندارد. در آنها تقیه جایز نیست و نباید سکوت نمود. شما به زندگی و سیره انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام نگاه کنید. هنگامی که یاری اصل اسلام و اصول کلی به میان آمده آنها سکوت نکرده و قیام نموده‌اند و تاوانش را نیز پرداخته‌اند. بر همین اساس فرموده‌اند: «از ما نیست مگر این که یا مسموم شده است یا با شمشیر شهید شده است»، و این نشان از آن دارد که آنان هیچ‌گاه در مقابل ظلم و جور طاغوت سکوت نکرده‌اند.

[اهمیت تحصیل و علم‌اندوزی]

نکته دیگر این که همان‌گونه که چندی قبل در دیدار با برخی از دانشجویان عزیز گفته‌ام و به شما نیز عرض می‌کنم: در عین این‌که به دنبال فعالیت‌های سیاسی هستید هیچ‌گاه از تحصیل و علم‌اندوزی غافل نباشید. این‌گونه نباشد که فعالیت‌های سیاسی شما را از تحصیل علم باز دارد، که ضررش متوجه شما و جامعه خواهد شد، چرا که بی‌دردها و آنها که در راه انقلاب و حفظ آن حتی تلنگری نخورده‌اند در آینده جامعه را قبضه خواهند کرد؛ و شما که زندان رفته‌اید، کتک خورده‌اید، محرومیت کشیده‌اید، منزوی می‌شوید. باز هم تأکید می‌کنم جامعه امروز ما شدیداً به روحانیون باسواد، اعم از مجتهد، سخنران و منبری احتیاج دارد؛ و من بارها به نوه‌های خود گفته‌ام دوست داشتم تمامی شما روحانی و معمم بودید، و وقتی برخی از آنها نزد من درس می‌خوانند لذت می‌برم.

در فرایند آموزش علم باید هم استاد و هم شاگرد هر دو متواضع باشند، نکند استاد به شاگردش بی‌احترامی کند و شخصیت او را منکوب نماید؛ و مواظب باشید عالم جبار و زورگو نباشید و نخواهید با قدرت‌نمایی و جلال و جبروت علم را به دیگران تحمیل نمایید. ممکن است در ظاهر مردم به علمای جبار احترام گذارند اما در باطن این‌گونه نیست. از سوی دیگر شاگرد هم باید تواضع نسبت به استاد را کاملاً رعایت نماید.

به مناسبت اهمیت علم این نکته را هم بگویم که ساختمان وجودی انسان دارای سه مرحله است:

- ۱- عقل و تفکر که حیوانات از این مرحله محروم هستند.
- ۲- امیال و عواطف که انسانها با حیوانات اشتراک دارند.
- ۳- اعضاء و جوارح.

به همین نسبت دین هم به سه مرحله تقسیم شده است:

اول: اصول دین که ایمان به خدا و غیب و پیامبران است.

دوم: اخلاق که مرحله متوسط است که متأسفانه در جامعه امروزی ما کاملاً مغفول مانده و من بارها گفته‌ام مشکل ما مشکل اخلاق و معنویت است. بر این اساس حتماً از مطالعه کتب اخلاقی غفلت نکنید. معراج السعادة و جامع السعادات را فراموش نکنید. مرحله سوم: فروع دین است که مربوط به اعضاء و جوارح است، چون نماز، روزه، حج و... که شما عزیزان باید در هر سه رشته متخصص شوید و از آنها غافل مباشید.

[رعایت تقوای الهی در فعالیت‌های سیاسی]

نکته پایانی که به نظر من مهم است این که در فعالیت‌های سیاسی رعایت تقوای الهی را نموده و مواظب باشید در کارزار سیاسی هتاک، دروغ‌پردازی، تهمت و غیبت وارد نشود، چه در جراید و چه در سخنرانی‌ها. متأسفانه کار سیاسی در جامعه ما امروزه مملو از این نابهنجاریهاست؛ مواظب باشید، شما این‌گونه نبوده‌اید و شأن شما بالاتر از این است که من بخواهم در این باب تذکر دهم. اصولاً انسانی که منطق و سلوک دارد نیازی به این‌گونه حربه‌های غیر شرعی و غیر اخلاقی ندارد....

من قصد نداشتم که به شما چیزی یاد دهم، بلکه می‌خواستم از شما تشکر کنم، و امیدوارم خداوند شما را در تمام مراحل موفق و مؤید بدارد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته.

۱۳۸۱/۱۲/۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۱۲ »

دیدار اعضای کمیسیون حقوق بشر اسلامی

۱۳۸۱/۱۲/۸

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

* امیدوارم مشکل تمام زندانیان سیاسی حل شود.

* حصر من هنوز به طور کامل رفع نشده است.

* قبل از رفع حصر در دفتر من شنود کار گذاشتند.

* * *

دکتر ضیائی فر (دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی) به همراه آقایان دکتر هاشمی، دکتر حبیب زاده و دکتر امینی (از اعضای آن کمیسیون) با آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

فقیه عالیقدر در این دیدار ضمن تشکر از آقای ضیائی فر و همراهان و اشاره به این که نیروهای سپاه با روش خود مانع عزیمت ایشان به تهران برای انجام آزمایشهای قلبی شدند، فرمودند:

رفع حصر من کامل نشده و آنان مثل گذشته عمل می کنند، و برخی مکانها چون حسینیه شهدا و دفتر مشهد هنوز مسترد نشده، و برخی از حسابهای بانکی اینجانب هنوز مسدود است؛ و قبل از رفع حصر، محل دفتر و ملاقاتها را شنودگذاری کرده اند.

[سفارش به استقامت و پشتکار در دفاع از حقوق شهروندان]

ایشان فعالیت های بشردوستانه کمیسیون حقوق بشر را مهم ارزیابی و ضمن بیان حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ بدین مضمون: «محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که

نفع او برای مردم بیشتر باشد» فرمودند:
شما نباید به نام و شعار اکتفا کنید، بلکه باید با استقامت و پشتکار در دفاع از حقوق شهروندان بکوشید و فشارها را تحمل نمایید.

[اظهار نگرانی از محاکمات سیاسی]

ایشان ضمن اظهار نگرانی از موارد نقض حقوق بشر و محاکمات سیاسی ای که به نام دین و اسلام صورت می‌گیرد فرمودند:
سؤال من این است که حضرت علی علیه السلام که به ظاهر چند سال حکومت کردند کدام محکوم سیاسی را در زندان و حبس داشتند؟ در تاریخ حاکمیت ایشان کدام محاکمه سیاسی را سراغ دارید؟ همان خوارجی که مخالف سیاسی حضرت بودند و حتی سران آنان در نماز بر ضد حضرت شعار می‌دادند تا هنگامی که دست به شمشیر نبرده بودند کدامشان توسط نیروهای امنیتی حضرت امیر علیه السلام دستگیر و محاکمه شدند؟ حرّیت بن راشد که از سران خوارج بود با اصحابش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از نظر سیاسی جدا شدند، به حضرت اعتراض شد چرا آنان را بازداشت نمی‌کنید؟ فرمودند: در این صورت زندانها را پر خواهیم نمود. آنچه که در تاریخ داریم برخلاف تصور و مشی آقایان است؛ حضرت امیر علیه السلام نه تنها آنان را بازداشت نکردند بلکه حقوق آنان را نیز از بیت‌المال قطع ننمودند، و پس از شکست آنها در جنگ نهروان نیز حقوقشان را مانند بقیه مردم از بیت‌المال پرداخت می‌کردند.

[حق اظهار نظر برای همه]

ایشان سپس به بیان خاطره‌ای از اوایل انقلاب پرداختند که از مرحوم آیت‌الله خمینی در پاریس سؤال شد: «آیا کمونیست‌ها هم حق اظهار نظر دارند؟» ایشان فرمودند: «بلی، آنان نیز حق اظهار نظر دارند و کسی حق ندارد برای اظهار نظر متعزّض آنان شود»؛ ولی ما به محض این که کسی انتقاد یا اظهار نظری داشته باشد

متعرض او می‌شویم و به مجرد ورود به کشور او را در فرودگاه بازداشت می‌کنیم و با این اعمال به وسیله رسانه‌های جهانی این‌گونه در دنیا مطرح می‌شود که در کشور ما کسی حق اظهار نظر ندارد.

ایشان برخی عملکردها را موجب بدبینی مردم و نسل جوان به اسلام، دین و ارزشهای اخلاقی دانستند و فرمودند:

هنگام پیروزی انقلاب و ورود آیت‌الله خمینی تمامی اقشار ملت خوشحال بودند، اما متأسفانه برخی حرکات که به نام دین انجام شده است موجب شده که از رغبت مردمی کاسته شود. علت آن هم این است که برخی برای حفظ قدرت خویش دین را وسیله قرار داده و از دین استفاده ابزاری می‌شود.

[تأکید بر شعارهای اولیه انقلاب]

ایشان ضمن تأکید بر شعارهای اولیه انقلاب چون «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» فرمودند:

مردم به خاطر معیشت انقلاب نکردند؛ آنها دیدند اسلام، آزادی و استقلالشان در خطر است لذا همه طبقات در انقلاب شرکت کردند. نباید وضعیت پس از انقلاب به گونه‌ای باشد که تنها اسمی از اسلام و آزادی باشد، در عین این‌که باید به مسائل اقتصادی نیز بها داد.

[انتقاد از نهادهای فراقانونی]

ایشان نهادهای فراقانونی که مانع از فعالیت برخی نهادهای قانونی چون مجلس می‌شوند را مورد انتقاد قرار داده و فرمودند:

نمی‌توان پذیرفت برخی از افراد عقل کل و دارای ملکه عصمت باشند و بقیه مردم هیچ؛ باید دیدگاههای اقشار مختلف - خصوصاً نخبگان - با هر گرایشی جمع‌آوری و

به آن ترتیب اثر داده شود، وگرنه با انحصار و مطلق‌انگاری، جامعه از آنچه هست بدتر خواهد شد و ارزشی باقی نخواهد ماند. کشور متعلق به همه مردم است و همه نسبت به حاکمیت و روش حاکمیت آن حق اظهارنظر دارند.

[دنیای امروز دنیای رسانه‌هاست]

ایشان دنیای امروز را دنیای رسانه‌ها دانسته و این که دنیا یک دهکده کوچک است را عین واقعیت دانستند و فرمودند:

نمی‌توان امروزه نظرات و اندیشه‌ها را محدود و محصور کرد. برخی به این باور نرسیده و گویی در ۵۰۰ سال قبل زندگی می‌کنند.

ایشان لزوم شناخت و بیان واقعیت‌های جامعه را ضروری دانسته و از برخی مسئولین که در اظهار نظرات خویش واقعیات جامعه را بیان نکرده و یا آن را وارونه منعکس می‌کنند انتقاد نمودند.

آیت‌الله العظمی منتظری ضمن تأکید بر فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و اطلاع‌رسانی کمیسیون حقوق بشر گفتند:

برای تسریع در رعایت حقوق بشر نایستی از تفاهم و تعامل با مجامع بین‌المللی غافل باشید؛ چون برخی از حکومت‌ها متأسفانه به تذکرات و فشارهای داخلی بی‌اعتنا هستند ولی به واسطه فشارهای خارجی و بین‌المللی مجبور به رعایت حقوق شهروندان می‌شوند و به فشارهای آنها ترتیب اثر می‌دهند.

[لزوم هم‌اندیشی علمای دین با نهادهای مربوط به حقوق بشر]

معظم‌له راه حل مشکلات موجود در تعامل دین با حقوق بشر را هم‌اندیشی و مشورت علمای دین دانسته و خواستار آن شدند که برای حل معضلات اجتماعی علما و بزرگان با یکدیگر به مشورت و تبادل نظر بپردازند.

ایشان ضمن اظهار تأسف از استنکاف برخی آقایان علما از دیدار و گفتگو با نهادهای مربوط به حقوق بشر، علّت آن را نهاد غیرقانونی و دخالت‌های ناروای دادگاه ویژه روحانیت دانستند که موجب خدشه‌دار شدن عظمت و استقلال حوزه‌ها و روحانیت و مرجعیت شده است، به گونه‌ای که به جای این‌که برحسب حدیث شریف: «الملوک حکّام علی الناس، والعلماء حکّام علی الملوک» علما حکّام بر ملوک و قدرتمندان باشند، ملوک و قدرتمندان حکّام بر علما شده‌اند. کلمه «ملوک» کنایه از قدرتمندان است.

ایشان در پایان ضمن اشاره به برخی موارد نقض حقوق بشر، از کمیسیون حقوق بشر اسلامی در فرایند احقاق حقوق اساسی شهروندان تقدیر و تشکر کردند.

۱۳۸۱/۱۲/۸

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۱۳ »

پاسخ به سؤال یک خبرنگار

هنگام شرکت در انتخابات دوّمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا

۱۳۸۱/۱۲/۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

* مبنا در شوراها باید نظر اکثریت باشد.

* ثبات و استواری حکومت به مردم است.

* * *

آیت‌الله العظمی منتظری در ساعت ۱۰/۵ صبح روز ۸۱/۱۲/۹ رأی خود را در صندوق سیّار شماره ۳۳۳ ریختند. معظم‌له پس از رأی دادن در پاسخ به سؤال خبرنگار صدا و سیما، جمهوری اسلامی مبنی بر میزان اهمیت حضور مردم در انتخابات شوراها و میزان تأثیرگذاری آن در رسیدن به اهداف اسلام، انقلاب و کشور فرمودند:

ثبات و استواری حکومت و نظام به مردم است. مردم باید در اصل حکومت و چگونگی آن اعم از انتخاب رئیس جمهور، مجلس و سایر نهادها دخیل باشند و رأی آنها تشریفاتی نبوده و باید تأثیرگذار باشد، بخصوص مواردی که به عمران و آبادی شهرها و روستاها مربوط است و مردم خودشان مستقیماً در آنها دخالت داشته و دارند.

در سوره شوری خداوند می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ که امر به معنای امور اجتماعی و کلی است. در آیه دیگر خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ ای پیامبر، با مردم در کارهای اجتماعی مشورت فرما. پیامبر هم

با آن عظمتش باید با مردم مشورت می‌کرد. مشورت نه تنها مشورت با موافقین بلکه مشورت با مخالفان را نیز شامل می‌شود، و این مسأله دارای اهمیت بسزایی می‌باشد؛ همان‌گونه که در همین آیه می‌فرماید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهم فی الامر﴾ یعنی برای آنانی که با تو مخالفت می‌کردند طلب عفو کن و از آنان درگذر و گذشت کن و سپس امر می‌کند که با همین مردمی که مخالف تو بودند مشورت کن. و عملاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مشورت بسا از نظر و رأی خویش گذشت نموده و تابع نظر اکثریت می‌گردید، و ما هم باید پیامبر را الگوی خویش قرار دهیم.

بدین لحاظ به برادران و خواهرانی که حائز اکثریت آرا می‌شوند تذکر می‌دهم که مبادا در شوراها برخی افراد تکروی کرده و بخواهند نظر خویش را اعمال کنند و یا از جلسه قهر نمایند، بلکه باید با هم‌اندیشی و هماهنگی در تمام امور با نخبگان و صاحبان تخصص مشورت شود و آنگاه که اکثریت به تصمیمی رسید همگی تابع نظر اکثریت باشند؛ و متأسفانه سابقاً در برخی شوراها با رعایت نکردن این جهات مشکلاتی پدید آمده بود که امیدوارم تکرار نشود و مصالح شهرها و روستاها و کلیه شهروندان کاملاً رعایت شود. من دعاگوی تمامی اعضای شوراها هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۱/۱۲/۹

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

گزارش رفع حصر (۷)

۱۳۸۱/۱۲/۱۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

* در ادامه دیدارهای فقیه عالیقدر، طی روزهای گذشته آیت‌الله شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، مهندس محمود حجتی (وزیر جهاد کشاورزی) و دکتر مصطفی معین (وزیر علوم و تحقیقات و فن‌آوری) با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و تبادل نظر کردند.

* همچنین ایشان در دیدار با آقایان اسماعیل زاده، جعفری، کیانارثی و لقمانیان (نمایندگان محترم لنجان، ساوه، فریدن و همدان در مجلس شورای اسلامی) جایگاه مجلس را در حمایت از حقوق مصرّح ملت در قانون اساسی دارای اهمیت دانسته و بر پایداری مجلس در برابر قانون‌شکنی‌ها و نهادهای غیرقانونی تأکید نمودند. معظم‌له رأی مردم به آقای خاتمی در دوّم خرداد سال ۱۳۷۶ رانفی بی‌قانونی‌ها و اقدامات خودسرانه گذشته ارزیابی و فرمودند:

متأسفانه امید مردم به اصلاحات و عده داده شده به واسطه برخی محافظه‌کارها به یأس و ناامیدی تبدیل شده است، در حالی که باید در انجام وعده‌های داده شده استقامت کرد، همان‌گونه که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ﴿فاستقم كما أمرت و من تاب معك﴾ که هم خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم اصحاب و یاران پیامبر باید در راه حق استقامت کرده و بردباری پیشه کنند.

* دکتر ابراهیم یزدی، دکتر محقق و مهندس ابوالفضل بازرگان نیز با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو داشتند. همچنین در دیداری که دکتر حبیب‌الله پیمان

به همراه خانم مرضیه مرتاضی لنگرودی داشتند دکتر پیمان ضمن اظهار نگرانی از چشم‌دوختن بعضی نخبگان و نسل جوان به آن سوی مرزها به واسطه ناامیدی از اصلاحات داخل، خواستار آن شد که با توجه به اقبال نسل جوان به مبانی دینی با نگرش جدید و مدرن آن، تمهیداتی اندیشیده شود تا به سؤالات و شبهات نسل جوان با نگرش نوین به اندیشه‌های دینی پاسخ داده شود.

* در دیداری جداگانه آقایان مهندس عزت‌الله سحابی، محمد بسته‌نگار، دکتر ملکی، تقی رحمانی، دکتر رضا رئیس طوسی، هدی صابر، دکتر رفیعی، مهندس بنی‌اسدی، کیوان صمیمی و رضا علیجانی به همراه خانواده‌های خود با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو داشتند.

* در رابطه با سؤالات مکرر در مورد زمان شروع درس فقه حضرت آیت‌الله العظمی منتظری، به اطلاع می‌رسد که محل تدریس ایشان (حسینیة شهدا) هنوز تحویل داده نشده است؛ البته بنا بر گفته مسئولین مربوطه امید است که پس از تعمیرات لازم تحویل داده شود.

۱۳۸۱/۱۲/۱۷

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به برخی پرسش‌های اعتقادی و سیاسی

۱۳۸۱/۱۲/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ قل لله المشرق والمغرب يهدي من يشاء إلى صراط مستقيم ﴾

(سوره بقره، آیه ۱۴۲)

با عرض سلام خدمت فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری

شروع حرکت جدید اسلام را ایران با انقلاب اسلامی آغاز نمود و یک حرکت جهانی به وجود آورد که امروز شاهد آن هستیم و کشورهای عربی در حال رشد تفکر اسلامی هستند. ولی در حالی که خود این حرکت را شروع کردیم خود در بهای علم و منطق را بستیم و حرکت افرادی مانند استاد مطهری و شریعتی را متوقف ساختیم، که این باعث شد در دنیا با دید دیگری به ما ایرانیان نگاه کنند. مصلحت‌اندیشی و محافظه‌کاری روحانیت برای حکومت باعث شده است خیلی از بحث‌ها مطرح نشود. علت بعضی از دین‌ستیزی‌ها در ایران همین دیدگاه روش اسلام تاریخی است که به آن اجازه حرکت داده نمی‌شود و فقط انسان حق تکرار سخنان گذشته را دارد. متأسفانه هر شخصی که در راه اسلام‌شناسی قدم بردارد و نظرهای جدیدی را بازگو کند به عنوان دشمن، کافر و غرب‌زده محسوب می‌شود. سخنان آقای دکتر آقاجری هنگامی گفته می‌شود که این دایره بسته باشد و تنها راه حل را جدایی اسلام ناب از اسلام تاریخی بدانند. بنده معتقد هستم افرادی هستند که بتوانند در جهت اسلام صحیح قدم بردارند؛ زیرا تماسی که با نماینده‌های شما داشتم متوجه شدم که این حرکت را فقط روحانیت مستقل از دیدگاه حکومتی می‌توانند به هدف برسانند؛ زیرا استقلال فکری را حفظ می‌کنند. امروز نیز ما مطهری‌ها را داریم ولی اسلام حکومتی حتی باب اجتهاد را بسته است، و با هر مرجعی که سخن اسلام روز را بزند شدیداً برخورد می‌کنند، و گاهی به صدور شبنامه (متأسفانه گاهی از خود حوزه علمی قم صورت می‌گیرد) و تهمت در رسانه‌های عمومی

منجر می‌شود. با احزابی که تلاش در اصلاحات دارند مانند حزب مشارکت، مجاهدین انقلاب اسلامی و ملی‌مذهبی‌ها مبارزه شدید می‌کنند و روزنامه‌ها و نشریات را می‌بندند و روزنامه‌ای مانند کیهان به خود اجازه می‌دهد هم مرجع تقلید، رئیس جمهور و حتی رئیس مجلس را ساده‌اندیش بخواند. نمی‌دانم ایشان را چه کسی انتصاب کرده است؟ یا با این نظر موافق هستند و لذت می‌برند و یا مخالف؟ اگر مخالف هستند چرا در برابر این ظلم سکوت می‌کنند؟ اگر بخواهیم بین دانشگاه و حوزه ارتباط قوی برقرار سازیم باید بتوانیم در تفکر اسلامی قدم به جلو بگذاریم. یکی از استادهای دانشگاه روزی یک سخنرانی کرد، یکی از دانشجویان به او انتقاد کرد که ۱۰ سال پیش نظر شما چیز دیگری بود؛ استاد دانشگاه فرمود خدا را شکر می‌کنم که نظر جدیدی دارم و همان نظر ۱۰ سال پیش را تکرار نمی‌کنم؛ زیرا همین شاهد رشد فکری و حرکت به جلو است. به همین دلیل احتیاج به مرجع تقلید زنده و آگاه داریم که زمان‌شناس باشد و از فشار خشک مقدس‌ها و اخباری‌ها نترسد و باعث رشد دین در قلب جامعه گردد.

بنده ۲۱ سؤال از جناب آقای دکتر محسن کدیور کردم که چند ماه پیش برای جنابعالی نیز یک نسخه آن را فرستادم، ظاهراً به علت مشغله هنوز فرصت جواب دادن نیافته‌اید. با آرزوی پیروزی و سلامتی برای شما و خانواده‌گرامی.

التماس دعا - شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۱ - علاءالدین

- ۱- آیا تمام گروه‌ها حق سخن و فعالیت در اسلام دارند؟ حتی گروه‌هایی که مذهبی نیستند؟
- ۲- محارب و برانداز چه کسانی هستند؟ و در چه مورد باید مجازات بشوند؟
- ۳- آیا اسلام با زور و با قدرت شمشیر وارد ایران شد؟
- ۴- آیا حجاب در اسلام اجباری است؟ اگر خانمی برای پوشش سر در کشورهای اهل کتاب مورد بی‌احترامی و هتک حرمت بشود، باز پوشش سر برای ایشان واجب است؟
- ۵- فروع دین و حتی جهاد در اسلام اجباری است یا اختیاری؟
- ۶- معنای عصمت چیست؟ آیا معنای آن این است که گناهان بخشیده شده است؟
- ۷- چه کسانی وارد بهشت می‌شوند؟ فقط شیعیان؟
- ۸- آیا مراسم ازدواج و ذبح اهل کتاب را اسلام می‌پذیرد و قبول دارد؟

- ۹- معنای تقلید مشاورت است یا کورکورانه عمل کردن؟
- ۱۰- آیا زن نیز حق طلاق دادن و گرفتن دارد؟
- ۱۱- آیا مردم حق انتخاب رهبر و نظارت بر رهبر را در اسلام دارند؟
- ۱۲- آیا ازدواج دختر با سن ۹ سالگی پیام اسلامی است؟ و آیا اعتقاد داشتن این که زنان صدر اسلام با سن ۱۴ و یا ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند کفر محسوب می شود؟
- ۱۳- آیا ازدواج غیر دائم (صیغه) نباید ثبت بشود و تعداد آن بی نهایت است؟ و شرط عدالت در آن نمی باشد؟
- ۱۴- آیا اعتقاد به چشم زخم (چشم زدن) در اسلام وجود دارد و یا این که خرافات حساب می شود؟
- ۱۵- آیا در اسلام زندان به عنوان مجازات وجود دارد؟ آیا در اسلام اصلاً زندانیان سیاسی معنا دارد؟
- ۱۶- آیا در زمان پیامبر سنگسار شده است؟ و آیا در اسلام سنگسار داریم؟
- ۱۷- آیا در اسلام شکنجه مفهومی دارد؟ و آیا شکنجه خلاف قوانین اسلامی نیست؟ شکنجه روحی آیا حرام است؟
- ۱۸- آیا در اسلام موسیقی حلال داریم؟
- ۱۹- آیا در اسلام ترور داریم؟ آیا می شود فردی را ترور شخصیتی کرد به نام خدمت به اسلام؟
- ۲۰- کسی که دین و مذهب خود را تغییر می دهد، محکوم به مرگ باید بشود؟
- ۲۱- آیا در بلاد غیر مسلمان می توان حد را جاری نکرد که به اسلام برنگردد و افکار عمومی به اسلام بدبین نشوند؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جناب آقای علاءالدین دام توفیقه

پس از سلام و اعتذار از تأخیر جواب در اثر کسالت های مختلف و هجوم پرسش های گوناگون و رفت و آمدهای زیاد پس از رفع اجمالی حصر، به نحو اختصار جوابهایی را یادآور می شوم، و تفصیل در نامه نمی گنجد.

[حق اظهارنظر برای همه]

ج ۱- از دیدگاه اسلام همه افراد و گروهها حق سخن گفتن و فعالیت را - تا زمانی که به حقوق دیگران تجاوز نشود - دارا می‌باشند؛ و سلب این حق به هیچ وجه جایز نیست. و چون این آزادی حقی خدادادی و فطری است، مردم نیز نمی‌توانند آن را از خود سلب نمایند و خلاف فطرت خدادادی عمل کنند.

[محارب و برانداز کیست؟]

ج ۲- محارب کسی است که با زور سلاح، امنیت مردم یا حکومت مردمی را سلب نماید و به حقوق و اموال و اعراض جامعه تجاوز مسلحانه نماید. و انتقاد از حکومت هیچ ربطی به براندازی و محارب بودن ندارد. البته در انتقاد نیز باید حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی رعایت گردد و کسی مورد هتک و توهین و افترا قرار نگیرد، ولی در صورت ارتکاب عناوین فوق - یعنی توهین و افترا - نیز عنوان محاربه صادق نیست. برای توضیح بیشتر در این زمینه می‌توان به پاسخ‌های اینجانب به پرسش‌های آقای دکتر محسن کدیور در سایت اینجانب مراجعه نمود.

[آیا اسلام با قدرت شمشیر وارد ایران شد؟]

ج ۳- اولاً: بنابر نص قرآن کریم که فرموده: «لا اکراه فی الدین» و نیز آیات دیگری همچون آیه ۹۹ سوره یونس و ۸۸ سوره اعراف، در قبول و اعتقاد به دین و عمل به آن نباید هیچ اجبار و اکراهی در میان باشد.

ثانیاً: بنابر شهادت تاریخ، قدرت نظامی مسلمانان در هنگام مسلمان شدن ایرانیان قابل مقایسه با قدرت نظامی حکومت شاهنشاهی و کهن ایران نبود؛ علاوه بر این که مسلمانان از نظر تجربیات جنگی در مقایسه با حکومت ایران بسیار ضعیف و کم اطلاع بودند. بنابراین نمی‌توان شکست ایران را مرهون قدرت شمشیر و سلاح مسلمانان دانست.

ثالثاً: با زور و شمشیر نمی‌توان دینی را در قلوب مردم راسخ نمود؛ بلکه معمولاً مردم در مقابل تحمیل دین یا هر عقیده و یا عمل، حساسیت منفی نشان می‌دهند و از آن‌گریزان می‌شوند.

بنابراین روی آوردن مردم ایران به اسلام جز سرخوردگی آنان از مظالم حکومت شاهنشاهی و تبعیضات معروف آن، و مجذوب شدن به سوی شعارهای جدّاب همراه با عمل مسلمانان و ارزشهای اسلامی که در آنان می‌دیدند، عامل دیگری نمی‌توانست داشته باشد.

[آیا حجاب در اسلام اجباری است؟]

ج ۴- در این زمینه لازم است به چند نکته توجه شود:

الف - اصل حجاب زن در مقابل نامحرم از احکام قطعی اسلام است؛ اما شکل و نوع آن در اسلام مطرح نیست و در اختیار زن می‌باشد، و او در انتخاب نوع حجاب آزاد است و کسی نمی‌تواند نوع و شکل خاصی از حجاب را به زن تحمیل نماید.

ب - همان‌گونه که در پاسخ سؤال ۳ اشاره شد، دین - اعم از اصول، فروع و اخلاق - قابل تحمیل نیست و اصولاً دین تحمیلی در هر یک از امور ذکر شده ارزشی ندارد؛ بلکه باید با منطق و استدلال و موعظه حسنه و عمل صحیح، دین را تبلیغ نمود تا افراد از روی اعتماد و رغبت به دین روی آورند.

ج - اگر فرض شد در محیطی به هر دلیل مراعات حجاب موجب هتک آبروی زن یا رسیدن ضرری قابل توجه به او شود، به حدّی که موجب عسر و حرج و مشقت او باشد، در حدّ ضرورت و رفع حرج می‌تواند حجاب را مراعات ننماید، همچون سایر موارد تقیه و حرج؛ ولی چنین فرضی بسیار نادر است.

[آیا فروع دین اجباری است؟]

ج ۵- چنان که گفته شد در هیچ یک از شئون دینی - اعم از اصول و فروع و

اخلاق - نمی‌توان کسی را مورد اجبار و اکراه قرار داد و ارزشی هم نخواهد داشت. و جهاد به معنای دفاع از اسلام و کشور اسلامی واجب کفایی می‌باشد؛ پس چنانچه به اندازه نیاز و دفع دشمن، افراد در صحنه حضور داشته باشند نمی‌توان کسی را به آن اجبار نمود. بلی، اگر افراد به اندازه نیاز در صحنه نباشند، حکومت مشروع مردمی می‌تواند به مقدار نیاز، افراد را برای دفاع اعزام نماید.

[معنای عصمت]

ج ۶- معنای عصمت این است که معرفت و شناخت معصوم نسبت به مبدأ و معاد و ایمان به آنها به حدی قوی باشد که عملاً گناه کردن او امکان نداشته باشد؛ نه این که گناه می‌کند ولی فوراً توبه کرده و گناهِش بخشیده می‌شود، زیرا سایر افراد غیر معصوم نیز اگر بعد از گناه توبه نمایند بنابر نص قرآن و روایات متواتر گناهشان بخشیده می‌شود.

[چه کسانی وارد بهشت می‌شوند؟]

ج ۷- بنابر مفاد آیه شریفه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره، آیه ۶۲) هر کس از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، نزد خداوند مأجور است و هیچ خوف و غصه‌ای در قیامت نخواهد داشت. البته آیه فوق مربوط به کسانی است که قبل از بعثت پیامبر اکرم ﷺ بوده‌اند و یا پس از بعثت آن حضرت تحقیق خود را کرده باشند ولی به نتیجه صحیح دست نیافته و به یکی از ادیان قبل از اسلام باقی باشند؛ ولی کسانی که حقانیت اسلام و خاتمیت آن را می‌دانند و با علم به آن هنوز به ادیان سابق باقی هستند و یا بدون تحقیق به ادیان سابق باقی هستند، مشمول آیه فوق نمی‌باشند. همچنین در مذاهب گوناگون یک دین نیز آنانی که به مذهب خود - هرچند باطل باشد - معتقد و

پایبند باشند و نسبت به انتخاب آن مذهب تحقیق لازم را انجام داده و جحد و عنادی نداشته باشند و عمل صالح انجام دهند، مأجور و مصون از عذاب خواهند بود.

[ازدواج با اهل کتاب و حکم ذبیحه آنان]

ج ۸- اسلام ازدواج اهل کتاب را به رسمیت می‌شناسد؛ یعنی آثار مربوطه را بر ازدواج آنان مترتب می‌کند. و ازدواج مسلمانان با زنان اهل کتاب نیز با شرایطی صحیح می‌باشد، و تفصیل آن در کتابهای فقهی مذکور است. ولی خوردن ذبایح آنان را برای مسلمانان جایز نمی‌داند؛ زیرا یکی از شرایط حلال بودن ذبیحه، مسلمان بودن ذابح می‌باشد. البته ظاهر آیه ۵ سوره مائده که می‌فرماید: ﴿و طعم الذین اوتوا الكتاب حلّ لکم و طعامکم حلّ لهم﴾ شامل ذبایح اهل کتاب نیز می‌شود، و مقتضای آن حلال بودن آنها برای مسلمانان می‌باشد؛ ولی عموم آیه فوق به وسیله روایاتی که دلالت بر شرط بودن اسلام در ذابح دارد تخصیص می‌خورد، و تخصیص عمومات قرآن با روایات صحیح امری است متداول که نظیر آن در موارد زیادی در فقه دیده می‌شود.

[معنای تقلید]

ج ۹- اولاً باید دانست که تقلید در اصول دین و اعتقادات صحیح نمی‌باشد و تنها در فروع دین و احکام عملی است که تقلید راه دارد. و ثانیاً تقلید در فروع دین از قبیل رجوع به کارشناس و متخصص می‌باشد، نه از قبیل تقلید کورکورانه. و تقلید به این معنا امری است عقلایی که تمام عقلای جهان در هر کاری که نمی‌دانند - بویژه در امور مهمه - به اهل فن و کارشناس مورد اعتماد خود مراجعه می‌کنند، و منحصر به مسائل شرعی نیست؛ و عقلا در این مراجعه به نظر متخصص مورد اعتماد، اطمینان شخصی پیدا می‌کنند؛ و اگر فرضاً به هر دلیل مطمئن نشوند مراجعه نمی‌کنند. تقلید در مسائل شرعی نیز چنین است.

[حق طلاق]

ج ۱۰- اصولاً در اسلام طلاق در اختیار شوهر می‌باشد؛ ولی اگر زن بخواهد حق طلاق داشته باشد می‌تواند ضمن عقد ازدواج شرط کند که او از طرف شوهر وکیل بلاعزل باشد که چنانچه اموری را که با شوهر شرط کرده انجام ندهد یا حقوق او را تأمین ننماید، زن بتواند خود را از طرف شوهر طلاق دهد. و در این صورت دیگر شوهر نمی‌تواند حق طلاق را از زن سلب نماید.

[مشروعیت رهبر]

ج ۱۱- در مشروعیت حاکم و رهبر در زمان عدم حضور امام معصوم علیه السلام دو نظر وجود دارد: یکی نصب و دیگری انتخاب. مطابق نظر اول، رهبر که باید -علاوه بر شرایطی که در جای خود ذکر شده- کارشناس مسائل دینی یعنی فقیه باشد، از طرف شارع نصب شده است و مردم باید از او تبعیت نمایند و انتخاب آنان تأثیری در مشروعیت او ندارد و نمی‌توانند اختیارات او را محدود نمایند. ولی مطابق نظر دوم، این مردم هستند که باید رهبر را انتخاب نمایند و اگر رهبر واجد شرایط باشد و مردم او را انتخاب نکنند رهبری او نه مشروعیت می‌یابد و نه تحقق عملی. اینجانب در کتاب «ولایة الفقیه» نظر دوم را ارائه و نظریه نصب را رد کرده‌ام. مطابق نظریه انتخاب، مردم هم در انتخاب رهبر و هم در تداوم رهبری او و هم در محدود نمودن زمان رهبری و تعیین شرایط مشروع دیگر و نیز در نظارت بر عملکرد او حق اظهار نظر و تعیین سرنوشت خواهند داشت. همچنین بر اساس این نظریه مردم می‌توانند وظایف رهبری را -که در سه حوزه افتاء، اجرا و قضا جریان می‌یابد- تفکیک کرده و هر یک را به فرد یا افراد واجد شرایط واگذار نمایند.

[ملاک بلوغ دختر]

ج ۱۲- ملاک اصلی بلوغ دختر همان رشد جسمی و روحی اوست و این رشد به

حسب اغلب دختران - بویژه در مناطق گرمسیر همچون عربستان - در حدود سن نه سالگی ظاهر می شود. و علت این که در بسیاری از روایات که مورد عمل فقها و اصحاب حدیث است سن نه سالگی قید شده است همین می باشد. بنابراین اگر دختران در بعضی مناطق یا بعضی اقوام و نسل ها به دلیل شرایط آب و هوا یا شرایط دیگر در نه سالگی به رشد جسمی و روحی کافی نرسیدند و غریزه جنسی در آنها رشد لازم را ننمود، هرچند ازدواج با آنان با وجود اذن ولی و مصلحت آنان صحیح می باشد ولی همبستر شدن با آنان محل اشکال است؛ و سایر تکالیف دینی نیز اگر موجب عسر و حرج آنها باشد، بر آنان واجب نخواهد بود.

و داشتن یا نداشتن اعتقاد به این که زنان صدر اسلام در سن چهارده یا شانزده سالگی ازدواج کرده اند، نه جزو اصول دین است و نه فروع آن؛ و ربطی به کفر و اسلام شخص ندارد.

[ازدواج غیر دائم]

ج ۱۳ - ثبت ازدواج - چه دائم و چه غیر دائم - شرط صحیح بودن آن نیست؛ بلکه برای جلب اعتماد و پیشگیری از تزییع حقوق زوجین بخصوص زن می باشد. ولی در شرایط کنونی جوامع و وجود زمینه های فریب و شهوت رانی های افراطی و امکان رها نمودن همسر و تزییع حقوق او، ثبت ازدواج مانع بروز بسیاری از مفاسد می باشد. و در عقد غیر دائم با توجه به این که فلسفه تشریح آن تشکیل خانواده نبوده بلکه جلوگیری از هرج و مرج جنسی و اطفای شهوت از راه های نامشروع بوده است، از این رو تعداد خاصی منظور نشده است. و با توجه به لزوم رضایت زن و لزوم ذکر مهر و تعیین مقدار آن در عقد غیر دائم و این که زن می تواند وجوب نفقه و ارث بردن از شوهر را در عقد شرط نماید، عدالت نیز مراعات شده است. و عقد غیر دائم نوعی رضای غریزه جنسی زن و مرد از راه مشروع می باشد که می تواند جایگزین هرج و مرج و روابط نامشروع زن و مرد در بعضی جوامع غیراسلامی باشد؛ و نیز می تواند گشایشی برای زنان و مردانی باشد که آمادگی یا توان ازدواج دائمی و تشکیل خانواده را ندارند.

[اعتقاد به چشم زخم]

ج ۱۴- چشم زخم از قبیل تأثیر برخی ارواح خبیثه در برخی امور است. و بدیهی است روح انسان ممکن است پاک و منزّه و یا آلوده به انواع آلودگی‌های روحی و فکری باشد، و هر کدام نیز درجاتی دارد. و تأثیر اراده و روح انسان در امور در جای خود ثابت شده و عقلاً نیز اشکالی ندارد. و رمز کرامات و معجزات نیز همین تأثیر قوّت اراده نبیّ یا ولیّ است که به اذن خداوند در مواقعی عمل می‌کند. و نیز از این قبیل است تصرفات روحی برخی مرتاضین.

و بنابر نظر مفسرین شیعه و سنّی آیه شریفه: ﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزَلْقُونَكَ بَابَصَارِهِمْ...﴾ (سوره قلم، آیه ۵۱) در رابطه با چشم زدن به پیامبر اکرم ﷺ توسط کفار نازل شده است؛ و مراد از «ازلاق به ابصار» که در آیه ذکر شده است همان چشم زدن می‌باشد. و در روایتی توسط جابر از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که چه بسا چشم، انسان را روانه گور و شتر را داخل دیگ می‌نماید. (تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۹۱؛ و ترجمه آن: ج ۱۹، ص ۶۴۸).

[زندانی و زندانی سیاسی از دید اسلام]

ج ۱۵- اساساً در اسلام زندان در موارد خاصی و تحت شرایط خاصی تجویز شده است که تفصیل آن را در جزوه پاسخ به سؤالات آقای دکتر محسن کدیور بیان کرده‌ام. و زندانی نمودن مخالفان سیاسی و عقیدتی که با شیوه‌های غیر مسلحانه فعالیت می‌کنند، در زمان پیامبر اکرم ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین سابقه نداشته است؛ و با این که از ناحیه منافقین یا خوارج - بجز انتقاد - کارشکنی‌های زیادی علیه پیامبر ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین صورت می‌گرفت، ولی تا زمانی که اقدام مسلحانه‌ای از طرف آنان انجام نمی‌شد برخوردی با آنان به عمل نمی‌آمد.

[سنگسار در اسلام]

ج ۱۶- در وسائل الشیعة باب ۱۵ از ابواب حدّ زنا به چند طریق روایتی نقل شده که در زمان پیامبر اکرم ﷺ معاذ بن مالک نزد آن حضرت به زنا محصنه اقرار نمود و از ایشان خواست تا بر او اجرای حدّ نماید و آن حضرت روی خود را از او برگرداند ولی دو مرتبه او اقرار نمود و خواسته خود را تکرار کرد و مرتبه سوم نیز او به همین وضع اقرار نمود و حضرت پرسیدند: آیا او گرفتار خیال و توهم نشده است؟ اصحاب گفتند: نه! و او برای مرتبه چهارم اقرار کرد. سپس حضرت دستور رجم او را دادند؛ همین که او تلخی رجم را چشید از جایگاه خود فرار کرد و در بین راه زبیر او را دید و استخوانی از شتر را به پای او زد و او به زمین افتاد و مردم به او رسیدند و او را کشتند. خبر این حادثه به پیامبر رسید و ایشان فرمودند: چرا او را رها نکردید تا فرار کند و برود؟ و سپس دیه و خونبهای او را از بیت المال پرداختند.

و در روایت ۳ و ۵ همین باب از امام صادق ع نقل شده که فرمودند: «اگر شخص مورد رجم فرار کرد، چنانچه سنگی به او خورده است او را نباید برگردانند؛ ولی اگر هیچ سنگی به او اصابت نکرده است او را برمی گردانند تا تلخی اجرای حدّ را احساس نماید.»

از مجموع روایات ذکر شده به خوبی فهمیده می شود که هدف از رجم، کشتن شخص زانی نبوده است، و لذا پیامبر ص فرمود: «چرا معاذ را تعقیب کردید و او را کشتید؟» و حتی دیه او را از بیت المال پرداخت کردند. پس شخص مورد رجم حق فرار دارد و خون او مهدور نیست. و در روایت ۳ و ۵ حضرت فرمود: «اگر او در حالی که سنگ نخورده فرار کرد او را برگردانند تا سختی و تلخی حدّ را بچشد؛ و نفرمود تا او را بکشند. همچنین مطابق روایات و فتاوی فقها سنگها نباید بزرگ باشد، و علت آن هم چیزی جز این نیست که اگر سنگها بزرگ باشد خطر کشته شدن بیشتر خواهد بود.»

[آیا در اسلام شکنجه مفهومی دارد؟]

ج ۱۷- اسلام با شکنجه کردن به هر منظور - بویژه جهت گرفتن اعتراف و اقرار به جرم - به شدت مخالف است. مطابق روایتی امام صادق علیه السلام از حضرت امیر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «هر کس در حال ترس یا در زندان یا در اثر تهدید و یا در حالی که او را عریان کرده باشند به چیزی اقرار نماید، نباید بر او حد جاری شود.» (وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۹۷) و قریب به همین مضمون نیز در دعائم الاسلام (ج ۲، ص ۴۶۶) از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است. لازم به ذکر است که تعبیر «حد» در روایات فوق اختصاص به حد مصطلح ندارد و شامل تعزیر نیز می‌شود. و بر فرض اختصاص، با تنقیح مناط موارد تعزیرات را نیز در برمی‌گیرد. و اصولاً در شرع مقدس تعزیر پس از ثبوت جرم است نه برای اثبات جرم.

[موسیقی در اسلام]

ج ۱۸- موسیقی انواع گوناگونی دارد و تنها آن نوع از موسیقی که محرک فساد جنسی باشد یا انسان را از خود بی‌خود نماید به نحوی که انسان را وادار به فساد و ارتکاب گناه یا کارهای خلاف نماید و یا زمینه‌های آن را در وی ایجاد کند حرام است؛ همچنین اگر موسیقی ای انسان را وادار به خودکشی یا اضرار به دیگری نماید حرام است. ولی سایر انواع موسیقی که موجب انبساط سالم روح و یا تنظیم صداها و آهنگ‌های حلال می‌شود اشکالی ندارد.

[آیا در اسلام ترور داریم؟]

ج ۱۹- اسلام با ترور - یعنی کشتن غافلگیرانه هر انسانی - مخالف است؛ و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمودند: «الاسلام قید الفتک» یعنی اسلام قید و مانع ترور است. حکم ترور شخصیت نیز چنین است. در روایات متعددی وارد شده است

که حرمت و آبروی مؤمن همچون کعبه یا بالاتر از آن است. حضرت امیر علیه السلام فرمود: «خداوند حرمت هر مسلمانی را بر تمام حرمت‌ها ترجیح داده است.» (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۶۷) بلکه حرمت و کرامت همه انسانها - با هر عقیده‌ای که باشند - مورد اهتمام اسلام است؛ و تفصیل در نامه نمی‌گنجد.

[حکم ارتداد]

ج ۲۰- پیدا شدن عقیده در انسان یا تغییر آن امری اختیاری نیست تا هر کس بتواند به اراده و اختیار خود عقیده‌ای را بپذیرد یا از دل بیرون کند؛ زیرا عقیده معلول مقدماتی است در نفس انسان که معمولاً آنها نیز از اختیار او خارج می‌باشد. بلی آنچه مقدور انسان و در اختیار اوست، مطالعه نمودن و فکر کردن برای رسیدن به حق و تلاش عملی برای آنهاست. بنابراین هر کس در این راه تلاش کافی نماید و به عقیده‌ای دست یابد که به نظرش حق باشد - هرچند در واقع این‌گونه نباشد - نزد خداوند معذور است. و در حکم ارتداد در اسلام عناوینی همچون جحد و عناد فرد مرتد لحاظ شده است که بحث آن را در جای خود مطرح نموده‌ام.

[اجرای حدّ در بلاد غیر مسلمان]

ج ۲۱- در روایتی از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که: «لا یقام علی احدٍ حدٌّ بأرض العدو» (یعنی در سرزمین دشمن حدّی بر کسی جاری نمی‌شود). و در روایت دیگر از آن حضرت علیه السلام علت عدم اقامه حدّ در سرزمین دشمن، خوف ملحق شدن شخص مورد اجرای حدّ به دشمن ذکر شده است. (وسائل الشیعه، ابواب مقدمات الحدود، باب ۱۰).
إن شاء الله سالم و موفق باشید.

۱۳۸۱/۱۲/۲۲

حسینعلی منتظری

پیام در مورد تهاجم آمریکا و انگلستان به عراق

۱۳۸۲/۱/۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿ إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

اهالی خاورمیانه سال جدید قمری و شمسی را مقارن با نخستین جنگ هزارهٔ سوّم میلادی آغاز کردند. تهاجم آمریکا و انگلستان و متحدان آنها علیه مردم مسلمان عراق جنگی ظالمانه و بر خلاف همهٔ ضوابط حقوق بین‌الملل است. این جنگ خانمان‌سوز و وحشتناک تأثیرات عمیقی بر جهان اسلام، دنیای عرب و نیز کشور ما ایران خواهد گذاشت.

اینجانب ضمن ابراز تأسف شدید از این جنگ نابرابر، توجه برادران و خواهران مسلمان و نیز همهٔ حق‌طلبان، عدالت‌جویان و آزادیخواهان را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

۱- صدام حسین رئیس‌جمهور مادام‌العمر عراق یکی از قدیمی‌ترین و مخوف‌ترین دیکتاتورهای معاصر است. نزدیک به یک ربع قرن است که او با زور و ارباب و خفقان بر عراق مسلط شده؛ و بسیاری از منتقدان قانونی، آزادیخواهان، حق‌طلبان عراقی و حتی بزرگان از علما و نخبگان جامعهٔ عراق را اعدام کرده است. وی علاوه بر ظلم و ستمی که بر ملت عراق روا داشته، همسایگان خود را نیز از تجاوز بی‌نصیب نگذاشته است. در نخستین ماههای استقرار جمهوری اسلامی در ایران که محصول انقلابی صددرصد مردمی و ضدّ استبداد و ضدّ سلطهٔ خارجی بود، صدام حسین با حمله به جنوب و غرب ایران جنگی هشت‌ساله را - البته با کمک

کشورهای دیگر و از جمله آمریکا و انگلیس - بر مردم ایران تحمیل کرد. نام صدام در ایران و عراق یادآور قساوت و سبعت و ناجوانمردی است. در همین جنگ بود که برای نخستین بار بمب‌های شیمیایی علیه رزمندگان ایرانی و شهروندان بی‌دفاع عراقی به کار گرفته شد و فریاد مظلومیت ملت و دولت ایران و مظلومین عراقی به جایی نمی‌رسید.

صدام برای دومین بار با حمله به همسایه دیگر خود کویت پای آمریکا را به منطقه کشانید. صدام نه وجاهت ملی دارد و نه مشروعیت دینی. او به واسطه ظلم‌ها و جنایاتی که نسبت به مردم عراق و همسایگانش روا داشته هیچ قابل دفاع نیست و صلاحیت ریاست بر کشور کهنسال و مسلمان عراق را ندارد.

رژیم بعث عراق نیز هیچ‌گاه مورد انتخاب اکثریت جامعه مسلمان عراق نبوده است. قتل عامها، ویران کردن شهرهای ایران و عراق و کویت و سایر جنایات به گونه‌ای است که صدام و حزب بعث او در افکار عمومی جهانیان و حتی در نزد مردم عراق جنایتکار جنگی محسوب می‌شوند.

۲- اگر دولتی حقوق انسانی شهروندان خود را نقض کند و مقررات بین‌الملل را که برحسب عقل و منطق تنظیم شده باشد زیر پا بگذارد، وظیفه جامعه جهانی و مجامع بین‌المللی و بویژه سازمان ملل متحد است که از طرق پیش‌بینی شده در قوانین بین‌الملل، رژیم متجاوز و متخلف را نخست در دادگاه صالحه محاکمه و در صورت محکومیت مورد مجازات قرار دهد. به شرط صدور محکومیت رئیس یک رژیم در دادگاه صالح بین‌الملل، اقدام نظامی جامعه جهانی به رهبری سازمان ملل متحد به عنوان آخرین راه حل قابل پذیرش است؛ و هرگونه اقدام نظامی خارج از چهارچوب قانونی فوق‌مردود و ترویج هرج و مرج و قلدری و زورمداری خواهد بود.

حمله آمریکا و انگلستان به عراق هیچ‌یک از تمهیدات حقوقی فوق‌راطی نکرده است، بلکه آنان با دور زدن سازمان ملل متحد و زیرپانهادن ضوابط حقوق بین‌الملل، جنگی غیرقانونی و غیراخلاقی را علیه ملت عراق آغاز کرده‌اند.

۳- بهانه‌های آمریکا و انگلیس برای حمله به عراق فاقد وجاهت قانونی و شرعی است.

اولاً: اگر دارا بودن سلاح کشتار جمعی جرم است، خودشان اولین مجرمان این میدانند. جهان هنوز فاجعه هیروشیما و ناکازاکی را فراموش نکرده است؛ به علاوه نخستین دولت مسلح به چنین سلاحهای مخوف در خاورمیانه دولت غاصب و نامشروع اسرائیل است که زیر نظر مستقیم آمریکا و انگلستان مسلح شده و آزادانه مشغول قتل عام فلسطینیان مظلوم است. بین صدام عراقی و شارون اسرائیلی چه فرقی است که یکی باید بلافاصله خلع سلاح شود و دیگری هر روز از دیروز مسلح‌تر؟! ثانیاً: اگر غیر مردمی بودن رژیم صدام جرم است، کدام یک از متحدین آمریکا و انگلیس را در خاورمیانه سراغ دارید که حکومتش صددرصد مردمی و همراه با آزادی اقلیت‌ها و جامعه آنان می‌باشد؟! به علاوه چگونه می‌توان با جنگ و زور و تخلف از قانون و اخلاق، مردم‌سالاری و حقوق بشر را در جامعه مستقر کرد؟! مردم‌سالاری امری درون‌زا، خودجوش، تدریجی و محتاج به زیرساختهای نهادی می‌باشد. و ثالثاً: جانی بودن صدام و صدامیان هیچ‌گاه مجوز موشک‌باران و بمباران مستمر شهرهای گوناگون عراق و کشتار بیرحمانه مردم غیرنظامی نمی‌باشد. وارد کردن این همه خسارتهای جانی و مالی بر کشور مسلمان عراق به هیچ نحو قابل توجیه عقلی و منطقی نیست.

۴- جنگ آمریکا و انگلیس و هم‌پیمانان آنها علیه رژیم عراق نبرد حق علیه باطل نیست، حتی دفع افسد به فاسد هم نیست، بلکه جنگ ظالم با ظالم و نبرد فاسد با فاسد می‌باشد. هرگونه همکاری با آمریکا و انگلیس در این تهاجم حرام و معاونت جائر محسوب است. کشورهایی که زمین در اختیار آمریکا قرار داده و به پایگاه نظامی آمریکا علیه عراق تبدیل شده‌اند از قبیل کویت، یا فضای خود را به متجاوزین سپرده‌اند مانند ترکیه، خبیطی بزرگ مرتکب شده‌اند و در کشتار مردم بی‌گناه عراق شریک می‌باشند. مردم غیور منطقه هرگز این خوش‌خدمتی به استکبار جهانی را فراموش نمی‌کنند.

۵- سرنوشت کشور عراق می‌باید به دست ملت عراق تعیین شود. این حق مسلم شهروندان عراقی است که با نظارت و کمک سازمان ملل متحد در مورد حکومت آینده عراق تصمیم گرفته و از طریق یک همه‌پرسی کاملاً آزاد، نظام مطلوب مردم انتخاب شود. آمریکا و انگلیس چکاره‌اند که از آن سر دنیا می‌خواهند برای مردم عراق تصمیم بگیرند؟! هیچ مسلمان شرافتمندی، هیچ عرب غیوری و هیچ آزاده‌ای این خفت را نمی‌پذیرد.

بر برادران و خواهران عراقی لازم است -ضمن صبر و استقامت- از هر گونه همکاری با طرفین این جنگ باطل پرهیزند. مردم مسلمان عراق نشان داده‌اند اگر چه از صدام و رژیم بعث عراق متنفرند ولی هرگز به متجاوزین آمریکایی و انگلیسی نیز خوشامد نخواهند گفت.

بر همه مسلمانان و حق‌طلبان فرض است که از هر راه ممکن برای خاموش کردن آتش این جنگ اقدام نمایند؛ و بر کنفرانس اسلامی است که ضمن محکوم کردن سریع این تجاوز آشکار به یک کشور اسلامی، از حقوق انسانی شهروندان عراقی دفاع کند.

مردم جهان از سازمان ملل متحد و شخص دبیر کل آن آقای کوفی عنان انتظار دارند همه مساعی خویش را برای پایان دادن به این جنگ تحمیلی نابرابر و دفاع از حقوق تضییع شده مردم عراق به کار گیرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز لازم است در اسرع وقت برای مهار این فاجعه انسانی در عراق دست به کار شود.

۶- به نظر می‌رسد اهداف اصلی آمریکا و انگلیس از تهاجم اخیرشان -در و رای تبلیغات اعلام شده- دو هدف اساسی ذیل می‌باشد:

الف: تقویت و حفظ غده سرطانی اسرائیل و توسعه آن که خود موجد آن بوده‌اند، زیرا سلاحهای عراق می‌توانست در آینده علیه اسرائیل به کار گرفته شود. صهیونیسم جهانی بیش از این نمی‌توانست این تهدید بالقوه را تحمل کند.

ب: سیطره بیشتر بر نفت خاورمیانه و از جمله منابع غنی و استراتژیک عراق.

جهان سرمایه‌داری بیش از هر چیز در صدد غارت و چپاول منابع و مغزهای کشورهای در حال توسعه است. طلای سیاه هنوز چشم طمع دنیاداران را کور می‌کند. ۷- در طی ده سال اخیر این دو مین بار است که رژیم عراق مورد حمله مستقیم آمریکا قرار می‌گیرد. یکی دو سال قبل نیز رژیم طالبان در افغانستان در نبردی نابرابر توسط آمریکا ساقط شد. تجربه طالبان در افغانستان و صدام در عراق اثبات می‌کند که صرف ضد آمریکا بودن و شعار علیه آمریکا دادن و حتی با آمریکا جنگیدن دلیل حقانیت و مشروعیت نیست.

۸- در ضمن توجه شود که ما نه با ملت بزرگ آمریکا و نه با دولت آن سر جنگ نداریم؛ هدف ما دفاع از حق و حقوق مظلومین است. اعتراض ما به تجاوزات و قلدریهای دولت آمریکاست که عملاً تحت نفوذ صهیونیست‌های آن کشور اداره می‌شود و جوانان و ثروت کلان آمریکا را فدای خواسته‌های تجاوزکارانه و نامشروع آنان می‌کند و به طور کلی بر آبروی آمریکا در جهان خط بطلان می‌کشد؛ و لذا بر ملت بزرگ آمریکا لازم است بیش از سایر ملل در راه خاموش کردن آتش این جنگ خانمانسوز قدم بردارند.

۹- سلامت و مشروعیت یک حکومت قبل از تدوین سیاست خارجی مستقل نیازمند رعایت سه شرط ذیل در سیاست داخلی است:

الف: تحصیل رضایت شهروندان، اعتنا به نظر اکثریت و افکار عمومی در سیاست‌های کلان و انتخاب مجریان و کارگزاران اصل نظام از ناحیه اکثریت مردم. حکومتی که مورد رضایت جامعه خود نباشد نه مشروعیت دارد و نه ثبات.

با زور نه اسلام تقویت می‌شود و نه حاکمیت؛ و حتی حاکمیت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ع نیز با بیعت و رضایت مردم استقرار یافت.

ب: در پیش گرفتن عدالت و قسط در اداره کشور و پرهیز از هرگونه ظلم و تجاوز به حقوق شهروندان و بستن راه هرگونه رویه ظالمانه و توأم با تبعیض.

ج: مدیریت عاقلانه و به کارگیری تدبیر و عقلانیت و علم در اداره جامعه. در

جهان متحوّل امروز چگونه می‌توان سیاست‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه را بدون مشارکت مستمرّ متخصصان و عقلا و نخبگان کشور ترسیم نمود؟! ۱۰- در این موقعیت خطیر یک بار دیگر به سران جمهوری اسلامی ایران و متصدیان امور تذکر می‌دهم که از تجربه تلخ دیکتاتور عراق درس بگیرند و تا دیر نشده فریاد آزادی خواهی و عدالت طلبی ملت ایران را بشنوند. دست از انحصار طلبی بردارند و به مطالبات بر حقّ این ملت رشید که همانا عدالت و مردم سالاری واقعی و تدبیر و عقلانیت در تصمیم‌گیریهاست گردن نهند؛ و مطمئن باشند که با استبداد سیاسی دینی، تحمل نکردن انتقادهای، بگیر و ببندها و بازداشت‌ها و محاکمات سیاسی رایج و سوءتدبیر در اداره کشور - هرچند با تکرار شعارهای ضدّ آمریکایی و ضدّ صهیونیستی - نمی‌توان در مقابل تجاوز احتمالی آمریکای سلطه طلب ایستاد. این که تعداد انگشت شماری خود را لبّ اسلام و عقل کل پندارند و با اعمال و حرکات قیّم مآبانه حقوق و آزادیهای مشروع را از مردم - که صاحبان اصلی کشورند - و حتی از نمایندگان منتخب مردم به بهانه‌های واهی سلب نمایند، با هیچ عقل و شرعی سازگار نیست و برخلاف وعده‌هایی است که در آغاز انقلاب به مردم داده شد؛ و چون این حرکات به نام اسلام و دین انجام می‌شود عملاً نسل جوان را نسبت به اسلام و موازین اسلامی بدبین کرده‌اند.

متأسفانه در اثر سوء رفتار متصدیان امور کار به جایی رسیده است که بسیاری از مردم با این که از تجاوزات و جنایات آمریکائیان باخبرند دل به آمدن آنها بسته‌اند، غافل از این که سیل اگر آمد همه را با خود می‌برد.

خداوندا، به ملت مظلوم عراق صبر و پیروزی، و به جائران و متجاوزان خواری و شکست، و به سران و مسئولین کشورهای اسلامی عدالت و انصاف عنایت فرما. والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۲۵ محرم الحرام ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲/۱/۹

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

دیدار انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران

۱۳۸۲/۱/۱۴

﴿ بسمه تعالی ﴾

* بنای اسلام بر دموکراسی و حکومت مردمی است.
* روزنامه‌نگاران نباید فعالیت و رسالت مطبوعاتی خویش را بر اثر فشارها فراموش کنند.

* جراید ارگان مردم هستند نه ارگان حکومت‌ها.
* در مسأله انتقاد، افراد خطوط قرمز محسوب نمی‌شوند.

* * *

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران شامل آقایان: کدیور، شمس‌الواعظین، حکمت، علوی تبار، تهرانی، باقی، جلایی‌پور، مظفر و زهدی با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند. حجة الاسلام دکتر محسن کدیور به عنوان دبیر این انجمن ضمن تقدیم اساسنامه و معرفی اعضا، گزارش مختصری از سیر فعالیت‌های انجمن در راستای دفاع از حقوق و آزادی مطبوعات کشور و مشکلات و تنش‌هایی که با آنها مواجه می‌باشند را به استحضار ایشان رساند.

[جراید و رسانه‌ها ارگان مردم هستند نه ارگان حکومت‌ها]

فقیه عالیقدر در این دیدار ضمن تبریک سال نو و دعا برای تحوّل در همه شئون کشور همراه با تحوّل در عالم طبیعت، و تشکر از اعضای انجمن و آرزوی موفقیت برای آنان در جهت اعاده حقوق و آزادی مطبوعات در ایران، و با تشکر از همه

روزنامه‌نگاران که با وجود مشکلات و مزاحمت‌های فراوان و توقیف‌های بی‌رویه در سطح وسیع و کمبود امکانات، در کار خود استقامت کرده و در نشر جراید به منظور ارتقای فرهنگ کشور کوتاهی نکردند، و با بیان این‌که اگر سراغ هر شغل دیگری جز روزنامه‌نگاری می‌رفتند درآمدهای سرشاری را برای آنان در پی داشت، و با اشاره به چگونگی نشر جراید در دوران قاجار که هدف عمده از انتشار آنها انعکاس فرمانهای حکومتی و نظریات متصدیان امور بود، فرمودند:

هدف اصلی از انتشار جراید نه تنها رساندن دستورات و نظریات دولتمردان به مردم است، بلکه می‌بایستی نظرات مردم و خواسته‌های آنان در طبقات مختلف جامعه را منعکس نمایند که خود مردم و دولتمردان از این‌گونه نظرات و حقایق بهره‌مند شوند. در حقیقت همان‌گونه که در همه جای دنیای امروز معمول است، جراید ارگان مردم، زبان مردم و حلقه واسطه میان مردم و حکومت‌ها و دولت‌ها می‌باشند.

ایشان در ادامه فرمودند:

در برخی کشورها چون کشور ما که رسانه‌های مهم چون رادیو و تلویزیون در انحصار حاکمیت است این مهم می‌بایستی بهتر به منصفه ظهور برسد و جراید به عنوان رسانه‌هایی مستقل از حاکمیت، در راه احقاق حقوق مردم و نشر حقایق و انتقادهای سازنده همراه با تحلیل‌هایی منطقی و روشنگرانه بکوشند؛ و این انتظار نابجایی است که دولت و حکومت بخواهند با در دست داشتن رادیو و تلویزیون، جراید هم فقط آنچه را آنان می‌خواهند و مورد پسند آنهاست منعکس کرده و آنچه را آنان می‌خواهند تکرار و به جامعه دیکته کنند.

[سانسور و خودسانسوری عامل اصلی در عدم استقلال جراید است]

ایشان مسأله سانسور و خودسانسوری را عامل اصلی در عدم استقلال جراید دانسته و فرمودند:

اگر بنا باشد که جراید تنها منعکس‌کننده نظر مسئولین باشد و به بیان واقعیت‌ها پرداخته نشود و در مواردی مطالب خلاف واقع منتشر شده و با واقعیت‌ها از جنبه سانسوری آن برخورد کنند، یقیناً نبود چنین جرایدی بهتر از بودن آنها می‌باشد؛ چون در دوران خفقان و سانسور، رسالت واقعی مطبوعات انجام پذیرفته و جامعه حتی از ملموسترین نظرات و واقعیت‌ها نیز محروم خواهد ماند و فرهنگ جامعه به بیراهه خواهد رفت.

[انتقاد شاه‌بیت آزادی مطبوعات است]

ایشان با اشاره به شعارهای اولیه انقلاب چون «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» فرمودند:

انتقاد، شاه‌بیت آزادی مطبوعات است. اگر جراید نتوانند انتقاد کنند و در هر مقطع زمانی با انواع و اقسام خطوط قرمز مواجه باشند، نمی‌توان گفت کشور ما کشوری است که در آن مطبوعات، آزادی دارند؛ چون آزادی مورد نظر وسیع و عمومی است و شامل آزادی مخالفان نیز می‌باشد. نخبگان جامعه در حوزه‌های مختلف صاحب رأی و نظر و اندیشه هستند و باید از این وسیله و زمینه استفاده کنند و بتوانند آزادانه نظرات خویش را بیان دارند. اگر بر فرض انتقادات و مطالب هم دارای اشکال است، نباید به نام قانون و با حربه توقیف به مصاف آنها رفت؛ که متأسفانه این رویه در سالهای اخیر اعمال شده و بیش از هشتاد نشریه به محاق توقیف رفته‌اند، که این‌گونه توقیف‌ها نه منطقی نه عقلی و نه شرعی است و به حیثیت و آبروی کشور ما در سطح جهان ضربه سنگین وارد نموده است. آقایان توجه ندارند که بستن یک روزنامه به معنای سلب حقوق هزاران خواننده آن و بیکار نمودن همه کارگزاران و نویسندگان آن روزنامه می‌باشد، در صورتی که با یک تذکر دوستانه ممکن است مشکل حل شود.

[در مسأله انتقاد افراد خطوط قرمز محسوب نمی شوند]

ایشان مرز انتقاد را حق‌گویی، رعایت انصاف و گفتن سخن از روی منطق و دلیل ذکر کرده و فرمودند:

جراید باید بتوانند از تمامی مسئولین در هر رده‌ای آزادانه انتقاد کنند. این انتقاد می‌تواند شامل مرجع تقلید، رهبری، رئیس‌جمهور یا هر مقام دیگری باشد، و در این جا نمی‌توان اشخاص را مصداق خط قرمز محسوب کرد. ایشان در همین زمینه فرمودند:

هنگامی که امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإني لست في نفسي بفوق أن أخطئ»، ایشان با این که معصوم هستند می‌فرمایند: «از گفتار حق و مشورت عادلانه دست بردارید زیرا من در ذات خود بالاتر از خطا کردن نیستم». هنگامی که به سیره امام علی علیه السلام نگاه کنید خواهید یافت که آن حضرت چگونه آزادی بیان مخالفان را به رسمیت می‌شناخت، چگونگی برخورد آن حضرت با خوارج نهران تا زمانی که دست به شمشیر نبرده بودند یکی از مصداق آزادیهای زمان حاکمیت امام علی است. همان‌گونه که در تاریخ بیان شده حریت بن راشد که یکی از سران خوارج بود گروهی را در مخالفت با حکومت علی علیه السلام تشکیل داده بود، اطرافیان به حضرت فشار می‌آوردند که چرا آنها را دستگیر نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند: «إذن ملأنا السجن منهم» در این صورت زندانها پر خواهد شد؛ و عبدالله بن کواء در نماز جماعت امیرالمؤمنین علیه السلام علیه آن حضرت شعار می‌داد و هرگز مزاحم او نشدند. مع‌الاسف امروزه روشهای اتخاذ شده در زندانی کردن نخبگان جامعه و محاکمات آنان به گونه‌ای است که جامعه را فلج کرده و فاصله بین نخبگان و حاکمیت را نیز عمیق کرده است، و این کارها با اخلاق نبوی و سیره علوی سازگار نیست. این‌گونه برخوردها بخصوص با صاحبان و دست‌اندرکاران جراید، گذشته از این که رشد جامعه را از نظر فرهنگی مختل خواهد نمود، چون به نام دین و

اسلام و حفظ ارزشها صورت می‌گیرد بازتاب ناخوشایندی در دنیا و مردم خودمان بخصوص نسل جوان خواهد داشت و موجب بدبینی آنان به اسلام و دین خواهد شد.

[سفارش روزنامه‌نگاران به صبر و استقامت]

ایشان با سفارش نمودن روزنامه‌نگاران به صبر و استقامت فرمودند: برخورد های یکسویه و فشارها نباید موجب ترس و دلهره صاحبان جراید شده و آنان خودسانسوری را پیشه کنند. در حفظ منافع ملی و احقاق حقوق ملت نباید از کسی یا چیزی ترسید. به نظر من اگر صاحبان جراید و روزنامه‌نگاران در جایی که فشارهایی بر برخی روزنامه‌ها وارد می‌شود اتفاق و همبستگی داشته باشند و به‌طور هماهنگ آنچه را که حق می‌دانند بیان کنند، هیچ دستگاهی توان برخورد یکجا با انبوهی از جراید را ندارد. این‌گونه نباشد که اگر با مدیر مسئول یا روزنامه‌نگار یا خبرنگاری برخورد نامناسب شد بقیه ترسیده و صحنه را ترک کنند.

[لزوم مطالعه و بررسی جراید برای همه]

ایشان لزوم مطالعه و بررسی جراید را خاطر نشان کرده و فرمودند: مطالعه و بررسی روزنامه‌ها و پیگیری اخبار از ضروریات است مخصوصاً برای علما و مراجع، ولی برخی از آقایان حتی کمترین فرصت خود را به مطالعه روزنامه‌ها و استفاده از رادیو و تلویزیون و مطلع شدن از اخبار و جریان‌ات روز اختصاص نمی‌دهند؛ در صورتی که امام صادق علیه السلام بر حسب روایتی فرمودند: «العالم بزمانه لایهجم علیه اللوایس». چگونه می‌شود یک کسی مرجع تقلید باشد اما از حوادث روزگار خود آگاه نباشد. در این زمان که مردم سیاسی شده‌اند و با مسائل سیاسی و اجتماعی سر و کار دارند، نمی‌توان گفت من فقط به چند کتاب علمی بسنده کرده و مرجعی هستم که در امور سیاسی، اقتصادی، جزایی و جهات دیگر دخالت نخواهم کرد.

[طرح اشکالات به آموزه‌های دینی]

ایشان در رابطه با طرح اشکالات به آموزه‌های دینی فرمودند:
در جراید نباید به دین و بزرگان دین و مردم توهین شود و یا به نشر اکاذیب پردازند، ولی اگر در امور دینی هم مطالبی مورد اشکال یا سؤال است می‌توان آنها را به عنوان سؤال مطرح نمود و پس از طرح اشکالات، آنها را با منطق و دلیل جواب داد؛ و افراد متخصص و متبحر مسائلی را که ممکن است درک آنها برای برخی از اقدشار جامعه مشکل باشد تبیین نمایند. این بهترین روش در برخورد با اشکالات و سؤالات است؛ زیرا بخواهیم یا نخواهیم اشکالات در بین نسل جوان درس خوانده مطرح است و سکوت در برابر آنها روا نیست.

ایشان تلاشهای طاقت فرسای روزنامه نگاران را ستوده و فرمودند:
امیدوارم همان‌گونه که ارباب جراید استقامت داشته‌اند و با سختی‌ها ساخته‌اند باز هم استوار باشند و بدانند فعالیت‌ها و استقامت آنها باعث اجر اخروی است. در اصول کافی آمده که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: «من أحبَّ الناس إلى الله» محبوبترین مردم نزد خدا چه کسی است؟ حضرت فرمودند: «أنفع النَّاسِ لِلنَّاسِ» آن که نفعش برای مردم بیشتر باشد؛ و چه نفعی بالاتر از این که انسان نفع فرهنگی به جامعه برساند و در جهت اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی و آگاهی جامعه کوشا باشد.

[اختناق و سانسور موجب عقب‌ماندگی کشور و جامعه می‌شود]

ایشان اختناق و سانسور را موجب عقب‌ماندگی کشور و جامعه دانسته و فرمودند:

حاکمیت جوّ اختناق و خفقان در جامعه بر خلاف مسیر طبیعت است و در فلسفه گفته شده: «القسر لا يدوم» یعنی حرکت بر خلاف طبیعت دوام ندارد. آنچه می‌ماند بی‌آبرویی برای خودمان در داخل و خارج است، و ایجاد چنین وضعیتی به ضرر و

زیان حتی صاحبان قدرتی خواهد بود که این جو را ایجاد می‌کنند، حال آن‌که آنان باید از ارزشی چون انتقاد سازنده استقبال کرده و در حکومتداری هیچ‌گاه از آن غافل نباشند؛ گویا ما خود را در جهان پانصدسال پیش می‌پنداریم و توجه نداریم که در شرایط جهان امروز کوچکترین مسائل کشور - بخواهیم یا نخواهیم - در دنیا منعکس می‌شود.

[بنای اسلام بر دموکراسی و حکومت مردمی است]

ایشان با اشاره به معنی دموکراسی و حکومت اکثریت فرمودند: اگر رضایت اکثریت مردم نباشد حکومت هر چقدر هم از جهات نظامی و اقتصادی قوی باشد دوام نخواهد آورد. و حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که خداوند در قرآن کریم در رابطه با ایشان فرموده است: ﴿النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ نگفت من با مردم کاری ندارم و حکومت من از ناحیه خداست؛ بلکه با بیعت، مشروعیت مردمی حکومت خویش را کسب کردند؛ چون بیعت در آن زمان به گونه‌ای بود که رؤسای قبایل و عشایر به نمایندگی از افراد قبیله با پیامبر بیعت می‌کردند، یا حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام پس از قتل عثمان و روی آوردن مردم به ایشان، قبل از جلب رضایت اکثریت، حکومت را نپذیرفتند تا به ما بیاموزند اسلام بنایش بر دموکراسی و حکومت مردمی است.

ایشان در پایان برای روزنامه‌نگاران آرزوی توفیق کردند و از مسئولین فرهنگی کشور خواستند نسبت به اعطای تسهیلات به جراید ملی و مستقل کوشا باشند و در جهت حمایت از این‌گونه جراید کوتاهی نکنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۱/۱۴

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

تشکر از پزشکان بیمارستان مرکز قلب تهران

۱۳۸۲/۱/۲۷

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

عن علی بن الحسین علیه السلام: «أشکرکم لله أشکرکم للناس» (کافی، ۹۹/۲)

در اثر ابتلا به چند بیماری در هفته گذشته در بیمارستان مرکز قلب تهران بستری شدم و زیر نظر پزشکان محترم معاینات و معالجات لازمه انجام شد. بدین وسیله از زحمات و مراقبت‌های پزشکان معالج و یا راهنما آقایان: دکتر استقامتی، دکتر پلاسعیدی، دکتر حزینی، دکتر داوودی، دکتر رازی، دکتر سالاری‌فر، دکتر صدوقی، دکتر عبدی، دکتر فروتن، دکتر کشفی، دکتر منصوری، دکتر نصر و دکتر نقیب‌زاده تشکر می‌کنم. از خداوند قادر متعال برای آقایان محترم و سایر پزشکان و خدمتگزاران و پرستاران متعهد که خود را وقف خدمت به بندگان خدا کرده‌اند سلامت و موفقیت بیشتر و اجر جزیل مسألت می‌نمایم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمودند: «آن‌که برای مردم نافع‌تر باشد.» والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱/۲۷

حسینعلی منتظری

**دیدار آقایان دکتر سیدهاشم آقاجری، احمد قابل، عمادالدین باقی
و علی مزروعی نماینده مجلس و رئیس انجمن صنفی مطبوعات**

۱۳۸۲/۱/۲۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

* ادامه برخوردهای تند و خشن با صاحبان اندیشه و ناراضی کردن مردم باعث طمع
دول خارجی خواهد شد.

* اظهارات آقای آقاجری هیچ‌گاه سزاوار چنین حکمی نبود.

* برخوردهای تند و خشن و غیرقانونی، دین و انقلاب را تقویت نخواهد کرد.

* * *

دکتر سیدهاشم آقاجری که به تازگی از زندان همدان به مرخصی آمده است با
آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کرد. در آغاز این دیدار آقای آقاجری گفت:
من در درجه اول از الطاف خفیه الهی و ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام تشکر می‌کنم
و سپس از تمام علما و بزرگان و اقشار مردم بخصوص حضرت‌تعالی که قاطعانه از
مظلوم حمایت کردید و بدین وسیله از سنت سیئه‌ای که اگر جاری می‌شد خطرناک
بود جلوگیری نمودید.

آقای آقاجری گفت: تفکری که در سال ۵۵ وجود داشت و نمی‌توانست آن‌گونه که
تفکر امام خمینی و دکتر شریعتی جاذبه داشت جوانان را جذب کند، امروزه مفسر
رسمی دین شده و نه تنها قدرت جذب جوانان را ندارد بلکه موجب رنجش و
پراکندگی آنان شده است، و اگر ایستادگی خود روحانیت در مقابل این‌گونه تفکرات
نبود به نام کل روحانیت ثبت می‌شد.

[اظهار تأسف از انحصار طلبی‌ها]

سپس فقیه عالیقدر - ضمن اظهار خرسندی از دیدار با آقایان و با آرزوی آزادی تمام زندانیانی که به ناحق محبوسند - فرمودند:

بسیار مایه تأسف است که امروزه جوّی ایجاد کرده‌اند که افراد خدمتگزار به جامعه و انقلاب با تشکیل دادگاههای غیرقانونی محکوم و زندانی شوند و حتی آنان را از صحنه فعالیت‌های اجتماعی خارج نمایند؛ البته این انقلاب نیست که چنین می‌کند، بلکه انحصار طلبی‌هاست که موجب خورده شدن فرزندان انقلاب شده است.

[عفو و گذشت نسبت به مخالفین و مشورت با آنان زمینه‌ساز وفاق ملی]

ایشان فرمودند:

با این‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» با این حال حکومت آن حضرت به وسیله بیعت با مردم تحقق یافت. در آن اعصار رؤسای عشایر و قبایل نمایندگان رسمی افراد عشایر و قبایل بودند و بیعت آنان با پیامبر ﷺ بیعت همه افراد تلقی می‌شد، و حکومت امیرالمؤمنین نیز به وسیله بیعت با مردم استقرار یافت؛ و چنانچه اکثریت مردم حکومتی را قبول نداشته باشند آن حکومت دوام و بقا ندارد؛ حاکمیت باید تحمل انتقاد و اعتراضات مردم را داشته باشد.

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران خطاب به پیامبر اکرم ﷺ که هم دارای مشروعیت است و هم مردمی است می‌فرماید: «فِيمَا رَحِمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» «به واسطه رحمت خدا تو با مردم نرمخو شده‌ای و با اخلاق حسنه و خوب برخورد می‌کنی، و اگر تو خشن بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند». سپس می‌فرماید: «از آنان گذشت کن و برای آنان استغفار نما و با آنان مشورت کن». واضح است که دستور گذشت و استغفار نسبت به افراد مخالف است، و با این حال می‌فرماید با همین

افراد مخالف نیز مشورت کن و آنان را به حساب آور.

این واقعیتی است که در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشاهده می‌کنیم که چگونه ایشان با همین روش یعنی کسب مشروعیت مردمی از سویی و رعایت اخلاق خوش و مدارا با مردم و عفو و گذشت نسبت به مخالفین و مشورت با آنان زمینه وفاق ملی را فراهم آوردند؛ حال آن که در جامعه ما برخی مسأله وفاق ملی را مطرح می‌کنند اما حاضر نیستند به رأی و نظر مردم تن داده و خواسته‌های قانونی و مشروع آنان را بپذیرند و وفاق ملی را اطاعت محض از خود می‌دانند.

[ملاک ارتداد قصد انهدام اصل اسلام است]

ایشان تجدیدنظر مسئولین و حاکمان در برخورد با شهروندان و صاحبان اندیشه را زمینه‌ساز وفاق ملی ارزیابی و فرمودند:

از ما که داعیه‌دار حکومت اسلامی و نبوی و علوی هستیم سؤال نمی‌شود که در تاریخ صدر اسلام آیا کسی به مجرّد اظهار نظر بازداشت و یا محاکمه شده است؟! عبدالله بن کوّاء که از سران خوارج بود در نماز جماعت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام علیه آن حضرت شعار می‌داد و هیچ‌گاه با او برخورد نکردند. کجا سراغ دارید که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام کسی را به واسطه طرح شبهات و اشکالات به ارتداد محکوم نمایند؟

اگر به واسطه طرح شبهه یا اشکال به راحتی حکم ارتداد صادر گردد، باید جمع کثیری از افراد جامعه را مرتد شمرده و به اعدام محکوم کنیم؛ و از سوی دیگر صاحبان اندیشه جرأت ابراز عقیده نداشته و عقاید و شبهات آنها در نهان انباشته شود. متأسفانه امروزه افراد به راحتی متهم به ارتداد می‌شوند، که این ناشی از جهل و یا اعمال اغراض و مطامع سیاسی است.

ایشان در ارتداد قصد انهدام اصل اسلام را ملاک دانسته و فرمودند:

با این‌گونه حکم‌ها و برخوردها نه تنها دین و اسلام و انقلاب تقویت نخواهد شد

بلکه این‌گونه برخوردهای نسنجیده موجب تضعیف دین و انقلاب شده و چهره‌ای خشن و تند از اسلام، در داخل و خارج کشور منعکس خواهد شد. ایشان در رابطه با اظهارات آقای آقاجری در همدان فرمودند:

من چندبار متن اظهارات شما را خواندم و به نظرم آمد که هدف شما انتقاد و تذکر بوده است، البته سوءتعبیری هم وجود داشت که باید اصلاح می‌شد اما هیچ‌گاه آن سخنان سزاوار چنین حکمی نبود.

[نارضایتی مردم باعث بهانه و طمع دول خارجی می‌شود]

ایشان ادامه برخوردهای تند و خشن با صاحبان اندیشه و شهروندان و در نتیجه نارضایتی مردم را موجب بهانه و طمع دول خارجی دانسته و فرمودند:

همان‌گونه که در بیانیه مربوط به حمله آمریکا و انگلیس به عراق بیان شد مسئولین باید از جریانات و ماجراهای عراق درس عبرت بگیرند که چگونه شد مردم از دیکتاتور عراق حمایت نکردند و عراق به راحتی به دست اشغالگران افتاد.

ایشان در پایان از تحمل و صبر دکتر آقاجری و دیگر زندانیان تمجید نموده و آرزو کردند تمامی زندانیان سیاسی آزاد و به جامعه بازگردند.

همچنین آقای مزروعی نماینده مردم اصفهان و رئیس انجمن صنفی مطبوعات با معظم‌له دیدار و گفتگو کرد. آیت‌الله العظمی منتظری ضمن تشکر از اهتمام ایشان به وظیفه خطیر نمایندگی و دفاع از حق و حقوق ملت، وی را به استقامت در انجام وظائف قانونی سفارش نمودند.

۱۳۸۲/۱/۲۸

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار شاخه جوانان جبهه مشارکت شرق تهران

۱۳۸۲/۱/۲۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[لزوم علم‌اندوزی جوانان و دانشجویان در عین دخالت در امور سیاسی]

شاخه جوانان جبهه مشارکت شرق تهران با فقیه عالیقدر دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار آیت‌الله العظمی منتظری در ابتدا ضمن خوشامدگویی، پیرامون علم‌اندوزی در عین دخالت جوانان و دانشجویان در امور سیاسی فرمودند: یکی از امور بسیار مهمی که دین اسلام و آموزه‌های آن بر آن تأکید بسیار دارند تحصیل علم است. در این رابطه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «طلب العلم فريضة على كل مسلم ألا وإن الله يحب بغاة العلم» طلب علم بر هر مسلمانی واجب است، همانا خداوند طالبان علم را دوست دارد.

[تقسیم‌بندی علوم اسلامی]

ایشان ضمن تقسیم علوم اسلامی به اصول دین، احکام فقهی و اخلاق اسلامی فرمودند:

تحصیل برخی علوم واجب عینی است، یعنی تمامی مسلمانان لازم است به تحصیل آن علوم پرداخته و آگاهی‌هایی از آن علوم داشته باشند، که شامل بخش اعتقادات و اخلاق اسلامی و وظایف دینی است.

اما تحصیل برخی علوم واجب کفایی است، به این معنی که بر تمام افراد تحصیل

آن لازم است مگر این که تعدادی از افراد به اندازه کفایت در جهت رفع مشکلات جامعه آن علم یا علوم را بیاموزند و منشأ اثر باشند. به عنوان مثال می توان از علوم پزشکی، صنایع، مهندسی و... نام برد که جامعه به آنها نیاز مبرم دارد، و همه مردم مسئولیت دارند آنها را بیاموزند، چون از ضرورت های جوامع امروزی است، اما اگر برخی برای فراگیری اقدام کردند و متخصص شده و احتیاجات جامعه را تأمین کردند کفایت می کند.

ایشان در ادامه فرمودند:

در مورد تحصیل علم، آنچه که از آموزه های دینی بر می آید این است که تحصیل علم بر هر کس نزد هر کس، در هر جا و هر زمان و هر شرایطی لازم است. تحصیل علم منحصر به استاد، زمان، مکان و شرایط خاصی نیست؛ همان گونه که نقل شده: «الحكمة ضالة المؤمن أينما وجدها أخذها» حکمت گمشده مؤمن است هر کجا و پیش هر کس بیابد آن را فرا می گیرد؛ و همان گونه که گفته اند: «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد» از گهواره تا گور طلب علم کنید. البته من این جمله را در کتب روایات نیافته ام - و نقل شده: «اطلبوا العلم ولو بالصين» طلب علم نمایید ولو این که به دورترین نقطه نسبت به کشور اسلامی یعنی چین بروید؛ و نقل شده: «لو يعلم الناس ما في طلب العلم لطلبوه ولو بسفك المهج و خوض اللجج» اگر مردم می دانستند که طلب علم چقدر مهم است و ارزش آن را درک می کردند آن را طلب می کردند ولو این که در این راه خون دلها ریخته شود و به قعر دریاها فرو روند. همچنین در قرآن کریم می فرماید: ﴿هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون إنما يتذكر أولوا الألباب﴾ آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند مساوی اند؟ آدمهای عاقل هستند که می فهمند.

ایشان ادامه دادند:

دنیای امروز دنیای علم و دانش و فن آوری و تکنولوژی نامیده شده است، اگر شما کوتاهی کنید خدای نخواسته دیگرانی که تعهدی نسبت به دین و کشور و مردم ندارند متخصصین آینده کشور خواهند شد و مدیریت های خرد و کلان جامعه به دست آنان

خواهد افتاد و آنجاست که افسوس خوردن کارساز نیست.
در ادامه این دیدار شرکت‌کنندگان به طرح سؤالات خویش پرداختند.

[پاسخ به سؤالی در مورد جریان مک‌فارلین]

فقیه عالیقدر در پاسخ به سؤالی پیرامون ماجرای ورود رابرت مک‌فارلین مشاور امنیت ملی ریگان رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا در سال ۶۵ به ایران گفتند: آنچه در این رابطه که معروف به ایران‌گیت شد من اطلاع داشتم در کتاب خاطرات اینجانب آمده است، اما به‌طور اجمال ظاهراً آقای مک‌فارلین با هدف عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا به ایران نیامده بود، بلکه علت حضور وی تأمین برخی سلاح‌های جنگی بود که برای ادامه جنگ ایران و عراق ما به آنها احتیاج داشتیم و از سویی هم در محاصره اقتصادی بودیم و دستیابی به این سلاحها با آمدن مک‌فارلین از طریق اسرائیل میسر می‌شد، یعنی با مذاکرات صورت گرفته قرار بر این شده بود که به واسطه سلاح‌های آمریکایی که از طریق طرف اسرائیلی به ایران ارسال می‌گردد جنگ ادامه یابد. آمریکایی‌ها از ادامه جنگ خوشحال بودند تا هم عراق و هم ایران تضعیف شوند. و این که مرحوم امام از اول در جریان مذاکرات بودند یا نه، من اطلاع ندارم؛ ولی می‌دانیم که ایشان به سؤال‌کنندگان از این جریان حمله کردند.

[عدم نیاز به رفراندوم در مورد رابطه ایران و آمریکا]

ایشان در رابطه با عادی‌سازی روابط با آمریکا و در پاسخ به سؤالی در همین رابطه فرمودند:

ما در میان انظار داخلی و خارجی معروف به فرصت‌سوزی شده‌ایم. بارها و در بسیاری از مواقع حساس با این که می‌توانستیم کارهای اساسی و عاقلانه و دوراندیشانه انجام دهیم به راحتی فرصت‌ها را از دست می‌دهیم؛ و وقتی به فکر عمل می‌افتیم که فرصتی نمانده و مجبوریم کوتاه بیایم بدون این که امتیازی گرفته باشیم.

روابط با آمریکا نیز همین گونه است.

زمانی وزیر خارجه آمریکا خانم آلبرایت به کودتای ۲۸ مرداد علیه نهضت ملی اعتراف و عذرخواهی کرد، روز دیگر رئیس جمهور سابق آمریکا تا پایان نطق رسمی آقای خاتمی در روی صندلی اش نشست و حتی مقدمه چینی کرده بود که با آقای خاتمی در سازمان ملل از نزدیک روبرو شود اما ایشان طفره رفت، آن فرصت ها از دست رفت، و گروه دیگری سیاست خارجی و داخلی آمریکا را به دست گرفتند، موقعی ما به فکر مذاکره افتادیم که ما در موضع ضعف و آنها در قوت بودند. حال که این گونه شده است برخی بحث مذاکره را مطرح و سخن از فراندوم در این رابطه را مطرح کرده اند.

فراندوم برای مسائل کلان و اساسی کشور است؛ در اینجا باید طبق نظر نمایندگان مجلس - که مجلس خانه ملت است - و کارشناسان عمل شود. کارشناسان باید با رعایت مصالح کشور و ملت نظر بدهند و بدون هرگونه شعار توخالی و تهی با رعایت جوانب امر اقدام شود. رابطه با آمریکا خط قرمزی نیست که نتوان از آن عبور کرد و تا ابد نتوان با آمریکا سر میز مذاکره نشست.

[موضع ایشان پس از فتح خرمشهر]

ایشان در رابطه با سؤالی پیرامون موضع ایشان پس از فتح خرمشهر گفتند: پس از فتح خرمشهر احساس کردم ما در قوت هستیم و دشمن بشدت ضعیف شده است، با توجه به اقتدار حاصل شده بهترین فرصت برای صلح و گرفتن غرامت از دشمن بود؛ بر این اساس مراتب را طی پیامی به بیت مرحوم امام منعکس کردم اما با بی مهری مواجه شدم و حتی گفته شد فلانی بوی دلار به مشامش خورده است! فرصت های دیگری هم بود. هیئت های صلح می آمدند اما ما کوتاه نمی آمدیم، آنقدر ادامه یافت تا به قول امام ایشان مجبور شدند جام زهر را بنوشند. وقتی تن به صلح دادیم که دیگر نقطه قوتی برای ما در جنگ نمانده بود. علاوه بر این که غرامت ها

پرداخت نشد، خسارات جبران‌ناپذیر انسانی و غیرانسانی بر هر دو کشور تحمیل شد.

[توبه سیاسی]

ایشان در پاسخ به سؤالی در رابطه با برخی اظهار نظرهای خویش فرمودند: من همیشه سعی کرده‌ام آنچه را به مصلحت می‌دانم تذکر دهم. امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه همگانی است، البته مدعی عصمت و عدم اشتباه نیستم. انسانها قاعدتاً معصوم نیستند، رجال سیاسی نیز در کارنامه سیاسی خویش اشتباهات دارند، آنچه مهم است آن است که خطاها را ادامه نداده و از گذشته درس عبرت بگیرند و از بیراهه به راه برگردند. همان‌گونه که نقل شده: «کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون» تمامی انسانها و بنی آدم خطاکارند و بهترین خطاکاران توبه‌کنندگان هستند. رجال سیاسی باید پی به اشتباهات خود برده و توبه سیاسی نمایند.

[رابطه ایران با انگلیس و اسرائیل]

ایشان در پاسخ به سؤال دیگری فرمودند: تفاوتی بین آمریکا و انگلیس نیست، اگر ملاک و معیار قطع رابطه با کشوری خوی استکباری و استعماری آن کشور باشد نمی‌توان میان این دو کشور تفاوتی قائل شد و آمریکا را شیطان بزرگ نامید و انگلیس را تبرئه کرد. حال آن که انگلیس سابقه استکباری و استعماری اش بیشتر از آمریکاست و هنوز هم ادامه دارد؛ در همین مسأله حمله به عراق نیز انگلیس هم شرکت دارد، بنابراین نمی‌توان میان ارتباط با آمریکا و انگلیس تفاوتی قائل شد. ملاک باید رعایت ساز و کارهای بین‌المللی و دیپلماتیک باشد.

ایشان رابطه با اسرائیل را مردود شمردند و در بیان علت آن فرمودند: اسرائیل کشوری بی‌ریشه و فاقد مشروعیت و غاصب است، غده‌ای سرطانی

است که شهروندان یهودی آن فلسطینی نیستند بلکه با دسیسه همین انگلیسی ها از اقصی نقاط جهان گردآوری شده و با آواره کردن فلسطینی ها سرزمین آنان را اشغال کرده اند. آمریکا هم به دنبال مشروعیت بخشیدن به رژیم اشغالگر اسرائیل و استحکام پایه های غاصبانۀ آن است. بنابراین نمی توان با کشوری که غاصب و نامشروع است رابطه داشت و از این طریق آن را به رسمیت شناخت، اما با دیگر کشورهای جهان می توان روابط عادی داشت.

۱۳۸۲/۱/۲۹

دفتر آیت الله العظمی منتظری

دیدار جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های:

تربیت مدرس، تهران، علوم پزشکی تهران و امام حسین علیه السلام

۱۳۸۲/۲/۱۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

در روز ۱۳۸۲/۲/۱۲ جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، علوم پزشکی تهران و امام حسین علیه السلام به همراه حجة الاسلام آقای دکتر محسن کدیور با حضرت آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار ابتدا آقای کدیور ضمن معرفی هیئت همراه به معظم له فرمودند:

آقایان از اساتید دانشگاه‌ها هستند، تصمیم گرفتند به مناسبت روز معلم خدمت حضرت تعالی برسند. هم تشکر کنند از مقام استادی حضرت تعالی، هم یادی بکنند از مرحوم شهید مطهری طاب ثراه؛ و یادآور شوند که وضعیت فعلی دانشگاه‌ها حساسیت خاص خودش را دارد. روند فرار مغزها خیلی بیشتر شده است، در ۶۱ کشور در حال توسعه دنیا الان ایران از حیث فرار مغزها مقام اول را دارد. آن زمانی که من در آمریکا بودم این آمار را خواندم و این نشان دهنده است که اساتید داخل ایران امنیت لازم را ندارند و جذب نشده و باقی نمی‌مانند؛ غالب اساتید ایرانی خارج از کشور منشأ خدمات علمی متعددی هستند ولی در کشور خودشان به بازی گرفته نمی‌شوند، در مدیریت جامعه احساس می‌کنند که وجود ندارند و در خلأ هستند، این یکی از عوامل این مطلب است.

حساسیت مسائل منطقه هم باعث شده است که تکیه بر مدیریت علمی در جامعه تقاضای بیشتری داشته باشد؛ چون یک خطا در تصمیم‌گیریها بسا باعث می‌شود خدای ناکرده مشکلاتی که در مثل عراق اتفاق افتاده است برای ایران هم اتفاق بیفتد. دوستان تصمیم گرفتند خدمت

حضرتعالی برسند هم به مناسبت روز معلم و هم به مناسبت مسائل حساس منطقه و هم مشکل اصلی دانشگاهها که فقدان امنیت فرهنگی و سیاسی است راهنمایی بفرماید.
من کوتاه صحبت کردم که بیشتر بتوانیم از راهنمایی‌های حضرتعالی استفاده کنیم.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

[تسلیت سالروز شهادت آیت‌الله مطهری]

الحمد لله آقایان خودشان هم بر موضوعات و هم بر این‌که چه جور کارهایی باید انجام شود واقف‌اند، نیاز به گفتن من نیست، برای این‌که شما خودتان در مرکز هستید و بر جریانات و موضوعات کشور واقفید. حالا به مناسبت روز معلم و شهادت آیت‌الله مطهری رحمة‌الله‌علیه که واقعاً ایشان نابغه و وجود ارزنده‌ای بودند که از دست ما گرفته شد، من این مصیبت را به خانواده ایشان و به شما دوستان و همه علاقه‌مندان تسلیت می‌گویم. خدا ان شاء الله درجات ایشان را عالی کند و امثال ایشان در کشور ما زیاد بشود.

[ارزش علم و معلم و تعلیم]

ارزش معلم برای این است که او تربیت‌کننده روح افراد است، غذای روحی به افراد می‌دهد، و ارزش انسان هم به همان روح و علوم و معارفی است که پیدا می‌کند. بنابراین هر معلمی بر جامعه و شاگردهایش حقوق زیادی دارد. «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا». در دین مقدس اسلام نسبت به علم و تعلیم بسیار تأکید شده، «عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» عالمی که از علمش بهره‌مند شوند از هفتاد هزار عابد افضل است. این ارزش عالم را می‌رساند، عالمی که مردم از علمش نفع ببرند.
در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ

أولوا الألباب». و پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برحسب حدیث معتبر که در کافی است - اول باب العلم - فرمودند: «طلب العلم فريضة على كل مسلم، ألا وإن الله يحب بغاة العلم» طلب علم بر هر مسلمانی واجب است، آگاه باشید خدا طالبین علم را دوست می‌دارد. البته بعضی از علوم واجب عینی است برای همه، مثل دانستن معارف، احکام دینی و اخلاق اسلامی؛ ولی سایر علوم که مورد نیاز بشر می‌باشد یاد گرفتن آنها واجب کفایی است، و حق در واجب کفایی این است که وجوب متعلق به همه است، بر همه واجب است و اگر ترک شود همه گناهکارند، ولی اگر کسانی به اندازه ضرورت متصدی شدند از گردن دیگران ساقط می‌شود. پس ما می‌توانیم بگوییم این علوم که مورد نیاز بشر است مخصوصاً در جهان امروز که بدون علوم و صنایع زندگی امکان ندارد، واجب کفایی می‌باشند. مثلاً مردم نیاز به پزشک دارند، اگر پزشک در شهری نباشد همه گناهکارند؛ معنای واجب کفایی همین است. همین‌طور مهندسی و صنایع مورد نیاز؛ فرض کنید در یک شهر نانوائی نباشد و مردم رنج می‌برند، بر همه واجب است که مقدمات آن را فراهم کنند، معنی واجب کفایی این است. پس سایر علوم که مورد نیاز بشر است تحصیل آنها بر همه واجب کفایی است.

«طلب العلم فريضة على كل مسلم» را نمی‌شود بگوییم منحصر در علوم دینی است؛ منتها علوم دینی به اندازه نیاز هر کسی واجب عینی است ولی سایر علوم دیگر واجب کفایی است که همه باید یاد بگیرند؛ مگر این که افرادی به مقدار ضرورت انجام دهند. و اگر فرض کردیم یک کسی از مسلمانان نداریم که به ما تعلیم نماید، باید برویم از دیگران یاد بگیریم؛ چنانچه فرموده‌اند: «الحكمة ضالة المؤمن أينما وجدها أخذها» حکمت گمشده مؤمن است هر کجا که آن را بیابد فرا می‌گیرد.

تحصیل علم از نظر مکان هم توسعه دارد، «اطلبوا العلم ولو بالصين» طلب علم کنید حتی اگر لازم باشد به چین بروید. از نظر زمان هم گفته شده - زگهواره تا گور دانش بجوی - «اطلب العلم من المهد إلى اللحد». البته من این جمله معروف را به عنوان روایت در جایی ندیدم؛ ولی «اطلبوا العلم ولو بالصين» در کتب روایت نقل شده است.

و نیز در هر شرایطی؛ از امام چهارم علیه السلام نقل شده: «لو يعلم الناس ما في طلب العلم لطلبوه ولو بسفك المَهَج و خوض اللُّجج» اگر مردم می دانستند که طلب کردن علم چقدر ارزش دارد طلب می کردند ولو خون دلها در این راه ریخته بشود و در گردابها فرو بروند؛ یعنی هرچند شرایط سخت باشد.

[بهادادن به اساتید و سختگیری نکردن نسبت به آنها]

پس از نظر اسلام طلب همه علم می که مورد نیاز است واجب شرعی است، و لازم است که مسئولین و متصدیان امور به این معنی خیلی اهمیت دهند. ارزش استادها را درک کنند و به حفظ و حرمت آنان اهتمام ورزند.

بارها من تذکر می دادم که شما شاگردهایی را می فرستید به خارج برای این که علمی را یاد بگیرند، شما حساب کنید این شاگردانی که به آمریکا و یا جاهای دیگر می روند چه مقدار ارز مصرف می شود؛ به جای این که دانشجویها را بفرستیم به کشورهای دیگر، استاد از آنجا بیاوریم و حقوق کافی به آنان بدهیم، و اگر خودمان استاد داشته باشیم دیگر چه بهتر؛ ما نباید کاری بکنیم استادان با ارزش ما دلسرد بشوند و بروند و آن وقت دانشجویان ما برای تحصیل علوم لازمه ناچار باشند به خارج بروند، در خارج ممکن است گرفتار فرهنگ های غلط هم بشوند، چون محیط خواهی نخواهی مؤثر است. اگر این حساب را می کردیم که فرستادن دانشجویان به خارج چه هزینه هایی دارد تجدیدنظر می کردیم و نسبت به استادهای خودمان سختگیری نمی کردیم. نوعاً برخوردهایی که نسبت به استادها می شود برخوردهای سیاسی است، در صورتی که باید آنان در محیط علمی آزادی داشته باشند. مرحوم شهید مطهری می گفتند: ما استقبال می کنیم کسانی بیایند مارکسیسم را خوب برای ما بیان کنند که چه می گویند و آن وقت در مقابلش ما حرفی داریم بزنیم، نه این که اگر یک استاد یک کلمه حرفی زد مزاحمش بشوند و برای او پرونده سازی کنند و افراد را علیه او تحریک نمایند.

در اولین آیه‌ای که بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است مطابق نقل تفاسیر: ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ از اول صحبت از قرائت و تعلیم و تعلم است. در اسلام این همه تأکیدات نسبت به علم و تعلیم هست، ما هم که می‌گوییم: «حکومت اسلامی» پس باید همان فرهنگ اسلام را پیاده کنیم و قهراً باید به اساتید زیاد بها بدهیم، سختگیری نکنیم؛ اگر استاد یک جمله‌ای به نظرش آمد و گفت مزاحمش نشویم؛ این پولهایی که خرج می‌شود برای فرستادن دانشجویان به خارج، یک کاری بکنند که دانشجویان در همین جا علمی را که لازم است یاد بگیرند؛ اگر فرضاً کمبود استاد داریم، استاد از خارج بیاوریم باز بهتر از این است که بچه‌هایمان را بفرستیم در خارج؛ یک وقتی بچه‌ها را فرستادند به رومانی، آنجا محیط کمونیستی بود و بالاخره محیط در آنان اثر می‌کرد. این کار غلطی بود.

بنابراین بر مسئولین لازم است در تربیت استاد و بهادادن به استادان و تهیه امکانات برای آنان کوشش نمایند؛ حقوقی که به یک استاد دانشگاه در تهران داده می‌شود زندگی او را تأمین نمی‌کند و مزاحمش هم می‌شوند، آن وقت او به چه چیزی دلش خوش باشد، طبعاً می‌روند به خارج، در خارج به آنان بها می‌دهند.

یکی از نزدیکان ما آقای دکتر رستمی که در اصفهان استاد دانشگاه است می‌گفت که من در آمریکا کمتر بیمارستانی رفتم که رئیس بخش‌هایش ایرانی نباشند، رئیس بخش هر قسمتی از بیمارستان دکتر ایرانی بود. آنجا به آنها بها و ارزش می‌دهند، و اینجا آنان را می‌شکنند، و نوعاً این کار رنگ سیاسی دارد. دانشگاه بایستی استقلال داشته باشد، و ما نخواهیم یک سنخ افکار سیاسی را که بعضی‌ها دارند به دانشگاهها و استادها و دانشجویها تحمیل کنیم.

در سوره فاطر آیه ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ ظاهراً مربوط به علم فقه و اصول نمی‌باشد بلکه به علمی که در دانشگاهها خوانده می‌شود نظر دارد. ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ

حمر مختلف ألوانها و غرابیب سود * و من الناس و الدواب و الأنعام مختلف ألوانه كذلك إنما يخشى الله من عباده العلماء ﴿﴾ آیا نمی بینی که خداوند از بالا آبی فرستاد که به وسیله آن میوه های رنگارنگ پدید آوردیم، و از کوهها رگه های سفید و قرمز با رنگ های مختلف و رگه های کاملاً سیاه، و از انسانها و جنبنده ها و چهارپایان نیز به رنگ های مختلف آفرید، جز این نیست که علما و دانشمندان از خدا می ترسند.

پس در این دو آیه به همین علوم دانشگاهی و علوم طبیعی که در دانشگاهها خوانده می شوند از قبیل زمین شناسی، آب شناسی و میوه شناسی، معدن شناسی و اقسام معادن و انسان شناسی و حیوان شناسی اشاره شده است. همه این علوم را که در دانشگاهها خوانده می شوند ذکر می کند سپس می گوید: ﴿﴾ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴿﴾ یعنی آنهایی که دانا به این جور امور باشند و دقیق و ریزه کاریهای عالم طبیعت را درک کنند طبعاً به عظمت خدا پی می برند، وقتی که به عظمت خدا پی بردند طبعاً خشیت پیدا می کنند، از خدا می ترسند. این آیه سندی است قرآنی برای علوم می که در دانشگاهها خوانده می شود و مورد نیاز بشر است. امیدواریم متصدیان امور به دانشگاهها و اساتید و به علم و دانش بیشتر بها بدهند و مشوق استادها باشند. یک کاری بکنند حتی آن دانشمندانی که در خارج داریم برگردند به کشور و خدمت بکنند.

[مقام صابران]

فعالاً عمل خود آقایان به اندازه خودشان، به اندازه قدرتشان، همین که مانده اند قابل تقدیر و تشکر است. در راههایی که انسان می خواهد طی کند به مشکلات هم برمی خورد، انسان باید استقامت داشته باشد و با مشکلات بسازد و صابر و بردبار باشد. ﴿﴾ إِنَّمَا يَوْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿﴾. و خیال هم نکنید که خارج بهشت برین است، آنجا هم مشکلات هست، منتها آنان که رفته اند جوری شده که زده شده و رفته اند. اگر شرایط خوبی فراهم بشود، آنها هم تشویق شده و برمی گردند می آیند.

درست است که حالا آمریکا کشور ما را از چند طرف احاطه کرده است، ولی عمده این است که ما سوژه دست آنها ندهیم آنها هم کاری نمی‌توانند بکنند. آنها اختلافات و نقطه‌های ضعف را پیدا می‌کنند و سوژه می‌شود و بعد هوس می‌کنند نسبت به ما مزاحمت کنند.

إن شاء الله همیشه موفق و مؤید باشید، و من به سهم خودم از زحمات آقایان تشکر می‌کنم. شما الحمد لله جوانید و می‌توانید کار بکنید. إن شاء الله موفق و مأجور باشید.

[لزوم تقویت مجلس نه تضعیف آن]

آقای کدیور: آقایان ناراحت مسائل منطقه‌اند، آنها نگران این هستند که آمریکا به دنبال تغییر نقشه‌ی خاورمیانه است، و در نحوه‌ی برخورد سیاستمداران ما همه‌ی جوانب اندیشیده نشده است؛ نگرانی شدید این است که با تصمیمات شتابزده مشکل برای ایران و برای اسلام در جهان ایجاد شود. این مسأله‌ای است که ذهن ما را اشغال کرده است، حتماً شما هم در این زمینه فکر کرده‌اید، و نکته‌ای اگر صلاح می‌دانید استفاده خواهیم کرد.

آیت‌الله منتظری: الآن من داشتم یک خبر از اینترنت می‌خواندم توی روزنامه هم بود که یکی از آقایان گفته‌اند: سپاه باید مراقب نمایندگان باشد و نمایندگان مجلس را زیر نظر بگیرند. این معنایش این است که سپاه، نماینده‌ی شهر را دنبال کرده و به دنبال پرونده‌سازی باشد. از یک طرف می‌گوییم حکومت مردمی و مجلس، نمایندگان مردمند از آن طرف هر سپاهی با اختلاف سلیقه‌هایی که وجود دارد مراقب و مزاحم نماینده‌ها باشد. مگر مرحوم امام نفرمودند سپاه و ارتش حق ندارند در سیاست دخالت کنند. آقایان در این شرایطی که ما این گرفتاریها را داریم و باید به حکومت مردمی و نمایندگان مجلس و مردم بها بدهیم، این جور تعبیرات رابه کار می‌برند. اینها همه‌اش یک چیزهایی است که برخلاف سیاست است و سوژه می‌شود برای دشمن، که دشمن نسبت به ما طمع کند. الآن دشمن به ما احاطه کرده است، خودمان نباید مجلسی را که متشکل از نمایندگان مردم است، حکومت هم مال مردم، و کشور متعلق

به مردم است تضعیف کنیم. نباید مزاحمت کنیم برای نمایندگان و آنها را احضار کنیم به دادگاهها و به سپاهی‌ها بگوییم باید مراقب آنان باشند.

این مراقبت که می‌گویید کم‌کم در هر شهری یک سپاهی برای نماینده پرونده بسازد، یک سپاهی ممکن است یک شکایت از دست نماینده بکند که با چه کسی ملاقات کرده و ضد انقلاب است و ضد ولی فقیه است و از این چیزها و جنگ و دعوا توی کشور درست کنیم. من نمی‌دانم در این شرایط حساس آقایان چرا اینها را ملاحظه نمی‌کنند، در این شرایط این جور مطرح می‌کنند، باید از خودشان پرسید. ما الآن از چهار طرف در محاصره آمریکا واقع شده‌ایم، از افغانستان و ترکیه و عراق و خلیج فارس.

[آزادی مشروع مانع فرار مغزها]

یکی از اساتید: همان‌گونه که آقای کدیور اشاره فرمودند فرار مغزها شدت پیدا کرده و واقعیت هم دارد و این از نظر جامعه امری ناپسند است، یک استاد دانشگاه که به کشور دیگر می‌رود برخلاف آن ارزشهایی که در کشورش هست دست به این اقدام می‌زند؛ ولی اگر ریشه‌یابی شود علت‌هایی که باعث می‌شود فرد دانشگاهی کشور خودش را رها کند، حق را باید به او داد؛ چون وقتی می‌بیند که در کشورش از هر نظر مورد تحقیر قرار می‌گیرد و علمی که دارد نمی‌تواند به درستی از آن استفاده کند، امنیت لازم را ندارد تا ارزشیابی‌هایی را که جزو شاخه‌های کارش هست در محیط دانشگاه انجام دهد، در مجموع فکر می‌کنم شاید کار مناسبی دارد انجام می‌دهد، چون عمر محدود است، اگر بخواهد بماند و منتظر باشد که بالاخره در آینده چه اتفاقی می‌افتد آن فرصت اندکی که دارد و می‌خواهد از آنچه یاد گرفته استفاده کند از دست می‌دهد؛ پس باید از نظر فرهنگی کاری کنیم که این امر ناپسندی تلقی نشود، فردی که رفته است باید به او حق داد و باید در این مورد بررسی شود و کار تحقیقاتی صورت گیرد.

آیت‌الله منتظری: بله و من این را هم اضافه می‌کنم که الحمدلله کشور ما در منطقه وسط و معتدل قرار گرفته است. مغزهای معتدل و متوسط در خاورمیانه است.

خارجی‌ها از مغزهای ایرانی و امثال آن استقبال می‌کنند، چون مغزهای متفکری هستند، و نوعاً کارها به دست اینها خواهد افتاد. وقتی اساتید این معنی را دیدند می‌روند، قطعاً باید کاری کرد که شوق پیدا کنند و در کشور بمانند.

آقای احمد قابل: اصل تبادل سرمایه‌های انسانی مثل سرمایه‌های اقتصادی نباید مذموم باشد؛ اصلاً رفتن سرمایه‌های انسانی اگر به این قصد باشد که یک هجرتی باشد و بروند آنجا به قصد این که یک روزی برگردند، نباید یک سره منفی به آن نگاه کرد.

آیت‌الله منتظری: به نظر من در رابطه با فرار مغزها البته کمبود امکانات رفاهی مؤثر است ولی بیشتر برخوردهای سیاسی با آنان سبب فرار می‌شود. برخی انتظار دارند یک نفر متخصص و کارشناس در یک رشته تملق‌گو باشد، برخلاف عقیده‌اش حرف بزند، حق نداشته باشد در دانشگاه نظرش را بگوید، با او برخورد می‌شود، اینها بیشتر مؤثر است؛ یعنی آزادی سیاسی که ندارند بیشتر سبب فرار آنان می‌شود. نبود امکانات رفاهی هم مؤثر است لیکن انسان بما هو انسان و دانشمندان آزادی می‌خواهند که بتوانند افکارشان را عرضه بدارند. باید کاری کرد که دانشمندان و نخبگان جامعه و به طور کلی محافل علمی یک نحو استقلال و آزادی سیاسی داشته باشند تا بتوانند در پیشرفت علمی جامعه و کشور نقش اساسی ایفا نمایند.

گویندهٔ دیگر: بحرانی که در سالهای اخیر در کشور ما اتفاق افتاده است بحران عقلانیت است و این باعث شده است مردم و بخصوص نسل جوان ما نسبت به آینده خوش بین نباشند، عامل بحران عقلانیت بخصوص پس از پیروزی انقلاب در برخی جاها متأسفانه صورت گرفته است.

آیت‌الله منتظری: نوع اشکالات پیش آمده به واسطهٔ این است که ما با طبقات مختلف برخوردهای سیاسی می‌کنیم. در دنیای امروز نمی‌توان گفت مردم نباید در سیاست دخالت کنند و مشغول کار خودشان باشند، همهٔ انسانها بخصوص انسان

درس خوانده در عرض افکار و نظریات خود آزادی می خواهد؛ وقتی آزادی افراد را بگیریم آنها قهراً فرار می کنند.
 حیوانات هم که در قفس باشند می خواهند از قفس فرار کنند؛ باید یک کاری کرد که مردم آزادی داشته باشند، البته آزادی مشروع.

[لزوم تشکّل مردم عراق]

گوینده دیگر: شما یک بیانیه صادر کردید و موضع مردم عراق را بی طرفی معرفی کردید، این از نظر عینی قابل تصور نبود.
 آیت الله منتظری: یعنی مردم خودشان متشکل باشند و تعیین حکومت کنند نه این که آمریکا برایشان تشکیل حکومت دهد.

گوینده: این بی طرفی در رابطه با زمان جنگ تناسب نداشت.
 آیت الله منتظری: پس چکار کنند بیایند از آمریکایی های مهاجم استقبال کنند؟ این که درست نیست، خودشان باید متشکل شوند و حاکم مشخص کنند، نه صدام و نه آمریکا. سلاحهای کشنده را خود آمریکا و انگلیس و دیگران به صدام دادند و الآن روی آنها معرکه گرفته اند.

۱۳۸۲/۲/۱۲

دفتر آیت الله العظمی منتظری

دیدار اعضای شورای عالی، فراکسیون و دبیران استانهای حزب همبستگی

۱۳۸۲/۳/۲۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

* همه افراد جامعه حق انتقاد حتی نسبت به بالاترین مقام کشور را دارند.
* نمایندگان مجلس منتخب ملت هستند و کسی حق تعرض و محدود کردن آنان را ندارد.

* احزاب بایستی در مسیر دفاع از حقوق مردم استقامت کنند.

* * *

اعضای شورای عالی، فراکسیون و دبیران استانهای حزب همبستگی ایران اسلامی در روز ۱۳۸۲/۳/۲۲ با فقیه عالیقدر دیدار و گفتگو کردند. در ابتدای این دیدار آقای مهندس اصغرزاده دبیرکل حزب، ضمن تشکر و ابراز خرسندی از شکسته شدن حصر آیت الله منتظری و تأکید بر تأثیرگذاری ایشان بر تحولات فقهی و حوادث سیاسی کشور، قبل و پس از انقلاب، دوران حصر ایشان را دردآور و رنج آور توصیف کرد و گفت:

حزب همبستگی یکی از احزاب اصلاح طلب است که تلاش دارد با تأکید بر مردم سالاری توأم با دین، راهکارهای مؤثر در عبور از بن بست های موجود را ارائه نماید؛ و فراکسیون حزب همبستگی چه در عرصه مجلس و چه در مطبوعات تلاش کرده است روشهای اصلاح طلبانه جدیدی در نظر بگیرد تا بتوان بر مشکلات غلبه کرد. از مراجع تقلید به عنوان استوانه های مهم در جامعه می خواهیم که با دقت نظرهایی که دارند برای عبور از بن بست ها و بحرانها - که واقعاً مشکلات جدی

را در فراروی داریم - بفرمایند چه راههایی را باید پیمود؛ و با دقت نظر و تجربیات جنابعالی و رهنمودهای شما می‌توانیم در راهی که پیش گرفته‌ایم هرچه بیشتر موفق باشیم.

[تحزب و تشکل و وظیفه شرعی است]

سپس آیت‌الله العظمی منتظری ضمن خیرمقدم و ابراز تشکر از فعالیت‌های حزب همبستگی و سپاس از تلاشهای آنان با تأکید بر ضرورت تحزب و تشکل‌های مردمی در جهان امروز فرمودند:

همان‌گونه که قبلاً نیز در برخی از نوشته‌های اینجانب بیان شده است مسأله تحزب در کشور ما هنوز جا نیفتاده است و مردم به اهمیت آن پی نبرده‌اند، بلکه گاهی حملاتی نیز نسبت به آن انجام می‌شود. باید کاری کرد که اصل تحزب و تشکل به عنوان یک وظیفه شرعی مورد توجه واقع شود. در سوره توبه در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (همه مردهای مؤمن و همه زنهای مؤمن بر یکدیگر ولایت دارند در حدی که امر به معروف و نهی از منکر کنند). الف و لام برای استغراق و عموم است. «ولایت» به معنای دوستی نیست بلکه حکایت از یک نحو سلطه و اختیار می‌کند، ولایت طبیعتی است دارای مراتب، همه مؤمنین و مؤمنات در حد امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر ولی و صاحب اختیارند، و حتی «مؤمنات» نیز صریحاً در آیه ذکر شده است.

[حق انتقاد برای همه]

همه افراد جامعه چه دانشمندان و فرهیختگان و چه مردم عادی می‌توانند و حق دارند نسبت به یکدیگر تذکر داده و انتقاد نمایند. طرف انتقاد فرد عادی باشد یا رهبر جامعه و کشور. امر به معروف و نهی از منکر منحصر در مسائل جزئی جامعه نیست.

ارشاد و انتقاد از حاکمان و متصدیان امور و جلوگیری از تعدّیات و ظلم‌ها و تضييع حقوق مردم و رعایت نکردن قوانین از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است، و برای انجام این فریضه الهی بهترین وسیله و مقدمه ایجاد تشکّل و سازماندهی است، و در حقیقت «تحزّب و تشکّل» به عنوان مقدمه برای انجام این فریضه عقلاً و شرعاً واجب است.

هنگامی که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با این که به اعتقاد ما دارای مقام عصمت می باشند از انتقاد استقبال می کنند، چنان که در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می خوانیم: «فلا تکفّوا عن مقاله بحق أو مشورة بعدل فإني لست في نفسي بفوق أن أخطئ، ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» (از گفتار حق و مشورت عادلانه ابا نکنید، زیرا من ذاتاً فوق خطا نیستم و از آن در امان نمی باشم مگر این که خدا کفایت کند) تکلیف دیگران در این زمینه روشن است. شخص غیر معصوم طبعاً اشتباه و خطا دارد، و از تذکر و انتقاد صحیح بی نیاز نیست.

نامه‌ای که ۱۳۵ نفر از نمایندگان ملت آن را محترمانه نگاشته و امضاء کرده‌اند جزء حقوق و وظایف نمایندگی آنان بوده است، ولی متأسفانه بدون رعایت ساز و کار قانونی از انتشار آن جلوگیری می شود؛ و حتی مصوبه شورای عالی امنیت ملی در کار نبوده است بلکه یک فرد دستور می دهد، این می شود «استبداد و عمل خودسرانه» در برابر نمایندگان منتخب ملت. جای تعجب است نامه‌ای که مضمون آن در دنیا منعکس می شود در خود کشور سانسور می گردد. و از سوی دیگر نیروهای سازمان یافته با شگردهای مختلف به توهین و تضعیف نمایندگان پرداخته‌اند. در صورتی که مسئولین ذی ربط باید جلوی این قبیل اقدامات غیرقانونی را بگیرند. مثل این که برخی بنا دارند با ایجاد بحران در جامعه به حاکمیت خود ادامه دهند.

[لزوم تمکین به رأی و نظر مردم و نمایندگان آنان]

آیت الله العظمی منتظری راه برون رفت از انسداد سیاسی، استبداد و بحرانها را

تمکین به رأی و نظر مردم و نمایندگان آنان ارزیابی کرده خطاب به حضار فرمودند:
 در طریق احقاق حقوق مردم و ادای وظیفه هیچ‌گاه ناامید نشده استقامت پیشه
 کنید، فشارهای مخالفان را تحمل و در صورت اهانت از سوی آنان شما با اخلاق
 خوش برخورد کنید و از خدا بخواهید در راه ادای وظیفه همگی روسفید باشیم.
 ایشان در پایان فرمودند:

در قانون اساسی ما اصول متعددی وجود دارد و نمی‌توان به اصل ولایت فقیه نگاه
 ویژه داشت اما دیگر اصول و از جمله حقوق ملت و نمایندگان را به هیچ انگاشت و
 به آنها عمل نکرد یا آنها را زیر پا گذاشت. حکومت ما جمهوری اسلامی است
 نه حکومت فردی. والسلام.

۱۳۸۲/۳/۲۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌های مجمع نمایندگان اهل سنت

۱۳۸۲/۴/۶

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله منتظری دامت‌افاضاته

با عرض سلام و آرزوی طول عمر با عزت در خدمت به اسلام و مسلمین احتراماً نظر به دیدگاه‌های محترم جنابعالی در ارتباط با اهمیت وحدت مسلمین و لزوم رعایت حقوق همه فرق و مذاهب اسلامی در آزادی انجام آداب و مناسک، همچنان‌که مستحضر هستید بخش عظیمی از ساکنان مناطق مرزی کشورمان را هموطنان اهل سنت تشکیل می‌دهند که در مقاطع حساس خالصانه از ارزشهای ملی و دینی این مرز و بوم دفاع کرده‌اند ولی متأسفانه گاهی برخوردها و رفتارهایی از سوی برخی از افراد مسئول صورت می‌گیرد که موجب تزلزل و یا تضعیف برادری اسلامی می‌گردد. هرچند لازم بود که قبل از این باب گفتگو و استفتا گشوده می‌شد ولی از باب مسئولیت و ادای دین نسبت به موکلین فرصت را غنیمت دانسته و از حضرت تعالی استدعا داریم دیدگاه‌های خود را در زمینه سؤالات ذیل بیان فرمائید:

۱- استفاده از هموطنان متخصص و شایسته اهل سنت در مناصب و مقامات کشوری همچون معاون رئیس جمهور، وزارت، معاونت وزیر، استانداری، سفیر و هیئت رئیسه مجلس آیا برخلاف مصالح دین و کشور و یا منافی اصول فقهی شیعه می‌باشد یا خیر؟

۲- با توجه به حضور جمع کثیری از هموطنان اهل سنت در تهران متأسفانه از داشتن مسجد و محلی برای انجام مراسم مذهبی محرومند و مجبورند در مدارس و سفارتخانه‌های کشورهای خارجی به ادای فرایض بپردازند که موجب وهن نظام و کشور است؛ در حالی که هموطنان مسیحی، یهودی و زرتشتی دارای اماکن مذهبی خاص خود بوده و در مناطق سنی‌نشین برادران اهل تشیع

دارای مسجد و حسینیه می‌باشند و مراسم مذهبی را انجام می‌دهند، با این وصف آیا مخالفت با تأسیس مسجد اهل سنت در تهران توجیهی دارد؟

۳- بنا به یک سنت دیرینه، علمای دین بویژه در حوزه‌های شیعه با دخالت حکومت در امور حوزه‌ها مخالف بوده‌اند ولی متأسفانه مرکزی به نام مرکز بزرگ اسلامی در کردستان با دخالت‌های خود در عزل و نصب ائمه جمعه و جماعات و مدرسین مدارس دینی موجب بی‌تفاوتی و رکود فعالیت‌های دینی در منطقه شده که در نتیجه شیوع افکار ضد دینی را در پی داشته و سبب بدبینی به نظام و تفرقه بین مسلمین می‌گردد و شائبه تضعیف مذهب اهل سنت توسط حکومت را در اذهان ایجاد کرده است. با این وصف آیا اگر یک روحانی اهل سنت در رأس چنین مراکزی قرار گیرد به نفع اسلام و مسلمین نیست، و یا سرپرستی مدارس مذهبی اهل سنت توسط روحانیت شیعه موجب بدبینی فریقین نمی‌گردد؟

با تشکر

مجمع نمایندگان اهل سنت

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

پس از سلام و تحیت و آرزوی موفقیت آقایان محترم در راه خدمت به اسلام عزیز و کشور.

ج ۱- اگر شخص دارای امانت و تقوا و توانایی باشد هیچ منع قانونی و شرعی در کار نیست بلکه با لحاظ فراز ﴿من أنفسهم﴾ در آیه شریفه: ﴿لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم﴾ بجاست کسی که از ناحیه دولت مرکزی برای پستی در منطقه سنی نشین منصوب می‌گردد از خود آنان باشد تا با زبان و فرهنگ آنان آشنا و به نیازهای آنان کاملاً واقف باشد.

ج ۲- داشتن مسجد حق همه مسلمانان است، منتها از قدیم این موضوع در ذهن اینجانب خلجان داشت که با وجود افراد نادان و تند و تیز قابل تحریک، ممکن است آنان هر روز مخفیانه دست به نوشتن شعارهایی علیه خلفا در مسجد مذکور بزنند و

مسجد به کانون نزاع و اختلاف مبدل گردد. برای این موضوع باید فکری کرد.
ج ۳- در این مسأله حق با شماست، دخالت حاکمیت در امور حوزه‌ها و مساجد
اهل سنت کاردرستی نیست، امور اعتقادی و صنفی اهل سنت و اداره حوزه‌های آنان
باید به خود آنان محول گردد و حکومت جنبه مشاورت و حمایت داشته باشد.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۴/۶

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان

۱۳۸۲/۴/۷

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

* در حکومت پیامبر ﷺ و حضرت امیر علیه السلام حتی یک مورد هم زندانی سیاسی وجود نداشت. معنای سیاسی بودن دانشگاهها این است که دانشجویان بتوانند مستقلاً در مسائل کشور اظهار نظر یا انتقاد نمایند.

* بحاله بازیها و تحریک افرادی خاص برای ضرب و شتم دانشجویان و انتقادکنندگان علاوه بر سلب آزادی از مردم موجب سلب امنیت اقتصادی نیز می شود.

* * *

به مناسبت سالگرد فاجعه هفتم تیر روز گذشته اعضای انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان با آیت الله العظمی منتظری دیدار کردند.

[مقصود از اصلاحات]

در این دیدار پس از اشاره اعضای انجمن اسلامی به اوضاع جاری کشور و برخورد غیرعادلانه با دانشجویان منتقد و نیز با اشاره به خطرات خارجی و دخالت اجانب در کشور و کسب تکلیف نسبت به وظیفه شرعی، آیت الله منتظری طی سخنانی ضمن اشاره به حادثه هفتم تیر و شهادت تعدادی از بزرگان کشور و نیز ضمن تقدیر از انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان و دیگر دانشجویان عزیز که نسبت به مسائل کشور احساس وظیفه نموده و می نمایند اظهار داشتند:

با این که به قول معروف: «لا رأی لمن لا یتطاع» یعنی وقتی به حرف کسی توجه نشود

اظهار نظر او فایده‌ای ندارد، ولی من از باب تذکر و خیرخواهی عرض می‌کنم: هدف ما و مردم از این انقلاب تحقق همان شعارهای معروف آن بود یعنی: استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی؛ وگرنه از نظر اقتصادی با فروش نفت زیاد - با این که چپاول هم می‌شد - وضع مردم خیلی بد نبود؛ اما با این حال چون به افکار و آرای مردم اعتنایی نمی‌شد و مثلاً در انتخاباتهای صوری و ظاهری اسامی کسانی را که حکومت می‌خواست از صندوقها بیرون می‌آوردند و مردم آزادی اظهار نظر نداشتند دست به انقلاب و تغییر رژیم شاه زدند. و مقصود از کلمه «اصلاحات» هم چیز تازه‌ای نیست، بلکه برگشت به همان شعارهای اولیه و پیاده کردن آنها و وفا به وعده‌هایی است که داده شده.

استقلال که در شعار مردم بود به این معنی است که هیچ کشور خارجی در مقدرات کشور دخالت نکند، و آزادی به این معناست که مردم و بخصوص نخبگان جامعه اعم از دانشگاهی و روحانی و دیگران در اظهار نظر در مسائل کشور آزاد باشند، زیرا کشور متعلق به همه مردم است و همه نسبت به مسائل آن حق اظهار نظر دارند. آزادی که گفته می‌شود به این معناست، نه این که در فساد و فحشا و ایجاد هرج و مرج کسی آزاد باشد، چنین آزادی را کسی نمی‌گوید.

و معنای جمهوری اسلامی نیز این است که حکومت متکی بر خواسته‌ها و آرای جمهور مردم یعنی اکثریت و مطابق با موازین اسلامی باشد. حاکمیتی که اکثریت قاطع مردم پشتیبان آن نباشند ثبات و دوام نخواهد داشت.

[حق انتقاد برای همه]

در همین رابطه معظم‌له با اشاره به نامه اخیر ۱۳۵ نفر از نمایندگان مردم یادآور شدند:

چرا باید در مورد نامه‌ای که نمایندگان مردم محترمانه و بدون توهین نوشته‌اند این طور برخورد شود، و در بعضی شهرها علیه امضاءکنندگان جو سازی نمایند و

حتی ائمه جمعه را مجبور سازند که علیه آنان صحبت کنند؟ این گونه برخوردها تناسبی با جمهوریت و اسلامیت نظام ندارد، زیرا معنای جمهوریت این است که مردم و نمایندگان آنان حق داشته باشند نظریات انتقادی خود را به هر مقامی منتقل نمایند.

شما خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه را ملاحظه کنید. حضرت امیر علیه السلام با این که به نظر ما دارای مقام عصمت بودند با این حال در این خطبه به مردم می فرمایند:
... از سخن و انتقاد به حق و مشورت و نظر عادلانه دریغ نکنید، زیرا من - بر حسب ذات - بالاتر از خطا نیستم و از خطا در عمل ایمن نخواهم بود مگر این که خداوند مرا کفایت نماید و از خطا حفظ کند....

[تحمل نظرات مردم مانع طمع دشمنان]

ایشان با اشاره به خطر رجّاله بازیها که علاوه بر سلب آزادی از مردم موجب سلب امنیت از سرمایه گذاری داخلی و خارجی شده است، و نیز تحریک و فرستادن افرادی برای تخریب و انجام ضرب و شتم و توهین به افراد انتقادکننده - آن گونه که در جاهای زیادی نسبت به دانشجویان و سخنرانان و در گذشته با بیت و حسینیه ایشان به همین شکل انجام شد و وسائل و کتابهای موجود در آنها شکسته و پاره و یا به غارت برده شد - یادآور شدند:

اگر مسئولین می خواهند آمریکا و انگلستان در کشور طمع نکنند راهی جز تحمل نظرات مردم و انتقادهای افراد و نخبگان کشور ندارند. در این کشور علاوه بر چند نفر که در رأس امور هستند افراد دیگری که دارای نظر و فکر هستند نیز وجود دارند، چرا از فکر و نظر آنان برای مصالح کشور استفاده نمی کنند؟ در غیر این صورت همان خطراتی که برای عراق و افغانستان پیش آمد برای کشور ما نیز خدای ناکرده پیش خواهد آمد، زیرا علت اصلی طمع دشمنان فاصله بین حاکمیت و مردم و خفقان و

نارضایتی مردم و بی‌اعتنایی به خواسته‌های آنان و تذکرات نخبگان کشور و علما و مراجع می‌باشد.

[بازداشت‌های سیاسی از نظر اسلام معنا ندارد]

ایشان با اشاره به برخورد اخیر با دانشجویان و نخبگان منتقد و بازداشت تعداد زیادی از آنان اظهار داشتند:

در زمان پیامبر ﷺ و حضرت امیرالایمه حتی در یک مورد هم زندانی سیاسی که کسی را به خاطر اظهار نظر و انتقاد از حاکمیت دستگیر و محاکمه کرده باشند وجود ندارد.

حضرت امیرالایمه در مورد خوارج نظیر ابن کواء و دیگران با این که علیه آن حضرت صحبت‌های تندی می‌کردند و حتی وقتی به آن حضرت گزارش رسید که حریت بن راشد افرادی را برای مبارزه با حکومت آماده کرده است، آن حضرت به کسانی که اصرار داشتند آنان را بازداشت و زندانی نمایند فرمودند: در این صورت ما زندانها را از آنان پر کرده‌ایم.

[معنای سیاسی بودن دانشگاهها]

ایشان در مورد انتقادات اساتید و دانشجویان یادآور شدند:

از طرفی آقایان می‌گویند: «دانشگاهها باید سیاسی شود» و از طرف دیگر با دانشجویان منتقد این‌گونه برخورد می‌کنند. معنای سیاسی بودن دانشگاهها این نیست که هرچه مسئولین می‌گویند دانشجویان و اساتید چشم‌پسته و کورکورانه بپذیرند و از خودشان هیچ اظهارنظری ننمایند، بلکه معنای صحیح سیاسی بودن دانشگاهها این است که اساتید و دانشجویان که جزو نخبگان جامعه هستند بدون ترس از محرومیت و بازداشت و ضرب و شتم و توهین بتوانند در مسائل کشور و نسبت به مصالح آن نظریات خود را مستقلاً اظهار نمایند.

در همین رابطه آیت‌الله العظمی منتظری تأکید کردند دانشجویان نیز باید کاملاً آگاه باشند که جریانات مشکوک از آنان سوءاستفاده نکنند و خواسته‌ها و مطالبات حق آنان را لوث نمایند.

۱۳۸۲/۴/۷

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به سؤال دانشجویان پیرامون هجوم به خوابگاههای دانشجویی

۱۳۸۲/۴/۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری دامت برکاته همان‌گونه که مستحضر هستید پس از آن‌که در وقایع ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ که جنبش دانشجویی با مقاومت غیرقانونی دستگاههای نظامی و امنیتی و گروههای فشار مواجه شد، هر روز بر روند سرکوب و خشونت علیه دانشجویان افزوده می‌شود، و در این چند سال دانشجویان هزینه‌های گزافی برای دفاع از حقوق شهروندی خود و ملت ایران پرداخت کرده‌اند. این هزینه‌ها ادامه داشته و دارد تا این‌که در چند هفته اخیر گروههای خودسر با اتهامات واهی و یا حتی بدون هیچ‌گونه اتهامی به سرکوب دانشجویانی پرداخته‌اند که به فضای بسته سیاسی موجود اعتراض دارند. در این وقایع نیروهای رسمی و غیر رسمی نظام به ضرب و شتم دانشجویان در محیطهای دانشگاهی و خوابگاهی پرداخته‌اند، و در این میان دستگاههای امنیتی و قضایی به جای مجازات عوامل سرکوبگر و اغتشاشگر، به ربودن، بازداشت و زندانی کردن دانشجویانی می‌پردازند که اکثراً سعی در هدایت جنبش دانشجویی به سمت خردورزی و عقلانیت داشته‌اند.

متأسفانه در قبال این جریانات، گروههای سیاسی اصلاح‌طلب و مسئولین کشور به دلیل ترس و اهمه بیجان تنها در این وقایع از دانشجویان مظلوم دفاع نمی‌کنند بلکه مقصر اصلی را خود دانشجویان دانسته و هر اعتراض صنفی، مدنی و سیاسی را یا به خارج از کشور و یا به نیروهای مقابل سیاسی منسوب می‌دانند. اما دانشجویان و قشر فرهیخته و فرهنگی ایران که حضرت‌تعالی را به عنوان فقیهی شجاع و مبارزی دلسوز در میهن عزیزمان می‌شناسند، از سکوت معظم‌له تعجب کرده و خواهان عکس‌العمل حضرت‌تعالی در قبال بی‌حرمتی به علم و دانش و سرکوب جنبش دانشجویی هستند.

بی‌گمان عکس‌العمل قاطع آن فقیه عالیقدر در قبال این جریان، بر زدودن غبار از چهره مقدس و منور اسلام تأثیری بسزا خواهد داشت.

پنجم تیرماه ۱۳۸۲

جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

دانشجویان عزیز؛ پس از سلام و تحیت، هر انسان با وجدان و عاطفه اگر بشنود کسانی برای حفظ قدرت چند روزه خویش افراد ناآگاه و ساده‌لوح را بسیج می‌نمایند تا نخبگان و اساتید و دانشجویان عزیز را مورد شتم و ضرب و جرح قرار دهند، و به خوابگاه‌های دانشجویان و منازل بندگان خدا بریزند و از هیچ جنایتی نسبت به آنان و خانواده‌ها دریغ ننمایند، و تذکر دهندگان و انتقاد کنندگان دلسوز را با وضع فجیع بازداشت و زندانی نمایند و آنان را به طور کلی از خانواده‌هایشان منقطع کنند، طبعاً با شنیدن این همه جنایات صد درصد متأثر می‌شود، بویژه اگر این همه جنایات به نام اسلام عزیز انجام شود و در نتیجه چهره نورانی اسلام که دین رحمت و منطوق است مشوه و خشونت‌بار نشان داده شود.

متأسفانه فرصت‌های زیادی برای اصلاح امور و برگشت به شعارهای آغاز انقلاب وجود داشت که در اثر جناح‌بندی‌های بی‌اساس از دست داده شد و امروز کشور با بحران‌های عجیب مواجه شده است.

خداوند إن شاء الله به همه ما تنبه و بیداری و تدبیر عاقلانه در این شرایط حساس عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۲/۴/۸

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

دیدار اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تبریز

۱۳۸۲/۴/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

* واقعه ۲۰ تیر دانشگاه تبریز تحت الشعاع ۱۸ تیر تهران قرار گرفت و به دانشجویان تبریز بیشتر ظلم شد.
* آقایان حاضرند با آمریکا تفاهم کنند اما حاضر به تمکین در برابر رأی و خواسته ملت خویش نیستند.
* هیچ‌گاه دانشجویان نمی‌گویند ما اسلام را نمی‌خواهیم.

* * *

جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تبریز - در سالگرد فجایع ۲۰ تیر ۱۳۷۸ دانشگاه تبریز - با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار کردند. در آغاز این دیدار نماینده دانشجویان ضمن تشریح وقایع ۲۰ تیر دانشگاه تبریز آن را فجیع‌تر از وقایع دانشگاه تهران توصیف کرده و گفت: در آن روز نیروهای غیررسمی مسلح با تیر مستقیم دانشجویان را مورد حمله قرار دادند و طی این حملات ۲۶۰ نفر دستگیر و برای آنان پرونده تشکیل شد که برخی از آنها به ۳ ماه تا ۹ سال زندان محکوم شدند. متأسفانه حوادث دانشگاه تبریز مورد بایکوت و سانسور خبری قرار گرفت و با گذشت چند سال هنوز واقعیات مشخص نشده و به تحریف آن می‌پردازند.

[حق اظهار نظر آزادانه برای همه]

سپس فقیه عالیقدر ضمن خوشامدگویی و تأکید بر مظلومیت دانشجویان تبریز و لزوم حضور دانشگاهیان در صحنه‌های سیاسی فرمودند:

این که گفته می شود دانشجویان و دانشگاهها باید سیاسی باشند به این معناست که آنان بتوانند آزادانه اظهار نظر کرده و مطالبات خویش را مطرح نمایند، گویا نظر برخی مسئولان سطح بالا از سیاسی بودن دانشگاهها تأیید نظرات حاکمان و پیروی کورکورانه از آنهاست؛ وگرنه معنا ندارد دانشجو را سیاسی بدانیم و از سوی دیگر پس از اظهار نظر مخالف، با آنان برخورد تند و خشن نمائیم؛ و بالاتر از آن نمایندگان مجلس اند که پس از تذکرات محترمانه با حملات سازماندهی شده چه از سوی امامان جمعه و چه از سوی گروههای فشار مواجه می شوند، و با مجلسی که امام علیه السلام آن را در رأس امور می دانستند این طور برخورد می شود.

[معنای جمهوری اسلامی]

ایشان معنای جمهوری اسلامی را حکومت اکثریت مردم بر اساس موازین اسلام دانستند و فرمودند:

اگر استاد دانشگاه، دانشجو، مردم عادی و من طلبه حق اظهار نظر نداشته باشیم و حرفها مورد سانسور قرار گیرد، دیگر چه معنایی برای جمهوریت متصور است؟ حکومت فردی با دیدگاههای انحصاری علاوه بر این که عقلاً و شرعاً محکوم است در دنیای امروز قابل دوام نیست. با این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد خطاب آیه شریفه **«النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم»** بودند، با این حال ایشان برای تشکیل حکومت قبل از هر چیز با بیعت قبایل و عشایر متصدی امر حکومت شدند، چون در آن زمان «عشیره» جایگاه یک حزب مردمی را داشت و رئیس عشیره اگر با فردی بیعت می کرد به منزله بیعت تمام قبیله بود. بنابراین حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کاملاً مردمی و با رضایت آنها تشکیل شد. پس از ایشان حضرت امیر علیه السلام هم حکومت ظاهری را پس از بیعت و خواست مردم تشکیل داده و حاکمیت ایشان ناشی از خواست و رأی مردم بود. ایشان با این که به اعتقاد ما معصوم بودند از تذکرات و انتقادات مردمی استقبال می کردند. در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می خوانیم: **«فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإني لست**

في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» یعنی: ابا نکنید از گفتار حق و مشورت به عدالت، زیرا من ذاتاً این گونه نیستم که مصون و ایمن از خطا باشم مگر این که خدا مرا کفایت کند.

[در اسلام زندانی سیاسی نداریم]

پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام هیچ‌گاه محاکمه، بازداشت و زندانی سیاسی نداشتند و با مخالفان سیاسی خود برخورد قهرآمیز نکردند. به عنوان نمونه حریت بن راشد را که از سران خوارج بود و علیه آن حضرت تبلیغ می‌کرد زندانی نکرد و هنگامی که در این رابطه به ایشان اعتراض شد فرمودند: «در این صورت باید زندانها را پر کنیم». و عبدالله بن کواء که او نیز از سران خوارج بود و علیه ایشان حتی در نماز شعار می‌داد مورد تعرض قرار نگرفت، و مابقی خوارج پس از فروکش کردن آتش جنگ نه حقوقشان از بیت‌المال قطع شد و نه آزادیهای دیگر آنان سلب گردید.

[پشتوانه قوی مردمی مانع از تجاوز بیگانگان]

ایشان ضمن حساس شمردن وضعیت فعلی کشور فرمودند: متأسفانه شاهدیم که آقایان حاضرند محرمانه برای مذاکره با آمریکا به آن سوی مرزها افرادی را گسیل دارند اما حاضر نیستند با ملت خود سازش کرده و به رأی آنها تمکین نمایند. اگر آنها از آمریکا هراس دارند باید به خواست مردم خود تن دهند تا از پشتیبانی آنها بهره‌مند شوند، آن وقت است که آمریکا نمی‌تواند با حکومتی که دارای پشتوانه قوی مردمی باشد درافتد.

[مفسران دین محدود در چند نفر خاص نیستند]

ایشان ضمن سفارش دانشجویان به صبر، تحمل و پافشاری در راه اهداف خود به وسیله راههای قانونی و عاری از خشونت و اهانت فرمودند:

هیچ‌گاه دانشجویان ما حاضر نیستند از اسلام رویگردان شده و کفر را بپذیرند، ولی درک اسلام در انحصار دو سه نفر نیست، دیگران هم اسلام را می‌فهمند؛ و نمی‌توان مفسران دین را محدود در چند نفر خاص کرد.

ایشان در پایان فرمودند:

سلام گرم مرا به تمامی دانشجویان تبریز برسانید و از طرف من بگوئید اگر فرضاً عملکرد من آخوند و برخی مدعیان حکومت دینی و اسلام غلط و اشتباه باشد، شما از دین، خدا، قرآن، پیامبر و ائمه علیهم‌السلام قهر نکنید، مبادا به واسطه اشتباهات برخی از ما به دین خدا و موازین اسلامی بدبین شوید.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۴/۲۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۲۷ »

**دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید رجایی تهران
و جمعی از فعالان سیاسی صومعه سرا و فومنات استان گیلان**

۱۳۸۲/۵/۱۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

* تمامی افراد جامعه موظفاند یکدیگر را به حق و صبر سفارش نمایند.
* این تلقی از ولایت فقیه که ولی فقیه عقل کل باشد و دیگران هیچ، مورد قبول نیست.

* وظیفه شورای نگهبان ممانعت از ورود کاندیداهای تحمیلی از سوی صاحبان قدرت به مجلس است نه نظارت استصوابی.

* * *

جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید رجایی تهران و فعالان سیاسی صومعه سرا و فومنات استان گیلان با آیت الله العظمی منتظری دیدار و تبادل نظر کردند.
در ابتدای این دیدار که در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام صورت گرفت، آیت الله منتظری ضمن تسلیت شهادت حضرت زهرا علیها السلام، بر اساس برخی روایات وارده سوّم جمادی الثانی را مصادف با شهادت آن حضرت دانسته و روایت ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در مورد سالروز شهادت تقویت کردند.

[تفسیر سوره عصر]

ایشان در ادامه ضمن قرائت سوره مبارکه «عصر» فرمودند:
این که خداوند در این سوره مبارکه می فرماید ﴿والعصر﴾ و به زمانه و تاریخ قسم

می خورد دارای اهمیت است، چون خداوند به موضوعات کم اهمیت قسم نمی خورد. این خود تأکید بر مطالبی است که پس از قسم مذکور خواهد آمد. روزگار شاهد و گواه است به آنچه که در آیات دیگر این سوره است و آن این است که: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ﴾ همه انسانها در خسران و زیانند. آنها دائم در حال به هدر دادن عمر گرانیمایه خود هستند. عمری که لحظه لحظه آن می تواند انسان را نجات دهد و با سرافرازی پا به عالم عقبی گذارد، توسط انسانها در گناه و محرمات و یا اعمال و رفتار لغو و بیهوده صرف می شود. در میان انسانها طاغوتها و قدرتمندانی چون فرعونها، نمرودها، پادشاهان و سلاطین جور یکی پس از دیگری آمده اند و با صرف عمر خود شقاوت ابدی برای خود خریده اند. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مگر کسانی که ایمان آوردند و معتقد شدند. البته نه اعتقاد به هر چیزی بلکه اعتقاد به حقایق عالم هستی چون خدا و توحید و قیامت و... که انسان اگر اهل اندیشه و تأمل باشد به آنها یقین پیدا می کند، و حتی اگر اعتقاد هم پیدا نکند حداقل احتمال آن را می دهد که خدا و قیامت در کار باشد و چون از امور مهم است به چنین احتمالاتی صاحبان عقل و اندیشه ترتیب اثر می دهند.

پس از آن می فرماید: ﴿وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ به دنبال ایمان و اعتقاد راسخ عمل صالح انجام می دهند. لازمه اعتقاد و ایمان و گرایش به خدا و پیامبر و واقعیات عالم هستی عمل صالح است، انسان نمی تواند به خدا و پیامبر اعتقاد داشته باشد اما بر طبق دستورات آنان عمل نکند، چون عمل بر طبق وظایف محوله از لوازم ایمان است. تا اینجا مربوط به اصلاح خویش است. آنگاه که انسان به اصلاح خویش پرداخت باید نسبت به جامعه هم بی تفاوت نباشد، بر این اساس می فرماید: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ یکدیگر را به حق سفارش کرده که به حق عمل نموده و از آن دفاع نمایند، و یکدیگر را به صبر و بردباری در برابر مشکلات سفارش کنند. خداوند به پیامبرش خطاب می کند: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ﴾ همان گونه که امر شده ای استقامت داشته باش و همچنین کسانی که با تو ایمان آورده اند.

[مسئولیت انسانها در قبال مسائل اجتماعی]

این دو جمله شریفه که می‌فرماید: ﴿و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾ معنایش این است که انسانها علاوه بر اصلاح خویش در قبال مسائل اجتماعی پیرامون خود نباید بی تفاوت باشند. هیچ یک از ما از خطا مصون نیستیم، و مثلاً من آخوند حق ندارم بگویم کسی نباید از من انتقاد کند. هنگامی که حضرت امیر علیه السلام با این که دارای عصمت می‌باشند می‌فرماید: «فَلَا تَكْفُوا عَن مَّقَالَةِ بَحْقٍ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ فِائِي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أَخْطِئَ وَلَا أَمِنَ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ» از سخن به حق و مشورت عادلانه دست بردارید این گونه نیست که من ذاتاً فوق خطا باشم مگر این که خداوند مرا کفایت کند، با این وصف چگونه برخی خود را عاری از خطا می‌دانند و به صرف انتقاد برآشفته شده و با انتقادکنندگان برخورد های تند و خشن چون احضار، زندان و محاکمه می‌کنند؟

البته باید توجه داشت که انتقاد نباید همراه با توهین و فحاشی باشد. اهانت و بدگویی نسبت به هیچ کس روا نیست و به علاوه نتیجه معکوس دارد.

[پاسخ به سؤالی مبنی بر علت اصلی برکناری ایشان از قائم مقامی رهبری]

در ادامه آیت‌الله منتظری در پاسخ به یکی از حضار که سؤالی مبنی بر علت اصلی برکناری ایشان از قائم مقام رهبری را مطرح کرده بود فرمودند:

من تمام مناصب دنیا را اعتباری می‌دانم و به آنها هیچ علاقه‌ای نداشته و ندارم. علی علیه السلام هنگامی که کفش خویش را وصله می‌زدند و در برابر اعتراض ابن عباس قرار گرفتند فرمودند: این کفش پاره از امارت و حاکمیت بر شما برای من محبوبتر است؛ مگر این که بتوانم حقی را به پا دارم یا باطلی را برطرف نمایم.

ایشان در این زمینه ادامه دادند:

اصل انقلاب و از اهداف اصلی آن این بود که بتوانیم آزادانه انتقاد نمائیم و

تذکرات خویش را در حوزه‌های مختلف مطرح کنیم، و در رژیم گذشته آنچه نبود آزادی بیان بود. پس از انقلاب هم من تذکراتی که به نظرم می‌رسید بیان می‌کردم و آن را وظیفه شرعی خویش می‌دانستم؛ و نمی‌توان پذیرفت که یک نفر خودش را عقل کل بداند و دیگران هیچ حقی نداشته باشند. امیدوارم آنان که امروز در رأس کار هستند کاری نکنند که مردم از اسلام جدا شوند و موجب بدبینی آنها به اصل دین گردند.

[نظریه ولایت مطلقه فقیه]

ایشان در پاسخ به سؤالی درباره نظریه ولایت مطلقه فقیه گفتند: من این قرائت و تلقی از ولایت فقیه را که ولی فقیه عقل کل باشد و بخواهد در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دخالت اجرایی داشته باشد قبول ندارم؛ در هر کاری باید به متخصص آن فن مراجعه کرد. فقیه از آن جهت که اسلام‌شناس است باید نظارت داشته باشد که عملی برخلاف اسلام صورت نگیرد، اما این که به طور مطلق ولایت داشته باشد چنین چیزی مورد قبول نیست؛ و من خود به بازنگری قانون اساسی رأی ندادم.

[دخالت شورای نگهبان در انتخابات]

ایشان در رابطه با دخالت شورای نگهبان در انتخابات گفتند: چون در رژیم گذشته شاه و وزرا و استانداران و صاحبان قدرت در انتخاب نمایندگان دخالت می‌کردند، تصویب اصل ۹۹ برای این بود که حق مردم رعایت شود و با نظارت آنها مبادا کاندیداهای تحمیلی وارد مجلس شوند. اما متأسفانه پس از چند دوره شورای نگهبان نظارت را استصوابی تفسیر کرد، به این معنی که کاندیداها اولاً توسط اعضای شورا انتخاب و سپس مردم حق انتخاب داشته باشند. این امر کاملاً برخلاف منظور از تصویب اصل مزبور است.

[راهکار جهت فعالیت‌های سیاسی]

آیت‌الله منتظری در پاسخ به سؤال یکی از حضار که خواستار بیان راهکاری جهت فعالیت‌های سیاسی شده بود فرمودند:

حرکت‌های فردی در جامعه تأثیرگذار نیست، باید جمعی حرکت کرد، بر این اساس همان‌گونه که بارها متذکر شده‌ام تحزب لازم است؛ و از باب مقدمه واجب امر به معروف و نهی از منکر در سطح وسیع، تشکل و تحزب لازم است؛ افراد جامعه باید به طور تشکیلاتی در پی مطالبات خود برآیند.

[سفارش به علم‌اندوزی]

ایشان در پایان ضمن آرزوی توفیق و موفقیت برای حضار به دانشجویان سفارش کردند از علم‌اندوزی و تحصیل علم در عین دخالت در امور سیاسی و اجتماعی غافل نباشند؛ زیرا اگر افراد متعهد در تحصیل علم کوتاهی کنند خلأ علمی را طبعاً افراد بی تفاوت پر می‌کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۵/۱۰

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

**دیدار خانواده دانشجویان زندانی
و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی**

۱۳۸۲/۵/۱۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

* برخوردها و محاکمات سیاسی در کشور باعث ایجاد بحران در جامعه خواهد شد.
* برخی بدون دوراندیشی موجب جدایی مردم از حکومت و نظام شده‌اند.
* آنانی که در زندانند چون به اعتقاد خویش وظیفه خود را انجام داده‌اند احساس آرامش می‌کنند.

* * *

خانواده دانشجویان زندانی: آقایان سعید رضوی فقیه، عبدالله مؤمنی، مهدی امین‌زاده، به همراه اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

[حق اظهارنظر برای همه]

در این دیدار پس از گزارش نماینده آنان از نگرانی خانواده‌ها، آیت‌الله منتظری ضمن خوشامدگویی و اظهار همدردی با خانواده دانشجویان در بند فرمودند:
برخی مسئولین رده بالای کشور بارها گفته‌اند دانشگاهیان و دانشجویان حق دارند در سیاست دخالت نمایند و دانشجو باید سیاسی باشد، از آن طرف اگر دانشجویان و اساتید دانشگاه و نخبگان جامعه از این حق استفاده کردند و در مسائل کشور اظهارنظر کردند بلافاصله با آنها برخورد می‌شود، گویا نظر آقایان از سیاسی

بودن اقشار جامعه بویژه دانشجویان این است که آنان به تقلید کورکورانه پرداخته و هر آنچه را برخی مسئولان می‌گویند تأیید نمایند و از خود نظری نداشته باشند. جمهوریت و اسلامیت دو اصل اساسی برای نظام است. جمهوری یعنی حکومت از آن مردم است و آنها می‌توانند در هر حوزه و زمینه اظهار نظر کنند، چون کشور مال آنهاست.

من یادم هست که در پاریس از مرحوم امام علیه السلام سؤال شد آیا در حکومت مورد نظر شما کمونیست‌ها هم حق اظهار نظر دارند یا خیر؟ ایشان در جواب گفتند بلی حتی آنان هم آزادند. متأسفانه الآن به گونه‌ای شده است که حتی مسلمانان و نخبگان جامعه هم حق اظهار نظر ندارند. هنگامی که حقوق و حرمت دانشجویان و اساتید رعایت نمی‌شود و با آنان برخورد تند می‌شود، ممکن است افراد دیگر نیز از این موقعیت سوءاستفاده کنند. رکن دیگر نظام ما که اسلامیت است به این معنی است که حکومت و نظام باید بر اساس موازین دینی باشد، زیرا اکثریت مردم ما متدین به اسلام می‌باشند و جامعه ما جامعه دینی است.

[بازداشت‌های سیاسی مطابق با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست]

ایشان در همین زمینه ادامه دادند:

برخوردهای تنگ‌نظرانه آقایان چون بازداشت، محاکمه و انسداد سیاسی و... مطابق سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام هم نیست. من بارها گفته‌ام در کجای سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام سراغ دارید که کسی را به واسطه اظهار نظر مخالف زندانی و محاکمه کرده باشند، حتی برخی سران خوارج چون عبدالله بن کواء که در نماز به حضرت امیر علیه السلام اهانت می‌کرد مورد تعرض قرار نگرفت و حضرت با وی هیچ‌گونه برخوردی نکردند. امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه پس از آن‌که می‌فرماید: فکر نکنید حکومت من از نوع حکومت جباران و سلاطین است می‌گویند: «فلا تکفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فانني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن

يکفي الله» (خود را باز ندارید از گفتار حق و مشورت عادلانه، زیرا من هم انسان هستم و از نظر ذات مصون از خطا نیستم، مگر این که خداوند مرا کفایت نماید.) با این اوصاف آیا محاکمات سیاسی آن هم توسط دادگاههای غیرقانونی ویژه روحانیت و انقلاب، امری اسلامی و علوی است؟!

ایشان برخوردهای صورت گرفته با نخبگان و شهروندان را باعث ایجاد بحران در کشور ارزیابی کرده و فرمودند:

جامعه‌ای پیشرفت دارد که عاری از بحران باشد، حال آن که این گونه محدودیت‌های ایجاد شده عامل بحران در جامعه می‌باشد که متأسفانه به نام اسلام و دین هم گذاشته می‌شود و موجب بدبینی مردم بخصوص قشر جوان نسبت به اسلام خواهد شد، و جهان را نیز علیه خود بسیج کرده‌ایم. امروز دنیای ارتباطات است و کوچکترین حادثه و برخورد در جهان منعکس می‌شود.

[گلابه از تشعب و اختلاف در دفتر تحکیم وحدت]

ایشان تشکیلات دفتر تحکیم وحدت را منشأ آثار بسیار خوب برای کشور و نظام توصیف کرده و فرمودند:

من یک گله دارم و آن این است که چرا باید تشکیلات باارزشی چون دفتر تحکیم دچار تشعب و اختلاف شود، به نظر می‌رسد برخی به دنبال این بودند که این تشکل دانشجویی قدرتمند را از هم متفرق و دچار ضعف و سستی نمایند تا بتوانند با آن برخورد نمایند.

[احساس آرامش زندانیان سیاسی از عمل به وظیفه خویش]

ایشان با انتقاد از برخی مسئولان که بدون دوراندیشی و درایت موجب جدایی مردم از حکومت شده و می‌شوند خطاب به خانواده دانشجویان زندانی فرمودند:

من هم خود زندانی بوده‌ام و هم فرزند زندانی داشته‌ام، می‌دانم و درک می‌کنم که

شما خانواده‌ها چگونه با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنید. ولی آنان که در زندان هستند گرچه تحت فشار هستند اما از یک سو خوشحالند چون به اعتقاد خود وظیفهٔ خویش را انجام داده‌اند و اهل سکوت نبوده‌اند، و این امر باعث آرامش خاطر آنان است. شما مظلومیت زندانیان خود را اعلام کنید و عاقلانه و مدبرانه به اطلاع‌رسانی وضعیت خود و زندانیان پردازید و نظرات خویش را انعکاس دهید، خدای نکرده بی‌تابی نکنید و صبور و بردبار و بااستقامت باشید. دنیا دنیای تزاحم و تصادم است، دنیا از این برخوردها همیشه داشته و دارد و آنهایی ضرر می‌کنند که این‌گونه با مردم برخورد می‌کنند و حقوق شهروندی آنان را با زندانی‌کردن و محاکمه پایمال می‌کنند. همان‌گونه که ظلم حرام است زیر بار ظلم رفتن هم جایز نیست، و سکوت در برابر ظلم روا نیست. امیدوارم خداوند به شما صبر دهد، خداوند در قرآن‌کریم فرموده است: ﴿إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ یعنی خداوند به صابران بدون حساب اجر و مزد می‌دهد.

امیدوارم خداوند به مسئولین کشور دوراندیشی عطا کند و به فکر موقعیت فعلی کشور و آیندهٔ آن باشند تا کشور بیش از این دچار بحران نشود و دشمن خارجی در ما طمع نکند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۵/۱۱

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت شهادت آیت‌الله سید محمد باقر حکیم

۱۳۸۲/۶/۸

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

«اذا مات المؤمن الفقيه تلم في الاسلام تلمة لا يسدها شيء»

(اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸)

نجف اشرف - بیت شریف مرجعیت عظمای شیعه فقیه مجاهد مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم اعلی‌الله مقامه الشریف، مرجع بزرگواری که در زمان حیات پربرکت خویش در راه حفظ حریم اسلام و تشیع و روحانیت شیعه بسیار کوشیدند و از این جهت مورد فشار و آزار طاغوت مستبد عراق، صدام خائن و ایادی ستمگر و خونخوار او قرار گرفتند؛ و بعد از رحلت ناگوار آن بزرگوار با دلی پر خون، حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف مورد هجوم صدامیان خونخوار واقع شد و بسیاری از مراجع و علما و فضلالی شیعه عراق و از جمله علما و بزرگانی از فرزندان و منتسبین آیت‌الله العظمی حکیم به شهادت رسیدند و یا آواره شدند؛ و اینک پس از سقوط حکومت جائرانه دیکتاتور عراق ملت مظلوم عراق خواستند نفس راحتی بکشند و شمه‌ای از رایحه آزادی را استشمام نمایند که بار دیگر هجوم وحشیانه به حضرات علمای اعلام بویژه به بیت شریف آیت‌الله العظمی حکیم از سر گرفته شد. چند روز پیش منزل آیت‌الله آقای سید محمد سعید حکیم در اثر بمب‌گذاری تخریب و جمعی از مؤمنین حاضر شهید و یا مجروح شدند، و روز گذشته حرم شریف مولا امیرالمؤمنین علیه السلام مورد اهانت و هتک قرار گرفت و در جوار آن حضرت پس از تمام شدن نماز جمعه به امامت آیت‌الله مجاهد و مبارز مرحوم آقای حاج سید

محمدباقر حکیم - که عمر شریف خویش را در راه حمایت از اسلام و تشیع سپری نمود - در اثر بمب‌گذاری دشمنان، معظم‌له و جمع زیادی از نمازگزاران شهید و بسیاری مجروح شدند.

بارالها، چقدر باید انسان فطرت و انسانیت خویش را از دست داده و خباثت و خشونت بر روح او غلبه کرده باشد که برای منافع موهوم دنیوی در جوار مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به این‌گونه خشونت‌ها و قتل نفوس محترمه دست بزند و افراد بزرگ و خدمتگزاری را از ما بگیرند و خانواده‌های زیادی را داغدار نمایند.

اگر کسانی گمان می‌کنند که می‌توانند با این جنایات‌های رذیلانه، اسلام عزیز و محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و علاقه به روحانیت و مرجعیت خدمتگزار را از دل‌های مردم مسلمان عراق بزدایند و آنان را تابع افکار ددمنشانه خود نمایند در اشتباه هستند. هر گروهی که پدید آورنده این قبیل جنایات باشند مورد لعن و غضب خداوند قهار و اولیای خدا و انسانهای آزاده جهان قرار می‌گیرند.

اینجانب این مصیبت‌های بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات علمای اعلام و مراجع نجف و قم و حوزه‌های علمیة عراق و ایران و به ملت شریف و مظلوم عراق و مردم آزاده جهان و به بیت شریف مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و همه بازماندگان شهدا تسلیت می‌گویم.

از خداوند بزرگ برای همه شهدای عزیز علو درجات و حشر با اولیای خدا، و برای همه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل، و برای همه علمای اعلام و مراجع بزرگوار سلامت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می‌نمایم.

حاکمیت عراق باید با آرای اکثریت ملت عراق از همه اقشار و طبقات مشخص گردد. حکومت تحمیلی و زور در جهان امروز علاوه بر ظلم بودن دوام نخواهد داشت. همه دیدیم که حکومت جائزانه صدام با همه قدرت و ارتش مجهزش چگونه در زباله‌دان تاریخ فرو ریخت.

به مصلحت دولت و ملت اشغالگران است که هرچه زودتر حکومت و اداره عراق

را به خود ملت عراق محوّل نمایند تا با نظارت سازمان ملل حکومت عادلانه حافظ استقلال و امنیت کشور را برای خویش انتخاب نمایند، و آنان هرچه سریعتر به اشغال عراق خاتمه دهند. به اشغالگران آمریکایی و انگلیسی تذکر می‌دهم که در جهان امروز زور و اشغال از ناحیه هر دولتی باشد محکوم است، و اگر بخواهند به اشغال عراق ادامه دهند عراق برای آنان به باتلاق دیگری مانند ویتنام مبدّل می‌شود، چنان‌که آثار آن هم‌اینک نمایان شده است.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۲ رجب ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲/۶/۸

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مشروح بیانات در سیزدهم رجب ۱۴۲۴ ق

سالروز ولادت با سعادت مولا امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

۱۳۸۲/۶/۱۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

عید بزرگ ولادت با سعادت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به حضرت ولی عصر (عج) و به تمام مسلمین و شیعیان جهان و شما برادران و خواهران که در این هوای گرم در این مکان اجتماع کرده‌اید تبریک می‌گویم.

امیدوارم خداوند به من و به شما توفیق دهد که از پیروان واقعی آن حضرت باشیم. همان‌گونه که آن حضرت فرمودند: «أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسَدَادٍ» یعنی شما نمی‌توانید مثل من باشید اما می‌توانید دارای ورع و تلاش و عفت و محکم‌کاری و در خط علی باشید. إن شاء الله آن حضرت در شب اول قبر شفیع ما باشند.

[سخنرانی سیزدهم رجب سال ۱۴۱۸ ق و پیامدهای آن]

برادران و خواهران در خاطر دارند که شش سال قبل در چنین روزی به مناسبت ۱۳ رجب برای دفاع از مرجعیت شیعه و روحانیت، و حوزه‌های علمیه و... مطالبی را که به عقیده‌ام وظیفه شرعی بود بیان کردم و این مطالب در آخر جلد دوم کتاب خاطرات اینجانب به ثبت رسیده است. و ناراحتی آقایان از خاطرات من همین است که برخی مطالب حق و واقعیات در آن به ثبت رسیده است، و آقایان می‌خواهند کارهای خلاف آنان به ثبت نرسد تا مردم فراموش کنند، و لذا مانع از چاپ آن

می‌باشند. متأسفانه در برابر تذکرات من جنایاتی در این منطقه مرتکب شدند: قرآن پاره کردند، کتابهای علمی و دینی را پاره کردند، فحاشی کردند، کوبیدند، زدند و شکستند که آثار جرمشان هنوز باقی است. حسینیه‌ای که محل سوگواری حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود و درس فقه آل‌محمد در آن گفته می‌شد با همان وضع فلاکت‌باری که بر آن وارد نمودند و در داخل آن چه کارهایی انجام دادند هنوز پس از شش سال آثارش باقی است. خود حسینیه شاهد است که چه‌ها بر آن گذشت و اکنون هم درب آن بسته است. چنین برخوردهایی برای دین و روحانیت موجب ننگ است.

[با زور و چماق نمی‌توان از دین خدا محافظت کرد]

باید آقایان توجه داشته باشند هیچ‌وقت با زور و چماق نمی‌توان از دین خدا محافظت کرد. همین بازداشت‌های سیاسی و محاکمات از این دست و برخوردهای تند که انجام می‌شود موجب رنجش مردم از دین خدا خواهد شد. چون خیال می‌کنند دین همین است که برخی آقایان انجام می‌دهند، و متأسفانه بعضی آقایان که این کارها را انجام می‌دهند خودشان را مجسمه دین پنداشته و دین را فقط آنچه آنها می‌فهمند می‌دانند و انتظار دارند مردم هم کورکورانه از آنان پیروی کنند. در صورتی که این‌گونه نیست و خدا به مردم عقل داده و بسیاری از آنان اهل تشخیص هستند.

[سکوت در مقابل ظلم و ظالمین]

نسبت به کارهای خلافی که انجام گرفت کسانی که تأیید کردند و آنهایی که می‌توانستند حرف بزنند و سکوت کردند همگی در روز قیامت باید پاسخگو باشند. و اگر در این دنیا بتوان حقایق را به گونه دیگری منعکس نمود اما در آخرت نمی‌توان از این کارها کرد و شکر خدا که ما به قیامت اعتقاد داریم. مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت آخرشان به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرماید: «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» یعنی دشمن ستمکار و یاور مظلوم باشید.

از من سؤال می شود که چرا دیگر در مسائل اظهار نظر نمی کنید، واقعیت امر این است که من مطالب بسیاری را بارها گفته و تذکر داده ام به این امید که گوش شنوایی باشد اما متأسفانه گوش شنوایی نیست. در این صورت تکرار مکررات بی فایده به نظر می رسد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پاسخ به نامه شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی

۱۳۸۲/۶/۲۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

با سلام و آرزوی سلامتی و دوام عمر با برکت حضرت تعالی از درگاه احدیت.

به استحضار می‌رساند نشست سالانه شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی در روز میلاد امیر مؤمنان علی علیه السلام افتتاح و به مدت سه روز ادامه دارد. از آنجاکه نسل جوان امروز دوران انقلاب و پیروزی انقلاب را درک نکرده‌اند، لکن شعارها و معیارهایی که توسط رهبران انقلاب همچون حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، حضرت تعالی، آیت الله طالقانی، شهیدان بهشتی و مطهری و... در آن زمان مطرح شده است، با آنچه امروز مشاهده می‌کنند فاصله زیادی دارد. این امر سبب تردید در توان مکتب اسلام برای اداره جامعه و دنیای کنونی، سردرگمی، یأس و انفعال نسل جوان بویژه دانشجویان گردیده است. قطعاً شنیدن راهنمایی‌های حضرت تعالی که پیری رنج کشیده، هزینه داده و مجاهدی نستوه هستید، راهگشا و دلگرم کننده خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی دامت توفیقاتکم

پس از سلام و تبریک به مناسبت میلاد مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به عرض

می‌رساند:

[سفارش به علم‌اندوزی و تعهد داشتن]

شما جوانان عزیز سرمایه‌های اصلی کشور می‌باشید و سعادت آینده کشور در گرو رفتار و کردار شماست. تلاش کنید در عین ادامه مبارزات سیاسی از درس خواندن و کسب علوم ضروری و لازم برای جامعه و کشور باز نمانید. در دنیای امروز مصالح زندگی مردم بر اساس علوم و فنون و صنایع تأمین می‌شود، و اگر افراد متعهد در تحصیل و کسب علوم کوتاهی نمایند آینده کشور در اختیار افراد غیر متعهد قرار می‌گیرد.

از مطالعه منابع اصلی اسلام از قبیل قرآن و نهج البلاغه و تاریخ پیامبران و بزرگان دین نیز غفلت نکنید، و نسبت به دستورات و موازین اسلامی عملاً متعهد باشید.

[حق و حقیقت را معیار قرار دهید نه خواسته‌های گروهی را]

و اگر از رفتار و روش ناصحیح امثال من آخوند ناراحتید از خدا و پیامبر و ائمه اطهار و حقایق دینی قهر نکنید و حساب آنان را از حساب امثال من جدا کنید. و هرچند تحزب و تشکل برای ادامه مبارزات سیاسی امری است لازم، ولی همیشه سعی کنید حق و حقیقت را معیار قرار دهید نه خواسته‌های گروهی را.

از تجمعات شما دانشجویان تشکر می‌کنم و از این‌که حال و فرصت نوشتار مفصل را ندارم معذرت می‌خواهم و همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۶/۲۰

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

مصاحبه نشریه ژاپنی «یومیوری»

۱۳۸۲/۶/۲۰

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

[حوزه علمیه قم و نجف]

*گزارشات زیادی در میان ناظران غربی مطرح است مبنی بر این که میان حوزه قم و نجف رقابت‌های زیادی وجود دارد، آیا رهبران جمهوری اسلامی نگران آن هستند که موقعیت قم نزد شیعیان سقوط کرده و نجف و کربلا دارای موقعیت ویژه شود، آیا چنین چیزی واقعیت دارد؟

اگر منظور رهبران ایران است بایستی از خودشان سؤال کرد که نگرانند یا خیر؟ ولی به نظر می‌رسد چنین نیست؛ حوزه نجف حوزه هزار ساله است، و از زمان شیخ طوسی حوزه نجف پایگاه علمی تشیع بود و از حوزه نجف علما به همه مناطق شیعه‌نشین اعزام می‌شدند؛ حتی علمای ایران نیز تحصیل کرده آنجا بودند. ولی کم‌کم اوضاع عراق به هم خورد؛ بنحوص با روی کار آمدن حزب بعث، صدام فشار آورد. ایرانی‌ها را اخراج می‌کرد. و یک حدیثی هم از قدیم یادم هست که یکی از علائم ظهور حضرت حجت (عج): «قطع العلم من الکوفة و ظهوره فی قم» می‌باشد، یعنی علم از کوفه قطع می‌شود و در قم ظاهر می‌شود. منظور این است که مرکز علمی شیعه در روزگاری حوزه نجف بوده است اما به واسطه تحولاتی که موجب فشار بر حوزه نجف شد حوزه قم توسعه یافت.

حوزه قم در زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری تأسیس شد. قبل

از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم من یادم هست قم ۸۰۰ طلبه بیشتر نداشت، و بعد در زمان ایشان به بیش از ۳/۰۰۰ نفر رسید، حال شاید بیش از ۳۰/۰۰۰ طلبه در قم باشد. و این که یک روزی آنجا حوزه بوده یک روزی اینجا، به واسطه آن است که کشورها از هم منقطع بوده و از هم جدا بوده‌اند، امروز تمام دنیا به هم مربوط است. حوزه نجف به گونه‌ای بود که کمتر در متن مردم بود و علمای آن کمتر در متن جامعه بودند، اما علمای حوزه قم در متن جامعه بودند؛ حتی ایرادی که بعضی نجفی‌ها به قمی‌ها می‌گرفتند این بود که شما چرا منبر می‌روید؟ در گذشته بسیاری از آنها منبر نمی‌رفتند، و به کارهای علمی فردی مشغول بودند.

منظور این است امروز که دنیا به هم مربوط شده است، دنیای ارتباطات است، قم و نجف ندارد! برای این که چند ساعته می‌شود از قم به نجف رفت و به عکس. هر جایی که بیشتر، علما و دانشمندانی باشند و مؤثر باشند قهراً طلاب دور آنها جمع می‌شوند حتی اگر در نجف باشد. الان در نجف علمایی چون آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله فیاض و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم و دیگران هستند. آقای فیاض مقرر درسه‌های مرحوم آیت‌الله آقای خویی بوده و مرد ملایی است، اصلش هم افغانی است، و آیت‌الله سیستانی هم هستند که مرجع تقلیدند. بنابراین اگر برخی علما و بزرگان متوجه نجف شوند و به آنجا کوچ کنند قهراً جاذبه دارد و طلبه‌ها به آنجا خواهند رفت، و اگر فرضاً بیشتر علمای برجسته در قم باشند قهراً آنها به قم خواهند آمد. الان هم من نشنیده‌ام علمای قم قصد رفتن به نجف را داشته باشند، با این که خیلی شان نجفی بوده‌اند و اینک در قم می‌باشند و شاگرد دارند و مشغول تدریس‌اند. پس این که یک رقابتی در میان باشد که قمی‌ها و نجفی‌ها بخواهند با هم رقابت کنند این‌گونه نیست و هر دو هدف واحدی دارند و اختلاف بین آنها شایعه است؛ البته اختلاف سلیقه قدری بود، نجف اعتقاد داشت علما در سیاست کمتر دخالت داشته باشند، ولی قم بویژه پس از آیت‌الله خمینی در وادی سیاست افتاد.

[استقلال حوزه‌های علمیه]

مطلبی که مهم می‌باشد این است که چه حوزه نجف و چه حوزه قم از وجوهاتی که مردم می‌دادند اداره می‌شدند، در اقتصاد به دولت وابسته نبودند بلکه مردمی بودند، و در مقابل انحرافات که دولت‌ها داشتند علما و مراجع حرف خودشان را می‌زدند؛ ولی متأسفانه پس از انقلاب به گونه‌ای شده که کم‌کم بسیاری امکانات حوزه قم از سوی دولت تأمین می‌شود. در حالی که این کار با این که ممکن است با حسن نیت باشد به ضرر حوزه است. باید کاری کرد که همان وجوهات شرعی را مردم بدهند و با همان بودجه حوزه‌ها اداره شوند.

در زمان آیت‌الله بروجردی از طرف اوقاف آمده بودند خدمت ایشان که موقوفات زیادی هست که مصرفش روحانیون است و یا قابل تطبیق بر روحانیون است، اجازه دهید آنها را در اختیار حوزه قرار دهیم که دیگر نیاز به بازار نداشته باشید. مرحوم آیت‌الله بروجردی آن را قبول نکرده و گفته بودند: حالا یک رئیس اوقافی پیدا شده و می‌گوید: من می‌خواهم موقوفات را به علما و روحانیین که مصارف آنها هستند بدهم، اگر آن را چند سال مصرف کردیم مردم هم می‌گویند اینها نیازی به ما ندارند و وجوهاتی که می‌دهند قطع می‌شود و ما وابسته می‌شویم به اوقاف، و اگر یک رئیس اوقاف دیگری یک دفعه آمد و جلوی آن را گرفت همه چیز به هم می‌خورد، ما به وجوهی که مردم می‌دهند گرچه کم باشد قانع هستیم.

هدف ایشان این بود که استقلال حوزه حفظ شود تا بتوانند در مواقع حساس نظراتشان را بگویند و در حکومت اگر انحرافات رخ داد انتقاد کنند؛ و این کار خوبی بود. اما متأسفانه پس از انقلاب شاید به خاطر تندرویها و زدگی مردم، یا به خاطر این که بعضی مردم گفته‌اند روحانیون پول نفت دستشان است، کمتر وجوهات دادند آن وقت حوزه وابسته به دولت شده است و این به ضرر حوزه است. امیدوارم حالت سابق که حوزه را مردم اداره می‌کردند برگردد تا آن اثر حوزه‌ها که ایستادگی در مقابل

انحرافات است حفظ شود. این مشکلی است که باید إن شاء الله حل شود. و من از این که در سایت‌ها دیدم که به حوزه‌ها از سوی دولت کمک شده خیلی ناراحت شدم و نمی‌دانستم حوزه این قدر وابسته به دولت شده است. در هر صورت حوزه‌ها بخصوص نجف و قم باید وابسته به ملت باشند نه دولت.

[نوع حکومت آینده عراق]

* به نظر شما بهترین رژیم و حکومتی که باید در عراق روی کار آید تا به نفع ملت عراق و شیعیان

آن باشد چه نوع حکومتی است؟

حکومت باید طبق نظر اکثریت مردم باشد. پیامبر ما با این که خداوند نسبت به او فرموده است: ﴿النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم﴾ با این حال تا اکثریت قبایل و عشایر با ایشان بیعت نکردند حکومت تشکیل ندادند. و سران عشایر آن روز مانند سران حزب بودند، و گویی احزاب سیاسی آن روز این‌گونه با پیامبر بیعت می‌کردند. حاکمیت باید تابع نظر اکثریت مردم باشد. اکثریت مردم ایران و عراق شیعه‌اند - شورای تشکیل شده فعلی در عراق که توسط آمریکا تشکیل شده ۱۳ نفرشان شیعه‌اند - و مردم عراق ۷۵ الی ۸۰ درصد شیعه‌اند و خواهی نخواهی باید حاکمیت تابع آرای اکثریت باشد، اکثریت مسلمانند؛ اسلام هم نسبت به شیوه و متد حکومت دستوراتی دارد، آنها باید عمل شود.

البته من نمی‌گویم الآن در کشور ما عمل می‌شود، چه بسا ما اشکال داریم، مثلاً محاکمات و زندانی سیاسی در زمان پیامبر ﷺ و حضرت علی عليه السلام وجود نداشته است و اینها مخالف قوانین اسلام است و علاوه بر آن موجب جدایی بین دولت و ملت می‌شود، مردم در انتقاد و اظهار نظر باید آزاد باشند. اگر حاکمیت مطابق رأی اکثریت باشد یک حاکمیت اسلامی خواهد بود، تفاوتی ندارد چه عراق چه ایران. حکومت باید مطابق خواست مردم بوده و نباید تحمیل باشد.

[اصلاحات مطلوب]

* ارزیابی شما از اصلاحات آقای خاتمی چیست؟ آیا با آن موافق هستید یا خیر؟ آیا بن بست سیاسی را شما قبول دارید؟ و راه خروج از بن بست را چه می دانید؟

شش سال پیش در روز ۱۳ رجب من یک سخنرانی کردم و در آن به آقای خاتمی خطاب کردم: شما ۲۲ میلیون رأی دارید، شما بروید پیش مقام رهبری و بگوئید رهبری شما به جای خودش محفوظ اما ملت ۲۲ میلیون رأی به من دادند و از من انتظارات دارند و دولت باید در اختیار من باشد. کارهای مربوط به حاکمیت باید در اختیار رئیس جمهوری باشد. آن روز از این سخن ناراحت و عصبانی شدند و حمله کردند و بیش از پنج سال برای این جهت من در حصر بودم.

واقعیت این است که آقای خاتمی وعده‌هایی داده بود و امیدهایی به مردم داد، اما آن‌گونه نبود که در مقابل فشارها مقاومت کند و آزادی را برای مردم بیاورد. اصلاحات مطلوب هم یک چیز نوظهوری نیست بلکه عمل به همان وعده‌های اولیه انقلاب است، متأسفانه آقای خاتمی نتوانست به وعده‌های خود عمل کند و مردم ناامید شدند. در آینده چه کار می خواهند بکنند نمی دانم. با این که طرفداران آقای خاتمی اکثریت بودند ولی اقلیت نظرات خویش را برایشان و کشور تحمیل کرده و می کنند.

[قانون اساسی و ولایت فقیه]

* راه بیرون رفتن از این مشکل چیست جناب آیت‌الله! آیا اصلاحات شامل تغییراتی در قانون اساسی و ولایت فقیه می شود؟

من ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارم و در بازنگری قانون اساسی هم به آن رأی ندادم. اصل ولایت فقیه برای آن است که نظارت شود تا کشور بر اساس مقررات اسلامی اداره شود؛ منظور از ولایت فقیه این نیست که فقیه در تمام امور دخالت کند، و اصلاً به مناسبت حکم و موضوع فقیه باید به فقاهتش پردازد و در اقتصاد، سیاست،

امور خارجه و... باید به متخصص آن رشته مراجعه شود؛ و به این معنی متأسفانه عمل نشده است. امیدواریم از این وضعیت خلاصی یابیم، مسئولین با مردم تفاهم کنند و تندیها برطرف شود تا ان شاء الله کشور اصلاح شود.

[آینده روابط ایران و عراق]

* به نظر شما اگر در عراق یک حکومت دموکراتیک تشکیل شود چه تأثیری بر ایران می‌گذارد؟

و آینده روابط ایران و عراق چگونه باید باشد؟

عراق یک روزی جزء ایران بوده است و فرهنگشان با ایران همخوانی دارد، بنابراین نمی‌توانند از هم جدا باشند. صدام ایرانی‌ها را اخراج می‌کرد و می‌خواست مردم ایران و عراق را از هم جدا کند. این عملی نبود و بسیاری از مشاهد شریفه در ایران و عراق است و بالاخره رابطه نزدیک با هم دارند و خواهی نخواهی این رابطه نزدیک وجود دارد. به نظر می‌رسد بین ایران و عراق نباید ویزا باشد، و این حکومت‌ها هستند که سختگیری می‌کنند. چون وقتی هر دو دارای یک مذهب هستند و یک فرهنگ دارند و به هم نزدیک هستند دیگر نیازی به ویزا نیست. مثل بسیاری از کشورهای اروپایی که ویزا ندارند و در آن مناطق مردم می‌توانند به راحتی رفت و آمد داشته باشند. و در هر دو کشور باید به مردم آزادی داده شود تا حاکمیت از ناحیه مردم تعیین شود، چه ایران و چه عراق. و تشکیل حکومتی مردمی در عراق موجب آن خواهد شد که در داخل ایران هم تأثیر داشته باشد و اثر مثبت خواهد گذاشت.

[انتقاد حق مردم است]

* در مورد فعالیت‌های اخیر نوه مرحوم آقای خمینی در عراق که انتقاداتی داشته است شما چه

نظری دارید؟

اصل انتقاد حق مردم است؛ البته نباید هتاکی و خلاف واقع باشد. ولی چون در ایران سختگیری می‌کنند ایشان به بیرون از ایران رفته و انتقادات تندی را مطرح

کرده است. اگر اجازه می دادند حرفهایش را همین جا منطقی مطرح می کرد کار به اینجاها نمی کشید. بسیاری از افراد دیگر نیز می دیدند اگر انتقاد کنند تحت تعقیب قرار می گیرند لذا به خارج فرار کردند و انتقاداتشان تندتر شد.

اصل انتقاد یک حق همگانی است. امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» شما از گفتن حرف حق و مشورت به عدالت خودداری نکنید، زیرا من فوق خطا نیستم و از آن ایمن نمی باشم مگر این که خدا مرا کفایت کند. در اینجا امام علی علیه السلام از انتقاد کردن استقبال می کنند ولی آقایان هنگامی که ۱۳۵ نماینده مجلس محترمانه نامه می نویسند ناراحت شده اند که چرا آنها از ما انتقاد کرده اند و ائمه جمعه را علیه آنان بسیج کردند.

[راه برون رفت از بن بست سیاسی و رابطه با آمریکا]

* آیا شما با رابطه با آمریکا موافق هستید؟ و به نظر شما چه راهکارهایی برای ایجاد رابطه با

آمریکا می تواند وجود داشته باشد تا شکاف موجود برطرف شود؟

غیر از اسرائیل که ما آن را کشور قانونی نمی دانیم قاعدتاً با هر کشوری و از جمله آمریکا که یک کشور قانونی است و در دنیا به عنوان یک کشور مطرح است می توانیم رابطه داشته باشیم، لکن رابطه دو کشور مستقل. و داشتن روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به نفع هر دو طرف خواهد بود. و جدایی از آمریکا یک چیز موقتی بود که نباید ادامه داشته باشد. و اشغال سفارت آمریکا به عقیده من کار غلطی بود و مثل این است که ما یک قسمت از کشور دیگر را اشغال کرده باشیم. ولی آمریکا متأسفانه با این که استفاده و منافع را از کشورهای اسلامی می برد، اسرائیل غاصب را بر کشورهای اسلامی ترجیح داده و می دهد؛ و این امر ظلمی است بزرگ و برخلاف مصالح جهانی. اگر آمریکا دست از زورگویی بردارد و نسبت به اسرائیل این گونه برخورد نکند، می توان این دیواری را که ایجاد شده و موقتی است و دائمی نیست خراب کرد.

ما ۳۰۰ میلیون جمعیت آمریکا را رها کرده ایم به واسطه این که از دست چند حاکم آنجا عصبانی هستیم و از رابطه ابا داریم. صهیونیست ها هستند که مخالف رابطه ایران و آمریکا هستند، لابی های یهود هستند که نمی گذارند رابطه از سر گرفته شود، و ما عملاً داریم خواسته صهیونیست ها را اجرا می کنیم. امیدواریم موانع برطرف و رابطه برقرار گردد و این بحران و تشنج از میان برداشته شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مشروح بیانات در شروع مجدد درس خارج فقه

۱۳۸۲/۶/۲۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

اشاره: سرانجام پس از شش سال آیت الله العظمی منتظری مجدداً در روز چهارشنبه ۱۳۸۲/۶/۲۶ در محل دفتر در جمع طلاب و فضلا و روحانیون حاضر تدریس خویش را از سر گرفتند. آیت الله العظمی منتظری که از ۲۴ آبان ماه ۷۶ به دلیل ایراد سخنرانی انتقادی در حصر و حبس خانگی به سر می بردند، هنگامی تدریس مجدد را شروع نمودند که به واسطه عدم آزاد سازی حسینیه ایشان که محل تدریس سالیان متمادی بود، مجبور شدند دفتر خویش را محل تدریس قرار دهند. دو طرح لزوم استقلال حوزه های علمیه و عدم وابستگی آنها به دولت و حاکمیت و لزوم تأمین هزینه های حوزه توسط مردم، و همچنین لزوم پرداخت به مباحث اخلاقی و تربیتی در حوزه های علمی و متخلق شدن به اخلاق و صفات پسندیده و نیکو، از جمله مطالبی بود که توسط ایشان در آغاز تدریس دوباره خارج فقه ایراد شد. آنچه که در پی می آید مشروح سخنان ایشان می باشد.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

﴿ ربّ اشرح لي صدري، و يسّر لي أمري، واحلل عقدة من لساني، يفقهوا قولي ﴾

قبل از ورود در بحث به مناسبت شروع درس پس از شش سال تذکراتی داده می شود. من در دو قسمت تذکر می دهم، من همیشه آنچه را وظیفه ام بوده است تذکر می دادم، و شش سال تعطیلی درس برای این بود که روز ۱۳ رجب تذکراتی دادم که به عقیده من واجب بود، هنوز هم عقیده ام این است که عمل درستی بوده است، گرچه عواقبی داشت مهم نیست و دنیا از این گونه عکس العمل ها دارد.

[سفارش به استقلال حوزه‌های علمیه]

موضوع اول مربوط است به حوزه‌ای که در آن درس می‌خوانیم. از هزار سال پیش که حوزه علمیه نجف به زعامت مرحوم شیخ طوسی رحمته الله تشکیل شد، حوزه‌های علمیه شیعه هیچ وقت وابسته به دولت‌ها نبودند و حوزه‌های مردمی بودند. آنچه که در شیعه به عنوان خمس ارباح مکاسب مطرح است و در فقه اهل سنت وجود ندارد اگر پرداخت شود خیلی مشکلات حل خواهد شد، و این از امتیازات فقه شیعه است. البته گاهی موقوفاتی هم بوده است که وابسته به حکومتها نبوده‌اند. نمی‌خواهم بگویم سوءنیتی در کار بوده است اما متأسفانه دولت در ردیف بودجه‌های خود برای حوزه هم بودجه اختصاص داده است. خبری از قول رئیس کمیسیون بودجه مجلس در برخی سایت‌ها مشاهده کردم مبنی بر این که «بودجه ۲۸ میلیاردی اختصاصی به مرکز خدمات حوزه علمیه قم در سال جاری نسبت به بودجه اختصاصی در سالهای ۷۵ و ۷۶ سی برابر شده است.» من نمی‌گویم کار اینها از روی سوء نیت است اما به نظر می‌رسد کار اشتباهی بوده است. همان طور که سابقاً حوزه‌ها مردمی بود و مردم وظیفه خود می‌دانستند و جوهاتشان را به حوزه‌ها بدهند، باید این کار انجام شود و این راه کار است.

برخی افراد گفته‌اند: ما حاضریم و جوهات را پرداخت نماییم به شرط این که آن مرجع خودش آن را مصرف کند و دیگرانی که در حوزه هستند آن را مصرف نکنند. درست است که طلاب حوزه معصوم نیستند اما امثال شیخ طوسی، شیخ انصاری، میرزای شیرازی و مرحوم آیت‌الله خمینی از همین حوزه‌ها پیدا می‌شوند. بزرگان در همین حوزه‌ها تربیت می‌شوند. کشاورزی که در یک باغ درختانی را غرس می‌کند انتظارش این است که تمام درختها و نهالها به بار بنشینند اما برخی از آنها خشک می‌شوند، برخی را آفت می‌زند و... و بالاخره درختهای خوب هم رشد کرده و دارای ثمر خواهد شد.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی از سوی دولت، رئیس اوقاف خدمت ایشان رسیده بود - و ضمناً وضع حوزه‌های علمی از نظر مالی هم مناسب نبود - و اظهار داشت موقوفاتی در کشور است که یا وقف بر اهل علم شده است یا قابل انطباق بر اهل علم است، به نظر ما رسید که آنها را در اختیار شما بگذاریم تا صرف حوزه‌ها شود. آقای بروجردی رحمته‌الله گفته بودند: حوزه‌ها الآن مردمی است و با هزینه‌های پرداختی آنها اداره می‌شود، پولی که شما می‌دهید ممکن است یک روزی قطع شود و جلوی آن گرفته شود، در آن زمان قهراً ارتباط حوزه‌ها با مردم قطع شده است و موقوفات هم دیگر پرداخت نمی‌شود، چیزی که بخواهد در اختیار دولت باشد و بود و نبود آن در دست دولت باشد ما احتیاج به چنین چیزی نداریم.

و جوهاتی که مردم به حوزه‌ها می‌دهند ادایش واجب است، و خداوند خمس ارباب مکاسب را واجب کرده است. برادران و خواهرانی که اعتقاد به مذهب تشیع دارند باید وجوهات خود را پرداخت نمایند. و راههایی که وجوهات در آن صرف شود و وجوهات به حوزه‌ها نرسد نباید مطرح شود. کسی به مرحوم آیت‌الله بروجردی گفته بود: من وجوهاتم را به فلان جا و فلان جا داده‌ام، ایشان فرموده بودند: اگر برادران و خواهران دینی این طریقه را پیش گیرند پس تکلیف حوزه‌های علمیه چیست؟ حوزه‌های علمیه برای حفظ اسلام و تشیع باید باشند.

من نکته‌ای را ذکر کنم و آن این که امامان معصوم قبل از حضرت حجت (عج) چرا رساله‌ای عملیه چون رساله‌های عملیه فعلی ننوشتند و آن را به دست مردم ندادند؟ هدف امامان علیهم‌السلام این بوده است که آیات و روایات حفظ شود، حوزه‌های علمیه هم تشکیل شوند، علما و بزرگان تشکیل جلسات درس دهند و بحث‌های علمی و فقهی نموده آیات و روایات را بررسی نمایند تا در حوزه‌ها علما و بزرگان تربیت شوند و از کیان دین و اسلام و تشیع دفاع نمایند.

اگر کسانی هم اعتراضاتی وارد می‌کردند - که در زمان ما هم اشکالات و شبهات بسیاری مطرح است - همین تربیت شدگان حوزه‌های علمی هستند که باید با تحقیق

و تتبع اشکالات مطرح شده را جواب علمی و قانع کننده دهند؛ بر همین اساس است که تقلید از مجتهد زنده مطابق احتیاط است، چون همیشه مجتهدین حی و زنده، اوضاع زمان و مکان را بررسی می نمایند تا با آشنایی کامل با اوضاع زمانه فتوی دهند؛ همان گونه که امام صادق می فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» (کسی که عالم به زمانش باشد مشکلات به او هجوم نخواهد آورد) علما این گونه باید باشند و به اشکالات پاسخ دهند. پس حوزه های علمیه باید باشد، تفاوتی هم میان نجف و قم نیست، هدف واحد است و اختلافی میان حوزه قم و نجف وجود ندارد.

از همین جا تأکید می کنم مخارجات و هزینه های حوزه ها تنها باید از سوی مردم پرداخت گردد. صدای من به برادران و خواهران متمکن می رسد به آنها عرض می کنم: اداره حوزه ها مهم است، مهمترین محل برای مصرف وجوهات حوزه ها است، تا مادامی که حوزه ها نیاز دارند باید خمس ارباب مکاسب در حوزه ها صرف شود.

امیدواریم وابستگی حوزه های علمی به دولت بتدریج قطع شود و مردم و آنان که اهل وجوهات هستند از اعطای آن دریغ نکنند تا امتیاز از دست رفته حوزه های شیعی از نو به دست آید.

[رعایت امور اخلاقی]

نکته دیگری که می خواهم تذکر دهم در رابطه با امور اخلاقی است. آنچه که در حوزه ها حائز اهمیت شمرده می شود مسائل فقهی است. من بارها عرض کردم انسان دارای سه مرحله وجودی است: یک مرحله کامل و عالی وجود انسان است که همان عقل اوست، که این را حیوان ندارد لذا تکلیف و خطابی متوجه آنها نمی شود. مرحله متوسط انسان غرائز و امیال است که در انسان هست، گرچه در حیوانات نیز وجود دارد؛ ولی چون آنها عقل ندارند نسبت به کنترل امیال و غرائز تکلیفی ندارند؛ اما انسان مکلف است آنها را تحت کنترل درآورد. مرحله سوم بدن انسان است، شامل

دست و پا و گوش و چشم و... در دین اسلام هدف، تربیت انسان در هر سه مرحله است.

بر همین اساس وظایفی که در دین داریم سه دسته است: ۱- اعتقادات، یعنی ایمان به حقایق عالم که مربوط است به عقل و فکرا انسان.

۲- علم اخلاق، که مربوط به مرحله متوسط انسان می باشد که همان امیال و غرائز انسانی است؛ در رابطه با این مرحله بجز آیات و روایات کتابهای بسیاری تألیف شده است.

اخلاق در حدی مهم است که پیامبر نفرمود که من آمده ام برای تکمیل اعتقادات یا برای فروع دین بلکه فرمودند: «بَعثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» یعنی من مبعوث شدم تا اخلاق نیک را در مردم کامل نمایم. قرآن کریم در بیان خصائص پیامبر و تعریف از ایشان می فرماید: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ تو دارای خُلق بزرگ هستی. این که انسان خود را کنترل کند، شهوت و غضب را کنترل کند و عاری از عجب و تکبر باشد، وظیفه ای مهم است. خداوند خطاب به پیامبرش می فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (به سبب رحمت خدا تو در مقابل مردم نرمی و ملایمت داری، و اگر خشن و تند بودی از اطراف تو متفرق می شدند). باید تکبر، عجب، خودخواهی و نظایر آن را از خود دورنمائیم. شرط اول برای تأثیرگذاری روحانیت و علما در جامعه آن است که آنها به خودسازی مشغول شوند. اگر مردم تلقی کنند که ما خودمان حب دنیا داریم و دنبال مال و مقام و موقعیت هستیم و در این راستا حاضریم به دروغگویی، تملق و کارهای دیگری روی آوریم و برخلاف عقیده مان حرف زده و عمل کنیم، آیا آنها به ما اعتماد خواهند داشت؟! علما و بزرگان گذشته در سختی و فقر زندگی می کردند و مشکلات را تحمل می نمودند اما حاضر نبودند دینشان، وجدان و عقایدشان را برای متاع دنیا بفروشند. ننگ است بر حوزه های علمیه که بخواهیم پرونده برای یکدیگر بسازیم و آبروی یکدیگر را ببریم.

در روایت است که شخصی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد «أوصني» یعنی من را نصیحت کنید، حضرت فرمودند: «إحفظ لسانك» یعنی زبانت را حفظ کن. آن شخص قانع نشد و تقاضای نصیحت را تا سه بار تکرار کرد، و حضرت فرمودند: «إحفظ لسانك»، آنگاه فرمودند: «و هل يكبّ الناس في النار على وجوههم إلاّ حصائد ألسنتهم» (آیا مردم را به صورت و رو در آتش خواهد انداخت مگر درو شده‌های زبانشان!) قلم را نیز باید بیشتر از زبان محافظت کرد. البته گاهی انسان در مقام امر به معروف و نهی از منکر است، که باید محترمانه حرفش را بزند گرچه دیگران ناراحت شوند، و باید واقع و حق را گفت.

دروغ‌پردازی، اهانت، توهین، تحقیر مردم و... و نشر آن در جراید و برخی رسانه‌ها و برخی افشاگریها نسبت به بزرگان و اساتید دانشگاه، که طبعاً باعث اختلال در حوزه فرهنگ و اندیشه خواهد شد برخلاف اسلام است.

در خطبه قاصعه - خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه - حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «فاعتبروا بما كان من فعل الله بإبليس» (عبرت گیرید از آن کاری که خدا نسبت به ابلیس انجام داده) «إذ أحبط عمله الطويل و جهده الجهد» (خداوند کوشش و عمل طولانی شیطان را از بین برد) «و كان قد عبد الله سنّة آلاف سنة» (شیطان شش هزار سال عبادت خدا کرده بود) «لا يدري أمن سنی الدنيا أم من سنی الآخرة، عن كبر ساعة واحدة» (این هم مشخص نیست آیا شش هزار سال از سالهای دنیاست یا آخرت، و باعث طرد شدن شیطان تکبر لحظه‌ای بود) که گفت من زیر بار آدمی که از خاک است نخواهم رفت، چون آتش از خاک لطیف‌تر است.

سپس حضرت می‌فرماید: «فمن ذا بعد إبليس يسلم على الله بمثل معصيته» (پس از جریان ابلیس چه کسی سالم می‌ماند اگر همین کبر شیطان را داشته باشد) «كلاً ما كان الله سبحانه ليدخل الجنة بشراً بأمر أخرج به منها ملكاً» (هیچ‌گاه خداوند داخل بهشت نمی‌کند بشری را به سبب چیزی که به خاطر آن ملکی را از بهشت بیرون کرد)... پس باید توجه داشته باشیم که با تکبر و خودخواهی ارزش اعمال خود را از دست

خواهیم داد. من توصیه می‌کنم آقایان طلاب جامع‌السعادات مرحوم نراقی را یک دوره مطالعه کنند. همان‌گونه که خواندن یکی از کتب اخلاقی، سیره گذشتگان بود.

۳- مرحله سوم که مربوط به فقه است و ظایفی است که مربوط به اعضاء و جوارح است، و متأسفانه برای ما آنچه مهم است تنها فقه است و اعتقادات و اخلاق را کم‌اهمیت جلوه می‌دهیم.

انسان باید مناعت طبع و صبر و حوصله داشته باشد و خلاف عقیده‌اش حرف نزند و زیر بار تحمیل‌ها هم نرود. خداوند إن شاء الله کمک خواهد کرد و رزق و روزی را خواهد رسانید. در حدیث قدسی هست که: «یا أرض لا ترزقی أحداً من عبادی إلاّ بكدّ الیمین و عرق الجبین إلاّ طالب العلم فإتی ضمنت أرزاقهم».

بنابراین دو نکته اساسی باید دقت شود، یکی استقلال حوزه‌ها باید حفظ شود و متمکنین باید خمس و وجوهات شرعی را پرداخت نمایند، و نکته دوم این که باید سعی کنیم اخلاق خوب را در خود تقویت نماییم. امیدوارم این تذکرات در وهله اول برای خودم و ثانیاً برای شما کارساز باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۶/۲۶

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

گفتگو با نشریه اسپانیایی «ال پائیس» و خبرگزاری «رویترز»

۱۳۸۲/۷/۸

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[وضعیت فعلی و آینده ایران]

* با توجه به مطرح بودن جنابعالی به عنوان یکی از معماران اصلی انقلاب، وضعیت فعلی و آینده ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به وضعیت فعلی متأسفانه نمی‌توان آینده خوبی را پیش‌بینی کرد. در صورتی می‌توان به وضعیت مناسب رسید که حاکمیت بر طبق نظر اکثریت جامعه شکل گرفته و عمل نماید. از جهت دیگر باید در برخورد با مخالفان تجدیدنظر جدی صورت گیرد و به گونه‌ای نباشد که انتقاد کنندگان را به مجرد ابراز نظر احضار، بازداشت و زندانی نمایند.

در حال حاضر معضل بزرگی که کشور ما گرفتار آن است پدیده فرار مغزها و افراد نخبه کشور به خارج از کشور است. این مشکل عمده ناشی از سوء مدیریت و اختناق داخلی است؛ و افرادی که به خارج از مرزها می‌روند نوعاً چون در داخل نمی‌توانند نظر مخالف خود را اظهار کنند در کشورهای دیگر تندتر انتقادات خویش را مطرح می‌کنند؛ در حالی که کشور از آن مردم است و آنها صاحبان اصلی انقلاب هستند و مسئولان خدمتگزار مردم هستند، و اگر انتقادات آنها بجاست باید شنید و به آن عمل کرد. من بارها این نکته را گفته‌ام که پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام امام اول ما که حکومت تشکیل دادند، در حاکمیت خویش حتی یک زندانی سیاسی نداشتند.

برخورد امام علی علیه السلام با خوارج نهروان نمونه بارز آن است، و هنگامی که به ایشان اعتراض شد چرا آنها را دستگیر و زندانی نمی‌کنید فرمودند: «در این صورت زندانها را پر کرده‌ایم.» حضرت می‌دانستند چنین کاری فایده‌ای که برای جامعه ندارد ضرر هم دارد. این بازداشت‌ها علاوه بر این که ظلم است و شرعاً حرام می‌باشد موجب بحران در کشور می‌شود.

[راه برون‌رفت از وضعیت فعلی]

* حکومت باید چه راهکاری را پیشه کند تا شور و نشاط اولیه به مردم بازگردد؟

باید کاری کرد که جامعه احساس آرامش کند، یکی از راههای آن همان آزادی بیان است که افراد به راحتی بتوانند حرف و نظرشان را بیان نمایند. دستگاه قضایی باید در رفتار خویش با مردم تجدیدنظر کند، و نهادهای غیرقانونی چون دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت که هیچ‌کدام در قانون اساسی نیست و خلاف قانون هستند باید منحل شوند. اگر واقعیات جامعه توسط حاکمیت درک نشود خواهی نخواهی جامعه دچار بحران و تزلزل خواهد شد؛ و اگر آقایان هنگامی واقعیات را درک و بدان اذعان نمایند که دیگر کار از کار گذشته باشد، فایده‌ای ندارد و نمی‌توان گذشته‌ها را جبران کرد.

[حمایت مردمی از حاکمیت]

* با توجه به این که به نظر می‌رسد حمایت مردمی از حاکمیت کم شده، شما شرکت مردم در

انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر وضعیت به این منوال ادامه داشته باشد حضور مردم کم خواهد شد و انتخابات پرشوری را شاهد نخواهیم بود؛ مگر این که آقایان در چگونگی حکومت و برخوردهای خود با مردم تجدیدنظر نمایند.

* موقعیت آقای خاتمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای خاتمی وعده‌های بسیاری به مردم دادند و بر اساس همان وعده‌ها و شعارها مردم ۲۲ میلیون رأی به ایشان دادند؛ ایشان می‌توانستند با این پشتوانه قوی مردمی در مقابل اقلیت که مخالف اجرای برنامه‌های وعده داده شده‌اند مقاومت کند، اما متأسفانه نتوانست مقاومت کند. من هنگامی که آقای خاتمی انتخاب شدند به ایشان تذکر دادم که شما باید اتمام حجت کرده و پیش رهبر بروید و بگویید احترام شما محفوظ اما مردم از من انتظار عمل به وعده‌ها را دارند و باید اختیارات کامل داشته باشم، ولی فایده‌ای نداشت و در نهایت ایشان چندماه پیش دو لایحه را ارائه کردند که هر دوی آنها هم از سوی شورای نگهبان رد شد. در هر صورت ایشان نتوانستند در مقابل فشارها مقاومت کرده و به وعده‌های خود عمل کنند.

[حکومت دینی]

* با توجه به فراز و فرودی که حکومت دینی در ایران داشته است، آیا شما با این حال هنوز قائل

هستید سیاست عین دیانت است؟

دستورات اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست، بلکه در مسائل اقتصادی و سیاسی و حاکمیت نیز اسلام دستور و برنامه دارد، ولی این گونه که آقایان از دین سوءاستفاده می‌کنند مورد قبول من نیست. این که یک نفر همه کاره باشد و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی و مانند آن بخواهد اظهار نظر کند و دیگران حق اظهار نظر نداشته باشند را قطعاً نمی‌توان قبول کرد. هر حوزه‌ای متخصص خودش را دارد و باید به متخصص آن فن مراجعه کرد، و فقیه هم از آن جهت که فقیه و عالم است - به مناسبت حکم و موضوع - باید به جنبه فقهی بپردازد و نظارت کند که برخلاف موازین اسلام کاری انجام نشود. و این که نامش را ولایت مطلقه فقیه می‌گذارند به این معنی که یک نفر بدون چون و چرا حق دخالت در همه امور داشته باشد را من قبول ندارم، و به بازنگری قانون اساسی هم که ولایت مطلقه به آن اضافه شده بود رأی ندادم.

[نظارت استصوابی]

ایشان ضمن اشاره به ریاست خود بر مجلس قانون اساسی جمهوری اسلامی گفتند:

در آنجا بحث شد که برای جلوگیری از دخالت برخی افراد و نهادها و وزارتخانه‌ها چون وزارت کشور در انتخابات و تحمیل نمایندگان به مجلس و مردم، اصل ۹۹ تصویب شود و شورای نگهبان را - که به نظرمان نهاد مقدسی می‌آمد - متولی این کار قرار دادیم؛ و در حقیقت فلسفه وجودی اصل ۹۹ تأمین آزادی انتخابات بود و هدف نظارت بر انتخابات بود نه تعیین کاندیداها. این امر در چند دوره رعایت شد ولی پس از چندی آقایان اصل ۹۹ را به نظارت استصوابی تفسیر نموده و در حقیقت انتخابات را دو مرحله‌ای کردند. آقایان خود را قیّم مردم و جامعه می‌دانند و به گونه‌ای اصل ۹۹ را تفسیر کرده‌اند که نه تنها جلوی دخالت‌ها گرفته نشده است بلکه پس از دخالت کردن اخیراً دفاتر نظارتی را در شهرها ایجاد کرده‌اند تا کاندیداها را زیر نظر داشته باشند! در حالی که آنان چنین حقی را ندارند و برخلاف قانون است. با این اوضاع و اوصاف نمی‌توان نسبت به انتخابات آینده خوشبین بود.

[فعالیت‌های هسته‌ای ایران]

* نظر شما درباره فشارهای بین‌المللی در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای چیست؟

واقعاً معلوم نیست ایران در مقام تولید سلاحهای خطرناک هسته‌ای باشد، و استفاده صلح‌آمیز از دانش هسته‌ای حق تمام کشورهاست و نمی‌توان کشوری را از آن منع کرد. سؤالی که در اینجا مطرح است این است که: چرا کشورهای چین، اسرائیل و آمریکا و روسیه آزادند که سلاحهای هسته‌ای تولید نمایند و تولید سلاحهای کشتار جمعی برای آنها منعی ندارد اما دیگر کشورها حق نداشته باشند؟! مگر آمریکا چه امتیازی دارد که سلاحهای کشتار جمعی را دارا باشد و ایران

نداشته باشد؟ مگر آمریکا قیم دنیا است که خود واجد همه سلاحهاست و اسرائیل را هم مسلح کرده است اما دیگر کشورها حق ندارند اینگونه سلاحها را داشته باشند؟ در سوءاستفاده از این سلاحها تفاوتی میان آمریکا و دیگر کشورها هم نیست، چنانکه آمریکا با همین سلاحها ناکازاکی و هیروشیما را مورد حمله قرار داد و هزاران انسان را به کشتن داد.

[وضعیت آینده عراق]

* وضعیت آینده عراق و تأثیر آن بر ایران را - با توجه به مشترکات فرهنگی و مذهبی میان دو کشور همچون مشاهد شریفه که در هر دو کشور وجود دارد و علاقه مردم هر دو کشور برای رفت و آمد - چگونه پیش بینی می کنید؟

به واسطه همگونی در بسیاری از مسائل دو کشور، آینده دو کشور از لحاظ سیاسی و فرهنگی نمی تواند از هم جدا باشد و خواهی نخواهی بر یکدیگر تأثیر خواهند گذاشت. حاکمیتی هم که در عراق پا می گیرد باید بر طبق نظر اکثریت جامعه آنجا باشد و حکومت مردمی مطابق خواست آنها هرچه زودتر بایستی تشکیل شود؛ و چون مردم عراق مانند مردم ایران مسلمانند، چگونگی حکومت بر اساس موازین اسلامی شکل می گیرد و حاکمیت آن نمی تواند بدون در نظر گرفتن دین و مذهب باشد، و اقلیتها هم باید آزادانه بتوانند از حقوق شهروندی برخوردار باشند؛ همان گونه که امام علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید: «واشعر قلبک الرحمة للرعية، والمحبة لهم... فإِنَّهُمْ صَنَفَان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» یعنی با رعیت با رحمت و محبت برخورد کن، چون آنها یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت با تو نظیرند و انسان هستند. و همچنین در قرآن حق کرامت برای تمام انسانها به رسمیت شناخته شده است و می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾.

ایشان در رابطه با حضور آمریکا در عراق فرمودند:

درست است که آمریکاییها در عراق کار بزرگی را انجام دادند که همان

ساقط کردن صدام بود و در برخی از جاها مردم از آمدن آنها استقبال کردند، اما در هر حال کشور متعلق به عراقی‌هاست و آمریکا باید حکومت را به حکومت انتقالی واگذار نموده و پس از تقویت آن از عراق خارج شود.

[احساس ایشان نسبت به آزادی و شروع مجدد تدریس]

* شما چه احساسی نسبت به شروع تدریس خویش پس از سالها حصر دارید و این امر چقدر برای شما اهمیت دارد؟

وظیفه و کار اصلی ما درس خواندن و تدریس است، وضع حوزه‌های علمی هم برای همین است. از اقصی نقاط کشور و دنیا برای فراگیری علوم به حوزه‌ها می‌آیند. من هم از همان اوان طلبگی و شانزده سالگی هرچه فرا می‌گرفتم تدریس می‌کردم و خودم علاقه بسیاری به تدریس داشته و دارم؛ بعضی از مراجع و بسیاری از علما و مسئولان کشور از شاگردان من بوده‌اند. علم‌اندوزی و تعلیم و تعلم امر بسیار مهم و باارزشی است، در روایات ما آمده است: «عالم ینتفع بعلمه أفضل من سبعین ألف عابد» یعنی عالمی که از علمش بهره‌برند از هفتاد هزار عبادت‌کننده افضل است. البته منافاتی ندارد که در کنار تدریس و علم‌اندوزی، انسان در مسائل سیاسی و اجتماعی هم اظهار نظر کند و به وظیفه شرعی و وجدانی خود عمل نماید. چون دین اسلام و آموزه‌های آن منحصر به مسائل عبادی و اخلاقی تنها نیست و اسلام به مسائل سیاسی و اجتماعی هم نظر خاص دارد.

* شما برای جانشینی خود چه کسی را توصیه می‌کنید؟

من طلبه‌ای بیش نیستم و در قم تدریس می‌کنم و مردم برای مسائلشان به من مراجعه می‌کنند، اگر هم از دنیا رفته‌ام افراد دیگری جای من را خواهند گرفت. مردم خودشان اهل تشخیص‌اند و باید خودشان به دنبال فرد اعلم بروند و من فرد خاصی را مشخص نکرده‌ام.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

مصاحبه خبرنگار کانادایی

۱۳۸۲/۸/۱۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[آرمانهای اولیه انقلاب]

* به نظر شما چرا اکثریت مردم ایران خواستار تغییرات و اصلاحات هستند؟
حقیقت مطلب این است که رژیم شاه با این که روزی ۶ میلیون بشکه نفت صادر می کرد وضعیت اقتصادی کشور هم بد نبود، هرچند حیف و میل نیز می شد ولی به مردم هم از همین پول نفت امکاناتی می رسید، اما آنچه که در کشور ما نبود استقلال و آزادی بود. و مردم برای این دو شعار اساسی انقلاب کردند. یعنی مردم خواستار آن بودند که کشور خارجی در امور داخلی کشورشان دخالت نکند و در ابراز عقائد و نظریات هم آزاد باشند.

مردم ایران انقلاب کردند تا دست اجانب از کشور کوتاه شود و حکومت از آن مردم باشد، یعنی حکومتی باشد که برآیند خواست و نظر مردم باشد. شعارهای اساسی مردم «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» بود، بدین معنی که حکومت مردمی و بر اساس موازین اسلامی باشد. ولی پس از گذشت سالها مردم دیدند آن شعارهای صدر انقلاب زیرپا گذاشته می شود. اصلاحاتی که گفته می شود مطلب تازه ای نیست بلکه مقصود عمل کردن به همان وعده های اولیه انقلاب است. دادگاه انقلاب که نامی از آن در قانون اساسی نیست با کسانی که اظهار نظر مخالف دارند برخورد های تند می کند؛ آنها را احضار، بازداشت و زندانی می نماید. دادگاه

غیرقانونی ویژه روحانیت به گونه‌ای دیگر با روحانیونی که نظر مخالف دارند برخورد می‌کند. عملاً قدرت را آنها در دست گرفته و با بگیر و ببند و محاکمات ساختگی موجب بحران در کشور می‌شوند، و به افراد زیادی ظلم می‌شود.

خود من به واسطه اظهارنظراتی که به آنها اعتقاد داشته و مصلحت می‌دانستم بیان کنم بیش از ۵ سال محصور بودم. گذشته از بازداشت‌ها نزدیک ۱۰۰ نشریه را همین دستگاه قضایی تعطیل کرده و روزنامه‌نگاران را به زندانهای طویل‌المدت محکوم کردند.

من واقعاً در گفتار و عمل آقایان در حاکمیت تضاد روشن می‌بینم: از یک طرف می‌گویند مردم باید در انتخابات مجلس شرکت کنند، مجلس در رأس امور است، ولی پس از اظهار نظر نمایندگان ملت در مجلس آنها را احضار و محاکمه می‌کنند و هیچ حرمتی برای نمایندگان ملت قائل نیستند.

[فعالیت‌های هسته‌ای ایران]

در رابطه با همین ماجرای اخیر یعنی امضای پروتکل الحاقی به کنوانسیون منع سلاحهای هسته‌ای، وقتی که سه وزیر خارجه اروپایی به ایران آمدند یک نفر به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی به پای میز مذاکره می‌رود و این یک نفر تصمیم‌گیرنده است، درحالی که نمایندگان مجلس و مردم از سیر قضایا بی‌اطلاعند. روال کار این بود که در ملاقات با وزرای خارجه سه کشور گفته می‌شد: اولاً کشور ما کشور دموکراسی و حکومت آن مردمی است و طبق قانون نمایندگان مردم باید در مسائل اساسی تصمیم بگیرند، اگر نمایندگان مردم نظر مثبت دادند آن وقت امضاء خواهد شد، یک نفر نمی‌تواند در امر مهم مربوط به ۷۰ میلیون مردم تصمیم بگیرد. و ثانیاً: اگر بناست سلاحهای هسته‌ای برچیده شود باید دنیایی عاری از این قبیل سلاح داشته باشیم، نه این که آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر دارای این سلاحها باشند و فقط کشورهای مسلمان از جمله ایران حق نداشته باشند دارنده این سلاحها باشند.

در یکی از جراید خواندم نخست وزیر انگلیس گفته است: ما نگران آن هستیم که ایران اسرائیل را مورد هدف قرار دهد. پس معلوم می شود آنها به دنبال امنیت اسرائیل اند نه جمع آوری سلاحهای کشتار جمعی!

اگر می گویند به ایران و برخی کشورهای دیگر اعتماد نیست مگر به آمریکایی ها می توان اعتماد کرد؟ مگر آمریکا به ناکازاکی و هیروشیما ژاپن حمله اتمی نکرد و مگر هزاران انسان بی گناه را آنجا نکشت؟

[حکومت فردی و سلب آزادی افراد]

* به نظر شما چه اتفاقی افتاد که شعارهای اولیه انقلاب از دست رفت؟

علت اصلی این است که به مردم بها داده نشد و عده ای خودسرانه حکومت را به صورت حکومت فردی در آوردند، کسی هم اگر اعتراض کند با او برخورد می کنند.

* من در تهران کمتر بوده ام ولی مشاهده کردم که برخی دخترها و پسرها دست در دست هم با هم راه می روند!

منظور ما از آزادی بی بندوباری نیست، آزادی ای که خواست مردم ماست آزادی عقیده و بیان است، همان آزادی که در زمان پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام وجود داشت و آنان از هر نحو انتقادی استقبال می کردند. آزادی یعنی این که ۱۳۵ نماینده مجلس بتوانند آزادانه نامه بنویسند و کسی حق نداشته باشد ائمه جمعه، جراید و... را علیه آنان بسیج کند تا با آنان برخورد کنند.

[رابطه ایران با دنیای غرب]

* محافظه کاران ایجاد رابطه با غرب را دارای خطر می دانند، به نظر شما ارتباط با غرب چه خطراتی می تواند برای ایران داشته باشد؟

به غیر از اسرائیل که ما آن را کشور مشروعی نمی دانیم رابطه بر اساس احترام متقابل در زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها اشکال ندارد و به

نفع کشور است، نه این که کشوری مثل آمریکا بخواهد در ایران دخالت کند. متأسفانه علی‌رغم تمام شعارهایی که داده می‌شود که ارتباط خطرناکی دارد اما برخی در سیاست شفاف عمل نکرده و نمی‌کنند و هرچه می‌گویند خلاف آن را عمل می‌کنند، به نظر من در سیاست باید شفاف سخن گفت و عمل کرد. ما مخالف سیاست غیرشفاف هستیم؛ سیاستی که در آن صداقت، عاطفه، انسانیت و دین نباشد شیطانی است. شما ملاحظه کنید در رابطه با مرگ خبرنگار کانادایی ایرانی‌الاصل، خانم زهرا کاظمی چه مشکلاتی عاید ایران شده است و اصل ماجرا هم مشخص نمی‌شود که واقعاً چه کسی مرتکب این جنایت شده است.

[سازش فلسطینی‌ها با اسرائیل]

* اگر فلسطینی‌ها حاضر شوند اسرائیل را به رسمیت بشناسند شما چه نظری دارید؟ چون فلسطین مال فلسطینی‌هاست خودشان حق دارند در رابطه با کشور خود تصمیم بگیرند.

ما که می‌گوییم اسرائیل غاصب است چون شروع غصب آنجا با خریداری تنها ۶٪ اراضی فلسطین آغاز شد، سپس با جنگ، زور، خدعه و آواره کردن فلسطینی‌ها ۵۱٪ را تصاحب کردند و الآن هم تفکر و ایده‌از نیل تا فرات را در سردارند. قاعدتاً فلسطینی‌ها بدون بازپس‌گیری اراضی اشغالی و بازگشتن آوارگان راضی نخواهند شد که با اسرائیل کنار بیایند.

[ولایت فقیه]

* به نظر شما آیا ولایت فقیه مورد نظر آیت‌الله خمینی ادامه می‌یابد؟ این‌گونه که آقایان عمل می‌کنند شکست خواهد خورد. همان‌گونه که من قبلاً گفته‌ام با این روش که آقایان دارند ولایت فقیه از آیت‌الله خمینی شروع و به رهبر فعلی ختم می‌شود. ولایت فقیه گناه ندارد روش آقایان بد بوده و مردم را مسمم کرده است.

* این که می‌گویید ولایت فقیه ختم می‌شود یعنی حکومت اسلامی هم پایان می‌یابد؟
چون برخی کارهای خلاف خود را با نام اسلام توجیه می‌کنند، قهراً مردم به اسلام
و هر نوع حکومتی که به نام اسلام باشد روی خوش نشان نخواهند داد.

[آیا اصل انقلاب ایران صحیح بود؟]

* آیا مردم فکر می‌کنند انقلابی که ۲۵ سال پیش کردند کار صحیحی بود؟
کشور از آن مردم است، آنها تشخیص دادند باید انقلاب کنند و با اهداف بلندی
انقلاب کردند، البته خیال می‌کردند به وعده‌های داده شده عمل می‌شود و کشور
مستقل و آزاد خواهیم داشت و از استبداد نجات پیدا می‌کنیم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مصاحبه سردبیر و خبرنگار روزنامه «واشنگتن پست»

۱۳۸۲/۸/۱۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضرت آیت الله العظمی منتظری طی مصاحبه‌ای با آقای «استیوکل» سردبیر «واشنگتن پست» و خبرنگار آن روزنامه به پرسش‌های آنان پاسخ دادند.

در پایان این گفتگو آیت الله العظمی منتظری طی پیامی - به وسیله آقایان - به ملت آمریکا خواستار آن شدند که ملت آمریکا نگذارند تعداد اندکی تحت فشار لابی یهود و صهیونیسم، چهره کشور بزرگی چون آمریکا را در دنیا بیش از این مخدوش نمایند. آنچه در پی می‌آید مشروح این مصاحبه است.

* * *

[بازداشت یک روزه فرزندان و اعضای دفتر ایشان]

* من اسفند سال گذشته شما را از دور زیارت کردم، احساس می‌کنم حال شما در حال حاضر بهتر از گذشته است و این کاملاً برایم محسوس است. به عنوان اولین سؤال می‌خواستم بدانم مشکلاتی که اخیراً برای پسران شما و برخی اعضای دفتر پیش آمد چه بوده است؟ اگر چه این مشکلات برای شما عادی به نظر می‌رسد.

منزل متصل به دفتر اینجانب که متعلق به آیت الله آذری قمی بود، پس از درگذشت ایشان توسط ورثه آن مرحوم به دختر مرحوم آیت الله ربانی املشی - دادستان اسبق کل کشور - که همسر احمد، پسر اینجانب است فروخته شد و مراحل قانونی برای انتقال اسناد صورت گرفت، ولی تا حال که چهار سال می‌گذرد منزل

تحت توقیف دادگاه ویژه روحانیت قرار گرفته. در این مدت وکیل قانونی مالک تلاش بسیاری کرد که این مشکل حل شود و منزل بازپس داده شود ولی نتیجه نگرفت.

از طرفی با توجه به این که حسینیه شهدا نزدیک به ۶ سال است توقیف شده و نیاز مبرم به فضای بیشتر، دربهای آن منزل گشوده شد؛ که توسط نیروهای امنیتی احمد و سعید و برخی اعضای دفتر و کارگران مشغول به کار که جمعاً ۱۱ نفر بودند بازداشت شدند که تا شب همگی آزاد گشتند و یکی از اعضای دفتر فردای آن روز آزاد شد، و در مدت کوتاه بازداشت برخوردهای بدی با دستگیرشدگان صورت گرفت و برخی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. حال آن که آنها باید خرسند باشند که بدون ایجاد زحمت و هزینه، منزل مورد نظر به صاحب آن بازگشته است.

✽ نیروهایی که در اطراف مشاهده می شوند آیا همیشه هستند؟

نیروهای امنیتی نوعاً برای محافظت هستند، ولی پس از آن ماجرا نیروهای سپاه پاسداران رسماً در منزل مذکور مستقر شده اند و قاعدتاً نیروی بیشتری از این لحاظ در اطراف مستقر کرده اند.

[فعالیت های هسته ای ایران]

✽ نظر شما در رابطه با ارتباطات اخیر ایران با اروپا چیست؟ به نظر می رسد با امضای پروتکل الحاقی، رابطه ایران با غرب گرمتر می شود. از سوی دیگر ایران آزمایش موشک های شهاب ۴ را متوقف کرده است.

همان گونه که قبلاً هم گفته ام دو نکته اساسی در رابطه با امضای پروتکل حائز اهمیت است:

اولاً: دبیر شورای عالی امنیت ملی طبق کدام قانون و قاعده با اختیار تام با وزرای سه کشور اروپایی وارد مذاکره می شود و تصمیم می گیرد؟! در کشوری که حاکمیت از آن مردم است کسانی می توانند قراردادهای به این مهمی را امضاء کنند که نماینده

نزدیک به ۷۰ میلیون جمعیت آن کشور باشند. حال آن که ۲۹۰ نماینده مردم در مجلس در این ماجرا دخالتی نداشته‌اند؛ و اگر قرار است ایشان نماینده تام‌الاختیار باشد، بایستی مجلس او را تأیید نماید.

و ثانیاً: وجود سلاحهای کشتار جمعی پدیده‌ای است که باید از تمام دنیا برچیده شود، در اینجا نمی‌توان میان کشورهای تبعیض قائل شد که برخی کشورها مانند آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر دارای آن باشند ولی بر کشورهای مسلمان فشار آورده شود که شما حق ندارید از این سلاحها داشته باشید.

نمی‌توان در اینجا گفت کشوری چون آمریکا، اسرائیل و... دارای عقلانیت‌اند و بیهوده از این سلاحها بهره نمی‌برند؛ برای این که گذشته آمریکا نشان می‌دهد که آنها از بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناکازاکی استفاده کردند و هزاران انسان بی‌گناه را کشتند.

در هر صورت این خلاف عدالت است که برای برخی کشورها امتیاز قائل شویم و از سوی دیگر یک نفر از ناحیه یک کشور ۷۰ میلیونی تصمیم بگیرد، بدون این که از سوی مردم و نمایندگان آنها تأیید شده باشد. در دنیای امروز یک نفر نمی‌تواند برای یک کشور تصمیم‌گیرنده باشد، و حاکمیت فردی با شکست مواجه است.

[آرمانهای اولیه انقلاب]

* فکر نمی‌کنید با توجه به این که مبارزات مردم ایران برای ایجاد دموکراسی متوقف شده و یا شکست خورده است، پس آنها چاره‌ای ندارند جز این که با همان حاکم فردی به توافق برسند؟ به نظر شما مردم چه راهی را باید پیشه کنند تا برای ایجاد یک حکومت مردمی پیروز شوند؟ از همان آغاز انقلاب و حرکات اعتراضی انجام شده توسط مردم، در طول مبارزات شعارهای اساسی: «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» بود و تا پایان مبارزات شعار همین بود. و خود مرحوم آیت‌الله خمینی علیه السلام نام جمهوری اسلامی را بر سر زبانها انداختند. بنابراین حاکمیت باید مردمی و بر اساس موازین اسلامی باشد،

و مسئولین چاره‌ای ندارند جز این که به اصلاحات تن دهند، اصلاحات مطلب تازه‌ای نیست بلکه بازگشت به همان آرمانهای اولیه انقلاب است. شعارها متأسفانه از مسیر خود منحرف شده است و کسی حق اعتراض و بیان عقیده را ندارد و به محض اظهار نظر با او برخورد قضایی می‌شود. و از آن طرف آقایان می‌گویند: ما زندانی سیاسی نداریم! آیا امثال اشکوری، گنجی، عبدی، آقاجری و... دزد و قاتل اند که در زندان به سر می‌برند، یا برای اظهار نظر مخالف زندانی شده‌اند؟! در زمان پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام هیچ زندانی سیاسی وجود نداشت، حتی امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌گویند: «از من انتقاد کنید، من این‌گونه نیستم که فوق خطا باشم». در قانون اساسی ما آمده است که محاکمات سیاسی باید علنی و با حضور هیئت منصفه باشد. در صورتی که این قانون رعایت نمی‌شود، و این‌گونه برخوردها هیچ‌گاه با حکومت عدل علی علیه السلام سازگار نیست.

[روابط ایران با غرب و آمریکا]

* مردم آمریکا و غرب از طریق تصاویر و رسانه‌ها در مورد برخی از آقایان قضاوت می‌کنند و از آنان چهره‌های پرخاشگر نسبت به غرب در ذهن دارند، حال آن‌که شما با نصیحت و ملاحظت سخن می‌گوئید، آیا اگر شما در موقعیت بالا بودید روابط ایران و غرب بهتر از این می‌شد؟

بسا نظرها درباره مسائل کشور متفاوت است. من در برخی از مصاحبه‌های اخیر گفته‌ام: اشغال سفارت آمریکا کار درستی نبود و در شرایطی خاص اتفاق افتاد. به نظر من بجز اسرائیل که کشوری غاصب است ایران باید با دیگر کشورها در تمامی حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... رابطه و همکاری متقابل داشته باشد. قطع رابطه میان ایران و آمریکا به ضرر هر دو کشور است. بفرض به طور موقت چالش‌هایی هم بود، باید حل شود و این دیوار جدایی را باید خراب کرد. به نظر من لابی یهود و صهیونیسم مانع برقراری ارتباط هستند؛ و با ایجاد رابطه مجدد، سیاست‌های آنهاست که با شکست مواجه می‌شود. لابی‌های یهود و صهیونیسم

جهانی که اکثریت اقتصاد، فرهنگ و رسانه‌های آمریکا را در اختیار دارند با رابطه ایران و آمریکا مخالف می‌باشند و نسبت به آن کارشکنی می‌کنند.

* من کاملاً قبول دارم که لابی‌ها مشکل ساز شده‌اند و آنها مانع هستند و قبول هم دارم که آنها اکثر امکانات آمریکا را در دست دارند؛ ولی من شخصاً خبرنگار مستقلی هستم و تحت نفوذ آنها نیستم و همچنین نشریه ما این‌گونه است؛ ولی به نظرم آمد که رفتار شما با خبرنگاران بسیار صمیمی است، به نظر شما چرا آیت‌الله خمینی این‌گونه نبودند؟

واقعیت این است که آیت‌الله خمینی علیه السلام هم در پاریس هم در ایران - در اوایل - با تمامی رسانه‌های خارجی از جمله آمریکایی، انگلیسی و... مصاحبه‌های صمیمانه داشتند ولی پس از مدتی دیگر ادامه ندادند. البته نباید فراموش کرد که اقدامات آمریکا موجب رنجش ایشان شده بود.

آیت‌الله العظمی منتظری در ادامه با اشاره به جنایات اسرائیل در فلسطین گفتند: در قرآن کتاب آسمانی ما - که اخبار غیبی هم در آن وجود دارد - در آیه ۱۶۷ سوره اعراف آمده است: «و خداوند اعلام کرد که بر قوم یهود کسانی را مبعوث خواهد کرد که تا روز قیامت آنها را به زحمت انداخته و موجب اذیت و آزار آنها خواهند شد.» وقتی نسل امروز فلسطین مشاهده کردند اسرائیلی‌ها سرزمین آنان را غصب کرده‌اند و پدران آنها را کشتند و بسیاری را آواره کردند، حتماً ساکت نخواهند نشست و با هر وسیله اعتراض خود را اعلام خواهند کرد.

[تصویر ایرانیان از عراق]

* کسانی که از ایران به عراق رفته‌اند و بازگشته‌اند چه تصویری از آنجا دارند؟

از این که شرّ صدام و صدامیان کنده شد همه خوشحالند، و نوعاً از رفتار سربازهای آمریکایی اظهار رضایت می‌کنند! البته عده قلیلی یا از طرفداران صدام یا دیگران مخالفت‌ها و مزاحمت‌هایی دارند ولی نوع مردم خوشحالند. اما به نفع آمریکایی‌هاست که پس از برقراری یک حکومت مردمی، عراق را ترک کنند که بیش

از این تلفات ندهند و مردم آمریکا دچار ضرر بیشتر نشوند. متأسفانه بدترین وضعیت برای یک کشور آن است که دولت محلی با مردمش کاری بکند که مردم به دخالت خارجی‌ها راضی شوند.

[پیاده‌شدن اهداف اساسی انقلاب]

* ۲۴ سال از انقلاب می‌گذرد و به وعده‌های داده شده عمل نشده است، به نظر شما چقدر باید بگذرد تا اهداف اساسی انقلاب پیاده شود؟

تنها راهش رسیدن مردم به بلوغ و شعور سیاسی است، تا خود مردم نخواهند وضعیت بر همین منوال است. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «کما تکنوا یوئی علیکم» یعنی همان‌گونه که هستید بر شما حکومت خواهد شد.

قرآن هم می‌فرماید: «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نخواهد داد مگر آن‌که آنان خود را عوض کنند».

* ولی مردم خسته و ناامید شده‌اند.

این امر مقطعی است، و مردم هنگامی که احساس وظیفه کنند از ناامیدی دست برخواهند داشت. إن شاء الله مسئولین هم در رفتار خود تجدیدنظر نمایند تا مشکلات حل شود.

[پیام برای ملت آمریکا]

در پایان این مصاحبه با توجه به آمریکایی بودن خبرنگار و سردبیر روزنامه واشنگتن پست فقیه عالیقدر پیامی برای ملت آمریکا فرستادند:

ملت ایران با ملت آمریکا هیچ دشمنی و مخالفتی ندارد؛ کشور بزرگ آمریکا خدمات زیادی کرده است، از جمله حذف صدام یا طالبان؛ مردم آمریکا نوعاً مردمی سختکوش و مذهبی‌اند، سزاوار نیست با این اوصاف مقدرات این کشور بزرگ به دست تنها ۵ میلیون صهیونیست باشد.

کشور پهناور آمریکا با حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت با آن همه امکانات خدادادی چرا باید اقتصاد، فرهنگ و رسانه‌هایش تحت اختیار تنها $\frac{۱}{۶۰}$ جمعیت آن یعنی اقلیت یهودی آن کشور باشد؟ انتظار می‌رود مردم آمریکا به دولت خود اعتراض کنند چرا باید تمام حیثیت و آبروی آمریکا در گرو حمایت از ۵ میلیون صهیونیست غاصب در اسرائیل از دست برود؟

دولت آمریکا نزدیک به یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمانان دنیا را که از امکانات و ذخایر آنها بهره می‌برد رها کرده و برای خوشایند اسرائیلی‌ها آبروی خود را در میان ملل جهان و بویژه مسلمانان برده است. آیا مردم آمریکا راضی‌اند دسترنج آنها، مالیات‌هایی که می‌دهند و امکانات کشور آنها صرف کشوری شود که مشروع نیست و هر روز فشارش را بر مردم مظلوم فلسطین بیشتر می‌کند؟! آیا این اقدامات به ضرر کشور و ملت آمریکا نیست؟ آیا با این اوصاف اگر ملت‌ها بگویند «مرگ بر آمریکا» حق ندارند؟

البته ما با یهود چون دینی آسمانی دارند مانند مسیحیت، تعارض و جنگی نداریم و سابقاً در کنار هم با صلح و صفا زندگی می‌کردیم، ولی اقلیتی از یهود که همان صهیونیست‌ها هستند با حمایت انگلیسی‌ها و شخص «بالفور» کم‌کم کشور فلسطین را اشغال کردند و الآن آمریکا از دست پرورده انگلیس که حکومتی پوشالی و غاصب است حمایت می‌کند. در حالی که چنین چیزی قابل توجیه نیست، و جز ضرر چیز دیگری عاید ملت آمریکا نخواهد شد.

و سرانجام آیت‌الله العظمی منتظری با قرائت روایتی خطاب به خبرنگار آمریکایی و سردبیر واشنگتن پست گفتند: «ارزش هر انسانی به کار خوب اوست، هر کاری را خوب انجام دهید که این موجب ارزش شما خواهد بود.»
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۸/۱۶

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

«۳۷»

مصاحبه نشریه استرالیایی «سیدنی مورنینگ هرالد»

۱۳۸۲/۸/۲۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

- * مشکل اساسی در کشور ما دولت در دولت است.
- * تا حال درباره انتخابات آینده نفیاً و اثباتاً اظهار نظر نکرده‌ام.
- * حمایت آیت الله العظمی منتظری از تشکیل «شورای استفتاء» متشکل از علمای اعلام بدون دخالت حاکمیت.

* * *

[مشکل اساسی در ایران دولت در دولت است]

- * به نظر شما مشکلات ایران امروز چیست؟
- به نظر می‌رسد مشکل اصلی ایران تعدد مراکز تصمیم‌گیری و به بیان دیگر وجود دولت در دولت است.

- * در ۲۵ سال گذشته روحانیت به قدرت و پول دسترسی داشته است. آیا بخشی از این نهاد به واسطه قدرت و پول دچار فساد نشده است؟

ممکن است افرادی به نام روحانیت سوءاستفاده‌هایی کرده باشند، این اجمال مطلب است. عبارت معروف عربی می‌گوید: «لاکل ما یعلم یقال، و لاکل ما یقال یکتب فی الأوراق و یبث فی الآفاق» یعنی این چنین نیست که انسان هر آنچه را می‌داند بگوید و نه آنچه را می‌گوید نوشته و در آفاق پخش شود.

[هدف از تأسیس جمهوری اسلامی]

* چاره‌کار چه می‌تواند باشد؟ آیا روحانیت باید به مساجد رفته و حاکمیت را به غیر روحانیون

واگذار نمایند؟

نام جمهوری اسلامی از ابتکارات مرحوم آیت‌الله خمینی رحمته‌الله بود که در اوایل انقلاب مطرح کردند، منظور هم این بود که حاکمیت چون دیگر کشورها از آن مردم باشد و آنان تصمیم گیرنده اصلی باشند. از این جهت با سایر کشورها تفاوتی ندارد. و قید اسلامی آن به این معنی است که چون مردم ما مسلمانند، بایستی کسی که متخصص امور اسلامی است نظارت کند تا در حکومت از موازین اسلامی تخلفی نشود؛ این هدف اصلی از تأسیس جمهوری اسلامی بود.

ولی کم‌کم به گونه‌ای شد که رئیس‌جمهور که منتخب مردم است و مسئولیت امور اجرایی را بر عهده دارد عملاً خلع سلاح شده و امکانات کشور از تحت اختیار وی خارج شده و در حدّ یک سخنران تنزل کرده و قدرت در غیر از او متمرکز شده. انقلاب مردم ایران به این دلیل بود که در زمان شاه قدرت در یک فرد تمرکز داشت و آزادیهای مردم سلب شده بود. بر این اساس قیام مردمی برای آزادی و استقلال بود؛ و گرنه با صادرات ۶ میلیون بشکه نفت در روز، کشور ما از نظر اقتصادی - حداقل در ظاهر - با مشکل حادّی مواجه نبود. آزادی مورد نظر مردم آزادی بیان بود که مخالف بتواند آزادانه عقیده‌اش را ابراز کند، و استقلال یعنی آمریکا و انگلیس و قدرتهای خارجی نتوانند در امور داخلی کشور ما دخالت کنند، در حالی که شاه با حمایت همین کشورهای خارجی به مردمش جفا و آزادیهای آنان را سلب می‌کرد.

خلاصه این که حکومت فردی و حکومتی که تمام امکانات یک جا جمع شود و مردم حق اعتراض و اظهار نظر نداشته باشند مورد خواست مردم نیست و با این روش نمی‌توان کشور را اداره کرد.

* من با بسیاری از مردم که گفتگو کرده‌ام به صراحت می‌گویند در انتخابات آینده مجلس شرکت نخواهند کرد، نظر جنابعالی در این خصوص چیست؟
من تا به حال در این مورد نفیاً و اثباتاً اظهار نظر نکرده‌ام، و فعلاً بنا دارم در این خصوص اظهار نظر نکنم.

[نظارت استصوابی]

* اگر در انتخابات آینده به طور گسترده صلاحیت‌های کاندیدها رد شود آیا مشروعیت نظام زیر سؤال نخواهد رفت؟

اگر چنین اقدامی صورت گیرد خواهی نخواهی ما با بحران مواجه خواهیم شد. در حقیقت فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات - با توجه به این که من خودم رئیس خبرگان قانون اساسی بودم - این بود که در گذشته شاه، وزرا و صاحبان نفوذ در امر انتخابات دخالت می‌کردند و برای مردم شهرهای مختلف کاندیدا معین می‌کردند و این امر موجب سلب آزادی مردم در انتخابات شده بود. برای این که پس از انقلاب چنین روشی تکرار نشود، نظارت شورای نگهبان که به نظر می‌آمد نهاد قدیسی است تصویب شد، بر این اساس اصل ۹۹ در قانون اساسی آمده است تا آقایان نظارت بر انتخابات داشته باشند؛ اما این که نظارت به استصوابی تفسیر شود و در حقیقت افرادی را که آقایان شورای نگهبان در مرحله اول انتخاب کرده‌اند مردم ملزم باشند فقط از بین آنان انتخاب کنند، چنین چیزی که انتخابات دو مرحله‌ای باشد هیچ‌گاه مورد نظر نبود، منظور تأمین صحت انتخابات بود نه تعیین کاندیدها.

[بازداشت‌ها و محاکمات سیاسی]

* افراد زیادی دستگیر و مدتی در سلول انفرادی به سر برده‌اند، در این مورد چه نظری دارید؟
من همیشه با این‌گونه بازداشت‌ها و محاکمات سیاسی مخالف بوده و هستم. بازداشت و محاکمه برخی از روحانیون، نیروهای ملی مذهبی و دانشجویان،

روزنامه نگاران و... برخلاف اصل آزادی بیان است. و جز فاصله بین دولت و ملت و ایجاد بحران داخلی و خارجی ثمره‌ای برای کشور ما نخواهد داشت. تعجب این است که آقایان حکومت خود را حکومت نبوی و علوی فرض کرده‌اند حال آن‌که پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ کدام با مخالفان خود از این‌گونه برخوردها چون دستگیری و محاکمه نداشته‌اند. به عنوان نمونه خوارج نهروان که یکی از گروه‌های عمده مخالف امام علی علیه السلام بودند، آزادانه عقیده خود را بیان می‌کردند و کسی حق تعرض به آنها را نداشت. حتی یکی از سران آنها به نام حریت بن راشد با سی نفر از یارانش تشکلی درست کرده بود که حضرت وقتی با این پرسش مواجه شد که چرا با آنها برخورد نمی‌کنید؟ گفتند: در این صورت باید زندانها را پر کنیم.

[شورای استفتاء]

* آقای هاشمی رفسنجانی اخیراً سخن از «شورای استفتاء» گفته‌اند، آیا چنین چیزی عملاً

ممکن است؟

اگر منظور از این شورا دخالت حاکمیت و انتصاب اعضای آن شورا از سوی حاکمیت باشد، قهراً مردم کمتر اعتماد خواهند کرد؛ اما اگر خود حوزه و علمای اعلام تصمیم بگیرند چنین شورایی را به وجود آورند بسیار بجا و مناسب خواهد بود، چون فتوایی که از شورا صادر شود قطعاً قویتر و مورد اطمینانتر خواهد بود.

[مراکز تصمیم‌گیری در ایران متعدد است]

* از اول انقلاب تا به حال شعارهایی مطرح شده است و وقتی با بن‌بست مواجه شده‌اند از

شعارها دست برداشته و به قول معروف کوتاه آمده‌اند، به نظر شما چه دلیلی وجود دارد؟

دلیل اصلی آن است که در کشور ما مراکز متعدد تصمیم‌گیری وجود دارد (دولت در دولت) و نهادهای انتخابی که باید تصمیم گیرنده باشند عملاً اختیار ندارند، و وقتی پشتوانه مردمی به هیچ‌انگاشته شود و افراد به جای ملت تصمیم می‌گیرند

قهراً در مواجهه با مشکلات مجبورند کوتاه بیایند.

در همین ماجرای امضای پروتکل الحاقی ملت ما مشاهده کردند یک نفر به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی - بدون این که نهادی چون مجلس که نمایندگان منتخب مردم می باشند حتی اطلاع از روند مذاکرات داشته باشند - خود اقدام می کند و از طرف نزدیک به ۷۰ میلیون جمعیت تصمیم می گیرد. با چنین روشهایی خواهی نخواهی یک نفر تصمیم گیرنده است و هزینه های آن را مردم متحمل می شوند، و چنین روشی در زمان شاه هم وجود داشت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۸/۲۱

دفتر آیت الله العظمی منتظری

پاسخ به سؤالات جمعی از فعالان سیاسی در مورد زندان و زندانی سیاسی

۱۳۸۲/۹/۳

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

محضر آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

سلام علیکم

با آرزوی سلامت و توفیق روزافزون برای جنابعالی به عرض می‌رساند یکی از شیوه‌هایی که عده‌ای در درون نهادهای حکومت در مقابل منتقدان و مخالفان قانونی و مسالمت‌جو پیش گرفته‌اند، اعمال برخی تزییقات و فشارها - غالباً روانی - در سلولهای انفرادی و بازداشت‌های طویل‌مدت و نیز فشار بر خانواده‌های زندانیان سیاسی است. از آنجا که کلیه امور در جمهوری اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم به شرع انور و فقه جعفری و اسلام محمدی و تشیع علوی نسبت داده می‌شود، وظیفه خود دانستیم تا از حضرت تعالی به عنوان فقیه اهل بیت علیهم‌السلام و مجتهد مسلم مشروعیت این‌گونه اقدامات را جویا شویم. لازم به ذکر است که با تحقیق از زندانیان سیاسی در بند هیچ یک از امور زیر فرضی نیست و وقوع آنها به تواتر بر عدول مؤمنین اثبات شده است. از آنجا که انتساب این‌گونه امور به اسلام عزیز و هن دین محسوب می‌شود، خواهشمند است در صورتی که صلاح بدانید به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

- ۱- آیا قاضی، دادستان، بازجو و بازپرس که صریحاً به زندانی یا خانواده زندانی دروغ می‌گویند، صلاحیت شرعی ادامه کار قضایی را دارد یا نه؟
- ۲- آیا زندانی کردن منتقد و مخالف قانونی و مسالمت‌جو و اصولاً زندانی سیاسی یا حتی زندانی عادی در سلول انفرادی آن هم هفته‌ها و ماهها شرعاً مجاز است؟
- ۳- آیا بازداشت طولانی مدت زندانی سیاسی برای شکستن روحیه او و اخذ اقرار مطابق مذاق بازجو یا قاضی شرعاً مجاز است؟

- ۴- آیا قطع ارتباط زندانی سیاسی با خانواده (اعم از ملاقات حضوری، کابینی و تلفنی) به قصد اعمال فشار به وی و خانواده‌اش تا چند هفته یا حتی چند ماه شرعاً مجاز است؟
- ۵- آیا می‌توان بر تنبیه بدنی زندانی سیاسی نام تعزیر شرعی نهاد؟
- ۶- آیا جلوگیری از دسترسی زندانی به وکیل مدافع قانونی در طول بازداشت مجوز شرعی دارد؟
- ۷- آیا زندانبانان شرعاً مجازند به زور مانع اعتصاب غذای زندانی سیاسی شوند که برای رهایی از فشار ظلمه تنها چاره را اعتصاب غذا یافته است؟
- با احترام: جمعی از فعالان سیاسی

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[صلاحیت شرعی قضات]

پس از سلام و تحیت

ج ۱- اساساً از نظر عقل و شرع، حکمت و مصلحتی برای ضرورت قضاوت و مقدمات آن جز اقامه عدل و احقاق حق وجود ندارد؛ و از این رو هرگونه گفتار یا کرداری که موجب تضییع حق و انحراف قضاوت از مسیر صحیح خود شود حرام و قضاوت مبتنی بر آن نامشروع و غیر نافذ است؛ و طبعاً اگر کسی بدین گونه عمل نموده و از مجرای عدالت خارج شود صلاحیت هیچ‌گونه کار قضایی اعم از خود قضاوت یا مقدمات آن را ندارد.

[اعمال فشار به زندانی و یا خانواده‌اش]

- ج ۲، ۳، ۴ و ۵- همان‌گونه که قبلاً در پاسخ به سؤالات خانواده بازداشت شدگان سیاسی گفته شده است در دیدگاه اسلام سه نوع زندان وجود دارد:
- ۱- زندان به عنوان حد شرعی، مانند زندان نمودن دستور دهنده به قتل.
- ۲- زندان تعزیری، که به صلاحدید حاکم شرع جامع شرایط نسبت به جرائم

خاص به جای جریمه مالی یا شلاق تعیین می‌گردد.

زندانی کردن به دو نوع مذکور تنها پس از ثبوت جرم توسط محکمه صالح و حکم مجتهد عادل و بصیر مجاز و مشروع است و قبل از آن زندانی نمودن متهم جایز نمی‌باشد. ۳- زندان اکتشافی، که قبل از ثبوت جرم متهم جهت تحقیق و کشف جرم می‌باشد؛ و قدر متیقن از موارد جواز این نوع از منابع شرع زندانی کردن شخص متهم به قتل عمد است، که مدت آن باید کمتر از هفت روز باشد.

اما در اتهامات سیاسی چنان که گفته و سیره حضرت امام علی علیه السلام است مخالفان سیاسی حکومت صالح و منتقدان آن تا زمانی که اقدام مسلحانه ننمایند آزادند، و حبس و بازداشت و قطع ارتباط آنان با بستگان برای اثبات جرم و اقرار به آن و اعمال هرگونه فشار بویژه به طور حبس انفرادی و طویل‌المدت جایز نیست؛ و به طور کلی زندان سیاسی مصطلح و رایج از هیچ کدام از انواع مجاز سه‌گانه زندان: حدی، تعزیری و اکتشافی نمی‌باشد، چه رسد به این که تنبیه بدنی زندانی سیاسی به یکی از عناوین حد، تعزیر و کشف جرم جائز باشد. و بالاخره این قبیل احضارها و بازداشت‌ها و محاکمات و زندانهای معمول نسبت به مخالفین سیاسی برخلاف شرع و قانون اساسی و از مصادیق بارز ظلم است.

[حق دفاع]

ج ۶ و ۷- امکان هرگونه دفاع چه دفاع قولی خواه مباشرتاً و خواه توسط وکیل مورد قبول و اعتماد متهم و زندانی، و چه دفاع عملی مثل اعتصاب غذای مشروع از حقوق مسلم عقلی و شرعی انسانهاست و ممانعت از آن بویژه در مورد منتقدان سیاسی ظلم و حرام است.

برای اطلاع بیشتر در زمینه مطالب ذکر شده می‌توانید به کتاب دیدگاههای اینجانب مراجعه نمایید. إن شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۲/۹/۳

حسینعلی منتظری

دیدار جمعی از اعضای سازمان دانش‌آموختگان ایران

(ادوار تحکیم وحدت)

۱۳۸۲/۹/۶

﴿ بسمه تعالی ﴾

در آستانه برگزاری کنگره سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) جمعی از اعضای شورای مرکزی و عمومی این سازمان با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در آغاز این دیدار مهندس علی‌اکبر موسوی خوئینی دبیر کل سازمان و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و مباحث مطروحه از ناحیه اساتید دانشگاه و عالمان دینی در کمیته سیاسی گفت: شرایط دوگانه و تضادهای موجود در قانون اساسی کارآمدی آن را تحت تأثیر قرار داده، و از طرفی بیم آن می‌رود که با ساز و کار پیش‌بینی شده در بازنگری سال ۶۸ و ترکیب هیئت مربوطه برای تهیه پیش‌نویس اصلاحی، آن را بدتر نماید و بالطبع برگزاری همه‌پرسی گزینه اصلی خواهد بود.

دبیر کل سازمان ادوار تحکیم وحدت شرایط انتخابات مجلس هفتم را مبهم و مه‌آلود توصیف و اضافه کرد: علاوه بر نظارت استصوابی، اف‌ت شدید جایگاه مجلس و ردّ نمودن پی‌درپی مصوبات تأثیرگذار مجلس به بهانه‌های واهی توسط شورای نگهبان مهمترین مانع مشارکت مردم در انتخابات مجلس هفتم می‌باشد.

در این دیدار آیت‌الله العظمی منتظری ضمن خوشامدگویی به حاضرین و تبریک عید سعید فطر، در مورد مجلس هفتم گفتند:

همان‌گونه که اعلام کرده‌ام قضاوت نهایی در مورد انتخابات مجلس هفتم را به آینده موکول می‌کنم، ولی قبل از انتخابات باید جایگاه مجلس احیا شود؛ و متأسفانه مجلسی که اکثریت آن با اصلاح‌طلبان است این‌گونه با آن برخورد می‌شود.

[بازنگری قانون اساسی]

ایشان با اشاره به بازنگری قانون اساسی اظهار داشتند:

مرحوم حاج احمدآقا خمینی با توجه به مسئولیتم در مجلس خبرگان اول اصرار داشت که با نوشتن نامه‌ای به امام خمینی درخواست اصلاحیه قانون اساسی را اینجانب بدهم، که به دلایل خاص نپذیرفتم.

[ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی]

ایشان با تأکید بر این نکته که حتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز ولایت مطلقه نداشته و آن حضرت دستورات خداوند را ابلاغ و اجرا می‌کردند، افزودند:

من با اضافه کردن به اصل ۱۱۰ و ولایت مطلقه فقیه موافق نبوده و به آن رأی ندادم، و این بند با فشار خاص و عمدتاً بر اساس نگاه به شخصیت آقای خمینی رحمته‌الله در بازنگری اضافه شد، و این روزها قابل پیش‌بینی نبود.

آیت‌الله العظمی منتظری با اشاره به سخنان امام خمینی رحمته‌الله در بهشت زهرا مبنی بر این‌که قانونی که پدران و اجداد ما نوشتند برای ما الزام‌آور نیست اعلام کردند:

قانون اساسی‌ای که در سالیان قبل در جمهوری اسلامی نوشته شده برای نسل جدید تعهدآور نیست، چرا که این نسل در آن زمان امکان رأی دادن نداشتند؛ و غیر از اصل مربوط به اسلامیت نظام که از اصول لایتغیر می‌باشد بقیه اصول قانون اساسی وحی منزل نیست و قابل تغییر می‌باشد.

معظم‌له در پایان فرمودند:

کسانی که در حاکمیت می‌گویند مردم ما را قبول دارند چرا از رفتارندوم هراس دارند؟! طبعاً اگر مردم این مکانیزم و این اشخاص را قبول داشته باشند به آنها رأی خواهند داد.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۱۳۸۲/۹/۶

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۴۰ »

**پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی
در مورد مشکلات ساختاری ایران**

۱۳۸۲/۹/۱۶

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت الله العظمی منتظری بزرگ مرجع جهان اسلام و تشیع
سلام علیکم

احتراماً اینجانب کارشناسی ارشد مدیریت را سپری کرده‌ام و با مفاهیم مدیریتی کمی آشنا هستم، احساس می‌کنم بزرگترین مشکل کشور ما مشکل ساختاری است در همه قلمروها، لذا خواهشمند است در جهان بینی توحیدی و اسلامی و علمی بفرمایید جهت حل مشکلات ساختاری ایران چه باید کرد تا ان شاء الله جمهوری اسلامی بتواند کوبنده‌تر از گذشته در راه سعادت و کمال ملت رشید ما و سایر ملت‌ها جهاد نماید.

۱۳۸۲/۹/۷

با تشکر و با احترام - محمدباقر باقری نژادیان فرد
نماینده مردم شریف شهرستان کازرون

﴿ بسمه تعالی ﴾

جناب آقای باقری نژادیان فرد نماینده محترم کازرون در مجلس شورای اسلامی

دام توفیقه

پس از سلام و تحیت

نامه جنابعالی ملاحظه شد، یادآور می‌شوم مشکلات اساسی مدیریت و نظام

کشور منحصر به مشکلات ساختاری نظام نیست، بلکه مشکلات فراوان دیگری نیز در کنار آن وجود دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. و در مورد مشکلات ساختاری باید گفت این مشکلات عمدتاً ناشی از تضاد و یا نارسایی‌های موجود در قانون اساسی است. از باب نمونه در قانون اساسی برای جریان امور کشور دو مدیریت مطرح گردیده است: یکی ولایت فقیه و دیگری دولت، که بیشترین اعتبار و قدرت تصمیم برای ولایت فقیه در نظر گرفته شده و از طرف دیگر بیشترین مسئولیت و پاسخگویی بر عهده دولت می‌باشد، و این مشکل با فرض پذیرش و اعمال ولایت مطلقه مضاعف خواهد بود. زیرا در این صورت نه تنها دولت بلکه قوای دیگر نیز در برابر اختیارات نامحدود ولایت فقیه که در برابر هیچ کس پاسخگو نیست هیچ‌گونه اختیاری نخواهند داشت. آثار مخرب و جبران‌ناپذیر این امر و عوارض ناشی از آن در سالهای متمادی گذشته بر کسی پوشیده نیست.

نمونه دیگر، تفسیرهای نادرست و نامقبول قانون اساسی توسط شورای نگهبان است که گاه موجب انسداد راه تأسیس قوانین کارآمد و مشکل‌گشا می‌شود. و نمونه دیگر تعدد مراکز قانونگذاری مثل مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی است که علی‌رغم برتری کمی و کیفی مجلس مذکور سخن نهایی و تصمیم آخر از آن مجمع می‌باشد. مشروح بحث پیرامون این قبیل مشکلات در دو جزوه «ولایت فقیه و قانون اساسی» و «حکومت مردمی و قانون اساسی» اینجانب مندرج در کتاب دیدگاهها مطرح شده است.

توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و کشور از خداوند متعال مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته.

۱۳۸۲/۹/۱۶

حسینعلی منتظری

مصاحبه روزنامه انگلیسی «گاردین»

۱۳۸۲/۹/۲۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[اهمیت احراز جایزه توسط خانم شیرین عبادی]

* به عنوان اولین سؤال، اهمیت احراز جایزه توسط خانم شیرین عبادی به نظر شما چیست؟
از همان ابتدا که ایشان برنده جایزه شده بودند این سؤال از من شد، من هم در جواب گفتم: از این که یک ایرانی مسلمان که به عنوان دفاع از حقوق انسانها توانسته این جایزه را از آن خود کند من خوشحالم، و این نشان می دهد که دنیا و مردم آن به حقوق بشر اهمیت می دهند و دنیا متوجه شده است بایستی از تجاوز و ظلم به انسانها دست برداشته و آن را امری مذموم می شمرد.

[یک لحظه تاریخی از حوادث انقلاب]

* شما در لحظات مختلفی از انقلاب بوده اید، یک لحظه تاریخی از حوادث انقلاب را بیان کنید.

من یادم هست وقتی آیت الله خمینی از پاریس به ایران آمدند، یک روز بختیار دستور حکومت نظامی را صادر کرده بود و به نظر می رسید می خواستند با اجرای آن با آیت الله خمینی، علما، مردم و خلاصه با کل انقلاب برخورد کنند و سرنوشت انقلاب بکلی عوض شود. آن موقع من خودم تهران بودم، ایشان دستور دادند مردم حکومت نظامی را رعایت نکرده و به خیابانها بریزند، و عملاً حکومت نظامی لغو شد و اهداف سوء آنها عملی نشد.

[آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها]

* در ببحوه انقلاب چه آرمانها و شعارهایی را مدنظر داشتید؟

حکومت گذشته یک حکومت دیکتاتوری وابسته بود که خارجی‌ها کاملاً بر ارتش آن و دیگر قوای اجرایی آن نفوذ کامل داشتند. شاه خود را حاکم و تصمیم‌گیرنده یک نفره می‌دانست و به نظر و خواست مردم اهمیت نمی‌داد. مردم متدین بودند و آزادی می‌خواستند. مردم برای رفاه و اقتصاد انقلاب نکردند. گرچه شاه، خانواده و اطرافیانش درآمد نفت کشور را به یغما می‌بردند اما مردم هم بی‌بهره نبودند و کشور از این نظر اداره می‌شد. بنابراین انقلاب برای استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. مراد از «استقلال» عدم دخالت خارجی‌ها بود، «آزادی» یعنی تمام طبقات حق اظهار نظر داشته باشند، مراد از «جمهوری» یعنی حکومت مردمی بر اساس خواست اکثریت، و «اسلامی» یعنی کشور باید بر اساس موازین اسلامی و عدالت اداره شود، زیرا اکثریت مردم ما مسلمانند.

ایجاد عدالت اجتماعی یکی از اهداف اصلی حاکمیت اسلامی است، و اگر اسلام حقیقی پیاده شود عدالت در پرتو آن محقق می‌شود. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ هدف اصلی از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی آن است که عدالت و قسط اجرا شود.

* فکر می‌کنید این شعارها و آرمانها چقدر محقق شده است؟

به نظر می‌رسد آن‌گونه که مردم خواسته‌اند انجام نشده است، و اگر امروز برخی از «اصلاحات» سخن به میان می‌آورند معنایش بازگشت به همان اهداف و شعارهای اولیه انقلاب است؛ البته برخی هم مخالف اصلاحات هستند و آن را ضدیت با انقلاب می‌شمرند، در صورتی که اصلاحات عمل به همان وعده‌های اولیه انقلاب است.

* نسبت به انقلاب آیا احساس کرده‌اید که کاری را چرا انجام داده‌اید و از آن تأسف بخورید؟
نسبت به اصل انقلاب هیچ تأسفی وجود ندارد، چون مردم که صاحب انقلابند و

کشور از آن آنهاست حق دارند نسبت به خود و سرنوشت خویش تصمیم‌گیری کنند، و آنها صاحبان اصلی انقلابند.

البته در برخی موارد کارهای تندی انجام شده است؛ به عنوان نمونه اشغال سفارت آمریکا که ظاهراً عمل درستی نبود و اگر من هم در گذشته تأیید کرده‌ام اشتباه کرده‌ام؛ چون انسان جایز الخطاست و بجز پیامبران و امامان دیگران امکان اشتباه کردن دارند. از پیامبر ما صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «كل بني آدم خطاء و خير الخطائين التوابون» یعنی: بنی آدم خطا کارند و بهترین خطا کاران توبه کنندگانند. مهم آن است که انسان به اشتباه خودش پی برده و اعتراف کند، و اگر فرضاً در شرایط خاصی صحیح بوده است ولی ادامه آن صحیح نیست.

[بازنگری قانون اساسی]

* فکر نمی‌کنید قانون اساسی باید برخی اصولش عوض شود یا تفسیری که از آن می‌شود دچار

تغییر گردد؟

قبلاً در جزوه‌ای به نام «حکومت مردمی و قانون اساسی» که در کتاب دیدگاههای اینجانب ثبت شده است مطالبی در این مورد آمده است. در بازنگری قانون اساسی تصرفاتی انجام گرفت که به نظر من صحیح نبود. مثلاً تغییرات انجام شده در اصل ۱۱۰ و ازدیاد اختیارات رهبری که در حقیقت باعث تضعیف اختیارات رئیس‌جمهوری شده به گونه‌ای که از رئیس‌جمهور مسئولیت می‌خواهیم اما قدرت کافی به او داده نمی‌شود. این گونه تضادها باید برطرف شود؛ بر همین اساس من به بازنگری قانون اساسی رأی ندادم.

* مباحث علمی و سیاسی مختلفی را شما مطرح می‌کنید، از جمله قوانین شرعی، آیا دیگران

بویژه علمای دیگر از این مباحث اطلاع پیدا می‌کنند و آیا جا افتاده است؟

رسانه‌ها همگی از انعکاس افکار و نظرات اینجانب منع شده‌اند و نوعاً مردم آزادانه نمی‌توانند از نظرات من استفاده کنند و سایت ما هم مدتی فیلترگذاری

شده بود. حال آن که رسانه‌ها باید آزاد باشند و بهره‌برداری از آنها حق تمام مردم است، بویژه رسانه ملی چون رادیو و تلویزیون که باید در اختیار همه باشد نه فقط در اختیار حاکمیت.

[نقش ایران در رابطه با آینده عراق]

* نقش ایران در رابطه با آینده عراق بویژه شیعیان آنجا چگونه خواهد بود؟

صدام یکی از اشتباهاتش این بود که می‌خواست علقه و وابستگی این دو کشور و مردم آنها را از هم جدا کند. دو کشور ایران و عراق از آن جهت که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران و اکثریت مردم عراق شیعه می‌باشند، ارتباطات تنگاتنگ فرهنگی، دینی و مذهبی با یکدیگر دارند، و مشاهد مشرفه عراق مورد توجه و احترام همه شیعیان جهان است. به نظرم با این اوصاف همان‌گونه که در برخی از کشورهای اروپایی ویزا لازم ندارند، بین ایران و عراق هم نباید تشریفات رسمی وجود داشته باشد. البته ما در امور داخلی عراق نمی‌خواهیم دخالت کنیم و مردم آنجا خودشان برای آینده خود تصمیم‌گیرنده‌اند و حاکمیت آنها نیز باید طبق خواست مردم و اکثریت باشد.

* آیا امکان دارد علمای قم بخواهند در عراق نفوذ سیاسی داشته باشند؟

نفوذ و دخالت در امور دیگران کار درستی نیست، البته امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دین ماست و می‌توان نظرات و تذکرات را مطرح کرد. نکته جالب این که خطابات قرآنی نوعاً با لفظ مذکر می‌آید و علما می‌گویند زنها هم تابع مردان هستند ولی در آیه‌ای که مربوط به وجوب امر به معروف و نهی از منکر است مردها و زنها هر یک جداگانه ذکر شده‌اند؛ و همه نسبت به یکدیگر صاحب اختیارند، در حدّ امر و نهی. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾. و بالاخره علما حق اظهار نظر و امر به معروف و نهی از منکر را دارند ولی این امر غیر از دخالت در امور داخلی مردم عراق است.

[همیشه صریح‌اللهجه بوده‌ام]

* پس از پیروزی انقلاب و ایجاد حکومت، از آن جهت که شما از مؤسسين انقلاب بودید برخورداردی که با شما شد آیا ناامید نشدید و آیا به قول معروف جا نخوردید؟

واقعیت مطلب آن است که وقتی آیت‌الله خمینی در ترکیه و عراق بودند، انقلاب را ایشان از خارج و اینجانب از داخل هدایت می‌کردم، ولی پس از پیروزی، اغراض سیاسی باعث شد که آن برخوردها با من صورت گیرد، من از آنها هیچ وقت جان نخوردم. چون آنچه که وظیفه‌ام بود تذکر داده و همیشه صریح‌اللهجه بوده‌ام و به آنچه اعتقاد داشتم عمل می‌کردم. حتی نسبت به آیت‌الله بروجردی - که از اساتید آیت‌الله خمینی و اینجانب و بسیاری دیگر بودند - من با صراحت نظراتم را بیان می‌کردم. حتی روزی در بیت آیت‌الله العظمی بروجردی به یک عالم محترمی بی‌احترامی شده بود، من با این که یک طلبه نوجوان بودم تذکر دادم و به ایشان گفتم: آقا! شما بزرگوار، تاج سر ما، ولی این دلیل نمی‌شود که به دیگران در بیت شما بی‌احترامی شود. و اطرافیان همیشه به من اعتراض می‌کردند که شما چرا صریح‌اللهجه هستید. نسبت به آیت‌الله خمینی هم این‌گونه بود، ولی برخی که در ایشان مؤثر بودند ایشان را نسبت به من بدبین کردند، ولی من برای دنیا و مقام آن ارزشی قائل نبودم و تذکرات خود را عنوان می‌کردم، با کسی هم جنگ و دعوا بر سر قدرت نداشتم. امر به معروف و نهی از منکر را واجب و وظیفه همگانی می‌دانم. امامان معصوم علیهم‌السلام در آموزه‌های دینی و روایات ما آن را تأکید کرده‌اند. همان سخنرانی من در ۱۳ رجب - در سال ۱۳۷۶ - تذکرات خیرخواهانه‌ای بود که آقایان آن را تحمل نکردند، و ظاهراً خود را فوق نقد می‌دانند، حال آن‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «به من انتقاد کنید، من بالاتر از خطا نیستم».

[حکومت فردی و انحصاری ثبات ندارد]

* پیش‌بینی شما برای سالهای آینده ایران چیست؟

من علم غیب ندارم اما اگر حاکمیت مطابق با نظر و خواست اکثریت نباشد معلوم نیست دوام بیاورد. دنیای امروز دنیای حکومت فردی و انحصاری نیست، هرچقدر حاکم قدرت نظامی هم داشته باشد اما اگر پشتوانه اکثریت مردم را در پی نداشته باشد ثبات ندارد؛ و تحولات کشورهای مختلف در دیگر کشورها قاعده‌تأثیرگذار خواهد بود.

* با توجه به پیش‌بینی‌ها ممکن است اکثر مردم در انتخابات آینده شرکت نکنند و محافظه‌کاران

پیروز شوند و یک ناامیدی در اصلاحات پدید آید، نظر شما چیست؟

ناامیدی مردم مقطعی و زودگذر است و دوام ندارد، مردم تحمل نکرده و حقوق از دست رفته را استیفاء خواهند کرد. لازمه‌اش خواست مردم، تشکّل و سازماندهی مردم در قالب احزاب و گروه‌هاست.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پیام تسلیت به مناسبت زلزله غمبار شهرستان بم

۱۳۸۲/۱۰/۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين ﴾ الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون ﴿ اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون ﴾ (سورة بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)

با کمال تأسف خبر ناگوار و دلخراش وقوع زلزله شدید در شهرستان بم و حومه که کشته و مجروح شدن دهها هزار از برادران و خواهران مسلمان، و انهدام بیش از هفتاد درصد اماکن و خانه‌ها را در پی داشت، دریافت نموده بسیار متأثر شدم.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مردم نوع دوست ایران و برادران و خواهران داغ‌دیده بم و روستاهای اطراف تسلیت می‌گویم و از خداوند کریم مهربان برای همه از دست رفتگان رحمت و اسعه الهی و حشر با اولیای خدا - سلام الله علیهم اجمعین - و برای همه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می‌نمایم.

از همه برادران و خواهران متمکن انتظار می‌رود به مقتضای فطرت نوع دوستی و برای رضایت الهی و به شکرانه سلامت خودشان از هیچ نحو کمک مالی و خدماتی با هماهنگی متصدیان امور در این راه دریغ نفرمایند؛ و مجازند در این راه مقدس از ثلث سهم امام بدهی خویش مصرف نمایند. إن شاء الله مأجور باشند. والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۰/۶

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

«۴۳»

پاسخ به پرسش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

۱۳۸۲/۱۰/۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضور عزیز و ارجمند حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته
با سلام و تقدیم ادب و احترام؛ به استحضار می‌رساند سرویس فقه و حقوق خبرگزاری
دانشجویان ایران در نظر دارد نظر حضرت‌تعالی را در خصوص مسائل ذیل جویا شود:
با توجه به تزییقات اخیر برخی کشورهای اروپایی نسبت به رعایت حجاب بانوان مسلمان،
خواهشمند است وظیفه مسلمانان این کشورها و همچنین سایر کشورها و دولت‌های اسلامی را در
این خصوص بیان فرمایید. پیشاپیش از بذل عنایتی که می‌فرمایید سپاسگزاریم.
با آرزوی توفیق - سرویس فقه و حقوق خبرگزاری دانشجویان ایران

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت و آرزوی موفقیت برای شما
اصل حجاب یکی از ضروریات دین اسلام می‌باشد که برای حرمت زنان تشریح
شده است و عقلاً هر زن مسلمانی حق دارد به احکام شریعت خود پایبند باشد.
ممانعت از این حق نیز از سوی هر کس بخصوص مدعیان آزادی و دموکراسی عین
ظلم و سلب آزادی است. وظیفه مسلمانان و دولتمردان آنها در این زمینه دفاع از حق
بانوان مسلمان و استرداد آن در مجامع بین‌المللی است. إن شاء الله موفق باشید.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۰/۷

حسینعلی منتظری

دیدار و مصاحبه هیئت تحریریه ماهنامه «نامه»

۱۳۸۲/۱۰/۱۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[اهداف اصلی انقلاب]

* نامه: به عنوان اولین سؤال با توجه به این که شما از رهبران اصلی و تأثیرگذار انقلاب بوده اید و به عنوان یکی از پدران انقلاب مطرح هستید، چه انتظارات و اهدافی را مد نظر داشتید که با توجه به آن اهداف به انقلاب و دگرگونی روی آوردید؟

اولاً من خود را لایق تعبیر شما نمی دانم. من یک طلبه ای بوده و هستم که آنچه وظیفه ام بوده است انجام داده و می دهم. انقلاب مرهون شرکت تمامی اقشار جامعه است و نمی توان قشر خاص و گروه خاصی را عامل اصلی دانست، و آیت الله خمینی آن را رهبری می کردند و دیگر روحانیون نیز دخیل بودند. آقایان نهضت آزادی هم از پیش کسوتان مبارزه بودند و برخی از آنها زودتر از دیگران به زندان افتادند. من یادم هست روزی در پاریس خدمت مرحوم آیت الله خمینی رسیدم و گفتم می خواهم با شما خصوصی صحبت کنم، ایشان با اشاره به آقای دکتر ابراهیم یزدی که آنجا حضور داشتند گفتند ایشان خودی است و شما مطلب خودتان را بفرمایید.

اهداف اصلی انقلاب در شعارهای اولیه که توسط طبقات مختلف جامعه بیان می شد: «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» منعکس بود.

استقلال یعنی اجانب و کشورهای خارجی حق دخالت در کشور ما را نداشته باشند. البته تنها آمریکایی ها نبودند که در امور کشور ما دخالت می کردند، قبل از آنها

انگلیسی‌ها و روس‌ها هم دخالت می‌کردند و حتی متفقین وقتی در جنگ جهانی به ایران آمدند ایران را بین خود تقسیم کردند. مردم ما خواستار کشوری مستقل بودند که خود مردم سرنوشت کشور را معین کنند. آزادی یعنی آحاد ملت بتوانند اندیشه خود را بیان کنند و کسی نتواند به واسطه اظهار نظر به آنها تعرض کند.

همان‌گونه که در زمان پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ مردم آزادانه مطالب خودشان را بیان می‌کردند و کسی آنها را بازداشت و محاکمه و زندانی نمی‌کرد. در تاریخ نقل شده است که سران خوارج چون عبدالله بن کواء علناً بر علیه امام علیؑ شعار می‌دادند و کسی حق نداشت متعرض آنها شود، به حضرت امیرالمؤمنین علیؑ خبر دادند که خریب بن راشد که از سران خوارج بود با نیروهایش قصد فتنه دارد، حضرت فرمودند به آنها کاری نداشته باشید، و وقتی به ایشان اشکال می‌شد جواب می‌دادند: در این صورت باید زندانها را پر کنیم! ولی وقتی حضرت دیدند خوارج به حقوق اجتماع و مردم تعرض می‌کنند با آنها برخورد کردند، و پس از آن هم حقوق آنها را از بیت‌المال قطع نکردند.

حکومت و رژیم گذشته در ایران یک حکومت فردی و مطلقه‌ای بود که تنها یک نفر حق تصمیم‌گیری و دستور داشت، مردم کاره‌ای نبودند، شاه برای خودش نماینده مجلس تعیین می‌کرد بدون این که مردم شناختی از آن نماینده داشته باشند. حکومت مطلقه و فردی شاه مردم را برآن داشت که شعار دیگری بدهند و آن جمهوری بود. حکومت جمهوری یعنی حاکمیت باید بر اساس رأی و خواست اکثریت جامعه شکل گیرد، و از آن جهت که اکثریت مردم ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند اسلامیت نظام هم مورد خواست و از شعارهای اولیه بود. مردم چون علاقه‌مند به اسلام بودند می‌خواستند بر اساس موازین دینی و اسلامی کشور اداره شود. ولی متأسفانه این شعارها از مسیر اصلی اش منحرف شد. با این که آیت‌الله خمینی در پاریس فرمودند: حتی کمونیست‌ها هم حق اظهار نظر دارند، ولی وضعیت

به گونه‌ای شده است که حتی مسلمانان هم حق اظهار نظر ندارند. ایشان در بهشت زهرا گفتند: گذشتگان و پدران ما چه حقی داشتند که برای ما تصمیم‌گیری کنند، الآن با این که بیش از ۷۰٪ جمعیت کشور در آن زمان نبودند و یاسن آنها اقتضای رأی دادن نداشت کسی به رأی و نظر نسل حاضر توجه نمی‌کند.

انقلاب اسلامی برای آن صورت نگرفت که اشخاصی بروند و اشخاص دیگری جایگزین آنها شوند ولی رفتارها و روشها همان روشهای گذشته باشد، روشهایی که مردم آنها را قبول نداشتند و به خاطر آن انقلاب کردند.

به عبارت دیگر انقلاب به معنای تحوّل اساسی در روشهاست نه این که فقط شاه برود و یک عمامه به سر جایش بیاید و همان رفتارها و روشهای گذشته و حتی بدتر در حال پیاده شدن باشد. از باب نمونه دادگاه انقلاب که در قانون اساسی ذکر نشده است یا دادگاه ویژه روحانیت، بر طبق چه مبنایی بدون رعایت قوانین مثلاً حضور هیئت منصفه با نخبگان و مخالفان جامعه برخوردارهای خشن و تند می‌کنند و آنها را زندان می‌کنند؟ حال آن که دادگستری در قانون اساسی به عنوان متولی امر قضا شناخته شده است.

اسلامی که به دنبال جمهوریت مطرح می‌شد بجز این اسلامی است که آقایان مطرح می‌کنند و موجب بدبینی و فرار مردم از دین می‌شوند. در روایات ما آمده کسی که در زندان است حتی او را به نماز جمعه ببرید تا نماز جمعه‌اش ترک نشود، ولی الآن به اسم اسلام و ارزشها افراد را ماهها در زندان انفرادی حبس می‌کنند و چه بسا در انجام برخی تکالیف واجب خود هم مشکل دارند، و سپس آنان را به زندانهای طویل‌المدّت محکوم می‌نمایند.

من حتی در زمان حیات آیت‌الله خمینی هم به روشهای اتخاذ شده اشکال داشتم و به ایشان تذکر می‌دادم. یادم هست روزی آقای حاج سید احمد خمینی اینجا آمدند، من اشکالاتم را مطرح کردم، ایشان گفتند: شما اینها را یادداشت کرده به من بدهید تا برای امام بازگو کنم؛ من هم برای ایشان تیترا مطالب را به طور خلاصه نوشتم. آن وقت

ایشان در کتاب رنجنامه مطرح کرده که شما نامه به امام نوشتید بدون تاریخ و امضاء، حال آن که اصلاً قصد نامه نگاری نبود.

من آنجا به احمد آقا گفتم به امام بگویید وزارت اطلاعات شما روی ساواک شاه را سفید کرده است. مردم از ظلم‌ها و تندی‌های حکومت سابق به تنگ آمده بودند که انقلاب کردند، وگرنه ایران در آن زمان روزی ۶ میلیون بشکه صادرات نفت داشت و هر چند حیف و میل اطرافیان شاه و خودش بسیار بود اما به مردم هم چیزی می‌رسید. آیت‌الله خمینی در بهشت زهرا فرمودند: شاه قبرستانها را آباد کرد، آیا او بیشتر اعدام کرد یا ما؟

[انحراف در مسیر انقلاب]

* نامه: شما از چه برهه‌ای از زمان احساس کردید مسیر دارد عوض می‌شود؟

از زمان خود آیت‌الله خمینی. من مفصل در کتاب خاطرات خودم - که بخشی از خاطرات من است و همه آنها را بیان نکردم - مطالب را بیان کرده‌ام. من چند ماه یک بار خدمت ایشان می‌رفتم و مسائل را بیان می‌کردم و کارهای خلاف را متذکر می‌شدم. در رابطه با اعدامها یکی از قضات نزد من آمد و بسیار ناراحت بود و گفت: «بر اساس دستوری که از امام صادر شده به ما گفته‌اند: شما مجاهدین خلق را که در زندان هستند و سر موضع می‌باشند اعدام کنید».

من خیلی در فکر فرو رفتم تا این که قصد کردم نامه‌ای به ایشان در رابطه با اعدامها بنویسم، که با آقای حاج سیدهادی هاشمی مطرح کردم. ایشان که آن روز مسئول دفتر بود مخالفت کرد و گفت: با این کار ممکن است امام از دست شما ناراحت شود. با این که می‌گفتند امثال ایشان به من خط می‌دهند ولی او مخالف بود. من با قرآن استخاره کردم این آیه شریفه آمد: ﴿وهدوا إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد﴾ نامه را که نوشتم به آقای هاشمی زنگ زد که نامه را من نوشته‌ام و یک نسخه آن را

می خواهم به دست امام برسد و یک نسخه آن به دست شورای عالی قضایی، که مجدداً با اظهار مخالفت ایشان مواجه شدم.

پس از مدتی آقای نیری که قاضی بود و تعدادی از آقایان را خواستم و به آنها گفتم: الان ماه محرم است حداقل به احترام ماه محرم و احترام امام حسین علیه السلام از اعدامها جلوگیری کنید. ایشان گفت: ما تا به حال ۷۵۰ نفر را در تهران اعدام کرده ایم و دویست نفر را هم برای اعدام جدا کرده ایم، کلک اینها را بکنیم بعداً هرچه بفرمایید!! در هر صورت من علی رغم برخی مخالفتها وظیفه ام می دانستم آن زمان مسائل را به مرحوم آیت الله خمینی تذکر دهم. من به ایشان می گفتم: «کسانی دارند سوءاستفاده می کنند و ماها مسئولیت داریم و باید در این دنیا و قیامت پاسخگو باشیم».

ایشان یک شب نزد مسئولین بالا از من عذرخواهی کردند، که احمدآقا به من گفت: امام خیلی تواضع کردند و ایشان تا به حال نسبت به هیچ کس این قدر تواضع نشان نداده است. من هم گفتم: چه فایده ای دارد؟ آقای ری شهری در تلویزیون حاضر شده و هرچه خواسته نسبت به مدارس من گفته و تهمت زده است آن وقت ایشان اینجا عذرخواهی می کند، بهتر است جلوی امثال آقای ری شهری گرفته شود.

من با ایشان به صراحت سخن می گفتم و بر این اساس گفتم: من می خواهم کنار باشم و با این وضعیت ادامه کار برای من ممکن نیست؛ که ایشان قبول نکردند.

باز هم تأکید می کنم اصل انقلاب کار درست و بجایی بود و آیت الله خمینی آن را خوب رهبری کردند. من یادم هست زمانی که بختیار حکومت نظامی اعلام کرده بود ایشان فرمودند: ترتیب اثر ندهید و به خیابانها بریزید. اگر حکومت نظامی اعمال می شد بسیاری را دستگیر و زندانی می کردند و کل انقلاب برچیده می شد. ولی متأسفانه زمانی هم رسید که ایشان از مردم منقطع شده بودند، اواخر عمرشان دیگران کارهایی انجام می دادند که به نام ایشان تمام می کردند.

یکی از آقایان - که برای رعایت حال او که مزاحمش نشوند از ذکر نامش خودداری می‌کنم و از رفقای آقای فلاحیان است - می‌گفت که آقای فلاحیان چنین گفته است: ما یکی دو سال آخر عمر امام کارهایی کردیم به نام امام حال آن که اصلاً امام را ندیدیم و با حاج احمد آقا هماهنگی می‌کردیم. آیا خود مرحوم امام این انقطاع را می‌دانستند یا نه؟ من نمی‌دانم ولی خودم در حدّ مقدور و با صراحت چه حضوری چه با نامه و پیغام مطالب را تذکر می‌دادم. دیگران به من اعتراض می‌کردند که شما چرا شأن امام را رعایت نکرده‌اید. من هم می‌گفتم مردم با پیامبر خدا به راحتی سخن می‌گفتند. حتی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» از گفتار حق و مشورت عادلانه دست برندارید، زیرا من ذاتاً فوق خطا نیستم و از آن ایمن نمی‌باشم مگر این که خدا مرا کفایت کند.

برخی افراد در گفته‌ها یا نوشته‌هایشان ادعا می‌کنند منتظری چون مقام خود را از دست داده انتقادگر شده است. حال آن که این گونه نیست، من در زمان آیت‌الله خمینی نیز مطالب را تذکر می‌دادم. من نه طالب مقام بوده‌ام و نه برای آن ارزشی قائل بوده‌ام. مقامی که انسان نتواند مسئولیت خودش را انجام دهد چه فایده‌ای دارد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی با اعتراض ابن عباس مواجه شدند که شما چرا نشسته‌اید و کفش خود را وصله می‌زنید، فرمودند: این کفش پاره برای من از امارت و حکومت بر شما محبوبتر است، مگر این که حقی را به پا دارم یا باطلی را دفع نمایم.

من نه مخالف انقلاب بودم و نه ضد آن، من می‌گفتم روشها همان روشهای رژیم سابق است؛ محاکمات، پرونده‌سازی‌ها و... اگر امروز برخی هم سخن از اصلاحات می‌گویند و نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید و شاید آن را به سرانجام رسانند، مراد بازگشت به همان شعارهای اولیه است نه این که یک مطلب عجیب و غریبی باشد که برخی از آن وحشت کرده‌اند و با ایجاد موانع کاری کرده‌اند که عملاً اصلاحات با شکست مواجه شود.

[از دست دادن فرصت‌ها]

* نامه: نظرات متفاوتی در باب منشأ و علت انسداد سیاسی حاصل شده وجود دارد، شما فکر

می‌کنید چه عاملی باعث فاصله شد و از اهداف اولیه انقلاب باز ماندیم؟

آیت‌الله خمینی معتقد بود باید محور مردم باشند و نمایندگان مجلس به عنوان برگزیدگان مردم باید حرف آخر را بزنند و می‌گفتند: مجلس در رأس همه امور است. اما متأسفانه حتی در زمان خود ایشان و پس از ایشان مجلس از ارزش افتاد و عملاً مجلس به نهادی بی‌خاصیت تبدیل شد به گونه‌ای که یک شخص با یک نامه یا یک توصیه مجلس را مسلوب‌الاختیار می‌کند. حکومتی که باید بر اساس نظر و خواست مجلس و مردم باشد به حکومت فردی تبدیل شد. حال آن که حکومت فردی و شخصی در دنیای امروز دوام نخواهد داشت. حاکمیت فردی در هر زمانی کم می‌آورد، نه به سراغ مردم بلکه به سراغ اقلیت ناچیزی از رجاله‌ها و گروههای فشار می‌رود، مثل زمان رژیم سابق که به سراغ شعبان بی‌مخ‌ها می‌رفتند؛ اسمش را هرچه می‌خواهند بگذارند حتی اگر اسمش را حزب‌الله بگذارند.

من اخیراً در یکی از سایت‌ها گزارشی را دیدم مبنی بر این که گروهی به نام حزب‌اللهی به درب چادرهای آمریکایی‌ها که برای کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان بم به ایران آمده‌اند رفته و آنجا شعار مرگ بر آمریکا سر داده‌اند و جشن کریسمس آنها را به هم زده‌اند. اگر راست باشد و چنین برخوردی انجام شده باشد کار غلطی بوده است. آنها بر اساس یک انگیزه انسانی و بشری با امکانات خوب آمده بودند و قرار بوده است بیشتر از این بمانند ولی با این حرکت منصرف شده و از آنجا رفته‌اند، و تعداد بیشتری هم قرار بوده است به آن منطقه برای کمک‌رسانی بیایند که منصرف شده‌اند. آیا این درست است؟ آنها انسانیت کرده‌اند از آن سوی دنیا و مرزها برای اهداف انسانی آمده‌اند و دولت آمریکا هم ۳ ماه تحریم‌ها را لغو کرده است، آیا این‌گونه رفتارها در برابر آنها صحیح است؟

یک روزی شعار مرگ بر آمریکا مطرح بود - ما هم می‌گفتیم - ولی معنایش این نیست که تا ابد آیه نازل شده باشد و بی‌جهت برای خودمان دشمن‌سازی کنیم. می‌گویند دوست هزارش کم و دشمن یکی‌اش هم بسیار است. به نظر من فرصت خوبی بود تا دیوار بی‌اعتمادی خراب شود و از این فرصت استفاده شده روابط برقرار شود. من معتقدم بجز اسرائیل که آن راکشوری غاصب و نامشروع می‌دانیم باید با تمام کشورها رابطه برقرار کرد، و نباید به واسطه تنها پنج شش میلیون یهودی که مخالف رابطه‌اند از جمعیت سیصد میلیونی آمریکا غافل شویم. صهیونیسم و لابی‌های یهود مخالف رابطه‌اند و متأسفانه برخی هم از داخل با آنها همسو شده‌اند. فرض کنیم آمریکایی‌ها خواسته‌اند از فرصت زلزله‌بم استفاده کنند، استفاده از فرصت‌ها کاری است عاقلانه، و انسان عاقل از فرصت‌ها استفاده می‌کند.

[ولایت فقیه]

* نامه: قرائت خاصی می‌گوید: دیدگاه ویژه از ولایت فقیه که منشأ حکومت است و باعث حاکمیت یافتن قشر خاص و ویژه‌ای از روحانیت شده باعث انسداد سیاسی در کشور است، نظر جنابعالی چیست؟

در این رابطه اینجانب در کتاب دیدگاهها تحت عنوان «ولایت فقیه و قانون اساسی» و «حکومت مردمی و قانون اساسی» بحث مفصلی نموده‌ام اما به نحو اجمال به قول مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در حاشیه مکاسب: «فقیه بما هو فقیه در مرحله استنباط اهل نظر است نه در امور مربوط به نظم بلاد و حفظ مرزها و تدبیر شئون جهاد و دفاع و مانند اینها، پس معنا ندارد این امور به او محول شود».

* نامه: ظاهراً شما نسبت به نظریه ولایت فقیه ملاحظاتی داشته‌اید؟

بلی، من ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارم و در انتخابات بازنگاری قانون اساسی چون این را اضافه کرده بودند شرکت نکردم. بسیاری از آقایان که اصرار بر آن داشتند الآن ضربه‌اش را خودشان می‌خورند. این اصلاً عاقلانه نیست که تمام مقدرات یک

کشور در دست و اختیار یک نفر غیرمعصوم باشد و نخبگان جامعه، نمایندگان مجلس و در یک کلام مردم تصمیم‌گیرنده نباشند و حق اعتراض هم نداشته باشند.

[سازگاری جمهوریت و اسلامیت]

* نامه: شما قائل به سازگاری جمهوریت و اسلامیت هستید، چگونه؟

چون اکثر مردم ما مسلمان هستند اگر موازین اسلام به خوبی تشریح شود آنها قبول خواهند کرد و مورد رضایت آنهاست. و مردم بر اساس اسلام خواهان برقراری حکومت هستند، و خود مردم خواهان آن هستند که موازین اسلام که حقوق همه طبقات حتی اقلیت‌ها در آن رعایت شده باشد اجرا گردد.

برخی مواقع حکمی از احکام اسلام باید با شرایط خاص خودش اجرا شود و اگر آن شرایط نباشد می‌توان از آن صرف‌نظر کرد. مثلاً حدود را در حدیث وارد شده که در کشورهای دیگر اجرا نکنیم، چون اگر اجرا کنیم موجب وهن اسلام می‌شود، همین ملاک در داخل هم هست. اگر مثلاً از باب فرض کسی را رجم و سنگسار نماییم موجب خواهد شد که مردم از دین زده شوند، در این صورت از باب تراحم ملاکات احکام، از اجرای این حکم موقتاً جلوگیری خواهد شد.

اگر احکام اسلام و دین به خوبی تبیین و اجرا شود خودبه‌خود مردم راغب و طالب خواهند شد. اسلام دین رحمت و عطف است نه دین خشونت و غلظت.

* نامه: سؤال من این است که به نظر شما در حکومت اسلامی آیا افراد غیر مسلمان می‌توانند

تصدی امور داشته باشند؟

اشکالی در اینجا وجود ندارد، اگر امین و اهل تخصص باشند. البته برخی امور مثلاً قضاوت شرایط خاص خودش را داراست.

* نامه: حتی ریاست جمهوری؟

ریاست جمهوری شرایط خاصی دارد، قانونگذار خواسته است اسلامیت به این وسیله حفظ شود.

* نامه: ملاک جمهوریت، مردم هستند، اما ملاک اسلامیت چه خواهد بود؟
برای تشخیص اسلامیت نظر شورای فقها یا اعلم فقها حجت است و ملاک آنها
هستند.

* نامه: آیا این امکان وجود دارد که با تلاش نیروهای سیاسی بویژه نیروهایی که به اصول اولیه
انقلاب اعتقاد دارند یا کسانی که به مبانی دموکراسی معتقدند اوضاع متفاوتی را به وجود آورد؟
من علم غیب ندارم ولی خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّى
يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. و از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «کما تکونوا یوئلی علیکم» همان‌گونه
که هستید بر شما حکومت می‌شود. مردم و نخبگان باید همان انگیزه‌های اولیه
انقلاب را تجدید کنند تا بتوان به آینده خوشبین بود.

* نامه: فکر می‌کنید مرکز ثقل این تحول ممکن است روشنفکران دینی باشند یا گروهی دیگر از
روحانیت یا دیگر مجموعه‌ها؟

همان‌گونه که در انقلاب تمام طبقات دخیل بودند اینجا هم نمی‌توان طبقه‌ای
خاص را مطرح کرد، البته روشنفکران جایگاه اساسی دارند اما نمی‌توان از دیگر
اقشار و طبقات غافل بود.

[حقوق بشر از دیدگاه اسلام]

* نامه: در یکی از روزنامه‌ها مطلبی از جنابعالی تقریر شده بود که رویکرد متفاوتی نسبت به
حقوق بشر با دیدگاه رایج در حوزه‌ها داشتید، شما بجز آن مبحث آیا این مقوله را پررنگ‌تر ادامه
خواهید داد؟

من امسال درسی را تحت عنوان «سب المؤمن» شروع کردم، در این مدت به بهانه
مبحث «سب المؤمن» از کتاب مکاسب شیخ انصاری خواستم به این مطلب بپردازم
که انسانها ذاتاً فارغ از هر گرایش، ایده، دین و عقیده‌ای دارای کرامت ذاتی‌اند. شیخ
انصاری معتقد است سب مؤمن حرام است و ایشان برای غیر مؤمن حق قائل نیست،
اما من خواستم ثابت کنم که این قابل‌خداشه است؛ در قرآن به طور مطلق می‌فرماید:

«لقد كرّمنا بني آدم». و امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «واشعر قلبک الرحمة للرعیة والمحبّة لهم... فإنّهم صنفان: إما أخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق» با رحمت و محبت با رعیت برخورد کن، زیرا آنان یا برادر دینی و ایمانی تو هستند یا در خلقت چون تو انسان می باشند.

آزادی حق انسان است و کسی نمی تواند این حق را از او سلب کند مگر این که مخلّ حقوق دیگران باشد.

متأسفانه این بحث فقهی ناقص ماند و نتوانستم آن را ادامه دهم.

[نقاط مثبت تحولات]

* نام: تحولات این چند ساله در عین این که دارای ضعفهایی بوده است اما به نظر شما نقاط

مثبت آن چه می تواند باشد؟

با این که مجلس را از خاصیت انداخته اند ولی با این حال با همه مشکلات و موانعی که برای آنها ایجاد کرده اند خدمات بسیاری توسط مجلس انجام شده است که ملت آنها را فراموش نخواهند کرد. حرفهایی زده اند، مطالبی به اطلاع مردم رسید که قبلاً کنترل می شد و کسی حق نداشت آن مطالب را بیان کند. خوشبختانه این جو شکسته شد، و این مایه امید است و خود مردم باید راه را ادامه بدهند.

[نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان]

* نام: نکته خاصی به نظر حضرتعالی در مورد مباحث روزاگر هست بفرمایید.

الآن که من در خدمت شما هستم بحث صلاحیتها توسط شورای نگهبان مطرح است. فلسفه تصویب اصل ۹۹ - با توجه به این که من رئیس مجلس خبرگان بودم - این بود که چه باید کرد تا حاکمان کشور چون رژیم گذشته در انتخابات دخالت نکنند و انتخابات آزاد برگزار شود. فکر می کردیم مقدسترین نهاد شورای نگهبان است، چون از سوی آیت الله خمینی نصب شده اند. هدف نظارت بر امر انتخابات بود نه بر

کاندیدها و انتخاب شونده‌گان. این فلسفه تصویب اصل ۹۹ بود. ولی الآن به نحو دیگری عمل می‌شود و عملاً نظارت بر کاندیدها و انتخاب شونده‌گان اعمال می‌شود و انتخابات را دو مرحله‌ای کرده‌اند. این برخلاف اهداف اولیه تصویب این اصل است.

* نامه: از این که فرصت خود را در اختیار ما گذاشتید تشکر وافر داریم.

من هم از احساس وظیفه شما متشکرم. إن شاء الله در انجام وظایف خود بویژه در امر اطلاع‌رسانی صحیح موفق باشید.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

در مورد ردّ صلاحیت کاندیداهای مجلس شورای اسلامی

۱۳۸۲/۱۰/۲۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

در پی ردّ صلاحیت گسترده کاندیداهای نمایندگی مجلس هفتم توسط شورای نگهبان و اعتراضات انجام شده بویژه تحصن تعدادی از نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی، حضرت آیت الله العظمی منتظری در آغاز درس نهج البلاغه در روز دوشنبه ۸۲/۱۰/۲۲ بیاناتی را ایراد داشتند. آنچه در پی می آید مشروح سخنان معظم له می باشد:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

هنگامی که اینجانب رئیس مجلس تصویب قانون اساسی بودم در مورد انتخابات مطرح شد که چه روشی باید پیش گرفت که مانند زمان شاه نباشد و انتخابات آزاد باشد و جریان سابق که شاه، وزرا و وزارت کشور در امر انتخابات دخالت می کردند و نمایندگانی را که خود می پسندیدند به مردم و مجلس تحمیل می کردند بدون این که مردم بدانند آنها چه کسانی هستند تکرار نشود، به نظر رسید مقدسترین نهاد شورای نگهبان است، چون در آن فقهای منصوب از ناحیه امام وجود دارد، لذا اصل ۹۹ تصویب شد که شورای نگهبان بر انتخابات نظارت داشته باشد، نه این که بر کاندیداها ناظر باشند که چه کسی صلاحیت دارد یا ندارد.

به همین منوال در چند دوره از مجلس، شورای نگهبان به امر نظارت قانونی خود می پرداخت، ولی متأسفانه با تفسیر خود آقایان نظارت به استصوابی تفسیر شد به این معنی که انتخابات دارای دو مرحله باشد: مرحله اول باید کاندیداها را شورای نگهبان

انتخاب نماید و پس از آن مردم آنها را انتخاب کنند. این گونه تفسیر که آقایان برای خود کردند و سپس آن تفسیر را بر مجلس شورا نیز تحمیل نمودند برخلاف روح قانون اساسی است.

اصل ۹۹ برای آن تصویب شد تا جلوی کسانی که آزادیها را سلب می کردند گرفته شود، ولی این مسیر عوض شد به گونه ای که خود آقایان شورای نگهبان آزادیهای مصرّح در قانون اساسی را سلب می کنند.

متأسفانه در اینجا اتهاماتی بی اساس چون سارق، بزهکار و عضو احزاب غیرقانونی، عدم تعهد به اسلام، نظام و... را به کاندیداها و بندگان خدوم وارد می سازند.

گفته می شود صلاحیت افراد را احراز نکرده ایم و از یک سال پیش افرادی را به عنوان ناظر با هزینه های هنگفت در شهرهای مختلف جهت زیر نظر گرفتن و پرونده سازی برای کاندیداها گماشتند. تعجب این که بیش از هشتاد نفر از نمایندگان فعلی مجلس را با اتهامات واهی ردّ صلاحیت کرده اند. آیا قوانینی که در طول چند سال گذشته توسط همین نمایندگان ردّ صلاحیت شده، تصویب شده است شرعی و قانونی نیست؟

آقایان شورای نگهبان با این اعمال خود به مجلس، مردم و نمایندگان آنان توهین بزرگی کرده اند.

در شرع مقدس اسلام تهمت، غیبت و نابود کردن شخصیت افراد بخصوص کسانی که دلسوز و خادم هستند یک عمل غیرشرعی است. چگونه می توان چند نفر را عقل کلّ و قیّم مردم دانست و برای مردم و معتمدین آنان هیچ ارزشی قائل نشد؟ من معتقدم مردم در انتخاب خود اشتباه نمی کنند. اهانت به نمایندگان و کاندیداها و افرادی که مورد اعتماد مردم و خادم آنها هستند و افراد با سابقه در قبل و بعد از انقلاب می باشند یک فاجعه است.

امیدوارم آقایان به خود آمده و به اشتباه خود پی برده و در مقام جبران آن برآیند و از عمل اشتباه خود بازگردند.

در حدیث از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «کل بنی آدم خطّاء و خیر الخطّائین التوابون» تمام بنی آدم خطاکارند و بهترین خطاکاران توبه کنندگان هستند. می‌گویند: حرمت شورای نگهبان باید حفظ شود، متأسفانه شورای نگهبان خود حرمت خود را از بین می‌برد. شورای نگهبان محترم است ولی نباید در اموری که به آن ارتباط ندارد دخالت نماید.

امیدوارم خداوند عواقب امور همه ما را ختم به خیر بفرماید.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۱۰/۲۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرگزاری ژاپنی «کیودو»

۱۳۸۲/۱۰/۲۸

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[اصلاحات بازگشت به آرمانهای اولیه انقلاب است]

* با تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید؛ به عنوان اولین سؤال، جنابعالی رفتار آقای خاتمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای خاتمی در اوایل انتخاب شدن وعده‌های خوبی به مردم دادند ولی متأسفانه شرایط به گونه‌ای شد که آن وعده‌ها عمل نشد. مقصود از اصلاحاتی که ایشان بر آن تأکید داشتند بازگشت به آرمانها و شعارهای اولیه انقلاب است. در رژیم سابق حکومت حکومتی فردی و استبدادی بود، مردم آزادی نداشتند و خواسته‌های آنان تأمین نمی‌شد، و حاکمیت بر طبق خواست اکثریت مردم شکل نگرفته بود. حکومت فردی برخلاف نظر اکثریت خلاف طبیعت است و به قول فلاسفه «القسر لایدوم» یعنی حرکتِ برخلاف طبیعت دوام ندارد.

[دستاوردهای انقلاب]

* به نظر شما بزرگترین دستاورد انقلاب چه می‌تواند باشد؟

در وهله اول باید دستاورد برای انقلاب قائل باشیم تا بتوانیم دستاورد بزرگ آن را ذکر کنیم!

اصل انقلاب حرکتی بجا و برحق بود، انقلاب در سه شعار اصلی خلاصه می‌شد:

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. انقلاب یعنی تحول اساسی و حقیقی در تمام امور و شئون کشور. متأسفانه از همان اوایل تحولاتی باعث شد که برخلاف ایده‌های اصلی انقلاب مسیر عوض شد. تجربه نشان داده است که قدرت استبدادآور است، اگرچه حاکم به اسم اسلام حکومت و قدرت را در دست بگیرد؛ البته تا حدی «استقلال» به دست آمد و دست اجانب کوتاه شد.

افراد مستبد مانند شاه به نام دین حکومت دیکتاتوری و اقتدارگرا نداشتند و به این ترتیب ضربه‌ای به دین و اسلام نمی‌خورد، ولی اگر بنا باشد حاکمیت به نام دین ظلم کند ضربه‌اش به دین و ارزشهای آن می‌خورد.

* شما فکر می‌کنید مردم الآن راضی‌ترند یا در حکومت گذشته؟

مردم نه آن وقت راضی بودند نه حالا!

[تغییر در آینده سیاسی - اجتماعی ایران]

* به نظر جنابعالی آیا آینده سیاسی - اجتماعی ایران دچار تغییر خواهد شد؟

بستگی به خود مردم دارد. در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آن‌که مردم خودشان را تغییر دهند»؛ و از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «کما تکنونوا یوتی علیکم» یعنی همان‌گونه که هستید بر شما حکومت خواهد شد.

* در شرایط ایران فعلی، قم به عنوان مرکز دین مطرح است؛ پرسش من این است که آیا این قم

است که حاکمیت سیاسی را کنترل می‌کند یا حاکمیت سیاسی قم را کنترل می‌کند؟

وضعیت به گونه‌ای شده است که حاکمیت سیاسی حوزه‌های علمیه بویژه قم را تحت کنترل همه جانبه خود درآورده است.

[روابط ایران و آمریکا]

* به عقیده جنابعالی روابط ایران و آمریکا تا چه زمانی باید دچار چالش و تضاد باشد؟

بجز اسرائیل که کشوری غاصب و نامشروع در جامعه جهانی است - چون زمین‌های فلسطینی‌ها را غصب کرده است - بایستی با تمام کشورها رابطه همه جانبه برقرار باشد. قطع رابطه با آمریکا هم در مقطع خاصی صورت پذیرفت و همیشگی نیست؛ اگرچه به بسیاری کشورها از ناحیه آمریکا ظلم شده است، مثلاً کشور ژاپن توسط آمریکایی‌ها دو شهر بزرگ آن توسط بمب اتمی کاملاً تخریب شد. مردم ما نیز از آمریکایی‌ها دل خوش ندارند. البته از انگلیس و روسیه هم دل خوشی نداریم ولی قطع رابطه در شرایط خاص انجام شد و موقت بود. باید عاقلانه با کیاست همراه با تأمین مصلحت ملی دیوار بی‌اعتمادی تخریب گردد. به نظر من مصلحت دو کشور است که رابطه برقرار شود، و این صهیونیست‌های آمریکا و لابی یهود هستند که به شدت با از سرگیری رابطه مخالف‌اند. دشمن تراشی در سیاست خارجی و داخلی کار صحیحی نیست. به گفته یکی از بزرگان: دوست هزارش کم و دشمن یکی آن هم زیاد است. ژاپنی‌ها اگرچه در گذشته با آمریکایی‌ها تعارض و دشمنی داشتند ولی عاقلانه برخورد کرده و دیوار دشمنی‌های گذشته را خراب کردند.

[رابطه دین و حکومت]

* من شنیده‌ام مردم ایران آهسته آهسته از رفتن به مساجد امتناع می‌کنند. به نظر می‌رسد مخلوط شدن سیاست و دیانت علت اصلی است. نظر جنابعالی چیست؟

فراری شدن مردم از مساجد به دلیل گریز آنها از دین نیست. مردم ما دین دارند و به ارزشهای دینی اعتقاد دارند، نرفتن مردم به مساجد به این دلیل است که متأسفانه از نام دین و مسجد سوءاستفاده شده است، دین وسیله‌ای شده است تا امیال قدرتمندان اجرا شود. به نظر من دین از سیاست جدا نیست، دین اسلام تنها منحصر به احکام اخلاقی و عبادی نیست و در مورد زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه نیز احکام ویژه‌ای دارد. ولی آنچه اینجا اهمیت دارد این است که بایستی این احکام اجتماعی و سیاسی مطابق عقلانیت و عدالت اجرا شوند. آیت‌الله خمینی می‌گفت

کسی که می‌گوید دین از سیاست جداست نه دین را شناخته و نه دیانت را؛ و این مطلب صحیحی است.

* دربارهٔ انتخابات مجلس هفتم نظر حضرت آیت‌الله چیست؟

من در حال حاضر نفیاً و اثباتاً نظری ندارم. اگر انتخابات آزاد باشد و دخالت‌های غیرقانونی نباشد مردم باید شرکت کنند، ولی اگر انتخابات آزاد نباشد نمی‌توان نظر خاصی را ابراز کرد.

[مثبت‌ترین و منفی‌ترین اثر پیروزی انقلاب]

* مثبت‌ترین اثر پیروزی انقلاب و منفی‌ترین اثر آن چه چیزی می‌تواند باشد؟

(کمی مکث) ... مثبت‌ترین اثر پیروزی انقلاب این است که مردم فهمیدند اگر هماهنگ باشند قدرت بزرگی هستند. چنین باوری در زمان شاه نبود. مردم ما قدرت خود را بازیافتند و این مایهٔ امیدواری است.

و بُعد منفی پیروزی انقلاب تندروی‌ها و ظلم‌هایی است که به نام دین و اسلام انجام می‌شود به گونه‌ای که چهرهٔ اسلام خشن و کریه‌نشان داده می‌شود، حال آن‌که اسلام دین رحمت و عطف است.

[رفع حصر]

* نزدیک به یک سال است که محدودیت‌ها از جنابعالی برطرف شده است. شرایط سلامتی

شما چگونه است؟ شرایط فعلی شما چگونه است؟ خوشبختانه سرحال هستید!

الحمدللهٔ حالم بهتر است. کسالت‌هایی هم داشتم که کمی برطرف شده است. عصرها به تدریس نهج‌البلاغهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول هستم ولی درس صبح‌ها که شروع شده بود را نتوانستم ادامه دهم و پس از مدت کوتاهی تعطیل شد. بالاخره با شرایط سنی بالا نمی‌توان مثل گذشته به تدریس مشغول شد و آن را ادامه داد.

در مورد رفع حصر تنها آزادی مختصری حاصل شده، و حسینیه شهدا که محل تدریس سالیان متمادی بوده است به وضعیت اسفباری درآمده و هنوز بازپس داده نشده است. دفتر مشهد و منزل خریداری شده توسط همسر احمد آقا - پسر - هنوز در اشغال نیروهای امنیتی است. برخی از امکانات دیگر و پولهای وجوهات هنوز بازپس داده نشده است. آیا با این اوصاف می توان گفت رفع حصر کامل شده است؟! والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

«۴۷»

مصاحبه هفته‌نامه خبری اتریشی «ورلاگزگروپ»

۱۳۸۲/۱۱/۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

هفته‌نامه خبری ورلاگزگروپ چاپ اتریش در گفتگوی کوتاهی با آیت‌الله العظمی منتظری به برخی مباحث روز پرداخت.

[هدف از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی]

آیت‌الله منتظری در پاسخ به سؤالی در رابطه با تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی و با توجه به این‌که ایشان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی بودند گفتند: تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی برای این بود که انتخابات آزاد بدون دخالت حاکمیت و مجریان برگزار گردد. در آن هنگام به نظر رسید قدیس‌ترین نهاد با توجه به نصب آنها از ناحیه آیت‌الله خمینی، شورای نگهبان است؛ آنان برای نظارت بر انتخابات تعیین شدند تا مبدا مثل زمان شاه دربار و برخی وزارتخانه‌ها در امر انتخابات دخالت کنند و کاندیداهایی را بر مردم تحمیل نمایند بدون آن‌که مردم شناختی از آنها داشته باشند. شورای نگهبان مدتی به این وظیفه عمل کرد اما از مجلس چهارم به بعد آن را خودشان به استصوابی تفسیر کردند و عملاً در امر انتخابات دخالت‌های بیجا کردند.

ایشان در ادامه فرمودند:

وظیفه شورای نگهبان «نظارت بر امر انتخابات» بود ولی پس از آن به «نظارت بر

کاندیدها» تبدیل شد. با این تفسیر اگر کاندیداهایی را آقایان شورای نگهبان مورد پسند قرار دادند، مردم مجازند آنان را برای نمایندگی مجلس انتخاب نمایند!

آیت‌الله منتظری ضمن اشاره به رد صلاحیت‌های گسترده اخیر توسط شورای نگهبان به دلایل واهی و اتهامات بی‌اساس، اکثر رد شدگان را افرادی متدین، معتقد، دلسوز و متخصص نامیدند و فرمودند:

یکی از نمایندگان فعلی مجلس که ریاست کمیسیون اصل ۹۰ را به عهده دارد فردی است عالم و مجتهد مسلم که تا به حال چندین دوره نماینده مردم در مجلس بوده است؛ این عالم روحانی دلسوز را تنها به جرم این که در کمیسیون اصل ۹۰ به شکایات و مظالم از جمله خانواده زندانیان چون آقاجری، زهرا کاظمی و ملی مذهبی‌ها و... رسیدگی کرده است به اتهام عدم التزام به اسلام رد صلاحیت کرده‌اند.

[آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها]

فقیه عالیقدر در پاسخ به پرسش خبرنگار مبنی بر این که: با توجه به گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب چه چشم‌اندازی نسبت به انقلاب دارید، فرمودند:

همین اندازه به شما عرض کنم که وعده‌ها و شعارهای اولیه انقلاب (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) بجز استقلال از دولت‌های خارجی آن هم تا اندازه‌ای، عملی نشده است و مردم نتوانسته‌اند به اهداف اولیه دست یابند.

ایشان آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات را یکی از اهداف اولیه انقلاب ذکر کرده با اشاره به تحصن نمایندگان و عدم انعکاس آن در رسانه‌های زیر نظر حاکمیت گفتند:

در وهله اول ۸۳ نفر از نمایندگان و تا به حال بیش از ۱۲۰ نماینده مجلس در خانه ملت تحصن کرده‌اند، تحصنی که حق آنهاست و اعتراض حق نمایندگان و وکلای ملت است، به حکم عقل و شرع مظلوم حق اعتراض دارد؛ اما متأسفانه حتی یک بار به

این واقعه هم توسط رادیو و تلویزیون ایران پرداخته نشده است و مردم برای آگاهی از اخبار تحصن باید به رسانه‌های خارجی مراجعه نمایند. رادیو و تلویزیون به بایکوت شدید خبری تحصن بزرگ نمایندگان مجلس ادامه می‌دهد ولی آنچه را که با سلیقه و خواست بخشی از حکومت مطابق باشد منعکس می‌کنند، و این رسانه ملی سخنگوی حاکمیت شده است، حال آن‌که باید سخنگوی ملت باشد و مردم مسائل و اخبار و رویدادهای کشور را بدون سانسور از طریق این رسانه داخلی مطلع شوند. معظم‌له در ادامه فرمودند:

در عوض اگر روزنامه‌های مستقل به انعکاس رویدادها و اخبار بپردازند، انتقادکننده را تحت فشار می‌گذارند تا تن به خودسانسوری دهند و گرنه سر و کارشان با دادگاه انقلاب یا ویژه روحانیت است، در حالی که این دادگاهها اختراعی خود آقایان است و در قانون اساسی نامی از آنها نیست.

آیت‌الله منتظری در پاسخ به سؤال خبرنگار اتریشی که می‌خواست بداند چه چیزی باید تغییر کند تا به اهداف اولیه انقلاب نزدیک شوید گفتند:

باید روشهای استبدادی کنار گذاشته شود و حکومت مردمی که وعده داده شده بود محقق شود؛ و این مهم از راه برگزاری انتخابات آزاد است، و بازگشت قدرت از قدرتمندان به مردم و نمایندگان مجلس که تبلور اراده مردمند میسر است. متأسفانه مجلس که نماد حکومت مردمی و جمهوریت نظام است مورد انواع و اقسام هجومها قرار گرفته است و آنها را به صرف اظهار نظر احضار و محاکمه می‌کنند و افرادی که خودشان را فوق قانون می‌دانند در امر مجلس دخالت کرده و وظیفه قانونگذاری نمایندگان مجلس را بازیچه قرار می‌دهند. برگزاری انتخابات فرمایشی با مجلس فرمایشی و حکومت فردی در دنیای امروز دوام ندارد. ایشان گفتند:

متأسفانه تمام کارهای خلاف انجام شده با نام اسلام و ارزشهای دینی صورت

می‌گیرد و نتیجه‌ای جز فراری شدن مردم از اسلام ندارد، و دین عنصری خشن و کریه نزد مردم تصور می‌شود.

در پایان آیت‌الله العظمی منتظری درباره وضعیت مسلمانان اتریش سؤالاتی از خبرنگار کردند. خبرنگار گفت: مسلمانان کشور اتریش در فعالیت‌های مذهبی و علمی آزادند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۱

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه روزنامه ژاپنی «یومیوری»

۱۳۸۲/۱۱/۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[شعارها و آرمانهای اولیه انقلاب]

* در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب هستیم. اگر به عقب برگردیم و فرض را بر این بگذاریم که اول انقلاب بودیم چه می‌کردید؟ چه چیزی را باید اصلاح کنیم؟

علت اصلی به ستوه آمدن مردم از رژیم گذشته مشکلات اقتصادی نبود؛ بلکه علت اصلی انقلاب مردم ایران، نبودن استقلال و دخالت‌های اجانب و عدم آزادی بود. کشورهای خارجی در کشور ما دخالت می‌کردند. انتخابات آزادانه برگزار نمی‌شد و کشور به صورت پادشاهی اداره می‌شد، و نمایندگان هم که به مجلس آن زمان می‌رفتند معمولاً با دخالت دستگاه‌های حکومت انتخاب می‌شدند، و مردم می‌دیدند کسانی را به عنوان نمایندگان معرفی می‌کنند حال آن‌که مردم از آنها شناختی نداشتند. آزادی بیان در رژیم سابق نبود. اگر کسی مخالفتی از خود نشان می‌داد محکومیت و زندان را در پی داشت. نبودن آزادی مخصوص یک قشر خاص نبود بلکه تمام اقشار اعم از دانشگاهی، روحانی، بازاری و غیره آزاد نبودند. در یک کلام استبداد شاهی حاکم علی‌الاطلاق بود. انقلاب شد تا استبداد برود، و استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی به دست آید. آزادی آنقدر مورد خواست مردم و آیت‌الله خمینی بود که ایشان در پاریس می‌گفتند: حتی کمونیست‌ها آزادند نظر خویش را در حکومت مورد نظر ما بگویند. حکومت مردمی بر اساس موازین اسلامی از ایده‌های

مردم بود. مردم ما انقلاب نکردند که یک گروه بروند و گروه دیگر بیایند و بر مسند قدرت قرار گیرند با همان روشها. قرار نبود فقط یک - به اصطلاح - کلاهی برود و یک عمامه به سر بیاید و همان کارهای گذشته تکرار شود؛ مثلاً دستور دهند طی مدت کوتاهی حدود صد روزنامه و نشریه تعطیل شوند و افراد از اقشار مختلف احضار، پرونده سازی و محاکمه و بازداشت و زندانی شوند. حتی برخی از آنها را در زندانها مورد شکنجه قرار دهند. گذشته در انتخابات آزادی نبود حالا هم نیست و چند نفر انگشت شمار خود را قیم مردم می پندارند و کسانی را که دلسوز، محترم و حتی مجتهد و دارای سوابق شاخص هستند رد صلاحیت می کنند به جرم این که از حقوق اساسی ملت دفاع کرده اند.

من به طور مکرر گفته ام در مجلس خبرگان قانون اساسی اصل ۹۹ تصویب شد تا افرادی نخواهند کاندیداهای مورد پسند خود را به مردم تحمیل نمایند. ولی متأسفانه همین عمل توسط شورای نگهبان در حال حاضر در حال انجام است. و آنچه از آن گریزان بودیم توسط همین شورای نگهبان در حال انجام است. مردم نیازی به معرفی و حرکات قیم مآبانه آقایان ندارند. مردم هر شهری خودشان بهتر افراد را می شناسند. مردمی که متدین اند هیچ گاه بی دین ها و افراد فاسد را برای نمایندگی انتخاب نخواهند کرد. صرف بودجه های هنگفت توسط دفاتر نظارت در بیش از ۳۰۰ شهر که با هدف پرونده سازی صورت گرفته، نوعی زورگویی بوده و برخلاف آزادی است که مورد خواست مردم است.

خلاصه این که نه تنها اهداف انقلاب محقق نشده بلکه چون کارهای خلاف به نام اسلام انجام می شود می توان گفت از قبل هم بدتر شده است. روشهای گذشته به اسم اسلام نبود، ولی در حال حاضر به نام اسلام اعمال خشونت باری انجام می گیرد که در نتیجه اسلام که دین رحمت است خشن و بی منطق جلوه می کند، و با این وضعیت چگونه می توانیم بگوییم وعده های داده شده صورت پذیرفته و بهتر از گذشته شده است؟!

[ولایت مطلقه فقیه]

✽ اشکالاتی که شما ذکر کردید و این که به صراحت سخن از بدتر شدن اوضاع با استبداد مطرح می‌فرمایید عده‌ای را بر این باور واداشته که بگویند این مشکلات ناشی از ساختار نظام می‌باشد که همان «ولایت فقیه» است. شما خود از صاحب‌نظران این تئوری محسوب می‌شوید. آیا با این باور موافق هستید؟

در اصل ۱۱۰ که پس از بازنگری به طور گسترده اختیارات بسیاری را به یک فرد یعنی رهبری دادند در حالی که پاسخگو نیست، علت اصلی آن چیزهایی است که به عنوان مشکل می‌تواند طرح شود؛ بنابراین اصل که در بازنگری گسترش یافت اهرمهای قدرت همگی دست رهبری است ولی رئیس‌جمهور که مستقیماً منتخب ملت است و باید پاسخگو هم باشد عملاً خلع سلاح شده است. ولایت فقیه که با قید «مطلقه» در بازنگری مطرح شد چیزی بود که من به آن رأی ندادم. در کتابی هم که اخیراً با نام «از آغاز تا انجام» چاپ شده که دست‌نوشته‌های بنده در زندان اوین است و در دوران حصر غیرقانونی آن را تکمیل کرده‌ام و به مباحث اصول عقاید می‌پردازد، در یک پاورقی آن من به صراحت آورده‌ام: ولایت مطلقه فقیه نه دلیل شرعی دارد و نه دلیل عقلی. این کتاب به همین دلیل دو ماه در وزارت ارشاد برای صدور مجوز ماند تا این که مجبور شدم این جمله را حذف کنم. البته حاکمیت چون اسلامی است لازم است که یک کارشناس اسلامی بر آن ناظر باشد ولی نه به صورت مطلقه و فراقانونی که حتی نهادهای زیر نظر او هم پاسخگو نباشند. ولایت فقیهی که ما می‌گفتیم به این معنی نیست که یک نفر غیر معصوم برای مردم ارزش قائل نباشد و با یک دستور خواست ملت را زیرپا بگذارد و پاسخگو هم نباشد.

ساختار کنونی کاملاً مخالف وعده‌های داده شده است. فقیه از آن جهت که فقیه است به مناسبت حکم و موضوع باید به کار فقهی‌اش پردازد. او باید ناظر باشد تا مجریان مطابق شرع حرکت کنند و قوانین خلاف شرع تصویب و اجرا نشود. اما

دیگر حوزه‌ها مثل اقتصاد، سیاست داخلی و خارجی و... در تخصص فقیه نیست و نباید در آنها دخالت نماید.

[تضاد در ساختار نظام]

* به نظر جنابعالی بزرگترین اشتباهی که پس از ۲۵ سال گذشت از انقلاب می‌توان به صراحت

گفت چیست؟

تضاد در ساختار نظام، به این معنی که یک نفر بدون پاسخگویی و مادام‌العمر واجد تمام اهرمهای قدرت و دیگری که رئیس‌جمهور منتخب ملت است مسئول و پاسخگو ولی فاقد اهرمهای قدرت باشد. برای تفصیل می‌توانید به فصل چهارم از جزوه «حکومت مردمی و قانون اساسی» که در کتاب دیدگاهها ثبت است مراجعه فرمائید.

* چنین وضعیتی پس از بازنگری قانون اساسی صورت گرفت یا قبل آن وجود داشت؟

حتی زمان آیت‌الله خمینی هم عملاً وجود داشت، و پس از آیت‌الله خمینی وضعیت حادثر شد؛ به عنوان نمونه دادگاه انقلاب و ویژه روحانیت که موقتی بودند و در یک شرایط ویژه تأسیس شدند، با اختیارات وسیع تری ادامه کار دادند و محاکمات بی‌رویه انجام می‌شود.

* اگر اکثریت مردم حکومت اسلامی نخواهند و به یک حکومت دموکراتیک غیردینی رأی

دهند چه باید کرد؟

با توجه به این که اکثریت مردم ما مسلمانند چنین فرضی درست نیست. آنها خواهان پیاده شدن اسلام واقعی اند نه این اسلامی که آقایان مطرح می‌کنند و با نام آن به اسلام ضربه می‌زنند.

[رابطه دین و حکومت]

* یعنی ممکن نیست که دین از سیاست جدا باشد؟

اسلام دینی منحصر به فرد است که علاوه بر مسائل عبادی در سیاست، احکام اقتصادی، جزائی و... نظر دارد؛ نمی توان با وجود این برنامه ها و دستورات گفت دین اسلام از سیاست جداست؛ ولی کارهایی که برخی به نام اسلام انجام می دهند و خود را فوق انتقاد قلمداد می کنند با اسلام واقعی تفاوت دارد. امام علی علیه السلام با این که طبق عقیده ما معصوم از خطا هستند می فرمایند: این گونه نیست که من فوق خطا باشم مگر این که خداوند مرا کفایت کند. ولی آقایان خود را بالاتر می دانند و اگر نمایندگان مجلس به آنها نامه نوشته و انتقاد کنند ناراحت می شوند.

[ولایت فقیه و حکومت مردمی]

* تصور شما از ولایت فقیه چیست که با دموکراسی سازگار باشد؟

در مقابل نظریه انتصاب اعتقاد من این است که اولاً مردم باید ولی فقیه را انتخاب نمایند، و ثانیاً مادام العمر نبوده و به طور موقت مثلاً چهار ساله باشد، و ثالثاً باید پاسخگوی مردم باشد و خودش را فوق قانون نداند. من قبلاً در جزوه «ولایت فقیه و قانون اساسی» به طور مفصل به این موضوع پرداخته ام، و آنجا آمده است که قهراً محدوده اختیارات رهبری و هدف آن تابع نحوه انتخاب است. به نظر می رسد به تناسب حکم و موضوع و تناسب مسئولیت و قدرت باید در آینده با تحقق شرائط بازنگری در قانون اساسی یا این که خود ولی فقیه به عنوان رئیس جمهور و ریاست قوه مجریه از طرف ملت انتخاب شود و همه مسئولیت ها را بر عهده گیرد و در برابر ملت و مجلس پاسخگو باشد، و یا این که نیروها و اهرمهای قدرت در اختیار رئیس جمهوری گذاشته شود و او در برابر ملت پاسخگو باشد و احزاب مردمی او را راهنمایی نمایند و او با افراد متخصص و کارشناس مشورت نماید؛ و ولی فقیه به لحاظ تخصص در فقه و مسائل اسلامی و مقبولیت نزد عامه مردم، اشراف کامل بر قانونگذاری و اجرا و روند اداره کشور از جهت مطابقت با موازین اسلامی داشته باشد و در کارهایی که در تخصص او نیست دخالت نکند.

* بنابراین فرض اول که رهبری با ریاست جمهوری یکی شود، یعنی امتیاز خاصی برای روحانیت قائل شویم؟

لزومی ندارد حتماً روحانی باشد، بلکه اگر کسی به احکام اسلامی آگاهی کامل داشته باشد کافی است، و لباس شرط نیست.

[تحصن نمایندگان مجلس شورای اسلامی]

* در حال حاضر امواج اعتراضات و تحصن نمایندگان به رد صلاحیت‌ها را مشاهده می‌کنیم. حضرتعالی چه نظری دارید؟

تحصن حق نمایندگان معترض است، البته به قول عرب‌ها یک ضرب‌المثل دارند که می‌گویند: «فی الصیف ضیعت اللین» یعنی در تابستان شیر را ضایع کردی! در گذشته برخی فرصت‌های بهتری وجود داشت که از آن فرصت‌ها استفاده مناسب نشد. در سخنرانی ۱۳ رجب گفته من همین بود که آقای رئیس‌جمهور برود نزد مقام رهبری و بگوید مردم از من انتظارات دارند و من باید اختیار داشته باشم، نه این که در کارها توسط رهبری و نهادی انتصابی دخالت شود. نمایندگان هم همین‌طور؛ آنها هم باید از آزادی کامل برخوردار باشند. ولی دیدید که با اظهار نظر من چه برخوردی صورت گرفت. الآن هم کار به جایی می‌رسد که افراد را به دلایل واهی رد صلاحیت می‌کنند. مگر می‌شود به انسان ظلم بشود و انسان آخر هم نگوید. اعتراض حداقل کار عاقلانه‌ای است که باید در مقابل ظلم انجام پذیرد. در قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تَظْلَمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ﴾ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید. به نظر من اگر خواسته‌های متحصنین برآورده نشد مانند آنها در مجلس صلاح نیست.

[فعالیت‌های هسته‌ای ایران]

* در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته است ایران از ۱۸ سال پیش فعالیت‌های هسته‌ای و اتمی داشته است. آیا در دوران مسئولیت شما به جنبه‌عالی اطلاعاتی در این زمینه داده می‌شد؟

من مسئولیت آنچنانی نداشتم تا اطلاعات از این قبیل را به من بدهند، و من هیچ اطلاعی از این نوع فعالیت‌ها نداشتم. من در این رابطه بارها گفته‌ام: چرا جامعه جهانی باید زیر بار تبعیض برود به گونه‌ای که کشورهای بزرگ چون آمریکا، روسیه و... دارای این سلاحها باشند حتی پاکستان هم، ولی ایران نداشته باشد. اگر دلیل مقابله با این سلاحها این است که مثلاً کشورهایی مثل ایران ممکن است با آنها دست به کشتار جمعی بزنند، این امر نسبت به آمریکا هم صدق می‌کند. مگر همین آمریکایی‌ها نبودند که هیروشیما و ناکازاکی ژاپن را مورد حملات اتمی قرار دادند؟

[دهکده جهانی و جامعه دینی]

* جنابعالی ارتباط با شبکه‌های جهانی چون اینترنت را خیلی وقت است که شروع کرده‌اید. می‌خواستم سؤال کنم با توجه به مطرح شدن ایده جهانی شدن و رشد تکنولوژی و تبدیل جهان به یک دهکده جهانی فکر نمی‌کنید این ایده برای جامعه دینی ضرر داشته باشد؟

جهانی شدن و رابطه فراگیر با جامعه جهانی و دیگر کشورها کاری پسندیده است. اگر استقلال کشور حفظ شود و دخالت بیگانگان در کشور نباشد، بهترین راه این است که کشورها با یکدیگر در تعامل باشند. من یادم هست در قم خدمت آیت‌الله خمینی رسیدم، عرض کردم آقا، انقلاب که شد برخی‌ها فکر می‌کنند ما می‌خواهیم در تعارض با منافع آنها قدم برداریم - اتفاقاً صدام هم در فکر حمله به ایران بود - بهتر است هیئت‌های حسن نیت به کشورهای همجوار گسیل داریم و پیام انقلاب را خودمان به آنها بگوییم تا بدانند با کسی سر جنگ نداریم.

ارتباط با تمام کشورهای دنیا با هر وسیله‌ای باشد اشکالی ندارد، حتی با آمریکا که یک روزی موقتاً طبق شرایط خاص زمانی قطع رابطه شد - که به نظر من در اشغال سفارت آمریکا احساس بر عقل غلبه کرده بود - چه اشکالی دارد رابطه مجدداً برقرار شود به شرط این که روابط حسنه باشد بدون این که کشوری بخواهد به استقلال کشور دیگر اخلال وارد کند.

من به یک خبرنگار ژاپنی که مدتی قبل اینجا آمده بود گفتم: این بسیار عاقلانه بود که ژاپنی‌ها با این که از آمریکا ضربه شدیدی خوردند اما برای حفظ منافع و مصالح ملت خود روابط حسنه با آمریکایی‌ها برقرار کردند.

✽ شما فکر نمی‌کنید این ارتباطات به فرهنگ و دین کشور خدشه وارد کند؟

ما باید اسلام را به گونه‌ای تبیین کنیم که هیچ چیزی نتواند به آن خدشه وارد کند. به عنوان مثال در اسلام حتی اقلیت‌ها قابل احترام و آزادند. حدود اسلامی نباید در کشورهای غیراسلامی اجرا شود چون موجب زدگی می‌شود، حتی داخل کشور خودمان نیز اگر -فرضاً- اجرای برخی احکام موجب خواهد شد مردم به اصل دین بدبین شوند نباید اجرا شوند. اینجا ملاکِ اهم بر مهم مقدم می‌شود، و برای حفظ اسلام که اهم است حکم مهم اجرا نخواهد شد.

[حکومت آینده عراق]

✽ سؤالی داشتم در رابطه با عراق، اگر بخواهیم در رابطه با عراق و حکومت آینده آن صحبت کنیم از میان سه گزینه ۱- جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه ۲- حکومت مطلقه فقیه ۳- جمهوری غیر دینی، کدام یک را پیش‌بینی می‌کنید؟

اینجا خود عراقی‌ها باید نظر دهند، ولی چون اکثریت مردم عراق مسلمانند طبعاً خواهان آن هستند که احکام اسلام در قانون اساسی آنها لحاظ شود، و حکومت با یک انتخابات آزاد تشکیل شود. این را آیت‌الله سیستانی هم گفته‌اند و موضع تمام علما و عقلا نیز همین است. اگر حکومت مردمی در آنجا شکل گرفت مراجع تقلید هم نظارت خواهند کرد که موازین اسلامی اجرا شود.

به نفع آمریکایی‌ها هم هست که نگذارند بیش از این در آن کشور تلفات دهند و موجب ناراحتی ملت خود شوند. پس از انجام یک انتخابات آزاد با نظارت سازمان ملل، آمریکایی‌ها لازم است آن کشور را ترک کنند. بالاخره حکومت جمهوری اسلامی خواهد بود، ولی آیا ولایت فقیه باشد یا نه آن مسأله دیگری است که خود ملت عراق باید انتخاب کنند.

[برکناری از مسئولیت]

* یک سؤال شخصی و به عنوان آخرین پرسش مطرح می‌کنم. هنگامی که شما از قدرت کنار رفتید آیا تأثیری بر شما گذاشت، چه احساسی داشتید؟

پدر من هنگامی که خبر کنارزدن مرا شنیده بودند سجده شکر به جا آوردند که من دیگر مسئولیت ندارم. من مقامهای دنیوی را عَرَضی می‌دانم و برای آن ارزشی قائل نیستم. امام علی علیه السلام روزی کفش خودشان را وصله می‌زدند، وقتی با اعتراض ابن عباس مواجه شدند فرمودند: این لنگه کفش از امارت بر شما برایم محبوبتر است، مگر این که حقی را به پای دارم یا جلوی ظلمی را بگیرم.

من زمان حصر و زندان خانگی، کارهایم را به خوبی انجام می‌دادم و مسئولیتی هم نداشتم. الآن هم عصرها به تدریس نهج البلاغه مشغولم. امیدوارم خداوند عاقبت همه را ختم به خیر کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

نامه به فقها و حقوقدانان محترم شورای نگهبان

۱۳۸۲/۱۱/۵

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضرات فقها و حقوقدانان محترم شورای نگهبان دامت توفیقاتهم
پس از سلام و تحیت و آرزوی توفیق برای شما در انجام وظائف شرعی و قانونی؛
برحسب احساس وظیفه شرعی نکاتی را خدمت شما بیان می‌کنم:

۱- جمهوری اسلامی از دو کلمه «جمهوری» و «اسلامی» ترکیب شده است و
مسئلاً قانون اساسی یعنی آنچه مورد تأیید ملت شریف ایران قرار گرفت بر این دو
رکن استوار است و همه اصول آن با توجه به رأی جمهور مردم و اسلامیت نظام
تدوین و تصویب شده است. هر شخص یا نهادی که بخواهد آگاهانه یکی از این دو
رکن را نادیده بگیرد برخلاف نظام اقدام نموده است.

۲- اینجانب که از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بودم و ریاست آن را بر
عهده داشتم گواهی می‌دهم که نظارت استصوابی مورد عمل آقایان با هدف از
تصویب اصل ۹۹ قانون سازگار نیست و با روح آن در تضاد کامل می‌باشد. نظر به
این که در رژیم سابق انتخابات آزاد نبود و شاه و مجریان دخالت کرده و کسانی را بر
مردم تحمیل می‌نمودند، برای جلوگیری از این امر شورای نگهبان که به نظر
مقدس‌ترین نهاد بود به عنوان ناظر بر انتخابات تعیین شد تا جلوی دخالت‌های ناروا را
بگیرد و آزادی انتخابات که حق ملت است تأمین گردد. احراز شرایط کاندیداها و
صلاحیت آنان بر عهده وزارت کشور است که باید از طریق معتمدین محلی و
شهادت آنان به دست آید. اگر بنا باشد وزارت کشور رد صلاحیت کند و شورای

نگهبان هم ردّ صلاحیت نماید پس چه نهادی بر کار شورای نگهبان نظارت نماید؟ زیرا در جمهوری اسلامی هیچ ارگانی نباید بدون نظارت متصدی امور گردد.

مردم ما مسلمان و دارای رشد عقلی می‌باشند، و مردم هر منطقه‌ای نسبت به افراد صالح آن منطقه از نظر اعتقادات دینی و تعهد عملی و مراتب علمی و صلاحیت‌های دیگر شناخت بیشتری دارند و به مصالح خود نیز علاقه‌مند می‌باشند.

این درست است که تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است ولی تفسیر قانون نباید با روح و هدف آن در تضاد باشد. در متن قانون، نظارت بر انتخابات ذکر شده است نه نظارت بر کاندیداها و سلب آزادی از مردم در رأی‌دادن به افراد دلخواه خود. امید است آقایان محترم در تفسیر خود از اصل ۹۹ تجدیدنظر نمایند.

۳- حرکت اخیر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که برای احقاق حقوق خود و ملت شریف ایران دست به تحصن زده‌اند و خواسته‌ای جز عمل به قانون ندارند بسیار قابل تقدیر است. دفاع از مظلوم و وظیفه هر انسان با وجدانی است و در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿لَا تَظْلُمُونَ وَا لَا تَظْلَمُونَ﴾.

آنان که برای عمل به وظیفه شرعی و قانونی خود آسایش خود و خانواده خویش را فدای احترام به مردم و آرای آنان نموده و اقدام به تحصن و روزه نموده‌اند نباید با تهدید و ارباب مواجه شوند.

تجدیدنظر شورای نگهبان در مسأله ردّ صلاحیت‌ها و بازگشت از مسیر قبلی نه تنها باعث ننگ و عار نیست بلکه نشانه شجاعت و تعهد شما در عمل به موازین شرعی و قانون اساسی است.

جلوگیری از ورود خدشه بیشتر به نظریه حکومت دینی و وظیفه همگانی است، و شورای نگهبان چون در این مسأله ابتکار عمل را در دست دارد مسئولیت مضاعف دارد. گردن‌نهادن به خواسته‌های برحق مردم و نمایندگان آنان از منزلت شما نمی‌کاهد. مردم بسیار قدرشناسند و هر حرکت صحیح شما را ارج می‌نهند.

شما با اصلاح مسیر خود موجب رضایت خدا و امیدواری مردم و در نتیجه تقویت نظام خواهید شد.

بخواهید یا نخواهید باید روزی نظرخواهی از مردم و رفراندوم را بپذیرید، و هر نوع حرکت و موضعگیری شما در این گونه مسائل در آن روز سرنوشت ساز تأثیر خواهد داشت.

امیدوارم همواره مورد عنایت حق تعالی و هدایت‌های الهی قرار گیریم.
والسلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۵

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

گزارش دیدار سفیر کشور آلمان در ایران

۱۳۸۲/۱۱/۶

﴿ بسمه تعالی ﴾

* لزوم حمایت آلمان و دیگر کشورهای اروپایی از تشکیل کشور مستقل فلسطینی.
* تشکر آیت‌الله العظمی منتظری از دولت آلمان به دلیل میانجیگری برای تبادل اسرای فلسطینی و اسرائیلی.
* تقدیر فقیه عالیقدر از پارلمان آلمان به دلیل حمایت از تحصن نمایندگان مجلس در ایران.

* * *

آقای «بارون پاول فون مالتزان» سفیر کشور آلمان در ایران در تاریخ دوشنبه ۸۲/۱۱/۶ در قم با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کرد. در ابتدای این دیدار آیت‌الله العظمی منتظری ضمن خوشامدگویی گفتند:

[لزوم حمایت آلمان و دیگر کشورها از تشکیل کشور مستقل فلسطینی]

من از پارلمان آلمان به دلیل حمایت از مجلس ایران و تحصن نمایندگان آن - تحصنی که حق آنهاست - تقدیر و تشکر می‌کنم. همچنین در خبرها آمده بود: دولت آلمان وساطت کرده است که اسرای فلسطینی و اسرائیلی مبادله شوند، من لازم می‌دانم از این کار خوب آلمانی‌ها هم تقدیر و تشکر نمایم.
مطلب دیگری که به نظر می‌رسد باید روی آن دقت شود این است که سابقاً کشوری به نام «اسرائیل» وجود نداشت. وجود آن فشارها و برخوردهای تُند

نازی‌های آلمان در گذشته که به یهودی‌ها وارد می‌شد، باعث شد یهودی‌ها چهرهٔ مظلومیت به خود بگیرند و با تلاش دولت انگلیس و بویژه شخص بالفور، دولتی یهودی در فلسطین پایه‌گذاری شود و از کشورهای مختلف یهود را جمع‌آوری کردند و اراضی فلسطینیان را اشغال و آنان را آواره نمودند.

چون به وجود آمدن اسرائیل عکس‌العمل برخوردهای نازی‌ها با یهود بود، انتظار می‌رود که در حال حاضر هم آلمان‌ها تلاش کنند هرچه زودتر - با همکاری دیگر کشورهای اروپایی - ملتی که از خانه و کاشانه‌شان بیرون رانده و آواره شده‌اند حداقل حق داشته باشند در خانه و کشور خود یک حکومت مستقلی داشته باشند. آمریکایی‌ها با حمایت همه‌جانبه از اسرائیل باعث شده‌اند اسرائیلی‌ها تا دندان مسلح باشند و هر روز بر فشارهای خود بر فلسطینی‌ها بیفزایند. امیدواریم کشور شما و جامعهٔ اروپا بیش از پیش تلاش کنند کشور مستقل فلسطینی پا بگیرد.

سفیر آلمان ضمن تشکر از آیت‌الله منتظری و ابراز خوشحالی از دیدار با ایشان گفت: بسیار خرسندم که جنابعالی مسائل سیاسی روز را خوب درک می‌کنید و در رابطه با آنها به موضعگیری می‌پردازید.

سفیر آلمان که قبل از مأموریتش در ایران در برخی کشورهای اسلامی عربی چون مصر و الجزایر به عنوان سفیر خدمت کرده است در ادامه گفت:

من مجاز نیستم در مسائل داخلی ایران اظهار نظر و دخالت کنم ولی علاوه بر حمایت پارلمان آلمان از نمایندگان پارلمان ایران، رئیس پارلمان آلمان طی نامه‌ای خطاب به آقای کروی رئیس مجلس ایران مراتب حمایت خود را از مجلس ایران به اطلاع رسانیده است.

در رابطه با فلسطین من چون در برخی کشورهای عربی بوده‌ام حساسیت موضوع فلسطین از منظر آنها را خوب درک می‌کنم. کشور متبوع من واقعیات فلسطین را خوب تجزیه و تحلیل می‌کند، حتی در سال ۱۹۷۰ اولین بار بحث کشور خودمختار فلسطینی از سوی کشور آلمان مطرح شد.

آیت‌الله منتظری: البته ما مخالف قوم یهود نیستیم، آنها ملتزم به یکی از ادیان آسمانی و صاحب کتاب می‌باشند.

اقلیت‌های دینی در کشور ما هم دارای احترام هستند و همچون گذشته یهودی‌ها و مسیحی‌ها و زرتشتی‌ها با مسلمانان زندگی می‌کنند. همان‌گونه که به یهود نباید ظلم شود ظلم‌هایی که به فلسطینیان شده و می‌شود نیز باید جبران شود. دفاع از مظلوم و وظیفه هر صاحب وجدانی است. مولا امیرالمؤمنین خطاب به فرزندان فرمودند: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» دشمن هر ظالم و کمک هر مظلوم باشید.

[وحدت جهان اسلام و رابطه با دیگر کشورها]

سفیر آلمان: من قبل از این که به ایران بیایم در مصر بودم و دیدارهایی با علمای ازهر مصر کرده‌ام، برایم مطرح شد که شما نیز قائل به وحدت جهان اسلام هستید، شما یکی شدن جهان اسلام و وحدت مسلمانان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آیت‌الله منتظری: دنیای امروز را نمی‌توان چون گذشته جدا از هم حساب کرد. دنیای امروز را به یک دهکده جهانی تعبیر می‌کنند. نمی‌توان میان کشورها دیوار جدایی کشید و آنها را از یکدیگر متفرق فرض کرد. حتی قطع رابطه ایران با آمریکا نیز موضوعی ابدی نیست و می‌توان در آن تجدیدنظر کرد و با حفظ استقلال و عدم دخالت در امور یکدیگر دو کشور رابطه حسنه داشته باشند.

جهان اسلام که گوشه‌ای از جهان امروز است نیز نمی‌تواند از هم جدا باشند؛ همان‌گونه که ارتباط کشورهای جهان باعث برکات و جلوگیری از خون‌ریزی‌ها و درگیری‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز خواهد شد، جهان اسلام هم باید با حفظ مشترکات خود تلاش کند از تفرق و تشتت جلوگیری نماید. اخیراً رابطه ایران و مصر در شرف از سرگیری است و این امر باعث خوشحالی است که دو کشور مسلمان و دارای تمدن کهن با هم مجدداً رابطه حسنه برقرار کنند.

سفیر آلمان: مدتی است که به ایران آمده‌ام، احساس می‌کنم ایران در حال گشایش درهای خود به سوی کشورهای همسایه و ماورای همسایه است. زلزله اسفناک و غمبار بم باعث شد که تمام کشورهای جهان با امکانات خود به ایران کمک نمایند. من هم با شما همداستانم در این موضوع که

جهان امروز با هم هماهنگ و وحدت داشته باشند و این فصل نوینی خواهد بود که همه با هم در صلح و آرامش زندگی کنند. کشور آمریکا هم به زلزله بم کمک کرد و ایران آن را پذیرفت. آیت الله منتظری: البته ظاهراً برخوردهای خوبی با آنها صورت نگرفت که باعث تأسف است.

[موقعیت علمی نجف و قم]

سفیر آلمان: آیا با وضعیت پیش آمده برای نجف و کربلا و باز شدن درهای رفت و آمد میان قم با آنجا، آیا به نظر نمی‌رسد موقعیت علمی قم به آنجا منتقل شود؟
آیت الله منتظری: اختلافی میان قم و نجف نیست و هر دو حوزه به دنبال یک هدف هستند. چالش و تضادی میان دو مرکز علمی قم و نجف نخواهد بود. مانند دو دانشگاه که در یک کشور وجود دارد هر دو حوزه با تبادل علما و نظرات تقویت خواهند شد و به فعالیت‌های علمی بیش از پیش ادامه می‌دهند، همان‌گونه که قبلاً تبادل و تعاطی افکار بوده است؛ البته مدتی با وجود صدام قطع شده بود.

[تشکیل حکومت در عراق]

آنچه که علمای نجف چون آیت الله سیستانی گفته‌اند مبنی بر برگزاری انتخابات آزاد با نظارت سازمان ملل، مورد حمایت قم و علمای قم نیز می‌باشد. این که در عراق مردم خودشان بر سرنوشت خویش حاکم باشند و آنها مهاجر نبوده و نیاز به قیّم ندارند و عراق باید کشوری واحد - بدون تجزیه - باقی بماند، مورد حمایت همه ماست. به نظر می‌رسد به نفع آمریکایی‌ها هم باشد که سیاست کشور عراق را به خود ملت عراق واگذارند، این که هر روز سربازان آمریکایی در آنجا تلف می‌شوند باعث تأسف است و پدران و مادران آنها داغدار می‌شوند. بهتر است پس از تثبیت و تحکیم حکومت مردمی در عراق آمریکایی‌ها عراق را ترک کنند. ماندن آنها در عراق به مانند ماندن در یک باتلاق خواهد بود. می‌گویند آمریکایی‌ها سلاحهای کشتار جمعی در عراق نیافته‌اند ولی واقعیت این است که صدام از هزاران سلاح کشتار جمعی بدتر بود.

[ولایت مطلقه فقیه]

سفیر آلمان: آیا فکر نمی‌کنید تشکیل حکومت در عراق در سیستم حاکمیت ایران تأثیر داشته باشد؟ بویژه این که من شنیده‌ام شما به عنوان یکی از منتقدین ولایت فقیه در آمده‌اید؟

آیت‌الله منتظری: من منکر ولایت فقیه نیستم بلکه در این رابطه مفصل تدریس و بحث کرده‌ام. آنچه که به عقیده اینجانب دلیل شرعی و عقلی ندارد «ولایت مطلقه فقیه» است - و به واسطه این نظریه مشکلاتی هم برای ما ایجاد کردند - اما این که عالم بر غیر عالم مقدم است امری عقلایی است، فقیه به دلیل این که متخصص در فقه است باید نظارت کند که در مقام قانونگذاری و اجرا عملی برخلاف اسلام و ارزشهای آن صورت نگیرد. اما این درست نیست که فقیه بخواهد در حوزه‌هایی که تخصص ندارد دخالت کند. مردم عراق هم از آن جهت که مسلمان هستند خواهی نخواهی در قانون اساسی خودشان احکام اسلام را در نظر خواهند گرفت.

سفیر آلمان: من قبلاً در الجزایر با آقای عباس مدنی صحبت کردم؛ این دیدار با شما چون آن دیدار برایم بسیار خاطره‌انگیز است، خوشحالم که به قم آمدم و به دیدار شما آمدم که به روشنی از مسائل سیاسی روز اطلاع دارید و موضع شفاف دارید.

آیت‌الله منتظری: إن شاء الله موفق باشید.

در پایان این گفتگو سفیر آلمان از وضعیت دانش‌پژوهان دیگر کشورها بویژه اروپایی که به ایران برای تحصیل علوم دینی می‌آیند، پرسش‌هایی را مطرح کرد که آیت‌الله منتظری در این رابطه مطالبی را بیان نموده و فرمودند: آنان آزادند و به تحصیل علم و دانش مشغولند و مراکزی برای تحصیل آنان نیز اختصاص یافته است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۶

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرنگار روزنامه ایتالیایی «گریه دلایسرا»

۱۳۸۲/۱۱/۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

* درکشور من ایتالیا جنابعالی را به عنوان یکی از دانشمندان و مبارزان درجه یک می شناسند....
من طلبه‌ای از طلاب قم هستم.

[هدف از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی]

* من خیلی خوشحالم از این که جنابعالی بدون تشریفات معمول پذیرای ما شدید؛ به عنوان اولین سؤال می خواستم بدانم با توجه به این که شما از مبارزان بوده‌اید و پس از پیروزی انقلاب برای تصویب قانون اساسی تلاشهای اساسی کرده و صاحب نظر بودید، اقدامات صورت گرفته اخیر توسط شورای نگهبان را چگونه ارزیابی می کنید؟

من به طور مفصل طی نامه‌ای خطاب به علمای شورای نگهبان و حقوقدانان آن توضیح داده‌ام که اینجانب ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی را بر عهده داشتم و گواهی می‌دهم هدف از تصویب اصل ۹۹ این بود که چون در رژیم گذشته انتخابات آزاد نبود و شاه و دربار و مجریان دخالت می‌کردند و افرادی سر از مجلس درمی‌آوردند که اصلاً مردم شناختی از آنها نداشتند، برای این که در جمهوری اسلامی همان دخالت‌ها تکرار نشود و آزادی انتخابات که حق ملت است محقق گردد، شورای نگهبان بر انتخابات نظارت کند، و اجرای انتخابات و احراز صلاحیت کاندیداها بر عهده وزارت کشور است، آن هم از طریق معتمدین محلی و شهادت آنها. مردم هر منطقه خودشان شناخت کامل نسبت به افراد از نظر دین، تعهد و مراتب

علمی دارند و بیشتر از دیگران به مصلحت خود علاقه‌مند هستند. شورای نگهبان برخلاف رویه‌ای که طی چند دوره انجام می‌داد نظارت را به استصوابی تفسیر کرد. تفسیری که با روح قانون مخالفت دارد و برخلاف هدف اصلی از تصویب اصل ۹۹ است. کاری که شورای نگهبان انجام می‌دهد تبدیل انتخابات به انتصابات است.

* شما تأکید دارید که این عمل در واقع با قانون اساسی منافات دارد؟ همان‌گونه که گفتیم با روح قانون تنافی دارد و باعث بحران در کشور شده است، و به آبروی ایران در سطح جهان ضربه زده است.

[نهادهای غیر قانونی]

* جناب‌عالی در مصاحبه با رویترز گفته‌اید برخی نهادها چون دادگاه انقلاب و ویژه روحانیت غیرقانونی‌اند.

نام این دادگاهها در قانون اساسی به میان نیامده و اختراعی‌اند. قانون اساسی امور قضایی را منحصرأً مربوط به دادگستری می‌داند. این دادگاهها موقتاً شکل گرفت، و حتی آیت‌الله خمینی در اواخر می‌گفتند ما به واسطه ضرورت کارهایی انجام داده‌ایم و باید به قانون برگردیم. ولی پس از ایشان عملاً این دادگاههای غیرقانونی گسترش داده شدند، و متأسفانه توسط این دادگاهها و برخی نهادها همان کارهایی که در رژیم گذشته انجام می‌شد صورت می‌گیرد.

[وضعیت مطبوعات در ایران]

* شما وضعیت مطبوعات را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت مناسبی مشاهده نمی‌شود. بیش از ۱۰۰ روزنامه و نشریه توسط آقایان تعطیل شده‌اند، مطبوعات ملزم هستند آنچه خوشایند آقایان است بنویسند و الا احضار شده و تعطیل می‌شوند، در حالی که در کشور باید مطبوعات آزادی داشته باشند تا آنها تن به سانسور ندهند، متأسفانه به گونه‌ای شده که نخبگان جامعه دچار دلسردی شده‌اند.

* شما ترس ندارید که روزی ایران سکولار شود؟

با سوءاستفاده‌هایی که از نام دین می‌شود طبیعی است که برخی از دین و ارزشها فراری شوند.

[اصلاحات همان آرمانهای اولیه انقلاب است]

* حضرتعالی گفته‌اید آقای خاتمی ۲۲ میلیون رأی را هدر داده است. فکر می‌کنید چه کاری

باید انجام می‌گرفت که صورت نگرفت؟

ایشان شعارهای زیادی دادند که اجرا نشد. کاری که الان دارد مانند تحصن انجام می‌شود چند سال پیش می‌بایستی انجام می‌شد. اصلاحاتی که ایشان وعده داده بود همان آرمانهای اولیه انقلاب است. خاتمی نتوانست آنها را اجرا کند. مشکل اساسی به نظر من اختیاراتی است که تحت نام اصل ۱۱۰ به رهبری داده شده. طی این اصل اختیارات فراوانی به او داده شد در حالی که به هیچ کس پاسخگو نیست، و در مقابل ریاست جمهوری که باید پاسخگو باشد عملاً خلع سلاح شده است و نیروهای نظامی و انتظامی و بسیاری نهادها از تحت امر وی خارجند.

[ولایت مطلقه فقیه]

* جنابعالی سخن از رهبری به میان آوردید، رهبری بجز نظارت و هدایت چه وظیفه دیگری

باید داشته باشد؟

رهبری فراقانونی خلاف قانون اساسی است، او باید هدایت و نظارت کند که در قوای سه‌گانه عملی برخلاف اسلام انجام نشود.

* پس معنی ولایت مطلقه فقیه در قانون چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

ولایت مطلقه در قانون اساسی نبود بلکه در بازنگری اضافه شد و من به آن رأی ندادم. اختیاراتی هم که در اصل ۱۱۰ به او داده شده برخی باید به رئیس قوه مجریه داده می‌شد، و نسبت به آنچه به او داده شده نیز باید پاسخگو باشد. حکومت فردی در

دنیای امروز که تمام امکانات تحت اختیار یک نفر گذاشته شود و از او بازخواست نکنیم مواجه با شکست است. فقیه در فقه تخصص دارد نه در همه امور داخلی و خارجی.

[اعمال خشونت به نام اسلام]

* ادیان آسمانی سخن از مهربانی به میان آوردند ولی برخی مواقع به نام دین اعمال خشونت باری انجام می دهند. شما چه احساسی داشتید هنگامی که درکوی دانشگاه به دانشجویان حمله شد؟

آن روز من اطلاعیه ای صادر کردم. متأسفانه برخوردهای خشونت باری با آنها که به تعطیلی یکی از روزنامه ها اعتراض می کردند صورت گرفت، در حالی که حاکم باید نسبت به مردم مهربان و رحیم باشد و با نظر ملاطفت به مردم نگاه کند. در مجلس ششم لایحه ای تصویب شد که در آن شکنجه ممنوع شود ولی این لایحه چون بسیاری از لوایح دیگر توسط شورای نگهبان رد شد، گویا نظرشان این است که باید شکنجه و خشونت باشد.

* گویا پیرامون دست دادن با خانم ها از شما سؤال شده است.

بلی، بیش از یک سال و نیم پیش سؤالی شد من هم جواب دادم، که به طور مفصل در کتاب دیدگاهها - ص ۵۷۱ - آمده است.

* آقای دکتر آفاجری معتقد است با این قرائت های از دین به اسلام خیانت شده است. نظر شما

چیست؟

همه دارای اشکالاتی هستیم و کسی مصون از خطا نیست؛ و حکمی که برای ایشان صادر شد با این که ایشان فردی است متدین و علاقه مند به دین و جانباز انقلابی، ظلم بزرگی در حق او شده است.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مصاحبه نشریه دانمارکی «پلیتکن»

۱۳۸۲/۱۱/۱۰

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

[مشروعیت رهبر از مردم است یا از دین؟]

* من قصد دارم مقاله‌ای در نشریه پلیتکن به چاپ برسانم که موضوع آن مرجعیت شیعه و حکومت اسلامی است. می‌خواستم بدانم مشروعیت رهبری در حکومت اسلامی از کجا گرفته می‌شود؟ آیا از مردم یا از دین؟

مشروعیت از مردم گرفته می‌شود، حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این که خداوند خطاب به ایشان می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ تا وقتی که مردم با ایشان بیعت نکردند و طبقات مختلف ایشان را به عنوان حاکم انتخاب نکردند پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان حاکم تصرفاتی نداشتند. امام علی عَلِيٌّ هم پس از قتل عثمان خلیفه سوم با بیعت رسمی مردم - به گونه‌ای که حتی نزدیک بود امام حسن و امام حسین زیر دست و پای بیعت‌کنندگان از دست بروند - متصدی امارت و حکومت شد. در کشور ما نیز مبنای حاکمیت بر جمهوریت و اسلامیت است و تصمیم‌گیرنده مردمند، آن هم از راه انتخابات آزاد و صحیح. البته از ناحیه دین برای حاکم منتخب مردم شرایطی معتبر شده است که انتخاب‌کنندگان باید آن شرایط را رعایت نمایند.

[نقش عالمان دینی]

* پس از انتخاب مردم شخصی را به عنوان حاکم، بفرمایید نقش عالمان دینی چگونه خواهد بود؟

عالمان دینی در اینجا به واسطه تخصصشان در فقه و احکام دینی باید نظارت داشته باشند که احکام دین و ارزشهای آن اجرا شده یا اجرا نشده است، زیرا مردم مسلمان هستند و قطعاً خواهان آن هستند که احکام اسلامی اجرا شود؛ و مسائل اسلامی منحصر در احکام عبادی و اخلاقی نیست بلکه حاوی احکام سیاسی، اقتصادی و... نیز می باشد.

در روایتی آمده است: «العلماء حکام علی الملوک، والملوک حکام علی الناس» معنی حاکمیت علما این نیست که انتخاب مردم نباشد. علما ناظر می باشند تا حاکمیت از موازین اسلامی تخطی نکند.

* اگر میان شخصی که از سوی مردم انتخاب شده و عالمان دینی اختلاف پیش آید به گونه ای که به نظر و رأی عالم دینی تمکین نشود که این ناشی از قبول نداشتن اجرای اوامر اسلامی است، در اینجا چه باید کرد؟

چون حاکمیت اسلامی است و مردم مسلمانند خواهی نخواهی تن به اجرای موازین اسلامی می دهند. حاکمیت بایستی موازین اسلامی را اجرا نماید و الا مشروع نیست. مردم در مقابل حاکمیتی که تخطی کند ایستادگی می کنند. قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ﴾ یعنی خداوند وضعیت هیچ قومی را عوض نمی کند مگر این که آنان خودشان را تغییر دهند. مردم باید رشد فکری و عقلی داشته باشند و بر حاکمیت نظارت داشته باشند. امام علی علیه السلام را گرچه ما معصوم می دانیم ولی در یکی از خطبه های نهج البلاغه (۲۱۶) می فرماید: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل، فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» یعنی شما خود را باز ندارید از گفتار حق و مشورت عادلانه، برای این که من ذاتاً فوق خطا نیستم مگر این که خداوند مرا کفایت کند. این که کسی خود را فوق قانون بداند و کسی حق نداشته باشد انتقاد کند، برخلاف دین اسلام است.

* اعتقاد شما این است که مردم با دقت و هوشیاری و عمل به دستورات عالمان دینی و الزامات

آن انتخاب خوبی خواهند داشت؟

اکثریت مردم عوام نیستند و نخبه، دانشمند و دارای فرهنگ و فهم هستند و آنها خود می‌دانند که عالم با غیر عالم تفاوت دارد و باید به دانشمندان مراجعه نمایند. البته موانعی هم در این راه وجود دارد که همان گروههای فشار می‌باشند. اگر دخالت‌های ناروا نباشد مردم خودشان افراد صالح را بهتر شناخته و آزادانه به آنها تمایل پیدا می‌کنند. حتماً مردم بهتر دارای شناخت هستند تا چند نفر انگشت‌شمار که خودشان را قیم مردم می‌دانند. دخالت‌های از این دست را ما خلاف قانون اساسی می‌دانیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

**پاسخ به سؤال خبرگزاری «ایلنا»
درباره فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات**

۱۳۸۲/۱۱/۱۲

با نام و یاد خدا

محضر مبارک حضرات آیات عظام سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، حسینعلی منتظری، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و ناصر مکارم شیرازی دامت برکاتهم ضمن عرض سلام و آرزوی سلامت برای حضرات عالی و تبریک عید سعید قربان و دهه مبارک فجر، همان‌گونه که مطلع می‌باشید در روزهای اخیر فلسفه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و کیفیت آن مورد بحث صاحب‌نظران و برخی مسئولین کشور بوده است. با عنایت به این‌که حضرات عالی از اعضای خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در طول نهضت اسلامی و دوران رهبری امام امت علیه السلام از یاران آن حضرت بوده‌اید، خواهشمند است در خصوص سؤالات زیر مخاطبین این رسانه را آگاه فرمایید:

- ۱- آیا در تصویب قانون اساسی، منظور از نظارت بر انتخابات دو مرحله‌ای شدن گزینش و انتخاب بوده است؟
- ۲- اساساً منظور از نظارت بر انتخابات توسط شورای نگهبان که در خبرگان قانون اساسی تصویب شده چه بوده است؟
- ۳- آیا اقدامات اخیر شورای نگهبان با وظایف این شورا که در خبرگان قانون اساسی تصویب شده سازگاری دارد؟

تبیین مسأله و آگاه‌سازی مردم مسلمان ایران موجب امتنان فراوان خواهد بود.

با سپاس: مسعود حیدری

مدیر عامل خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، اینجانب نظر خویش را در رابطه با عمل شورای نگهبان بارها و از جمله اخیراً در نامه به شورای مذکور اعلام کرده‌ام.

هدف از تصویب اصل ۹۹ نظارت شورا بر اصل انتخابات برای تأمین آزادی آن و جلوگیری از دخالت ناروای قوه مجریه در امر انتخابات بود، و احراز صلاحیت‌ها و وظیفه قوه مجریه به وسیله معتمدین محلی است؛ و آنچه مورد عمل شورای نگهبان است از رد صلاحیت‌ها و بالا و پایین بردن منتخبین مردم، علاوه بر مخالفت با روح اصل ۹۹ و آزادی انتخابات موجب تضییع حقوق کاندیداها و اهانت به آنان و ملت و باعث ایجاد بحران در داخل و خارج و زیر سؤال بردن انتخابات و دلسردی مردم از شرکت در آن می‌باشد.

۱۳۸۲/۱۱/۱۲

حسینعلی منتظری

«۵۴»

پاسخ به پرسش‌های ارسال شده

۱۳۸۲/۱۱/۱۴

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جناب آقای احمد رأفت و فقه‌الله‌تعالی‌لمرضاته
پس از سلام و تحیت، پاسخ مفصل سؤالات شما فعلاً میسر نیست ولی به نحو
اجمال به پرسش‌های پنجگانه شما پاسخ داده می‌شود:

[آرمانها و شعارهای انقلاب و تحقق آنها]

* سؤال اول: ۲۵ سال از انقلابی که حضرت‌تعالی از جمله بنیانگذاران آن بودید گذشت. ۲۵ سال
بعد از انقلاب این چنین به نظر می‌آید که هنوز بسیاری از آمال مردم چون آزادی و مردم‌سالاری
تحقق پیدا نکرده‌اند. به نظر شما کدام اشتباهات در ابتدای انقلاب و یا در سالهای بعد باعث
این چنین وضعیتی شده‌اند؟

* سؤال دوم: بسیاری از کسانی که در اولین سالهای جمهوری اسلامی نقش‌های عمده و کلیدی
را بازی می‌کردند امروز یا در غربت به سر می‌برند یا در داخل کشور در انزوا قرار دارند. جمهوری
اسلامی فرزند انقلاب ۲۵ سال پیش، چه تفاوت‌های کلانی با جمهوری اسلامی کنونی دارد؟
جواب: اصل انقلاب ۱۳۵۷ در ایران انقلاب مبارکی بود، و تقریباً همه طبقات
جامعه در آن شرکت داشتند، و انگیزه آنان امور مادی و رفاهی نبود بلکه مقصود
جلوگیری از دخالت‌های ناروای بیگانگان و استبداد و خودسری حکام بود،
و شعارهای سه‌گانه: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» شعار مردم بود، و هرچند

- تا حدّی - دست بیگانگان از کشور کوتاه شد ولی دو شعار دیگر چندان عملی نشد، و علت آن سه چیز است:

۱- وجود تضاد واضح در بافت نظام: از یک طرف نیروها و اهرمهای قدرت همه در اختیار رهبری قرار داده شده بدون این که به کسی یا نهادی پاسخگو باشد، و از طرف دیگر مسئولیت‌های اجرائی بر عهدهٔ رئیس جمهور قرار داده شده در حالی که اهرمهای قدرت را در اختیار ندارد.

۲- افتادن برخی کارهای مهم و پست‌های حساس در دست افراد فرصت طلب.

۳- دخالت‌های ناروای افراد جاهل و تند - در اثر تلقینات ناصواب - و اعمال خشونت و بگیر و ببند به وسیلهٔ آنان.

و در نتیجه با این که انقلاب به نام حکومت مردمی و اسلام انجام شد، ولی استبداد و اعمال خلاف اسلام حکمفرماست.

و هر چند نام انقلاب و اسلام تکرار می‌شود ولی ظلم‌ها و سلب آزادیهای سیاسی حتی از نمایندگان منتخب مردم، و بازداشت‌ها و محاکمات بی‌رویه و تجاوز به حقوق مردم همچون رژیم گذشته انجام می‌شود؛ و چون به نام اسلام انجام می‌گیرد نسل جوان را به اسلام که دین عدالت و رحمت است بدبین می‌نماید.

[مردم باید سخن آخر را بگویند]

* سؤال سوّم: از مدتها پیش در داخل و خارج کشور لزوم انجام رفراندوم یا همه‌پرسی در رابطه با سیستم حکومتی مطرح است. نظر حضرت‌عالی در رابطه با این مسأله چیست، و آیا فکر می‌کنید نظام واقعاً احتیاج به تغییرات بنیادی دارد و تنها با تغییرات عملکردی چون تعویض دولت و مجلس نمی‌توان مشکلات کنونی را حل کرد و بحرانهای جاری را پشت سر گذاشت؟

جواب: در اثر تضادی که به آن اشاره شد دولت و مجلس اختیار ندارند تا با تغییر دولت یا نمایندگان مشکلات حل شود، و چون کشور متعلق به مردم است مردم باید سخن آخر را بگویند.

* سؤال چهارم: نمایندهٔ اعزامی سازمان ملل متحد به ایران در گزارشی که چند روز پیش منتشر ساخت به وجود نهادهای موازی قدرت در ایران اشاره می‌کند و در این رابطه من جمله به قوهٔ قضائیه اشاره می‌کند، در این گزارش به فقدان آزادیهای اساسی در ایران و خفقان مطبوعاتی نیز اشاره می‌کند. وضعیت کنونی حقوق بشر در جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: گزارش مذکور اجمالاً صحیح است، هرچند متصدیان امور انکار می‌نمایند.

[رابطهٔ دین و حکومت]

* سؤال پنجم: یکی دیگر از مسائلی که در سالهای اخیر در ایران و در دیگر کشورهای اسلامی مطرح است مقولهٔ رابطهٔ مذهب با نظام و لزوم جدایی دین از حکومت است، که اخیراً آیت‌الله سیستانی نیز دربارهٔ آن اظهار نظر کرده‌اند. به نظر جنابعالی آیا روحانیون و روحانیت باید در حکومت شرکت داشته باشند؟ برخی معتقد هستند که حضور فعال روحانیت در حکومت به نوعی مذهب را تضعیف نموده است. آیا با این نظر موافق هستید؟

جواب: دستورات دین مقدس اسلام منحصر در مسائل اخلاقی و عبادی محض نیست، بلکه در مسائل اقتصادی و سیاسی و جزائی و شرایط حاکمیت و روش آن نیز اسلام دستور و برنامه دارد. اگر منظور این است که این دستورات نادیده گرفته شود و حاکمیت نسبت به آنها بی تفاوت و بی اعتنا باشد، این امر پذیرفته نیست؛ زیرا اکثر مردم ایران مسلمان و خواهان اجرای آنها می‌باشند. و اگر منظور این است که اجرا لازم نیست در دست روحانیین باشد، این امر صحیح است؛ ولی نظارت روحانیت بر قوای سه گانه برای عدم تخلف آنها از موازین اسلامی امری است ضروری و لازم، به شرط این که در امور دیگر دخالت نکند و هر کاری به متخصص آن ارجاع شود. فقیه به عنوان فقیه فقط متخصص فقه است و سایر امور کشور مربوط به قوای سه گانه کشور است و آنها در برابر ملت باید پاسخگو باشند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۱۴

حسینعلی منتظری

دیدار نمایندگان متحصن و مستعفی مجلس ششم

۱۳۸۲/۱۱/۱۴

﴿ بسمه تعالی ﴾

همزمان با عید سعید قربان حجة الاسلام والمسلمین قوامی، مهندس آرمین و دکتر سلیمانی به نمایندگی از نمایندگان متحصن و مستعفی مجلس در قم با آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار گزارشی از تحصن نمایندگان و کم و کیف استعفا مطرح گردید.

آقای آرمین ضمن ابلاغ سلام و تقدیر و تشکر نمایندگان مجلس از آیت الله منتظری به عنوان تنها شخصیتی یاد کرد که به صراحت و قاطعانه از نمایندگان متحصن حمایت کرده‌اند؛ وی ضمن اشاره به فعالیت‌های چند ساله مجلس برای قانونی کردن آنچه که خارج از قانون توسط شورای نگهبان انجام می‌گیرد، گفت: در یکی از جلسات کمیسیونها که دو تن از اعضای شورای نگهبان شرکت داشتند از آنان خواسته شد آنچه را دلیل معتبر شرعی برای رد صلاحیت‌ها می‌نامند بیان کنند تا به آن جنبه قانونی داده شود، که حتی این راه حل پیشنهادی هم مورد قبول قرار نگرفت.

وی ضمن اشاره به ایراد وارده از سوی شورای نگهبان برای لایحه سه فوریتی اخیر گفت: ایراد شورای نگهبان این بود که در لایحه آمده بود: باید رد صلاحیت‌ها سند معتبر قانونی داشته باشد. این قید «قانونی» را آقایان تقیید نظارت دانسته بدین ترتیب لایحه را رد کردند.

در ادامه آقای قوامی گفت: وضعیت به گونه‌ای مهره‌چینی شده است که عملاً ۲۰۰ نماینده مجلس از پیش تعیین شده‌اند، و در میان رد صلاحیت شدگان به اتهام عدم

التزام به اسلام ۳۰۰ روحانی وجود دارد. وی گفت: هدف اصلی راه‌اندازی مجلس فرمایشی است.

آقای سلیمانی نیز ضمن اشاره به این که شورای نگهبان حتی به مصالحه مورد نظر آقای خاتمی - که مورد رضایت نمایندگان مجلس نبود - هم تن نداد، گفت: یکی از نمایندگان را توسط شورای نگهبان احضار کرده‌اند و از وی سؤال شده است آنچه که در اصل ۱۱۰ به عنوان اختیارات رهبری آمده است به عقیده شما سقف یا کف اختیارات است؟ هنگامی که پرسش شونده گفته این اختیارات سقف است، به وی گفته شده پس شما ملتزم به ولایت فقیه نیستید و صلاحیت ندارید.

[قانونی نبودن نظارت استصوابی]

در ادامه این دیدار فقیه عالیقدر ضمن خوشامدگویی و تبریک عید سعید قربان گفتند:

قانونی نبودن نظارت استصوابی مطلبی است که طی سالیان متمادی بویژه در دوران حصر به آن پرداخته و آن را نقد کرده‌ام. همان‌گونه که در نامه خطاب به فقهای شورای نگهبان در تاریخ ۸۲/۱۱/۵ نوشته‌ام گواهی می‌دهم آنچه که توسط شورای نگهبان صورت می‌گیرد غیرقانونی است و در تعارض کامل با هدف اصلی از تصویب اصل ۹۹ می‌باشد. اصل ۹۹ برای جلوگیری از دخالت‌های ناروا و دست‌اندازی‌ها بود، و برای این بود که شورای نگهبان «نظارت بر انتخابات» داشته باشد نه این که «دخالت بر کاندیداها»، و آن وقت مردم پس از پسندیدن آقایان مجاز باشند نماینده مورد نظرشان را مثلاً انتخاب نمایند!

[سفارش بر استقامت]

ایشان ضمن اشاره به تحصن نمایندگان و استعفای آنان با دعا و آرزوی خیر و پیروزی برای کشور و مردم گفتند:

شما باید استقامت کنید، حتی یک قدم به عقب برنگردید، اگر چنین شود این شایعه که میان مردم مطرح است که این تحصن برای بازارگرمی و گرم کردن تنور انتخابات است مورد قبول مردم قرار می‌گیرد و مردم به شما بدبین خواهند شد. به نظر من نمایندگان نباید تن به معاملات و مصالحه پشت پرده دهند.

ایشان ضمن اشاره به برخی اظهارنظرها در مورد شرکت در انتخابات هفتمین دوره مجلس گفتند:

این سنتی شده است که در آستانه انتخابات به سراغ برخی آقایان در قم بیایند و از آنها بخواهند فتوی به وجوب شرعی و عقلی شرکت در انتخابات بدهند. معظم‌له در پایان نسبت به اختصاص بودجه به دفاتر نظارتی شورای نگهبان که از دو سال پیش در بیش از ۳۰۰ شهر آغاز به کار کرده‌اند انتقاد کردند.

در پایان این دیدار نمایندگان -ضمن این که منبع اختصاص بودجه رانه مجلس بلکه ریاست جمهوری آن هم به واسطه برخی توصیه‌ها ذکر کردند- اظهار اطمینان کردند که نمایندگان مجلس به آنچه وظیفه خویش تشخیص داده و به آن معتقد شده‌اند عمل خواهند کرد و در دفاع از حقوق ملت و جمهوریت نظام بویژه کاندیداهای دیگر که خارج از مجلس‌اند کوتاه نیامده و تن به معاملات پشت پرده نخواهند داد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۱۴

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرنگار روزنامه آلمانی «اشترن»

۱۳۸۲/۱۱/۱۹

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

[هدف اصلی از تصویب اصل ۹۹ قانون اساسی]

* حضرتعالی کار شورای نگهبان در رد صلاحیت‌های گسترده را بحران نامیده‌اید. چه بحرانی

به نظرتان پیش می‌آید؟

بنای من همیشه بر این بوده است حق را بگویم گرچه به زیان و ضرر خودم باشد. در حدیث آمده است: «قل الحق وإن كان مرأاً»؛ واقعیت مطلب این است که من خودم چون رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی بودم گواهی می‌دهم که آنچه شورای نگهبان انجام می‌دهد برخلاف هدف اصلی از تصویب اصل ۹۹ است. شورای نگهبان به جای این که جلوی دخالت‌ها را بگیرد خود دخالت می‌کند، و انتخابات آزاد با این وضعیت انجام نخواهد گرفت. برگزار نشدن انتخابات آزاد و برگزاری انتصابات یعنی ایجاد بحران در کشور.

* چه اشکالی ممکن است پیش بیاید؟

چه بحران و اشکالی از این مهمتر و بزرگتر که مردم در انتخابات شرکت نکنند یا شرکت گسترده نداشته باشند. مردم اگر مشاهده کنند آنچه انتظار دارند که همان انتخابات آزاد است انجام نشود قطعاً شرکت نخواهند کرد.

[جمهوریت و ولایت فقیه]

* شما در نامه خود خطاب به شورای نگهبان از فراندوم سخن به میان آورده‌اید، چه سؤالاتی

در فراندوم مطرح می‌شود؟

چون کشور از آن مردم است و آنها به کشورشان علاقه دارند قطعاً آنها باید نظر دهند که سیستم و نظام کشور چگونه باید باشد. البته چون اکثریت مردم ما مسلمان می‌باشند هیچ‌گاه برخلاف اسلام نظر نمی‌دهند.

* آیا این سؤال که سیستم سیاسی تحت ولایت مطلقه فقیه باشد یا نباشد می‌تواند مطرح باشد؟

این که یک نفر تمام اختیارات را داشته باشد با حکومت جمهوری و مردمی منافات دارد. جمهوریت یعنی حکومت مبتنی بر خواست مردم.

* ولی شما خودتان کوشیده‌اید تا ولایت فقیه را ثابت کنید.

معنی ولایت فقیه مورد نظر من این نیست که تمام سازوکار قدرت دست یک نفر باشد و در مقابل مردم پاسخگو نباشد، و در عوض ریاست جمهوری که باید به مردم پاسخ دهد عملاً قدرتی نداشته باشد. ولایت فقیه یعنی فقیه از آن جهت که متخصص در فقه و موازین اسلامی است باید نظارت کند که حاکمیت بر اساس موازین شرعی پایه‌ریزی شود، اما این درست نیست که در تمام حوزه‌ها و امور حق دخالت داشته باشد. در هر حوزه‌ای باید به متخصص مراجعه کرد. مطلقه بودن ولایت در قانون اساسی نبود بعداً در بازنگری قید «مطلقه» اضافه شد و خیلی‌ها از جمله اینجانب به آن رأی ندادند.

* چه شد که احساس می‌شود الآن عدالت و عقلانیت اجرا نشده است؟

فرصت طلبانی که در کوران مبارزات و انقلاب کنار بودند و هیچ فعالیتی نداشتند پس از پیروزی انقلاب از فرصت استفاده کردند و پست‌های حساسی را گرفتند، آنها انقلابیون را از صحنه خارج کردند.

[برکناری از مسئولیت]

* روزهای آینده مصادف است با بیست و پنجمین سالگرد انقلاب ۵۷، چه شد که شما از انقلاب جدا شدید؟

من از انقلاب جدا نشده‌ام، آقایان من را کنار گذاشتند. من هم هیچ‌گاه طالب مقام نبوده‌ام.

* چگونه شما را کنار گذاشتند؟

نامه ۱۳۶۸/۱/۶ نوشته شد - حال خود آیت‌الله خمینی نوشته یا دیگری نمی‌دانم - و من هم پس از آن خیالم راحت شد چون دیگر مسئولیتی در حاکمیت نداشتم.

[حکومت آینده عراق]

* عراق همسایه شماسست و آزاد شده است، چه آرزویی برای عراق دارید؟

از این که شرّ صدام کنده شد خوشحالیم، اگر چه به بهانه سلاحهای کشتار جمعی به عراق حمله شد، و حالا گفته می‌شود از این سلاحها اثری به دست نیامد، ولی به نظر من صدام از هزاران سلاح کشتار جمعی بدتر بود.

امیدوارم در کشور عراق انتخاباتی آزاد و عمومی برگزار شود - همان‌گونه که آیت‌الله سیستانی هم گفته‌اند - و آمریکایی‌ها هم پس از تشکیل یک حکومت و تثبیت آن کشور عراق را ترک کنند، چون ماندن بیش از این برای آنها بسیار ضرر دارد.

* چه نوع حکومتی برای عراق به نظر تان می‌رسد، آیا دموکراتیک یا دارای یک رهبر مذهبی

باشد؟

خواهی نخواهی چون مردم عراق مسلمان هستند خواهان آن هستند که موازین اسلامی اجرا شود، ولی لازم نیست که در مقام اجرا روحانی در رأس حاکمیت باشد. حکومتی که در عراق شکل می‌گیرد اگر چه طبق نظر اکثریت شکل می‌گیرد ولی حقوق اقلیت‌ها هم باید رعایت شود.

[کیفیت تدریس پس از رفع حصر]

* در حال حاضر حضرت آیت الله تدریس دارید یا نه؟ آیا تهدید و ارعاب می شوید؟

درس خارج فقه را که پس از رفع حصر شروع کردم به واسطه کسالت و زیاد بودن سن نتوانستم ادامه دهم، ولی در حال حاضر به تدریس نهج البلاغه مشغول هستم. مشکلی هم ندارم، کسی هم من را تهدید نمی کند، اگر چه آزادی کامل به دست نیاورده ام ولی همیشه صراحت لهجه داشته ام. حتی نسبت به استاد خیلی از بزرگان مرحوم آیت الله بروجرودی هم اشکالاتم را مطرح می کردم؛ بدین لحاظ مورد انتقاد قرار می گرفتم. به واسطه همین صراحت لهجه هم مورد هجومهای زیادی قرار گرفته و می گیرم.

* آرزوی شما درباره برگزاری یک انتخابات آزاد چیست؟

اگر شورای نگهبان دخالت نکند و فقط نظارت نماید و انتخابات سالمی برگزار شود و دست از نظارت استصوابی برداشته شود، انتخابات گرم و خوب برگزار خواهد شد؛ وگرنه شاهد انتخاباتی سرد خواهیم بود.

[تشکر از دولت آلمان به دلیل میانجیگری برای تبادل اسرای فلسطینی و اسرائیلی]

* در پایان این مصاحبه حضرت آیت الله منتظری خطاب به خبرنگار گفتند:

چند روز پیش سفیر آلمان به منزل ما آمد، من به ایشان نکاتی را گفتم که با توجه به این که جنابعالی خبرنگاری آلمانی هستید مناسب می دانم آنها را برای شما هم تکرار کنم.

من از سفیر آلمان به دلیل حمایت پارلمان آلمان از نمایندگان متحصن در مجلس ایران تقدیر و تشکر کردم، و همچنین از این که آلمانها واسطه شدند تا اسرای فلسطینی و لبنانی با اسرای اسرائیلی مبادله شوند نیز تشکر کردم. در رابطه با مسائل فلسطین به سفیر آلمان متذکر شدم: تولد کشوری به نام اسرائیل عکس العمل

برخوردهای خشن و تند نازی‌های آلمان در گذشته است که با حمایت انگلیسی‌ها و شخص بالفور منطقه فلسطین اشغال و یهودی‌ها در آنجا اسکان داده شدند. من بدین جهت از دولت آلمان خواستم برای تشکیل حکومتی مستقل برای فلسطینی‌ها که صاحبان اصلی آنجا هستند تلاش کند. آمریکایی‌ها با حمایت همه جانبه از اسرائیلی‌ها قدم مثبتی بر نمی‌دارند، انتظار است آلمان‌ها و دیگر کشورهای اروپایی در این راه قدم بردارند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته.

۱۳۸۲/۱۱/۱۹

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌های مجله «فلوشیپ» چاپ نیویورک

۱۳۸۲/۱۲/۹

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

[ولایت فقیه]

* شما از اولین پایه‌گذاران نظریه ولایت فقیه و تسلط روحانیت بر عرصه سیاست بوده‌اید؛ اما تجربه سالهای اخیر در ایران و افغانستان، همانند تجربه کلیسای مسیحیت در طول قرون وسطی نشان داد که حاکمان مذهبی چگونه قادرند با سوءاستفاده از نام دین و خدا به زشتکاریها و اعمال خلافی که مخالف تعلیمات دینی است دست زنند. با توجه به این نکته، اکنون شما رابطه دین و جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید و نقش دین را در جامعه چه می‌دانید؟

این که اینجانب به ولایت فقیه نظر داشته‌ام بدین لحاظ بوده است که معتقد بودم از کتاب و سنت اسلامی استفاده می‌شود که حاکم اسلامی باید دارای شرایطی باشد که این شرایط بر فقیه عادل، مدیر و مدبر انطباق دارد. و بر این نکته تأکید می‌شود که دین اسلام علاوه بر دستورات اخلاقی و عبادی در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز دستورالعمل‌های ویژه‌ای دارد. و آن که حاکمیت را به دست می‌گیرد باید کاملاً آگاه از این دستورات باشد تا بر اساس آنها کشور را اداره نماید. اگر کسی متخصص و مجتهد - که به وی فقیه اطلاق می‌شود - و واجد سایر شرایط باشد، طبعاً بر دیگران اولویت دارد. به عبارت دیگر اگر بناست کشوری بر اساس یک منش، ایده و ایدئولوژی خاص دین اداره شود - که این مورد خواست مردم است - خواهی نخواهی ایدئولوگ آن باید بر روند قانونگذاری و اجرا و اداره جامعه نظارت کامل داشته باشد تا متصدیان از آن

ایدئولوژی مورد خواست مردم منحرف نشوند؛ و به مناسبت حکم و موضوع و این که فقیه کارشناس در مسائل اسلامی است، هدف از ولایت فقیه همان ولایت فقه است؛ و اگر ولی فقیه شرایط مجری بودن را داراست، خود بر حسب آرای مردم متصدی خواهد شد؛ و الا او تنها ناظر بر قوه مجریه و سایر قواست، و در اموری که در تخصص فقهی او نیست نباید دخالت کند.

ولی فقیه باید دارای اختیارات و زمان محدود باشد و از نظارت و انتقادات مردمی معاف نیست. ولی فقیه چون دیگر مسئولان فراقانون نمی باشد و او و نهادهای تحت مسئولیت وی باید پاسخگوی اعمال خویش باشند.

[حقوق بشر از دیدگاه اسلام]

* برخی علمای مذهبی مسلمان به ارزشهای حقوق بشر اعتراض کرده و مواردی نظیر آزادی بیان و اندیشه، برابری حقوق پیروان تمامی شهروندان (جدای از نژاد و مذهب و یا جنسیت آنها) و نیز برابری حقوق زن و مرد را مختص جوامع غربی می دانند. نظر حضرت تعالی به عنوان یک روحانی اندیشمند مسلمان در این باره چیست؟ آیا معتقدید که حقوق بشر خاص غربی هاست و ربطی به ارزشهای اسلامی ندارد، و یا برعکس بر این باورید که جوامع مسلمان نیز می باید احترام به حقوق بشر را سرلوحه خود قرار دهند؟

موضوع رعایت حقوق بشر که حفظ کرامت انسانها می باشد از همان ابتدای ظهور دین اسلام مورد توجه بوده است. در قرآن کریم انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین و مسجود فرشتگان و بهترین مخلوق خداوند معرفی شده است. و در سوره اسراء (آیه ۷۰) می خوانیم: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾. و در این جهت همه انسانها یکسانند. و پیامبر اسلام ﷺ فرموده اند: مردم همچون دانه های شانه مساوی اند؛ یعنی در حقوق فطری و اجتماعی مساوی خواهند بود. امام علی علیه السلام در نامه معروف خویش به مالک اشتر در مورد حقوق مردم فرموده اند: با مردم با رحمت و محبت و لطف برخورد کن و از درنده خوئی پرهیز

نما، زیرا آنان یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت با تو هم‌نوعند. البته مرد و زن در ساختمان بدنی و روحی و فکری تفاوت‌های ذاتی دارند و تشریح احکام الهی که از ناحیه خالق آنهاست متناسب با تکوین و سازمان بدنی و روحی آنان می‌باشد. و تفصیل در نامه نمی‌گنجد.

[اعمال خشونت به نام دین]

* متأسفانه در سالهای اخیر رسانه‌های گروهی غرب چهره زشتی از اسلام ترسیم کرده و مسلمانان را به عنوان مشتی تروریست و آدم‌کش معرفی می‌کنند. در این میان برخی اقدامات عده‌ای از پیروان دین اسلام (از جمله حادثه حمله به برج‌های تجارت جهانی در نیویورک و یا بمب‌گذاری در مکانهای توریستی، اتوبوسهای مملو از مسافر و نیز کلیساها و معابد مذهبی) این باور را در میان بسیاری از غربی‌ها تقویت کرده است که اسلام دین خشونت، کشتار و عدم مداراست. به عقیده شما مسلمانان و نیز خیراندیشان غیر مسلمان چگونه باید به خشونت‌هایی که به اسم اسلام صورت می‌گیرد واکنش نشان دهند؟

تجاوز و کشتار در هر کجای دنیا با هر ایده و عقیده‌ای عقلاً و شرعاً مذموم است. دین اسلام دینی منطبق بر عقل است و با خشونت و ترور مخالف است. زیرا علاوه بر تجاوز آشکار به حقوق انسانها اختلال نظام و سلب امنیت عمومی را در پی دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ترور نهی کردند، اسلام تحقیقاً قید و مانع ترور است.» با کمال تأسف قرائت‌های غلط و ناصواب از دین و تحجرگرایی و دگماتیسم مذهبی و روشهای برخی از دولت‌ها باعث شده است که چهره خشنی از اسلام در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان نمایانده شود. بهترین روش فهم دقیق از آموزه‌های دینی و سپس معرفی آن و اجرای دستورات دینی متناسب با تحولات جامعه است، و رعایت مصالح و مفاصل اجتماعی می‌تواند راهکار مناسبی در این زمینه باشد. و در موارد تزاخم ملاکات تقدیم اهم بر مهم لازم و ضروری است. لازم به ذکر است در رابطه با واقعه ۱۱ سپتامبر که منجر به کشته شدن بسیاری از

مردم بی‌گناه و ورود خسارتهای سنگین شد، در همان زمان اینجانب آن را محکوم کرده و آن را گناهی بزرگ دانستم؛ و از دولت آمریکا خواستم عاقلانه برخورد کرده و از هرگونه اقدام خشن و عکس‌العمل تند و هجوم کور و بی‌رویه خودداری کند. متأسفانه در این میان اسرائیل از جو کاذبی که علیه اسلام و مسلمانان ایجاد شده بود سوءاستفاده کرده و حملات خود را از زمین و هوا به مردم مظلوم فلسطین تشدید نمود.

[احقاق حقوق ملت‌های مسلمان]

* بسیاری از آزاداندیشان جهان غرب، از اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها (از جمله حصر خانگی جناب‌عالی و نیز پایمال شدن حقوق شهروندان در ایران) بسیار متأثر هستند و مایل اند در حدّ توان خود برای کمک به بهبود اوضاع در این کشورها کمک نمایند. متأسفانه برخی رهبران غرب (از جمله بوش) از این خیرخواهی سوءاستفاده کرده و وانمود می‌کنند که حمله نظامی به عراق و افغانستان، با هدف رهایی مردم آن کشورها از قید و بند استبداد صورت گرفت. حضرت‌عالی چه پیشنهادی برای مخاطبان آمریکایی خود دارید، و به نظر شما عامه مردم از چه راهی می‌توانند برای احقاق حقوق ملت‌های مسلمان کمک نمایند؟

آزادی و عدالتی که از بیرون یک جامعه تزریق شود بدون آن‌که آن ملت نسبت به آن احساس نیاز کرده و به حقوق خویش واقف باشند، امری عَرَضی و ناپایدار خواهد بود؛ و تا در درون و گوهره ذات یک اجتماع و کشوری فرهنگ عمومی نسبت به آزادی و عدالت افزایش نیابد، مشکل اساساً حل نشده و رفع مشکلات به صورت زودگذر خواهد بود. در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ یعنی خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنها خود را دگرگون نمایند. و از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «کَمَا تَكُونُوا يَوَلُّوا عَلَيْكُمْ» یعنی همان‌گونه که هستید بر شما حکومت خواهد شد.

اگر چه وجود بسیاری بی‌عدالتی‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و

اجتماعی در برخی جوامع مسلمان ناشی از استعمار بیرونی است، اما نباید از استبداد داخلی و عملکرد بد حاکمان برخی کشورهای مسلمان غافل بود. اگر مردم هر خطه‌ای خواسته یا ناخواسته تن به استعمار و استبداد بدهند، نمی‌توان به تحفه و هدیه خارجی امیدوار بود. بایستی نخبگان و آگاهان هر جامعه وظیفه سنگین آگاهی‌بخشی را همواره به دوش کشیده و در برابر نارواها بی تفاوت نباشند. سکوت در اینجا از سوی هرکس بویژه اندیشمندان و دانایان نکوهیده است، و در اسلام همان‌گونه که ظلم کردن حرام است مظلوم ماندن و زیر بار ستم رفتن نیز حرمت دارد. بر آزاداندیشان غربی و شرقی لازم است که با اتحاد، تعامل، هم‌اندیشی، گفتگو و با ارائه راهکارهای اجرایی در مسیر رشد و تعالی فرهنگی ملت‌هایی که از جهت فکری و فرهنگی در استضعاف به سر می‌برند بکوشند.

درباره عراق باید گفت اگر چه آمریکایی‌ها صدام را - که سرش از صدها سلاح کشتار جمعی برای بشریت بیشتر بود - ساقط کردند، ولی باید پس از تثبیت اوضاع و ایجاد زمینه برای یک انتخابات آزاد و مردمی تحت نظارت سازمان ملل متحد، خاک عراق را ترک نمایند. این که هر از چند گاهی سربازان آمریکایی و سایر کشورها و مردم مسلمان و بیگناه در عراق تلف شوند انسان را متأثر می‌کند، و برخلاف مصلحت دولت آمریکا نیز می‌باشد.

[رشد و تعالی ادیان]

* مذهب تشیع قرن‌هاست که مورد بی‌مهری و حتی بی‌حرمتی حاکمان جوامع اسلامی بوده است؛ اما اکنون در ایران فرصتی فراهم شده که روحانیت شیعه (که مدت‌ها مورد اجحاف بوده است) بر زمام امور جامعه مسلط گردد. به نظر حضرت‌تعالی اکنون که روحانیت شیعه در رأس قدرت است، پیروان سایر ادیان و مذاهب (اعم از آنها که از سوی دین اسلام به رسمیت شناخته شده‌اند و نیز مذاهب تازه‌ای نظیر سیک‌ها و بهایی‌ها که در قرون اخیر تأسیس گشته‌اند) تا چه حد می‌توانند از آزادی بیان و انجام آزادانه فرائض دینی خود بهره‌مند گردند؟

از منظر دینی اعتقاد به دین الهی و هر مسلک دیگر امری است اختیاری، و اجبار و اکراه در آن نارواست. آیه شریفه: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ به همین مطلب تصریح دارد. هر کس تا زمانی که قصد اهانت، مغالطه‌گری، اغواء، عناد و تمسخر دیگر ادیان را نداشته باشد، می‌تواند آزادانه آئین خویش را در معرض قرار دهد. برترین دین در میدان مناظره و استدلال خواهی نخواهی زمانی خودنمایی خواهد کرد که نزد مردم عاقل و فهمیده مقبولیت داشته باشد.

رشد و تعالی ادیان همیشه ناشی از آن بوده است که در محیطی آزاد مطرح شده‌اند و خودبه‌خود مردم به آنها گرایش پیدا کرده‌اند. سیره و روش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ و دیگر پیشوایان ما این‌گونه بوده است که آنها حتی در زمان حاکمیت خویش ادیانی را که به نظر باطل می‌آمد مورد هتک، تهمت و افترا قرار نمی‌دادند، و آنها در مذهب و کیش خود آزاد بودند و کسی اجازه نداشت بی‌جهت مزاحم آنها شود. حتی برخی از امامان شیعه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با آنها به طور مفصل بحث و مناظره آزادانه داشتند، که این خود مایه تعجب آنان می‌شد.

[سازش فلسطینی‌ها با اسرائیل]

* قریب نیم قرن است که جنگ و خونریزی بین فلسطین و اسرائیل در جریان است و روزی نیست که گروهی از مردم بی‌گناه (چه از اهالی فلسطین و چه از اتباع اسرائیل) به قتل نرسند. هرچند که دولت اسرائیل با غضب سرزمین فلسطین و اعمال ستم بر مردم آن کشور سبب بسیاری از این فجایع است، اما بسیاری از مردم اسرائیل (که به خاطر ظلم و اجحاف بر علیه یهودیان از کشورهای خود متواری شده و به اسرائیل آمدند) خواستار پایان مداخله نظامی اسرائیل در فلسطین و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان عرب خود به دور از جنگ و خونریزی می‌باشند. آیا حضرت‌تعالی از پیشنهاد برپایی دولت مستقل (فلسطین و اسرائیل در کنار یکدیگر) و تلاش مشترک بین مردم فلسطین و اهالی اسرائیل برای ایجاد منطقه‌ای صلح‌آمیز و به دور از ظلم و ستم حمایت می‌کنید؟ نظر مبارک شما در مورد شعارهایی که از سوی برخی رهبران مسلمان در مورد نابودی دولت اسرائیل و به دریا ریختن تمام یهودیان داده می‌شود چیست؟

همان‌گونه که به درستی اشاره کرده‌اید علت‌العلل تمام جنگ‌ها و خونریزی‌ها در منطقه فلسطین غصب سرزمین فلسطین است که قدمت آن به بیش از ۵۰ سال برمی‌گردد. غصب این منطقه توسط یهودیانی صورت گرفت که با فشار برخی دول غربی به این منطقه کوچانده شدند. در این میان گذشته از مسلمانان، پیروان دیگر ادیان هم همگی قربانی مطامع استعماری برخی دولت‌ها شدند. قبل از غصب این سرزمین تمام ادیان الهی و ابراهیمی چون یهود، مسیحی‌ها و مسلمانان در جوار یکدیگر با صلح و صفا و آرامش زندگی می‌کردند و به یکدیگر تعرض نداشتند. متأسفانه این میراث - غصب فلسطین - با حمایت آمریکا وارد مرحله جدیدی شده است؛ حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از اقلیت صهیونیسم که تنها بخش کوچکی از یهودیان جهان را تشکیل می‌دهند باعث شده است که روز به روز فشارهای اسرائیل بر ملت ستمدیده فلسطین افزونی یابد. وجود کشوری مستقل که متشکل از تمام فلسطینی‌ها و حتی آوارگان آنان باشد، و بازپس‌دهی مناطق اشغالی که مورد خواست مجامع بین‌المللی نیز هست، باعث خواهد شد که حداقل زخم‌های عمیق مردم این دیار التیام یابد. یهودیان ساکن اراضی اشغالی نباید بیش از این رضایت دهند توسط حاکمان تندروی آنها به انسانها و ملتی دیگر ظلم روا داشته شود.

همان‌گونه که ذکر شد پیروان ادیان آسمانی روزی با صلح و صفا و آرامش در کنار هم زندگی می‌کردند، در حال حاضر هم مسلمانان به دنبال قلع و قمع یهودیان نیستند. آنها نیز دارای کتاب آسمانی و پیامبری چون حضرت موسای کلیم‌اند. چرا باید اقلیتی تحت نام صهیونیسم هم به آنان و هم به مسلمانان و مسیحیان ظلم روا دارند و برخی دول تنها به دنبال تأمین مطامع و منافع اقلیتی با این وصف باشند؟!]

[گفتگوی بین ادیان]

* به عنوان آخرین سؤال، به نظر مبارک شما رهبران مذهبی ادیان ابراهیمی (مسیحیان، مسلمانان و یهودیان) چگونه می‌توانند برای ایجاد جهانی صلح‌آمیز و رفع تبعیض و بی‌عدالتی در

جهان با یکدیگر همکاری کنند؟ آیا معظم له مایل به شرکت در این گونه گفتگوهای بین‌الادیان (چه به طریق مستقیم و چه از طریق ارسال نماینده) می‌باشید؟

در خاتمه چنانچه مایلید پیامی برای مخاطبان آمریکایی خود داشته باشید لطفاً آن را از این طریق اعلام نمایید. با تشکر فراوان.

بهترین روش و رویکرد ایجاد بستری مناسب برای تعامل فکری بین ادیان و مذاهب و دانشمندان و نخبگان آنها در راستای توحید، اقامه عدل و برطرف شدن ربوبیت انسانهاست، آن هم از راه تکیه بر مشترکات بین ادیان و کم کردن فاصله‌ها و اختلافات. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبرش می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (سوره آل عمران/ ۶۴) یعنی ای پیامبر به اهل کتاب بگو: بیائید به سوی سخنی که بین ما و شما مشترک است، که تنها خدا را پرستیده و به او شرک نوزیم و غیر از خدا یکدیگر را به عنوان ارباب قرار ندهیم. بدیهی است با این روش کارآمد جبهه فکری قوی و مهمی از سوی خداپرستان و طرفداران توحید و یکتاپرستی شکل خواهد گرفت؛ و می‌توان از مسیر سازمانهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و شورای امنیت راهکارهای اجرایی را مطرح کرد، و با عضویت نمایندگانی از ادیان در این مجامع مهم بین‌المللی ضمانت اجرایی برخی تصمیمات را نیز تأمین نمود.

اینجانب اگر چه مجال واسع ندارم اما در این راستا و گفتگوی بین ادیان در حدّ مقدور آماده‌ام.

[پیام برای مردم آمریکا]

در پایان ضمن ابلاغ سلام و اظهار محبت نسبت به مخاطبانی که این نوشتار را ملاحظه می‌کنند و آرزوی موفقیت برای آنان در راه انجام وظایف دینی و وجدانی، و با عرض ارادت به تمامی آزاداندیشان و کسانی که برای صلح و عدالت و رفع ستم و

دستیابی به آرمانهای بشری در جای جای این گیتی پهناور تلاش می‌کنند، ملت آمریکا را ملتی دارای فرهنگ و تدین می‌دانم. با این حال سؤال اساسی من از مخاطبان محترم آمریکایی این است که چرا بایستی امکانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور بزرگ شما صرف مطامع تنها $\frac{1}{6}$ جمعیت آن کشور شود؟! در دنیا آبرو و حیثیت ملت و کشور بزرگ آمریکا با حمایت‌های همه جانبه حاکمان این کشور از این اقلیت از بین رفته است. چرا با این که آمریکا از نفت، امکانات و بازار مصرف بیش از $\frac{1}{2000000000}$ جمعیت مسلمان دنیا بهره می‌برد، آنها را رها کرده و حیثیت جهانی‌اش را به پای عدهٔ قلیلی - آن هم نه تمام یهودیان بلکه عده‌ای از آنها که افکار نژادپرستانه دارند - قربانی کند؟ با این وضعیت اگر احساسات ضد آمریکایی در برخی کشورها رشد می‌کند، آیا ناشی از عملکرد بد بخشی از حاکمان آمریکا نیست؟ مقصر اصلی چه کسی است؟

در پایان امیدوارم مردم آمریکا بتوانند چون همیشه در کنار دیگر ملیت‌ها، اقوام و ادیان با صفا و آرامش زندگی کنند. و إن شاء الله دست‌اندرکاران این نشریه نیز در راستای تعالی بخشی به فرهنگ ملت‌ها و پیروان ادیان الهی و تلاش برای دستیابی همهٔ انسانها به حقوق خود بیش از پیش کوشا باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۲/۱۲/۹ - ۲۰۰۴/۲/۲۸ میلادی

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه تلویزیونی شبکه جهانی بی بی سی (BBC WORLD)

۱۳۸۲/۱۲/۱۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[آیا احساسات ضد آمریکایی در به وجود آمدن انقلاب دخیل بود؟]

* گذشته از برخی دلایل که مردم ایران به دلیل آنها انقلاب کردند، احساسات ضد آمریکایی و دشمنی با آمریکا تا چه حدی در به وجود آوردن انقلاب دخیل بوده است؟

اولاً: به خانه ما خوش آمدید. من در بدو امر باید به این نکته اشاره کنم علی رغم این که برخی اعتقاد دارند در مسائل سیاسی نباید شفاف بود و باید دو پهلو اظهار نظر کرد، من در مسائل سیاسی و غیر آن صراحت لهجه دارم. البته معصوم نیستم و نمی گویم اشتباه نمی کنم ولی عقاید خود را با صراحت بیان می کنم.

و ثانیاً: در رابطه با پرسش شما، حدود ۶۰ سال پیش ایران تحت فشار سیاست های استعماری انگلستان و شوروی سابق بود، و بر این اساس مردم ایران به آمریکایی ها خوشبین بوده و آمریکا را فرشته آزادی می پنداشتند. ولی آمریکا پس از کنار زدن آن دو قدرت عملاً خود میراث خوار استعمار شد. و خود آمریکایی ها همان روش های استعماری را ادامه دادند به گونه ای که ارتش ایران در حقیقت توسط آمریکایی ها اداره می شد. نفوذ آمریکا در دربار هم نباید فراموش شود. البته آنها کار خود را این گونه توجیه می کردند که قصد مبارزه با مارکسیسم را دارند و با این بهانه دولت استبدادی را تقویت می کردند، غافل از این که همین حمایت از دولت مستبد خود انگیزه ای خواهد شد برای جذب مردم به سوی مارکسیسم. و دولت های استبدادی که مورد حمایت آمریکا بودند مردم آزاده را سرکوب می کردند.

کودتای ۲۸ مرداد که آمریکا سبب آن شد، یا تحمیل لایحه کاپیتولاسیون که آیت الله خمینی می گفتند معنایش این است که اگر در آمریکا یک سگ را یک ایرانی زیر ماشین بگیرد آنجا محاکمه می شود اما اگر یک آمریکایی شاه ایران را در ایران زیر ماشین بگیرد در ایران محاکمه نشده و باید در آمریکا محاکمه شود.

این قبیل مسائل خود موجب رنجش مردم و احساسات ضد آمریکایی در ایران شده بود. اکثر سردمداران آمریکایی حاضرند نه برای خوشایند حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت آمریکا بلکه برای تأمین منافع تنها ۵ میلیون صهیونیسم و لابی آنها کشورهای اسلامی را رها کرده و از اسرائیل حمایت کنند. آمریکایی ها علناً از جنایات اسرائیل در سرزمین های اشغالی حمایت می کنند. برای این که این اقلیت در آمریکا حوزه های اطلاعاتی، رسانه ای، اقتصادی و فرهنگی آمریکا را قبضه کرده اند و هر کس می خواهد آنجا رئیس جمهور شود برای جلب نظر لابی صهیونیسم تن به توجیه جنایات اسرائیل می دهد.

در هر صورت این سیاست ها باعث آن خواهد شد که در کشورهای اسلامی احساسات ضد آمریکایی شعله ور شود؛ و این منحصر به ایران هم نیست و حدود یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان در دنیا شعارهای ضد آمریکایی سر می دهند. بجاست ملت آمریکا به دولت خود اعتراض کنند که آبرو و حیثیت کشور بزرگ آمریکا چرا باید دستخوش حمایت از اسرائیل باشد. ملت های مسلمان با ملت آمریکا دشمن نیستند، با روشهای پیش گرفته توسط دولت آن کشور مخالف اند. آمریکایی ها باید به همین قانع باشند که کشورهای اسلامی بازار بزرگی برای مصنوعات آمریکا هستند، و دست از حمایت یک رژیم غاصب بردارد و از تشکیل دولت مستقل فلسطینی حمایت کند.

* احساس شخصی آیت الله خمینی در مورد آمریکا چه بود؟

حکومت استبدادی شاه را آمریکایی ها با کودتای ۲۸ مرداد سر کار آورده و سرپا نگه داشتند و تا آخر کار هم از شاه و سیاست های وی حمایت کردند. خوی

ضد استبدادی مردم ایران موجب شد که مردم از آمریکا منزجر شوند، و از شعارهای اساسی مردم هم استقلال بود. آیت‌الله خمینی هم از این جهت که شاه بر اثر حمایت‌های آمریکا مجدداً روی کار آمده و جنایاتی را با حمایت آنها انجام می‌دهد به آمریکا لقب شیطان بزرگ داد. مقصود ایشان هم ملت آمریکا نبود بلکه دولت آمریکا بود.

[تسخیر سفارت آمریکا]

* در رابطه با تسخیر سفارت آمریکا، این واقعه چقدر متأثر از احساسات ضد آمریکایی بود؟ اشغال سفارت آمریکا در حقیقت عکس‌العملی بود به سیاست‌های دولت آمریکا. فشارهایی که به ملت ایران طی سالیان متمادی از سوی آمریکا و دست‌نشانده آنها به ملت وارد می‌شد باعث برانگیخته شدن احساسات ضد آمریکایی مردم شد. به نظر می‌رسد باید در حال حاضر گذشته را به فراموشی سپرد و آمریکایی‌ها هم در روش خویش تجدیدنظر کنند و دیوار جدایی میان این دو کشور از میان برداشته شود. همان‌گونه که ژاپنی‌ها علی‌رغم ضربه خوردن از آمریکا در دو شهر ناکازاکی و هیروشیما، به واسطه حفظ منافع کشورشان رابطه با آمریکا را ادامه دادند؛ چون امروزه نمی‌توان بین کشورهای جهان را دیوار کشید بلکه دولت‌ها و ملت‌ها نیاز به ارتباط با یکدیگر دارند. البته تأکید می‌کنم آمریکا باید دست از حمایت اسرائیل بردارد. در فلسطین قبل از اشغال آن پیروان ادیان اسلام، مسیح و یهود در کنار هم زندگی خوش و آرامی داشتند ولی اکنون با سیاست‌های اشغالگرانه و حمایت‌های آمریکا مشاهده می‌کنید که چه وضعیت فلاکت‌باری آنجا وجود دارد.

[انقلاب یعنی تحوّل در روشهای گذشته]

* شما امیدوار بودید به آینده خیلی بهتر و یا این‌که در همان زمان هم نگرانی‌هایی داشتید که

انقلاب به کجا خواهد رفت؟

البته ما امیدوار بودیم که فقط به لفظ انقلاب قناعت نکنیم و واقعاً در روشهای گذشته که توسط رژیم شاه انجام می شد تحول صورت گیرد. شاه محاکمه، زندان و مجازات بیجا می کرد، با کمال تأسف الآن مشاهده می کنیم بسیاری از روشهای سابق تکرار می شود آن هم به اسم اسلام و دین، و طبعاً موجب بدبینی به اسلام می شود.

[کشور متعلق به همه مردم است]

* در جریان انقلاب گروههای زیادی نقش داشتند، مجاهدین خلق، کمونیست ها، لیبرال ها و گروههای دیگر که گروه اسلامی حاکم شد و آنها را کنار زد. در این مورد توضیح خاصی دارید بفرمایید؟

این که گروههای زیادی در انقلاب نقش داشتند درست است، ولی پس از پیروزی برخی از آنها انتظار داشتند حکومت صد درصد در اختیار آنها باشد و وقتی میسوس شدند دست به اسلحه بردند. البته به نظر من حذف آنها به طور کلی کار درستی نبود، قاعده اش این بود که آنها آزادانه در انتخابات کاندیدا می شدند و اگر مردم به آنها تمایل داشتند چه اشکالی داشت آنها هم چند نماینده در مجلس داشته باشند. اگر مخالف خوانی هم می کردند ضرری به جایی نمی زد. بالاخره طرد کلی و حذف آنها نه تنها صحیح نبود بلکه باعث شد که آنها جبهه گیری کنند.

من یادم هست مسعود رجوی در زندان در شب چهارم آبان نزد من آمد و می گفت: شما به آیت الله خمینی در پاریس بنویسید که ما یک گروه مسلمان و مسلح و مجهزیم شما کشور را در اختیار ما بگذارید. با چنین انتظاری و از سوی دیگر طرد کلی آنها مشکلات زیادی را تحمل کردیم و هنوز هم ادامه دارد.

کشور متعلق به همه مردم است، و همه طبقات در سیاست کشور حق اظهار نظر و انتخاب دارند، همان گونه که اقلیت های دینی نیز حق انتخاب نماینده دارند.

[چرا اتحاد تبدیل به افتراق شد؟]

* گروههای دخیل در پیروزی انقلاب نوعاً دارای یک وحدت بودند. چه روندی پیش گرفته شد که این اتحاد تبدیل به افتراق شد؟

قدرت طبعاً انحصار طلبی و استبداد می آورد، هر کس در انقلاب شریک پیروزی بود می بایست جذب می شد. همین مجاهدین خلق شب ۲۲ بهمن بعضی از یادگانهای مهم را در تهران اشغال کردند که خود عامل تأثیرگذاری در پیروزی انقلاب بود. در هر صورت قدرت در غیر معصومین استبداد و انحصار طلبی در پی خواهد داشت. وقتی با اینجانب که شخص دوم انقلاب بودم این گونه برخورد می شود و تذکرات مشفقانه مرا ضدیت با انقلاب تلقی می کنند و بیش از ۵ سال محصور می کنند، با دیگران چه برخوردی می شود؛ خدا می داند.

[جنگ ایران و عراق]

* مدتی که از انقلاب گذشت مهمترین حادثه ای که اتفاق افتاد جنگ بود، برخی می گویند جنگ نوعی انتقام گیری آمریکا از ایران بود به دلیل تسخیر سفارت آمریکا در تهران، چه دیدگاهی در این مورد دارید؟

صدام یقیناً به تنهایی نمی توانست با مردم ایران وارد جنگ شود، کشورهای دیگر چون آمریکا، شوروی سابق و برخی کشورهای اروپایی و عربی کمک های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی کردند، که البته با پیروزی انقلاب هم موافق نبودند. من روزی به آیت الله خمینی - هنگامی که هنوز جنگ شروع نشده بود ولی زمزمه هایی در بین بود - گفتم: اگر در یک کشور انقلاب شود لازمه اش این است که با ارسال گروههای حسن نیت، خیال همسایه ها را راحت کنیم که ما کاری به منافع شما نداریم؛ و اگر این کار انجام می شد آنها از ما و انقلاب ما وحشت نمی کردند، که ایشان در آن موقع نظرشان این نبود که چنین کاری انجام شود.

[صدور انقلاب به سایر کشورها]

* مهمترین شعاری که بعد از انقلاب در سیاست خارجی داده می شد صدور انقلاب به سایر کشورها بود.

عقیده ما این بود که ملتی اگر قیام کند و در مقابل استبداد پیروز شود، قاعدتاً در کشورهای دیگر اثر دارد. اگر انقلابی معقول و صحیح باشد و ملت های دیگر مشاهده کنند که ملتی با دست خالی با هماهنگی همه طبقات و با ایمان و اتکال به خدا در مقابل حاکم جور و ستم و استبداد قیام کرده و پیروز شدند، خواهی نخواهی ملت های دیگر از آن الگو می گیرند؛ و هیچگاه هدف صادر کردن انقلاب به طور رسمی به سایر کشورها نبود. البته آمریکا و برخی کشورها از الگوپذیری سایر ملت ها هراس داشتند؛ و می توان حمایت آنها از جنگ را هم عاملی تدافعی برای جلوگیری از این الگوپذیری دانست. در هر صورت ملت ایران هیچگاه قصد اشغال یا تسخیر کشور دیگری را نداشت.

* پس از انقلاب چه کمک هایی توسط ایران به فلسطینی ها شده است؟

من از این امر اطلاع ندارم؛ ولی به دستور اسلام اگر مسلمانی از هر گوشه عالم فریادش بلند شد و نیاز به کمک دارد، دیگران باید به او کمک نمایند. این مطلبی است که وجدان و عقل نیز بدان حکم می کند. امام علی علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهم السلام وصیت می کنند: «دشمن ظالم و کمک مظلوم باشید». من هم برای فلسطینی ها ناراحتم و اگر امکان آن باشد به ملت فلسطین کمک می کنم، اما این که دولت ایران کمک می کند یا نه من نمی دانم.

* بویژه بعد از انقلاب فعالیت های ضد اسرائیل در لبنان انجام می شد. این مبارزات چه نتایجی

داشت؟

پاسخ سؤال را کسانی باید بدهند که در حاکمیت بوده اند. من تنها یک روحانی بودم ولی از ظلم ها و تعدیات به فلسطینی ها و دیگران متأثر شده و می شوم. اما این که این کمک ها چه نتایجی داشته است من از آن اطلاعی ندارم؛ البته هرگونه عملی نتیجه ای را به دنبال دارد، کم یا زیاد.

[رد صلاحیت‌کاندیدها توسط شورای نگهبان مصداق سلب آزادی است]

* اگر کل انقلاب را در نظر بگیریم انتخابات در آن آنچنان عادلانه نبوده، و از همان اول انقلاب تا به حال این‌گونه بوده است، اصلاحات هم راهی به جایی نبرد، الان کشور به چه سمتی می‌رود؟ پاسخگو بودن در صورتی است که کسی در رأس باشد، من طلبه‌ای هستم در قم و مسئولیتی ندارم و به قولی کنار گذاشته شده‌ام، اما به نظر من اصل انقلاب کار درست و مبارکی بود ولی شعارهای اولیه انقلاب بویژه آزادی و جمهوری اسلامی عملاً انجام نشده است. باید توجه داشت حکومت با زور و قلدری و انحصارطلبی دوام ندارد. این که چند نفر در شورای نگهبان بنشینند و افراد را بالا و پایین کنند، عده‌ای را به خواست خود رد صلاحیت نمایند، برخلاف حقوق ملت است. در انتخابات اخیر مجلس دیدیم افراد صالح و متخصص را کنار زدند و به گونه‌ای افراد مورد دلخواه را مهره‌چینی کردند. بهترین روش برای حتی تقویت دین آن است که به مردم آزادی بدهند. تجربه نشان داده است که دین در جوامع دارای آزادی بیشتر رشد می‌کند.

* این آزادی چگونه باشد؟

همین دخالت‌های بیجای شورای نگهبان به نام دین و اسلام نباید باشد. در انتخابات باید آزادی باشد، نمایندگان مردم هم باید آزادانه نظرات خویش را بیان کنند و کسی هم جرأت نکند با دادگاه‌های غیرقانونی مثل دادگاه انقلاب و ویژه روحانیت با آنها برخورد کند. این‌گونه محاکم غیرقانونی زمان شاه هم بود و هر کجا کم می‌آورد از عده‌ای رجاله استفاده می‌کرد و آنها را برای برخورد با مخالفان به میدان گسیل می‌داشت.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مصاحبه خبرنگار نشریه «شیکاگو تریبون»

۱۳۸۲/۱۲/۱۲

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

[ولایت فقیه]

* یکی از کسانی که ایده ولایت فقیه را مطرح کردند شما بودید. همچنان فلسفه ایجاد شورای نگهبان برای چه بود؟

در رابطه با ولایت فقیه، چون انقلاب در سال ۵۷ به پیروزی رسید شعار «جمهوری اسلامی» همراه با «استقلال» و «آزادی» همیشه مطرح بود. مردم حاکمیتی را می خواستند که علاوه بر حکومت مردمی دارای عنصر اسلامیت هم باشد. در اسلام تنها احکام تعبدی و اخلاقی وجود ندارد بلکه احکام سیاسی، اقتصادی، جزائی و اجتماعی بسیاری وجود دارد. برای اجرای چنین احکامی قاعداً باید کسی امر حکومت را به دست بگیرد که آگاه به این مسائل باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» یعنی شایسته ترین مردم به امر حکومت مسلمین کسی است که قویترین آنان بر حاکمیت و داناترین آنان به دستورات الهی در آن باشد. تفاوتی هم ندارد این شخص اعلم و اقوی معمم باشد یا فرد دیگری. در زمان آیت الله خمینی در قانون قید «مطلقه» مطرح نبود و پس از درگذشت ایشان در بازنگری این قید اضافه شد و با این کار فقیه فراقانون شد و دیگر قوا بویژه قوای انتخابی عملاً بی خاصیت شدند. هدف از ولایت فقیه که همان ولایت فقه است، انجام امور در

قوای سه گانه بر اساس اسلام بود، ولی با اضافه نمودن «مطلقه» یک قدرت فراقانونی را رسمیت دادند.

[فلسفه ایجاد شورای نگهبان]

در رابطه با شورای نگهبان هم وظیفه اصلی آقایان این است که برخلاف موازین اسلام و قانون اساسی قانونی تصویب نشود، و نظارت بر انتخابات برای این بود که قوه مجریه در امر انتخابات تخلف و دخالت بیجا نکند و جلوی دخالتها گرفته شود، ولی متأسفانه خود شورای نگهبان افراد را بالا و پایین می نمایند، بسیاری را رد صلاحیت بیجا می کنند؛ افراد علاقه مند، زجرکشیده و متخصص و دلسوز را برخلاف عقل و شرع از صحنه سیاسی خارج می کنند. شورای نگهبان می خواهند انتخاب شوندگان هماهنگ با آنان باشند؛ غافل از این که آنان قیم مردم نیستند و کشور متعلق به همه مردم می باشد.

* آیا شما با افراد ملی گرا چون بنی صدر تبادل نظر داشته اید؟

در مجلس خبرگان قانون اساسی با آقای بنی صدر تبادل نظر داشتم، البته اختلاف نظراتی هم وجود داشت ولی اهل جنگ و جدال نبودیم. وقتی به پاریس برای دیدار آیت الله خمینی رفته بودم ایشان برای من منزل تهیه کردند. ایشان عمده اختلاف نظرشان درباره ولایت فقیه بود.

درباره خبرگان قانون اساسی این نکته را باید مد نظر داشت که اعضای آن سابقه قانونگذاری نداشتند و توجه نداشتند که سرانجام تصویب بسیاری قوانین چه خواهد شد و چه تضادهایی را در پی دارد. آنچه که برای آنان اهمیت داشت حفظ قداست و موقعیت شخص آیت الله خمینی بود.

[مسئولیت پس از پیروزی انقلاب]

* شما پس از پیروزی انقلاب چه فعالیتی داشتید؟

پس از پیروزی انقلاب به قم آمده و مشغول درس و بحث و مباحثه علمی شدم تا این که برای مجلس خبرگان قانون اساسی از تهران انتخاب شدم و در آن مجلس اینجانب را به ریاست برگزیدند و آیت‌الله خمینی هم مرا به امامت جمعه تهران نصب کردند. پس از اتمام دوره مجلس خبرگان قانون اساسی به ایشان عرض کردم: روحیه من با ماندن در تهران سازگار نیست و قصد بازگشت به قم را دارم و شما فرد دیگری را برای امامت جمعه نصب کنید. ایشان فرمودند: خود شما هر کس را می‌خواهید معین کنید. من آقای خامنه‌ای را چون خطیب بود به ایشان معرفی و برای امامت جمعه تهران معین کردم.

احساس ما پس از پیروزی انقلاب این بود که کارهای سابق که در رژیم شاه انجام می‌شد دیگر تکرار نشده و هیچ بی‌گناهی زندانی نمی‌شود. جلوی خودسریها گرفته شود و در تمام کارها تحول صورت گیرد، متأسفانه اسم انقلاب اسلامی هست ولی محتوا کم‌کم عوض شد و همان کارهای خلاف با اسم و رسم دیگری انجام می‌گیرد؛ و چون به نام اسلام انجام می‌شود چهره اسلام را خشن جلوه می‌دهد. حال آن که اسلام دین رحمت و عطف است. سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام و دیگر بزرگان دین این گونه نبود.

*** شما چه زمانی احساس کردید مسیر دارد عوض می‌شود؟**

آنچه ما در این چند ساله عمرمان تجربه کرده‌ایم این است که قدرت در دست هر شخص غیر معصوم باشد موجب استبداد و انحصارطلبی می‌شود و خود را حق محض و دیگران را باطل محض می‌پندارد. یک باند و گروه خاص، خودی محسوب می‌شوند و دیگران ظاهراً نه مسلمانند نه ایرانی! در روایت امام معصوم علیه السلام می‌فرمایند: «من ملک استأثر» کسی که حاکم و مالک شد خود را بر دیگران مقدم می‌دارد. از زمان خود آیت‌الله خمینی کارهای خلاف صورت می‌گرفت، مثلاً افراد زیادی را اعدام کردند و به تذکرات و اعتراضات هم ترتیب اثر ندادند.

[برکناری از مسئولیت]

* احساس شما و خانواده شما پس از برکناری از قائم مقامی رهبری چه بود؟

من که خیلی خوشحال شدم. مرحوم پدر من وقتی خبر را شنیده بود سجده شکر به جا آوردند. حکومت چیزی جز مسئولیت نیست و آدم عاقل حتی المقدور زیر بار آن نمی رود مگر آن که وظیفه اقتضا کند. امام علی علیه السلام هنگامی که حاکم بودند روزی کفش خود را وصله می زدند، ابن عباس اعتراض کردند که شما با این موقعیت چرا نشسته و کفش خود را ترمیم می کنید؟ امام فرمودند: «والله لاهی أحبّ إليّ من امرکم إلاّ أن أقیم حقاً أو أدفع باطلاً» به خدا قسم این کفش پاره از حکومت بر شما محبوبتر است مگر این که حق را به پای دارم یا باطلی را دفع نمایم. چون کفش حاجت انسان را رفع می کند ولی حکومت جز مسئولیت و گرفتاری چیز دیگری نیست.

[احساس ایشان در زمان تهاجم نیروهای حزب الله و نیز دوران حصر]

* می خواستم بدانم زمانی که نیروهای انصار حزب الله به بیت شما تهاجم کردند چه حالتی و

حسی داشتید؟

به بیت و دفتر و حسینیه اینجانب چندین بار تهاجم شد، در ۱۳ رجب (۲۳ آبان ۱۳۷۶) من یک سخنرانی کردم، قصد من هم خیرخواهی بود و بس؛ یکی از تذکرات من به آقای رئیس جمهوری بود که شما با این پشتوانه مردمی باید استقلال داشته باشید، و مطالب دیگر چون مرجعیت شیعه، اطلاعات و... که نیروهای سازماندهی شده به بیت و حسینیه و دفتر یورش آوردند و حتی می خواستند اینجانب را از خانه شخصی ام بیرون برده به وسط جمعیت ببرند. چه هدفی در سر داشتند خدا می داند. ولی من زیر بار نرفتم و مقاومت کردم. پس از آن بیش از ۵ سال محصور شدم و پس از آزادی هم بسیاری از امکانات گرفته شده را بازپس ندادند؛ چون حسینیه محل تدریس من، منزل جنب حسینیه، دفتر مشهد و جوهاتی که از دفتر من بردند. در حقیقت رفع حصر کامل نشده است.

* شما در لحظه‌های حصر چه احساسی داشتید؟

من شخصاً هیچ ناراحت نبودم، تنها ناراحتی من از انجام کارهای خلافی بود که به نام اسلام انجام شد و می‌شود و به مال و خون و اعراض مردم تجاوز می‌شود و موجب انزجار مردم شده است.

من گوشه‌ای این اتاق کوچک ایام را طی می‌کردم و باکی هم نداشتم. روزها و شب‌های اول نیروهایی را روی پشت بام منزل ما گذاشته بودند، آنها روی بام در حرکت و مزاحم بودند.

* از فرزندان پسر شما هر سه نفر روحانی شدند. از سیزده نوه شما چرا هیچ کدام به سلک روحانیت در نیامدند؟

یکی از نوه‌های اینجانب سید روح‌الله هاشمی طلبه شد، طلبه خوش ذهن و حافظه‌ای هم بود. در ماجرای تهاجم به حسینیه (در بهمن ۱۳۷۱) برخورد فیزیکی بدی با ایشان شد و به او چند سیلی هم زده بودند، این برخورد موجب زدگی او شد. افراد دیگری هم بودند که متأسفانه به واسطه برخورد‌های تند و خشن از روحانیت بیزار شده‌اند. من خودم خیلی علاقه داشتم نوه‌های من همگی طلبه باشند.

[بزرگترین اشتباه در موضع‌گیری]

* من با خیلی‌ها که صحبت می‌کردم همگی این خصوصیت شما را که به اشتباه خودتان اعتراف می‌کنید ستوده‌اند، به نظر شما بزرگترین اشتباه در موضع‌گیریهاتان چه بوده است؟

من یادم هست که در یک سخنرانی در سالگرد انقلاب گفتم: ما خطاها و اشتباهاتی داشته‌ایم، باید به آنها اعتراف کرده و توبه سیاسی کنیم. ما در جنگ شعارهای بیجا دادیم (که من خودم هم جزء آنها بودم) به اسم انقلاب موجب تنش میان خود و دیگر کشورهای همسایه شدیم و موجب وحشت آنها شد. آمریکا و برخی از کشورها هم از این شعارها سوءاستفاده کردند. در رابطه با جنگ پس از فتح خرمشهر به بیت امام پیغام دادم: الآن فرصت خوبی است تا از عراقی‌ها امتیاز و غرامت بگیریم؛ که آنجا

گفته بودند فلانی بوی دلار به مشامش خورده است. جنگ آنقدر از دو طرف تلفات گرفت که آیت‌الله خمینی مجبور شدند جام زهر را بنوشند.

یا در رابطه با اشغال سفارت آمریکا؛ آن زمان احساسات بر عقل غلبه کرد، من هم حمایت کردم. ولی قطع رابطه با آمریکا وحی منزل و ابدی نیست، باید هرچه زودتر دیوار بی‌اعتمادی را خراب کرد. درست است که مردم ما از پیشینه آمریکایی‌ها در کودتای ۲۸ مرداد و ماجرای کاپیتولاسیون و... عصبانی بودند ولی ادامه این وضعیت به زیان ملت‌های هر دو کشور است. خلاصه ما می‌توانستیم جلوی خیلی کارها را بگیریم ولی این کار را نکردیم.

* شما دوست دارید بعد از این کشور چگونه اداره شود؟

مسئولین باید نسبت به مردم و خواسته‌های آنها انعطاف داشته باشند؛ بازداشت‌ها، دخالت‌های بی‌جای شورای نگهبان در امر انتخابات، تضییع حقوق مردم، انحصارطلبی و استبداد و روشهای گذشته همگی در نحوه اداره کشور اختلال ایجاد می‌کند، که همه ما آرزو داریم از آنها دست برداشته شود. اگر مخالفتی هم داریم با اشخاص نیست، ما با کسی بغض نداریم، با کارهای صورت گرفته مخالفیم.

* شما از شاگردان آیت‌الله خمینی و نماینده تام‌الاختیار ایشان بوده‌اید؟

اینجانب شاگرد مرحوم آیت‌الله بروجردی بودم و در درس آیت‌الله خمینی هم شرکت می‌کردم و به همراه ایشان به درس آقای بروجردی (طاب‌ثراه) می‌رفتیم، و بعداً نیز مدتی به درس ایشان حاضر می‌شدم. در زمان مبارزات انقلاب، ایشان که در خارج از کشور بودند هدایت فعالیت‌های انقلابی را از باب وظیفه به عهده داشتیم. من برای ایشان قداست و احترام زیادی قائل بودم. من همیشه حفظ احترام ایشان را بر خود لازم می‌دانستم. البته چون از ایشان دور بودم در برخی مسائل نظریاتم را به وسیله نامه به ایشان اعلام می‌کردم، هرچند این کار خوشایند برخی افراد نبود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پیام به مناسبت شهادت مظلومانه عزاداران حسینی در روز عاشورا

۱۳۸۲/۱۲/۱۳

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾
إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

بار دیگر سنگدلان بی وجدان و دشمنان اسلام و قرآن در روز عاشورای حسینی در کربلای معلّی و شهر کاظمین عراق عاشورایی دیگر آفریدند.

عترت طاهره نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بر حسب حدیث «ثقلین» مستفیض بین فریقین عدل کتاب الهی شمرده شده‌اند و تمسک به آنان همچون تمسک به قرآن کریم بر امت اسلامی واجب شده است، پیوسته در اعصار گذشته مظلومانه مورد هجوم قدرتمندان و دشمنان ستمگر قرار گرفته‌اند، و اینک نیز در روز عاشورای حسینی، شیفتگان و عزاداران آن حضرت در کربلای معلّی و کاظمین و کویته پاکستان بر اثر انفجارها و تهاجماتی وحشیانه به خاک و خون کشیده شدند به گونه‌ای که صدها نفر شهید و جمع بسیاری مجروح گشتند.

اینجانب ضمن محکوم کردن این قبیل جنایات هولناک و طلب رحمت واسعه الهی و علو درجات برای شهدای عزیز و شفای عاجل برای همه مجروحین و تسلیت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و علمای اعلام و حوزه‌های علمیه و برادران و خواهران مسلمان و همه آزادیخواهان جهان و بویژه بازماندگان محترم آن عزیزان و طلب صبر جمیل و اجر جزیل برای آنان، یادآور می‌شوم:

۱- کسانی که این جنایات را مرتکب شده‌اند ممکن است در پی ایجاد اختلاف

بین مذاهب و فرقه‌های مختلف مسلمان باشند و بخواهند با این‌گونه اعمال ننگین جنگ و برادرکشی را بین مسلمانان ایجاد کنند، غافل از این‌که پیروان متعهد مذاهب اسلامی علی‌رغم اختلاف نظرهایی که دارند همگی پیرو پیغمبر رحمة للعالمین بوده و نسبت به اهل بیت و عترت آن حضرت علاقه‌مند و در مقابل دشمنان اسلام و قرآن هماهنگ و متحد می‌باشند.

۲- اینجانب اطلاع دارم که همه طوائف کشور عراق از قبیل شیعه و سنی، کرد و عرب خواستار کشوری مستقل و آزاد و اجرای انتخاباتی فراگیر زیر نظر سازمان ملل می‌باشند. مصلحت دولت‌های آمریکا و انگلیس و... و ملت‌های آنها تن دادن به این خواست مردم عراق و کمک در جهت ایجاد یک دولت مستقل و پر قدرت در این کشور و پایان دادن به اشغال است.

۳- از سازمان ملل متحد - به عنوان نماینده همه کشورهای جهان - انتظار می‌رود با تعیین هیئتی هرچه زودتر به کمک دولت موقت عراق بشتابد و نسبت به شناخت آمرین و عاملین این قبیل جنایات تحقیق نموده و مردم را از نتیجه آن آگاه نماید. پیروان همه ادیان الهی و بلکه همه مردم جهان زندگی همراه با آسایش و آرامش و احترام به حقوق دیگران را دوست دارند. ترقی و تعالی مادی و معنوی جز در تحمل نظرات خیرخواهان و استفاده از نظرات بهتر میسر نیست، و این‌گونه جنایات و تجاوز به حقوق دیگران اقداماتی ضد بشریت محسوب گشته و در هر مسلک و مرامی محکوم است.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۱۱ محرم الحرام ۱۴۲۵ - ۱۳/۱۲/۱۳۸۲

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

« ٦١ »

پاسخ به تسلیت شهادت شیخ احمد یاسین رهبر حماس

۱۳۸۳/۱/۵

﴿ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

محضر مبارک استاد آیت الله العظمی منتظری

سلام علیکم

شهادت جانگداز مجاهد فی سبیل الله، بنیانگذار و رهبر معنوی حماس، مرحوم مغفور شیخ احمد یاسین را تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند بزرگ برای آن قهرمان مسلمان فلسطین رحمت و رضوان، و برای تروریسم دولتی اسرائیل غاصب خذلان و نابودی، و برای مسلمانان اتحاد و عزم جدی برای مبارزه با صهیونیسم، و برای فلسطین عزیز آزادی و رهایی خواستارم. آمین یا رب العالمین.

شاگرد شما: محسن کدیور

﴿ بِسْمِ تَعَالَى ﴾

پس از سلام و تسلیت متقابل به مناسبت شهادت ناگوار و از دست رفتن مجاهد فی سبیل الله رهبر حماس مرحوم مغفور شیخ احمد یاسین - طاب ثراه - که عمر شریف خویش را در راه خدمت به اسلام عزیز و دفاع از حقوق مردم مظلوم فلسطین سپری نمود، یادآور می‌شوم:

دولت غاصب اسرائیل که بر اساس ترور بندگان خدا و اشغال اراضی مسلمانان و مسیحیان فلسطین پدید آمده، اگر گمان می‌کند که با اعمال این قبیل جنایات ظالمانه

امنیت شهروندان خود را تأمین می‌کند سخت در اشتباه است؛ زیرا هیچ ظلم و جنایتی از دید خدای عادل و مهربان مخفی نمی‌ماند.

در سوره اعراف آیه ۱۶۷ از قرآن کریم در رابطه با خودخواهی‌ها و برتری‌طلبی‌های یهود می‌خوانیم:

﴿و إِذْ تَأَذَّنَ رَبِّكَ لِيُبَعِثَنَّ عَلَيْهِمُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ...﴾ (و خداوند اعلام کرد که بر قوم یهود کسانی را مبعوث خواهد کرد که تا روز قیامت آنها را عذابی سخت کند که پروردگارت زود عقوبت می‌کند).

امید است سران کشورهای اسلامی و همه مسلمانان و آزادیخواهان جهان با اتحاد و هماهنگی کامل در راه جهاد و مبارزه علیه این غده سرطانی که به دست استعمارگران خارجی شکل گرفته و تقویت می‌شود به وظیفه اسلامی و وجدانی خویش عمل نمایند. والسلام علیکم.

۱۳۸۳/۱/۵

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های خبرنگار مجله «تایم» چاپ آمریکا

۱۳۸۳/۱/۲۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

[حکومت آینده عراق]

آیت‌الله العظمی منتظری در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله «تایم» چاپ آمریکا در مورد حوادث اخیر عراق اظهار داشتند:

عراق کشور مستقل و بزرگی است و قصد دخالت در امور داخلی آن کشور را ندارم ولی به لحاظ این که مردم عراق مسلمانند و کشور همسایه ماست و عتبات عالیات ائمه اطهار علیهم‌السلام در آنجاست و مشترکات فرهنگی بسیاری میان ما وجود دارد تنها نظر خود را بیان می‌کنم. آمریکایی‌ها اگر چه مورد انتقاد واقع شده‌اند که چرا سلاحهای کشتار جمعی مورد ادعای آمریکا در عراق یافت نشد، ولی به نظر می‌رسد خود صدام از هزاران سلاح کشتار جمعی خطرش برای منطقه و بلکه جهان اسلام بیشتر بود. با این حال من بارها گفته‌ام آمریکایی‌ها لازم است هرچه زودتر پس از حمایت از تشکیل دولت مستقل و مردمی با نظارت سازمان ملل طی یک انتخابات آزاد هرچه زودتر کشور عراق را ترک کنند وگرنه عراق باتلاق دیگری نظیر ویتنام برای آمریکایی‌ها خواهد شد، و سربازان آمریکایی بیش از این تلف می‌شوند، خانواده‌ها داغدار و خسارت آن را مردم آمریکا متحمل خواهند شد.

ایشان در ادامه فرمودند:

البته نظرات بزرگان و علمای صاحب نفوذ چون آیت‌الله سیستانی باید مورد توجه قرار گیرد.

[گروه مقتدی صدر و جیش المهدی]

آیت الله منتظری درباره گروه مقتدی صدر و «جیش المهدی» فرمودند: اگر چه طرفداران مقتدی صدر نام «سربازان مهدی» برای خود برگزیده‌اند ولی حضرت مهدی (عج) هیچ‌گاه راضی نخواهند بود که به نام ایشان تفرقه، جدایی و جناح‌بازی پدید آید. قاعده‌اش این است که با هماهنگی با آیت الله سیستانی و سایر علمای اعلام و با اتحاد با مذاهب اهل سنت و کردها که مسلمانند دولتی با ثبات را تشکیل دهند، وگرنه ادامه چنین وضعیتی برای همگی خطرناک خواهد بود.

فقیه عالیقدر در پاسخ به پرسش خبرنگار تایم مبنی بر حمایت ایران از مقتدی صدر و هدف وی جهت تشکیل حکومت مستقل و این که می‌خواهیم حکومتی مانند ایران در عراق تشکیل دهیم گفتند:

اینجانب از حمایت ایران از ایشان اطلاع ندارم. ایشان اگر چه از خانواده آیت الله شهید صدر است ولی ضرورت دارد با بزرگان و علمای اعلام و نخبگان هماهنگ باشند. خدا در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا﴾ همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. و همچنین می‌فرماید: ﴿ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم﴾ نزاع نکنید که ضعیف می‌شوید و قدرتتان از دست می‌رود.

از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه آنان را مسألت می‌نمایم.

۱۳۸۳/۱/۲۱

دفتر آیت الله العظمی منتظری

«۶۳»

پاسخ به تسلیت شهادت عبدالعزیز رنتیسی رهبر حماس

۱۳۸۳/۲/۱

﴿ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

محضر مبارک فقیه عالیقدر استاد آیت الله العظمی منتظری

سلام علیکم

در آستانه سالگرد رحلت رسول اکرم ﷺ شهادت جانگداز عبدالعزیز رنتیسی رهبر جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) که به فاصله کمتر از یک ماه از ترور رهبر پیشین آن مرحوم شیخ احمد یاسین توسط دولت نامشروع و غاصب و تروریست اسرائیل صورت گرفت را به حضرتعالی تسلیت عرض می‌کنم. بی شک حمایت دولت جنگ طلب آمریکا از شارون در این اقدامات ضد بشری مؤثر بوده است. خداوند آن مجاهد فی سبیل الله و فرزند و همراهانش را در جوار رحمت خویش مأوی دهد، و به مسلمانان و همه حق طلبان جهان برای مبارزه با این ظلم آشکار همت و عزم بیشتر عنایت فرماید.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَشِدَّةَ الْفِتْنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

شاگردتان: محسن کدیور

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

پس از سلام و تسلیت متقابل به جنابعالی و ملت مظلوم و مجاهد فلسطین و همه مسلمانان و آزادیخواهان جهان که مخالف ظلم و جنایت و اشغالگری و ترورهای ناجوانمردانه می‌باشند یادآور می‌شوم: اینجانب از ملت بزرگ و آزادیخواه آمریکا در

تعجبم چگونه به دولت خود اجازه می دهند با آبروی آنان بازی کند و از دولت غاصب اسرائیل که بر اساس اشغال اراضی دیگران و ترورهای ظالمانه پدید آمده و به آنها ادامه می دهد حمایت نماید، و بدین وسیله در روابط بین دولت آمریکا و بیش از یک میلیارد و دویست میلیون مسلمانان جهان خلل وارد نماید.

این کار برخلاف عقل و وجدان و ادیان الهی و مصالح دولت و ملت آمریکا می باشد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته.

۱۳۸۳/۲/۱

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

دیدار اعضای انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

۱۳۸۳/۲/۳

﴿ بسمه تعالی ﴾

اعضای انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در سال جدید طی دیداری در قم با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری گزارشی از فعالیت‌های انجمن را در راستای دفاع از آزادی مطبوعات مطرح کردند.

[دفاع از حقوق مردم]

در ابتدای این دیدار فقیه عالیقدر ضمن خوشامدگویی اظهار داشتند: من از این که با وجود فشارها، اعضای انجمن وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهند تشکر می‌کنم. انسان اگر حرفی می‌زند که حق است باید استقامت داشته باشد. خداوند در سوره هود خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿فاستقم كما أمرت و من تاب معك﴾. استقامت پیامبر به جای خود ولی استقامت اصحاب نیز در حقیقت برعهده آن حضرت گذاشته شده، و لذا نقل شده که فرمودند: «شیبنتی سوره هود» سوره هود مرا پیر کرد.

و در نهج البلاغه می‌خوانیم: «أیها الناس لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة أهله» یعنی در راه حق به واسطه کمی اهل آن وحشت نکنید. دفاع شما از مطبوعات که به عنوان رکن چهارم آزادی و دموکراسی مطرح است، دفاع از حقوق مردم و اجتماع است. واقعیت این است که دنیا همیشه صحنه جنگ حق و باطل بوده و باید بر حق تکیه کرد و هراسی هم نداشت؛ من به نوبه خود از استقامت و پایداری شما روحیه می‌گیرم.

[لزوم آزادی فکر، عقیده و بیان]

ایشان ضمن اشاره به لزوم آزادی فکر، عقیده و بیان گفتند: از باب مثال کتابی که اخیراً از اینجانب به نام «از آغاز تا انجام» - که دست نوشته‌های بنده در زندان اوین و در تبیین برخی مباحث کلامی است - به چاپ رسیده است به دلیل آن که در پاورقی آن آمده بود: فرضیه ولایت مطلقه فقیه دلیل عقلی و شرعی ندارد، چند ماه در وزارت ارشاد ماند و اجازه نشر نیافت تا بالاچار آن چند سطر را حذف کردیم و اجازه نشر یافت. این قبیل مسائل بسیار است، افرادی در کشور خود را قیم مردم می‌دانند و فکر می‌کنند همگی باید مانند آنها فکر کرده و عمل کنند. این دیدگاه بایستی عوض شود. کشور از آن مردم است و مردم حق دارند در تمام مسائل اظهار نظر کنند و کسی حق تفتیش عقاید را ندارد.

حکومت مردمی و جمهوری یعنی حتی اگر کسی نسبت به اسلام نیز اشکالاتی دارد آنها را صادقانه بیان کند و اگر کسی به آنها نقد دارد محترمانه نقّادی کند، اگر هم اشکال کننده اهل منطق نیست باید منطقی پاسخ او را گفت. اگر در این گونه موارد از ابراز شبهات جلوگیری شد و پاسخ منطقی داده نشد، این کار در حل مشکلات هیچ کمکی نخواهد کرد و شبهات در ذهن‌ها باقی می‌مانند.

مرحوم آیت‌الله خمینی در پاریس می‌گفتند: در حکومت آینده ما حتی کمونیست‌ها هم در اظهار نظر آزادی خواهند داشت. ولی با کمال تأسف حتی مسلمانان هم از آزادی بیان برخوردار نیستند. در این چند سال حدود صد روزنامه و مجله به بهانه‌های واهی توقیف و تعطیل شد؛ به جای این که از اهل قلم که عمر و فکر خویش را صرف نوشتن می‌کنند تقدیر شود، هر روز گرفتار احضار و بازداشت هستند، و توجه نمی‌شود که تعطیل یک روزنامه چه مقدار خسارت‌های مادی و معنوی در پی دارد.

ایشان ضمن تأکید بر عدم استثناء در امر پاسخگویی گفتند:

تمام افراد از صدر تا ذیل در کشور که دارای مسئولیت هستند باید پاسخگو باشند. حتی رهبر هم مانند یکی از افراد کشور است و امتیاز خاصی ندارد تا از پاسخگویی معاف باشد. او در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

[مخالفان عقیدتی]

آیت‌الله منتظری در مورد مخالفان عقیدتی گفتند:

در برخورد با مخالفان عقیدتی و فکری باید بدون تهمت، افترا، و با رعایت اخلاق اسلامی و انسانی مواجه شد؛ زیرا با گرفتن و زندانی کردن کاری از پیش نمی‌رود. مخالفان نباید از حقوق شهروندی و اجتماعی‌شان محروم شوند. همان‌گونه که امام علی علیه السلام حقوق خوارج نهروان را از بیت‌المال قطع نمی‌کردند و فرمودند: پس از من کسی از آنها را نکشید و مورد تعرض قرار ندهید. برخی از آقایان گفته‌اند: مخالفان عقیدتی، قلم را به جای سلاح به کار می‌برند. در جواب باید گفت: اگر این‌گونه است شما هم باید با سلاح قلم با آنها مبارزه کنید نه با زندان و بازداشت و بگیر و ببند.

[لزوم وجود رسانه‌های آزاد و مستقل از دولت‌ها]

ایشان وجود رسانه‌های آزاد و مستقل از دولت‌ها را لازم دانسته و فرمودند: در اکثر کشورهای جهان شبکه‌های تلویزیونی مستقل و آزاد از دولت و حاکمیت وجود دارد و حتی از مخالفان حکومت برنامه پخش می‌کنند. ولی با این که یکی از شعارهای اساسی انقلاب «آزادی» بود، این امر حتی در بخش رسانه‌ای هم محقق نشده است و رسانه‌های شنیداری و گفتاری آنچه با حاکمیت مناسبت دارد منعکس می‌کنند و به سانسور و بایکوت نظرات مخالفان می‌پردازند.

[تضاد در قانون اساسی]

ایشان در ادامه گفتند:

اگر در قانون اساسی مواردی هم هست که برخی آزادیها را محدود می‌کند، لازم

است من به عنوان یکی از اعضای خبرگان قانون اساسی به این نکته تأکید کنم: زمانی که قانون اساسی بررسی و تصویب می‌شد نوعاً کسانی که در قانونگذاری دخیل بودند سابقه قانونگذاری نداشته و توجه به تضادها و مشکلات بعدی نداشتند. با شناختی که از شخص آیت‌الله خمینی و دیدگاهی که نسبت به ایشان داشتند و ایشان را فردی قدیس با چهره‌ای ملکوتی می‌دانستند، قوانین را مورد تصویب قرار می‌دادند.

این قوانین با این حال برای همان نسل جنبه قانونی داشت و نسل‌های بعدی می‌توانند بگویند گذشتگان ما چه حقی داشتند برای ما قانون تصویب کنند. این مطلبی است که آیت‌الله خمینی به آن در بهشت زهرا تصریح کردند. اخیراً یکی از آقایان گفته بود کسی که قانون اساسی را قبول ندارد خائن است. این چه خیانتی است که کسی قانون تصویب شده توسط گذشتگان را قبول نداشته باشد؟! مگر قانونگذاران معصوم بودند؟! متأسفانه در بازنگری قانون اساسی به ولایت فقیه قید «مطلقه» افزوده شد و اختیارات بسیاری به رهبری داده شد و عملاً دیگر قوا از نظر قانونی و اجرایی خلع سلاح شدند.

[شورای نگهبان و رد صلاحیت‌ها]

آیت‌الله منتظری ضمن این دیدار با اشاره به انتخابات مجلس در اسفند سال گذشته و حوادث پیرامون آن اضافه کردند:

هنگامی که به نظارت استصوابی شورای نگهبان انتقاد می‌شود در جواب می‌گویند: «اگر شما قصد خرید منزل یا ازدواج یا انجام یک معامله داشته باشید تحقیق می‌کنید و اصل را بر براءت نمی‌گذارید» این امر درستی است و عقلایی هم می‌باشد ولی نکته این است که آقای جنتی و آقای یزدی و... صاحب این کشور نیستند تا بتوانند مطابق میلشان تصمیم بگیرند و حقوق دیگران را تضییع کنند. مردم صاحب کشورند و حق دارند هر کسی را که قبول دارند و مطابق افکار خویش می‌دانند

انتخاب کنند. همان‌گونه که اقلیت‌های دینی حق انتخاب دارند سایر طبقات جامعه نیز حق انتخاب دارند، و آقایان و دیگران قیّم و وکیل مردم نیستند تا برای آنها تصمیم‌گیری کرده و افرادی را که مطابق جناح خودشان هستند دارای صلاحیت بدانند و دیگران را ردّ کنند. بیش از $\frac{2}{3}$ مردم که در زمان تصویب قانون اساسی نبودند حق دارند با قانون فعلی مخالف باشند. این معنی جمهوریت است. البته چون مردم مسلمانند اسلامیت نظام مورد نظر مردم است و قوانین بایستی براساس موازین اسلام باشد.

ایشان با اشاره به برخی ردّ صلاحیت‌ها اضافه کردند:

افرادی را که اعتراف دارند مسلمانند، اهل نماز، روزه و انجام فروع و... هستند را متهم به بی‌دینی کرده و ردّ کردند، و حتی به افرادی که روحانی و دارای درجه اجتهاد هستند گفته‌اند شما التزام عملی به اسلام ندارید. فرضاً کسی بگوید من ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارم و بگویم دلیل عقلی و شرعی ندارد، نباید ردّ صلاحیت شود. در پایان این دیدار اعضای انجمن پیرامون موضوعات مختلف از قبیل مطبوعات، آزادی اهل قلم و فعالیت‌های انجمن از جمله اعطای قلم طلایی به فعالترین روزنامه‌نگار کشور و... با آیت‌الله منتظری به تبادل نظر پرداختند. لازم به ذکر است شرکت کنندگان در این دیدار آقایان: کدیور، سیف‌زاده، زهدی، شمس‌الواعظین، حکمت، زیدآبادی و خانم مفیدی بودند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۲/۳

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه دکتر «وُدگ» خبرنگار آلمانی بخش غربی صدای آلمان
و خانم «گارین» خبرنگار نشریه دویچه آلمان

۱۳۸۳/۲/۱۴

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

* خبرنگارهایی که به دیدن شما می آیند آیا فکر می کنید برای شما یک حالت منتقل کننده افکار شما به دنیای خارج هم دارند؟

دنیای امروز دنیای ارتباطات است و خواهی نخواهی خبرها منعکس می شود. حالا اگر کسی باشد که صریحاً مطالب را بشنود و منتشر کند و همان چیزی را که می شنود منتشر کند خیلی بهتر است. بالاخره نمی شود جلوی مخابرات و اطلاعات را گرفت، امروز دنیا به هم وابسته است.

* پس پیامهای شما به دنیای خارج می رسد.
اجمالاً بله.

[عواقب رد صلاحیت ها توسط شورای نگهبان]

* شما فکر می کنید که پس از انتخابات هفتم یک سکون دارد می آید، یک چیزهایی دارد عوض می شود؟

حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون» همه اولاد آدم خطا کار هستند، پس بهترین خطا کاران آنهایی هستند که اگر فهمیدند اشتباه کرده اند توبه کنند و لجاجت نکنند. متأسفانه سیاستمداران و قدرتمندان کمتر به این امر عمل می کنند. یک وقتی من در یک سخنرانی گفتم که امور

سیاسی هم توبه دارد. بسا در سیاست اشتباهاتی رخ داده است، و سیاستمداران چون قدرتمندند اشتباهاتشان هم اشتباهات بزرگی است، باید از اشتباهاتی که کرده‌اند توبه کنند و گذشته‌ها را جبران نمایند. متأسفانه سیاستمداران و قدرتمندان بالا چون یک عده ثناگو دورشان هستند که همیشه از آنها تعریف می‌کنند و مشکلات جامعه به آنها گفته نمی‌شود، آنها خیال می‌کنند بر جامعه مسلط هستند و هر کاری که کردند اعتراضی ندارد. در صورتی که این طور نیست.

انتخاباتی که این دوره انجام شد انتخابات سالمی نبود. بسیاری از آنهایی که دانشمند بودند، به درد بخور بودند، نخبگان جامعه بودند، از انقلابیون ایران بودند، همه اینها را ناروا ردّ صلاحیت کردند، و یک کسانی را که مطابق میل خودشان و از جناح خودشان بودند انتخاب کردند و به خیال خودشان حالا کشور در اختیار آنهاست. اگر آنها بخواهند همین طور که جناحی انتخاب کردند جناحی عمل کنند، خواهی نخواهی ملت صدایش در می‌آید؛ برای این که اکثریت مردم با این انتخابات مخالف بودند. حالا بر فرض اگر الآن هم مردم ساکت باشند ولی منتظر فرصتی هستند. امروز سیاست زور دوام ندارد، چنانکه دین زوری هم ارزش ندارد ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾، با زور نمی‌شود برای مردم دین درست کرد. سیاست هم با زور در جهان امروز پیشرفت ندارد. بنابراین قدرتمندانی که این طور کارها را انجام می‌دهند و مردم را کنار می‌زنند، باید در رفتارشان تجدید نظر کنند. اگر فهمیدند اشتباه کرده‌اند باید توبه کنند. همان طور که گناهان خدا توبه دارد در سیاست هم اگر اشتباه کردند باید توبه کنند. انعطاف پیدا کنند و حقوق جامعه را به آنان بدهند. مردم سفیه نیستند که شورای نگهبان قیم آنان باشند.

الآن کسانی را که در این انتخابات ردّ صلاحیت کرده‌اند، ظلم به اینها شده و ظلم پایدار نیست. بنابراین جامعه هم تا آخر ساکت نخواهد ماند، یک روزگاری مردم سر و صدایشان بلند می‌شود؛ پس لازم است که متصدیان امور توبه کنند و نسبت به جامعه انعطاف پیدا کنند.

[ولایت فقیه]

✽ قبلاً صحبت بود که روحانیون خیلی در کار عملی دخالت می‌کنند تا نظارت، شما فکر می‌کنید چه کارهایی می‌توان در این باره کرد تا فایده داشته باشد؟

اگر می‌خواهند این «ولایت فقیه» را که آقایان گفتند و ما هم می‌گفتیم باقی باشد، راهش این است که همان نظارت بر دولت برای این که موازین اسلامی رعایت می‌شود یا نه حفظ شود و در کارهای دیگر دخالت نکنند. اجرا مربوط به حکومت و دولت است، دولت هم باید متشکل از احزاب سیاسی جامعه باشد، و ولی فقیه آنچه را که برخلاف موازین اسلامی است تذکر دهد. دنیای امروز دنیای تخصص است. ولی فقیه در فقه اسلام تخصص دارد. در اقتصاد تخصص ندارد، در سیاست تخصص ندارد. این کارها را باید به متخصصین ارجاع دهند نه این که اگر کسی ولی فقیه شد در همه کارها بخواهد دخالت کند. این کار کار غلطی است و به استبداد منجر می‌شود. تخصص فقیه بما هو فقیه در فقه است نه در سیاست یا سیاست خارجی یا مثلاً رابطه با آمریکا داشته باشیم یا نداشته باشیم. این امور چه ربطی به ولی فقیه دارد. این را باید سیاستمداران و وزارت خارجه ببینند که مصلحت کشور در این است که با آمریکا مثلاً رابطه داشته باشیم یا نداشته باشیم.

✽ پس به نظر شما نظارت باید نظارت اخلاقی باشد؟

اخلاقی بدین معنی که اگر عمل نکردند تعقیب نشوند نه. چون آنچه که مردم به آن رأی دادند «جمهوری اسلامی» بود، دو کلمه، جمهوری و اسلامی، جمهوری یعنی حکومت مردم، پس باید آرای مردم در نظر گرفته شود، همه طبقات مردم. و اسلامی یعنی بر طبق موازین اسلام؛ از باب این که اکثریت مردم مسلمانند و اسلام این طور نیست که منحصر باشد در مسائل اخلاقی و عبادی، اسلام در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جزائی نیز دستور و برنامه دارد. مردم رأی دادند به حکومت مردمی با حفظ موازین اسلامی. آزادی مطلق به طوری که کارهای خلاف اسلام را هم

آزادانه انجام بدهند برخلاف جمهوری اسلامی است. منتها معنای اسلام این نیست که اقلیت‌های دینی یا آنهایی که مسلمان نیستند از حقوق محروم باشند، آنها هم حقوقشان را دارند، چنان‌که نماینده هم در مجلس دارند. همان‌گونه که به اقلیت‌های دینی بها داده شده و نماینده در مجلس دارند، تمام طبقات مردم باید نماینده در مجلس داشته باشند. چنین نیست که فقط شورای نگهبان هر کسی را که پسندید او باید نماینده باشد و مردم دیگر حق تعیین یا اعتراض نداشته باشند. الآن نخبگان جامعه از انتخابات ناراضی‌اند و کسانی را که قبول دارند شورای نگهبان بی‌جهت رد صلاحیت می‌کند. این کار کار غلطی است. جمهوری یعنی حکومت همه مردم، منتها موازین اسلامی هم رعایت شود. و این است مردم‌سالاری دینی. «فقیه» فقط متخصص احکام اسلام است، اگر قانونی یا دستوری برخلاف اسلام است او اعتراض کند و بگوید برخلاف اسلام است، چون متخصص فقه است.

[اسلام دین رحمت و عطف است]

* من هیچ وقت منظورم آزادی مطلق نبود. امکان دارد سرچشمه مشکلات این باشد که اسلام به صورتهای مختلف می‌تواند تفسیر بشود و الآن آنهایی که تفسیر خیلی سخت دارند روی کار هستند. امکان دارد مشکل در اینجا باشد؟

قاعده‌اش این است که علما و بزرگانی که مراجع و متخصص فقه اسلام هستند شورایی داشته باشند و مسائل اسلام زیر نظر شورا معین بشود.

ما عقیده‌مان این است که دین اسلام دین رحمت و عطف است. قرآن ۱۱۴ سوره دارد، ۱۱۳ سوره اولش ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است، یعنی به نام خداوند بخشنده مهربان. و خدا در قرآن به پیغمبر اکرم خطاب می‌کند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (سوره انبیاء/ ۱۰۷) تو را نفرستادیم جز رحمت برای همه. و فرموده است: ﴿فَمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (سوره آل‌عمران/ ۱۵۹) ای پیغمبر تو در اثر رحمت خدا نرم‌خو هستی در مقابل جامعه، و اگر خشن و تند بودی مردم از دور تو پراکنده می‌شدند.

پس این کارهای خشونت‌آمیزی که انجام می‌شود، این بازداشت‌ها، محاکمات سیاسی بیجا، اینها همه برخلاف موازین اسلام است. باید شورای علما و مراجع بزرگ با هم بنشینند و موازین اسلام را مشخص کنند. ولی فقیه باید با آنان مشورت کند. حدیثی داریم که: «العلماء حکام علی الملوک، و الملوک حکام علی الناس» علما حاکم بر پادشاهانند و پادشاهان حاکم بر مردم. چون اکثر قاطع مردم مسلمانند، مراجع تقلیدی که مورد توجه مردم هستند موازین اسلام را مشخص کنند و موازین اسلامی در کشور اجرا شود. نه این‌که هر نویسنده‌ای، هر بیچه طلبه‌ای بخواهد موازین اسلام را معین و مشخص کند. بایستی در هر کاری به متخصص مراجعه بشود. متخصص اسلام مراجع هستند که اهل خبره اسلام هستند. در حکومت پنج سألہ امیرالمؤمنین علیه السلام شما یک نفر را سراغ ندارید که به خاطر اعتقاداتش بازداشت یا محاکمه کرده باشند. اصلاً زندانی سیاسی در زمان حکومت امیرالمؤمنین وجود نداشت. خوارج در حضور حضرت شعار علیه ایشان می‌دادند و کسی به آنان کاری نداشت. الآن ما می‌بینیم افرادی را دادگاه انقلاب یا دادگاه ویژه - که اصلاً در قانون اساسی اسمی از آنها نیست - بازداشت می‌کنند، محاکمه می‌کنند، ده سال، پنج سال زندان، اینها همه برخلاف موازین اسلام است. آنها که متخصص فقه هستند می‌دانند که در زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین هیچ بازداشت سیاسی و محاکمه سیاسی و زندانی سیاسی وجود نداشت. همه اینها برخلاف موازین اسلام است.

[رابطه دین و حکومت]

* دنیای امروزه خیلی پیچیده و بزرگ شده، فکر نمی‌کنید برای این‌که به خود این مذهب ضرر نخورد بهتر است که مذهب اصلاً خودش را کنار بکشد؟
همان‌گونه که قبلاً گفته شد دستورات اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست. اسلام در همه شئون زندگی انسان از جمله اقتصاد، سیاست، حاکمیت و شرایط آن دستور و برنامه دارد؛ پس طبعاً دین از سیاست جدا نیست.

البته آقایان به اسم اسلام کارهای تند را انجام می دهند. این سبب می شود که اسلام چهره اش مشوه شود و نسل جوان فرار کنند. اگر اسلام واقعی که دین رحمت و عطوفت است اجرا می شد، نسل جوان هم جذب می شدند. فرض این است که اسلام را منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نمی دانیم و اسلام موظف کرده همه جامعه را که در همه مسائل اظهار نظر کنند، کشور مال همه مردم است، دین هم مال همه مردم است، منتها چون مراجع تقلید تخصص دارند آنها باید اظهار نظر کنند، مردم هم در مسائل فرعی پیروی می کنند. اما یک نفر فقط بخواهد در همه مسائل اظهار نظر کند با این که این همه مراجع هستند و به مراجع اعتنا نکنند، این درست نیست. بالاخره اسلام منحصر به مسائل عبادی و اخلاقی نیست که ما اسلام را ببریم در کنج مسجد فقط جا بدهیم، برای این که در مسائل سیاسی و اقتصادی و جزائی و ... هم اسلام خواهی نخواهی دستور و برنامه دارد، اسلام باید در همه شئون مورد توجه باشد، منتها همان جور که هست، نه این که کارهای خلاف اسلام به نام اسلام انجام بشود.

آیت الله خمینی یک جمله بسیار خوبی می گفت، در تحریرالوسیله هم هست: کسی که بخواهد دین را از سیاست جدا کند لم يعرف الدین و لا السياسة، نه دین را شناخته و نه سیاست را. این جور نمی شود گفت که اسلام فقط در مسجد است، بدین معنا که اسلام فقط نماز و روزه است. اسلام به همه شئون زندگی نظر دارد؛ ولی همه حقوق هم محترم است. باید اقلیت ها را هم احترام گذاشت. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ظلم به اهل ذمه که می شد عصبانی می شدند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای این که از پای یک زن ذمی خلخال کشیده بودند فرمودند: اگر مرد مسلمان از روی تأسف بمیرد مورد ملامت نیست.

[تطبیق اسلام با جامعه]

* من این طور متوجه شدم که اسلام دائماً خودش را باید وفق بدهد با شرایط موجود. اگر فرض کنیم جامعه جامعه ای شد فاسد، آیا اسلام باید خودش را با این وضع

تطبیق بدهد یا جامعه باید خودشان را با اسلام تطبیق بدهند؟ اگر از نظر علم و صنعت و این قبیل امور منظور است، هیچ وقت اسلام با اینها مخالف نیست، بلکه ترویج هم می‌کند. در سوره فاطر خداوند به همه علوم جدید که هست اشاره می‌کند، می‌فرماید: «خداوند از آسمان آب نازل کرد که به وسیله آن میوه‌های رنگارنگ پدید آوردیم، و از کوهها رگه‌های سفید و قرمز و سیاه، و از انسانها و جنبنده‌ها و چهارپایان رنگارنگ» و در حقیقت به همه علوم آب‌شناسی، معدن‌شناسی، انسان‌شناسی، حیوان‌شناسی و سایر علوم طبیعی اشاره شده و بعد می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ کسانی که این دانش‌ها را داشته باشند از خدا ترس دارند. همین علوم طبیعی که در دانشگاهها تدریس می‌شود و الآن به آنها اهمیت می‌دهند، اینها را خدا در سوره فاطر ذکر کرده، بعد می‌فرماید: کسانی که این علوم را می‌دانند از خدا می‌ترسند.

این آیه علم فقه و اصول را نمی‌گوید، بلکه همین علوم طبیعی مادی را که در دانشگاهها خوانده می‌شود می‌گوید؛ هر کسی اینها را بلد باشد از خدا بیشتر می‌ترسد، برای این که دقیق عالم وجود را وقتی که بررسی می‌کند به عظمت خدا پی می‌برد و از خدا می‌ترسد. پس بنابراین اسلام با پیشرفت علم و صنعت و تکنیک مخالف نیست، ترویج هم می‌کند؛ با فحشا و چیزهایی که نظم جامعه را به هم بزند مخالف است. آن وقت ما نمی‌توانیم بگوییم اگر جامعه رو به فساد رفت، اسلام باید خودش را با جامعه تطبیق کند؛ بلکه اگر انحرافی در جامعه پیدا شد، جامعه باید خودش را با اسلام تطبیق نماید.

✽ همان جمعیت مثبتی که شما می‌گویید که باید با شرایط مثبت یعنی علم و این جور چیزها اسلام خودش را تطبیق بدهد، با توجه به اینها شما ۲۵ سال آینده را چگونه می‌بینید؟

اگر مسئولین کمی انعطاف پیدا کنند و به مصالح کشور توجه کنند، این همه پولهایی را که خرج گفتگوها و سمینارهای تکراری می‌کنند صرف پیشرفت علم و صنعت و تکنیک کنند و نسل جوان را دریابند، طبعاً در آینده خوب خواهد شد. ولی اگر بخواهند پولها را خرج تشریفات زائد کنند، این به ضرر ملت است.

* مردم از سیاست جا خورده‌اند و یک عده‌ای هم از مذهب ناامید شده‌اند. بله، چون کارهای خلاف را به اسم اسلام انجام می‌دهند. شاه قلدری می‌کرد ولی نه به نام اسلام، اما آقایان به اسم اسلام کارهای خلاف را انجام می‌دهند. این همه محاکمات و بازداشت‌ها متأسفانه به اسم اسلام انجام می‌شود، لذا نسل جوان ناامید و ناراحت می‌شوند.

* شما فکر می‌کنید که جوانان این احساسات مسلمانی را از دست می‌دهند؟ اگر این رفتارها ادامه داشته باشد بله. مگر این که آقایان در رفتارشان تجدید نظر کنند. قدرت چیزی است که استبداد می‌آورد و قدرتمندان افکار دیگران را نادیده می‌گیرند و خودشان را همه‌کاره می‌پندارند و برای جامعه اعتباری قائل نیستند. اگر این جور باشد عاقبت بدی خواهد داشت، چون دنیای امروز دنیای زور و قلدری نیست. خواهی نخواهی اگر انعطاف پیدا نکنند ملت را از دست می‌دهند، و طبعاً فشار خارج نیز بیشتر می‌شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

« ۶۶ »

پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون مجازاتهای اسلامی

۱۳۸۳/۲/۲۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته

سلام علیکم ورحمة الله

ایام هفته وحدت و میلاد پیامبر رحمت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ﷺ و سالله پاکش حضرت امام صادق علیه السلام را به شما تبریک می‌گویم، و از خدای منان سلامتی و توفیق روزافزون آن فقیه فرزانه را خواستارم.

باکسب اجازه از محضرتان تعدادی از سؤالات کلیدی و زیربنایی جهت رفع برخی شبهات پیرامون مجازاتهای اسلامی را عرضه می‌دارم تا در صورت صلاحدید با پاسخ‌هایتان محافل حوزوی و دانشگاهی را در رفع این شبهات و یافتن راهکاری شرعی یاری فرمایید و موجبات تکمیل رساله‌ای در همین زمینه را - که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیگیری می‌شود - فراهم آورید.

با اعتذار و امتنان: محمدحسن موحدی ساوجی

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[معیار ثابت یا متغیر بودن احکام شرع]

پرسش اول - برای تشخیص ثابت یا متغیر بودن احکام شرع چه معیاری وجود دارد؟ آیا عبادی یا معاملی بودن موضوع آن ملاک است، یا تأسیسی یا امضایی بودن آن، و یا معیار دیگری وجود دارد؟

جواب - تغییر حکم شارع با محفوظ بودن و بقای موضوع آن به هیچ وجه صحیح نیست، بلکه معقول نیز نمی‌باشد؛ زیرا نسبت هر حکمی به موضوع خود همچون نسبت معلول به علت است و با بقای علت، انعدام و زوال معلول عقلاً ممکن نخواهد بود. بنابراین تغییر هر حکم نسبت به موضوع خود با نوعی از تغییر و تفاوت در موضوع و در نتیجه زوال موضوع اول همراه می‌باشد. و این تغییر به یکی از راههای زیر ممکن است:

الف: موضوع حکم، تغییر ماهوی پیدا کند؛ نظیر استحاله در اشیای نجس، همچون میتة حیوان در نمکزار که پس از مدتی به نمک تبدیل می‌شود. یا تبدل اجزای میتة یا کود حیوانی به اجزای درختان و گیاهان. این‌گونه تغییر تغییر صورت نوعیه و ماهیت به شمار می‌آید.

ب: عارض شدن یکی از عناوین ثانویه بر موضوع؛ همچون ضرورت و ضرر و حرج و نظایر آن. به عنوان مثال وضویی که مستلزم ضرر فوق‌العاده یا مرض باشد با وضویی که چنین نباشد عرفاً دو موضوع شمرده می‌شوند؛ و لذا هر کدام حکم جداگانه‌ای دارد.

ج: مزاحمت دو حکم در مقام امتثال، با فرض رجحان یکی از آن دو بر دیگری؛ همچون تراحم و جوب تطهیر مسجد با وجوب نماز در فرض وسعت وقت، که در نظر شارع تطهیر مسجد اهمّ و مقدّم بر نماز خواهد بود. و در حقیقت حکم و جوب نماز در وسعت وقت مقید است به عدم تراحم واجب اهمّی همچون تطهیر مسجد با آن.

د: نسخ حکم سابق به واسطه حکم لاحق؛ و در این قسم هر چند به حسب ظاهر چه بسا موضوع حکم اول باقی است، ولی در حقیقت در نظر قانونگذار اسلامی یعنی شارع مقدس، مصالح و یا مفاسدی که بر اساس آن حکم اول تشریح شده تغییر نموده است؛ زیرا بدون تغییر آنها تغییر حکم، گزاف و بر شارع حکیم قبیح می‌باشد. و این‌گونه مصالح و مفاسد که نقش اساسی در تشریح دارند به منزله موضوع حقیقی و در سلسله علل احکام شرعی می‌باشند. بنابراین نسخ حکم به معنای تمام شدن مدت آن به علت تغییر مصلحت یا مفاسد در ناحیه موضوع آن می‌باشد.

ه: پایان موسم در احکام موسمی؛ مثل حرمت گوشت حُمُر و حشیه در یکی از جنگ‌ها، و یا مثلاً کراهت پوشیدن جامه سیاه بر فرض این که حکم مذکور در زمان قیام سیاه جامگان تشریح شده باشد. تغییر حکم در این قسم نیز به تغییر مصلحت یا مفسده با توجه به شرایط زمانی بازمی‌گردد؛ زیرا با عدم تغییر مصلحت یا مفسده، تغییر حکم گزاف خواهد بود.

و: تغییر در موضوعاتی که موضوع احکام ولایی و حکومتی قرار می‌گیرند؛ نظیر جهاد، صلح و تحریم استفاده از بعضی کالاها به خاطر مصالح یا مفاسدی که تشخیص آنها به دست کارشناسان حکومت صالح می‌باشد. در این قسم نیز تغییر حکم به علت تغییر مصالح یا مفاسدی است که منجر به صدور حکم حکومتی می‌شود. و می‌توان این قسم را از مصادیق بند «ج» شمرد.

ز: زایل شدن علت در مواردی که حکم منصوص العلة باشد؛ رمز تغییر حکم در این قسم آن است که علت حکم همان موضوع اصلی آن می‌باشد و با زوال آن، موضوع حکم زایل یا متغیر شده است. با توجه به این که احکام شریعت بدون در نظر گرفتن مصلحت یا مفسده واقعی و از روی گزاف نمی‌باشند، در این قسم که حکم منصوص العلة می‌باشد نیز زوال علت به معنای تغییر مصلحت یا مفسده می‌باشد.

از آنچه بیان شد فهمیده می‌شود اساس تغییر حکم، حتی در قسم اول که موضوع حکم تغییر ماهوی می‌یابد، ناشی از تغییر موضوع حقیقی حکم یعنی مصالح یا مفاسد واقعی است؛ که بنابر نظر عدلیه از مبادی اصلی تشریحات شارع حکیم می‌باشد. البته تشخیص مصالح و مفاسد واقعی و تغییر آنها در بسیاری از احکام برای غیر شارع - که به مصالح و مفاسد واقعی و تاروپود نظام خلقت و ساختار وجودی انسان آگاه نمی‌باشند - مقدور و میسر نیست؛ ولی در بعضی دیگر از احکام بسا امکان آن وجود داشته باشد.

در تمام موارد ذکر شده، هر چند مستقیماً کشف و دسترسی به مصالح یا مفاسد احکام تغییر یافته برای غیر شارع میسر نمی‌باشد، ولی از این که تغییری در حکم پیدا

می‌شود به نحو برهان *إنّ* و کشف علت به وسیله معلول به دست می‌آوریم که قطعاً آن مصالح یا مفاسد به شکلی دستخوش تغییر و تبدل گردیده است.

بر این اساس اگر فقیه در حوزه احکامی که به یقین تعبدی نمی‌باشند، با تشخیص کارشناسان به تغییر مصلحت و مفسده واقعی قطع و یقین پیدا کرد، به طوری که بقای حکم اول گزاف باشد، در چنین موردی می‌تواند حکم جدیدی را استنباط نماید. در حقیقت در این‌گونه موارد حکم سابق تغییر نیافته بلکه موضوع حقیقی آن که همان مصالح یا مفاسد واقعی می‌باشد تغییر کرده است؛ و تعبیر به تغییر حکم در آنها تعبیر مسامحه‌ای است.

[اجرای حدّی که در شرایط خاص موجب وهن اسلام است]

پرسش دوم - در حدود اسلامی اگر اجرای حدّی در شرایطی خاص موجب وهن اسلام و ایجاد تنفر نسبت به مقررات اسلامی در انظار و افکار عمومی باشد، آیا اجرای آن جایز است؟ و اساساً آیا می‌توان به اصل و قاعده‌ای فقهی ملتزم گردید که بر اساس آن به حرمت اجرای هر حکمی که چنین نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد دست یافت؟

جواب - اجرای حدود گرچه منافع بیشماری را برای جامعه در شرایط طبیعی - در صورتی که جرم از راههای شرعی به اثبات رسیده باشد - به همراه دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «إقامة حدّ خیر من مطر أربعین صباحاً» (وسائل الشیعة، باب ۱ از ابواب مقدمات الحدود، حدیث ۴) ولی اگر در شرایط خاصی مصلحت اقوی در ترک آن باشد، حاکم مسلمین می‌تواند آن را ترک نماید.

در موثقه غیاث بن ابراهیم از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «لا أقیم علی رجل حدّاً بأرض العدوّ حتی یخرج منها مخافة أن تحمله الحمیة فیلحق بالعدوّ». (وسائل الشیعة، باب ۱۰ از ابواب مقدمات الحدود، حدیث ۲).

و در فرض مذکور در سؤال اگر اقامه برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه‌ای خاص یا در همه مناطق و یا در برهه‌ای از زمان موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و

احکام آن و در نتیجه تضعیف اساس دین گردد، حاکم مسلمین یا متولّی حوزه قضا می تواند - بلکه موظف است - اقامه آن حدّ را تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت وضع آنها تعطیل نماید.

مرحوم فاضل مقداد در کنز العرفان، ذیل آیه شریفه: ﴿و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین﴾ (سوره نور، آیه ۲) چنین می فرماید: «علت این که در این آیه طایفه مقید به مؤمنین شده این است که اگر کفار شاهد اجرای حدّ فوق باشند، چه بسا مانع گرویدن آنان به اسلام شود؛ و از همین جهت اقامه حدّ در سرزمین دشمن ناپسند شمرده شده است.» (کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۱۸). و مخفی نماند که این مورد نیز در حقیقت از موارد بند «ج» در پاسخ سؤال اول (تزاحم ملاکات) می باشد.

[آیا اجرای مجازاتها باید علنی باشد؟]

پرسش سوم - در اجرای مجازاتها آیا علنی بودن آنها الزامی و یا مورد تأکید شارع مقدس است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این تأکید شامل همه مجازاتها می شود یا به موارد ویژه ای اختصاص دارد؟ و آیا تماشاچیان باید شرایطی را دارا باشند؟ و حضور چه تعداد از آنان کفایت می کند؟

جواب - در مورد علنی بودن اجرای حدود، در قرآن کریم در مورد حدّ زنا آمده است: ﴿وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین﴾ (سوره نور، آیه ۲) ظاهر آیه شریفه این است که باید عده ای از مؤمنین شاهد و ناظر اجرای حدّ زنا باشند و نمی توان این حدّ را در خفا و به دور از انظار اجرا نمود. در برخی از روایات نیز آمده است که حضرت امیر علیه السلام در مقام اجرای حدّ زنا مردم را مطلع و دستور دادند تا شاهد اجرای حدّ باشند؛ از جمله روایت احمد بن محمد بن خالد است در مورد مردی که نزد حضرت امیر علیه السلام چهار مرتبه به زنا اعتراف نمود و آن حضرت در بین مردم اعلام فرمود: «یا معشر المسلمین، أخرجوا ليقام علی هذا الرجل الحدّ...». (وسائل الشیعة، باب ۳۱ از ابواب مقدمات الحدود، حدیث ۳). البته آنچه از آیه شریفه فهمیده می شود تنها لزوم علنی بودن اجرای حدّ زنا

می‌باشد و تعمیم آن به سایر مجازاتها نیازمند دلیل است. و برخی از فقها امر در این آیه شریفه را حمل بر استحباب کرده‌اند؛ از جمله شیخ در مبسوط (ج ۸، ص ۸)، و خلاف (ج ۵، ص ۳۷۴، مسأله ۱۱)، ابن بزّاج در مهذب (ج ۲، ص ۵۲۸)، محقق در شرایع (ج ۴، ص ۱۴۴)، علامه در ارشاد (ج ۲، ص ۱۷۳) و شهید اول در لمعه (الروضه البهیة، ج ۹، ص ۹۵) این قول را اختیار کرده‌اند.

و در مورد تعدادی که باید شاهد و ناظر اجرای حدّ زنا باشند، ظاهر آیه شریفه فوق این است که حضور طایفه‌ای از مؤمنین لازم است. در رابطه با تعداد افراد طایفه میان فقها اختلاف است؛ برخی همچون شیخ طوسی در نهاییه (ص ۷۰۱)، علامه حلی در قواعد (ج ۳، ص ۵۳۰) و ابن بزّاج در مهذب (ج ۲، ص ۲۸) گفته‌اند که اقلّ آن یک نفر است و بر یک نفر نیز طایفه گفته شده است. آنان آیه شریفه: ﴿فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفةٌ لیتفقّوها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلّهم یحذرون﴾ (سوره توبه، آیه ۱۲۲) را به عنوان شاهد ذکر می‌کنند، که به اعتقاد آنان طایفه در این آیه بر یک نفر نیز تطبیق شده است.

در برخی از روایات نیز «طایفه» بر یک نفر تطبیق شده است؛ از جمله روایت پنجم از باب یازدهم از ابواب حدّ زنا در وسائل الشیعة، و نیز حدیث چهارم از باب چهل و دوم از ابواب حدّ زنا در مستدرک الوسائل.

و بعضی دیگر از فقها همچون شهید ثانی در حاشیه ارشاد (چاپ شده همراه با غایة المراد، ج ۴، ص ۲۰۱) و ابن ادریس در سرائر (ج ۳، ص ۴۵۴) گفته‌اند: اقلّ تعداد طایفه سه نفر هستند؛ ایشان علاوه بر استناد به دلالت عرفی و شاهد حال، به ذیل آیه نفر استشهاد کرده‌اند که می‌فرماید: ﴿لیتفقّوها فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلّهم یحذرون﴾ که برای «طایفه» - که در صدر آیه ذکر شده است - ضمیر جمع به کار رفته است و اقلّ افراد در جمع سه نفر می‌باشد.

و شیخ در خلاف (ج ۵، ص ۳۷۴، مسأله ۱۱) اقلّ تعداد افراد در «طایفه» راده نفر دانسته است. و بعضی نظیر علامه در مختلف (ج ۹، ص ۱۷۰) و شهید در روضه (ج ۹، ص ۹۶)

گفته‌اند: میزان نظر عرف است؛ یعنی هر آنچه به نظر عرف مدلول طایفه باشد. اهل لغت نیز «طایفه» را به چند معنا بیان کرده‌اند. راغب می‌گوید: «طایفه‌ای از مردم یعنی جماعتی از آنان؛ و به یک نفر نیز اطلاق می‌شود.» (مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۳۱ و ۵۳۲). ابن اثیر نیز می‌گوید: «طایفه جماعتی از مردم است و بر یک نفر نیز صدق می‌کند.» (النهاية في غريب الحديث والاثار، ج ۳، ص ۱۵۳). نظیر همین معنا در مقاییس، لسان العرب، مجمع البحرين، المنجد و المعجم الوسيط ذکر شده است.

با این همه بعید نیست بتوان گفت که مقصود از «طایفه» به حسب موارد استعمال، متفاوت می‌باشد. بنابراین چنانچه مقصود از آیه شریفه: ﴿وَلِيَشْهَدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ این است که اگر حدّ زنا در خفا اجرا شود موجب عبرت و پرهیز از ارتکاب گناه نمی‌گردد، بعید نیست حضور یک نفر نیز کافی باشد؛ زیرا در این صورت حدّ زنا به طور مخفی اجرا نشده است و برای حدّ اقل یک نفر عبرت می‌باشد، یا نقل آن یک نفر و گواهی او بر اجرای حدّ موجب عبرت دیگران می‌گردد؛ بویژه با توجه به این که مقصود از طایفه بر فرض تطبیق بر یک نفر، فردی است که از وجوه مردم و در نظر آنان از جایگاه خاصی برخوردار باشد، به گونه‌ای که سخن او در میان آنان مقبولیت و پذیرش داشته باشد. از روایت غیاث بن ابراهیم از حضرت امیر عليه السلام (وسائل الشیعة، باب ۱۱ از ابواب حدّ زنا، حدیث ۵) و نیز روایت ابوبصیر از امام صادق عليه السلام (مستدرک الوسائل، باب ۴۲ از ابواب حدّ زنا، حدیث ۴) هم استفاده می‌شود که حضور یک نفر در اجرای حدّ زنا کفایت می‌کند.

ولی اگر مقصود از آیه شریفه تشدید عذاب بر کسی باشد که حدّ بر او جاری می‌شود، بعید است با حضور یک نفر این مقصود حاصل شود؛ و حدّ اقل باید جماعتی از مردم حضور داشته باشند. از روایات مربوط به اجرای حدّ زنا توسط حضرت امیر عليه السلام نیز فهمیده می‌شود تعداد حاضرین باید بیش از یک نفر باشند؛ زیرا در روایت احمد بن محمد بن خالد - که سابقاً ذکر شد - تعبیر «یا معشر المسلمین، أخرجوا...» به کار رفته بود. روشن است که به یک یا دو و یا سه نفر عنوان «معشر» صدق نمی‌کند.

و در مورد شرایط حاضران باید توجه داشت که در آیه شریفه به مؤمن بودن آنان تصریح شده است. البته ممکن است گفته شود «مؤمن» در اینجا در مقابل «کافر» و «منافق» استعمال شده است؛ بنابراین صرف مسلمان بودن حاضرین کفایت می‌کند، هرچند عادل نباشند. مؤید این بیان روایت احمد بن محمد بن خالد است که در آن حضرت امیر علیه السلام به «یا معشر المسلمین» تعبیر کرده‌اند. و نیز در تفسیر قمی ذیل آیه فوق آمده است: ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که در رابطه با جمله «طائفة من المؤمنین» فرمود: «یجمع لهما الناس إذا جلدوا» که مؤمنین بر «ناس» تطبیق شده‌اند.

اما از ظاهر آیه شریفه و نیز روایات وارده می‌توان استفاده نمود که حاضرین نباید از کسانی باشند که خودشان مستحق حد الهی هستند. (وسائل الشیعة، باب ۳۱ از ابواب حدّ زنا، احادیث ۱، ۲، ۳ و ۴؛ کافی، ج ۷، ص ۱۸۸، حدیث ۱). هرچند سند اکثر این روایات قابل خدشه است و لذا بسیاری از فقها به کراهت آن نظر داده‌اند؛ نظیر شیخ مفید در مقنعه (ص ۷۸۱)، شیخ طوسی در نهاییه (ص ۷۰۱)، ابن‌یرّاج در مهذب (ج ۲، ص ۵۲۸)، محقق در شرایع (ج ۴، ص ۱۴۴)، علامه در قواعد (ج ۳، ص ۵۳۱)، شهید اول در لمعه (الروضة البهیة، ج ۹، ص ۹۶)، شهید ثانی در مسالک (ج ۱۴، ص ۳۸۹) و صاحب جواهر (ج ۴۱، ص ۳۵۱).

ولی با توجه به آیه شریفه و از مجموع روایات به دست می‌آید که حضور اقشار مختلف مردم در اجرای حدّ زنا مطلوب نمی‌باشد؛ زیرا موجب عکس‌العمل‌های تند می‌شود و نتیجه معکوس دربردارد. در روایتی آمده است که حضرت امیر علیه السلام هنگامی که در بصره بودند و می‌خواستند بر مردی حدّ زنا را اجرا نمایند، از حضور جماعتی از مردم که برای تماشا آمده بودند جلوگیری کردند و به قنبر فرمودند: «لا مرحباً بوجه لا تری إلا فی کل سوء، هؤلاء فضول الرجال، أمطهم [أبعدهم] عني یا قنبر». (وسائل الشیعة، باب ۲۲ از ابواب مقدمات حدود، باب کراهة اجتماع الناس للنظر الی المحدود، حدیث ۱).

و به طور کلی نکته‌ای که در حدود اسلامی باید در نظر گرفته شود این است که اساساً چگونگی اثبات این‌گونه مجازاتها به گونه‌ای است که تحقق آن - بویژه در جرایم جنسی - بسیار نادر می‌باشد؛ و بر فرض اثبات، موارد سقوط مجازات در آنها

فراوان است؛ و بحث تفصیلی آن در این مختصر نمی‌گنجد. و به نظر می‌رسد تشریح مجازات برای جرایم موجب حد، بیشتر جنبه بازدارندگی داشته است. بنابراین فرض علنی بودن اجرای حد زنا - صرف نظر از مباحث فرعی آن - به غایت نادر خواهد بود.

[عدم جواز استفاده از مجازات شدیدتر]

پرسش چهارم - در زمینه مجازاتهای تعزیری، مرحوم صاحب جواهر از صاحب کشف اللثام نقل می‌کند که هرگاه گناهکار با گونه‌های دیگری از کیفر تأدیب شود، روی آوردن به تازیانه و تنبیه بدنی دلیلی ندارد؛ مگر در موارد ویژه‌ای که در آنها نسبت به تنبیه بزهکار نصی وارد شده باشد. (جواهر، ج ۴۱، ص ۴۴۸، دار احیاء التراث العربی). با توجه به این مسأله، در این‌گونه مجازاتها - اعم از این‌که نسبت به موردی نصی خاص وارد شده باشد یا خیر - اگر اصلاح و تأدیب گناهکار با مجازاتی خفیف‌تر ممکن باشد، آیا می‌توان از مجازات شدیدتر استفاده نمود؟

جواب - تعزیر در لغت معمولاً به «منع»، «رد»، «تأدیب» و «ملامت نمودن» معنا شده است، و این‌که در بعضی کتب لغت بر ضرب یا اشد ضرب تطبیق شده است از باب تعیین مصداق برای مفهوم منع، رد، تأدیب و مانند آن می‌باشد. در روایات مربوطه نیز معمولاً از ضرب و تازیانه سخن به میان آمده است؛ و لذا اکثر فقها تعزیر به غیر از تازیانه زدن بر مجرم را جایز نمی‌دانند. ولی به نظر اینجانب - همان‌گونه که در کتاب دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۵ به بعد به تفصیل بحث شده است - ذکر تازیانه در روایات فوق از آن جهت بوده که تازیانه در آن روزگار رایجترین و آسانترین و شاید مؤثرترین وسیله جهت بازداشتن مجرمین از تکرار جرم بوده است، نه این‌که خصوصیتی پنهان در آن نهفته باشد.

از دقت در لسان روایات مربوط به حدود و تعزیرات بسا به دست می‌آید که تشریح آنها برای اصلاح فرد و جامعه و بازداشتن افراد خاطی و مجرم از تکرار جرم و تأدیب آنها می‌باشد، نه این‌که دارای اسراری مرموز باشند که قابل فهم برای عرف و عقلا نباشد. و اصلاح و تربیت جوامع و افراد از اموری است که متأثر از شرایط زمانی

و مکانی می‌باشد، و از این جهت برخورد با جرایم و تعزیر مجرمین مختلف نیاز به کارشناسی دقیق دارد.

از سوی دیگر اعمال مجازات از قبیل دخالت در محدوده سلطه دیگری است؛ و بر اساس اصل اولی مستفاد از عقل و شرع، تصرف در سلطه دیگری بدون رضایت او جایز نیست مگر در مواردی که شارع آن را تجویز نموده و نوعی ولایت و سلطه بر غیر را مشروعیت داده باشد؛ مثل امر به معروف و نهی از منکر و نیز اجرای حدود الهی با رعایت شرایط و ضوابط هریک از آنها. اما در مورد تعزیرات قدر متیقن آن است که حاکم شرع واجد شرایط تا جایی بر مجرم سلطه دارد و می‌تواند او را تعزیر کند که در راه تأدیب و اصلاح وی باشد؛ بنابراین اگر توسط کارشناسان مربوطه تشخیص داده شود که با مجازات خفیفی می‌توان مجرم را تأدیب و اصلاح نمود، دلیلی از شرع و عقل بر جواز مجازات شدید وجود ندارد. و اساساً ویژگی عدالت حاکم واجد شرایط - که از شرایط اساسی اعمال سلطه توسط وی می‌باشد - اجازه مجازاتی بیش از اندازه و مقدار مورد نیاز را به وی نمی‌دهد.

[تعزیر نبایستی موجب هتک کرامت انسانی شود]

پرسش پنجم - با توجه به این که تعزیر مجازاتی است که چگونگی آن از شرایط زمان و مکان تأثیر می‌پذیرد و حتی برخی از فقها همچون شهید اول علیه السلام آن را تابع عرف می‌دانند (القواعد والفوائد، ج ۲، ص ۱۴۴، قاعده ۲۰۴، مکتبه المفید) و نیز بر مبنای اصل کرامت انسانی که حضرت تعالی نسبت به آن تأکید فرموده‌اید، آیا می‌توان به این نتیجه دست یافت که چگونگی مجازات‌های تعزیری - که بیشتر مجازات‌های اسلامی را تشکیل می‌دهند - نباید با عقلانیت جمعی جامعه که بنا بر قول شهید علیه السلام همان عرف است در تعارض قرار گیرد، و نباید به گونه‌ای باشد که در باور عمومی مردم در یک زمان هتک کرامت انسانی تلقی شود؟

جواب - همان‌گونه که در پاسخ قبلی اشاره شد از لسان روایات حدود و تعزیرات فهمیده می‌شود که هدف مهم شارع از تشریح آنها اصلاح فرد و جامعه و تأدیب و

تربیت افراد خاطی و مجرم می‌باشد. و چون تشریح آنها برخلاف اصل اولی تسلط هر انسانی بر خود می‌باشد، لذا باید به قدر متیقن که مورد اذن قطعی شارع می‌باشد اکتفا نمود؛ و آن مواردی است که تعزیر کمتر موجب هتک حرمت انسانی وی گردد. بر این اساس اگر نوع تعزیر یا شکل اجرای آن موجب هتک کرامت انسانی و در تعارض با مبانی و ارزشهای پذیرفته شده اخلاقی در یک جامعه باشد، دلیلی بر جواز آن وجود ندارد.

به علاوه تعزیر برای رعایت مصالح فرد و جامعه و حفظ حقوق الهی و مردمی است، و هتک حرمت و کرامت انسانی، خود از اموری است که مبعوض و منهی عنه شارع است، و چگونه با امری که مبعوض شارع است حرمت احکام شریعت و حقوق الهی و مردمی حفظ می‌گردد؟!

از طرفی اهانت و هتک حرمت انسانی از عناوین عرفی متغیر است که فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها در ازمنه و امکانه گوناگون در صدق و عدم صدق آن تأثیر دارد، و چه بسا کاری در بین ملتی و یا در زمان و مکان خاصی هتک حرمت و کرامت انسانی شمرده شود و در بین ملت دیگر و یا زمان و مکان دیگر این‌گونه نباشد؛ چنان‌که ممکن است عمل و رفتاری در زمان یا مکان خاصی اهانت و موجب تعزیر باشد و در مکان یا زمان دیگری نباشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۲/۲۹

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه خبرنگار روابط بین الملل تلویزیون اتریش (ORF)

۱۳۸۳/۳/۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[ارتباط علمی حوزه قم با مراکز علمی دیگر کشورها]

* دروسی که در حوزه علمیه قم تدریس می شود در چه رشته‌هایی است، و آیا حوزه قم با دانشگاهها و مراکز علمی دیگر کشورها ارتباط علمی دارد؟

جهان امروز یک دهکده جهانی است و همه شهرها و کشورها به هم مربوطند. زمان زمان ارتباطات است. قهراً حوزه علمیه قم هم توجه دارد به کتابهایی که در دنیا نوشته می شود، به مسائلی که در آنها مطرح است، و به وسیله دانشگاهها علوم و کتابها متبادل می شود. در نمایشگاه کتاب نیز مثلاً طلاب قم هم سراغ کتابهای خارجی می روند، مطالعه دارند، ولی در مورد تحصیل طلاب چه رشته‌هایی مورد توجه است فعلاً من نمی دانم، ولی بالاخره می دانم که مسائل روز مورد توجه است، چون امروز دنیا به هم مربوط است. نمی شود گفت که دور حوزه قم را دیوار بکشیم و از دنیا جدا کنیم، خواهی نخواهی ارتباط دارند.

[حوزه علمیه قم و حوزه علمیه نجف]

* چه تفاوتی وجود دارد بین حوزه علمیه در قم و حوزه‌های علمیه در نجف و کربلا؟

چند سالی که صدام بود حوزه علمیه نجف در حقیقت خیلی ضربه خورد و فعال نبود؛ و روی این اصل حوزه قم یک ارتقاء زیادی پیدا کرد. حدود ۳۰ هزار طلبه الآن

در قم هست و ارتباطشان هم با دنیای خارج خیلی زیادتر است. نجف تازه بعد از صدام می‌خواهد وسعت پیدا کند، و قهراً می‌توان گفت ارتباط جهانی قم با دنیا بیشتر است، بخصوص بعد از انقلاب. حتی قبلش هم من یادم است که «هنری گُربن» فرانسوی مدتها می‌آمد هم قم و هم تهران با علامه طباطبایی راجع به فلسفه و عرفان بحث می‌کرد، او می‌گفت در فرانسه تشخیص داده‌اند که عرفان اسلامی یکی از چیزهایی است که می‌شود نسل جوان را به وسیله آن جذب کرد که سراغ کارهای خلاف نروند. به همین منظور روی عرفان اسلامی زیاد کار می‌کرد. و مرحوم علامه طباطبایی جلسات زیادی هم در قم و هم در تهران با ایشان داشت. یک شب من خودم حاضر بودم در تهران که دکتر سیدحسین نصر - حالا در آمریکا است - مترجم بود و من «هنری گُربن» را ملاقات کردم. الان هم یک چنین ارتباطاتی هست و کتابهای خارجی مورد توجه است. فلسفه اروپایی‌ها، فلسفه غرب مورد توجه است، مطالعه می‌کنند، بعضی‌ها می‌فرستند جوانهایی را در آمریکا، کانادا و جاهای دیگر تا علوم جدید را یاد بگیرند بیایند اینجا به دیگران یاد بدهند؛ ارتباطات بالاخره وجود دارد. ما یک اخبار غیبیه‌ای از امامانمان داریم، از جمله این حدیث از امامان ما رسیده که «در آخرالزمان علم از کوفه قطع و در قم ظاهر می‌شود.» مراد از کوفه حتماً نجف بوده است؛ و در این مدتی که صدام برای حوزه علمیه نجف مزاحمت ایجاد می‌کرد عملاً این طور بود که قم مرکز علوم اسلامی شده بود.

بعد از انقلاب توجه دنیای خارج به قم خیلی زیاد شد؛ البته ممکن است حالا یک سرخوردگی‌هایی پیدا شده باشد، اما اول انقلاب قم خیلی مورد توجه خارج و داخل قرار گرفت، برای این که کانون انقلاب بود سبب شد بیشتر مورد توجه قرار گیرد. و کتابهایی هم که در قم نوشته می‌شود خیلی‌هاش به خارج صادر می‌شود. این نکته را توجه دارید که بر اثر انقلاب هم قم و هم مذهب تشیع مورد توجه جهان قرار گرفت، چون که انقلاب انقلاب شیعی بود و آیت‌الله خمینی در رأسش بود، لذا هم مذهب تشیع خیلی در دنیا مورد توجه قرار گرفت هم شهر قم و حوزه آن.

* با این صحبتی که شما فرمودید به نظر شما مرکز تشیع در حال حاضر قم است یا نجف و

کربلا؟

البته هر دو، چون نجف سابقه دارد در اثر سابقه مورد توجه علماست ولی اخیراً قم بیشتر مورد توجه واقع شده، چون برای نجف صدام مزاحمت ایجاد کرده بود قم بیشتر مورد توجه بود، علاوه بر این که قم چون مرکز انقلاب بود انقلاب سبب شد که دنیا به قم و مذهب تشیع توجه زیادی بکنند، و حتی کتابهایی هم راجع به این جهت نوشته شده، حتی آنهایی هم که مخالف هستند یک چیزهایی نوشته‌اند و قم را مورد توجه قرار داده‌اند. الآن بسیاری از علمایی که در قم هستند همانهایی هستند که در نجف بوده‌اند و به قم مهاجرت کرده‌اند، در نجف بزرگ شده‌اند ولی الآن در قم درس دارند.

[آیا اسلامی که در ایران هست می‌تواند الگو واقع شود؟]

* به نظر شما این شیوه از اسلام که در ایران وجود دارد می‌شود به عنوان یک الگو و یک مدل

قرار بگیرد برای بقیه کشورهای اسلامی؟

اگر تدروی‌هایی که شده و سوءاستفاده‌ها را کنار بگذارند بله. وعده‌های زیادی اوایل انقلاب به مردم داده شد و مردم امیدوار بودند، بنابراین بود که در کشور آزادی باشد و حکومت در دست مردم باشد. معنی جمهوری یعنی حکومت مردمی و مردم واقعاً نقش داشته باشند، نقش اساسی. جوری نباشد که دخالت‌های ناروایی انجام شود از ناحیه شورای نگهبان یا جاهای دیگر، اگر از اینها دست بردارند و به مردم بیشتر بها بدهند ممکن است ایران روزگاری الگو شود برای سایر کشورهای اسلامی. خلاصه یک تدروی‌ها و انحصارطلبی‌هایی در این وسط پیدا شده است. متأسفانه قدرت یک مقداری استبداد و انحصارطلبی می‌آورد؛ اگر دست از این استبدادها و خودسری‌ها برداشته شود و جوری نباشد که مثل شورای نگهبان خودشان را قیّم مردم پندارند و نمایندگان مردم را به بهانه‌های واهی رد کنند و واقعاً حکومت مردمی

باشد، طبعاً نمونه خوبی خواهد بود. این امید ما بود که کشورهای اسلامی دیگر هم توجه کنند به این معنا.

و آن چیزی هم که از اول گفته شد «صدور انقلاب» معنای صدور انقلاب این نبود که برونند مثلاً عراق یا آذربایجان را تصرف کنند یا دخالت در کشورهای دیگر بکنند، منظور این بود چنانچه مردم کشورهای دیگر می‌دیدند یک حکومت اسلامی در ایران به وجود آمده و ایده‌آل است و آزادی به مردم داده و از نظر اقتصادی هم پیشرفت دارد، قهراً آنها هم پیروی می‌کنند و الگو می‌شود. صدور انقلاب یعنی عملاً فرهنگ انقلاب صادر شود نه این که برونند و کشورهای دیگر را اشغال کنند یا در کشورهای دیگر تصرف نمایند، چنین چیزی منظور نبود. منتها آنهایی که دشمن انقلاب بودند این تفسیرها را در خارج کردند که اینها می‌خواهند بیایند کشورهای دیگر را اشغال کنند، و همین سبب شد که ایران تحریم شد و هشت سال جنگ به ایران تحمیل کردند. همان وعده‌ها که اول انقلاب داده شد: «آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی» چیزهایی بودند که هر کشور اسلامی به آنها علاقه‌مند بود، بدون آن که بخواهند در کشورهای دیگر دخالت کنند.

[تنظیم قانون اساسی]

* آن زمان که قانون اساسی تنظیم می‌شد آیا شما مواظب بودید این قانون اساسی که نوشته می‌شود مطابق باشد یا نزدیکی داشته باشد با دنیای مدرن امروزی؟
واقع مطلب این است که ما سابقه قانونگذاری نداشتیم، اولین باری بود که وارد شده بودیم، لذا آن جور که می‌بایستی قانونهای اساسی کشورهای دیگر مطالعه شود یا مثلاً عواقبی را که بر این قانون اساسی مترتب است ملاحظه کنیم این چیزها کمتر مورد توجه واقع می‌شد. برای این که افراد اولین مرتبه بود که در قانونگذاری وارد شده بودند. خیلی‌ها هم اصلاً با دنیای خارج ارتباط نداشتند، با رادیوهای خارج، تلویزیونهای خارج یا کتابهای خارجی خیلی‌ها سر و کار نداشتند. روی این اصل

قانون اساسی آن طور که دلخواه باشد، طوری که در آینده به آن اشکالی وارد نباشد تنظیم نشد.

بخصوص در بازنگری باز یک اضافاتی کردند، مثل ولایت مطلقه فقیه که این چیزی است که برای دنیا زننده است و خود مردم ایران خیلی قبول ندارند. بنابراین یک طور قوانینی که مورد اشکال است تصویب شده، و اینها در اثر این است که افراد تجربه نداشتند برای قانونگذاری. خود من اولین مرتبه ام بود که در این رشته وارد شده بودم و من شده بودم رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، و این طور امور مهم که مربوط به اداره کشور است تجربه می خواهد. بر این اساس در قانون اساسی تضادهایی دیده می شود. از یک طرف مسئولیت ها به طور کلی بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده و از آن طرف امکانات و اهرمهای قدرت در دست او نیست. آن که مسئولیت دارد باید قدرت هم دست او باشد، امکانات دست او باشد. این تضادی است در قانون اساسی ما که من بعداً در نوشته هایم در کتاب دیدگاهها و جاهای دیگر خیلی اینها را تذکر دادم، همه مسئولیت ها بر عهده رئیس جمهور است اما اهرمهای قدرت دست او نیست.

[دموکراسی در اسلام و دموکراسی در کشورهای غربی]

* به نظر شما آیا تفاوتی وجود دارد بین دموکراسی در اسلام و دموکراسی در کشورهای غربی؟
مثلاً ما در کشورهای اروپایی برای ارزشهای مسیحیت ارزش قائل هستیم، هرکسی می تواند مراسم مذهبی خودش را به جا بیاورد، و در کنار آن باز هم دموکراسی را داریم که در واقع همه می توانند از منافع و امکاناتی که دموکراسی برایشان به وجود آورده استفاده کنند، آیا به نظر شما تفاوتی وجود دارد بین دموکراسی اسلام و دموکراسی کشورهای غربی؟

دین مقدس اسلام با سایر ادیان به نظر من اجمالاً تفاوت دارد. دین مقدس اسلام دستوراتش منحصر به مسائل عبادی و اخلاقی نیست؛ بلکه در امور سیاسی، اقتصادی، جزائی، حاکمیت و شرایط آن و این قبیل امور دستور و برنامه دارد.

بنابراین ما با این که می‌گوییم دموکراسی یعنی حکومت مردم، اما چون اکثریت مردم به موازین اسلامی معتقدند قهراً حاکم مسلمین بایستی این قبیل دستوراتی را که از اسلام است رعایت کند. و لذا ما اسم نظام را گذاشتیم «جمهوری اسلامی»، دو تا کلمه است: «جمهوری» یعنی حکومت مردمی و «اسلامی» یعنی با رعایت موازین اسلام. در قانونگذاری موازین اسلام باید رعایت شود، این که فقط افراد آزاد باشند در مسجد و وظیفه‌شان را انجام بدهند اما در جامعه اسلام پیاده نشود این برخلاف موازین اسلام است. چون «جمهوری» قید «اسلامی» دارد، باید موازین اسلامی هم رعایت شود. اما در عین حال حاکمیت در اختیار مردم است، یعنی مردم باید حاکم را انتخاب کنند، مدت برایش معین کنند، شرایط را تعیین نمایند. این طور که ولایت فقیه مطلقه و دائم باشد و محدود نباشد این درست نیست.

[روگردانی نسل آینده از اسلام]

* شما از این نگران نیستید که یک وقت با این اتفاقاتی که دارد می‌افتد و کنترل‌هایی که می‌شود یا به همان صورتی که فرمودید ولایت فقیه قدرت مطلقه و نامحدود گردد و تمامی رفتارهای اقتصادی و سیاسی باعث شود که جوانها یا نسل آینده ناراحت شوند، و آن موقع از دین اسلام روگردان بشوند؟ بله، وحشت دارم و روی همین اصل من همیشه در نوشته‌هایم این جهت را می‌گویم که شاه جهات اسلامی را رعایت نمی‌کرد ولی به اسم اسلام نبود. او زور می‌گفت اما نه به اسم اسلام. متأسفانه الآن زور می‌گویند به اسم اسلام، و قهراً مردم از اسلام هم زده می‌شوند. این زورگویی‌ها، بازداشت‌های سیاسی، محاکمات سیاسی، اینها همه برخلاف موازین اسلام است. مردم باید در اظهار نظر آزاد باشند. لذا من در نوشته‌هایم دارم که اگر به این وضع که الآن پیش می‌رود ادامه دهند ولایت فقیه از آیت‌الله خمینی شروع شد و به شخص فعلی ختم می‌شود. باید مسئولین تجدیدنظر کنند، به مردم آزادی بدهند، و این فشارهایی که بر مخالفین وارد می‌شود قطع شود، زندانیان سیاسی را آزاد کنند. افراد زیادی بی‌جهت در زندانها هستند، محاکمات

سیاسی همه غلط است. در زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین که حاکم بود محاکمات سیاسی و زندانی سیاسی وجود نداشت. در حضور مولا امیرالمؤمنین علیه آن حضرت شعار می دادند و هیچ وقت مزاحشان نشدند؛ اما الآن تا کسی یک شعار بدهد چند سال زندان در پی دارد، اینها همه برخلاف موازین اسلام است، و چون به اسم اسلام انجام می شود ضررش زیادتراز آن است که در زمان شاه واقع می شد، برای این که آن به اسم اسلام نبود اما آقایان به اسم اسلام این کارها را انجام می دهند.

* با این صحبت هایی که فرمودید آینده سیاسی مملکت را چگونه پیش بینی می کنید؟
بالاخره باید مسئولین در رفتارشان تجدیدنظر کنند و الا عاقبت خوبی ندارد.

* من کتابهای ملاحظه کردم و هنری گربن را مطالعه کردم و به این نتیجه رسیدم که خیلی چیزهای شبیه به همدیگر دارد. شما نقش ملاحظه را امروز چگونه بررسی می کنید و چگونه می بینید؟
نقش ملاحظه در علوم و اعتقادات است، مربوط به سیاست نیست. من خودم از مدرسین سفار ملاحظه بودم، چندین سال سفار ملاحظه را تدریس می کردم. این کتاب مربوط به مسائل فلسفه و عرفان و اخلاق است، جنبه سیاسی در آن منظور نیست.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مصاحبه هفته‌نامه «پیک روز» چاپ کانادا

۱۳۸۳/۳/۱۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

[رابطه اسلام و خشونت]

حضرت آیت‌الله منتظری

با سلام

* در آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا) مخالفین اسلام تقریباً کنترل مطبوعات را در دست دارند. خبرها جوری پخش می‌شود که اسلام و تروریسم با هم مترادف باشند. سؤال من این است که چگونه مردم مسلمان و روحانیون در مقابل شکنجه‌های زندانیان ابوغریب و یا رفتار غیر انسانی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها موضع می‌گیرند ولی در مقابل سر بردن یک فرد (به فرض جاسوس سیا) با نام خدای بزرگ (الله اکبر) موضع نمی‌گیرند؟ آیا خشونت جزئی از اسلام است؟ یا خشونت فرهنگ‌های مختلف به نوعی در اسلام وارد شده است؟

با این‌که فرهنگ حاکم بر جزیره العرب در زمان ظهور اسلام فرهنگ خشونت و تندی بود، ولی اسلام به طور اصولی با خشونت مخالفت نمود. و از این روست که سوره‌های قرآن بجز یک سوره با نام خدای رحمان و رحیم شروع شده است. و خداوند در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (سوره آل عمران / ۱۵۹) «اگر تو ای محمد خشن و تندخو بودی همانا مردم از دور تو پراکنده می‌شدند». و از طرفی سیره و خط مشی کلی آن حضرت عفو و گذشت و تساهل حتی با مخالفین خود بود. از جمله در زمانی که مکه به دست مسلمانها فتح

شد، پیامبر ﷺ سران مخالف خود را مورد عفو قرار داد و حتی خانه ابوسفیان را که در متن توطئه و خونریزیها قرار داشت محل امن معرفی نمود.

* حضرت رسول ﷺ که در مکه وارد شدند همه مردم را آزاد کردند (عفو عمومی) ولی در ۲۵ سال گذشته در جمهوری اسلامی هیچ‌گاه عفو عمومی فراگیر داده نشد. شما به عنوان یکی از بنیانگذاران این جمهوری این مسأله را چگونه می‌بینید؟ تنها حق شهروندان که در سیستم قضایی ضایع نمی‌شود حق قصاص است!

با توجه به توضیح سؤال بالا، انتظار عفو عمومی در جمهوری اسلامی انتظار بجایی است، امید است مسئولین به آن توجه نمایند.

[فلسفه حدود اسلامی]

* در جمهوری اسلامی از نظر فقهی اجرای حد را به نوعی سبک‌ترکردن گناه متهم در روز قیامت می‌دانند. امام سجاد می‌فرماید: پاک خدایا ترا نافرمانی می‌کنند و چنان‌که گویی ترا نمی‌بینند، و تو بردباری می‌کنی چنان‌که گویی ترا نافرمانی نکرده‌اند؛ با بندگان چنان نکویی می‌کنی که گویی به آنان نیازمندی و تو ای آقای من از آنان بی‌نیازی. آیا واقعاً خدایی با چنین صفات ترحم و بخشندگی نیازی به اجرای حدود برای به راه راست آوردن مردم (در این دوره تاریخی) دارد؟

بدیهی است با ارتکاب گناه موجب حد، به یکی از حقوق الهی یا مردمی تجاوز شده است؛ و فلسفه حدود اسلامی منحصر به سبک‌کردن گناه مردم نیست، بلکه از جمله مصالح مهم آنها تأمین حقوق الهی و مردمی است که مورد تجاوز قرار گرفته است؛ و مجازات شخص مجرم که یکی از مصادیق آن اجرای حدود اسلامی است اختصاص به جامعه دینی و مکتب اسلام ندارد بلکه در تمام جوامع و مکاتب شخص مجرم مستحق مجازات ویژه است، که بدون آن هیچ تضمینی برای سلامتی جامعه وجود ندارد.

[تکلیف شرعی در مسائل سیاسی]

* تکلیف شرعی که از طرف مراجع و علما صادر می‌شود (بویژه بعد از انقلاب در انتخابات) به نوعی جنبه سیاسی داشته و استفاده‌های سیاسی از آن می‌شود، آیا این مسأله در تقابل با تعقل و آزادی فردی در این دوره نیست؟

وظیفه علما و مراجع ارشاد و راهنمایی می‌باشد نه الزام و اجبار مردم بر اموری مانند شرکت در انتخابات. آری آزادی مردم در دخالت و تعیین سرنوشت اجتماعی و انتخاب حاکمان و حکومت صالح مورد حکم عقل و تأیید شرع می‌باشد.

* اگر تکلیف شرعی لازم است و به عنوان یک وظیفه شرعی احساس می‌شود، چگونه در قبال تناقض سیستم حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با حکومت علی علیه السلام مراجعی مانند شما تکلیف شرعی نمی‌کنند؟

وظیفه همه طبقات در مقابل خطاها و لغزشهای حکومت‌ها اعم از روحانی و غیر روحانی، سنتی و روشنفکر و غیر آنها تذکر دادن و نصیحت و خیرخواهی و در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

[انتقاد و تذکر مخصوص طبقه خاص نیست]

* شوخی و انتقاد از مراجع در ایران جرم محسوب می‌شود. (البته در حال حاضر با آنان که در حمایت از ولایت مطلقه هستند). اسلام شدیداً با دخالت در حریم خصوصی افراد مخالف است ولی در این دوره از زمان که روحانیت وارد سیاست شده است و به عنوان یک طبقه ممتاز سیاسی هم محسوب می‌شود با در نظر گرفتن این که در مدرنیته در حوزه سیاست سیاستمداران بایستی مواظب رفتار عمومی خود باشند و نیز پاسخگو در برابر مردم باشند، شما این دوگانگی را چگونه می‌بینید؟
انتقاد و تذکر مخصوص طبقه خاص نیست. آیه شریفه ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (سوره توبه / ۷۳) «مردان و زنان مؤمن هر کدام نسبت به دیگری ولایت دارند که یکدیگر را امر به معروف و نهی

از منکر نمایند.» برای هر زن و مرد مؤمنی نسبت به دیگری نوعی ولایت قرار داده است، و محدوده آن ولایت حق تذکر دادن و امر به معروف و نهی از منکر کردن می‌باشد. البته مسئولیت طبقات حاکم سنگین‌تر است و باید در برابر مردم پاسخگو باشند.

[فلسفه تشریح احکام]

* بعضی از قوانین فقهی نیاز به تجدیدنظر دارند؛ با توجه به دستاوردهای جدید علمی مثلاً با آزمایش خون می‌توان تشخیص داد که زنی باردار است، بنابراین نیازی به عده نگه داشتن (سه ماه و ده روز) نیست. یا «دی ان ای» مشخصات بچه یا فردی یا نسب وی را در چند ساعت مشخص می‌کند. اکنون در آزمایشگاهها مشابه سازی موجودات انجام می‌شود. یا در موردی خانمی در انگلیس بعد از ۱۰ سال توانست با استفاده از اسپرم شوهر مرحومش که در آزمایشگاه نگهداری می‌شد باردار شود، طبق قوانین فقهی بچه‌دار شدن بدون داشتن همسر می‌تواند حکم زنا را در پی داشته باشد. منظور من از طرح این سؤالات این است که مآکی شاهد حضور رساله‌های عملیه جدیدی از طرف مراجع خواهیم بود که بتواند نیازهای نسل جدید را هم پاسخگو باشد؟

اگر فقیه با استناد به ادله شرعیه و به کمک کارشناسان هر رشته‌ای به فلسفه و مصلحت حکمی یقین پیدا کرد و مطمئن شد فلسفه تشریح حکم چه بوده است، می‌تواند بر طبق یقین خود فتوی بدهد؛ که البته این یقین به آسانی به دست نخواهد آمد.

* فرزند خانم زهرا کاظمی خبرنگار عکاس که سال گذشته در ایران به قتل رسید همان روزهای اول طبق استفتایی از آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله صافی نظر ایشان را در مورد اجازه دفن مادر به فرزند و روشن شدن علت قتل وی پرسیدند که اجازه دفن به پسر داده می‌شد (در غیاب همسر و در برابر مادر مقتول). چگونه مقامات قضائی ایران به راحتی این استفتاها را ندیده می‌گیرند و از انتقال جنازه به کانادا خودداری می‌کنند؟

مقامات قضایی باید پاسخ بدهند.

* اگر حضرت رسول ﷺ در حال حاضر حضور فیزیکی داشتند چه رویه‌ای را در پیش می‌گرفتند؟ آیا با حکم سنگسار و تعیین دیه گوسفند و شتر در ایران فعلی و جهان امروزی چنین حکم‌هایی را می‌دادند، یا با توجه به شرایط تاریخی و زمانی و فطرت انسانی و شیوه زندگی نظر می‌دادند؟ چگونه می‌توان برده‌داری را اجرا نکرد در حالی که در اسلام وجود داشته است؟ ولی از آنجا که در دنیای امروزی تقریباً منسوخ شده و با روح برابری و برادری در اسلام متناقض است دیگر منسوخ شده است.

اکنون که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام حضور ندارند، عالمان دینی احکام دین را با استناد به ادله شرعی یعنی قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام و عقل استنباط کرده و در اختیار مردم قرار می‌دهند. و چنانچه در موردی که از مسائل متغیر و متحول است فقیه مصلحت یا مفسده‌ای را که تشریح حکمی بوده است به طور قطع تغییر یافته دید، چون موضوع حکم عوض شده است حکم آن نیز عوض خواهد شد.

* هم آقای رفسنجانی و هم مجاهدین خلق از نظر سیاسی شما را زیر سؤال می‌برند. شما خودتان را در زمینه سیاسی چگونه می‌بینید؟
من در هر شرایطی آنچه را که تکلیف شرعی و عقلی خود دانسته‌ام عمل کرده و کاری به قضاوت دیگران نداشته و ندارم.

* وقتی که شما جانشین ولایت فقیه بودید مزاحهای زیادی در مورد شما (حداقل) در بخشی از جامعه ایران رایج بود ولی از وقتی شما عزل شدید یکباره قطع شد، شما چگونه این را می‌بینید؟
من از این موضوع اطلاعی ندارم.

* شیعیان مخصوصاً ایرانی‌ها کمتر پایبند شعائر مذهبی در خارج هستند. تقریباً می‌شود گفت مسلمانان ایرانی نقشی در جا افتادن اسلام در محیط زندگی نداشتند. شاید یکی از دلایل اصلی عملکرد روحانیت سیاسی در ایران است. به طور کلی ایرانیان از دین در اینجا دوری می‌کنند، برعکس مسلمانان اهل سنت از حکومت ایران تعریف می‌کنند. نکته جالب این است در میزان دوری مسافتی از حکومت و هواداری از آن جوانان هم بیشتر تحت تأثیر اسلام سیاسی اهل سنت هستند، نظر شما چیست؟

به جوانان توصیه می‌کنم که حساب اسلام را از عملکرد مدعیان اسلام و آنهایی که اسلام را ابزار سیاسی خود کرده‌اند جدا کنند و الگوی خود را سیره و خط مشی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام قرار دهند.

* عملکردهای مقتدی صدر مرا یاد آقای هادی غفاری می‌اندازد که سخنرانی‌هایشان را در مسجد با نام دکتر شریعتی آغاز می‌کردند ولی بعداً خودشان در سرکوب آزادیهای فردی فعال بودند. شما وظیفه مسلمانان در قبال عراق را چگونه می‌بینید؟
وظیفه مسلمانان در قضیه عراق توصیه به حق و تقویت وحدت کلمه و توجه به مصالح دینی و ملی کشور عراق می‌باشد.

* با تشکر مجدد از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.

پاسخ به پرسشی پیرامون مطلب مندرج در کتاب «تتمة الأعلام»

۱۳۸۳/۴/۱۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی آن فقیه عالیقدر

اخیراً مطالبی را در کتاب «تتمة الأعلام» زرکلی، ج ۱، ص ۱۸۵ به جنابعالی نسبت داده‌اند مبنی

بر این که شما آیت الله خمینی علیه السلام را معصوم و هرکس را که به عصمت او ایمان نداشته باشد مرتد

دانسته‌اید. خواهشمندم نظر شریف خود را بیان بفرمایید.

قم - شریف زاده

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، مطلب مذکور کذب محض است. محتمل است نسبت به ایشان

اتهاماتی وارد کرده باشند و من بر حسب اطلاعاتم از ایشان دفاع کرده باشم، ولی

هیچ‌گاه ایشان را متّصف به صفت «عصمت» نکرده‌ام، غیر از انبیای عظام و دوازده امام

و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهم اجمعین همه انسانها جایز الخطا و الاشتباه می باشند؛

و در حدیث نبوی وارد شده است: «کل بنی آدم خطّاء و خیر الخطّائین التّوابون».

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۴/۱۰

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون مطالبی در روزنامه کیهان

۱۳۸۳/۴/۱۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری

اخیراً در روزنامه کیهان (شماره ۱۷۹۸۳) به تاریخ پنجشنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۸۳ در رابطه با جریان مک‌فارلین و سفر هیئت همراه او به تهران جهت فروش سلاح به ایران، چنین آمده است: «...دیگر این که طرف ایرانی مذاکره کننده جناح آیت الله منتظری (قائم مقام رهبری) بودند که با اطلاع کامل شخص وی در این مدت با هم تماسها و مذاکرات سری داشته اند...».

آیا این نسبت به حضرت تعالی صحت دارد؟

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام و تحیت، سخن مذکور از آن دروغهای شاخدار است. جای بسی تعجب است که برخی ارباب جراید کشور با نشر بعضی از مطالب ساختگی می خواهند تاریخ معاصر را تحریف نمایند و در نتیجه آبروی مطبوعات را می برند. اینجانب از جریان مذاکره با آمریکایی ها و خرید سلاح از آنان بکلی بی اطلاع بودم و هنگامی از آن مطلع شدم که هیئت آمریکایی به تهران آمده و برگشته بود، که خیلی تعجب نموده و در ملاقاتی که در همان ایام رئیس جمهور سابق با اینجانب داشت به ایشان اعتراض کردم، که ایشان در صدد توجیه کار برآمد.

مشروح این ماجرا در کتاب خاطرات اینجانب (جلد ۱، صفحه ۵۸۶ و پیوست‌های مربوط به آن) ذکر شده است. لازم به ذکر است در نوشته‌جات مسئولین آن ایام هم چنین ادعاهایی نیامده است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۴/۱۵

حسینعلی منتظری

« ۷۱ »

پاسخ به نامه حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی رئیس جمهور
تحت عنوان «نامه‌ای برای فردا»

۱۳۸۳/۵/۲۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری مدظله العالی

با عرض سلام و تحیت

چنانکه استحضار دارید چندی پیش از سوی آقای رئیس جمهور نامه‌ای خطاب به ملت ایران تحت عنوان «نامه‌ای برای فردا» منتشر گردید. در این نامه ضمن ارائه منظری تاریخی به روند کلی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر، از فضای سیاسی کشور بعد از دوّم خرداد ۷۶ نیز تصویری عمومی با اشاره به دستاوردها و موانع فراروی جنبش اصلاح طلبی ترسیم شده است. نهاد ریاست جمهوری در پی آن است که نظرات ارزشمند نخبگان در خصوص این نامه را گردآوری و به اطلاع رئیس محترم جمهوری برساند. ضمن ارسال یک نسخه از نوشته مذکور برای تقدیم به حضور حضرت آیت الله العظمی منتظری (مدظله العالی) استدعا دارد این دفتر را از نظر مبارک معظم له مطلع فرمائید.

معاون امور سیاسی - حسین واله

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

با سلام و تحیت

نامه حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری ایدة الله تعالی تحت عنوان: «نامه‌ای برای فردا» که توسط دفتر ایشان ارسال شده بود ملاحظه شد.

قصده نداشتم در رابطه با عملکرد آقای خاتمی و اصلاحات وعده داده شده ایشان فعلاً اظهار نظر کنم، ولی با توجه به ارسال نامه ایشان برای من، و انتظار و تمایل دفتر ایشان به اظهار نظر، به چند کلمه‌ای اشاره می‌کنم. و آقایان توجه دارند که اینجانب همواره در گفتار و نوشتار خود صریح‌اللهجه بوده‌ام.

مراتب دیانت و فضل و آگاهی به مسائل روز و تعهد نسبت به وظایف دینی و ملی و سوابق درخشان و فضیلت خانوادگی جناب آقای خاتمی و مخصوصاً شخصیت معنوی و اخلاقی پدر بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید روح‌الله خاتمی - طاب‌ثراه - برای همگان روشن است. همچنین تردیدی ندارم که ایشان با حسن نیت و با علاقه به تحقق اهداف انقلاب اسلامی، خود را کاندیدای ریاست جمهوری نمودند و اصلاحاتی را به مردم وعده دادند.

مردمی که سالهای تلخ جنگ تحمیلی را تحمل نموده ولی قشر عظیمی از آنان در اثر عملکرد مسئولین و متصدیان امور نسبت به وعده‌های داده شده در انقلاب به یأس و ناامیدی و یا به تردید و آشفتگی و احیاناً به بدبینی نسبت به آینده رسیده بودند. در چنین فضایی آقای خاتمی با شعارهای بسیار زیبا و دلنشین و مطابق خواسته‌های مردم، وعده «اصلاحات» را - که جز وفا به وعده‌ها و شعارهای اولیه انقلاب نبود - به مردم اعلام نمود، و مردم نیز بر همین اساس چنان اقبالی نمودند که برای همگان غیرمنتظره بود. اکنون بعد از گذشت بیش از هفت سال از ریاست جمهوری ایشان متأسفانه دیده می‌شود یأس و ناامیدی و یا بدبینی مردم مجدداً به همان وضعیت زمان قبل و یا بدتر از آن رسیده است، و نیز دیده می‌شود قشر عظیمی از نسل جوان احساس بی‌هویتی می‌کند و به آینده خود کاملاً بدبین می‌باشد.

اینجانب نمی‌خواهم با بی‌انصافی بگویم جریان اصلاحات هیچ توفیقی به دست نیاورد، اما می‌خواهم بگویم آنچه به دست آمد در مقابل آنچه وعده داده شده بود و امکان دسترسی به آن نیز فراهم شد و نیز در مقابل آنچه خواسته و انتظار مردم بود بسیار ناچیز می‌باشد.

آقای خاتمی در «نامه‌ای برای فردا» و نیز در بسیاری از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود سعی کرده‌اند علت یا علل این ناکامی را تشریح نمایند، ولی به نظر اینجانب بیانات ایشان تاکنون قانع کننده نمی‌باشد.

ایشان در این رابطه چند محور را مطرح و مورد تأکید قرار داده‌اند:

۱- ایشان فرهنگ استبداد زدگی ملت ما را مطرح می‌کنند و این که سالها وقت باید صرف شود تا این فرهنگ غلط از بین برود.

در وجود فرهنگ استبداد زدگی بحثی و اختلافی نیست، اما سخن این است که چرا ما در عمل به این فرهنگ مشروعیت می‌دهیم؟ چرا ما در عمل تسلیم خواسته‌های متولیان این فرهنگ شدیم؟ و چرا به جای این که با توکل به خدای متعال و اعتماد به نفس تسلیم رضای خدا و خواسته مردم شویم، در هر فرصتی که پیش آمد سرانجام راضی نمودن متولیان فرهنگ استبداد زدگی را ترجیح دادیم؟ بدیهی است در چنین فضایی استبداد به خود مشروعیت قانونی می‌دهد و به دنبال آن خواسته‌های ناشی از فرهنگ استبداد زدگی شکل قانونی به خود می‌گیرد و قهراً زور و خشونت نیز عملاً قانونی می‌گردد. انسان اگر - فرضاً - در برابر قدرتها توان مقاومت نداشته باشد، انتظار می‌رود حداقل توجیه‌گر و مجری مظالم و کارهای خلاف آنان نباشد و یا با سکوت خود روی آنها صحه نگذارد.

۲- ایشان در نامه اخیر خود و در جاهای دیگر گفته‌اند: «باید این پندار غلط را از

ذهن خود بزدایم که برای رهایی باید منتظر قهرمان بود.»

کسی نگفته است که مردم ما منتظر آمدن قهرمانی از غیب و رها نمودن آنان از وضعیت کنونی می‌باشند؛ بلکه بحث این است که مردم ما در جریان اصلاحات کار خود را به بهترین وجه انجام دادند، و با آن همه تلاش و تبلیغات مسموم و انحرافی جناح مخالف اصلاحات، دو مرتبه به صحنه آمدند و رأی چشم‌گیری دادند، و در هر فرصتی که پیش می‌آمد از شعارهای اصلاحات و شخص ایشان پشتیبانی نمودند. آیا

انتظار مردم از آقای خاتمی برای عمل به وعده‌های خود که مورد تأکید و تأیید آنان بود به معنای انتظار قهرمان شدن ایشان بود؟ مگر مردم چه کاری باید می‌کردند و نکردند؟ آقای خاتمی موانع سر راه اصلاحات - چه موانع به اصطلاح قانونی و یا غیر آنها - را چه هنگامی برای مردم تشریح نمود و از آنان کمک خواست و مردم به ایشان پاسخ مثبت ندادند؟

در شرایطی که جناح مخالف اصلاحات به کارشکنی و سنگ اندازی خود ادامه می‌داد، حداقل چیزی که مردم از آقای خاتمی انتظار داشتند این بود که صریحاً با مردم صحبت کند و عذر خود را به مردم بگوید و از مردم بخواهد عذر او را پذیرفته و آبرومندانه کنار رود. کنار رفتن آبرومندانه مستلزم و یا به معنای معارضه با حاکمیت نمی‌باشد، بلکه قطعی‌ترین پیامد و اثر آن حفظ حیثیت و جاذبه جریان اصلاحات و شخص ایشان بود، و قهرماً ایشان می‌توانست در آینده منشأ تحول و تداوم راه اصلاحات باشد.

اما در پیش گرفتن سیاست دوپهلوی حرف زدن و در عمل جناح اقتدارگرا را راضی نمودن و حقیقت را قربانی مصلحت کردن و عدالت را در موارد گوناگون و نسبت به افراد زیادی قربانی مظالم تحمیلی و ناخواسته نمودن، عاقبتی جز همین وضعیت که پیش آمده است ندارد.

۳- ایشان می‌گوید: «زور و خشونت را نباید و نمی‌توان با زور و خشونت پاسخ داد.» منتقدین سیاست‌های آقای خاتمی هیچ‌گاه نگفته‌اند زور و خشونت طرف مخالف اصلاحات را باید با زور و خشونت پاسخ داد، بلکه می‌گویند: چرا عملاً با سیاست محافظه کاری و دوپهلوی عمل کردن و حقایق را از مردم پنهان نمودن، به زور و خشونت اقتدارگرایان مشروعیت بخشیده شده و تحکیم گردید؟

کسانی به زور و خشونت متوسل می‌شوند که در بین مردم جایگاه و خواستگاهی ندارند، اما جریان اصلاحات که در آغاز دارای پشتوانه قوی مردمی بود چه نیازی به توسل به زور و خشونت داشت؟

مردم سالاری وقتی از شعار به عمل می‌رسد که مردم کاملاً در جریان کارشکنی‌های مخالفین اصلاحات قرار گیرند. طبیعی است هنگامی که آقای خاتمی سیاست محافظه‌کاری و ملاحظه‌بیش از اندازه رقبای اصلاحات را پیش می‌گیرد، مردم بتدریج از شخص و جریان وابسته به ایشان و نیز از اصلاحات مایوس و ناامید می‌شوند، که نمونه آن را در انتخابات شوراها و در جریان رد صلاحیت‌ها و تحصن تعدادی از نمایندگان مجلس دیدیم.

اشتباه بزرگ ایشان این بود که از همان روزهای اول ریاست جمهوری و تعیین اعضای کابینه - که جناح اقتدارگرا در ضعف کامل و حتی شوک غیرمنتظره بود - به جای اتخاذ سیاست متکی به خود و انتخاب افرادی که خود تشخیص می‌داد، با داشتن سرمایه عظیم رأی مردم، افراد و سیاست‌های تحمیل شده را قبول نمود و کسانی را که به کمتر از نابودی او راضی نبودند حیات سیاسی دوباره بخشید و به آنان مشروعیت داد، و در این رابطه بسیاری از علاقه‌مندان و همفکران خود را از دست داد.

همین اشتباه کلیدی ایشان سرآغاز انحراف در مسیر اصلاحات بود، و همه دیدیم که متعاقب آن، آقای خاتمی مجبور شد در هر مورد رضایت آنان را جلب کند؛ و بدون گرفتن امتیازی پیوسته به آنان امتیاز داد، تا رسید به وضعیت کنونی که متأسفانه دولت او تقریباً در مسائل اساسی کشور در حاشیه قرار گرفته و تصمیم‌گیریهایی اصولی کشور در جای دیگر توسط همان جناحی انجام می‌شود که ایشان مرتباً به آنان امتیاز می‌داد، و با این حال نمی‌دانم چرا ایشان همین حقیقت را صریحاً به مردم نمی‌گویند؟ از خدای متعال حسن عاقبت برای همگان و عزت و سربلندی اسلام و ملت شریف ایران را مسألت دارم.

والسلام علی جمیع إخواننا المسلمین.

۱۳۸۳/۵/۲۰

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های خبرنگار صدای آمریکا

۱۳۸۳/۶/۱۱

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با عرض سلام و آرزوی سلامت و تندرستی برای جنابعالی، موجب امتنان خواهد بود که به

سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- ارتباط جنابعالی با آیت‌الله سیستانی تا چه حدی است؟

۲- ارتباط آیت‌الله سیستانی با ایران.

۳- نظرتان را دربارهٔ مقتدی صدر بیان فرمایید.

۴- نقش ایران در سیاست عراق را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

۵- نظرتان را دربارهٔ برقراری رابطه با آمریکا بیان فرمایید.

با احترام و امتنان - ۹ شهریور ۱۳۸۳ - ستارهٔ درخشش

﴿ بسمه تعالی ﴾

[آیت‌الله سیستانی]

پس از سلام و تحیت

۱- ایشان یکی از مراجع تقلید معروف هستند، ولی اینجانب با ایشان نه رابطهٔ

کتبی دارم و نه رابطهٔ تلفنی یا تلگرافی، فقط قبل از حصر پنج‌سالهٔ من ایشان در رابطه

با دروس حوزهٔ قم به وسیلهٔ شخصی پیام داده بودند به اینجانب، و شنیدم کتابهای مرا

با علاقه خوانده‌اند.

۲- ایشان در ایران زیاد مقلد و پیرو دارند، و آقای سید جواد شهرستانی داماد ایشان در قم نماینده تام‌الاختیار و توزیع کننده شهریه ایشان می‌باشد.

[مقتدی صدر]

۳- من ایشان را نمی‌شناسم، اجمالاً می‌دانم فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدصادق صدر می‌باشد، که پس از وفات مرحوم آیت‌الله خویی از ناحیه صدام به عنوان مرجع شیعه معرفی شد، ولی بعداً ایشان با صدام درافتاد و از طرف صدام او و دو پسرش به شهادت رسیدند. مقتدی صدر از نظر معلومات یک طالب معمولی است ولی با تشکیل جیش‌المهدی در برابر آمریکایی‌ها و دولت موقت عراق قیام کرد. اینجانب با روش او مخالف بودم، و سابقاً در اعلامیه‌ای در رابطه با مسائل عراق عمل ایشان را تخطئه نمودم، همان‌گونه که بقای آمریکایی‌ها را نیز تخطئه کردم. اعلامیه‌های من در سایت من موجود است.

[نقش ایران در سیاست عراق]

۴- ایران لازم است بدون دخالت در سیاست عراق دنبال روابط دوستانه و عاقلانه باشد. زیرا ایران و عراق دو کشور همسایه و هم‌کیش هستند و به یکدیگر وابستگی قومی و دینی و مذهبی دارند. و اگر نظریات و رهنمودهایی ایران نسبت به مسائل عراق دارد، باید دوستانه باشد نه مداخله جویانه.

[برقراری رابطه ایران با آمریکا]

۵- با وجود ارتباطات عمیق خبری و سیاسی و اقتصادی جهان امروز قطع ارتباط با آمریکا به ضرر هر دو کشور است؛ لازم است با حفظ استقلال و عدم مداخله در سیاست یکدیگر روابط برقرار شود. بیش از همه صهیونیست‌های آمریکا مخالف برقراری روابط حسنه می‌باشند.

اینجانب در «پاسخ به سؤالات جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه» در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۲ به نحو تفصیل مسأله را مطرح کرده‌ام؛ کتاب دیدگاهها، شماره ۷، ص ۸۴ که در سایت اینجانب موجود است.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۳/۶/۱۱

حسینعلی منتظری

«۷۳»

پیام تسلیت به مناسبت شهادت آقای حاج داود کریمی

۱۳۸۳/۶/۱۶

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

تهران - فرزندان و خانواده و هم‌رزمان مرد باتقوا و مبارز خدمتگزار به اسلام و انقلاب و کشور مرحوم مغفور آقای حاج داود کریمی طاب‌ثراه پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت ایشان را دریافت و بسیار متأثر شدم.

ایشان - که از فرماندهان و بنیانگذاران متعهد سپاه و از جانبازان جنگ تحمیلی و همواره با قرآن و نهج‌البلاغه و معارف اسلامی مأنوس - از کسانی بود که با تحمل زندانها و شدائد و محرومیت‌ها و حفظ روحیه صبر و استقامت هیچ‌گاه در انجام مسئولیت‌ها و حمایت از حق و طرفداران آن کوتاهی نکرد.

اینجانب این مصیبت را به همه فرزندان و خانواده و بازماندگان و علاقه‌مندان و هم‌رزمان محترم آن مرحوم تسلیت می‌گویم؛ و از خداوند قادر متعال برای ایشان رحمت و اسعه الهی و حشر با ائمه طاهرین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین، و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمیل و اجر جزیل، و برای همه خدمتگزاران متعهد سلامت و سعادت و خدمت بیشتر به اسلام و کشور را مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۲۰ رجب ۱۴۲۵ - ۱۳۸۳/۶/۱۶

حسینعلی منتظری

مصاحبه خبرنگار ایتالیایی

۱۳۸۳/۶/۲۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[رابطه اسلام با دیگر ادیان]

* جنابعالی هم به عنوان یک رجل مذهبی و هم سیاسی مطرح هستید، سؤالات من هم در همین دو حوزه است. برخی افراد در کشورهای غربی طرح برخورد تمدنها را مطرح می‌کنند، آنها اسلام را متهم می‌کنند که در قرآنش با دیگر ادیان ستیز و جنگ مطرح شده است، شما چه نظری در این مورد دارید؟

بحث برخورد تمدنها درست نیست، بلکه بایستی میان آنها هماهنگی وجود داشته باشد. آنچه که به اسلام نسبت داده می‌شود که اسلام دین ستیزه‌جو و جنگ طلب است این چنین نیست، جنگ‌هایی که در صدر اسلام رخ داده تدافعی بوده است. جنگ دفاعی حق طبیعی هر انسان است، و عقل به آن حکم می‌کند که اگر انسانها مورد هجوم قرار گرفتند باید از خودشان دفاع کنند. قریش و کفار در برهه‌های مختلف مسلمین را مورد تعرض قرار می‌دادند، جنگ‌ها هم در مقام دفاع از کیان اسلام و مردم مسلمان بود.

این که ادعا شده اسلام و قرآن دیگر ادیان را به رسمیت نمی‌شناسد این گونه نیست، و قرآن در رابطه با ادیان دیگر به گونه دیگری وارد شده است؛ در سوره بقره، آیه ۶۲ آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ یعنی آنها که ایمان آوردند و یهود و نصاری و صابئین، کسانی که ایمان به

خدا و روز جزا آوردند ﴿لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ آنان ترس و اندوه ندارند. بویژه نسبت به مسیحیت اسلام عنایت خاص دارد؛ در سوره مائده، آیه ۸۲ می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قَسِّيْسِينَ وَرَهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ای پیامبر، کسانی که شدیدترین دشمنی‌ها را با مؤمنین دارند مشرکین و یهود هستند، و آنان که بیش از دیگران با مسلمین دوست هستند نصاری می‌باشند، زیرا از آنها کشیش‌ها و راهب‌ها هستند و اهل استکبار و تکبر نیستند. نصاری برخلاف مشرکین و یهودی‌ها با مودت، دوستی و حسن هم‌جواری با مسلمین زندگی می‌کردند.

آنچه که در تاریخ اسلام از خشونت و جنگ و یورش مشاهده می‌کنید ناشی از خشونت طلبی و جنگ طلبی خلفای جور بنی‌امیه و بنی‌العباس است. کار آنها را شما به حساب «اسلام» نگذارید، همان‌گونه که جنگ‌های صلیبی را به حساب «مسیحیت» نمی‌گذاریم، چون حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام با آن مخالف است و اسلام هم مخالف جنگ‌هایی بود که خلفا راه انداختند.

[جایگاه خشونت در اسلام]

* ما کاملاً با شما موافق هستیم، ولی از طرفی برخی دیگر در دنیای اسلام هستند چون اسامه بن لادن که آزادانه می‌گویند بر اساس قرآن باید جنگ کرد و کشتار راه انداخت. ما با این روش مخالف هستیم.

* این حرفهای امثال بن لادن به اسلام خیلی در دنیا ضربه زده است.

صحیح است! متأسفانه این قبیل افکار ضربه‌آسایی به دین می‌زند. او مخالف اسلام حرف می‌زند. اسلام ترور و آدم‌کشی را منع کرده است. من برای شما چند دلیل ذکر می‌کنم. کسی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: فلان کس به علی عَلَيْهِ السَّلَام خیلی بد می‌گوید، اجازه دهید جوابش را بدهم. ایشان می‌گویند: چگونه؟ آن شخص می‌گوید: ترورش

می‌کنم. حضرت می‌فرماید: این ترور است و رسول خدا ﷺ از ترور نهی کرده‌اند: «الاسلام قید الفتک» اسلام مانع ترور است. (کافی، ۳۷۵/۷).

مسلم بن عقیل از طرف امام حسین علیه السلام به کوفه اعزام شد تا مقدمات حضور ایشان در شهر کوفه را فراهم کند، ابن زیاد که از طرف یزید بن معاویه والی کوفه شده بود می‌خواست شبی به عیادت یکی از رجال کوفه به نام شریک بن اعور برود، شریک بن اعور به مسلم گفت: وقتی ابن زیاد آمد تو مخفی شده او را ترور کن. قاعدتاً اگر ما باشیم می‌گوییم چه خوب است برای این که از شر ابن زیاد راحت شویم او را ترور کنیم، ولی وقتی ابن زیاد به خانه شریک آمد هر اندازه شریک به مسلم علامت داد که حمله کند مسلم اقدامی نکرد. وقتی ابن اعور به او اعتراض کرد مسلم بن عقیل گفت: یادم آمد به این کلام رسول خدا ﷺ که فرمودند: «الاسلام قید الفتک» اسلام مانع ترور است.

[ارتباط سیاست با مذهب و عقل با شرع]

* برخی از فلاسفه معروف در ایتالیا که شاید شما آنها را بشناسید و انسانهای بزرگی هستند به دو ایده اعتقاد دارند: ۱- جدایی سیاست از مذهب ۲- جدایی اعتقادات مذهبی با اعتقادات عقلی. نظر شما چیست؟

به نظر ما هر دوی آنها قابل مناقشه است.

اولاً: ما عقل را امّ الحُجج یعنی اساس حجت‌ها و براهین می‌دانیم و احکام و قوانینی را که مخالف عقل باشد قبول نداریم. هیچ‌گاه احکام شرعی مخالف عقل نیست؛ و خود شرع و قرآن، ما را به عقل ارجاع می‌دهند. در موارد زیادی قرآن بحث تعقل و تفکر و اندیشه را مطرح کرده است و مردم را به اندیشه کردن در امور تکوینی و غیرتکوینی سفارش نموده است. ما در اسلام ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ را داریم که معنی‌اش این است دین زوری قابل قبول نیست. ما می‌گوییم: «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع». حکم عقل و شرع با هم تلازم دارند و تضاد

در آنها نیست، و اگر تضادی در جایی مشاهده شد در اینجا آنچه عقل می‌گوید مقدم است، چون امّ الحُجج است.

و ثانیاً: در مورد رابطه مذهب و سیاست هم احکام اسلامی منحصر به احکام عبادی و اخلاقی نیست. در دین اسلام هم اجتماعیات و هم سیاست و اقتصاد و حاکمیت و شرایط و روش آن وجود دارد. و در رابطه با آنها اسلام دستورالعمل دارد، این یک واقعیت خارجی است که نمی‌توان آن را منکر شد. اسلام از این جهت با مسیحیت تفاوت اساسی دارد.

* شما قبول دارید اگر مذهب و سیاست یکی شد به دین ضربه می‌خورد؟

تلفیق مذهب با سیاست اگر هر دو حق باشند مشکلی پیش نمی‌آید. روزی پاکروان -از سران ساواک رژیم سابق- به آیت‌الله خمینی گفته بود: شما مرجع هستید، سیاست یعنی دروغ، تزویر و حقه‌بازی. آقای خمینی علیه السلام گفته بود: اگر سیاست به معنای دروغ، حقه‌بازی و تزویر است ما اهلش نیستیم؛ ولی سیاستی که ما می‌گوییم به معنای تزویر نیست، سیاست به معنای تنظیم امور و برنامه‌ریزی صحیح برای اداره جامعه است، و این هم جزء دین است.

* این درست است که دین در سیاست تأثیر می‌گذارد، این قابل قبول، ولی آیا سیاستمداران

حتماً باید از رجال دینی باشند؟

این چنین نیست که منحصر در آنها باشد، بلکه باید در هر رشته به متخصصین آن رجوع کرد. و فقها چون تخصص در فقه دارند باید به جنبه فقهی قوانین و برنامه‌های اجرایی پردازند، و امور دیگر را باید به کارشناسهای آنها ارجاع داد.

[جایگاه زنان در اسلام و اشاره به مسأله ارث]

* در کشورهایی که مذهبی هستند مثل ایران زنها حق کمتری نسبت به مردها دارند، آیا این

ناشی از دین است یا تاریخ؟

هیچ وقت دین نگفته است تنها مردها صاحب حقاند و زنها از این حق محرومند، اگر زنها تخصص های لازم را در جامعه دارند آنها هم حق دارند در امور مورد نیاز وارد شوند. مثلاً همین فقه و مرجعیت، اگر زنی پیدا شد که فقیه بود می تواند فتوی دهد، می تواند مرجع تقلید باشد، مانند دیگر تخصص ها که حتی از سوی مردها به زنان رجوع می شود. اگر واقعاً زن توان اداره جامعه را داشته باشد - چنان که برخی زنها الآن در رده های مدیریتی از مردها بهتر کار کرده اند - چه اشکالی دارد آنها انتخاب شوند؟ ولی در قضاوت و حاکمیت در درجه بالا، تصدی زنها محل اشکال است. در این رابطه می توان به فصل دهم از کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» ج ۱، ص ۳۳۵ مراجعه نمود.

* ولی راجع به ارث زنها که نصف مردهاست چه می گویند؟ آیا این یعنی رعایت حقوق زن؟

این سؤال برای خیلی ها مطرح است، من لازم است در این رابطه کمی توضیح دهم. هم زن توان کار دارد و هم مرد، و هر دو صاحب عقل و شعورند، ولی عملاً این زن است که خانه داری می کند، بارداری را تحمل می کند و فرزند از او متولد می شود و تربیت بچه ها را او انجام می دهد. که این هم ناشی از این است که طبیعت زن و مرد از بسیاری جهات تفاوت اساسی دارد. زن مظهر عواطف و احساسات است و بچه بیش از همه چیز به محبت و عاطفه نیاز دارد. از طرف دیگر زن وقتی شوهر می کند از طرف مرد مهر به وی اعطا می شود. مرد علاوه بر مهریه که به زن می دهد مخارج خانه را هم به دوش دارد در حالی که زندگی و بچه ها متعلق به هر دو می باشد، ولی مرد مخارج زندگی را به عهده دارد و زن در خانه یک مصرف کننده نیست، مرد تولید می کند و زن مصرف می کند. مرد هم به همان اندازه مصرف می کند نه بیشتر. با این حال زن $\frac{1}{3}$ به ارث می برد و $\frac{2}{3}$ از آن مرد است. مرد باید روی این $\frac{2}{3}$ کار تولیدی انجام دهد و از آن علاوه بر مخارج خود هم خرج بچه ها را بدهد و هم مخارج زن را. در صورتی که زن آن $\frac{1}{3}$ متعلق به خودش را در زندگی مشترک خرج نمی کند بلکه مخصوص خودش می باشد. پس در مرحله مالکیت $\frac{2}{3}$ به مرد می رسد و $\frac{1}{3}$ به زن، ولی در مرحله مصرف

$\frac{1}{3}$ مال که نصف مال مرد است برای زن صرف می‌شود؛ پس در حقیقت $\frac{2}{3}$ مال به زن رسیده و $\frac{1}{3}$ آن به مرد.

* در غرب واژه‌ای داریم به نام مدرنیته، شما چه تصویری از آن دارید؟

ما از صنعت و تکنولوژی غرب استفاده می‌کنیم و مخالف آن نیستیم؛ ولی اگر معنای مدرنیته امور غیراخلاقی، بی‌بندوباری اخلاقی و اقتصادی است ما با آن مخالف هستیم، چون آن را برخلاف وجدان و عقل می‌دانیم.

* از این گفتگو لذت بردیم، تشکر وافر دارم که ما را پذیرفتید.

إن شاء الله موفق باشید.

مصاحبه خبرگزاری «آسوشیتدپرس»

۱۳۸۳/۷/۵

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[مسائل و مشکلات عراق]

حضرت آیت الله العظمی منتظری در این مصاحبه راجع به کشور عراق و حوادثی که در آن اتفاق می افتد فرمودند:

حلّ مسائل عراق با هم اندیشی نخبگان، استفاده از قدرت مرجعیت شیعه، تشریک مساعی تمام نیروها و اقوام، و تشکیل دولت فراگیر طی یک انتخابات آزاد میسر خواهد شد.

این که برخی نیروهای تندرو با سوءاستفاده از اسم اسلام و دین دست به قتل و ترورهای کور و آدم ربایی زده و حتی عتبات عالیات را سنگر خویش قرار می دهند و موجب هتک اعتبار مقدّسه می شوند، نه تنها موجب خروج نیروهای اشغالگر نخواهد شد بلکه با این تحریکات، اسلام، دین و مردم عراق ضربه خواهند خورد. جهاد دفاعی در برابر اشغالگران با تهیه امکانات و ابزار آن واجب و لازم است، ولی جهاد غیر از ربودن افراد بی گناه و ترور آنهاست. البته نیروهای خارجی هم باید بدانند که ماندن در عراق به نفع آنها نیست و باید هرچه زودتر آن کشور را ترک نمایند، ماندن طولانی در آن کشور صددرصد به ضرر آنان خواهد بود.

ایشان ادامه دادند:

اخیراً در رسانه ها خواندم: دو زن از تبعه کشور ایتالیا که جهت امور بشردوستانه

وارد عراق شده بودند در اعتراض به حضور نیروهای خارجی در عراق توسط ربایندگان ربوده شده و احتمالاً به قتل رسیده‌اند. در صورتی که اگر اعتراضی به اشغال هست دولت‌ها باید جوابگو باشند نه شهروندان آن کشورها. در قرآن می‌فرماید: ﴿ولا تزر وازرة وزر اخرى﴾ هیچ‌کس بار و مسئولیت دیگری را به دوش نمی‌کشد. این آیه از آیات محکمه قرآن است.

اگر ربایندگان اعتراض به حضور نیروهای یک کشور دارند، چرا تاوان آن را چند تبعه بی‌گناه و بی‌پناه پس دهند؟ قطعاً چنین تحرکات خشن خارج از اصول انسانی و شرعی است و مخالف نص صریح قرآن است.

[برخوردهای غیرانسانی و غیرمنطقی گروههای فشار]

ایشان در رابطه با رفتار غیرانسانی و غیرمنطقی‌ای که با آقای دکتر سروش در قم انجام شد فرمودند:

متأسفانه برخوردهای گروه فشار و غیرقانونی با نخبگان و اهل علم هنوز ادامه دارد؛ چند شب پیش گروهی - که به غلط نام خود را حزب‌الله گذاشته‌اند - به جلسه سخنرانی علمی آقای دکتر سروش که عالمی متعبد است حمله کرده و آن را به هم زده و ایشان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. با چه مجوز شرعی این قبیل کارهای غیرمنطقی انجام می‌شود؟ چرا باید یک مجلس علمی محدود توسط عده‌ای شناخته شده مورد تهاجم قرار گیرد و دولت و نیروی انتظامی با آنها برخورد نمایند؟! فلسفه وجودی دولت و قوا حفظ نظم و آرامش در جامعه است و تأمین امنیت نخبگان در رأس آن قرار دارد. اگر دولت و نیروها در برخورد با عناصر آشوب طلب نکوشند، نشان از ضعف و سستی آنهاست، و آبرو و حیثیت کشور را زیر سؤال می‌برند.

ایشان ادامه دادند:

چنین وضعیتی در رژیم سابق هم بود. وقتی در عرصه سیاسی و اجتماعی کم

می‌آوردند عناصر آشوب‌طلب دون‌مایه را برای ضرب و شتم مردم به میدان می‌فرستادند.

ایشان در پاسخ به سؤالی پیرامون انتخابات آینده ریاست جمهوری و برخورد شورای نگهبان با این انتخابات با توجه به بُعد زمانی از اظهار نظر خودداری کردند. والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۱۳۸۳/۷/۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرنگار نشریه مصری «الوطن العربی»

۱۳۸۳/۷/۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[آرمانها و دستاوردهای انقلاب]

* خواهشمندم حضرتعالی دورنمایی از حالت کلی انقلاب را پس از گذشت ۲۵ سال بفرمایید،

آیا به نظر شما چیزی از انقلاب باقی مانده است؟

ظاهراً اسم انقلاب هست؛ ولی وعده‌هایی در اول انقلاب به مردم داده شد که به بسیاری از آنها عمل نشده است. و اصلاحاتی که آقای خاتمی مطرح کرد مطلب نوظهوری نبود بلکه مقصود عمل به همان وعده‌های اولیه انقلاب بود. از جمله آزادی بیان و فکر. و مردم متأسفانه مشاهده کردند وعده‌ها عمل نشد و دلسرد شده‌اند.

* جنابعالی دیدگاههایی برخلاف اقداماتی که انجام شده و می‌شود دارید، آیا به همان

دیدگاهها اعتقاد دارید؟

من می‌گویم: چرا به مردم فشار می‌آورید؟ چرا به وعده‌های داده شده عمل نمی‌کنید؟ در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بازداشت سیاسی نبود، چرا کارهایی را برخلاف سیره آنان انجام می‌دهیم با این که خودمان را پیرو آنان می‌پنداریم؟ اعتراضات من هنوز به قوت خود باقی است. من با اصل انقلاب به هیچ وجه مخالف نیستم. ما خودمان از ایجاد کنندگان انقلاب بودیم. ما می‌گوییم در زمان امام علی علیه السلام مخالفان سرسختی چون عبدالله بن کواء علیه ایشان در نماز شعار می‌داد و کسی متعرض وی نشد، ولی الآن هیچ‌کسی حق اظهار نظر ندارد.

در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه امام علی علیه السلام می فرماید: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» وقتی ایشان می گویند: به من مشورت بدهید، حرف حق را بزنید، من فوق خطا نیستم؛ حساب دیگران معلوم است. چرا آقایان اجازه نمی دهند کسانی که انتقاد دارند حرفشان را بزنند؟! این اشکال من بود و حال هم هست.

«جمهوری اسلامی» دو کلمه است: «جمهوریت» یعنی حکومت ناشی از مردم، «اسلامی» یعنی بر اساس موازین اسلام. چون دین اسلام منحصر در احکام عبادی و اخلاقی نیست. تضادی میان این دو کلمه نیست، چون مردم اسلام می خواهند و می خواهند احکام اسلام جاری گردد.

[رعایت موازین اسلام و قانون اساسی]

* آیا اشکالاتی که شما دارید از قوه مجریه است یا به اختیارات داده شده به ولی فقیه هم اشکال

دارید؟

کسانی که تصمیم گیرنده هستند باید بر اساس موازین اسلامی عمل نمایند. آنها خودشان را فوق قانون می پندارند و به کسی پاسخگو نیستند، با این که در قانون اساسی تصریح شده است که رهبر مانند سایر مردم است و باید بر اساس مقررات عمل نماید.

* آیا یکی از اصول قانون اساسی که اسلامیت است مورد عمل نیست؟

بله به موازین اسلام عمل نمی شود. خشونت ها، زندانها و بازداشت ها خلاف اسلام است. در قرآن از ۱۱۴ سوره تنها یک سوره «بسم الله» ندارد و در آن هم نیامده است «به نام خداوند منتقم جبار»؛ ولی در ابتدای ۱۱۳ سوره آمده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان». خداوند به پیامبر خطاب می کند: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» در اثر رحمت خدا تو نرم خو هستی برای آنان، و اگر خشن و تندخو بودی از کنارت پراکنده می شدند. وعده های

اولیه انقلاب بر اساس رحمت و رأفت اسلامی بود. من خود در سالهای قبل انتقاداتی کردم و از روی خیرخواهی مطالبی را متذکر شدم، چند سال من را در همین خانه محصور کردند که چرا امر به معروف و نهی از منکر کرده‌ام.

[صدور انقلاب]

* شما انتقاداتان به خشونت‌هاست، حال آن‌که اصل انقلاب که در سال ۱۹۷۹ پیروز شد اصلاً بحث صدور انقلابش با خشونت همراه بوده است.

بسا چنین فکری در اوّل پیروزی انقلاب وجود داشت که باید انقلاب صادر شود. ولی مقصود اصداً انقلاب نبود، معنای صدور انقلاب یعنی اگر عمل ما عاقلانه باشد قهراً برای دیگر کشورها جاذبه خواهد داشت. وقتی انقلاب بر اساس اصول صحیحی شکل گرفت طبعاً خودش صادر می‌شود، نه این که بخواهیم انقلاب را با زور صادر نماییم.

[اسلام و تروریسم]

* آیا شما این نظر را قبول دارید که یکی از جنبه‌های منفی جمهوری اسلامی ارتباط با گروه‌های تروریستی بوده است؟

اگر چنین چیزی بوده غلط بوده است و ما با ترور و تروریسم مخالف هستیم. و گروه مجاهدین خلق که فعالیت‌های تروریستی می‌کردند از کشور رانده شدند. از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که: «الاسلام قید الفتک» اسلام منع کننده ترور است. بر همین اساس بود که مسلم بن عقیل در کوفه در خانه شریک بن اعور حاضر نشد ابن زیاد والی کوفه را ترور کند. دین و سیاست هیچ یک با زور جا نمی‌افتند.

[سوء مدیریت]

* گفته می‌شود انقلاب ایران تغییرات بنیادی ایجاد نکرد، چون جوانان فعلی ایرانی با مبانی آن آشنا نیستند و تفاوتی نکردند.

این ناشی از سوء مدیریت است وگرنه مردم تابع حق هستند. اگر ما در داخل خوب عمل می‌کردیم و در خارج عراق را علیه ما تحریک نمی‌کردند، قهراً پیشرفت در داخل و خارج داشتیم.

* آیا واقعاً میان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران درگیری و تعارض هست یا این یک ظاهرسازی

است؟

ظاهرسازی که نیست، دو نظریه است و مخالفت‌ها جدی است.

* آیا انقلاب نیاز به یک انقلاب دیگر دارد؟

اگر تعبیر به انقلاب هم نشود در هر صورت اصلاحات و تغییرات جدی لازم

دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

**دیدار دبیرکل، اعضای شورای مرکزی، دبیران استانها
و مسئولین شاخه‌های حزب مردم‌سالاری**

۱۳۸۳/۷/۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

در آستانه نیمه شعبان دبیرکل، اعضای شورای مرکزی، دبیران استانها و مسئولین شاخه‌های حزب مردم‌سالاری در قم با فقیه عالیقدر دیدار کردند. در ابتدای این دیدار آقای دکتر کواکبیان دبیرکل این تشکّل طی سخنانی گفت:

خوشحالیم که در شب ولادت منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در خدمت یکی از استوانه‌های فقه و فقاہت در جهان تشیع، حضرت آیت‌الله العظمی منتظری هستیم. حزب مردم‌سالاری بر اساس دیانت و خودباوری و اعتقاد به مرجعیت و فقاہت شکل گرفته و بر این باور است که میان دین و مردم‌سالاری تنافی وجود ندارد. ما از اندیشه‌های حضرت‌عالی در کتاب گرانقدر «حکومت اسلامی» بهره‌ها برده، و پی بردیم در اندیشه سیاسی اسلام مردم‌سالاری با دین‌باوری تضاد ندارد، و باید در امر حاکمیت گردش نخبگان وجود داشته و این‌گونه نباشد که گروه خاصی همیشه در قدرت باشند. جناب‌عالی به ما عیدی بدهید با رهنمودهای سازنده خود که إن شاء الله مثمر ثمر خواهد بود.

پس از سخنان دبیرکل حزب مردم‌سالاری حضرت آیت‌الله العظمی منتظری بیاناتی در رابطه با موضوع حزب و تحزب‌گرایی و لزوم نشر فرهنگ آن در جامعه به شرح زیر ایراد کردند:

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

من هم این عید بزرگ و مبارک ولادت پر برکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تمامی آزادی خواهان، مسلمانان جهان و شما برادران و خواهران تبریک می گویم. امیدوارم وجود مبارکش باعث رفع مشکلات شود و مورد توجه آن حضرت قرار گیریم و در جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وضعیت ما روزبه روز بهتر گردد.

بنا بر مزاحمت ندارم، تنها به یک نکته اشاره می کنم و دعاگوی شما هستم. در برخی اظهارنظرها این گونه مطرح شده است که: «حزب ما مساجد ماست.» اگر معنی این جمله این باشد که دیگر ما نیازی به احزاب و تشکل نداریم و احزاب کنار بروند، این نمی تواند مطلب درستی باشد. بر این اساس آقایان می خواهند بگویند موقع انتخابات که شد با یک فتوی و چند سخنرانی توسط ائمه جمعه و جماعت، شخص مورد نظر خودشان به مردم معرفی شود و مردم تکلیف شرعی داشته باشند به اشخاص خاص مورد نظر آقایان رأی بدهند، و احزاب سیاسی و مردم در حقیقت در اینجا مقلد دیگران باشند.

متأسفانه چنین طرز فکری ناشی از آن است که بحث تحزب هنوز در کشور ما پخته نشده و در اجتماع جا نیفتاده است.

حال آن که اساس حاکمیت کشور ما را جمهوریت و اسلامیت تشکیل می دهد و این دو با هم منافاتی ندارند. اسلام منحصر در احکام عبادی و اخلاقی صرف نیست؛ اسلام برای اداره انسانها قبل از انعقاد نطفه تا ولادت و زندگانی و حتی پس از مرگ دستورالعمل های بسیاری دارد تا برسد به نوع حکومت و چگونگی آن.

در حکومت مردمی که مردم انتخابگر تلقی می شوند قبل از برگزاری انتخابات باید احزاب سیاسی مستقل از حکومت برنامه های خود و مجریان این برنامه ها را شفاف و روشن آزادانه به مردم ارائه دهند؛ پس از قبول راهکارهای ارائه شده، مردم از

میان احزاب هر یک را انتخاب کردند آن حزب زمام امور را به دست می‌گیرد. اینجا لازم است احزاب حتی از نظر اقتصادی مستقل و مردمی باشند تا حکومت‌ها نتوانند نظرات خود را به آنها دیکته نمایند؛ و با دولتی کردن احزاب، حکومت بخواهد حرفش را به کرسی بنشانند.

اینجانب قبلاً در جواب بعضی اساتید دانشگاه نوشته‌ام که تحزب از باب مقدمه واجب واجب است، چون که در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر واجب است. اگر انسان مسلمان یک فرد را بخواهد امر به معروف کند اینجا عمل فردی مشکلی ندارد؛ ولی گاهی می‌خواهد حاکم و دولت را امر به خوبی و نهی از بدی نماید و مصالح جامعه را تذکر دهد، اینجا دیگر شخص و یک نفر به تنهایی توان آن را ندارد. در اینجا باید افراد جامعه متشکل شوند. این تشکلی حزب و گروه چون مقدمه برای انجام واجبی چون امر به معروف و نهی از منکر است، خودش یک واجب اجتماعی است، و موجب خواهد شد نیروهای مختلف پراکنده و هم‌فکر در یک جا متشکل و متمرکز شوند. در این صورت حاکمیت توان برخورد کمتری دارد.

مردم لازم است با چشمان باز و درک و شناخت صحیح از کاندیداها وارد عرصه انتخابات شوند، اینجا فلسفه احزاب روشن می‌شود، البته احزاب جا افتاده نه احزاب خلق الساعه که فقط مدتی قبل از انتخابات با شعارهای عامه پسند و دهان پرکن ایجاد می‌شوند. حزب صحیح آن است که به فرهنگ‌سازی پرداخته و مستقل از قدرت و دولت بتواند برنامه‌های خود را در معرض درک جامعه قرار دهند تا مردم با دید باز پای صندوق‌های رأی بروند. إن شاء الله در انجام این وظیفه مهم موفق و مؤید باشید.

برای اطلاع از متن کامل نوشته اینجانب در رابطه با تشکیل احزاب سیاسی می‌توان به کتاب «خاطرات» اینجانب، پیوست ۱۱۷، صفحه ۱۰۳۱ مراجعه نمود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۷/۹

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

**پاسخ به سؤالات « رادیو فردا »
پیرامون تشیع و مرجعیت دینی**

۱۳۸۳/۸/۱۶

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضور آیت‌الله حسینعلی منتظری

با سلام و آرزوی سلامتی و پایداری

رادیو فردا تصمیم دارد برنامه‌ای درباره «تشیع و مرجعیت دینی» تهیه کند. در این باره با آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله در بیروت گفتگو کرده‌ام. ایشان نظر خود را درباره اسلام و مسائل دنیای جدید و از جمله مسأله مرجعیت و ولایت فقیه بیان کرده است. گردانندگان رادیو فردا و من مشتاق هستیم شنوندگان فارسی زبان این رادیو و نیز شنوندگان رادیو بین‌المللی آزادی را از دیدگاه‌های شما، در مقام یکی از مراجع تقلید شیعه آگاه کنیم. اگر گفتگوی تلفنی از جانب شما امکان‌پذیر نیست، خواهش می‌کنم به پرسش‌های زیر به صورت کتبی پاسخ دهید.

۱- به نظر می‌رسد اسلام در افکار عمومی بسیاری از کشورهای جهان اکنون معنایی هراس‌آور یافته، زیرا معمولاً در کنار واژه‌هایی چون «خشونت» و «تروریسم» آورده می‌شود. در جهان اسلام شماری از مراجع و بزرگان سنتی دینی همراه بسیاری از روشنفکران اسلامی تلاش می‌کنند حساب اسلام را از استبداد سیاسی، خشونت و ترور جدا کنند. اما بیرون جهان اسلام بیشتر صدای نمایندگان استبداد دینی و خشونت‌طلبی به نام اسلام به گوش می‌رسد. از نظر شما چرا نمایندگان اسلام صلح‌جو، مداراگر و آزادیخواه هنوز نتوانسته‌اند صدای خود را بر غوغای نمایندگان اسلام خشونت و استبداد چیره کنند؟

۲- مسأله ولایت مطلقه فقیه، از نظر کارشناسان علوم سیاسی مانع عمده در راه شکل‌گیری دموکراسی در ایران است. شما تنها فقیهی بوده‌اید که پس از آیت‌الله خمینی، مبانی فقهی برای

ولایت فقیه تأسیس و آن را به تفصیل منتشر کرده‌اید. به نظر می‌رسد در سالهای اخیر در این مبانی تجدیدنظر نموده‌اید. آیا ممکن است به اختصار علت تجدیدنظر در مبانی ولایت فقیه را بیان کنید؟ اگر اکنون به مفهومی از ولایت فقیه باور دارید، این مفهوم چه تفاوتی با تلقی رسمی امروزی از ولایت فقیه دارد؟

۳- قانون عرفی از نظر شریعت چه جایگاهی دارد؟ آیا ولایت فقیه که مفهومی کاملاً فقهی و در نتیجه دینی است، می‌تواند با مفهوم عرفی و غیر دینی «قانون» محدود و مضبوط شود؟ آیا قانون عرفی می‌تواند مراجع اقتدار دینی را تحت ضابطه خود بگیرد؟

۴- مرجعیت شیعه در حال حاضر چه نسبتی با ولایت فقیه دارد؟ آیا مرجعیت شیعه بویژه در ایران می‌تواند در مقام اقتداری مذهبی و مستقل از حوزه حکومت، آزادانه فعالیت کند؟ آیا ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، با آزادی فقیهان در بیان آرا و اقوال و مدیریت نهاد فقهی و دینی مرجعیت در تضاد نیست؟

۵- از نظر شما دموکراسی به مفهوم لغو هرگونه امتیاز مذهبی و غیر مذهبی در دستیابی به قدرت سیاسی و آزادی انتخاب شکل و ماهیت نظام سیاسی برای مردم، به نفع مرجعیت شیعه است یا به زیان آن؟

پیشاپیش از لطف شما در توجه و پاسخ به این پرسش‌ها سپاسگزارم.

مهدی خلجی - پراگ

آبان ماه ۱۳۸۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جناب آقای مهدی خلجی و فقه‌الله تعالی لمرضاته

پس از سلام و تحیت، توجه شما به مسائل دینی و تحقیق و بررسی جنابعالی نسبت به آنها موجب تشکر است. برای پاسخ مفصل به پرسش‌های شما بجاست به کتابهای اینجانب از جمله کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» - که به فارسی ترجمه شده - و کتاب «دیدگاهها» مراجعه شود؛ ولی به نحو اجمال:

[اساسی ترین مشکل در راه حاکم شدن اسلام واقعی]

ج ۱- بروز و ظهور و کارایی یک نظریه صحیح در گرو دو امر است:

۱- تفسیر و بیان درست و منطقی از آن.

۲- برطرف کردن موانع رشد و شکوفایی یا اجرایی آن.

امر اول: نسبت به سؤال مورد نظر که مربوط به حوزه دین است مسئولیت خطیری است که عهده دار آن اسلام شناسان واقعی و نظریه پردازان دینی بوده و می باشند؛ انجام این مسئولیت گرچه در طول تاریخ اسلام تاکنون از سوی کج فکران یا زورمندان دچار مشکلات بزرگی گردیده است و افراد و نحله های مختلف به تفسیرهای غلط از دین پرداخته و یا زورگویانی - با اتکا به قدرت - به مقابله با اندیشمندان واقع بین برخاسته اند، ولی با این حال این رسالت به واسطه داشتن پشتوانه صحیح و منطقی همانند جویباری روان و زلال هرچند اندک، به مقدار قابل توجه و شایسته تحسین تحقق یافته است، و عمده مانعی که در مسیر رشد و گسترش آن قرار داشته چیزی است که در امر دوم به آن اشاره می شود.

امر دوم: یک تکلیف عقلی و همگانی است تا فضای مناسب و آزاد را برای خودنمایی افکار گوناگون و نقد آن در سطح وسیع جامعه به وجود آورده تا برترین و منطقی ترین نظریه و برداشت از دین که با روح شریعت و فطرت انسانی سازگارتر است بر کرسی مقبولیت بنشینند. متأسفانه قصور یا تقصیر در این زمینه باعث گردیده تا در بیشترین مقاطع تاریخ حاکمان خودکامه که منافع شخصی یا گروهی خود را در خطر و تضاد با معارف اصیل و فطری اسلام می دیده اند با تکیه بر اریکه قدرت بزرگترین موانع را در راه شکوفایی دیدگاههای درست و منطقی از دین در مرحله اجرا به وجود آورند؛ این خطر آنگاه مضاعف می گردد که مقابله با اندیشمندان و دین شناسان، چهره دینی و قانونی گرفته و در پرتو شعار دفاع از دین، آزادی و حمایت از قانون و با شیوه های مختلف تفسیق، تکفیر و نسبت همکاری با بیگانگان،

به سرکوب و انزوا کشاندن آنان پرداخته شود؛ اینجاست که عالمان متعهد دین شناس گاه از روی ترس و تقیه و گاه برای رعایت مصالحی که در نظر خود مهمتر می‌دانند، مهر سکوت بر لب‌ها زده و یا این‌که ناچار تک و تنها به مسئولیت روشنگری خود پرداخته و تاوان سنگین آن را هم بپردازند. به هر صورت می‌توان گفت اساسی‌ترین مشکل در راه حاکم شدن اسلام واقعی همین امر دوّم است که برطرف شدن آن منوط به رشد دینی و عقلانی در سطوح مختلف جامعه، به صورت یک فرهنگ پایدار، همراه با عزم و اراده ملی می‌باشد.

[ولایت فقیه و مرجعیت شیعه]

ج ۲ و ۳- همان‌طور که بارها گفته‌ام منظور از «ولایت فقیه» از آن جهت که وصف فقاقت در آن معتبر است در حقیقت ولایت فقه و فهم شریعت بر بخش حاکمیت جامعه است. زیرا هرچند اساس حاکمیت آرای مردم است ولی اکثریت مردم ما مسلمانند و اسلام نسبت به مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دستور و برنامه دارد، و فقیه کارشناس آنها می‌باشد. و اگر قید «اعلمیت» را نیز شرط بدانیم چون مستفاد از روایات وارده و اعتبار عقلی لزوم این قید است، در این صورت «ولایت فقیه اعلم» به معنای نظارت و تثبیت قویترین فهم و برداشت از دین بر بخش حاکمیت جامعه است، به گونه‌ای که ملاک موافقت یا مخالفت با احکام شریعت در بخش‌های مختلف قانونگذاری، اجرایی و قضایی قویترین دیدگاه از شریعت می‌باشد. و اگر این نظارت از ناحیه شورای فقها و مراجع تقلید انجام شود، طبعاً بیشتر مورد اعتماد خواهد بود. و هیچ‌گاه منظور از «ولایت فقیه» سیطره و جباریت بر جامعه و قیمومت بر آن همانند قیمومت بر سفیهان و صغیران نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این‌که عقل کل و رسول الهی بود خداوند متعال به او می‌فرماید: ﴿فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مَذَكَّرٌ * لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمَصِيطِرٍ﴾ (سوره الغاشیة/ ۲۱ و ۲۲) «پس تو یادآور باش و جز این نیست که تو یادآورنده‌ای، تو بر آنها سیطره نداری». و می‌فرماید: ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ

علیهم بجزّار فذکر بالقرآن من یخاف و عید» (سوره ق/۴۵) «ما به آنچه می‌گویند آگاه‌تریم، و تو مسلط بر آنها نیستی، پس به وسیله قرآن یادآوری کن کسانی را که از وعده عذابم می‌ترسند».

پس کسانی که در مرتبه‌ای دون شأن آن حضرت قرار دارند، به طریق اولی دارای چنین سلطه قاهرانه نیستند. با زور و چماق نه دین تقویت می‌شود و نه حاکمیت ثبات پیدا می‌کند. بدیهی است «ولایت فقیه» به آن معنایی که اشاره شد به حسب مقاطع و شرایط متفاوت در اشکال مختلفی قابل تصویر و تحقق است؛ آنچه تاکنون به عنوان ولایت فردی یا افراد فقیه در نظریات علمی مطرح بوده است، با ملاحظه شرایط و ساختار جامعه پیشین و بساطت و سذاجت آن و مقبولیت حاکمیت فردی در انظار مردم بوده است.

و می‌توان گفت: اگر همراه با تکامل و رشد مذهبی و سیاسی جامعه شرایط نو پیش بیاید به طوری که جامعه دینی بتواند توسط نخبگان و فرهیختگان آگاه به اسلام و احزاب متعهد و مسلمان و طرق دیگر مانند تصویب قوانین مشروع و محدود کردن قدرت حاکمان، حاکمیت را وادار به اجرای احکام شریعت نماید، در این صورت هدف اساسی و اصلی از ولایت فقیه تأمین گردیده است.

گفتنی است: «ولایت فقیه و حاکمیت آن» به نظر اینجانب و نیز مطابق با آنچه در قانون اساسی است، امری مردمی و مشروعیت آن مستند به آرا و انتخاب عرف و اکثریت مردم است؛ و بر اساس این مبنا مردم که صاحبان واقعی حکومت‌اند می‌توانند با در نظر گرفتن احکام اسلام، قدرت حاکمه را به هر شکل و شمایی که مصالح آنان را برآورده ساخته و منافی با اهداف شرع هم نباشد محدود نمایند، و این امر هیچ محذور عقلی یا شرعی در پی ندارد. آنچه مشروع نیست آن است که یک جامعه و عرف متشرع که اسلام را به عنوان مکتب الهی برای خود پذیرفته است پذیرا یا تثبیت‌کننده حاکمیت فردی یا سیستمی باشد که مستبدانه برخلاف احکام شرع مبین حکمرانی کند و هیچ‌کس حق اعتراض نداشته باشد.

ج ۴- «ولایت فقیه» اگر با تصویر صحیحی که اجمالاً به آن اشاره شد و تفصیلاً نیز در دیگر مکتوبات خود به آن پرداخته‌ام مورد نظر باشد، نه تنها با آزادی فقیهان در بیان آرای خود مخالفتی ندارد بلکه همگام و همسان با آن در حرکت و تکاپوست. ولی «ولایت فقیه» به معنایی که قدرت حاکمه به تشریح آن پرداخته و شرع و قانون را در راستای آن تفسیر نموده، عرصه را برای بیان برخی از آرا و نظرات فقهی، سیاسی و اجتماعی فقها تنگ کرده است. امید می‌رود مسئولین امر اگر تاکنون بر مضار این امر واقف نگشته‌اند آگاهی یافته و ضایعه‌های جبران‌ناپذیری را که از این طریق بر پیکر دین و حتی بر جایگاه مردمی خود آنها وارد می‌گردد ترمیم نمایند. حاکمیت باید خود را با آرای مراجع تقلید هماهنگ نماید، نه این‌که انتظار داشته باشد مراجع تقلید ابزار حاکمیت او باشند.

ج ۵- «مرجعیت شیعه» به لحاظ این‌که یک پایگاه دفاعی برای تفسیر و تبیین دین و مکتب تشیع محسوب شده و در راستای تحقق اهداف آن می‌اندیشد، طبعاً نمی‌تواند نظر به لغو هرگونه امتیاز دینی و مذهبی در دستیابی به قدرت سیاسی در هرمهای مرکزی و کلیدی آن که سکاندار تدبیر جامعه است داده و آن را تجویز نماید. بله در ارتباط با بخش‌هایی دیگر از مناصب سیاسی مرجعیت حق دارد با در نظر گرفتن مصالح نسبت به پیروان دیگر ادیان یا مذاهب الهی، امتیاز دینی و مذهبی را الغاء نماید، ولی نسبت به مخالفان دین هرگز چنین حقی را نداشته، زیرا این امر با وظیفه الهی که بر عهده دارد هیچ سازگاری ندارد.

إن شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۳/۸/۱۶

حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت درگذشت برادر مجاهد آقای ابوعمّار یاسر عرفات

۱۳۸۳/۸/۲۲

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

برادران و خواهران مظلوم فلسطین و قدس شریف، کمیته اجرایی «ساف» نصرکم الله تعالی بنصره قریب.

پس از سلام و تحیت؛ درگذشت تأسفبار برادر مسلمان و مجاهد مقاوم آقای ابوعمّار «یاسر عرفات» رحمة الله علیه را به شما و همه مسلمان جهان و مبارزان راه عدالت و آزادی تسلیت عرض می‌نمایم. آن مرد بزرگ در سراسر عمر پربرکت خویش برای آزادی و استقلال ملت فلسطین و دستیابی آنان به حقوق حقه خویش از هیچ کوشش و مجاهدتی دریغ ننمود، و در این راه پرفراز و نشیب سختی‌ها و مرارت‌ها و تهمت‌های ناروایی را به جان خرید و هیچ‌گاه مأیوس نشد.

گرچه بعضاً سیاست‌های او مورد انتقاد برخی از افراد و گروهها قرار می‌گرفت ولی او بی‌تردید به چیزی جز رهایی ملت مظلوم فلسطین و قدس شریف از دست اشغالگران متجاوز نمی‌اندیشید.

ابوعمّار مجاهدی نستوه در راه اسلام، پدری مهربان برای ملت فلسطین و خاری زهرآلود در چشم غاصبان و اشغالگران بود. مرد مبارزی که از نوجوانی تلاش خود را در راه آرمان فلسطین آغاز و تا پایان عمر خویش در راه اعاده حقوق تضییع شده ملت مظلوم فلسطین خستگی به خود راه نداد و توانست با حربه گفتگو و نرمش نیز

ماهیت جنگ افروزانۀ نژادپرستان اشغالگر را به جهانیان ارائه دهد. به درستی نیم قرن مبارزۀ حق طلبانه و هوشمندانه او نه تنها برای ساکنین قدس شریف و فلسطین بلکه برای جهانیان الگو و سرمشق خوبی است.

ملت بزرگ فلسطین و مبارزان راه آزادی و استقلال - از هر گروه و جناحی که هستند - باید با حفظ وحدت و یکپارچگی و از راه مذاکره و گفتگو با یکدیگر به حل اختلافات خویش پردازند و اجازه ندهند که اختلاف نظر و سلیقه آنان، سرزمین فلسطین را دچار تشّت و هرج و مرج گرداند. همه گروههای فلسطینی برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی به مرکزیت بیت المقدس - به عنوان ابتدایی ترین حق خویش - تلاش نمایند و در این راه حتی الامکان از شیوه های کم هزینه تر بهره گیرند. اینجانب به سازمان ملل متحد و کشورهای که خود را ناظران روند صلح می دانند توصیه می کنم که در این راه سیاست متوازنی را پیش گیرند و در راه حمایت از ملت مظلوم فلسطین و اعاده حقوق از دست رفته آنان از هیچ کوششی دریغ ننمایند. در این زمینه آمریکا که خود را پیگیر جدی برقراری صلح در منطقه می داند متأسفانه نگاه برابری نداشته است. از یک سو از سیاست های جنگ طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل حمایت می کند و آن را به انواع سلاحهای کشتار جمعی مسلح ساخته است، و از سوی دیگر گروههای فلسطینی و کشورهای اسلامی را در این رابطه تحت فشار قرار می دهد.

چگونه می توان شعار خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی را سر داد در حالی که موشک های اسرائیل به کلاهک های اتمی مجهز شده و امنیت خاورمیانه را به مخاطره انداخته است؟ آیا در اختیار داشتن سلاح اتمی برای اسرائیل - با آن آرمان تجاوزگرانه و شعار از نیل تا فرات - جایز و دفاع مشروع به شمار می آید و داشتن همین سلاحها برای کشورهای اسلامی نامشروع و مخاطره آمیز است؟ چگونه می توان از صلح و آرامش در منطقه سخن به میان آورد در شرایطی که

سرزمین‌های فلسطین در اشغال است و در آنها شهرکهای اسرائیلی ساخته شده و پست‌های نظامی و ایست‌های بازرسی - که موجب تحقیر صاحبان اصلی آن سرزمین است - دایر می‌گردد و هنوز فلسطینیان در محاصره اقتصادی قرار دارند و اسرائیل برخلاف مقررات بین‌المللی در داخل سرزمین فلسطینیان اقدام به کشیدن دیوار حائل می‌نماید؟

چگونه می‌توان از حقوق بشر دم زد در حالی که هر روز در سرزمین‌های اشغالی خون جوانان و کودکان فلسطینی به ناحق ریخته می‌شود و اسرائیل با جنگی نابرابر به کشتار فلسطینیان و ویران کردن خانه‌های مسکونی آنان اقدام می‌کند؟ آیا این اعمال برای اسرائیل دفاع مشروع، و برای فلسطینیان ترور و خشونت به‌شمار می‌آید؟

از همه آزادیخواهان و صلح‌طلبان و بشردوستان جهان - از هر دین و آئینی که باشند - انتظار می‌رود که تمهیدی همگانی بیندیشند تا بیش از این خون بی‌گناهان در این منطقه ریخته نشود و پیروان همه ادیان و مذاهب بتوانند با صلح و آرامش و آزادی زندگی کنند و حقوق مسلم خود را بازیابند. و به یهودیان صلح طلب اسرائیل نیز سفارش می‌کنم که اجازه ندهند حاکمان آنان این‌گونه اعمال جنایتکارانه را به نام آنان انجام دهند. و به همه یهودیان جهان سفارش می‌کنم اجازه ندهند اسرائیل جنایت‌های خود را به نام دین یهود مرتکب شود، تا مبادا عملاً چهره شریعت آسمانی حضرت موسی علیه السلام کریه و خشن نشان داده شود. و به برادران و خواهران فلسطینی این سنت الهی را یادآور می‌شوم که صهیونیست‌ها در اثر جنایاتی که انجام می‌دهند هیچ‌گاه امنیت و آرامش را به دست نمی‌آورند. در سوره اعراف از قرآن کریم در رابطه با آنان می‌خوانیم: ﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (صدق الله العلی العظیم).

در پایان به روح همه شهیدان و مجاهدان راه آزادی بویژه مرحوم یاسر عرفات درود فرستاده و مغفرت و رضوان الهی را برای آنان طلب می‌نمایم؛ و سلامت و

سعادت و توفیق همه خدمتگزاران واقعی به حق و عدالت، و آزادی فلسطین و قدس شریف را از خدای مَنّان مسألت می‌نمایم.
قال الله تعالى في كتابه العزيز:
﴿و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين﴾.

﴿أليس الصبح بقريب﴾.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

۲۸ رمضان المبارک ۱۴۲۵ - ۱۳۸۳/۸/۲۲

قم المقدسة - حسينعلى منتظري

**پاسخ به پرسش بخش فارسی رادیو بی بی سی
در مورد حجاب بانوان و اشتغال آنها**

۱۳۸۳/۸/۲۹

حضرت آیت الله منتظری با سلام

همان طور که مستحضرید مسأله حجاب در اروپا به یک مشکل روزمره تبدیل شده است. کشورها قوانینی می گذارند که داشتن حجاب را برای دانش آموزان یا زنان معلم ممنوع می کند. من به عنوان یک مسلمان و یک ژورنالیست مایل هستم فتوای حضرت تعالی را در این زمینه بدانم:

* آیا زن مسلمان می تواند حجاب خود را در شرایط اضطراری بردارد؟ آیا باید خانه نشین شود

یا تحصیل و تدریس را مقدم بدارد؟

این مسأله روز در جهان غرب برای مسلمین است. ممنون می شوم که نظر فتوایی شما را در این زمینه دریافت کنم. طبیعتاً این فتوی را در بی بی سی منعکس خواهیم کرد تا دیگران هم تکلیف خود یا دست کم نظر یک مرجع شیعه را بدانند.

از فرصت استفاده کرده عید فطر را نیز به شما تبریک می گویم.

با احترام - مهدی جامی - بخش فارسی رادیو بی بی سی

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

اینجانب نیز متقابلاً عید سعید فطر را به شما و همه مسلمین جهان تبریک

می گویم.

در این که اصل حجاب برای زن یکی از دستورات ضروری دین مبین اسلام است شکی نیست، اگر چه شکل خاصی از آن ضروری دین نمی باشد. بنابراین اگر زن شغلی دارد یا می خواهد کاری انجام دهد که مراعات حجاب برای او ممکن نیست، باید از آن شغل یا کار صرف نظر کرده و کار دیگری را انتخاب کند که بتواند حجاب شرعی را رعایت نماید. و اگر این امر نیز برای او مقدور نیست، پس اگر ترک آن کار یا آن شغل او را به مشقت و عسر شدید و غیر قابل تحمل می اندازد و انجام آن کار یا شغل برای او امری ضروری است، در این صورت بعید نیست گفته شود به اندازه رفع ضرورت و عسر و حرج بتواند مقداری از حجاب خود را که ملزم به برداشتن آن می باشد بردارد، مشروط بر این که دست برداشتن از پوشش اسلامی در موارد مذکور باعث فراموشی و از بین رفتن حجاب که شعار دین است نشود. اما اگر بتواند به گونه ای از مثل کلاه یا نهایتاً کلاه گیس - هر چند زینت شمرده می شود - و مانند آن برای پوشش استفاده کند باید چنین نماید.

ضمناً مسلمانان جهان باید ضمن تشکیل محافل و گردهمایی ها و سایر طرقی که در توان آنهاست از ارزشهای اسلامی دفاع نموده و از دولت هایی که خود را مدعیان رعایت حقوق بشر می دانند بخواهند که حقوق مسلمانان را محترم شمرده و رعایت نمایند. إن شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۳/۸/۲۹

حسینعلی منتظری

**پاسخ به پرسش دانشجویان دانشگاه کلمن آلمان
در مورد برگزاري رفراندوم**

۱۳۸۳/۹/۲۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

جناب حضرت آیت‌الله العظمی آقای منتظری دامت‌افاضاته

با سلام و درود و رحمت خداوند بر شما

همان‌طور که مستحضر هستید در رسانه‌ها و جراید و سایت‌های داخل و خارج ایران در روزهای اخیر بحث طرح برگزاري رفراندوم مطرح می‌باشد. از آنجا که این طرح آرزوی چندین ساله هر انسان آزاده و دوستدار ایران است، می‌خواستیم لطف نموده و ما را در این رابطه راهنمایی بفرمایید.

با آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون برای شما.

هادی هومنی و دانشجویان مسلمان در دانشگاه کلمن آلمان

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، انتخاب حاکم و تعیین اختیارات او و نظارت بر رفتار وی حق مردم است؛ و یکی از راههای انتخاب، رفراندوم ملی و آزاد است.

۱۳۸۳/۹/۲۸

حسینعلی منتظری

پیام به حضرات آیات عظام و علمای اعلام نجف و کربلا

۱۳۸۳/۱۰/۲

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

نجف اشرف

حضرت آیت الله آقای حاج سید علی سیستانی و حضرات آیات و علمای اعلام نجف اشرف و کربلای معلی دامت برکاتکم پس از سلام و تحیت، اینجانب ضمن اظهار تأسف از کشتارهای وحشیانه و شهید نمودن مردم و احیاناً زوّار بی گناه به وسیله بمب گذاریها و ترورهای کور در بدترین شریفترین و سایر بلاد عراق و محکوم نمودن آنها، و ضمن تسلیت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و علمای اعلام و حوزه های علمیه و ملت مسلمان زجر دیده عراق بویژه خانواده ها و بازماندگان شهدای عزیز، یادآور می شوم:

همگی به حساسیت شرایط فعلی کشور عراق توجه داریم و می دانیم چه توطئه هایی در حال وقوع است؛ در چنین شرایطی به مقتضای حکم عقل و شرع لازم است همه اقشار و طبقات مردم عراق، اعم از شیعه و اهل سنت و کرد و عرب تحت تأثیر القانات و تبلیغات سوء دشمنان اسلام و مسلمین قرار نگیرند و به آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ توجه نمایند و با وحدت کلمه و هماهنگی همه احزاب و طبقات مختلف تحت نظارت و هدایت حضرات آیات و علمای اعلام و نخبگان ملت، دولتی دلسوز و مدبر و قوی به وسیله یک انتخابات آزاد و ملی و

فراگیر تشکیل دهند، و کشور مسلمان عراق را - که متأسفانه دستخوش تحیر و هرج و مرج و ناامنی شده است - از این وضع اسفبار نجات دهند و سوژه و بهانه را از دست اشغالگران خارجی و فتنه‌جویان داخلی بگیرند؛ تا ان شاء الله با همت مردم و رهنمودهای عالمان دین و فرهیختگان مردمی، کشور عراق استقلال واقعی خود را بازیابد و دست اشغالگران خارجی از آن کوتاه گردد.

در خاتمه سلامت وجود با برکت آقایان محترم، و عزت و سربلندی اسلام عزیز و کشورهای مسلمان، و توفیق عمل به وظایف شرعی و عقلی را از خدای متعال مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۹ ذی القعدة ۱۴۲۵ - ۱۳۸۳/۱۰/۲

برادر شما در قم - حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مرحوم حاج آقا مجتبی آیت

۱۳۸۳/۱۰/۵

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

نجف آباد - خانواده و فرزندان محترم مرد تقوا و فضیلت، سید بزرگوار و عالم خدمتگزار، مرحوم مغفور جناب مستطاب آقای حاج آقا مجتبی آیت طاب ثراه پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت معظم له را دریافت نموده و بسیار متأثر شدم.

عالم متعبدی که عمر بابرکت خویش را در راه ترویج دین مبین و خدمت به اسلام و مسلمین سپری نمود و همواره معتمد مؤمنین و حامی حق و مستضعفین بود، و بر این اساس بارها مورد تعرض قرار گرفت ولی استقامت خویش را حفظ نمود.

اینجناب این مصیبت را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حوزه علمیه و علمای اعلام و مردم شریف و مبارز نجف آباد و به شما خانواده و فرزندان و همه منسوبین محترم بویژه به جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین ایزدی دامت افاضاته تسلیت می گویم؛ و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم علو درجات و حشر با اجداد طاهرین سلام الله عليهم اجمعین و برای همه بازماندگان و منسوبین محترم صبر جمیل و اجر جزیل و سلامت و توفیق خدمت به اسلام عزیز را مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۲ ذی القعدة ۱۴۲۵ - ۱۳۸۳/۱۰/۵

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش بخش فارسی رادیو بی بی سی
در مورد برگزاری فراندوم و نظارت نهادهای بین‌المللی

۱۳۸۳/۱۰/۱۴

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله منتظری

با سلام

همان‌طور که مستحضر هستید ظرف چند روز گذشته در مورد موضعگیری حضرت‌تعالی دربارهٔ فراخوان ملی برگزاری فراندوم که از طرف عده‌ای از دانشجویان و فعالان سیاسی و از طریق سایت اینترنتی «شصت میلیون دات کام» راه‌اندازی شده مطالب مختلفی منتشر شده است. از آنجایی که حضرت‌تعالی پیش از این حمایت خود را از برگزاری هرگونه فراندومی اعلام نموده‌اید، لطفاً نظر صریح خود را در مورد فراخوان یاد شده که به «شصت میلیون دات کام» معروف شده و زمان برگزاری آن، همان‌گونه که در فرمایشات حضرت‌تعالی با دانشجویان مطرح شده بیان بفرمایید. در همین حال لطفاً نظر خود را در مورد برگزاری فراندوم با نظارت نهادهای بین‌المللی با هدف تغییر قانون اساسی در ایران بیان بفرمایید.

با تشکر فراوان

بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، در غیر معصومین علیهم‌السلام ثبوت حاکمیت برای فرد و بقا و شکل آن تابع انتخاب و آرای مردم است، و انتخاب مردم یک زمان و قوانین مصوبهٔ آنان برای نسل

بعد اعتبار شرعی و قانونی ندارد. اینجانب بارها این مطلب را در کتابها و نوشته‌های خویش بیان کرده‌ام و مرحوم آیت‌الله خمینی پس از بازگشت به ایران در بهشت زهرا علیه‌السلام فرمودند: «پدران ما حق نداشتند سرنوشت ما را تعیین نمایند.» تعیین سرنوشت هر نسلی در اختیار خود آن نسل است؛ و رفراوندوم آزاد و ملی یکی از طرق انتخاب است، و تشخیص نظارت نهادهای بین‌المللی نیز حق خود مردم است. البته از نظر کتاب و سنت در حاکم منتخب مردم شرایطی معتبر است که مردم مسلمان و متعهد به اسلام طبعاً آنها را رعایت خواهند کرد.

۱۳۸۳/۱۰/۱۴

حسینعلی منتظری

«۸۵»

پاسخ به سؤال خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

در خصوص تعیین سقف مهریه زنان

۱۳۸۳/۱۰/۱۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته

با سلام

احتراماً نظر به طرح اخیر مجلس شورای اسلامی در خصوص تعیین سقف مهریه زنان در ازدواج توسط شورایی منتخب با توجه به منطقه محل سکونت زوجین، نظر جنابعالی در این خصوص و اشکال و یا عدم اشکال چنین طرحی موجب امتنان فراوان خواهد بود.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

با سپاس - سرویس اجتماعی خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

﴿ بسمه تعالی ﴾

خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

با سلام و تحیت

هرچند رویه زیاد نمودن مهریه که متأسفانه امروز یک سنت شده مانع بزرگی در سر راه ازدواج جوانان شده است، ولی راه مقابله با آن منع قانونی و اعمال زور نمی‌باشد؛ زیرا:

اولاً - منع آن به عنوان اولی برخلاف قرآن و روایات است؛ ظاهر قرآن که می‌فرماید: ﴿وإن أردتم استبدال زوج مكان زوج و آتیتم إحدیهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً﴾ (سوره نساء / ۲۰) جواز آن است، زیرا قنطار به معنای مال زیاد و یک پوست گاو پر از طلا تفسیر شده است.

نقل شده که عمر بر منبر گفت: «در صداق زنها زیاده روی نکنید، اگر به من خبر رسد که در مهر بیش از آنچه رسول خدا ﷺ قرار داده قرار داده‌اید من زیاده را به بیت‌المال برمی‌گردانم.» هنگامی که پائین آمد زنی از قریش به او گفت: کتاب خدا سزاوارتر است به پیروی یا گفتار تو؟ گفت: کتاب خدا. گفت: خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿و آتیتم احدیهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً﴾ پس عمر -دوبار یا سه بار- گفت: «کل أحد أفقہ من عمر» پس به منبر برگشت و گفت: «من شما را از زیاده روی در مهر منع کردم، آگاه باشید هر کس هرچه می‌خواهد در مال خود انجام دهد.» (سنن بیهقی، ۲۳۳/۷)

پس اگر مال زیادی به عنوان مهر به زن داده شد، هیچ کس نمی‌تواند به هیچ عنوانی چیزی از آن را از زن پس بگیرد. و روایات زیادی دلالت می‌کند بر این که برای مهر، حدی از نظر کم و زیادی وجود ندارد. (وسائل الشیعة، ابواب المهور، باب ۱).

بلی، روایات متعددی نیز دلالت دارند بر این که مستحب است مهر زنان به مقدار مهر السنه یعنی پانصد درهم باشد. (همان، باب ۴). و روایاتی نیز دلالت دارند بر این که زیاد بودن مقدار مهر مطلوب شارع نمی‌باشد. از آن جمله: از پیامبر ﷺ نقل شده: «بهترین زنان امت من زنانی هستند که سیمای آنان بهتر و مهر آنان کمتر باشد.» و از امام صادق علیه السلام نقل شده: «زیاد بودن مهر زن علامت شوم بودن و بی‌برکتی آن زن می‌باشد.» (همان، باب ۵).

و ثانیاً - منع آن به عنوان ثانوی و ضرورت اجتماعی و به لحاظ مصالح جامعه و تسهیل امر ازدواج برای جوانان نتیجه ندارد، زیرا کسانی که می‌خواهند مهر را زیاد

نمایند در صورت منع قانونی آن به اسم و عنوان دیگری مهر را زیاد می‌کنند و بتدریج همان حيله یک سنت می‌شود.

به نظر می‌رسد راه صحیح مبارزه با این سنت غلط از طرفی کار فرهنگی و تبیین عوارض سوء و مفسد بالا بودن سقف مهریه‌هاست؛ و از طرف دیگر پیش قدم شدن افراد شاخص و سرشناس متمکن است در هر منطقه‌ای در کم قراردادن مهریه‌های دختران و منسویین خود، بخصوص افرادی که دارای مسئولیت‌های مهم ارشادی و یا دولتی هستند. إن شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۳/۱۰/۱۷

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

**پاسخ به سؤالات خبرگزاری «رویترز»
در مورد انتخابات آینده عراق**

۱۳۸۳/۱۱/۱

حضرت آیت الله العظمی منتظری

با عرض سلام و احترام

این خبرگزاری قصد تهیه گزارشی در مورد انتخابات عراق را دارد، لذا تقاضا دارم از آنجا که شما یکی از صاحب نظران در ایران هستید لطف فرموده و به سؤالات این خبرگزاری پاسخ فرمایید.
۱- سرکار آمدن یک حکومت شیعه در عراق چگونه بر روابط ایران و عراق تأثیر خواهد داشت؟

۲- روحانیون در حکومت جدید عراق چه نقشی باید ایفا کنند؟ آیا جدایی دین از سیاست باید در عراق تشویق بشود؟

۳- آیا بر سرکار آمدن یک حکومت شیعه در عراق باعث جنگ داخلی در عراق خواهد بود؟ حقوق سنی ها چگونه حفاظت خواهد شد؟

۴- آیا قدرت گرفتن نجف به عنوان مرکزیت شیعه نفوذ کم را کمتر خواهد کرد؟
با تقدیم احترام - پیل هیوز

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

خبرگزاری رویترز دام توفیقانهم

پس از سلام - در پاسخ به پرسش های چهارگانه شما در رابطه با انتخابات آینده عراق به نحو اجمال نکته هایی را یادآوری می کنم:

[روابط ایران و عراق]

ج ۱- روابط کشورها باید بر اساس احترام متقابل و شناخت حقوق یکدیگر و رعایت قوانین بین‌الملل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر باشد؛ حالا حکومت آینده عراق حکومت شیعی باشد یا غیر شیعی.

تعیین حاکم و روش حکومت او حق همه مردم است، که باید با انتخابات آزاد و فراگیر تعیین شود. به حکم عقل و شرع لازم است همه طبقات مردم عراق اعم از شیعه و سنی، کرد و عرب و حتی اقلیت‌های دینی در تعیین سرنوشت کشور خویش دخالت نمایند و مصالح عالی کشور و ملت را در نظر بگیرند، و سوژه و بهانه را از دست اشغالگران و فتنه‌جویان بگیرند.

البته چون اکثریت مردم عراق دارای مذهب تشیع می‌باشند، طبعاً ممکن است با انجام انتخابات آزاد و مردمی اکثر انتخاب شوندگان شیعه باشند.

ولی آنان باید برطبق حق و عدالت و قوانین و مقررات و رعایت حقوق همه شهروندان و طبقات و مذاهب عمل نمایند.

[نقش روحانیون در حکومت عراق]

ج ۲- اینجانب نمی‌توانم برای علما و روحانیون عراق تعیین وظیفه نمایم ولی فکر می‌کنم - با توجه به تجربه ایران - روحانیون عراق در امور اجرایی کشور که در تخصص آنان نیست دخالت نکنند و آنها را به اهلش واگذار نمایند.

بلکه به مناسبت حکم و موضوع مناسبترین کار برای آقایان محترم نظارت بر قوانین مصوبه است به گونه‌ای که مخالف با اسلام نباشد؛ و در صورت تخلف مجریان از موازین اسلامی به آنان دوستانه تذکر دهند، زیرا ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر از واجبات اسلامی است و همه مسلمانان بویژه علمای اعلام نمی‌توانند نسبت به این دو فریضه الهی بی‌تفاوت باشند.

[حقوق شیعیان و سنی‌ها]

ج ۳- چنانچه یک حکومت شیعی در عراق روی کار آید، اگر طبق قوانین و مقررات اسلامی که - به اعتقاد ما - برحسب موازین عقلی و وجدانی تنظیم شده است عمل نماید، هیچ‌گونه برخوردی با اهل سنت نخواهد داشت؛ زیرا هر دو گروه مسلمانند و برحسب کثرت مشترکات می‌توانند با هم تفاهم نمایند. بلکه اقلیت‌های دینی و کسانی که به دین خاصی معتقد نیستند نیز از نظر انسانیت و شهروندی دارای حقوقی می‌باشند که لازم است رعایت شود؛ و در قرآن‌کریم می‌خوانیم: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾.

[حوزه علمیة نجف و قم]

ج ۴- حوزه‌های علمیة نجف و قم دو شاخه از یک حقیقت می‌باشند و هدف واحدی را تعقیب می‌نمایند و حامی و پشتیبان یکدیگر بوده و هستند؛ اقتدار حوزه علمیة نجف اشرف موجب خوشحالی همه شیعیان جهان و از جمله علمای اعلام قم می‌باشد. البته ممکن است اختلاف سلیقه بین علمای نجف و قم یا سایر علما وجود داشته باشد که آن هم بسا به نفع باشد، زیرا اظهارنظرهای مختلف و تضارب افکار موجب پیشرفت و تکامل خواهد شد.

۱۳۸۳/۱۱/۱

قم - حسینعلی منتظری

دیدار دبیرکل و اعضای نهضت آزادی ایران
در دهمین سالگرد بزرگداشت مرحوم مهندس مهدی بازرگان

۱۳۸۳/۱۱/۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

در این دیدار ابتدا گزارش مختصری از همایش دهمین سالگرد بزرگداشت که طی دو روز توسط بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان در حسینیه ارشاد تهران برگزار شد ارائه گردید.

سپس حضرت آیت الله العظمی منتظری ضمن تبریک عید قربان و تقدیر و تشکر از علاقه‌مندان آن مرحوم که به پاسداشت یاد و خاطره وی پرداختند با ذکر جمله‌ای از امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه که می‌فرماید: «وإنما الناس مع الملوك والدينا إلا من عصم الله» گفتند: این جمله بسیار پرمحتوا و جالب است، مولا امیرالمؤمنین می‌فرمایند: اکثر مردم با پادشاهان و قدرتمندان و اهل دنیا هستند مگر آن کسی که خدا حفظش کند. نوع انسانها به دنبال آن هستند که باد به پرچم چه کسی می‌خورد و چه کسی قدرت را در دست دارد، چه حق و چه باطل، تا به دنبال آن روند.

در همین زمینه امام حسین علیه السلام فرمودند: «الناس عبيد الدنيا والدين لعق علي ألسنتهم» مردم بندگان دنیایند و دین نزد آنها تنها لقلقه زبانی بیش نیست. «فإذا محصوا بالبلاء قلّ الديانون» هنگامی که گرفتار بلا و امتحان شدند دینداران کم می‌شوند. وقتی بلا و امتحان و فشارها زیاد شد افراد سعی می‌کنند برخلاف عقیده خود حرف زده و عمل نمایند، و کم‌کم نفاق و دورویی رشد و گسترش پیدا می‌کند. از این افراد دو چهره و منافق باید به خدا پناه برد. در اوایل سوره بقره چهار آیه پیرامون اهل تقوا است، دو آیه

درباره کفار و سپس سیزده آیه درباره منافقان. بیشترین بلا و گرفتاری ای که بر سر اسلام، تاریخ و ملت می آید از ناحیه افراد دورو و منافق است؛ افرادی که ظاهر و باطن آنها یکی نیست.

اینجانب با شناختی که از مرحوم مهندس بازرگان داشتم انسانی بود که با قدرتمندان و ملوک سازش نداشت، بر آنچه اعتقاد داشت بردبار و مستقیم بود، به فهم و درکش که ناشی از مطالعه و فهم عمیق بود عمل می کرد. علت عمده اش این بود که با قرآن، حدیث و معنویات انس داشت. بویژه مطالعات عمیق ایشان بر روی قرآن که به نظر من خمیرمایه استواری و استقامت او از قرآن بود. در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿فاستقم كما امرت و من تاب معك﴾. و می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾. متأسفانه ما کمتر اهل استقامت هستیم ولی قرآن روی آن خیلی تأکید دارد.

سعی کنید چون مرحوم بازرگان اهل مطالعه، تحقیق و بویژه بر روی قرآن و حدیث باشید؛ اگر بر فرض از من آخوند ناراحت هستید از قرآن و نهج البلاغه قهر نکنید، از تشریفات و تبلیغات و فروعات زاید کاسته و به مهمات و واقعیات پردازید و از حق و حق مداری حمایت کنید. در نهج البلاغه می خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ» در راه هدایت از خلوت بودن و کمی اهل آن وحشت نکنید. «فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةِ شَبْعِهَا قَصِيرٌ وَجَوْعُهَا طَوِيلٌ» (خطبه ۲۰۱) زیرا مردم نوعاً بر سر سفره ای جمع شده اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.

الحمد لله آقای دکتر یزدی هم انسانی با سابقه در انقلاب و فعالیت های اسلامی است، بویژه قبل از انقلاب در کشورهای خارجی. من یادم هست مرحوم آقای حاج حسین فرشچی - خدا رحمتش کند - به مرحوم آیت الله خمینی رحمته الله دسترسی نداشت، آمده بود طبس که من در آن شهر تبعید بودم، سؤال کرد آقای یزدی در ایالت های آمریکا فعالیت های مذهبی و دینی گسترده ای دارد اجازه می دهید من قسمتی از وجوهات را در این راه صرف نمایم؟ من هم اجازه دادم. این خاطره را هم بارها گفته ام

در پاریس من خدمت آیت‌الله خمینی علیه السلام رسیدم مطلبی می‌خواستم بگویم که آقای یزدی آنجا بودند ایشان فرمودند: بفرمایید ایشان از خودمان هستند. ولی حالا ایشان و خیلی‌های دیگر را غیر خودی می‌پندارند.

باز هم تأکید می‌کنم از مطالعه، تحقیق و یادداشت غافل نباشید. زیرا یادداشت‌های شما در آینده مورد استفاده خود و دیگران قرار می‌گیرد. - بر حسب روایتی - روزی امام صادق علیه السلام به مفضل گفت: «بنویس و علم خویش را در برادرانت منتشر کن، و هنگام مرگ نوشته‌هایت را برای فرزندان باقی گذار، زیرا روزی بر مردم می‌آید که زمان هرج و مرج است و آنان به کتابهای خویش انس می‌گیرند».

من مجدداً از شما تشکر می‌کنم، امیدوارم خداوند مرحوم مهندس بازرگان را با اولیای الهی محشور فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۱۱/۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون حکم ارتداد

۱۳۸۳/۱۱/۱۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام خدمت حضرت آیت‌الله العظمی منتظری
با آرزوی سلامتی برای شما و نابودی مزورین و دشمنان اسلام عزیز
من در خارج از ایران زندگی می‌کنم. سؤالی که در اینجا برای من و بعضی از دوستان اروپایی‌ام
وجود دارد این است که چرا کسی را که مسلمان بوده و بعد تغییر دین داده و مثلاً مسیحی شده
می‌کشند؟ در صورتی که یک فرد مسیحی هم به خدا اعتقاد دارد. و در ضمن در قرآن کریم هم
می‌خوانیم که هیچ اجباری در پذیرفتن دین نیست. لطفاً این سؤال مرا جواب دهید.
به امید روزی که بتوانیم حضوراً از محضر شما بهره ببریم. دست‌های علی‌نگهدار شما باشد.
دختر کوچک شما از اتریش

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، در قرآن کریم نیز در رابطه با مرتد حکم «اعدام» مطرح نشده است،
و قدر متیقن از اعدام مرتدین - که از اخبار وارده استفاده می‌شود - در جایی بوده که
کسی مسلمان زاده بوده و سپس از روی جحود و عناد برای ضربه زدن به اسلام کافر
شود؛ ولی مجرد تردید و یا تغییر عقیده پس از تحقیق اگر اتفاق افتاد موجب اعدام
نیست. والسلام علیکم.

۱۳۸۳/۱۱/۱۱

حسینعلی منتظری

**پاسخ به پرسش یکی از ایرانیان خارج از کشور
پیرامون تفکیک رهبری دینی از رهبری سیاسی**

۱۳۸۳/۱۱/۲۸

پیرو نامه مفصل یکی از ایرانیان خارج از کشور مبنی بر اعتراض به بسته شدن وبلاگ او، و پیشنهاد تفکیک رهبری دینی از رهبری سیاسی پاسخ ذیل نگاشته شده است.

﴿ **بسمه تعالی** ﴾

پس از سلام، اولاً: وبلاگ شما را بسته‌اند چه ربطی به من دارد، سایت مرا نیز مدتهاست بسته‌اند.

ثانیاً: بر حسب استقراء کتاب و سنت، اسلام نسبت به شرایط حاکمیت و روش آن بی تفاوت نیست و نسبت به آنها دستور و برنامه دارد؛ پس تفکیک رهبری دینی از رهبری سیاسی در بسیاری از موارد موجب تضاد و برخورد می‌شود. بهترین نظریه این است که از بین کسانی که واقعاً واجد شرایط رهبری دینی می‌باشند، مردم به اختیار خویش فردی را که واجد شرایط رهبری سیاسی نیز می‌باشد - به نحو محدود نه دائم - انتخاب نمایند، و او چون منتخب سیاسی مردم است باید پاسخگوی ملت باشد و در کارهایی که خود تخصص ندارد دخالت نکند، و هر کاری را به کارشناس آن محول نماید، و از او بازخواست نماید. تفصیل را می‌توانید در کتاب دیدگاه‌های اینجانب در سایت ملاحظه نمایید. والسلام علیکم.

۱۳۸۳/۱۱/۲۸

حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت حادثه ناگوار زلزله زرنند کرمان

۱۳۸۳/۱۲/۵

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين ﴾ الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون ﴿ اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون ﴾

(سوره بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ نعمت الله صالحی دامت افاضاته پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر ناگوار حادثه زلزله زرنند کرمان و حوالی را که منجر به درگذشت صدها نفر از برادران و خواهران مسلمان و مجروح شدن جمع کثیر و تلف اموال و احشام و انهدام خانه ها و اماکن شهری و روستایی شده است دریافت نموده بسیار متأثر شدم؛ آری همواره دوستان خدا گرفتار بلاها و مصائب بوده اند.

از خدای متعال برای همه درگذشتگان این حادثه ناگوار رحمت و اسعه الهی و حشر با ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین و برای همه بازماندگان و داغدیدگان صبر جمیل و اجر جزیل و برای همه مجروحین شفای عاجل از خدای مَنَّان و مهربان مسألت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۳/۱۲/۵

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های آقای دکتر نعمت احمدی

۱۳۸۳/۱۲/۲۹

به نام خدا

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با سلام و آرزوی موفقیت و طلب دعای خیر

با توجه به این که کلیه قوانین ایران باید علی‌الاصول حسب اصل ۴ قانون اساسی بر اساس موازین اسلامی باشند و شورای نگهبان به منظور پاسداری از احکام اسلام تشکیل شده است، علی‌الظاهر کلیه قوانین خصوصاً قوانینی که به تأیید شورای نگهبان رسیده قطعاً منطبق با احکام اسلامی است. از طرفی در منبع احکام اسلامی، یعنی قرآن، تعداد آیات الاحکام مشخص است و بسیاری از قوانین از دیگر منابع اسلامی من جمله احادیث و روایات و فتاوی استخراج شده است. حال پرسش این است:

س ۱ - استخراج احادیث و روایات و نیز به کاربردن فتاوی معتبر، که قاعدتاً بر عهده شورای نگهبان است، وظیفه‌ای است مشکل. این شورا بر اساس کدام رویه منطقی و با کدام استدلال فقهی به اجماع قطعی در پذیرش حدیث و روایت و فتاوی صحیح می‌رسند؟ و وظیفه افراد دیگری که با مطالعات مستقل و با تکیه بر عقل فقهی نظر دیگری در مقابل نظریه پذیرفته شده دارند از باب شرعی، نه قانونی چیست؟

س ۲ - بعضی از قوانین که به وسیله شورای نگهبان با احکام اسلامی تطبیق داده شده است و در آیات الاحکام نص خاصی در آن موضوع وجود ندارد، در عمل مواجه با اشکال می‌گردند؛ و اصرار بر اجرای این نوع قوانین، به صرف تصویب، به اعتبار حکم شرعی، چه وظیفه‌ای را برای کسانی که نظریات فقهی دیگری را پذیرفته‌اند به وجود می‌آورد؟

س ۳- وجود بعضی از قوانین که منبع شرعی آن غیر از آیات الاحکام است به چهره اسلام در جامعه جهانی لطمه می‌زند. آیا وقت آن نرسیده است که مجمعی از علما و فقها به همراه حقوقدانان کشور و با تکیه بر مصالح اسلام و جامعه، نظریات مناسب‌تر فقهی را به عنوان راه‌حل شرعی و پشتوانه اسلامی قوانین استخراج و در تصویب قوانین پیشنهاد نمایند؟

برای نمونه: در باب مسکرات آیات مختلفی وجود دارد، و در باب حرمت آن اختلاف عقاید، حال این‌که ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حدّ بر او جاری شود، در مرتبه سوم کشته می‌شود.»
یا تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطای شبیه عمد است؛ و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط می‌شود.»

این تبصره با اساس وجود دادگستری - که مرجع تظلم‌خواهی است - و وظیفه قضات - یعنی اجرای قوانین - در تضاد است. همین امر باعث بروز اشکالاتی برای دادگستری و در نهایت وقوع قتل‌هایی شده است که آخرین آن قتل‌های محفلی کرمان بود که عده‌ای جوان بسیجی به این تفکر که فلان کس شراب خورده است یا معتاد و با تکیه بر شنیده‌های خود از یکی از علما که گفته است باید امریه معروف کرد و در نوبت اول نصیحت، در نوبت دوم معرفی به حاکم و در نوبت سوم به تشخیص خود عمل کرد، و با اعتقاد به این‌که فرد اصلاح‌ناپذیر است و مهدورالدم، شخصاً او را کشت، در دسری واقعی برای قوه قضائیه درست کردند و استانی را به التهاب کشاندند.

مهمترین چالش موجود ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد:
«پدر یا جدّ پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.»

این ماده باعث قتل‌های زیاد و استناد پدر و جدّ پدری به این ماده شده است.

درخواست دارم با تکیه بر مفتوح بودن باب اجتهاد - که راز ماندگاری فقه شیعی است - و با در نظر گرفتن احکام ثانویه در خصوص مسائل شرعی، نظر فقهی خود را در باب سؤالات فوق و

مطالب بیشمار دیگری که در اکثر مواد قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت، و نیز درباره لزوم تشکیل مجمعی از فقها و علما و حقوقدانان، در خصوص بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی، خصوصاً موادی که منبع تصویب آنها غیر از آیات الاحکام می‌باشد، به جهت ارشاد جامعه حقوقی که دست‌اندرکار اجرای قوانین به تصویب رسیده می‌باشند بیان فرماید.

و من الله التوفیق.

۱۳۸۳/۱۱/۲۱

نعمت احمدی - استاد دانشکده حقوق و وکیل دادگستری

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جناب مستطاب آقای دکتر نعمت احمدی دام‌عزه و توفیقه
پس از سلام و تحیت پاسخ تفصیلی به نامه جنابعالی برای اینجانب در شرایط
فعلی که دارم میسور نیست، ولی به نحو اجمال یادآور می‌شوم:

[اختلاف نظر در مباحث فقهی]

ج ۱- مطابقت قوانین مصوبه با رأی و برداشت تمامی فقهای شیعه در مواردی که اختلاف رأی و فتوی وجود دارد امری است محال، و در مواردی که مخالفت آنها در فتوی احراز نشده است نیز احراز مطابقت، امری بسیار مشکل می‌باشد. بر پایه قانون اساسی پیشین، مرجعیت یکی از شرایط رهبری بود و طبیعتاً بر اساس ملاک بودن نظرات فقهی رهبر در چهارچوب حاکمیت و حجیت رأی اعلم در موارد اختلاف، مطابقت قوانین مصوب با رأی مرجع اعلم که رهبر است امکان‌پذیر بود؛ ولی آنچه بر اساس قانون اساسی موجود بعد از بازنگری امکان‌پذیر شد و شورای نگهبان موظف به تشخیص و نظارت بر آن است، عدم مخالفت قوانین مذکور با اصول مسلمة و احکام اولی و ثانوی روشن اسلام و ضروریات فقه شیعه و آراء مشهور فقهاست. و در انجام این مسئولیت هیچ‌گونه اجتهاد و استنباط فقیهانه‌ای از سوی شورای

نگهبان در کار نیست و اعتباری هم نخواهد داشت.

کار آنها در این زمینه و برای حسن عمل به وظیفه نظارتی که دارند تنها نوعی تتبع در انظار فقهی و آراء فقها و در مرحله‌ای دیگر تفسیر صحیح و مطابق با واقع و فراجناحی از قانون اساسی است. و شورای مزبور در این تشخیص و تفسیر حق هیچ نوع ابراز و تحکیم رأی شخصی فقهی و یا اعمال و تحمیل سلیقه سیاسی در تفسیر قانون اساسی را ندارد، و تشخیص و تفسیر آنان هیچ‌گونه اعتبار قانونی و حتی شرعی نخواهد داشت.

لازم به تذکر است که بنا بر این که موافقت قوانین مصوب با آراء همه فقها معتبر نبوده بلکه در صورت اختلاف فتوی عدم مخالفت با اصول قطعی و احکام ضروری و آراء مشهور فقها کافی باشد و شورای یادشده به وظیفه خود عمل نماید، دیگر انظار فقهی مختلف در این راستا اعتبار قانونی نداشته و ملاک سنجش نمی‌باشند؛ زیرا این امر موجب هرج و مرج در مقام قانونگذاری می‌شود. بلی افراد صاحب نظر که رأی فقهی مخالف با رأی دیگران دارند، تنها می‌توانند ابراز نظر کرده و برای اثبات صحت نظریه خویش استدلال و برهان اقامه کنند. و هرچند نظریه دیگران برای این افراد حجیت شرعی و عقلی ندارد، ولی مخالفت عملی علنی نیز منجر به اختلاف نظم اجتماعی و کشمکش در جامعه خواهد شد.

[شناسایی موضوعات احکام ثانوی]

ج ۲- علاوه بر قرآن کریم، سنت و عقل دو منبع دیگری هستند که حجت بودن آن دو در مقام استنباط احکام شرعی در جای خود به اثبات رسیده است، و نادیده گرفتن هر یک از آنها خروج از خطوط اصلی برای فهم و رسیدن به معارف دینی است؛ بر حسب حدیث «ثقلین» که مشهور بین الفریقین می‌باشد رسول خدا ﷺ عترت خود را که مقصود ائمه طاهرین است در مرحله حجیت عدل کتاب خدا قرار دادند و تمسک به هر دو را لازم دانستند. منتها در مورد تعارض روایات و اخبار و بالطبع

تفاوت فقها در انظار و افکار، همان طور که در پاسخ نخست اشاره شد، صرف عدم مخالفت قوانین با ضروریات و اصول مسلمه و احکام شرعی اولی و یا احکام ثانوی که مخصوص به موارد ضروری می باشد کافی است.

یادآوری می شود: شناسایی موضوعات احکام ثانوی، احتیاج به کارشناسی صحیح در موضوعات مربوطه توسط کارشناسان مجرب و متشرع دارد. به نظر می رسد نگرش علمی از این سو و گام عملی برداشتن در آن و پرهیز از هرگونه خوداندیشی و خود عملی گروهی و سیاسی و در نظر گرفتن مصالح کلان و عامه، حلال بیشتر مشکلات در این عرصه است.

[لزوم بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی]

ج ۳- در این که احکام شریعت بنا بر نظر عدلیه تابع مصالح و مفاسد واقعی است شکی نیست، و نیز در این که مصالح و فلسفه بخشی از احکام اجتماعی و جزائی اسلام برای عقل جمعی انسانها که به دور از اهواء و نفسانیات باشد قابل کشف و دسترسی می باشد نیز بحثی نیست، به نحوی که با اطمینان می توان گفت این گونه احکام دارای اسرار مرموز و غیبی و غیر قابل فهم برای بشر نمی باشد. منتها در مقام استنباط احکام نباید از متد لازم یعنی استفاده از قرآن و روایات قطعی و یا مورد وثوق و نیز حکم قطعی عقل و عقلا خارج شد.

از طرفی با توجه به این که هدف اصلی از تشریح احکام جزائی اسلام حفظ جامعه از تعدی و تجاوزات افراد مجرم به نفوس و اموال و حقوق مردم و تنبّه و اصلاح مجرمین و هدایت آنها می باشد، و نیل به این هدف با تغییر و تحول جوامع در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در همه جوامع و اعصار یکسان نخواهد بود، از این رو ممکن است بعضی از مجازاتها به خاطر عدم تبیین صحیح اهداف آن یا عدم اجرای صحیح آنها مستلزم بدبینی به اصل شریعت و وهن آن گردد، در چنین فرضی باید هر چند به طور موقت از اجرای آنها خودداری شود.

از طرف دیگر با توجه به امر فوق‌الذکر و این‌که تغییر مصالح و مفسد مذکور که علت اصلی تشریح احکام جزائی است چه بسا موجب تغییر موضوع احکام می‌شود، سزاوار است فقیه در مقام استنباط حکم و تنقیح موضوع آن از مشورت با سایر فقها و صاحب‌نظران و نیز حقوق‌دانان متدین در یک مجمع فقهی و حقوقی استفاده نماید تا در مقام استظهار و استنباط اطمینان بیشتر به تشخیص خود پیدا نماید.

تشکیل چنین مجمعی - که از دیرزمان احساس نیاز به آن وجود داشته است - قطعاً در مطابقت اجتهاد فقها با اهداف شریعت و درک بهتر مصالح و مفسد واقعی احکام و رشد جوامع دینی و ارائه چهره عادلانه اسلام در عصر کنونی تأثیر زیادی خواهد داشت.

در این صورت چنانچه فقهی با استناد به کتاب و سنت و عقل قطعی و جمعی در موارد مذکور در سؤال به نتایجی رسید که با فتاوی دیگر متفاوت می‌باشد، ضمن برخورداری از اعتبار و قوام لازم، می‌تواند فتاوی او برای تنگناهای جامعه راهگشا و مفید نیز باشد.

اصولاً با پیچیدگی جوامع کنونی و گستردگی دامنه علوم و بخصوص علم فقه و حقوق، اجتهاد و استنباطهای فردی و به‌دور از مشورت با سایر صاحب‌نظران کمتر مصیب و پاسخگوی نیازهایی است که به خاطر رفع آنها تشریح احکام جزائی و اجتماعی انجام شده است. اینها اصول و نکاتی کلی است که اغماض از آنها در مقام استنباط روا نیست، ولی مواردی که شما در نامه خود به عنوان نمونه‌هایی از چالش ذکر کرده‌اید از مواردی است که قابل دفاع فقهی و حتی دفاع از نظر فلسفه احکام است، که طبیعتاً بحث پیرامون آنها مجال بیشتری را می‌طلبد.

توفیق جنابعالی را از خدای متعال مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۳/۱۲/۲۹

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش بخش اینترنتی فارسی بی بی سی

پیرامون مصادیق «قتل نفس»

۱۳۸۴/۱/۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضرت آیت الله منتظری

با سلام

چنانکه مستحضر هستید این روزها در آمریکا مشکلی مورد بحث عمومی است که در ایران و کشورهای اسلامی نیز مشکل ناشناخته‌ای نیست. در بسیاری از اوقات پزشکان اعلام می‌کنند که از بیماری که به طور مصنوعی و به کمک دستگاه زنده نگه داشته شده قطع امید کرده‌اند و باید او را از دستگاه جدا کرد و اجازه داد تا بمیرد. آیا به نظر حضرتعالی خاتمه زندگی فرد از این راه با موازین اخلاقی اسلام سازگار است؟ فتوای شما درباره خاتمه دادن به زندگی فرد از روی ترحم چیست؟ این گروه از بیماران که به بیماریهای لاعلاج دچارند معمولاً وصیت می‌کنند که در صورت قطع امید از آنها به این کار راضی‌اند. گروه دیگری هم بدون این که در اغما باشند به دلیل رنج جانکاهی که می‌برند خواستار خاتمه دادن به زندگی خود هستند. آیا تمکین به نظر پزشک یا بیمار در مورد خاتمه دادن به زندگی بیمار از نظر موازین اسلامی قابل قبول است؟

فرصت را مغتنم شمرده عید نوروز را به شما تبریک می‌گوییم.

با احترام

مهدی جامی - بخش اینترنتی فارسی بی بی سی

۲۲ مارس ۲۰۰۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام و تبریک متقابل، در مفروض سؤال اول که طرف گرفتار مرگ مغزی شده، اگر حتی یک هزارم احتمال وجود دارد که شعور او برگردد، جدا کردن دستگاه تنفس از او جایز نیست؛ ولی اگر به تشخیص پزشکان متخصص و متعهد مغز او صددرصد مرده است و برگشت حیات امکان ندارد، ادامه تنفس مصنوعی به وسیله دستگاه واجب نیست؛ زیرا او در حقیقت مرده است؛ و بر جدا کردن دستگاه عنوان «قتل نفس» صادق نیست.

ولی در مفروض سؤال دوم که طرف حیات دارد، هرچند او رنج می‌برد لیکن قطع حیات او جایز نیست و عنوان «قتل نفس» بر آن صادق است؛ و خود طرف نیز حق ندارد کشتن خود را اجازه دهد، لازم است او را به اندازه قدرت معالجه نمود.
والسلام علیکم.

۱۳۸۴/۱/۹

حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت پاپ «ژان پل دوّم» رهبر مسیحیان کاتولیک

۱۳۸۴/۱/۱۵

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

پاپ «ژان پل دوّم» رهبر مسیحیان کاتولیک از دنیا رفت، راهی که همه باید آن را طی کنیم. او عملاً مخالف خشونت، جنگ، ظلم و تجاوز بود و پیوسته به قدر توان خویش از مظلومان و محرومان جهان - از هر گروه و ملتی - حمایت می کرد. او بر حسب عقل و فطرت خویش و تعلیمات پیامبر صلح و دوستی حضرت مسیح علیه السلام برای انسانها ارزش قائل بود، و در راه صلح و امنیت جهانی قدم برمی داشت. ایشان یکی از پایه گذاران گفتگو بین ادیان توحیدی بود، و هرگز از قدرت خویش سوءاستفاده نکرد.

این مصیبت را به همه مسیحیان جهان بویژه مسیحیان کاتولیک، و همه طرفداران صلح و عدالت تسلیت می گویم؛ و از همه پیروان حضرت مسیح علیه السلام (علی نبینا و آله و علیه الصلوٰة و السلام) انتظار می رود همچون حضرت مسیح با هر نحو ظلم و تجاوز به حقوق دیگران مخالفت نمایند. شایسته است که جانشین ایشان با هماهنگی همه رهبران دینی و مذهبی جهان در راه صلح و عدالت و تقریب ادیان الهی قدم بردارند.

اینجانب به همه قدرتمندان جهان از مسلمان و غیرمسلمان - که بسا به بهانه حمایت از حق و دموکراسی - از قدرت عاریتی خود سوءاستفاده نموده و با خشونت و بگیر و ببند با ملت ها برخورد تند و ناشایست می کنند یادآور می شوم که مرگ و

حساب و کتاب قیامت را فراموش نکنند و به گونه‌ای رفتار نمایند که از خود نام نیک باقی گذارند.

به امید روزی که - بر حسب اعتقاد ما و اخبار وارده از عترت پیامبر ﷺ - با تهبیؤ و آمادگی ملت‌ها، منادی صلح جهانی حضرت مهدی موعود به همراهی حضرت مسیح علیه السلام ظاهر گردد و جهان را از عدل و داد پر نماید.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۵ فروردین ۱۳۸۴ - ۲۴ صفر ۱۴۲۶ - ۴ آوریل ۲۰۰۵

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های انجمن اسلامی دانشجویان فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان
پیرامون اهمیت شورا از نظر اسلام و قانون اساسی

۱۳۸۴/۱/۱۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک آیت‌الله العظمی منتظری

با آرزوی سلامتی شما و طول عمر برای آگاهی‌بخشی و روشنگری جامعه و بیان آنچه بر سر آرزوهای به‌حق این ملت رنج‌کشیده از مشروطیت تا به حال آمده است.

بیست و شش سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. از اهداف انقلاب حاکمیت‌بخشی حکومت مردمی بود و یکی از نمونه‌های بارز آن مطرح شدن شوراهای شهر و روستا در قانون اساسی است که اجرای به‌حق و درست آن همچون بغضی و فریادی در گلوی آیت‌الله طالقانی ماند و تاکنون آنچنان که باید این شوراها مورد توجه قرار نگرفته است، که شاید علت آن را تنها می‌توان نوش دارو پس از مرگ سهراب دانست که تا تنور داغ بود نان به آن نجسباندند تا سرد شد و نیروها کنار رفتند و پتانسیل نیروها هرز رفت و تلف شد.

بر آن شدیم که به بهانه نهم اردیبهشت که به نام شوراها نامگذاری شده به مدت سه روز در دانشگاه صنعتی اصفهان به بررسی ابعاد شوراها بپردازیم، به این دلیل دست آگاهی‌بخشی به شما دراز کردیم و مزاحم وقت شما شدیم. در همین زمینه سؤالاتی را مطرح کرده‌ایم، امید است گامی در جهت تعالی حاکمیت و تفکر و فرهنگ شورایی برداشته شود.

انجمن اسلامی دانشجویان فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان

۱- شورا در اسلام چگونه مطرح می‌شود؟

۲- با توجه به این که حضرت تعالی رئیس خبرگان قانون اساسی بوده‌اید، جایگاه شوراها را در

تصمیم‌گیری کشور در زمانی که مطرح شد تا چه حد می‌دیدید و اکنون در چه حد، و اساساً هدف از مطرح شدن آن چه بود؟

۳- برآستی چرا و به چه دلیل یا دلایلی تشکیل شوراها تا سال ۱۳۷۸ به تأخیر افتاد؟

۴- راه‌حل‌های پیشنهادی شما برای حاکمیت تفکر و فرهنگ شورایی چیست؟

با تشکر از شما که حوصله کردید و خواندید، عذرخواهی می‌کنیم از این که در فرصتی کم از شما خواستار جواب هستیم.

جواب شما به این نامه در برنامه همایش شوراها در دانشگاه صنعتی اصفهان پخش می‌گردد.

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

در اسلام به شورا اهمیت زیادی داده شده است. در مقطعی که در دنیا حکومت‌های دیکتاتوری و فردی رایج بود، اسلام نظام حاکمیت خود را بر اساس شورا بنا نهاد و حتی سوره‌ای از قرآن به نام «شوری» نامگذاری شد، که در آن سوره مشورت در امور اجتماعی در عرض فرائض مهم دینی و اخلاق نیکو و پسندیده قرار گرفت.

در قرآن چنین آمده:

﴿وَالَّذِينَ يَحْتَنِبُونَ كِبَآئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَاِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ * وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَمْرَهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَاَمَّا رِزْقُنَا هُمْ يَنْفَقُونَ﴾
(شوری/۳۷ و ۳۸)

«آنهایی که از گناهان کبیره و فحشا اجتناب کرده و هرگاه غضب کردند (از افراد مورد غضب) گذشت می‌کنند، و دعوت پروردگار خود را استجابت نموده و نماز را به پاداشته و امور خود را با هم مشورت می‌کنند و از آنچه به آنان داده‌ایم انفاق می‌نمایند.»

از طرف دیگر خداوند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با این که متصل به وحی و از گناه و خطا مصون بود، امر به مشورت با مردم در امور اجتماعی نمود و فرمود: ﴿و شاورهم فی الأمر﴾. (آل عمران/ ۱۵۹)

کلمه «الأمر» هر چند به حسب مفهوم لغوی عام است و شامل تمام امور فردی و اجتماعی می شود، ولی در اصطلاح قرآن و بسیاری از روایات مربوطه و نیز قدر متیقن از آن همان امور حکومتی و از جمله موضوع جنگ است.

بر این اساس حاکمیت در اسلام چه در مقام قانونگذاری و چه در مقام اجرا به معنای عام، باید مبتنی بر مشورت و آراء مردم باشد؛ یعنی رضایت و نظر مردم حدوداً و بقائاً باید در حاکمیت اسلامی اصل و اساس باشد.

و از همین جهت بود که در قانون اساسی کشور جایگاه خاصی پیدا کرد؛ ولی متأسفانه این جایگاه روز به روز ضعیف و مورد بی توجهی قرار گرفته است، تا آنجایی که امروز چهره حاکمیت اسلامی در دنیا و در بین اکثریت ملت مشوه گشته و از آن به عنوان حکومت فردی و استبدادی تعبیر می کنند. و تنها راه حل این است که این اصل قرآنی که مطابق با عقل و تجربه بشری می باشد احیا گردد و رضایت مردم و مشورت با آنان در تمام سطوح حاکمیت به دور از شعار و عوامفریبی مورد عمل قرار گیرد. یکی از طرق احیای این اصل، تشکیل احزاب مستقل و متعهد و نیز به روز فعال و پافشاری دائمی مردم بر احقاق حق خود از راههای ممکن است، که زمینه ایجاد آن به حسب شرائط متفاوت و ابزارهای موجود در دست مردم به گونه های مختلف فراهم می گردد.

توفیق همگان را از خدای متعال مسألت دارم. إن شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۳۸۴/۱/۱۸

حسینعلی منتظری

**پاسخ به پرسش‌های سایت امروز
پیرامون دو رخداد سیاسی**

۱۳۸۴/۱/۳۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با سلام و احترام

خواهشمند است نظر خود را پیرامون دو رخداد ذیل، جهت تنویر افکار عمومی اعلام فرمایید:

۱- آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه گفته‌اند: «امروز نیز افراد منافق صفت وجود دارند که حرکات نفاق‌انگیزی می‌کنند و نقشه براندازی نظام را می‌کشند. بسیاری از آنها از نظر قضایی یک پرونده کامل دارند که اگر مشکلی نباشد و پرونده‌های آنان به دادگاه بیاید، هیچ وکیلی نمی‌تواند از آنها دفاع کند و هر قاضی که باشد حکم به اعدام آنها می‌دهد، حتی حکم برخی از آنها صادر و در تجدیدنظر تأیید شده است ولی این حکم به دلیل مصلحت‌اندیشی باقی مانده است». محتوای سخنان ایشان را از دیدگاه فقهی و حقوقی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲- دکتر معین پیشنهاد انتصاب معاون حقوق بشر در صورت موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری را ارائه داده‌اند. آیا این معاونت پیشنهادی می‌تواند از ایده به عمل تبدیل شود، و میزان تأثیرگذاری احتمالی آن در دفاع از حقوق شهروندان چگونه خواهد بود؟

با سپاس - سایت امروز

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

جواب ۱- متأسفانه برخی از سخنان و اظهارنظرها، آن هم به صورت قاطع و در لفافه قانونی از تریبون نماز جمعه، غیرمنتظره و موجب تعجب است؛ و تأسف بیشتر

زمانی است که گوینده در موضع نظارت بر قوانین جای داشته باشد. به طور کلی در مورد سؤال باید گفت:

اولاً: حکم به مهدورالدم بودن افراد قبل از تشکیل دادگاه صالحه برخلاف عقل و شرع و خلاف همه قوانین است. چنین حکمی منوط به اثبات موضوع در دادگاه صالح نزد قاضی شرع جامع شرایط است. و در رابطه با اتهامات سیاسی - که مورد سؤال می‌باشد - علاوه بر آن از نظر قانونی لازم است دادگاه به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع و در جوئی کاملاً آزاد انجام گیرد، و محاکمات سرّی و فرمایشی و احکام صادره ارزش شرعی و قانونی نخواهد داشت.

ثانیاً: اعلام حکم اعدام برای مخالفین سیاسی از تریبون نماز جمعه برای اسلام و تشیع و حاکمیت خطر جدّی دارد و هرگز به صلاح نمی‌باشد. طرح چنین مطالبی در خطبه‌های نماز جمعه که باید در ارتباط با مصالح کلان دین و کشور و دعوت به تقوا و مکارم اخلاق و همبستگی ملت باشد، نه تنها تناسبی نداشته بلکه با اهداف آن منافات دارد و موجب ترویج خشونت و تهدید عمومی نسبت به تمام مخالفین سیاسی و جناحهای غیروابسته به حاکمیت، و زمینه‌سازی برای برخوردهای خودسرانه و غیرقانونی شده، و خدای ناکرده باعث مشوّه شدن چهره جهانی اسلام و تشیع و حاکمیت دینی می‌گردد. گویا آقایان مسائل سابق را فراموش کرده و از آن درس نگرفته‌اند.

جواب ۲ - دفاع از حقوق انسانها بویژه شهروندان، وظیفه همه افراد و جناحها و بخصوص دولت است؛ و باید به هر نحو ممکن به این وظیفه عمل شود. این که آقایان کاندیداها بتوانند به وعده‌های داده شده خود عمل نمایند امر دیگری است، بخصوص با توجه به تضادی که در قانون اساسی کنونی وجود دارد که رئیس جمهور مسئول ولی عملاً و قانوناً فاقد قدرت لازم است، و نهادهای غیر پاسخگو - که بیشترین نقض حقوق بشر توسط آنها انجام می‌شود - دارای بیشترین قدرت می‌باشند. *إن شاء الله موفق باشید.*

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۱/۳۰

حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت چهلمین روز درگذشت مرحوم آیت الله آشتیانی رحمته الله

۱۳۸۴/۲/۱۰

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

چهل روز از رحلت عالم بزرگوار استاد فلسفه و عرفان مرحوم آیت الله سید جلال الدین آشتیانی (طاب ثراه) می گذرد. محقق توانایی که پس از تعلّم نزد اساتید بزرگ حکمت و عرفان و تعمّق و تأمل در آثار اساطین دانش و معرفت، توانست بسیاری از کتب و آثار علمی گذشتگان در دو علم مزبور را که میراث فرهنگی عالم اسلام به شمار می رود به گونه ای ماهرانه تدریس، شرح، تعلیق و احیا نموده و در دسترس اهل تحقیق قرار دهد. از صفات بارز آن استاد محقق که شایان ذکر و پیروی بویژه برای اهل دانش است، استقلال و حریت در ابراز نظر بدون ملاحظات یا تعارفات مرسوم و معمول بود؛ و نیز با این که در فنّ فلسفه و عرفان تبخّر داشت هیچ گاه آن را دستاویز و ابزار رسیدن به مطامع دنیا و مال و جاه و شهرت قرار نداد. این قبیل اشخاص به لحاظ روحیه استقلال و آزادگی، متأسفانه در دوران حیات خود معمولاً در انزوا و مورد بی توجهی قرار گرفته و پس از رحلت مورد تمجید واقع می شوند. بجاست تألیفات آن عالم بزرگ مورد استفاده اهل دانش و فضل قرار گیرد، و حوزه های علمیه شیعه که پایگاه اصلی نشر معارف دینی است استقلال خود را حفظ نموده تا بتواند در دامان خود محققان ژرفاندیش و آزاد در تمام رشته های علوم اسلامی را پروراند.

اینجانب رحلت آن مرحوم را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علمای اعلام و اساتید محترم حوزه و دانشگاه تسلیت گفته،

و برای ایشان علو درجات و حشر با اجداد طاهرين عليهم السلام و برای همه بازماندگان
محترم صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند بزرگ و مهربان مسألت می‌نمایم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۲/۱۰

قم - حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت حمله و حشیانه حکومت یمن به شیعیان

۱۳۸۴/۲/۲۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون ﴾

حمله و حشیانه حکومت یمن به طوایف مختلف شیعیان و کشتار و قلع و قمع بسیاری از آنان و از بین بردن و سوزاندن کتابهای مذهبی از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه موجب ناراحتی و تأسف شدید همه جوامع اسلامی شده است. این گونه جنایات از حکومتی که با رژیم بعث صدام همکاری داشته و اکنون نیز پناهگاه افسران فراری ارتش صدام می باشد جای تعجب نیست. از قرار اطلاع اخیراً فرقه و هابیه که با تشیع و شیعیان کینه قدیمی دارند در ارکان حکومت یمن نفوذ پیدا کرده و با تحریکات آنها جنایت های مذکور توسط حکومت انجام شده و می شود.

حکومت یمن باید از عاقبت کار حکومت صدام که آن همه ظلم و جنایت را بر ملت مظلوم عراق و بخصوص شیعیان روا داشت عبرت بگیرد. هر حکومتی که بقای خود را بر اساس ظلم و تعدی بر ملت خود و قلع و قمع افراد و طبقات قرار دهد عاقبتی جز فنا و نابودی نخواهد داشت.

«الملك يبقی مع الكفر ولا يبقی مع الظلم»

انتظار می رود مجامع جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، عالمان آگاه در کشورهای اسلامی و نویسندگان متعهد در مقابل حوادث

جاری در یمن بی تفاوت نباشند و با اعزام هیئت و فشارهای سیاسی از مظالمی که بر طوایف شیعه در یمن وارد می شود جلوگیری نمایند.
از خداوند متعال نصرت و عزت اسلام و مسلمین و دفع شرّ ظالمین را مسألت دارم.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۸ ربیع الثانی ۱۴۲۶ - ۱۳۸۴/۲/۲۷

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه دبیر خبرگزاری «رویترز»

۱۳۸۴/۲/۳۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

* من تاکنون درباره انتخابات ریاست جمهوری این دوره اظهار نظر نکرده‌ام.
* تضاد در قانون اساسی در اثر مسئولیت‌های ریاست جمهوری و عدم قدرت او در مقابل دیگران.

* ادامه اشغال عراق توسط آمریکا کار درستی نیست.
* اشغال سفارت آمریکا در ایران - با این که همه ما نیز تأیید کردیم - کار درستی نبود.
* ادامه قطع روابط با آمریکا به مصلحت کشور نیست.

* * *

در ابتدا آیت‌الله العظمی منتظری نسبت به فیلترگذاری سایت خود و بایکوت خبری و تحریمی که نسبت به ایشان در رسانه‌های داخلی اعمال می‌شود اشاره کردند و از انعکاس بیطرفانه اخبار و مطالب در خبرگزاری رویترز تشکر کردند.

[انتخابات ریاست جمهوری]

دبیر خبرگزاری سپس از علت سردی مردم بخصوص جوانها و عدم اشتیاق آنها نسبت به انتخابات ریاست جمهوری جويا شد.
آیت‌الله منتظری اظهار داشتند: من تا حال در موضوع انتخابات ریاست جمهوری این دوره اظهار نظر نکرده‌ام، و علت آن و نیز علت سردی مردم این است که در قانون اساسی فعلی تضاد وجود دارد.

از طرفی مسئولیت‌های زیادی بر عهده رئیس‌جمهور گذاشته شده، و از طرف دیگر اهرمهای قدرت در دست بالاترهاست و رئیس‌جمهور فاقد قدرت برانجام مسئولیت‌هایش می‌باشد. مسئولیت باید با قدرت همراه باشد، نیروی نظامی و انتظامی و صدا و سیما باید در اختیار رئیس‌جمهور باشد و در عوض او در برابر مردم پاسخگو باشد. بنابراین در شرایط فعلی انتخاب رئیس‌جمهور با این همه توقعات مردم دردی از کشور دوا نمی‌کند. آدم عاقل کاری را که بی‌نتیجه است انجام نمی‌دهد. شما ملاحظه کردید آقای خاتمی با داشتن ۲۲ میلیون رأی مردم و امیدهای زیادی که همه به او داشتند بلکه بتواند خیلی از مشکلات را حل کند، در مقابل قدرت بالاترها نتوانست کاری انجام دهد، و حتی دو لایحه اصلاحیه‌ای که به مجلس برد آخرش مجبور شد آنها را پس بگیرد. در چنین وضعیتی واقعاً آیا رئیس‌جمهوری جز یک تدارکاتچی برای مقامات بالا می‌باشد؟! به نظر من علت سردی مردم همین است.

[اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی]

سپس دبیر خبرگزاری با اشاره به این که بعضی می‌گویند: آقای خاتمی سیاستمدار خوبی نبود و لذا نتوانست کار مهمی انجام دهد ولی بعضی از کاندیداهای فعلی سیاستمدار باتجربه‌ای هستند، نظر آیت‌الله منتظری را جویا شد. ایشان گفتند: من نسبت به مقایسه مذکور نظری ندارم اما شما ملاحظه کنید وقتی ولایت مطلقه در قانون اساسی مطرح می‌شود و در اصل ۱۱۰ همه اهرمهای قدرت در اختیار ولایت مطلقه قرار داده می‌شود، رئیس‌جمهور هر کسی باشد نمی‌تواند کاری انجام دهد.

دبیر خبرگزاری گفت: آیا منظور شما این است که دین باید از سیاست جدا شود و یک سیستم سکولار حاکم شود؟

آیت‌الله منتظری گفتند: من نمی‌گویم دین از سیاست جدا شود، سیاست جزء دین است و دین مقدس اسلام نسبت به همه شئون انسانها حتی سیاست و حاکمیت نظر دارد، بلکه می‌گویم: اولاً باید دین را به طور صحیح فهمید، و ثانیاً نباید از دین استفاده

ابزاری و سوءاستفاده نمود. دین با سیاست تضادی ندارد. تضادی که هست بین مسئولیت‌های رئیس‌جمهور و نداشتن اختیارات کافی از طرفی، و دادن اختیارات مطلق به ولی‌فقیه و نداشتن مسئولیت و پاسخگو نبودن او از طرف دیگر می‌باشد، و نباید این تضاد را به گردن دین گذاشت.

دبیر خبرگزاری سپس گفت: ولی شما یکی از کسانی بودید که در تنظیم قانون اساسی نقش زیادی داشتید.

آیت‌الله منتظری گفتند: بلی من در تدوین قانون اساسی اول نقش زیادی داشتم. ولی اولاً در آن شرایط موقعیت و قداست و نفوذ معنوی مرحوم آیت‌الله خمینی مطرح بود و ما هم تجربه قانون نویسی نداشتیم، و امروز در اثر تجربه به نکاتی توجه پیدا کردیم که آن روز توجه نداشتیم. روزی به آیت‌الله بروجردی گفتم: شما سابقاً مطلب دیگری فرمودید. ایشان فرمودند: «اُنَاکَل یومِ رَجُلٍ» من در هر روز مرد دیگری هستم.

و ثانیاً ولایت مطلقه در قانون اساسی اول نبود و بعداً آقایان آن را در بازنگری اضافه کردند و من به آن رأی ندادم.

ایشان در جواب دبیر خبرگزاری که پرسید به نظر شما آیا باید قانون اساسی عوض شود و اختیارات و مسئولیت‌های رهبری و ریاست جمهوری مجدداً بررسی شود؟ گفتند:

به هر حال به مناسبت حکم و موضوع، وظیفه ولایت فقیه از باب تخصص او در فقه نظارت بر اسلامی بودن قوانین و اجرائیات کشور است، نه این که او در همه کارها دخالت کند و پاسخگو هم نباشد. هر کاری باید به کارشناس و متخصص آن ارجاع شود و او هم پاسخگو باشد.

[دخالت‌های آمریکا در کشورهای اسلامی و عراق]

آنگاه آیت‌الله منتظری در رابطه با دخالت‌های آمریکا در کشورهای اسلامی گفتند: مطابق یک ضرب‌المثل: هزار دوست برای انسان کم است و دشمن یکی هم زیاد

است. اکنون آمریکا از طرفی با دخالت در کشورهای اسلامی همچون افغانستان و عراق و جاهای دیگر به بهانه بردن دموکراسی و آزادی به آن کشورها، مسلمانان را روی خودش حساس کرده است، و لذا رئیس‌جمهور یا سایر رجال سیاسی آمریکا به هر کشوری می‌روند مردم علیه آنان تظاهرات می‌کنند و شعار می‌دهند. دموکراسی را که به اجبار نمی‌شود به کشوری صادر نمود، باید کاری کرد که رشد سیاسی مردم زیاد شود و خودشان کشورشان را به سمت آزادی و دموکراسی سوق دهند. شوروی را دیدید با آن همه قدرتی که داشت سرانجام فروپاشید. حکومتی که بخواهد بر اساس زور و چماق کار بکند بالاخره شکست می‌خورد، مخصوصاً در دنیای امروز.

و از طرف دیگر باید به آمریکائی‌ها گفت شما از نفت و سایر امکانات کشورهای اسلامی استفاده می‌کنید آن وقت دولت غاصب اسرائیل را که مردم فلسطین را سرکوب کرده و می‌کند تقویت می‌کنید، این سیاست بسیار غلطی است.

دبیر خبرگزاری گفت: نتیجه دخالت آمریکا در عراق این شد که حکومت صدام سقوط کرد و یک حکومت مردمی که اکثریت رجال آن شیعه هستند بر سر کار آمد، آیا این سیاست بدی بود؟

آیت‌الله منتظری گفتند: قبول دارم اصل آمدن آمریکا و ساقط کردن حکومت صدام خدمتی بود به مردم عراق، اما باقی ماندن آمریکا در عراق به ضرر خودشان است. حالا که یک حکومت مردمی بر سر کار آمد، خوب است که آمریکایی‌ها و سایر اشغالگران نیروهایشان را از عراق خارج کنند، وگرنه باتلاقی می‌شود برای آنها مانند ویتنام. در افغانستان هم ماندن آمریکا غلط است و به ضرر خود آمریکا می‌باشد. باید کاری بکنند که مردم عراق و افغانستان احساس استقلال بکنند و بدانند که دیگر کشورشان را باید خودشان اداره کنند.

دبیر خبرگزاری گفت: شما فکر می‌کنید مردم عراق در شرایط فعلی قادر هستند که جلو شورشهایی را که اکنون جریان دارد بدون کمک آمریکا بگیرند؟

آیت‌الله منتظری اظهار داشتند: اصولاً وجود آمریکایی‌ها در عراق این شورشها را

زیادتر می‌کند و بهانه به دست شورشیان می‌دهد تا به نیروهای آمریکائی حمله کنند، و قهراً مردم هم صدمه می‌بینند.

[تقسیم قدرت در عراق]

آنگاه ایشان در رابطه با تقسیم قدرت بین شیعه و سنی در عراق گفتند: گرچه در حدود دوازده درصد مردم عراق سنی هستند و اکثریت قاطع شیعه می‌باشند، ولی حکومت سابق چون به سنی‌ها گرایش داشت همه کارهای حساس در دست آنها بود، لیکن امروز باید شیعه و سنی و عرب و کرد همه در قدرت و حکومت و اداره کشور با هم شریک باشند.

[رابطه ایران با آمریکا]

آیت‌الله منتظری در مورد داشتن رابطه با آمریکا اظهار داشتند: به نظر من امروز دیگر قطع رابطه با آمریکا به مصلحت کشور ما نیست. ما فقط اسرائیل را چون غاصب است به رسمیت نمی‌شناسیم. البته منظور من از داشتن رابطه با آمریکا این نیست که به استقلال کشور ما ضربه بخورد و آمریکا بخواهد در آن دخالت نماید. ایشان سپس گفتند: به نظر اینجانب اشغال سفارت آمریکا در ایران - هرچند ما هم آن را تأیید می‌کردیم - کار غلطی بود که عوارض آن ادامه دارد، و عده‌ای هنوز دنباله آن را گرفته‌اند. از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده: «کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون» یعنی همه فرزندان آدم خطا کارند و بهترین خطا کاران آنهایی هستند که متوجه خطای خود شده و برمی‌گردند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۲/۳۱

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر و انتخابات

۱۳۸۴/۳/۲۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

پس از سلام و تحیت و آرزوی سلامتی و طول عمر، همان گونه که در جریان هستتید اخیراً از طرف بعضی جناحهای سیاسی و فرهیختگان کشور تشکلی جدید به نام جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر تشکیل شده است که هدف آن تأمین دموکراسی در عرصه های فکری و سیاسی، و دفاع از حقوق شهروندان ایرانی می باشد. از آنجا که حضرت تعالی طی سالیان متمادی همواره بر دو موضوع فوق تأکید خاصی داشته اید مستدعی است اگر توصیه یا تذکری دارید مرقوم فرمایید. ضمناً از مطالبی که اخیراً در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری در مصاحبه با خبرنگاری رویترز فرموده اید عده ای چنین استنباط کرده اند که نظر جنابعالی تحریم شرکت در این انتخابات است. لطفاً نظر شریف را صریحاً بیان فرمایید.

ادام الله ظلكم والسلام عليكم ورحمة الله وبرکاته.

عده ای از دوستان و علاقه مندان

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

السلام عليكم ورحمة الله، قال الله تعالى:

﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن

المنكر﴾. (سورة توبه، آیه ۷۱)

در مورد جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر یادآور می شوم کار بسیار پسندیده

و لازمی است. زیرا امر به معروف و نهی از منکر وظیفه شرعی و وجدانی همه انسانهاست، و در برابر وقوع مظالم در جامعه و تضییع حقوق و سلب آزادیهای مشروع و قانونی در زمینه‌های گوناگون همه افراد از مرد و زن و وظیفه و مسئولیت دارند، و حق ندارند بی تفاوت باشند. و عقل شخصی و قدرت فردی در این رابطه به هیچ وجه کارساز و نتیجه بخش نمی باشد، با تشکّل و تشکیل جبهه متحد و عقل جمعی است که می توان به این اهداف بزرگ اجتماعی در زمینه‌های گوناگون نائل شد و به این فریضه الهی عمل نمود.

امیدوارم جناحهایی که متصدی تشکیل چنین جبهه‌ای شده‌اند ضمن توجه خاص به مبانی و ارزشهای اسلامی به دور از اغراض شخصی و ملاحظات گروهی بتوانند - در شرایطی که کشور در معرض بحرانهایی قرار گرفته و از ناحیه قوای خارجی تهدید می شود - قدم بزرگی در راه اصلاحات همه جانبه و تأمین خواسته‌های ملت عزیز بردارند.

و اما در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری یادآور می شوم: شرکت کردن یا نکردن در انتخابات امر تقلیدی نیست، و هر کسی با مشورت با اهل خبره و بررسی همه جوانب، وظیفه خود را تشخیص می دهد.

و نظر اینجانب در مصاحبه اخیر، تحریم شرکت در انتخابات نبود، بلکه نظرم توجه دادن همه جناحهای سیاسی و افراد دلسوز و علاقه مند به مصالح کشور به نقاط ضعف قانون اساسی فعلی و تضاد موجود در آن بود تا بزرگان و نخبگان جامعه نسبت به آن تصمیم اساسی بگیرند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۳/۲۱

حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت پایان نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

۱۳۸۴/۴/۱۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و ذكّر فان الذکری تنفع المؤمنین ﴾ (آیه ۵۵، سوره ذاریات)

برادران و خواهران، هموطنان عزیز و محترم وفقکم الله تعالی لمرضاته

پس از سلام و تحیت

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران با همه فراز و نشیب‌هایی

که به همراه داشت به پایان رسید.

اولاً: از همه اقشار و طبقاتی که طبق احساس و وظیفه شرعی و ملی خود با حضور

در صحنه انتخابات یا عدم حضور، دیدگاه سیاسی خویش را عملاً یا کتباً ابراز داشتند

تشکر می‌نمایم.

بدیهی است کشور از آن همه مردم است و همه آنان حق دارند در تعیین سرنوشت

و نحوه مدیریت آن نظر دهند. و چنین نیست که صاحب کشور افراد خاصی باشند،

و یا ملت را محجور پندارند تا نیاز به قیّم و عقل منفصل داشته باشند. و صرف نظر از

اشکالات و شبهه‌هایی که در روند انتخابات مطرح شده است، امیدوارم

رئیس جمهور منتخب - با توکل به خداوند و مشورت با افراد متعهد و متخصص در

هر رشته - به قدر توان به وظائف دینی و ملی خویش عمل نماید، و بویژه در راه بهبود

اوضاع اقتصادی و تأمین آزادیهای مشروع و جلوگیری از تضییع حقوق مردم و

بازداشت‌ها و محاکمات سیاسی و عقیدتی و پرهیز از برخوردهای جناحی با

نیروهای لایق و سابقه‌دار، و نیز کم‌کردن حساسیت‌های جهانی و قدرتهای بزرگ با توجه کامل به مصالح ملی کشور تلاش نماید.

ثانیاً: اکنون که رقابت‌های انتخاباتی به پایان رسیده بر خود - حدّ اقل - به عنوان یک شهروند ایرانی لازم می‌دانم نکته‌هایی را یادآور شوم، و این حق شرعی و ملی را برای خود و همه افراد و طبقات جامعه ثابت می‌دانم که دیدگاهها و نظریات خویش را دوستانه و مشفقانه ابراز دارند تا با تضارب دیدگاههای مختلف توسط عقل و خرد جمعی، همگی برای اصلاح امور و صلاح آینده کشور در برابر مشکلات و بحرانها و تهدیدهای جهانی تلاش نمایند:

نکته اول: برخلاف نظر برخی از آقایان محترم که این انتخابات را بهترین و سالمترین انتخابات معرفی می‌نمایند، به نظر اینجانب با توجه به شواهد و ادله‌ای که کاندیداها ارائه کرده‌اند انتخابات خوبی نبود.

با قطع نظر از برخی اعتراضات و تردیدها نسبت به اصل صحت آن، این که بیش از هزار نفر کاندیدا شوند و وزارت کشور و متصدیان را به زحمت اندازند، و با دخالت شورای نگهبان اکثریت قاطع آنان را مردود اعلام نمایند و فقط چند نفر از - به اصطلاح - خودی‌ها را بپذیرند، و سپس با دخالت مقامات بالا نسبت به برخی مردودین تجدید نظر نمایند، و در این رابطه جو کشور را جو شایعات و اتهامات و جنگ و ستیز قرار دهند، و افراد پذیرفته شده - به جای تبلیغات سالم، عاقلانه و کم هزینه - هر کدام میلیاردها تومان هزینه نمایند، و پول و سرمایه کشور را هر چند مال شخصی خودشان باشد صرف فیلم‌ها و پلاکاردهای گوناگون و ریخت و پاش‌ها نمایند، و خیابان‌ها و دیوارهای شهرها و روستاها را با پخش عکس‌های مختلف و وعده‌های تکراری پر نمایند، و در این میان چهره‌های شناخته شده و بسا خدمتگزار کشور را با پخش اتهامات و جعلیات مشوّه نشان دهند، و با پخش جزوه‌های مشتمل بر تهمت یا اهانت با آبروی بعضی کاندیداها بازی کنند، و در اثر این گونه تبلیغات و رقابت‌های غیراخلاقی و غیراسلامی - علاوه بر تفریط سرمایه‌ها و پول‌های کلان - کینه و دشمنی

را بین افراد و گروهها ریشه‌دار نمایند، و اینها همه برای انتخاب رئیس‌جمهوری انجام شود که بر حسب قانون اساسی فعلی اهرمهای قدرت را در اختیار ندارد و تصمیم‌گیرنده در مسائل مهم کشور مقام دیگری است، به نظر می‌رسد این انتخابات سرنوشت کشور را تعیین نمی‌کند و به زحمت‌هایش نمی‌ارزد، بویژه اگر فرضاً مقام بالا و اشخاص وابسته به او در نهادهای مختلف محرمانه از کاندیدای خاصی حمایت نمایند و عملاً او انتخاب شود، که در این صورت فعالیت‌های مردم و رقابت‌های پرهزینه همه لغو و بیهوده خواهد بود. و بالاخره لازم است برای نحوه انتخابات در آینده فکر اساسی کرد، و این قبیل انتخابات إن شاء الله تکرار نشود.

نکته دوم: در کشورهای پیشرفته جهان چنین نیست که هر کس خودسرانه خود را کاندیدا نموده و فعالیت نماید و در نتیجه اموال و نیروهای بسیاری هدر رود؛ بلکه با تشکیل احزاب سیاسی قدرتمند و مردمی از ناحیه عقلا و نخبگان جامعه، کاندیداهای مجلس و رئیس دولت از ناحیه احزاب مشخص می‌شوند و مردم با تحقیق و شناخت به آن کاندیداها رأی می‌دهند. و در نتیجه نمایندگان مجلس و رئیس دولت و وزرای او وابسته به حزب یا احزاب خواهند بود، و در برابر حزب پاسخگو هستند.

و همان‌گونه که سابقاً تذکر داده‌ام این‌گونه تشکّل و تحزب ماندگار و مستمر امری است واجب و لازم، زیرا همه افراد جامعه در برابر جنایات و مظالم و تضییع حقوق و سلب آزادیها و وظیفه و تکلیف دارند و حق ندارند بی تفاوت باشند. و برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی عقل و قدرت فردی کارساز نیست، بلکه عقل و قدرت جمعی نتیجه بخش است، پس تحصیل آن امری است ضروری و لازم، زیرا امر به معروف و نهی از منکر در سطح وسیع جامعه عقلاً و شرعاً لازم می‌باشد و انجام این وظیفه الهی و وجدانی متوقف است بر تشکّل و جمع نیروهای فعال، و به حکم عقل و عقلای جهان مقدمه واجب واجب است.

متأسفانه هنوز در کشور ما مسأله حزب و تحزب سیاسی قدرتمند جا نیفتاده است

و احزاب خلق الساعه‌ای به وجود می‌آیند و سپس عملاً بی‌خاصیت می‌شوند. برای تفصیل در رابطه با مسأله تحزب می‌توانید به سؤال «۱۸۷۹» صفحه ۲۶۴ جلد دوم استفتائات اینجانب مراجعه فرمائید.

نکته سوم: در قانون اساسی فعلی تضادّ واضحی وجود دارد:

از طرفی مسئولیت‌های زیادی بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده بدون این که اهرمهای قدرت را در اختیار داشته باشد.

و از طرف دیگر برای مقام بالا «ولایت مطلقه» تثبیت و اهرمهای قدرت از قبیل انتخاب فقهای شورای نگهبان، فرماندهی کل نیروهای نظامی و انتظامی، بنیادهای اقتصادی مختلف، صدا و سیما و تنفیذ ریاست جمهوری منتخب در اختیار او قرار داده شده بدون این که در برابر مردم پاسخگو باشد، در صورتی که مسئولیت باید با قدرت همراه باشد.

شما ملاحظه نمودید آقای خاتمی با حسن نیت و تلاشی که داشت و با داشتن ۲۲ میلیون رأی مردم و توقعات و انتظارات جامعه از ایشان، نتوانست در برابر قدرت بالاتر کار چندانی انجام دهد و حتی دو لایحه اصلاحیه را که به مجلس پیشنهاد نمود مجبور شد پس بگیرد. با فرض ثبوت ولایت مطلقه برای مقام بالا و واجدیت قدرت مطلقه چه لزومی دارد این همه اوقات گرانبها و نیروهای مالی و تبلیغی برای انتخاب رئیس جمهوری که در مسائل مهم کشور تصمیم گیرنده نیست مصرف شود؟! و جامعه با اختلافهای شدید و بحرانها و حبّ و بغض‌ها و کینه‌ها مواجه گردد.

نکته چهارم: هنگام تدوین قانون اساسی در مجلس خبرگان که ریاست آن بر عهده اینجانب بود در رابطه با انتخابات دغدغه‌ای پیدا شد، زیرا مطرح شد که در رژیم گذشته هر چند برای تعیین نمایندگان مجلس شورا بر حسب ظاهر انتخابات انجام می‌شد ولی خود شاه و ایادی او در پشت صحنه بودند، و وزارت کشور که مجری انتخابات بود زیر نفوذ دربار و ساواک قرار داشت، و احزابی هم که تشکیل می‌شد

وابسته به دربار بودند، و در نتیجه انتخابات آزاد و سالم انجام نمی شد بلکه افرادی انتخاب می شدند که مورد نظر دربار باشند.

با توجه به این مشکل بحث شد چه کنیم که در آینده این روش در جمهوری اسلامی تکرار نشود و انتخابات آزادانه از ناحیه ملت انجام شود و قدرتها و مجریان انتخابات دخالت نکنند و افرادی را تحمیل نمایند. در آن هنگام به نظر رسید شورای نگهبان که فقهای آن از ناحیه آیت الله خمینی علیه السلام تعیین می شوند مقدسترین نهاد می باشد، لذا تصویب شد که شورای نگهبان بر هر انتخاباتی نظارت نماید تا جلوی دخالت های بیجا را بگیرند و آزادی انتخابات صد درصد تأمین گردد.

ولی متأسفانه «از قضا سرکنگبین صفرا فزود» و خود شورای نگهبان با اتکای به قدرت ولایت مطلقه رهبری بزرگترین دخالت کننده در انتخابات شد و نسبت به یکایک کاندیداها اظهار نظر می کند؛ و به جای نظارت بر اصل انتخابات و کیفیت وقوع آن، کاندیداها را جرح و تعدیل می نمایند و افراد خاصی را معین می کنند بدون این که نسبت به اعتراضات پاسخگو باشند، و مردم ناچارند از بین آن افراد انتخاب نمایند، و به اصطلاح انتخابات دو مرحله ای می شود و نظارت استصوابی خواهد بود، و با صرف میلیاردها تومان از بیت المال انتخابات را برحسب سلیقه خود انجام می دهند. و بسا هنگام خواندن آراء برخی صندوقها را ابطال و کاندیداها را بالا و پایین می برند. اینها همه برخلاف روح قانون اساسی است که هدفش آزادی مردم در انتخاب کاندیداها می باشد.

تعیین شرایط کاندیداها اصولاً با مجلس شورای اسلامی و تشخیص آنها از وظایف وزارت کشور است و ربطی به شورای نگهبان ندارد، و به علاوه مردم هر منطقه ای نسبت به کاندیداها محل خود شناخت بیشتری دارند، و عقل جمعی ملت نسبت به عقل فردی افراد شورا کمتر خطا می کند.

اینجانب مخالف شورای نگهبان نیستم بلکه وجود آن را برای نظارت بر قوانین مصوب مجلس شورا لازم و ضروری می دانم، و فقهای آن از دوستان قدیمی

اینجانب می‌باشند؛ ولی چون دخالت آن شورا در انتخابات را برخلاف مصلحت کشور و روح قانون اساسی می‌بینم وظیفه خود می‌دانم که اطلاعات خود را در این رابطه برای برادران و خواهران ابراز نمایم.

جای تأسف است که این روش شورای نگهبان در رابطه با انتخابات سبب شده شورا قداست مردمی خویش را از دست بدهد و به عنوان یک نهاد مستبد و خودمحمور تلقی گردد؛ و چنین وانمود شود که شورا، مردم و نخبگان جامعه را بی‌دین و یا جاهل و خود را قیّم آنان می‌پندارد. از طرف دیگر روش سیاسی این شورا در سالهای اخیر به نحوی بوده که تلقی برخورد خطی و جناحی شده است. اگر هم قرار باشد شورای نگهبان مسئول تشخیص صلاحیت کاندیداها باشد، باید از همه جناحهای سیاسی و تفکرهای گوناگون مذهبی در این شورا عضویت داشته باشند.

نکته پنجم: علت طرح مسأله «ولایت فقیه» در مجلس خبرگان قانون اساسی - علی‌رغم عدم درج آن در پیش‌نویس قانون اساسی که به دستور آیت‌الله خمینی رحمته‌الله علیه تدوین و به تأیید معظم‌له رسیده بود - تحفظ بر اداره کشور بر اساس موازین اسلامی بود؛ زیرا دستورات دین مقدس اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست، و نسبت به مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جزائی و حاکمیت و شرایط حاکم و روش او نیز اسلام هرچند به طور کلی دستور و برنامه دارد، و فقیه کارشناس و متخصص مسائل اسلامی می‌باشد، پس برای اسلامیت نظام ناچاریم فقیه بر قوانین و روند اداره کشور - از نظر مطابقت با موازین اسلامی - نظارت داشته باشد، و این‌که گفته می‌شود: «سیاست از دین جداست» قابل قبول نمی‌باشد.

و هرچند در صدر اسلام کشور اسلامی تحت اختیار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اداره می‌شد، ولی سیاست آن روزگار بسیار بسیط و ساده بود و آن حضرت هم معصوم بودند؛ اما در جهان پیچیده امروز با نیاز به تخصص‌های گوناگون نمی‌توان کشور را در اختیار یک فرد آن هم غیر معصوم و غیر پاسخگو قرار داد.

محقق بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی طاب‌ثراه در حاشیه مکاسب (ص ۲۱۴) فرموده است: «فقیه از آن جهت که فقیه است فقط در استنباط احکام شرعی اهل نظر است نه سایر اموری که مربوط است به اداره امور بلاد و حفظ مرزها و تدبیر شئون دفاع و جهاد و امثال اینها، پس معنا ندارد که این‌گونه امور به فقیه واگذار شود.»

نکته ششم: هرچند خود اینجانب در تدوین قانون اساسی اول نقش بسیاری داشتم ولی اولاً: در آن زمان موقعیت خاص و نفوذ معنوی آیت‌الله خمینی علیه السلام به عنوان مرجع عام و رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی مطرح بود، و با توجه به مظالم و جنایات رژیم سابق و سوءاستفاده‌های آنان از قدرت همه سعی می‌کردیم اهرمهای قدرت کشور در اختیار معظم‌له قرار گیرد تا مبادا از آنها سوءاستفاده شود و شأن ایشان را نیز بالاتر از ریاست قوه مجریه می‌پنداشتیم، و در نتیجه تضاد موجود در قانون اساسی به وجود آمد و رهبری با داشتن اختیارات خاصی از ریاست جمهوری تفکیک شد، و ما هم سابقه و تجربه قانونگذاری نداشتیم، لیکن امروز در اثر تجربه متوجه این تضاد شده‌ایم.

و ثانیاً: «ولایت مطلقه» در قانون اساسی اول مطرح نبود ولی در اواخر عمر معظم‌له از ناحیه ایشان دستور بازنگری قانون اساسی صادر گردید، و در روزهای مصادف با رحلت ایشان کلمه «مطلقه» بر ولایت فقیه اضافه شد، و جمع بسیاری از جمله اینجانب به آن رأی ندادیم. لیکن آقایان بر آن اصرار دارند و در نتیجه در همه کارها دخالت می‌کنند بدون این‌که پاسخگو باشند، و از این طریق رئیس قوه مجریه را خلع سلاح کرده‌اند.

خداوند در سوره شوری در توصیف مؤمنین فرموده است: ﴿و امرهم شوری بینهم﴾ (امور آنان با مشورت بین خودشان انجام می‌شود). و در سوره آل‌عمران در خطاب به پیامبر عظیم‌الشأن خود - با مقام عصمتی که داشت - فرموده است:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (ای پیامبر در امور با آنان مشورت کن). که «امر» در اصطلاح قرآن و سنت به معنای امور عام اجتماعی و سیاسی است. آن حضرت با این که معصوم بودند در کارهای مهم سیاسی با اصحاب خود مشورت می کردند و بعضاً برخلاف نظر خود به نظر آنان عمل می نمودند، و هیچ گاه مستبدانه عمل نمی کردند. «ولایت مطلقه» مخصوص خداوند بزرگی است که مالک و خالق همه ما می باشد. و در قرآن کریم در سوره یوسف می خوانیم: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (حاکمیت - بدون قید و شرط - مخصوص خداوند است). و غیر خداوند حتی پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام همگی موظف بودند اوامر و احکام خداوند را اجرا نمایند، و ولایت آنان در محدوده اجرای احکام الهی بوده است. ولایت مطلقه فرد غیر معصوم چه بسا موجب استبداد او در کارها می شود، و ممکن است او را به دخالت و اعمال نظر در آنچه اهلش نیست وادارد، که قهراً زیانهای بسیاری را برای کشور و مردم به دنبال خواهد داشت.

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام - با اینکه ما آن حضرت را معصوم از گناه و خطا می دانیم - فرموده است: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله من نفسي ما هو أملك به مني» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) (از گفتار حق و مشورت عادلانه دست برندارید، زیرا من - بر حسب ذات - فوق خطا نیستم و از آن در کار خویش ایمن نمی باشم مگر این که خدا کفایت کند مرا نسبت به آنچه از من توانا تر است) تکلیف من و شما صد درصد روشن می شود.

پس چرا آقایان از انتقادهای مردم می رنجند و بسا افراد را تحت تعقیب قرار می دهند؟!

اینجانب که در سالیان متمادی قبل و بعد از انقلاب با مسئولین بلندپایه نظام در کنار هم بودیم دوستانه تذکر می دهم که روشهای تند و خشونت آمیز شما و وابستگان شما که چه بسا به حساب اسلام عزیز انجام می شود روز به روز فاصله بین شما و مردم را بیشتر می کند و طبعاً مردم از روحانیون و نظام اسلامی جدا می شوند. و همان گونه

که در رژیم سابق اعمال وابستگان به شاه به حساب او گذاشته می شد، اعمال نهادها و ارگانهای مختلف نیز به حساب مقام بالا ثبت می شوند. پس بجاست تا دیر نشده در روشها تجدید نظر شود، زیرا ضرر را از هر جا برگردیم به نفع است.

نکته هفتم: قانون اساسی کشور هرچند خوب تنظیم شده باشد بالاخره محصول افکار یک عده از آقایان غیرمعصوم می باشد، پس وحی منزل و غیرقابل تغییر نمی باشد؛ و مرحوم آیت الله خمینی علیه السلام هنگام ورود به کشور در بهشت زهرا فرمودند: «پدران ما چه حقی داشتند نسبت به سرنوشت ما تصمیم بگیرند؟» هر نسلی حق دارد نسبت به روند سیاسی کشور اظهار نظر کند.

لذا اینجانب به عنوان یک شهروند حق دارم نسبت به آینده کشور نظر خویش را ابراز نمایم، هرچند تصمیم جدی با مجموعه نخبگان و متخصصین متعهد می باشد. توجه دارید که اکثریت قاطع مردم ایران مسلمانند و حاکمیت سالم حاکمیت مردم کشور است، و در نتیجه نوع حکومت «جمهوری اسلامی» خواهد بود، یعنی حاکمیت بر اساس آراء طبقات جامعه با رعایت موازین اسلامی، و به تعبیر دیگر «مردم سالاری دینی».

اینک سه راه برای تحقق این معنا پیشنهاد می شود:

۱- با انتخابات مردمی و آزاد بدون این که شورای نگهبان یا قدرت دیگری دخالت نماید مجلسی از نمایندگان منتخب همه اقشار و طبقات جامعه تشکیل شود و این مجلس علاوه بر تصویب قوانین بر اساس موازین اسلامی برای مدیریت کشور در مرحله اجرا فردی صالح و لایق را برای مدت معینی انتخاب نماید و اهرمهای قدرت را در اختیار او قرار دهد، و او با نظر مجلس که نمایندگان ملت می باشند وزرا و کارگزاران خویش را تعیین و در برابر مجلس پاسخگو باشد؛ و نیز این مجلس برای رعایت اسلامیت قوانین مصوبه و عدم تخلف از موازین اسلامی از بین فقها و مراجع صالح وقت، فردی صالح بلکه اصلح و اعلم آنها و یا شورایی از آنان را برای مدتی

معین انتخاب نماید که وظیفه آنان نظارت بر قوانین مصوبه و روند اداره کشور از نظر مطابقت با موازین اسلامی باشد، بدون این که در کارهایی که در تخصص آنان نیست دخالت نمایند.

و اگر فردی واجد هر دو صلاحیت باشد یعنی هم فقیه و هم مدیر باشد، مجلس می تواند او را برای هر دو منصب برای مدت معینی انتخاب نماید. با این روش مردم از تکثیر انتخابات و هدر دادن نیروها و اموال زیاد نجات می یابند.

۲- راه دوم این که علاوه بر انتخابات مجلس در صورت امکان فردی که هم فقیه صالح و هم مدیر لایقی است از ناحیه خود مردم با انتخابات سالم و آزاد به طور مستقیم برای مدت معینی برای تصدی هر دو منصب انتخاب شود و او در برابر مردم و نمایندگان آنان پاسخگو باشد.

۳- راه سوم که بسا با روش جهان امروز مناسب تر باشد تفکیک قوای سه گانه کشور است، بدین گونه که حوزه های افتاء و اجراء و قضاء در حاکمیت اسلامی از یکدیگر جدا شوند و هر یک از آنها استقلال داشته باشد و متصدیان آنها برای مدتی محدود به طور مستقیم از ناحیه مردم و یا غیرمستقیم از ناحیه مجلس شورا انتخاب شوند و در برابر مردم پاسخگو باشند. در این فرض، متصدی حوزه اجراء - رئیس جمهور - لازم نیست فقیه باشد، و از اختیارات کافی برخوردار است. و متصدی حوزه قضاء در محدوده خود مستقل، و متصدی حوزه افتاء بر قوانین مصوبه و روند اداره کشور از نظر مطابقت با موازین اسلامی نظارت دارد.

نکته هشتم: مطالب این بیانیه را کسی نوشته است که ادعای تخصص در مسائل سیاسی ندارد ولی نسبت به آنها بی اطلاع هم نبوده است، و همواره پیش از انقلاب و پس از انقلاب با بنیانگذار جمهوری اسلامی همراه بوده و در مراحل مختلف در تقویت ایشان کوشا بوده، و با این که ایشان را فقیه، متعهد، آگاه و شجاع و فداکار در راه اسلام و حق می دانسته هیچ گاه معصوم از خطا نمی دانسته و به ایشان در مسائل گوناگون تذکر می داده است، و در مسیر انقلاب سالها متحمل زندان و تبعید و شکنجه

شده است و هدفی جز خدمت به اسلام و کشور نداشته است. و در راه انجام وظیفه به قدر توان کوشیده است، نه طمع داشته نه ترس و نه اهل سازش و مجامله بوده، هرگز طالب پست و مقامی نبوده است، زیرا توجه داشته که این پست و مقامها گذراست و جز مسئولیت سنگین خاصیتی ندارد مگر این که به فرمودهٔ مولا علی ع انسان بتواند در پرتو آن حقی را به پا دارد و یا از باطلی جلوگیری نماید. و در برابر اتهامات و یاوه‌گویی‌ها و تصرف ناروا در اموال او، و سالها حصر خانگی و حرمان از درس و بحث هیچ‌گاه عکس‌العمل نشان نداده و حساب همه را به یوم‌الحساب واگذار کرده، ولی از انحطاط فرهنگی و اخلاقی یاوه‌گویان که بدون تحقیق و تفحص سخن می‌گویند رنج برده است.

اینک من مانند آفتاب لب بام می‌باشم و از کسانی که بسا از ناحیهٔ من بی‌احترامی نسبت به آنان انجام شده معذرت می‌خواهم.

از خداوند متعال عزت و عظمت اسلام و ملت بزرگ ایران را مسألت دارم.
والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۱۳۸۴/۴/۱۱

حسینعلی منتظری

پیام در رابطه با انفجارات لندن

۱۳۸۴/۴/۲۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

مردم آزاده جهان - پس از سلام و تحیت:

انفجاراتی که پیوسته در کشورهای عراق و افغانستان و یمن و اسپانیا و کنیا و سایر کشورها و اخیراً در شهر لندن انجام شده و موجب کشته و زخمی شدن بسیاری از انسانهای بی‌گناه شده است به طور قطع با هیچ منطق انسانی و با هیچ دین و آیین آسمانی سازگار نیست و مورد انزجار و نفرت هر انسان با وجدان و منصف قرار می‌گیرد. این که صدها زن و مرد و کودک بی‌گناه هدف خشم و کینه عده‌ای از خدا بی‌خبر واقع و ناجوانمردانه به خاک و خون کشیده شوند، از صحنه‌های تلخ تاریخ بشریت است که متأسفانه در طول تاریخ بارها تکرار شده است.

از این مصیبت تأسف‌بارتر این که این جنایات هولناک به نام اسلام عزیز - دین رحمت و عطف - انجام می‌شود. و در اثر آنها امروز جهان اسلام در معرض اتهامی بزرگ قرار گرفته است و افراد و گروههایی که روزگاری آلت دست بعضی قدرتها بودند با سوءاستفاده از مقدسات اسلام، چهره این دین را - که پیامبرش در قرآن ﴿رحمة للعالمین﴾ (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷) معرفی شده و یکصد و سیزده سوره قرآن با ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ شروع گردیده است - به صورت یک دین خشن و خونریز معرفی می‌کنند.

اینجانب همان‌گونه که کراراً یادآور شده‌ام اکنون نیز رسماً اعلام می‌کنم: اسلام با این‌گونه خشونت‌ها و کشتارهای وحشیانه صددرصد مخالف است و عموم

مسلمانان جهان از این جنایات متنفر و بیزار می‌باشند. اساساً در اسلام ترور محکوم است، و بر اساس حدیثی معتبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن با صراحت نهی کرده‌اند: «نهی رسول الله عن الفتک» و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «الاسلام قید الفتک». (کافی، ج ۷، ص ۳۷۵). کرامت همه انسانها مورد تأکید قرآن و پیشوایان اسلام قرار گرفته است؛ در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾ (سوره اسراء، آیه ۷۰). و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هنگام گماردن مالک‌اشتر به حکومت مصر بر حقوق هموعان غیرمسلمان در حکومت اسلامی نیز تأکید کرده و فرموده است: «وَأشعر قلبک الرحمة للرعیة، والمحبة لهم واللطف بهم... فانهم صنفان: اماخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» رحمت و محبت و لطف نسبت به مردم را در عمق دل خود قرار بده، زیرا مردم یا هم‌کیش تو هستند و یا هم‌نوع تو. (نهج‌البلاغه، عبده، نامه ۵۳).

اینجانب به ملت انگلستان و سایر ملت‌ها یادآور می‌شوم مبادا در دامی گرفتار شوند که دشمنان اسلام برای تخریب چهره واقعی اسلام و مسلمانان و ایجاد فشار بر مسلمانان ساکن اروپا و آمریکا درست کرده‌اند، و این جنایات را به نام اسلام و مسلمانان تلقی نمایند. ﴿وَلَا یَجْرِمَنَّكُمْ شَتَّانِ قَوْمِ عَلٰی اَنْ لَا تَعْدِلُوا، اَعْدِلُوا هُوَ اقرب للتعوی﴾ (سوره مائده، آیه ۸) «مبادا پستی و دنائت گروهی شما را به بی‌عدالتی سوق دهد؛ عدالت پیشه کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک‌تر است». نباید جنایات گروهی مشکوک موجب خروج از مرز عدالت در مورد دیگران شود؛ همان‌گونه که ما مسلمانان جنایات برخی از حاکمان مسیحی در طول تاریخ را نسبت به مسلمانان و انسانهای بی‌گناه، یا جنایات صهیونیست‌ها نسبت به زنان و کودکان فلسطینی را به حساب ادیان مسیحیت و یهود نمی‌گذاریم و این دو دین آسمانی و پیروان آنها را از این جنایات مبرا می‌دانیم، انتظار نداریم پیروان این ادیان رفتار عده‌ای کج‌اندیش و جنایتکار را به نام اسلام تلقی کنند و مسلمانان بی‌گناه را هدف انتقام خود قرار دهند. با وضعیت ناگواری که امروزه تروریسم پیش آورده است و هر روز بی‌گناهی‌ها را در عراق و افغانستان و آمریکا و اروپا و سایر مناطق به خاک و خون می‌کشد و

ضربه‌های پی‌درپی بر چهرهٔ اسلام وارد می‌سازد، انتظار می‌رود علمای اعلام و نخبگان کشورها و سازمان کنفرانس اسلامی چاره‌ای بیندیشند و به صرف محکوم کردن لفظی قناعت نکنند. و مهمتر از هر اقدامی باید با یک حرکت عمیق، ریشه‌های تفکری که اسلام و سایر ادیان الهی را ابزار خشونت و پایمال کردن حقوق انسانی معرفی می‌کند خشکانند، و ادیان آسمانی را از این قرائت انحرافی که مثنی جاهل یا مزدور به آن تمسک می‌کنند نجات داد.

اینجانب ضمن همدردی با خانواده‌هایی که در اثر این‌گونه اعمال تروریستی عزیزان خود را از دست داده‌اند از خداوند قادر متعال برای همهٔ ملت‌های جهان صلح و آرامش و امنیت و همبستگی را مسألت می‌نمایم.

۴ جمادی‌الثانیة ۱۴۲۶ - ۱۳۸۴/۴/۲۰

قم‌المقدسة - حسینعلی منتظری

نامه به آقای اکبر گنجی جهت پایان دادن به اعتصاب غذا در زندان

۱۳۸۴/۴/۲۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

زندان اوین - برادر ارجمند جناب آقای اکبر گنجی دامت توفیقاته
پس از سلام و تحیت، اینجانب شدیداً نگران وضعیت جسمانی شما هستم، زیرا
اگر اعتصاب غذای شما به فاجعه‌ای منتهی شود دوست و دشمن دچار خسران می‌گردند.
در زندان اوین رژیم گذشته من خود شاهد صحنه‌ای بودم که بسیار متعجب گشتم.
روزی بازجو از غندی آمد و عباس اشراقی را - که از مجاهدین خلق و محکوم به
حبس ابد و مبتلا به بیماری صرع بود - با خود برد. از او پرسیدم با اشراقی چه کردید؟
جواب داد آزادش کردیم تا مبادا مشکلی پیش آید و باعث آبروریزی شود؛ ولی
متأسفانه امروزه در جمهوری اسلامی مسئولین امور با همه ادعاهایشان متوجه
عواقب و پیامدهای اعمال خودسرانه و غیراصولی خود نیستند و صراحتاً و بدون
هیچ‌گونه پروا با وقاحت تمام اعلام می‌دارند که: «خیلی‌ها در زندان می‌میرند».
اینجانب دردمندان و مصرّانه درخواست حضرات آقایان دکتر سروش، مهندس
سحابی، حجة الاسلام کدیور، سعید حجاریان و علوی تبار را تأیید و تأکید می‌کنم و
پدرانه از شما می‌خواهم به اعتصاب غذای خود خاتمه داده و نگرانی دوستان و
خانواده محترمتان را پایان بخشید و با صبر انقلابی خود اجر اخروی را برای خود و
نگ را برای دشمنان آزادی فراهم آورید. ﴿إِنَّمَا يَوْفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.
والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

۱۳۸۴/۴/۲۵

حسینعلی منتظری

اظهار تأسف نسبت به برخورد با بیت مرحوم آیت الله العظمی شیرازی

۱۳۸۴/۵/۲۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

خدمت فقیه عالیقدر و مرجع بزرگوار جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی منتظری

ادام الله ظلّه الوارف

پس از سلام و آرزوی طول عمر برای آن فقیه و بت شکن مجاهد.

همانگونه که مستحضرید مأموران اطلاعاتی حکومت ایران سه شنبه شب سوّم رجب المرجب همزمان با شام غربیان حضرت امام هادی علیه السلام، در حالی که دختران علویّه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی اعلی الله مقامه در حال قرائت فاتحه بر مزار ایشان در حرم حضرت معصومه علیها السلام بودند، به آنان حمله نموده و پس از ضرب و شتم، آنان را به بازداشتگاه منتقل کردند، و شب را در زندان و در حین بازجویی به آنان توهین و جسارت نموده و آنان را کتک زدند، به طوری که یکی از علویه ها که حامله بود دچار خونریزی شد و دیگری دچار شکستگی ساق شد. این حادثه تأسف و خشم بسیاری از شیعیان در خارج از ایران را برانگیخته و خواهان معرفی و مجازات عوامل این حادثه و این هتک حرمت به ساحت مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و حریم مرجعیت و دختران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شدند. استدعا داریم نظر حضرت تعالی را در مورد این حادثه تأسف آور جویا شویم.

با آرزوی موفقیت و طول عمر برای مرجع عظیم الشان.

جمعی از مقلدین فقیه عالیقدر و جمع کثیری از شیعیان بحرین

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

پس از سلام و تحیت، عمل زشت و غیر عادلانه‌ای را که مأمورین نسبت به فرزندان و بیت مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی -اعلی‌الله مقامه- در حرم کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام انجام دادند علاوه بر این که عملاً هتک حریم آن حضرت و بیت روحانیت و مرجعیت شیعه و اهانت به ذراری رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و شکستن آزادیها بود مخالف شرع مقدس اسلام و مصالح عالیه کشور نیز می‌باشد، و هر منصف عاقلی آن را محکوم می‌نماید.

متأسفانه در کشور ما این قبیل برخوردهای غیرعقلانه و تند زیاد اتفاق می‌افتد، و در برابر اعتراضات گوش شنوایی وجود ندارد. و از همه بدتر این که متصدیان این قبیل امور تند و خشن خود را مجریان عدالت و موازین اسلامی می‌پندارند. امید است از ناحیه خداوند کریم و رحیم روحیه انعطاف و توجه کامل به حقوق همه طبقات ملت در مسئولین پدید آید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۵/۲۳

حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت حادثه دلخراش کاظمین

۱۳۸۴/۶/۱۰

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين * الذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إنا لله و إنا الیه راجعون * اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم المهتدون﴾. (سوره بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷)

فاجعه هولناک و دلخراشی را که در روز شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در شهر کاظمین عراق در اثر حمله های خمپاره ای دشمنان و ایجاد رعب و وحشت بین عزاداران آن حضرت و خراب شدن نرده های پل اتفاق افتاد، و شهادت بیش از هزار نفر از مردم بی گناه و مجروح شدن جمع بسیاری را در پی داشت، هر انسان با وجدان از هر دین و مذهب که باشد محکوم می نماید. نظیر این فاجعه را در سال گذشته نیز در حرم کاظمین و شهرهای مقدس کربلا و نجف ایجاد نمودند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و به حوزه های علمیه و مراجع عظام و علمای اعلام و مردم ستمدیده عراق و همه بازماندگان این عزیزان و به همه مردم آزاده جهان تسلیت می گویم. و برای همه این عزیزان رحمت واسعة الهی و حشر با ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین و برای همه بازماندگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل از خدای کریم و منان مسألت می نمایم.

و به مردم عراق از شیعه و سنی و کرد و اقلیت های دینی تذکر می دهم که هدف پدید آورندگان این گونه حوادث ناگوار و غیرانسانی برهم زدن امنیت کشور عراق و

اتحاد ملی و همبستگی مردم این کشور است. پس بر همه طبقات لازم است با هوشیاری کامل اهداف دشمنان را خنثی نمایند و با کنار گذاشتن حبّ و بغض‌های شخصی و قومی و رعایت مصلحت عامه کشور و مردم در تقویت دولت و تحکیم آن و رأی دادن به قانون اساسی که نخبگان مردم عراق تنظیم نموده‌اند هماهنگ شوند. البته غیر از کلام خدا و آموزه‌های وحیانی همه افکار انسانی ممکن است نواقصی داشته باشند که در آینده اصلاح شود.

امور دنیا تدریجی است، و تأخیر آفاتی را در پی دارد، و تفرقه و اختلاف موجب بهانه اشغالگران خارجی خواهد بود. بجاست این بهانه از آنان گرفته شود، و آنان نیز اداره کشور عراق را به مردم واگذار نمایند و هرچه زودتر خاک آن کشور را رها کنند؛ که صد درصد به نفع کشورهای آنان می‌باشد.

از خداوند متعال استقلال کشورهای اسلامی و بیداری ملت‌های جهان را مسألت

می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۲۶ رجب ۱۴۲۶ - ۱۳۸۴/۶/۱۰

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

نامه خطاب به همسر آقای اکبر گنجی

۱۳۸۴/۸/۶

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

خواهر ارجمند خانم معصومه شفیعی دام توفیقها

پس از سلام و آرزوی قبولی طاعات و اظهار همدردی؛ نامه مورخه ۱۳۸۴/۸/۴

شما را در مورد همسر مظلومتان آقای اکبر گنجی خوانده و بسیار متأثر شدم.

انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی برای این بود که ارزشهای اسلامی محقق گردد و از ظلم و تجاوز اجتناب شود، ولی متأسفانه اینگونه عمل نشد. اینجانب بارها اعلام کرده‌ام که در صدر اسلام هیچ‌گونه زندانی سیاسی وجود نداشت و زندانی نمودن افراد به اتهامات سیاسی، ظلمی است فاحش؛ و اگر به نام اسلام انجام شود بدعت و خلاف شرع می‌باشد.

اینجانب به عنوان کسی که در پیروزی انقلاب نقش داشته از ظلمی که به شما و امثال شما در این جمهوری می‌شود احساس شرمندگی می‌کنم.

امیدوارم در این ماه مبارک رمضان تحوّل در مسئولین امر پیدا شده و در کارهای خود تجدیدنظر نمایند و بیش از این اجازه ندهند با زندانیان دربند اینگونه ظلم و ستم شود، و از قرار دادن خود و دیگران در معرض هلاکت پرهیز نمایند. ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۸/۶

حسینعلی منتظری

« ۱۰۶ »

پاسخ به سؤالات سایت روز

۱۳۸۴/۸/۲۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضور محترم حضرت آیت الله منتظری

با سلام و سپاس فراوان از وقتی که در اختیار سایت روز قرار می دهید.

با سپاس و احترامات فائقه: مریم کاشانی

[اصول انقلاب]

۱- حضرت آیت الله، شما از بنیانگذاران جمهوری اسلامی هستید. از «جمهوری اسلامی» چه

تصوری در ذهن داشتید؟

با سلام و تحیت؛ هدف ما از انقلاب و تحکیم نظام جمهوری اسلامی این بود که قوانین اسلام و ارزشهای اخلاقی نظیر عدالت در تمام سطوح حاکم گردد و حقوق همه افراد و اقشار-صرف نظر از عقیده و ایمان آنان- تأمین شود و محرومیت و ظلم از طبقه ضعیف جامعه مرتفع گردد؛ زمینه شکوفایی استعدادها فراهم آید و جامعه در عرصه دین و دنیا اعتلا یابد و کشورمان از این جهت به عنوان نمونه و الگویی از حاکمیت اسلامی برای سایر کشورها و ملت ها قرار گیرد.

۲- در نگاهی به سالهای اول انقلاب، برخی معتقدند از همان هنگام که گذاشتیم «اصول» در

ارتباط با دشمنان انقلاب نادیده گرفته شود، زمینه را برای زیر پا گذاشتن «اصول» در ارتباط با

دوستان انقلاب فراهم آوردیم. نظر شما چیست؟

مطلب درستی است. قرآن کریم نیز بر آن تأکید کرده است و در سوره مائده آیه ۸ می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَنْ لَا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لَلتَّقْوٰی﴾ «دشمنی با قومی شما را وادار به عدم مراعات عدالت با آنان نکند، همگی عدالت را به پادارید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.»

لزوم اجرای عدالت منحصر به دوستان و هم‌کیشان نیست؛ بلکه شامل مخالفان سیاسی و مذهبی نیز می‌گردد؛ مرحوم آیت‌الله خمینی نیز به آن توصیه می‌نمودند. ولی متأسفانه بسیاری از تندروها و تضييع حقوق حتی به نام ایشان انجام گرفت و چهره ایشان را در معرض سؤال قرار داد. اینجانب بر همین اساس در سالهای اول انقلاب تذکراتی به مسئولین ذی‌ربط می‌دادم که بعضاً خوشایند آنان نبود و چه بسا نزد مرحوم آیت‌الله خمینی وانمود می‌شد که آنان را تضعیف می‌کنم؛ اما من همواره احساس می‌کردم در اثر برخوردهای تند، ارزشهای اصولی‌ای که برای آنها انقلاب شد در شرف نادیده گرفتن و از بین رفتن می‌باشد.

[نیروهای طرفدار انقلاب]

۳- به نظر شما عمده‌ترین نیروهایی که در راه آمال انقلاب اسلامی ایستادند کدام بودند؟

نیروهای طرفدار انقلاب و آمال آن در سراسر کشور زیاد بودند و هر کدام در جایگاه خود خدمت می‌کردند؛ ولی کسانی را که از هستی و راحتی خود گذشته و زندگی خود را در راه خدا و دفاع از انقلاب و کشور فدا کردند و در این راه به شهادت رسیدند یا سلامتی و یا آزادی خود را از دست دادند، می‌توان از مقاوم‌ترین و فداکارترین نیروهای انقلاب به حساب آورد. همچنین است خانواده‌هایی که در این راه بهترین عزیزان و ثمرات زندگی خود را فدا کردند و درد فراق و هجران آنان را به خاطر خدا تحمل نمودند.

[اولین انحراف در اصول انقلاب]

۴- اولین انحرافات و مهمترین انحرافات از نظامی که مورد نظر شما بود، از کی و در چه

مصادقهایی آغاز شد؟

اجمالاً بروز اولین انحراف از تندرویهایی آغاز شد که در دادگاههای انقلاب توسط افراد احساساتی و تند اعمال گردید و متأسفانه بسیاری از قضات شرع را تحت تأثیر قرار دادند و از سوی آنها احکام بیجایی درباره اعدام و مصادره اموال صادر شد. در این باره در کتاب خاطرات مطالبی را آورده‌ام.

البته بخشی از تندرویهای سالهای اول انقلاب، معلول شرایط انقلاب و در واکنش به مظالمی بود که در رژیم گذشته صورت گرفته بود؛ اما تدبیر صحیح و عدالت مورد سفارش قرآن اقتضا می‌کرد که مسئولین کشور با نظارت دقیق‌تر بر جریان امور با تندرویها برخورد و از تضییع حقوق افراد جلوگیری کنند.

یکی دیگر از انحرافات عمده، مطلق‌گرایی و تصویب مطلق اندیشه و گفتار و کردار برخی شخصیت‌های انقلاب بود که عرصه را برای ابراز هرگونه فکر دیگری به شدت تنگ نمود و باب نقد و بررسی را مسدود کرد.

۵- اولین حادثه‌ای که شما را در موضع پرسش نسبت به روند جریانات قرار داد کدام بود؟

همان‌گونه که در پاسخ پرسش سوم اشاره کردم اعدامها و مصادره‌های بیجا که توسط دادگاه انقلاب انجام می‌شد و نیز رفتار غیرعادلانه بسیاری از بازجوها با متهمان و زندانیان جزو اولین چیزهایی بود که مرا نسبت به جریان امور کشور حساس نمود و سرانجام احساس وظیفه شرعی و عقلی کرده و اقداماتی را انجام دادم، که از آن جمله اعزام نمایندگان ویژه به داخل زندانها جهت کسب اطلاعات دقیق و برخورد با متخلفین و نیز تشکیل دادگاه عالی انقلاب و هیئت عفو زندانیان بود. دادگاه عالی انقلاب را که با هماهنگی مرحوم آیت‌الله خمینی تشکیل دادم موجب نجات جان هزاران انسان گردید که به ناحق محکوم به اعدام شده بودند، و حکم آنان توسط این دادگاه نقض شد.

۶- برخی معتقدند عوامل و افرادی بین شما و حضرت آیت‌الله خمینی ایستادند که بعدها «میوه‌چین انقلاب» شدند. نظر شما در این مورد چیست؟

من نمی‌خواهم از افراد خاصی نام ببرم؛ اما به طور اجمال عوامل و جریانی بخصوص در وزارت اطلاعات در این میان تفتین می‌کردند و گزارشات غیر واقعی را در مورد من و بیت اینجانب به آیت‌الله خمینی می‌دادند تا بتوانند ذهنیتی را برای ایشان درست کنند و به مقاصد خود برسند و متأسفانه به آن موفق شدند.

۷- برای همسر آقای گنجی نوشته‌اید از آنچه بر این خانواده می‌رود احساس شرمندگی می‌کنید. مهمترین انتقادی که به شخص خودتان در ارتباط با مجموعه جریانات انقلاب وارد می‌دانید و بابت آن احساس ناخوشایندی دارید چیست؟

اینجانب خود را مبرا از عیب و ایراد نمی‌دانم و از انتقاد منصفانه دیگران نسبت به خود استقبال می‌کنم و در نوشته‌ها و مصاحبه‌ها این موضوع را به دفعات یادآور شده‌ام. و در رابطه با مجموعه جریانات انقلاب انتقاداتی را بر خود وارد می‌دانم که بیان آنها در این مختصر نمی‌گنجد و شاید در فرصت دیگری در اختیار همگان قرار داده شود.

هیچ یک از ما معصوم نیستیم؛ از رسول خدا ﷺ نقل شده: «کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون» همه اولاد آدم خطا کارند، و بهترین خطا کاران توبه کنندگان می‌باشند.

[دستاوردهای انقلاب]

۸- امروز از آنچه شما به عنوان «انقلاب اسلامی» می‌شناختید و بدان باور داشتید چه باقی مانده است؟

۹- امروز از آنچه شما به عنوان «جمهوری اسلامی» می‌شناختید و آرزو مند آن بودید چه باقی مانده است؟

دور از انصاف است اگر بخواهیم کارهای خوب بسیاری را که بعد از انقلاب برای مردم شده و خدمات فراوانی که توسط افراد دلسوز و مخلص برای پیشرفت کشور انجام گرفته است نادیده بگیریم؛ اما آنچه به مردم وعده آن را می دادیم و برای آن انقلاب کردیم اهداف بالاتر و ارزشمندتری بود که متأسفانه به آنها نرسیدیم. با این همه به گمان من هنوز دیر نشده است؛ چنانچه مسئولین بالا و تصمیم گیرنده بخواهند، می توانند مسیر گذشته را اصلاح کرده و بسیاری از حقوق تضییع شده را جبران نمایند.

[جریان واپس‌گرا و تحجّر]

۱۰- نظر شما درباره «جریان واپس‌گرا و تحجّر» چیست؟ مصداق آن کدام است؟

جریان واپس‌گرا و تحجّر در هر زمان بوده است. معمولاً عموم افراد، قدرت تعمق و تحقیق در مسائل فکری و مذهبی و تشخیص حق و باطل را ندارند و بعضاً در مسائل فکری به جزم اندیشی و مطلق‌انگاری و تعصب روی می آورند و طبعاً در این میان عده‌ای قشری و ظاهریین می شوند؛ و ضرر این‌گونه افراد کمتر از دشمنان آگاه نیست. حضرت امیر علیه السلام توسط همین افراد به شهادت رسید و سایر ائمه اطهار علیهم السلام نیز معمولاً گرفتار همین افراد بودند، و حکومت‌های غاصب هم از این‌گونه افراد برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند.

تشخیص مصداق جریان فوق در هر زمان با چارچوبهای محکم و شفاف عقلی و موازین بین و آشکار شرعی برای اهل نظر که رسالت هدایت جامعه را دارند امکان پذیر است، مصداق آن در مسائل گوناگون مختلف است.

[پرونده هسته‌ای ایران]

۱۱- نظر شما درباره پرونده هسته‌ای ایران چیست؟

به دست آوردن انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح جویانه و عام‌المنفعة حق هر

ملتی است و انحصار آن در حوزه قدرتهای بزرگ موجب تضییع حقوق ملت‌های ضعیف می‌باشد.

[حقوق بشر در ایران]

۱۲- نظر شما درباره‌ی وضع حقوق بشر در ایران چیست؟

حبس افرادی که در سالهای اخیر به خاطر اظهار نظر یا انتقاد از حاکمیت به زندان رفته و یا به دیگر محرومیت‌های اجتماعی محکوم شده‌اند، و نیز برخورد با اهل قلم و اندیشه و با روزنامه‌های غیر وابسته به حاکمیت از بهترین نمونه‌های وضع اسفبار حقوق بشر در ایران است. در زمان پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ع هیچ زندانی سیاسی وجود نداشت و افراد را برای افکارشان و اظهار آنها محاکمه و زندانی نمی‌کردند.

[وظایف مسلمانان]

۱۳- با توجه به شرایط امروز ایران، چه اعمالی بر مسلمانان «واجب» است و چه اعمالی از دید شما «حرام» تلقی می‌شود؟

گرچه مسائل و مصادیق سیاسی قابل تقلید نیست و هرکس باید براساس تحقیق و تشخیص خود عمل کند، اما به طور کلی امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده و متناسب با شرایط زمان و مکان وظیفه شرعی و عقلی هر مسلمان است، و سکوت در برابر مظالم و تجاوزات به حقوق انسانها در صورتی که به نوعی تأیید و تقویت آنها به شمار آید حرام است.

[اصلاح قانون اساسی لازمترین کار اصلاحی]

۱۴- اگر امکان تغییر یا تصحیح بعضی امور را داشتید، اولین چیزی که تغییر می‌دادید چه بود و اولین مسیری که اصلاح می‌کردید کدام؟

از آنجا که عمده و اکثر کارهای خلاف و اشتباهاتی که از سوی حاکمیت انجام می‌شود به نوعی شکل قانونی به خود می‌گیرد و با بررسی دقیق، زمام تمام امور در کشورداری به ساختار کنونی ولایت فقیه منتهی می‌شود و منشأ اساسی‌ترین مشکلات، مطلقه بودن ولایت فقیه در قانون اساسی و محدود نبودن آن از نظر زمان و سایر جهات می‌باشد، لذا به نظر اینجانب اولین کار اصلاحی که باید انجام شود اصلاح قانون اساسی توسط نمایندگان منتخب مردم و در جوی کاملاً آزاد می‌باشد.

[رابطه ملت و مذهب]

۱۵- حضرت آیت‌الله، امروز رابطه دو مقوله «ملت» و «مذهب» در ایران را چگونه می‌بینید؟

برخی نگران «ملت» اند برخی نگران «مذهب»، شما نگران چه هستید؟

از جنبه نظری و تئوری تفکیک بین ملت سالم و مذهب صحیح ناصواب است؛ زیرا هیچ ملتی بدون مذهب درست به رستگاری نمی‌رسد و مذهب می‌تواند صورت و فصل حقیقی یک ملت و چهره باطنی و معنوی آن به شمار آید؛ همان‌طور که هیچ مذهبی بدون در نظر گرفتن منافع ملی جایگاه مردمی و جایگاه عقلی نخواهد داشت. ولی مع‌الأسف از جنبه عملی گاه به لحاظ ضعف اعتقاد و ایمان و گاه به علت تفسیرهای ناروا از مذهب، عده‌ای جانب ملیت و گروهی جانب مذهب را گرفته و به سوی افراط یا تفریط می‌گرایند؛ و آنچه موجب نگرانی است تفکیک بین آن دو و ترجیح بی‌رویه یکی از آنها بر دیگری به معنای اثبات یکی و نفی دیگری از جنبه نظر و یا عمل می‌باشد.

از طرف دیگر متأسفانه در اثر عملکرد مسئولین که به نام مذهب و دین می‌باشد امروز شاهد نوعی فاصله بین ملت بخصوص قشر جوان و مذهب مشاهده می‌شود که بسیار خطرناک و موجب نگرانی می‌باشد.

عزت و سربلندی اسلام و کشور را از خدای متعال مسألت دارم. إن شاء الله موفق

باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

پیام به ملت عراق به مناسبت انتخابات پارلمان ملی آن کشور

۱۳۸۴/۹/۱۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا ﴾ (آل عمران، ۱۰۳)

﴿ واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم ﴾ (انفال، ۴۶)

ملت بزرگوار کشور عراق ایدکم الله تعالی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. اکنون که با پشت سر نهادن سقوط حکومت ظالم صدام و فراهم شدن حضور شما مردم در صحنه‌های سرنوشت‌ساز خویش که البته همراه با تحمل سختی‌ها و مقاومت در برابر بسیاری از ناملایمات بوده است، در آستانه انتخابات «پارلمان ملی» قرار گرفته‌اید، به عنوان تذکر نکته‌هایی را یادآور می‌شوم:

شما به خوبی به حساسیت شرایط و اوضاع فعلی کشور خویش واقفید و می‌دانید که جریان‌های خطرناکی کشور شما را به سمت جنگ داخلی سوق می‌دهند و می‌خواهند شما را از داشتن یک جو آرام و استقرار یک حکومت مردمی و فراگیر و نیرومند مأیوس نمایند. در این میان جریان وابسته به صدام و حزب بعث نیز با آنان در یک جبهه فعال شده و به بهانه اختلاف مذهبی با ترورهای کور و ایجاد خشونت و ناامنی، از بین بردن نخبگان و سرمایه‌های انسانی کشور را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. و تا اوضاع عراق به همین صورت باشد نیروهای خارجی نیز از آن کشور خارج نمی‌شوند، و به بهانه حفظ امنیت و جلوگیری از خونریزی و خشونت ممکن است سالها کشور شما در اشغال آنان باشد.

بنابراین وظیفه ملی و دینی شما ملت عزیز و مظلوم ایجاب می‌کند هرچه زودتر

ارکان حاکمیت ملی و مردمی را با شرکت همگانی در انتخابات «پارلمان ملی» که در ۱۵ دسامبر جاری انجام می‌شود تقویت نماید تا پس از سالها خفقان و سرکوب و محرومیت از انتخابات آزاد و فراگیر بتوانید یک حکومت مردمی و مستقل از غرب و شرق و متکی بر آراء همه طبقات کشور روی کار آورید و کشور را از جنگ داخلی و برادرکشی که خواست دشمنان اسلام و ملت عراق است نجات دهید.

بر همه برادران و خواهران لازم است با رأی دادن به افراد نخبه و دانا و متعهد و پایبند به موازین عقلی و دینی امنیت و آرامش و استقلال کشور خویش را بیمه نمایند.

و به کسانی که از گروههای تفرقه‌انگیز حمایت می‌کنند تذکر می‌دهم:

شما با چه مجوز عقلی و دینی از جریاناتی حمایت می‌کنید که دست به ترور و برادرکشی می‌زنند؟ آیا سنت پیامبر بزرگ اسلام و تعالیم قرآن مجید این جنگ‌ها و ترورها را تأیید می‌کنند؟!

آیا تقسیم قدرت در عراق بر اساس جمعیت کشور و رسیدن هر کدام از طبقات مختلف کشور از قبیل کرد و عرب و سنی و شیعه و اقلیت‌های دینی به حقوق خود بر حسب جمعیتشان مخالف عدالت است؟!

چرا کشورهای اسلامی و عربی توجه به خطر جنگ داخلی عراق نمی‌کنند و از گروههای تروریست و خونریز بیزاری نمی‌جویند؟! اگر این گروهها خدای ناکرده در عراق موفق شوند و به اهداف خود نائل شوند فردا نوبت سایر کشورهای اسلامی و عربی خواهد بود.

امید است برادران و خواهران کشور عراق از هر مذهب و گروه به اهمیت این انتخابات توجه نمایند و با شرکت همگانی دشمنان پیشرفت و استقلال و وحدت ملی را مایوس نموده و بهانه اشغال را از نیروهای خارجی بگیرند.

توفیق همگان را از خدای بزرگ و مهربان مسألت می‌نمایم.

والسلام علی جمیع الاخوة والاختوات و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۴/۹/۱۹ - ۷ ذی القعدة ۱۴۲۶ - ۱۰ دسامبر ۲۰۰۵

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه خبرنگار هفته‌نامه «نیوزویک»

۱۳۸۴/۱۰/۱۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[شعارها و آرمانهای اولیه انقلاب]

* با توجه به این‌که حضرت‌عالی یکی از بنیانگذاران حکومت جمهوری اسلامی هستید، آن حکومتی که شما پیش خودتان در اوائل انقلاب فرض می‌کردید، این حکومت که الان هست همان است یا اگر نیست چه فرقی با آن دارد؟

متأسفانه آن حکومتی که آیت‌الله خمینی در پاریس به مردم وعده می‌داد ما هم در ایران برای آن تبلیغ می‌کردیم آن‌گونه که می‌خواستیم نشد. اگر یادتان باشد شعاری که مردم می‌دادند و خود آیت‌الله خمینی هم به مردم می‌گفتند: استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. آزادی معنایش این نیست که فقط مسئولین آزاد باشند هر چه می‌خواهند بگویند و انجام دهند، معنایش این است که مردم حرفشان را بتوانند بزنند. ما می‌بینیم مولا امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که حکومت پیدا کردند با این‌که ایشان معصوم بودند فرمودند: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإنني لست في نفسي بفوق أن أخطئ و لا آمن ذلك من فعلي إلا أن يكفي الله» (خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه) باز ندارید خودتان را از گفتار حق و مشورت عادلانه، زیرا من ذاتاً بالاتر از خطا نیستم و از آن در کار خود ایمن نمی‌باشم، مگر خدا مرا کفایت نماید.

اگر کسی به عنوان نصیحت چیزی بگوید، آقایان با او خیلی تند برخورد می‌کنند. اگر یادتان باشد اینجانب یک سخنرانی به مناسبت سیزده رجب - سال ۱۳۷۶ - در این

حسینیه کردم و به عقیده خودم این سخنرانی دفاع از انقلاب و اسلام و آیت‌الله خمینی بود. متجاوز از پنج سال مراد همین خانه محصور کردند. و از آن روز تا حالا هشت سال است درب این حسینیه را بسته‌اند. حسینیه‌ای که داخل آن درس فقه گفته می‌شد، مراسم سوگواری ائمه علیهم‌السلام انجام می‌شد. فقط عکس آیت‌الله خمینی و آقای خامنه‌ای را به دیوار این حسینیه زده‌اند و در آن را بسته‌اند. خانه‌ای در اصفهان دفتر بنده بود و آنجا درس، بحث، مباحثه و مسائل دینی گفته می‌شد، دادگاه ویژه روحانیت آن را گرفت، یکی از قضات دادگاه ویژه حکم کرده که خانه فروخته شود و به نفع آنها مصادره شود. خانه‌ای هم در مشهد دفتر من بود، آن را هم به همین صورت توقیف کرده‌اند. در حالی که آنجا فقط درس و بحث و مباحثه بود. وقتی که با بنده که به قول شما خود از پایه گذاران نظام بوده‌ام این‌گونه برخورد می‌شود وای به حال دیگران.

در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام افراد علیه خود حضرت شعار می‌دادند. عبدالله بن کواء در نماز علیه خود ایشان شعار داد، اصحاب و حضرت نگفتند بگیرید و با آنها برخورد کنید، حضرت امیر مادامی که خوارج قیام مسلحانه نکردند و دست به کشتن نزدند با آنان برخورد نکرد؛ ما اصلاً جایی نداریم که در زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام کسی را به عنوان مخالف سیاسی بازداشت و محاکمه کرده باشند، بازداشت سیاسی و محاکمه سیاسی در صدر اسلام نداشتیم. در زمان ما آقای گنجی حرف زده و مطلب نوشته است، قیام مسلحانه که نکرده، اسلحه هم که ندارد، چند سال او را در زندان به حال بد و گاه در انفرادی نگه داشته‌اند و حتی حقوق بشر و زندانی نسبت به او رعایت نشده است. اینجانب که یکی از پایه گذاران انقلاب بودم سالهاست از حقوق سیاسی محروم می‌باشم و اموال مرا مصادره می‌کنند و هیچ روزنامه‌ای هم جرأت ندارد یک کلمه از من بنویسد، آیا این معنای آزادی است؟ آن آزادی‌ای که می‌خواستیم این بود؟

شعار مردم جمهوری اسلامی بود. آیت‌الله خمینی می‌فرمودند: جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد. و خود ایشان بارها می‌فرمودند: «میزان رأی ملت

است». جمهوری یعنی حکومت مردمی، اسلامی هم یعنی حکومت بر اساس موازین اسلام، این خواسته همه بود. حالا می‌گویند: آیت‌الله خمینی علیه السلام به جمهوریت نظر نداشته است. نمی‌دانند که این توهین به آیت‌الله خمینی است. معنایش این است که آیت‌الله خمینی خدای ناکرده آدم دروغگویی بود، که جمله‌ای را به مردم القا می‌کرد ولی مقصود واقعی اش نبود؛ چون می‌گفته میزان رأی ملت است، ولی با مردم صادق نبوده است. من یادم هست ایشان در پاریس گفتند: «حتی کمونیست‌ها در اظهارنظر آزادند». فقط کسانی که قیام مسلحانه بکنند در این صورت باید با آنها برخورد بشود، اما باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند. حال آن که من مسلمان یک صحبت کردم بیش از پنج سال محصور و اموال من هنوز هم در توقیف آقایان است؛ هنوز هم از حقوق شهروندی محروم.

چند روز گذشته آقای رئیس جمهور گفت: حقوق بشر در ایران رعایت می‌شود. این سخنان برای من وقتی می‌شنوم به طنز شبیه است. بنده وقتی می‌بینم با حقوق امثال من این‌گونه برخورد می‌کنند و مرا از حقوق خودم محروم می‌کنند چگونه باور کنم حقوق دیگران را تضييع نمی‌کنند. بالاخره به شعارهایی دلشان را خوش کرده‌اند و الان هم به اسم آیت‌الله خمینی هر کاری می‌خواهند می‌کنند. در صورتی که برخلاف نظر ایشان است. به اسم اسلام، آقایان کارهایی را انجام می‌دهند در نتیجه نسل جوان از اسلام هم زده شده‌اند. اسلام دین رحمت و عطف است. قرآن ۱۱۴ سوره دارد، ۱۱۳ سوره اولش ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است، یعنی به نام خداوند بخشنده مهربان. قرآن به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ در اثر رحمت خدا ای پیغمبر نرم‌خو هستی، اگر غلیظ و خشن بودی مردم از تو دور و پراکنده می‌شدند، مردم را عفو کن، طلب مغفرت برایشان بکن - لابد آدمهایی را که کار خلاف کرده‌اند می‌گوید ببخش - با اینها در امور هم مشورت کن. یعنی مخالفین را ببخش و با آنها مشورت کن. این دین اسلام است، اما متأسفانه با مثل آقای اکبر گنجی

که اظهارنظراتی کرده است این‌گونه برخورد می‌کنند، و همه دنیا اعتراض می‌کنند و کسی هم گوش نمی‌دهد.

من برای خودم نمی‌گویم، حقوق دیگران هم به بهانه‌های مختلف از دست می‌رود. وکیل دادگستری را می‌گیرند زندان می‌کنند برای این‌که از محکومین سیاسی دفاع کرده است. یک آدم دانشمندی که سالها خدمت کرده به یک بهانه‌هایی زندان می‌کنند. آن حکومتی که ما می‌خواستیم این نبود. حالا امیدواریم إن شاء الله مسئولین کمی به فکر بیفتند و تجدیدنظر کنند و ببینند نسل جوان را دارند از دست می‌دهند. یک جوری رفتار بکنند که نسل جوان نسبت به اسلام بیشتر از این بدبین نشوند.

* آیا به نظر شما نشانه‌هایی از این تجدیدنظر و تفکر جدید بین مسئولین دیده می‌شود؟
نه ظاهراً؛ من که ندیدم. اگر بود علامتی پیدا بود. در هر حال تا مادامی که در کارها تجدیدنظر نکنند وضع همین است و خطرناک هم هست. إن شاء الله خدا به دل مسئولین بیندازد که در درونشان تغییر یابند.

[بحران مشروعیت]

* سؤال دیگر این است که به نظر بسیاری از صاحب‌نظرها بحران اصلی که در حال حاضر گریبان‌گیر جمهوری اسلامی است بحران مشروعیت است، آیا به نظر شما این نظر درست است؟
اگر درست است دلیل این عدم مشروعیت و بحران مشروعیت چیست؟

برای این‌که مشکل مشروعیت پیش نیاید حکومت باید بر اساس خواست مردم باشد. خود پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این‌که در قرآن کریم آمده است: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ تا مادامی که مردم با پیغمبر بیعت نکردند متصدی حاکمیت نشد. امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام تا مادامی که مردم بیعت نکردند متصدی حکومت نشد. امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام در نامه‌ای که به معاویه می‌نویسد می‌گوید: وقتی که امیرالمؤمنین از دنیا رفت «وَلَا تَنِي الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ» مسلمانها مرا ولی قرار دادند و بعد از پدرم با من بیعت کردند. همه تکیه‌شان روی بیعت و روی خواست مردم بود، با این‌که آنها

معصوم بودند، با این که حکومت واقعاً متعلق به آنها بود، با این حال به بیعت اتکا می‌کنند. آیت‌الله خمینی بارها می‌فرمود: «میزان رأی مردم است». بنابراین وقتی که بنا باشد مردم یک حاکمیتی را نخواهند با آن بیعت نمی‌کنند، و اینجاست که بحران مشروعیت پیش می‌آید.

[آیا حکومت اسلام و ولایت فقیه با جمهوریت قابل جمع است؟]

* خیلی از صاحب‌نظران خارجی می‌گویند که جمهوری اسلامی یک جمله متناقضی است. یعنی هیچ حکومتی نمی‌تواند هم جمهوری باشد و دموکراتیک هم این که اسلامی باشد. نظر شما در مورد اینها چیست؟

مردم ایران اکثریت قاطعشان مسلمانند، این را نمی‌شود منکر شد، چه شیعه و چه سنی همه مسلمان هستند. دین مقدس اسلام بر حسب آنچه از کتاب و سنت به دست می‌آید دینی نیست که فقط مسائل اخلاقی و عبادی را ذکر کند، بلکه تمام شئون مردم را اسلام زیر نظر دارد؛ و حتی راجع به حاکمیت، از قرآن و سنت استفاده می‌کنیم که چه شرایطی برای حاکم هست. اکثریت قاطع هم مسلمانند، بنابراین مردم رأی می‌دهند که حاکم بر اساس موازین اسلامی حکومت کند و این خواست اکثریت مردم است. و این دو با هم تناقضی ندارند. البته جمهوری اسلامی باید به مردم بگوید اسلام حق است اما چماقی نباید باشد. خدا به پیغمبر در قرآن می‌گوید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٌ﴾ ای پیغمبر تو تذکر بده، تو تذکر دهنده‌ای، تو سیطره بر مردم نداری و نمی‌توانی برخورد کنی. بنابراین دین و حکومت نباید دیکتاتوری باشد. از باب این که اکثریت قاطع مردم مسلمان هستند و در رژیم‌های سابق موازین اسلامی رعایت نمی‌شد گفتند: جمهوری اسلامی، یعنی حکومت مردمی که خواهان اسلامند؛ و چون خواهان اسلامند بر طبق موازین اسلام باید باشد، ترکیب این دو از این جهت بوده است.

* البته ایراد اصلی که این صاحب‌نظرها دارند به ولایت فقیه برمی‌گردد. می‌گویند اصل ولایت فقیه با جمهوریت و دموکراسی سازگار نیست، می‌گویند به هر حال حکومت می‌تواند ولایت فقیه باشد ولی دیگر نمی‌تواند جمهوری و دموکراتیک باشد.

این ایراد وقتی پیش آمد که آقایان آمدند کلمه «مطلقه» را هنگام بازنگری و در بحبوحه فوت امام اضافه کردند. من با این که خود از بنیانگذاران تئوری ولایت فقیه در مجلس خبرگان اول بودم به «ولایت مطلقه» رأی ندادم، برای این که قبول نداشتم. ولایت فقیه در نوشته‌ها و کتابهایم هست ولی مطلقه نیست. ولایت از آن فقیه است چون وقتی کسی می‌خواهد بر طبق موازین اسلام حاکمیت داشته باشد باید آگاه به موازین اسلام باشد یعنی فقیه باشد. ما در مجلس خبرگان مثال می‌زدیم می‌گفتیم در شوروی سابق چون می‌خواستند کشور را بر اساس نظریه مارکسیسم اداره کنند آن‌که ایدئولوگ بود سرکار می‌آوردند تا بدانند موازین مارکسیسم را چگونه پیاده کند، حالا وقتی که بناست جمهوری بر طبق موازین اسلام در کشور باشد باید حاکم کسی باشد که کارشناس موازین اسلام است، و قرآن هم می‌گوید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ آیا عالم و غیر عالم با هم مساوی‌اند؟ قرآن می‌گوید: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ﴾ کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوار است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که خودش باید هدایت شود. معنای ولایت فقیه همین حد است که ولی فقیه بر طبق موازین اسلام حکومت کند، نه این که در همه کارها دخالت کند. سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ و... هر یک خودش باید متخصصینی داشته باشد تا طبق مصلحت نظام کار کنند. این درست نیست که یک نفر همه کاره باشد. بنابراین منظور از ولایت فقیه این بود که یک فقیه کارشناس مسائل اسلامی در رأس باشد چون بناست کشور بر اساس موازین اسلام اداره شود. آیت‌الله خمینی به همین اعتقاد داشت و بیش از این هم نمی‌گفت.

* به نظر شما دلیل این صحبت‌ها که در مورد حکومت اسلامی - به جای جمهوری اسلامی -

گفته می‌شود و نظریه کشف شدن ولی فقیه چیست؟

این حرفها بی‌اساس است.

* اگر بی اساس هم باشد به نظر شما چه هدفی دارند؟

لابد یک کسانی می‌خواهند حکومت از خودشان باشد. بعضی از آقایان گفتند که ولایت فقیه نصب از طرف خداست و شخص خاص را ما کشف کرده‌ایم، یعنی خداوند یک فرد را نصب کرده است، در صورتی که اگر نصب درست باشد نصب‌کننده به عنوان کلی «فقیه» را نصب کرده است. پس همه فقهای عدول منصوب هستند نه یک شخص خاص.

طرح حکومت اسلامی هم به‌جای جمهوری اسلامی درست نیست؛ چون پیغمبر ﷺ با این که پیغمبری‌اش از طرف مردم نبود اما حاکمیتش را بر اثر بیعت با مردم به دست آورد. امیرالمؤمنین هم همین‌طور؛ پس باید بیعت باشد. ولایت مطلقه که یک نفر همه‌کاره باشد و کاری به رأی و نظر مردم نداشته باشد را من قبول ندارم.

[اشتباهات مسئولین و لزوم تجدیدنظر]

* با توجه به تمام این صحبت‌هایی که شد فکر می‌کنید که در آینده نزدیک یا آینده دور تغییری

حاصل بشود؟ یعنی آیا تغییری مثلاً در حوزه‌ها به وجود می‌آید؟

من علم غیب و از آینده خبر ندارم، بستگی به این دارد که آقایان تجدیدنظر کنند. و اگر تجدیدنظر نشود مردم به این شعارها و به این چیزها قانع نمی‌شوند. آقایان وقتی که می‌روند یک جا مردم می‌آیند استقبال، خیال می‌کنند اینها همه پیرو و مطیع آقایانند. من خودم یک بار به آیت‌الله خمینی گفتم: آقا! این مردم که اینجا آمده‌اند و برای شما شعار می‌دهند خیال نکنید اینها همه موافق این روشهای حکومتی هستند. بعضی‌ها از رفتار حاکمیت دلشان خون است، اما مسلمانند و به شما اعتقاد دارند برای این که یک مرجع تقلید هستید، ولی مسائل را خوب می‌فهمند. اشکالی که به من می‌گرفتند این بود که دو سه ماه یک بار می‌رفتم مسائل را به ایشان تذکر می‌دادم، در عوض یک عده‌ای ناراحت بودند می‌رفتند چیزهای دیگری می‌گفتند. من به ایشان گفتم: آقا! من می‌خواهم تا پنجاه سال دیگر سوژه‌ای علیه شما نباشد و انتقاد نکنند،

یک رفتارهایی در آینده علیه شما سوژه می شود. من به عنوان خیرخواهی و چون به ایشان علاقه داشتم می رفتم تذکر می دادم، وظیفه ام بود. این وظیفه همگانی است، کسانی که در این مسائل ساکت می شوند گناه می کنند.

✽ بزرگترین اشتباهات آن دوره را در چه چیزی می دانید؟

به طور خلاصه کسانی خودشان را مطلق می گرفتند و می رفتند به ایشان حرفهایی می زدند، ایشان هم معصوم که نبودند خواهی نخواهی تحت تأثیر قرار می گرفتند. ما معیار را نباید شخص آیت الله خمینی بدانیم، ایشان که معصوم نبودند، خودشان هم خود را معصوم نمی دانستند. باید ببینیم کتاب و سنت چه گفته اند و ائمه علیهم السلام رفتارشان چگونه بوده، آنها معیار هستند.

✽ من منظورم اشتباهات حکومت در زمان ایشان بود.

از اشتباهات حکومت، همین بگیر و ببندها، که آن روز هم بود. زندان کردن افراد، بسیاری از اعدامها که در زندانها اتفاق افتاد، اینها و امثال آن کارهای خلاف بود.

✽ بجز اعدامها دیگر چه؟

وعده هایی که به مردم داده شد - مثل آزادی - و به آن عمل نشد. حقوق شهروندی افراد خیلی جاها تضییع می شد. در اینجا باز هم من موعظه می کنم اینهایی که متصدی امور هستند تجدیدنظر کنند و روش خود را اصلاح نمایند.

[اعدام مجاهدین خلق و کمونیست ها]

✽ حضرت آیت الله! آیا خود شما گاهی افسوس می خورید که یک کاری را باید می کردید که این

کار انجام نشد؟

بنده تا آن اندازه که قدرت داشتم فعالیت می کردم و خیلی کارهای دیگر شاید آن وقت به ذهنم نیامد که انجام دهم، من هم معصوم نیستم. ولی همین مسأله زندانها را من به ایشان نامه نوشتم و تعقیب کردم. من یادم هست وقتی که آقایان دو بار نامه از

آیت‌الله خمینی برای اعدام مجاهدین خلق گرفتند، بعد نامه‌ای برای اعدام کمونیست‌ها از ایشان گرفتند، آقای خامنه‌ای - آن روز رئیس جمهور بود - داخل همین خانه به من گفت: «یک عده آمده‌اند به من گفته‌اند از امام یک نامه گرفته‌اند برای اعدام کمونیست‌ها، و خیلی کار بدی است.» گفتم: «آن روز که نامه گرفتند و مجاهدین خلق را که بالاخره مسلمان بودند دو هزار و هشتصد نفرشان را اقلأ اعدام کردند چطور شما آن را هیچ نگفتی؟!» ایشان گفت: «مگر نامه دیگری نوشته‌اند؟» گفتم: «شما چه رئیس جمهوری هستی که از آن نامه خبر نداری؟!» آن وقت نامه‌ای را که گرفته بودند برای کمونیست‌ها ایشان فهمیده بود و عصبانی بود.

آقای خامنه‌ای می‌گفت: ما وقتی می‌آییم اینجا این اخبار دو سه ماهه را از شما کسب می‌کنیم و ما می‌بینیم شما منبع اخبار کشور هستید. یادم هست نامه اول که از آیت‌الله خمینی گرفته بودند راجع به مجاهدین خلق، دو روز بعد یکی از قضات آمد و نامه را نشان داده و گفت ما چه کنیم با این نامه؟ من شب آن روز اصلاً خوابم نبرد. خیلی فکر کردم تا این که نامه‌ای برای آیت‌الله خمینی نوشتم و یک نسخه‌اش را هم فرستادم برای شورای عالی قضایی آن زمان تا از این اعدامها جلوگیری شود. منظور این است که این مسائل را آن اندازه که از من برمی‌آمد تعقیب می‌کردم، اما خیلی از آنها را هم شاید آن وقت توجه نداشتم.

[بحران انرژی هسته‌ای]

✽ حالا ما بپردازیم به مسأله هسته‌ای ایران، دولت‌های غربی همان‌طور که می‌دانید دغدغه خاطری دارند در مورد برنامه هسته‌ای ایران، آیا به نظر شما حق دارند که این دغدغه خاطر را داشته باشند؟

آن روزها مثلی می‌گفتند: خرما خورده نمی‌تواند به دیگری بگوید خرما نخور. آمریکایی‌ها در هیروشیما و ناکازاکی بمب اتمی انداختند و این همه مردم را تلف کردند و الآن هم سلاح هسته‌ای دارند، روسیه و پاکستان هم دارند، حالا چطور به

ایران ایراد می‌گیرند؟ اینها نمی‌توانند به ایران بگویند شما حتی از انرژی هسته‌ای استفاده صلح‌آمیز هم نکنید. اینجا سازمان ملل مسئولیت دارد، سازمان ملل بایستی به آمریکا و اروپا بگوید خودتان که سلاح هسته‌ای دارید بیاید اول اینها را نابود کنید، ایران هم اگر داشته باشد باید نابود کند. من نمی‌گویم ایران سلاح دارد یا ندارد، اما ایران مدعی است من می‌خواهم از انرژی هسته‌ای استفاده صلح‌آمیز کنم و این یک امر مشروع است. سازمان ملل باید عدالت را رعایت کند، آمریکا و کشورهای دیگر را نگذارد سوءاستفاده کنند، ایران را هم نگذارند سوءاستفاده کنند. اما این که اصلاً انرژی هسته‌ای نداشته باشد مطلب نادرستی است.

[رابطه ایران با آمریکا]

* با توجه به این که آمریکا نمی‌خواهد که ایران حتی فن‌آوری هسته‌ای داشته باشد و با توجه به این که آمریکا تنها ابرقدرت موجود در دنیاست، آیا شما نگران این نیستید آمریکا و یا اسرائیل با توجه به صحبت‌هایی که الان می‌شود، یعنی عدم همکاری ایران، به مناطق استراتژیک ایران حمله کنند؟

باید مسئولین با زبان دیپلماسی این مسأله را حل کنند و نگذارند کار به بحران و جنگ برسد. این که ما به طور کلی با آمریکا قطع رابطه کنیم درست نیست. باید با زبان دیپلماسی کار کنند تا روابط دوستانه بشود، این وظیفه مسئولین است. مسئولان نباید تندی بکنند تا آنها لج کنند، سیاستمداران در سیاست نباید به دنبال لجبازی و بحران‌آفرینی باشند. من یادم هست آمریکایی‌ها وقتی که در ویتنام جنگ می‌کردند، در پاریس با ویتنامی‌ها نشست‌های دوستانه و دیپلماتیک داشتند.

* آیا شما از آن دسته سیاستمدارانی هستید که می‌گویند: ما تا رابطه‌مان را با آمریکا برقرار نکرده و مشکلاتمان را با آمریکا حل نکنیم رابطه ما کلاً با دنیای خارج حل نمی‌شود؟
آمریکا یک دولت قدرتمند است و اگر ما با آن کشور روابط نداشته باشیم هر دو ضرر می‌کنیم. حتی اشغال سفارت آمریکا - با این که من خودم آن وقت تأیید می‌کردم -

کار اشتباهی بود. سفارت آمریکا را اشغال کردن یعنی جزئی از کشور آمریکا را اشغال کردن، و این کار درستی نبود.

* پس برگردیم به آن سؤال قبل؛ اگر افسوس می‌خورید که شاید می‌توانستید یک کاری کنید این اشغال سفارت یکی از آنها بوده؟

درست است؛ در جوّ و تلقی آن روزها خیلی‌ها از جمله ما این حرکت را تأیید می‌کردیم.

[کشتار یهودی‌ها]

* در مورد این صحبت‌های جدید آقای احمدی‌نژاد در مورد کشتار یهودی‌ها و هولوکاست و اینها چی فکر می‌کنید، دلیل این صحبت‌ها چیست؟

این حرف را سابقاً من در نوشته‌هایم داشتم که فرض می‌کنیم نازی‌ها و لهستانی‌ها و اتریشی‌ها شش میلیون یهودی را قتل عام کردند، چرا غرامتش را فلسطینی‌ها بدهند؟ اسرائیل را بر همین اساس با زور درست کردند، از این جهت ما می‌گوییم مشروع نیست. شصت، هفتاد سال پیش دولت اسرائیل وجود نداشت، در حال حاضر باید سازمان ملل فکر اساسی بکند و نگذارد حقوق فلسطینی‌ها که آواره شده‌اند پایمال شود. به عقیده من یک انتخابات همگانی باید بشود. یهود و مسلمانها و مسیحیان همه رأی بدهند و یک حاکمیتی انتخاب نمایند، نه این‌که امکانات دست اسرائیل باشد و فلسطینی‌ها حق نداشته باشند حرف حقشان را بزنند.

* یک سؤال آخر هم هست که آیا در شرایط حاضر فکر می‌کنید این صحبت‌ها درست باشد در حالی که همه دارند....

به نظرم باید یک جور حرف زد که با اصول دیپلماتیک مناسب باشد. به قول معروف: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اگر حرفی درست هم باشد اما انسان باید جایش را بسنجد و بعد مطرح کند.

[سفارش بر خبررسانی صحیح]

✽ خیلی ممنون، لطف کردید.

موفق باشید. همیشه وقایع را آن جور که هست انتقال دهید. گزارش و اخبار غلط ندهید و گزارش و اخبار غلط را هم ترتیب اثر ندهید، چون حق بر همه چیز مقدم است. من وقتی به آیت‌الله خمینی نامه می‌نوشتم، یک عده به من می‌گفتند اینها ممکن است باعث شود قائم مقام رهبری از شما گرفته شود، می‌گفتم: گرفته شود، ما باید چیزی که حق است و وظیفه‌مان است انجام بدهیم، حالا به هر جا می‌خواهد منتهی بشود. من هیچ وقت نه طالب مقام بودم نه چیز دیگری. همه ما از اول هم که در انقلاب شرکت کردیم به عنوان این که یک حکومت دینی عاقلانه‌ای به وجود بیاید که حقوق همه حتی حقوق اقلیت‌ها و مخالفین محفوظ باشد وارد صحنه مبارزه شدیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مصاحبه خبرنگار کانال سه تلویزیون ایتالیا

۱۳۸۴/۱۰/۱۸

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[لزوم توجه به شعارها و اهداف اولیه انقلاب]

* خیلی تشکر می‌کنم که اجازه دادید به منزل شما آمده و ملاقاتی داشته باشم و شما را از نزدیک ببینم. من مشغول ساختن مستندی راجع به زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران هستم و مدت دو هفته است در ایران به سر می‌برم. به عنوان اولین سؤال، نظر شما بعد از انتخاب رئیس‌جمهور جدید، راجع به شرایط و اوضاع سیاسی ایران در حال حاضر چیست؟

اولاً من تشکر می‌کنم از کسانی که به دنبال تحقیق هستند و اوضاع اجتماعی و سیاسی ملت‌ها را بررسی می‌کنند. البته در صورتی که قصدشان خیر باشد و هدفشان این باشد که به نفع ملت‌ها قدم بردارند، این جای تقدیر و تشکر دارد.

دنیاى امروز به هم وابسته است و نمى‌شود در یک کشورى ظلم و خلاف حق باشد و کشورهای دیگر ساکت باشند. مردم همه مسئولیت دارند، چون مثل یک خانواده هستند. در یک خانواده اگر یک نفر کمبود و مشکلی دارد دیگران جبران و از او دفاع می‌کنند. این کاری صحیح است، عرض کردم در صورتی که قصد خیر باشد و بخواهند سطح شناخت و آگاهی مردم را بالا ببرند.

هدف اصلی از انقلاب ایران این بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. این سه فراز شعاری بود که همواره مردم برای انقلاب تکرار می‌کردند.

معنای آزادی این نبود که فقط مسئولین، دولتی‌ها و صاحبان قدرت آزادی داشته باشند؛ بلکه مقصود این بود که مردم همه در اظهارنظر آزاد باشند. امروز اکثر مردم درس خوانده و باسوادند، اهل فکر و اهل تأمل هستند و حق دارند در تمام امور از جمله امور سیاسی اظهارنظر کنند. معنای استقلال این است که دولت‌های دیگر نباید در سرنوشت کشور دخالت کنند. امروز ملت‌ها همه می‌خواهند مستقل باشند و خودشان در سرنوشت کشورشان تصمیم گیرنده باشند. معنای جمهوری یعنی حکومت مردمی باشد و مردم سرنوشت کشورشان را تعیین کنند؛ و با تشکیل احزاب سیاسی و انتخابات آزاد، مردم حاکمیت را تعیین کنند. اسلامی هم، چون اکثر مردم ایران مسلمانند حاکمیت باید بر مبنای دستورات اسلامی باشد. دین مقدس اسلام دینی نیست که فقط به مسائل عبادی و اخلاقی توجه داشته باشد بلکه اسلام برای همه مسائلی که مورد نیاز بشر است از جمله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دستور و برنامه دارد. با تأمل و دقت در قرآن و سنت پیغمبر ﷺ چنین مطلبی استفاده می‌شود.

[آیا مسئولین انتقاد پذیرند؟]

* شما اشاره کردید به شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. شما برای این آزادی هزینه‌های زیادی دادید و سختی‌هایی کشیدید، حالا این احساس آزادی را دارید؟

متأسفانه نه! مثلاً قبل از انقلاب در ایران اختلاف طبقاتی عمیق حکم‌فرما بود، یک عده خاصی بر ثروت نفت و گاز کشور مسلط بودند و اکثر مردم در فقر و بدبختی به سر می‌بردند و مردم در اظهارنظر سیاسی آزاد نبودند. بعد از انقلاب متأسفانه آن خواسته‌هایی که ما داشتیم بسیاری از آنها فقط به شعار اکتفا شد. در مسائل اقتصادی ثروت کشور در اختیار دولت و یک قشر خاص می‌باشد و اختلاف طبقاتی عمیق هنوز در جامعه حکم فرماست و بسیاری از مردم فاقد شغل و بیکارند، آزادی بیان هم ندارند و نمی‌توانند حرفشان را بزنند و اگر حرف بزنند با آنها برخورد می‌شود.

از باب مثال همه می‌دانند که بنده از پایه‌گذاران انقلاب بودم، با این حال به دلیل یک سخنرانی که در سیزده رجب سال ۱۳۷۶ کردم برخوردهای غیرقانونی و تندی کردند، بیش از پنج سال در همین خانه محصور بودم و از خانه نمی‌توانستم بیرون بروم، غیر از فرزندان و برادران من کسی حق نداشت وارد خانه شود. حسینیه‌ای که مرکز درس و روضه‌خوانی و سوگواری بود، هشت سال است در آن را بسته‌اند، و خانه‌ای که در مشهد و اصفهان به عنوان دفتر اینجانب بود و مسائل شرعی را پاسخ می‌دادند هر دو را اشغال کردند. دفتر اصفهان را علاوه بر اشغال، قاضی دادگاه ویژه روحانیت حکم کرده که فروخته و به نفع آن دادگاه مصادره شود.

ما در اسلام داریم اگر اهل ذمه از ذمه خارج شد گرچه خودش احترام ندارد اما مالش محفوظ است، یعنی حتی اهل ذمه اگر خلاف دستورات عمل کنند احترام مالشان محفوظ است. به چه دلیل قانونی و شرعی دفتر بنده را در اصفهان و مشهد توقیف می‌کنند و هیچ روزنامه‌ای حق ندارد نظرات مرا منعکس کند؟ اینها خلاف آن آزادی است که شعار انقلاب ما بود. امیدوارم إن شاء الله مسئولین تجدیدنظر در کارشان کنند. البته نمی‌خواهم بگویم در خارج از کشور هم حقوق بشر خوب رعایت می‌شود، در آنجا هم اشکالات هست.

خلاصه این‌که اصل انقلاب انقلاب صحیحی بود، برای این‌که مردم از زورگویی‌های حاکمیت سابق به ستوه آمده بودند انقلاب کردند ولی نتیجه‌ای که منظورشان بود نگرفتند.

* شما فکر می‌کنید چرا نمی‌شود از دولت انتقاد کرد و چرا دولت افراد را زندانی می‌کند، مثلاً خبرنگار داریم که در زندان است فقط به خاطر صحبتی که کرده، انتقادی که داشته، چرا این‌گونه است؟

همین بازداشت‌ها اصل اشکالی است که ما داریم. حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام الگوی خوبی است برای حکومت اسلامی. امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حاکمیتش هیچ محاکمه، بازداشت و زندانی سیاسی نداشت. مخالفان ایشان چون سران خوارج

و مثل عبدالله بن کواء در نماز علیه امیرالمؤمنین شعار می دادند اما تا دست به اسلحه نبردند و قیام مسلحانه نکردند آزاد بودند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۲۱۶ می فرماید: «فلا تکفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل، فإني لست في نفسي بفوق أن أخطئ» از گفتار حق و مشورت عادلانه درباره من ابا نکنید برای این که من ذاتاً فوق خطا نیستم. علی علیه السلام با این که ما ایشان را معصوم می دانیم این چنین می فرماید؛ اما مثلاً با من که یک سخنرانی کردم در سیزده رجب با این که قصد اصلاح امور و به نفع انقلاب بود، این گونه برخورد کردند. یا آقای اکبرگنجی از آن کسانی است که در جبهه جنگ بوده، طرفدار و علاقه مند انقلاب است، چون یک روزنامه نگار منتقد بوده و نسبت به قتل های زنجیره ای انتقاد داشت، چند سال است که به طرز فجیعی در زندان می باشد؛ با این که همه تذکر دادند، حتی برخی از مجامع بین المللی خواستار آزادی او شدند، ولی ترتیب اثر ندادند.

* چرا اینگونه است؟

لابد آقایان می خواهند حاکم باشند به هر نحوی که باشد. با این که حاکم باید خدمتگزار مردم باشد و خواست مردم را اجرا کند. متأسفانه به اسم اسلام این گونه حکومت می کنند و این سبب می شود نسل جوان از اسلام زده شود. حال آن که برحسب موازین اسلامی حقوق همه باید رعایت شود حتی حقوق اقلیت ها، و آنها هم باید آزاد باشند. آیت الله خمینی که رهبر انقلاب بود در پاریس فرمودند: همه آزادند در اظهار نظر حتی کمونیست ها. باید همه مردم در اظهار نظر آزاد باشند. اما متأسفانه حتی وکیل دادگستری را که از مقتولین زنجیره ای دفاع کرده زندان می کنند.

* نظر شما راجع به رئیس جمهور الان کشور چیست؟

من با ایشان آشنایی و ارتباطی ندارم؛ ولی بالاخره رئیس جمهور یعنی منتخب مردم که به نفع مردم کار کند، و نباید فقط به شعار تنها قناعت کند.

[همیشه طالب حق باشید و منعکس کننده واقعیات ها]

* خیلی از شما تشکر می‌کنم که وقت گرانبقدر و گرانبهاتان را در اختیار من قرار دادید و توانستم با شما صحبت‌های مفید داشته باشم. صحبت‌های شما بسیار جالب بود و حتماً در تلویزیون ایتالیا پخش خواهد شد. به خاطر این که شما یکی از افرادی هستید که سعی می‌کنید پل سازی کنید بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و کشورها. پل‌هایی باید ساخته شود تا بتوانیم ارتباطی برقرار کنیم، ارتباط که برقرار شود به صلح می‌انجامد. صلح باعث می‌شود درک متقابل بین کشورها و ملت‌ها به وجود بیاید که در نتیجه در دنیا صلح و ثبات بهتری به وجود خواهد آمد.

من از شما به عنوان این که یک خبرنگار هستید انتظار دارم که سعی کنید مسائل را همان‌گونه که مشاهده و احساس می‌کنید منعکس نمایید. مبادا یک وقت خلاف واقع مطلبی منعکس شود، همیشه طالب حق باشید و منعکس کننده واقعیات‌ها. اگر همه طبق وجدانمان عمل کنیم دنیا و آخرت هر دو اصلاح می‌شود.

* امیدوار هستم که بتوانم این درخواست شما را عمل کنم.

إن شاء الله موفق باشید.

**دیدار اعضای نهضت آزادی ایران
و جمعی از دوستان مرحوم مهندس مهدی بازرگان**

۱۳۸۴/۱۰/۳۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

خداوند ان شاء الله مرحوم مهندس بازرگان در جاتش را عالی کند و با محمد و آل محمد محشور نماید و به همه بازماندگان و علاقه‌مندان ایشان هم صبر و اجر عنایت کند.

آقایان شاید مرا شناخته باشند که آدم صریح‌اللهجای هستم و بسا مطالبی به ذهنم می‌آید که نمی‌توانم نگویم.

از جمله جمعیت‌هایی که به نظر من در جمهوری اسلامی به آنها ظلم شده جمعیت نهضت آزادی است. چون وقتی که در حکومت سابق هیچ کس هیچ چیز نمی‌گفت - حالا نمی‌خواهم تخطئه کنم - اما تقریباً همه ساکت بودند و ساکت نشستند، جمعیت نهضت آزادی و مرحوم مهندس بازرگان و یاران و دوستانش یک حزب اسلامی تشکیل دادند و تاوانش را هم دادند. این همه زندان رفتند، در تبعید برازجان و جاهای دیگر رفتند. و بالاخره هزینه‌های سنگینی پرداخت کردند به‌خاطر همین تعهدشان نسبت به حزب نهضت آزادی.

بارها شاید از من شنیده‌اید که اصلاً تشکّل و تحرّز یک امر واجب است، برای این که مادر اصول خوانده‌ایم مقدمه واجب واجب است. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب همگانی است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر﴾. الف و لام برای استغراق است،

یعنی همه مردهای مؤمن و همه زنهای مؤمن نسبت به یکدیگر ولایت دارند، «ولّی» به معنای دوست نیست، ولّی یعنی صاحب اختیار، یعنی همه مردم نسبت به یکدیگر صاحب اختیارند. خدا این ولایت را برای همه قرار داده که اگر شما امر به معروف کردید یک کسی نگوید به شما ربطی ندارد؛ چون در جواب می‌گویید آن خدائی که خالق و رازق شماست و نظام وجود دست اوست این ولایت را برای من قرار داده است. همه مردها و همه زنهای مؤمن، بخصوص زنها را در اینجا خداوند عنایت کرده ذکر فرموده است. در جاهای دیگر آیات نوعاً به لفظ مذکر است و ما به عنوان اشتراک در تکلیف می‌گوییم شامل زنها هم می‌شود، اما در اینجا خدا عنایت داشته زنها را هم جدا ذکر کرده است: «والمؤمنون» یعنی همه مردهای مؤمن «والمؤمنات» و همه زنهای مؤمن، بعضشان نسبت به بعض دیگر صاحب اختیارند. منتها ولایت مقول به تشکیک است، دارای مراتب است. این مرتبه از ولایت نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را خدا برای همه مردهای مؤمن و همه زنهای مؤمن قرار داده؛ یعنی هر زنی حق دارد به من بگوید تو چرا فلان کار را کردی فلان کار را نکردی. بالاخره این وظیفه همگانی است؛ و این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر آنجایی که در یک امور جزئی است تحزّب نمی‌خواهد اما یک وقت آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکر می‌خواهند نسبت به اصلاح جامعه سخن بگویند و حرف بزنند، در جامعه اگر اشتباهی و کجی هست صحبت کنند و حرف بزنند، در این صورت وقتی مؤثر است که متشکل باشند. یک جمعیت متشکلی باشند و هماهنگ تا نسبت به اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد جامعه اقدام کنند و سخن بگویند.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر در سطح وسیع اگر بخواهد اجرا بشود توقف به تشکّل و تحزّب دارد و مقدمه واجب واجب است. عشاير در زمان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک نحو تشکلی داشتند، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با قبائل بیعت می‌کرد، جوری بود که رئیس قبیله وقتی یک حرفی می‌زد دیگران هم پیروی می‌کردند؛ خودش یک نحو تشکلی بوده است. در زمان ما بایستی به اختیار خودمان تشکیلاتی

داشته باشیم که آن تشکیلات هدفش این باشد که نسبت به اصلاح جامعه اقدام بکند و از فساد جلوگیری نماید؛ این همان امر به معروف و نهی از منکر است. و عرض کردم در رژیم سابق که اصلاً کسی گوشش به این حرفها نبود واقعاً آقایان نهضت آزادی اقدام کردند، اقدام خدایسندانه‌ای؛ و جمعیتی بودند که وظیفه‌شان را انجام دادند و هزینه‌اش را هم پرداختند. حالا در زمان ما، در جمهوری اسلامی آقایان خیال می‌کنند که حزب و تشکّل بایستی تابع دولت باشد. می‌گویند چرا این حزب زیر نظر ما نیست، پیرو ما نیست. در صورتی که دولت بایست تابع افراد و ملت باشد نه این که ملت تابع دولت. در این جهت احزاب سیاسی باید باشند و اینها در تشکیل دولت و در برنامه‌ها و روش دولت نظر داشته باشند. این که چرا این حزب مطابق میل ما نیست این مثل حزب رستاخیز می‌شود که در زمان شاه بود.

من به سهم خودم از برادران نهضت آزادی تشکر می‌کنم که با ثبات و استقامت ایستاده‌اند. و مرحوم مهندس بازرگان واقعاً خدمت بزرگی کرد که بزرگترین خدمتش این که این حزب دینی را تشکیل داد و اهداف بزرگی هم داشت، منتها ما در عالم طبیعت به همه اهدافمان نمی‌رسیم. عالم طبیعت عالم تزاخم و تضادم است. انسان نباید مأیوس بشود. بالاخره نهضت آزادی از حزبهایی است که به قصد تأمین آزادی و پیاده کردن دستورات اسلام و دفاع از اسلام و جلوگیری از دیکتاتوری و فساد تشکیل شده، امیدواریم آقایان دل‌سرد نشوند. بایستی که حزب نظارت داشته باشد بر رفتار دولت حدوثاً و بقائاً، دولت و برنامه‌هایش باید زیر نظر احزاب سیاسی مستقل خدایسند باشند.

در مسائلی که اخیراً مطرح شده من نخواستم وارد بشوم اما من چند روز پیش یک مصاحبه داشتم با خبرنگار نیوزویک، او مسائل جاری کشور را پرسید، من گفتم این بیانی که بعضی آقایان دارند در حقیقت می‌خواهند بگویند که رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی خدای ناکرده حقه‌بازی کرده، با این که عقیده نداشته است به جمهوری اسلامی برای این که کلاه بر سر مردم بگذارد آمده گفته جمهوری اسلامی، این توهین

به ایشان است. این بزرگترین اهانت به ایشان است. از اوّل خود ایشان گفت جمهوری اسلامی و در قانون اساسی هم همه اینها نوشته شده است.

خداوند ان شاء الله مرحوم مهندس بازرگان در جاتش را عالی کند و به همه بازماندگانش صبر و اجر عنایت فرماید. به آقایان هم توفیق بدهد که در هر شرایطی وظایفشان را عمل بکنند. به اندازه‌اش تذکر بدهید. من با تندیها مخالفم ولی بالاخره حرف حق را باید انسان بزند و سکوت روا نیست. امام حسین علیه السلام در سفر کربلا پس از برخورد با اصحاب حرّ حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که اگر انسان جور و ظلم و چیزهای خلاف ببیند «و لم یغیر علیه بقول و لا فعل کان حقاً علی الله أن یدخله مدخله» آن ساکتین هم حکم جائرین را پیدا می‌کنند. بنابراین سکوت روا نیست. من را هم تخطئه می‌کنند در حالی که من به عقیده خودم وظیفه‌ام را انجام می‌دهم و هیچ وقت هم دنبال مقام و مرجعیت و این جور چیزها نبوده‌ام. این جور مقامات امور اعتباری است و تمام می‌شود و می‌رود؛ اگر ما عقیده داریم به آخرت باید کاری بکنیم که مورد رضای خدا باشد.

ان شاء الله همه شما موفق و مؤید باشید، یک حمد و سوره هم برای مرحوم مهندس بازرگان بخوانیم.

خدا ان شاء الله شما را حفظ نماید و عاقبت همه‌مان را ختم به خیر کند.

دکتر ابراهیم یزدی: من از طرف خودم و از طرف شورای مرکزی نهضت آزادی ایران از فرمایشات جنابعالی تشکر می‌کنم و این عید سعید بزرگ غدیر را به جنابعالی و بیت محترم و آقا زاده‌های بزرگوار تبریک می‌گویم و امیدوارم که ملت ما همچون گذشته از برکت پیروی واقعی از علی علیه السلام به آنچه در مصلحت ملت و موجب رضای حق است بتواند ادامه بدهد، و همچنین برای جنابعالی آرزوی سلامت و طول عمر و ادامه خدمات و استمرار بر قول ثابت را داریم.

بدون شک همان‌طور که حضرتعالی فرمودید مقدمه هر کار واجبی را واجب، مقدمه هر کار حلالی را حلال، و مقدمه هر کار حرامی را حرام می‌دانیم. اگر ما پذیرفته‌ایم جمهوریت را و اگر

پذیرفته‌ایم دخالت مردم را بر سرنوشت خودشان، لاجرم مقدمه‌اش را که تحزب و کار جمعی است باید بپذیریم؛ راه‌گریزی نیست. و ما متأسفیم که بیست و هفت سال پس از انقلاب کسانی پیدا شده‌اند که علناً و صریحاً اصل جمهوریت را انکار می‌کنند. آن مطلبی را که حضرت‌عالی اشاره فرمودید بی‌تردید یک توهین است به رهبر انقلاب که او به چیزی که اعتقاد نداشت مردم را دعوت کرده است.

اما من یک نکته‌ای را که الان به خاطر رسید عرض کنم، یک نامه‌ای منتسب به امام منتشر شده است این نامه را ما بارها گفته‌ایم که بر طبق نص صریح وصیتنامه امام که گفته است خط و امضای من هر دو باشد، گفتند خط را کارشناسی کرده‌اند بعد یک آقای آمد گفت نخیر سید احمد آقا گفته‌اند این خط خط من است، هم اینقدر که او اعتراف کرده که خط من است اعتبار ندارد. اما هنگامی که ما در یکی از مصاحبه‌ها مورد سؤال قرار گرفتیم و گفتیم نامه اصالت ندارد، ما را به دادگاه احضار کردند به جرم توهین به مقام رهبری فقید، و بعد هم پرونده اول رفت به دادگاه عادی بعد به دادگاه انقلاب. در خدمت جناب صدر به عنوان وکیل حقوقی ما رفتیم آنجا گفتیم آقا شما حرفهای جدید می‌زنید که در تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام سابقه ندارد، مسلمانها هزار و چهارصد سال است پیرامون صحت و سقم احادیث پیامبر خدا بحث می‌کنند هیچ کس تا حالا نگفته که شک و تردید در یک حدیث منتسب به پیامبر توهین به پیامبر است، حالا شما می‌گویید توهین؟! شش ماه ما را محکوم کردند. حالا عرض من این است که ما در یک وضعیتی قرار گرفته‌ایم که بعضی‌ها به نام دفاع از اسلام دارند زیراب جمهوریت را می‌زنند و چنین مسائلی را مطرح می‌کنند که مصداق بارز تشویش اذهان است، اما متأسفانه دادگاههای ما مثل این‌که زورشان به دانشجویی می‌رسد یا به یک افراد خاصی یا به نهضت آزادی می‌رسد که به ما می‌گویند اصلاً شما قاچاقی نفس می‌کشید.

غیر از آن زندانهای زمان شاه که حضرت‌عالی اشاره فرمودید در همین دوران جمهوری اسلامی در سه نوبت دوستان بسیار خوب ما آقایان توسلی، صباغیان، منصوریان و دیگران را بردند زندان، حتی جناب صدر هشتاد و چند ساله را بردند زندان به عنوان همین اقدام برای براندازی. اخیراً به ما می‌گویند که شما دنبال براندازی آرام هستید، آرام یعنی چه؟! همین طور که مستحضر هستید سی و چند نفر از اعضای نهضت آزادی ایران را مجموعاً به صد و ده سال زندان محکوم کردند، بنده راهم

پنجاه و دو جلسه بازجویی کردند؛ هنوز تکلیف دادگاه معلوم نیست.

به هر حال ما در چنین شرایطی هستیم و مایلیم نظر جنابعالی را نسبت به این مسأله که اصلش کلامی و فقهی است بدانیم. آقایان مدعی هستند به نظریه نصب، و نظریه انتخاب را رد می‌کنند. جنابعالی که یک شخصیت برجسته اسلامی و عالم به علم زمان و شریعت هستید بفرمایید که اصلاً نصب به این معنایی که آقایان می‌گویند جایی در اندیشه اسلامی دارد یا نفوذ مسیحیتی است که معتقد بودند منشأ قدرت الهی است نه زمینی و مردم حقی ندارند، و اصولاً چنین چیزی در اندیشه اسلامی جایی دارد یا ندارد؟

آیت‌الله منتظری: یک جزوه‌ای من نوشتم به نام «حکومت مردمی و قانون اساسی»، این جزوه در دیدگاه‌های من روی سایت هست آقایان می‌توانند نگاه کنند. آنجا من از باب مثال نوشتم امام مجتبی علیه السلام (با این که ما برای ائمه علیهم السلام مقام عصمت قائلیم) در نامه به معاویه نوشت که وقتی پدرم از دنیا رفت «ولائی المسلمون الأمر من بعده» مسلمانها امر حکومت را به من واگذار کردند و مرا والی قرار دادند. ادله زیادی من در آنجا ذکر کرده‌ام، من مسأله نظریه نصب را در آنجا نقد کرده‌ام.

حالا بالاخره عالم طبیعت عالم تراحم و تصادم است اما انسان آن را که تشخیص داد وظیفه‌اش می‌باشد عمل کند، استقامت هم داشته باشد: «فاستقم كما أمرت و من تاب معك». و از این که آقایان نسبت به شما مزاحمت کردند من واقعاً به سهم خودم متأثر شدم و عذرخواهی می‌کنم. و متأسفانه خیلی ظلم‌ها و کارها به حساب اسلام انجام می‌شود. پنج سال و دو سه ماه مرا اینجا در خانه محصور کردند، این حسینیه ما هشت سال است که در توقیف می‌باشد. حسینیه چه گناهی کرده در این کشور؟! دفتری در اصفهان داشتم که در اختیار آقایان است و آقای علی رازینی قاضی دادگاه ویژه حکم کرده فروخته شود به نفع دادگاه ویژه، من نفهمیدم چرا؟ در فقه داریم اگر اهل ذمه از ذمه خارج شد خودش حکم ذمه بر او بار نیست اما مالش از باب این که یک روزگاری مال اهل ذمه بوده محترم است، احترام مالش محفوظ است. این در فقه

ماست. حالا من نمی‌دانم به چه مناسبت خانه‌ای که دفتر من بوده و در آن درس گفته می‌شد یا مثلاً کسی ممکن بود وجوهاتی بیاورد آنجا، این را آقای علی رازینی حکم کرده فروخته شود به نفع دادگاه ویژه. دفتر مشهد را هم همین‌طور توقیف کردند. این حسینیه هم توقیف است. چند روزی آمدند شعار دادند غذا هم در ظرف یک‌بار مصرف به آنها دادند خوردند، گربه‌ها آمدند بقیه را خوردند گربه‌ها هم آنجا مرده‌اند. همین‌طور این وضعیت آنجا باقی است. اینها را من چطور به حساب جمهوری اسلامی بگذارم؟ وقتی که آقایان می‌گویند حقوق بشر در کشور کاملاً رعایت می‌شود من برایم یک جوک است، برای این‌که من یکی از پایه‌گذاران انقلاب بودم وقتی که بنا باشد مال من احترام نداشته باشد و حقوق من رعایت نشود چطور باور کنم که حقوق دیگران رعایت می‌شود؟

«اللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ اُمورِ الْمُسْلِمِيْنَ».

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

به پایان آمد این دفتر
حکایت همچنان باقی است

﴿ بسمه تعالی ﴾

درسهای حضرت آیت‌الله العظمی منتظری به صورت لوح فشرده (CD)

- ۱- مجموعه آثار، متن ۵۰ جلد کتاب منتشر شده معظم له (یک CD)
- ۲- درسهایی از نهج البلاغه، ۱۹۵ درس - صوتی (ده CD)
- ۳- درسهایی از نهج البلاغه، ۱۹۵ درس - تصویری (شصت و چهار CD)
- ۴- درس خارج فقه (دراسات في المكاسب المحرمة)، ۵۶۵ درس - صوتی (شش CD)
- ۵- درس خارج فقه (کتاب الزکاة)، ۷۲۲ درس - صوتی (هفت CD)
- ۶- العروة الوثقی (صلاة المسافر)، ۲۴ درس - صوتی (یک CD)
- ۷- العروة الوثقی (صلاة المسافر)، ۲۴ درس - تصویری (دوازده CD)
- ۸- درس فلسفه (منظومه حکمت، امور عامه)، ۱۱۹ درس - صوتی (یک CD)
- ۹- درس فلسفه (منظومه حکمت، امور عامه)، ۱۱۹ درس - تصویری (صد و نوزده CD)
- ۱۰- درس فلسفه (منظومه حکمت، الهیات)، صوتی (درس ادامه دارد) (دو CD)
- ۱۱- درس فلسفه (منظومه حکمت، الهیات)، تصویری (درس ادامه دارد) (بیست CD)
- ۱۲- درس خارج فقه (سبّ المؤمن)، ۱۰ درس - صوتی (یک CD)
- ۱۳- درس خارج فقه (سبّ المؤمن)، ۱۰ درس - تصویری (شش CD)
- ۱۴- از آغاز تا انجام، متن کتاب به صورت گفتاری (یک CD)
- ۱۵- روضه کافی، ۱۱۹ درس - صوتی (شش CD)
- ۱۶- روضه کافی، ۱۱۹ درس - تصویری (چهل و هشت CD)
- ۱۷- نماز عید فطر سالهای ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۷ - تصویری (چهار CD)
- ۱۸- درس اخلاق (جامع السعادات) - صوتی (درس ادامه دارد) (دو CD)
- ۱۹- درس اخلاق (جامع السعادات) - تصویری (درس ادامه دارد) (صد CD)
- ۲۰- اسوه پایداری - صوتی و تصویری (یک CD)
- ۲۱- کتاب همراه (کتابهای قابل استفاده با گوشی تلفن همراه با پسوند JAR) (یک CD)

فهرست کتاب‌های منتشر شده فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

● کتاب‌های فارسی:

- ۱- درسهایی از نهج البلاغه (۳ جلد) ۱۱۵۰۰ تومان
- ۲- خطبه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۳۰۰۰ تومان
- ۳- از آغاز تا انجام (در گفتگوی دو دانشجو) ۱۵۰۰ تومان
- ۴- اسلام دین فطرت ۶۰۰۰ تومان
- ۵- موعود ادیان ۴۰۰۰ تومان
- ۶- مبانی فقهی حکومت اسلامی (۸ جلد) ۲۵۰۰۰ تومان
- جلد اول: دولت و حکومت ۲۵۰۰ تومان
- جلد دوم: امامت و رهبری ۲۵۰۰ تومان
- جلد سوم: قوای سه‌گانه، امر به معروف، حسبه و تعزیرات ۳۰۰۰ تومان
- جلد چهارم: احکام و آداب اداره زندانها و استخبارات ۲۵۰۰ تومان
- جلد پنجم: احتکار، سیاست خارجی، قوای نظامی و اخلاق کارگزاران... ۲۵۰۰ تومان
- جلد ششم: منابع مالی حکومت اسلامی ۳۰۰۰ تومان
- جلد هفتم: منابع مالی حکومت اسلامی، فیء، انفال ۴۵۰۰ تومان
- جلد هشتم: احیاء موات، مالیات، پیوست‌ها، فهارس ۴۵۰۰ تومان
- ۷- رساله توضیح المسائل ۲۰۰۰ تومان
- ۸- رساله استفتائات (۳ جلد) ۹۰۰۰ تومان
- ۹- رساله حقوق ۵۰۰ تومان
- ۱۰- احکام پزشکی ۱۵۰۰ تومان
- ۱۱- احکام و مناسک حج ۲۰۰۰ تومان
- ۱۲- احکام عمره مفرده ۵۰۰ تومان
- ۱۳- معارف و احکام نوجوان ۱۵۰۰ تومان
- ۱۴- معارف و احکام بانوان ۲۰۰۰ تومان
- ۱۵- استفتائات مسائل ضمان (نایاب)
- ۱۶- حکومت دینی و حقوق انسان ۱۵۰۰ تومان

- ۱۷- مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر ۱۵۰۰ تومان
 ۱۸- مبانی نظری نبوت ۱۰۰۰ تومان
 ۱۹- سفیر حق و سفیر وحی ۲۵۰۰ تومان
 ۲۰- جلوه‌های ماندگار (پند، حکمت، سرگذشت) ۳۰۰۰ تومان
 ۲۱- ستیز با ستم (بخشی از اسناد مبارزات آیت‌الله‌العظمی منتظری) (۲ جلد) ۱۵۰۰۰ تومان

● کتاب‌های عربی:

- ۲۲- دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية (۴ جلد) ۱۱۰۰۰ تومان
 ۲۳- کتاب الزکاة (۴ جلد) ۱۰۰۰۰ تومان
 ۲۴- دراسات في المكاسب المحرمة (۳ جلد) ۱۲۰۰۰ تومان
 ۲۵- نهاية الأصول ۳۲۰۰ تومان
 ۲۶- نظام الحكم في الإسلام ۴۰۰۰ تومان
 ۲۷- البدر الزاهر (في صلاة الجمعة والمسافر) ۲۵۰۰ تومان
 ۲۸- کتاب الصوم ۴۵۰۰ تومان
 ۲۹- کتاب الحدود ۵۰۰ تومان
 ۳۰- کتاب الخمس ۴۵۰۰ تومان
 ۳۱- التعليقة على العروة الوثقى ۷۰۰ تومان
 ۳۲- الأحكام الشرعية على مذهب أهل البيت عليه السلام ۱۵۰۰ تومان
 ۳۳- مناسك الحج والعمرة ۲۵۰ تومان
 ۳۴- مجمع الفوائد ۲۵۰۰ تومان
 ۳۵- من المبدأ إلى المعاد (في حوار بين طالبين) ۱۵۰۰ تومان
 ۳۶- الأفق أو الآفاق (في مسألة الهلال) ۱۰۰۰ تومان
 ۳۷- منية الطالب (في حكم اللحية والشارب) ۵۰۰ تومان
 ۳۸- رسالة مفتوحة (رداً على دعايات شنيعة على الشيعة و تراثهم) ۵۰۰ تومان
 ۳۹- موعود الأديان ۴۰۰۰ تومان
 ۴۰- الإسلام دين الفطرة ۶۰۰۰ تومان
 ۴۱- خطبة السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام ۴۰۰۰ تومان

